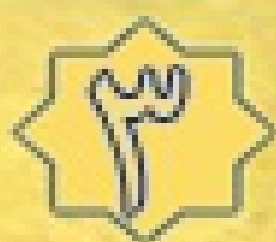


اعلام اصفهان

تألیف: سید مصلح الدین مهدوی

تصحیح، تحقیق و اضافات: غلامرضا نصراللهی

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلام اصفهان

نویسنده:

مصلح الدین مهدوی

ناشر چاپی:

سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اعلام اصفهان: جلد سوم – «ر ظ»

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۲۹۴-۱۳۷۴.

عنوان و نام پدیدآور : اعلام اصـفهان / مصلح الدین مهدوی ؛ تصحیح ، تحقیق و اضافات غلام رضا نصراللهی؛ [برای] سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل ، ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام.

مشخصات نشر : اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریـال : ج .۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۸-۴۸-۰ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریـال : ج.۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۴۷-۴۷-۸ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲۰-۲۷-۹ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۱۳۰-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۳ (چاپ اول : ۱۳۸۹) (فیپا).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ – الف.- ج. ۲. ب – ذ.- ج .۳. ر – ظ.- ج.۴.ع

موضوع : مشاهیر -- ایران -- اصفهان-- سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان --سرگذشتنامه

شناسه افزوده : نصرالهی، غلامرضا

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

شناسه افزوده : ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام

رده بندی کنگره : DSR۲۰۰۱ /ص۷۲۵ م۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۲۹۶۴

ص: ۱

اشاره

اعلام اصفهان

جلد سوم

«ر ظ»

دانشمند محقّق، زنده یاد

سیّدمصلح الدّین مهدوی

(۱۲۹۴ ۱۳۷۴ش)

تصحیح، تحقیق و اضافات

غلامرضا نصراللّهی

۱۳۸۸

مقدّمه تحقیق

بار دیگر لطف خداونـد شامل حال ما شـد و موفق به تنظیم و چاپ سوّمین جلـد از کتاب «اعلام اصـفهان» شـدیم که اینک در اختیار شماست و شامل مدخل هایی است که با حرف (ر، ز، ژ، س، ش، ص، ض، ط، ظ) شروع می شود.

خدمت بزرگی که مرحوم اسـتاد مصلح الدّین مهدوی رحمه الله در این مجموعه عظیم، نموده اند، گشودن چندین هزار مدخل جدید شـرح حال از علماء، شعراء، هنرمندان، سیاستمداران، عرفاء و بزرگانی است که منبع دیگری برای اطّلاع از احوال و آثار آنان موجود نیست و یا در کمتر جایی می توان از آنان نام و نشانی یافت.

البتّه ممکن است کسـانی باشـند که این شـرح حـال ها را غیرضـروری و بی فایـده بداننـد. این عزیزان از این مطلب غافلنـد که بزرگـان علم و فرهنـگ مـا همچون فردوسـی، مولوی، حافظ، سـعدی، خواجه نظام الملک، فارابی، ابن سـینا، خوارزمی، شـیخ بهائی، مجلسی، میرعماد و امثالهم، درست است که خود صاحب نبوغ و قریحه خدادادی بوده و با تلاش و زحمت شبانه روزی قلّه های بلند فرهنگ و هنر و علم را فتح کرده اند. ولی آنان مدیون هزاران چهره گمنامی هسـتند که فرهنگ و دانش و هنر را پاس داشـته و ترویج کرده و به نسل های آینده انتقال داده اند و لازم است با این چهره های گمنام امّا خدوم و مؤثّر در تکامل علمی و فرهنگی کشورمان آشنا شویم. بسیاری از این افراد گمنام با آثار به جای

مانده از خود هویت تاریخی و فرهنگی ما را شکل داده اند ضمن آنکه بسیاری از آنان از شهرها و روستاهای کوچک و کم اهمیّتی برخاسته اند که بیان شرح حال آنان می تواند در تدوین تواریخ محلّی به کار آید و برای محققّان منبعی ارزشمند تلقّی شود.

البتّه این بدان معنی نیست که مؤلّف فقید هر شخص کم اهمیت و چهره گمنامی را در این کتاب مطرح ساخته و برای او بزرگ نمایی کرده اند. چرا که تمامی مطالب این کتاب متّکی بر اسناد و منابع معتبر است و گزینش مدخل های کتاب تابع ملاک های علمی و قابل قبول برای محقّقان و صاحب نظران است.

پس از انتشار دو جلد قبلی «اعلام اصفهان» در برخی از سایت های اینترنتی همچون: «کتابخانه تخصّصی تاریخ اسلام» و «مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل» به معرّفی این اثر پرداخته شد و یا در برخی از نشریات و مجلّات همچون: «آئینه پژوهش» و هفته نامه «ندای یزد» به معرفی و نقد آن اقدام شد. از تلاش و زحمت مدیران و نویسندگان این سایت ها و مطبوعات قدردانی و تشکر می کنیم و از نقدها و راهنمائی های آنان در تصحیح تکمیل و رفع نواقص کتاب استفاده خواهیم کرد.

به هنگام وفات استاد مهدوی بسیاری از شعرای اصفهان در رثای ایشان شعر سرودند و ما در نظر داشتیم که این اشعار را به همراه مقالات و مطالب دیگر در یادنامه ای منتشر کنیم ولی اشتغال به تکمیل و تحقیق این کتاب ما را از تهیه و چاپ یادنامه بازداشت. بدین خاطر اکنون مطالبی را که در مورد ایشان فراهم آورده ایم، به تدریج در مقدمه جلدهای مختلف «اعلام اصفهان» می آوریم تا با فراهم شدن شرایط، این مطالب به همراه سایر مقالات در آینده در یادنامه مخصوص ایشان به چاپ برسد.

در پایان از همه کسانی که در تایپ، نمونه خوانی و غلط گیری، نظارت، چاپ و صحافی و انتشار و پیگیری امور جهت چاپ کتاب فعالیّت کرده اند و در جلدهای قبل به نام آنان اشاره کرده ایم صمیمانه تشکر می کنیم و سلامتی و موفقیت آنان را از خداوند متعال خواهانیم. از اساتید معظم حوزه و دانشگاه، محقّقین علاقمندان که مطالبی جهت

نقـد و بررسـی و تکمیل و تصـحیح کتاب دارنـد تقاضا داریم آنها را در اختیار ما قرار دهنـد تا در مجلّـدات بعدی و یا قسـمت (استدراک) کتاب از آنها استفاده کنیم.

و للّه الحمد و السّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

۱۵ شعبان المعظم ۱۴۳۰ ه.ق

۱۶/۵/۸۸

غلام رضا نصراللّهی

از شمار دو چشم یک تن کم

و از شمار خرد هزاران بیش

سوگنامه

استاد سیّد مصلح الدّین مهدوی«ره»

(۱۳۷۴-۱۲۹۴ش) - (۱۴۱۶-۱۳۳۴ق)

مؤلّف کتاب

بر حیاتی که آن بود چو حباب دل مبندید یا ابوالالباب

زندگی جهان بود تاری که تندوش بافته به لعاب

یا جهان کوره ایست از آتش عمر ما اندر آن بود سیماب

یا که سراب سوزانیست که نماید به دیده برکه آب

این جهان آن کلاه بر دادیست که ربود افسر از سر داراب

بین چگونه به تیشه نیرنگ کاخ کسری وجم نمود خراب

پژمرد هر گلی که می بینی در گلستان اگر بود شاداب

مسکنت خاک می شود آخر کاخ سازی اگر ز لعل حسّاب

هست اجل چون عقاب و ماصعوه صعوه گر برَهَد ز چنگ عقاب

خاک تنهاست خوانیش خم می خون دلهاست گوئیش می ناب

من نگویم بگوشه ای بنشین تا کند مرگ بر تو دق الباب

یا همه سعی و کوشش خود را منحصر کن به پوشش و خور و خواب

گویمت تا نیامدست اجل خویش را ای اسیر تن دریاب

کوش تا سوی ساحل آری دو نه شوی غرق در ته گرداب

گرد خود همچو گردباد مپیچ باش مثمر بسان مهر و سحاب

گر سواری به مرکب منصب اسب هر سو متاز جز به صواب

چون عنان گیرد از کفت آخر گر گرفتت کنون زمانه رکاب

صد هزاران حوادث آید پیش که یکی را ندیده ای در خواب

بین چگونه بزد اجل ناگه بر رخ مهدوی نقاب تراب

آن فضیلت ماب علم پژوه ادب آموز و استاد آداب

آن معلم که دوره تعلیم تا به پیری رساند دور شباب

آن نویسنده ای که می باشد شائقی این زمان جو او کمیاب

آنکه نزد عموم مردم بود اهل تقوی و زهد و دین به حساب

آنکه اهل کمال و دانش را بود از جالسین و از اصحاب

آنکه با بینش و سلیقه خود که هم از اهل دانش و کُتاب

کُتبی چند گرد آورده در رجال و تراجم و انساب

آنکه بودند قوم و آبائش همه از صالحین و از اطیاب

بود سبط فقید کرمانی مقتدائی ز توده انجاب

پدرش بود در سپهر ادب تابناک اختری بنام شهاب

سال فوتش سئوال از برنا شد به شمسی و وی بداد جواب

«مصلح الدّین مهدوی از کف دیگر افکند لوح و کلک و کتاب»

۱۳۷۴ش

فضل اله خان اعتمادی خوئی (برنا)

***

مهدوی مرد علم و عرفان بود هستی او ز جوهر جان بود

سینه اش پر ز درد و بی کینه روشنی بخش آب و آئینه

دل پاکش صفای دریا داشت یک جهان معرفت در او جا داشت

از تبار و قبیله غم بود روح معراجیش چو شبنم بود

داشت در مزرع دلش ریشه سرو عرفان و نخل اندیشه

سایه بان مسافر جان بود روحش از تار و پود عرفان بود

جسته بود آب و لاله را انساب نسبتی داشت با مه و مهتاب

باغ جانش گل ریاضت داشت سکر دل از می رسالت داشت

بود در زهد و دانش و اخلاق به یقین در زمانه خود طاق

سخن او عصاره جان بود مظهر عشق و مهر و ایمان بود

ای دریغا که رفته او از دست شاخه سرو آرزو بشکست

در فراقش اگر دلم خون است شرح دردم ز گفته بیرون است

شادی ای دل دگر حرامت باد ز هر اندوه و غم به کامت باد

تا که شد بلبل سخن خاموش دل فکنده ردای غم بر دوش

خواست تا با زبان الکن خویش سال فوتش بگوید این درویش

خسته بودم ز گردش فلکی هاتفی داد این ندا که یکی

رفت از این جمع و گفت با شیون «خون شد از مرگ مهدوی دل من»

قمری ۱۴۱۶=۱-۱۴۱۷

عبدالعلی غفوری

***

مصلح الدّین مهدوی طی کرد عمر خود را به کسب علم و کمال

در ادب بود کم نظیر و عدیل در هنر بود بی بدیل و مثال

عاشق بی قرار علم و ادب بی توجه به جمع مال و منال

سینه اش از غرور و کینه تهی از خضوع و خلوص مالامال

بعد یک عمر دوری از محبوب یافت رخصت به بارگاه جلال

کای ز ما دور سالیانی چند شب هجران نهاد رو به زوال

شام ظلمانی فراق گذشت رخ نمود آفتاب صبح وصال

تشنه ای چشمه سار می جویی کوثر اینک ترا او آب زلال

مرغ روحش گشود بال و پرید از زمین رو به کعبه آمال

ماه خرداد او ز خلق برید شد به دیدار خالق متعال

توشه راه آخرت بربست ذکر خیری نهاد در دنبال

عندلیب این ادیب جاوید است در دل اهل فضل در هر حال

محمود عندلیب

***

گذشته است اگر روزگار جوانی نه رفته است از دل تو را شادمانی

هنر کسب کردن به ایام خردی به از آنکه در پیری و ناتوانی

غمی نیست دنیای ما گر ندارد به جز حسرت و درد و نامهربانی

امید است از حق که تا روز محشر تو ای مرد دانا سلامت بمانی

نوشتی به وصف هنرهای این شهر سخن های شیرین به شیرین زبانی

کتاب فراوان نوشتی و دانیم تو از زمره تا ابد زندگانی

فضا را تو کردی پر از عطر دانش سخن را تو گیسوی عنبرفشانی

چو خواهد تو را وصف گوید زبانم ندارد به جز قدرت ناتوانی

سه چیز است سرمایه رستگاری جوانمردی و همت و مهربانی

تو را هست این هر سه ای مصلح الدّین تویی بهر ما مصلح الدّین ثانی

چگونه توانم ستودن تو را من که هرگونه گویم نکوتر از آنی

چه نیکو نوشتی رجال سپاهان کند فخر بر خامه ات اصفهانی

هر آنکس که خواند بیان المفاخر شود آگه از رمز و راز معانی

عیان کرده ای رازی از تخت فولاد به دل دارد این خاک رمز نهانی

ستودی تو علامه مجلسی رحمه الله را بمدحش نمودی تو گوهرفشانی

نگهدار هستی تو از علم و دانش ز اهل ادب کرده ای دیده بانی

امید است از لطف بی حد یزدان برتایید حق شاد و خرم بمانی

دو صد سال دیگر به شهر سپاهان کنی با ادیبان آن هم زبانی

الا ای ادیب اریب محقّق که فانوس روشنگر کاروانی

مرا مایه زین بیش نبود چه گویم در این مجمع علم و فضل و معانی

چه بهتر که پایان برم چامه را «نصر» بگویم تویی مصلح الدّین ثانی

سلامت در این دهر ای دانشی مرد بمانی بمانی بمانی بمانی

عبدالعلی نصراصفهانی

***

در غم مهدوی از چشم گهر می ریزد لعل و یاقوت ز هر دیده تر می ریزد

مرگ او جامعه علم و ادب را داغیست که به تشییع غمش ابر گهر می ریزد

زردرویی کشم از غصه که از رخ گل سرخ برگ زردیست که از چشمه دُر می ریزد

این چه سرّیست ندانم که گل ماتم را آسمان بر سر ارباب هنر می ریزد

این چه رازیست که تلخ است به عالم کاهش گرچه از کلك هنرمند شکر می ریزد

زیر این سقف شکسته منشین با دل امن چون ز هر روزن آن خاك خطر می ریزد

کار تحقیق نه کاریست که آسان باشد صد چه سیمرغ در این وادیه پر می ریزد

«مهدوی» مصلح دین سیّد والا مقدار که ز داغ دل من خاك به سر می ریزد

رفت و بگذاشت ز خود صد اثر جاویدان که ز هریك هنرش لطف دگر می ریزد

یاد او تا به ابد زنده و جاوید بود این درختی است کز آن میوه تر می ریزد

نه «طلائیست» از این داغ سرشکش جاری «زنده رود» است که اشکش چو گهر می ریزد

ص: ۱۸

حاج احمد غفورزاده (طلائی)

***

مصلح الدّین مهدوی آن مرد بافضل و کمال کرد از این دار فانی سوی جنت ارتحال

مصلح الدّین اسوه ایمان و تقوا و خلوص مهدوی دانای نیکو سیرت و نیکو خصال

زاده زهرای اطهر مرد ایمان و عمل در صفات عالی و فرهنگ و دانش بی همال

شغل او آموزگاری بود همچون انبیاء داشت بر آموزش آینده سازان اشتغال

با وضو می رفت در مدرس برای تربیت تا که در اندیشه اش شیطان نیارد اختلال

بر دلش یاد خدا و بر لبش ذکر خدا دست و پای نفس را اینگونه می کردی عقال

آنکه با نیش قلم احیاگر تاریخ بود بهر تاریخ «بزرگان» یافت توفیق و مجال

هست تألیفات ارزشمند او «هشتاد جلد» شرح احوال خردمندان و اعیان و رجال

تا مصون ماند قبور نامداران از گزند تا حوادث قبر نیکان را نسازد پایمال

«سیر اندر تخت فولاد صفاهان» را نوشت چونکه او می داد بر تخریب اینجا احتمال

«تذکره» بنوشت بهر شاعران اصفهان «شرح حال مجلسی» آن بحر عرفان و کمال

بهترین «تاریخ علمی اجتماعی» را نوشت تا فراموشی نگردد باعث محو و زوال

او پی احیای آثار بزرگان بود و بس نه پی عنوان و شهرت، نه پی تحصیل مال

تا کند نام نکویان جاودان زحمت کشید روز و شب با پشتکار بی امان هشتاد سال

روزها را در پی تألیف و تدوین کتب شب بدرگاه خدا راز و نیاز و ابتهال

بهر خود بنهاد بر جا باقیات الصالحات باقیات الصالحاتی را که می بودش مَآل

نیست اندر اصفهان مانند این مرد بزرگ تا برای اهل علم و معرفت آدم مثال

اصفهان شد غرق ماتم از غم فقدان او اهل دانش سینه ها آکنده از حزن و ملال

سال شمسی یکهزار و سیصد و هفتاد و چار ارجعی بشنید از درگاه ذات ذوالجلال

بیست و شش روز از محرم چارمین از ماه تیر از سروش غیب بر گوشش ندا آمد تعال

غیر خوبی نیست در طومار عمرش احمدی شرح حال مهدوی بنمودم از هر کس سؤال

روح آن مرد خدا را در جنان محشور کن بارالها از کرامت با رسول اللّه و آل

عباس احمدی

***

باز غم کاشانه دل را گرفت غصه و ماتم دوباره پا گرفت

بود در ماه محرم دل دو نیم شد ز فقدان رخش شهری یتیم

«مصلح الدّین» رفت و دلها خون شده در غمش چشم جهان جیحون شده

عالمی از کف بشد پر مایه ای «آفتابی در میان سایه ای»

عمر خود را صرف اصفاهان نمود بر تن این ملک هر دم جان نمود

شاعران اصفهان را زنده کرد آری آری کار بس ارزنده کرد

روزگاری کار حق و دین نمود بس کتاب پر بها تدوین نمود

هم ز صهبای ولایت جام برد تا ز سادات صفاهان نام برد

زندگان علم را چون یاد کرد جستجو در تخته فولاد کرد

از هنرمندان این شهر قدیم از بزرگان و ز مردان عظیم

یادها بنمود و شهری زنده کرد نامشان را تا ابد پاینده کرد

چون که از آثار ایشان یاد شد جمله تألیفات او هشتاد شد

سیّد عباس حسامی (اِحساس)

***

علامه ای که مصلح دین بود و شرع ما ما را به کنج عزلت خود وانهاد و رفت

او مرد علم بود و عمل در جهان زهد معشوق را فدا شد و جان را بداد و رفت

پرواز کرد روح بلندش به آسمان جسمش به یادگار به دوران نهاد و رفت

دریای علم او همه از عشق بود و عشق در بیکرانه عقبا فتاد و رفت

در ادعای خود به هستی دادار لایزال عمرش فدا نمود و به برهان ستاد و رفت

باری نبود فکر تجمل به روزگار پایش گذاشت به سر کی هم قباد و رفت

در حیرت است «ایزدی» از ظلم روزگار کین اسوه چون فتاد بر این گردباد و رفت

گفتا مدام ایزدی از رهروان عشق دلخوش که «مهدوی» بنمودش جهاد و رفت

دکتر سیّد مهدی ایزدی

***

دارم به سینه درد و ملال نهفته را درد و ملال آن گل از دست رفته را

جز سیل اشک عقده ز دل وا نمی کند از شمع پرس قصه راز نگفته را

سر در نقاب خاک فرو برد «مهدوی» یادش بخیر آن گل در خاک خفته را

دریای علم بود دریغا ز دست رفت دریاب جان خسته دلان جان خسته را

هر لاله ای که بردمد از خاک این دیار یادآور است داغ عزیزان رفته را

زین آتشی که در جگر خاک مانده است سوزانده بس به باغ گل نو شکفته را

مصطفی هادوی (شهیر)

***

رفته از دنیا گرامی مرد حق و مرد دین سیّد عالی مقام و حامی اهل یقین

دائما با نظم و نثر و منطق و علم و بیان بود کارش، رشد دین پاک ختم المرسلین

از امامان یاد کرد و می نوشت و می سرود خاصه آثار و صفات آن امام سومین

دارد او مجموعه ای از شاعران اصفهان منتشر شد این کتاب خوب بهر مؤمنین

«مهدوی» ده ها کتاب مستطاب از او بماند بر روان پاک او هر دم هزاران آفرین

فوت او ماه محرم هفته اش ماه صفر ماتم آقا امام عسکری هم اربعین

«شمس» خواهد مصلح الدّین نزد آقایش حسین یادی از او کرده باشد بهر روز واپسین

حسین شمس

ص: ۲۵

اعلام اصفهان

«ر»

اشاره

رازی اصفهانی

رازی اصفهانی، [از شعراء قرن دهم هجری] برادر کِهتر محمّد شریف هجری بوده و در زمان شاه طهماسب، وزیر اصفهان شده است، غزل می سروده است.(۱)

راشد ثقفی اصفهانی

ابومحمّد راشد بن معدان بن عبدالرحیم ثقفی، از محدثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از نعمان روایت نموده و دو فرزندش محمّد و احمد و همچنین نواده اش محمّد بن احمد بن راشد ثقفی از محدثین آن روزگار بوده اند.(۲)

رافائل دومانس*

رافائل دومانس، مبلغ مذهبی و دانشمند فرانسوی مقیم اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او در سال ۱۰۲۲ق (مطابق ۱۶۱۳م) در فرانسه متولد شد. در سال ۱۰۵۴ق (۱۶۴۷م) به عنوان سرپرست هیأت کاپوسن های ایران، به اصفهان آمد و به تبلیغ مسیحیت مشغول شد. او در سال ۱۰۷۱ق (۱۶۶۰م) کتابی به نام «وضع ایران» نوشت و به «کلبر» وزیر فرانسه هدیه کرد و در آن، وضعیت ایران به صورت دقیق تشریح کرد.

او در تمام مدّتی که در ایران بود، در دستگاه شاه عباس ثانی و شاه سلیمان سمت مترجمی داشت و غالب مکاتبات و روابط این پادشاهان با کشورهای خارجی در ایام اقامت او در اصفهان توسط وی انجام می شد. میرزا عبداللّه افندی در کتاب «ریاض العلماء» می نویسد: ملّا محمّد صالح روغنی قزوینی در کتاب «نوادر العلوم و الادب» از رافائل یاد کرده و او را دانشمندی بزرگ در علوم مختلف خصوصا ریاضیات دانسته و

۱- تاریخ نظم و نثر، ص ۶۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۶۰۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۱۵؛ طبقات المحدثین باصبهان، ج ۲، ص ۲۴۷.

می نویسد: او با دانشی که از استادان فرنگی خود آموخته بود، آلتی ساخت که با آن بتوان اجرام آسمانی را مشاهده کرد. همچنین آلتی برای شنیدن ناشنوایان ساخت.

رافائل دومانس در سال ۱۱۰۸ق (۱۶۹۶م) در اصفهان درگذشت و در حوالی مسجد جامع اصفهان به خاك سپرده شد.(۱)

راهب رنانی

راهب رنانی، شاعر ادیب، از اهالی قریه رنان [که امروزه به شهر اصفهان پیوسته و آنرا «رهنان» می گویند] بوده و در قرن یازدهم هجری می زیسته است. وی سفری به هند رفته است.

این شعر از اوست:

چنان مکن که ز خاکم غبار برخیزد مباد پرده ام از روی کار برخیزد(۲)

محمّد ربیع اصفهانی

محمّد ربیع اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۶۹ق نسخه ای از «تلخیص الاقوال» استرآبادی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۰۲۷ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۳)

محمّد ربیع اصفهانی*

محمّد ربیع اصفهانی، شاعر ادیب، بهره ای از علم داشت و به شغل کتابفروشی امرار معاش می کرد.

از اوست:

۱- مجله یادگار: سال دوم، شماره دهم، خرداد ۱۳۲۵، صص ۳۳-۳۶؛ آرامگاه خارجیان در اصفهان، صص ۹۸-۱۰۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۳؛ الذریعه، ج۹، ص۳۵۳؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۳۷.

۳- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۵۰.

بس که در دل داشت جا ذوق گرفتاری مرا مشت خاک من پس از مردن زمین دام شد(۱)

ربیع انصاری

ربیع انصاری، نویسنده و روزنامه نگار ادیب در سال ۱۳۱۸ق در اصفهان متولّد گردیده و تحصیلات خویش را در این شهر انجام داده در اوایل جوانی شعر می گفته و «بهار» تخلّص می کرده و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد. در اواخر سال ۱۳۱۹ش روزنامه «کیوان» را منتشر کرد [پس از اینکه جدایی طلبان فرقه دموکرات وابسته به شوروی به آذربایجان دست یافتند] در سال ۱۳۲۴ش به اصفهان آمده و دو سال در آنجا روزنامه کیوان را انتشار داد و پس ختم غائله به ارومیه مراجعت کرد. او به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، عربی، ترکی و آشوری آشنا بوده و به کشورهای اروپایی مسافرت کرده بود.

این کتابها از اوست:

۱. «جنایات بشر یا آدم فروشان قرن بیستم»، مطبوع ۲. «داوری تربیت»۳. «سیزده عید»۴. «وضع اجتماعی زن»

از اوست:

گرچه رنج سخت جان از سستی پیمان اوست صد هزاران دست دل از عشق بر دامان اوست

ساغر عیشم شکست او گرچه از سنگ فراق مستی ما جمله از پیمانه پیمان اوست(۲)

۱- تذکره صحف ابراهیم، ص۱۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۲۸۸.
۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹۴ و ۹۵؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۴، ص۱۵۳؛ چهره مطبوعات معاصر، صص ۱۸۳ و ۱۸۴؛ فرهنگ داستان نویسان ایران، ص۴۳؛ الذریعه، ج۵، ص۱۵۴.

محمّد ربیع نصیری طوسی*

محمّد ربیع بن محمّد ابراهیم نصیری طوسی، از ادباء و دانشمندان اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او در زمان شاه سلیمان صفوی محرری سرکار تفنگچیان را داشته و در عهد همین پادشاه به همراه کاروانی عازم سیام (تایلند) شده و شرح سفر خود را در کتابی به نام «سفینه سلیمانی» آورده است.(۱)

این کتاب به تصحیح عباس فاروقی در سال ۱۳۵۶ش توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

سیّد محمّد ربیع امامی*

سیّد محمّد ربیع بن سیّد احمد عریضی حسینی امامی، از فضلاء گمنام اوایل قرن دوازدهم هجری و از سادات اصیل و قدیمی امامی عریضی اصفهان است. وی در سال ۱۱۰۸ق «اصول کافی» تألیف: شیخ کلینی را به خط نسخ کتابت کرده است که به شماره ۸۰۳۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.(۲)

همچنین او در ۶ ربیع الثانی ۱۱۰۷ق کتابی به فارسی در اعمال ماهها و ادعیه سفارش شده آن ماهها در یک مقدمه، ۹ فصل و یک خاتمه به نام «خلاصه الاعمال» تألیف کرده که به شماره ۴۵ در کتابخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان موجود است.(۳)

محمّد ربیع اصفهانی (رئیس)*

محمّد ربیع بن برخوردار اصفهانی معروف به «رئیس»، خطاط نستعلیق نویس قرن

۱- دستور شهر یاران: مقدمه، ص۵۲.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۶۳۸.

۳- فهرست ارشاد کاشان، صص ۵۳-۵۷.

یـازدهم هجری که در چهارشـنبه ۲۰ ربیع الاـوّل ۱۰۹۲ق نسـخه ای از «التعلیقـه السّـجادیّه» تـألیف: ملّـا مراد تفرشـی را به خط نسـتعلیق خوش نوشـته و به شماره ۱۲۰۶۵ در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی در قم موجـود است.(۱) همچنین نسـخه ای از کتاب «شواهـد الاسـلام» تـألیف: میرزا رفیع گیلاـنی را به خـط نسـخ در سال ۱۰۹۲ق کتـابت کرده کـه به شـماره ۱۸۸۱ در کتابخـانه مجلس شـورای اسـلامی موجود است.(۲) و نیز نسـخه ای از «احقـاق الحق» تـألیف: قاضـی نوراللّه شوشـتری که در ۱۴ شعبان ۱۰۹۹ق کتابت کرده و به شماره ۱۰۱۹۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)

سیّد ربیع اردستانی

سیّد ربیع بن شـرف جهان بن ابی الصّـلاح بن جعفر حسـنی اردسـتانی، از فضلای قرن یازدهم هجری.(۴) ظاهرا در اصـفهان به تحصیل مشغول بوده و به احتمال زیاد نزد سیّد علاءالدّین محمّد گلستانه تلمّذ کرده است.

از آثـار او کتـابت نسـخه ای از «نهـج البلاـغه» است که آن را در یکشـنبه ۱۸ جمـادی الآخر ۱۰۷۴ق است و در حاشـیه نسـخه مطالب فراوانی از سیّد علاءالدّین محمّد گلستانه نقل کرده است.(۵)

[وی همچنیـن در ۲۱ رجب ۱۰۷۵ق نسـخه ای از کتـاب «مختلف الشّـیعه» تـألیف: علّـامه حلّی را کتـابت کرده که در کتابخانه مدرسه دامغانی همدان موجود بوده است].(۶)

محمّد ربیع کاتب اصفهانی*

۱- فهرست مرعشی، ج ۳۰، ص ۴۶۴.

۲- فهرست مجلس، ج ۵، ص ۲۶۳.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص ۳۲.

۴- آتشکده اردستان، ج ۲، ص ۲۷۱.

۵- تراجم الرّجال، ج ۱، ص ۲۱۲.

۶- نسخه های خطّی، ج ۵، ص ۳۴۹.

محمّد ربیع بن محمّد شفیع کاتب اصفهانی، از کاتبان و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از «الاربعون حدیثا» تألیف: شیخ عزّالـدین حسـین حارثی عاملی (پدر علّامه شـیخ بهائی) را به خط نسخ در ۷ ربیع الثانی ۱۰۹۳ق کتابت کرده که اینک در کتابخانه مرحوم سیّد رضا ابوالبرکات در اصفهان موجود است.(۱)

ربیع دیمرتینی*

ربیع بن حاجی علی عسکر دیمرتینی جی اصـفهانی از کاتبان عهد شاه سلطان حسین صفوی در قرن دوازدهم هجری است. او جلـد اول «بحارالأنوار» تألیف علّامه مجلسـی را در ۴ ربیع الاوّل ۱۱۳۴ق کتـابت کرده است که در کتابخـانه علّامه محقق حاج سیّد محمّد علی روضاتی موجود است.(۲)

«دیمرتین» از دهات جی اصفهان است که گویا در روزگار ما به آنجا «تیمیارت» می گویند.

آقا محمّد ربیع خوانساری

آقا محمّد ربیع بن آقا رضـی الدّین محمّد بن آقا حسین خوانساری از فضلاء قرن دوازدهم هجری در اصفهان سکونت داشته و در سال ۱۱۵۹ق به هنـد رفته و مورد احترام محمّـد شاه پادشاه هنـد واقع شده و میرزا نجف خان به تعظیم او کوشـیده است. به ندرت شعر می گفت [لذا نسبت دادن دیوان شعر به او از سوی مؤلّف «الذریعه» جای تأمّل است.]

از اوست:

کی سر و برگ تماشای بهار است مرا گل به چشم از غم هجران تو خار است مرا(۳)

۱- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۶۵.

۲- فهرست کتب خطّی اصفهان، ج۱، ص۷۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۶۰؛ صحف ابراهیم، ص۱۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۲۸۸؛ الذریعه، ج۹، ص۳۵۵؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۳۰۷.

محمّد ربیع طیری اصفهانی

محّمد ربیع اصـفهانی، متخلّص به «طیری» شاعر ادیب قرن دوازدهم هجری. در اصفهان به شغل زرکشی امرار معاش می کرد و در سرودن شعر طبعی روان داشت، امّا بـا این حـال اغلب حال جنون و سودا بر مزاج او غالب بود، تا جایی که هر سال برای خود مادّه تاریخ فوت می ساخت، غیر از سال آخر که از ساختن مادّه تاریخ فوت خود باز ماند. او عاقبت از شدت شوریدگی و پریشان حالی، خود را در چاه افکنـده و وفات یافت. سال فوت او ۱۱۵۹ق است. اشـعار او در اثر حوادث روزگار از بین رفته و فقط چند بیتی باقی مانده است.

از اوست:

درین گلشن من آن حسرت نگر مرغ گرفتارم که گاهی از شکاف دام بیند آشیانش را(۱)

محمّد ربیع مستوفی*

محمّد ربیع، از خوشـنویسان اوایل قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نزد محمّد صالح اصفهانی خط نستعلیق را مشق کرده است. او عاقبت به منصب مستوفی خاصه برگزیده شد.(۲)

آقا ربیع نصرآبادی*

۱- تـذکره آتشـکده: نیمـه دوم، ص۵۸۹؛ تـذکره سـفینه المحمود، ج۱، ص۲۵۴؛ تـذکره روز روشـن، ص۵۰۵؛ الـذریعه، ج۹، ص۶۵۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۱۷.

آقا ربیع نصرآبادی، از معماران قرن یازده هجری و از اهالی روستای «نصرآباد» جرقویه است، وی از معماران و بنّایان مسجد جامع جدید عباسی (مسجد امام فعلی) بوده و پس از وفات در نجف اشرف مدفون شده است.(۱)

ربیع الدّین جابری

ربیع الدّین بن رفیع الدّین مستوفی الممالک جابری، از بزرگان خاندان جابری انصاری در اصفهان است. پس از کشته شدن برادرش میرزا حسین در سال ۱۱۵۸ق به دستور نادرشاه؛ مدّتی کلانتر اصفهان بود. بعد از فوتش منصب کلانتری اصفهان به خاندان حکیم سلمانی (که از سادات موسوی اصفهان هستند) منتقل شد.(۲)

رجاء یونسی اصفهانی

ابوالفتح رجاء بن ابراهیم بن عمر بن حسن بن یونس بن حسن بن یحیی یونسی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.

او و پدرش و دو عمویش ابوالعبّاس احمد و ابوعلی حسن از مشاهیر محدّثین می باشند و بزرگتر آنان ابوالعبّاس احمد می باشد. صاحب عنوان از: ابوطاهر محمّد بن ابراهیم حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است. وی در ماه ربیع الاوّل سال ۵۱۷ق وفات یافته است.(۳)

رجاء مَعدانی اصفهانی

ابوالقاسم رجاء بن ابی المطهر حامد بن رجاء معدانی خطیب اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری. خاندان او اهل علم بوده و جد اعلای او در مسجد

۱- گرکویه (ویرایش دوم)، ص ۲۱۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۱۳؛ تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۱۹.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۷۹؛ المشتبه، ج ۲، ص ۶۷۴.

جامع قدیم اصفهان به خطابه می پرداخته است. خود او به فضل و دیانت معروف بوده و ابوسعد سمعانی از او با عنوان «امام فاضل و سدید السیرّه» یاد کرده است.

از حافظ ابومسعود سلیمان بن ابراهیم حدیث شنیده و سمعانی از او و برادرش عمر بن حامد – از امالی جرجانی – حدیث شنیده است.(۱)

رجاء جرواءانی اصفهانی

ابوغَسّان (یا ابومحمّد) رجاء بن صهیب جُرواءانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری است. او از افاضل مردم اصفهان و مستجاب الدعوه بوده و در مسجد فضل بن برغوث اصفهان اذان می گفته است و در سال ۲۵۱ق وفات یافته است.

رجاء جُرواءانی از روح بن عُباده، بکر بن بکّار، سعید بن عامر، یعقوب حضرمی، محمّد بن زنبور و دیگران نقل حدیث کرده و عبداللّه بن سنده بن ولید و دیگران از او حدیث شنیده اند.(۲)

[جُرواءان، از محله های معروف اصفهان در شش قرن پس از هجرت بوده ولی در روزگار ما نامش فراموش شده و کمتر کسی از اصفهانیان است که این نام را شنیده باشد].

رجاء اصفهانی*

ابوالفتح رجاء بن عبدالواحد اصفهانی، از محدّثین عامه در قرن پنجم است. ابو داود سیهویه بن اسماعیل بن داود واحدی (معروف به «قزداری») از او حدیث شنیده است.(۳)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۵؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

۳- لغت نامه دهخدا، ذیل «قزداری».

رجاء اصفهانی

ابوالفرج رجاء بن محمّد بن احمد بن جعفر بن روح قاضی [اصفهانی]، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری بوده و سیّد ابوالرّضا یحیی بن زید بن خلیفه حسنی ساوه ای (م ۵۴۱ق) از وی حدیث شنیده است.(۱)

رجاء اصفهانی

ابوالفرج رجاء بن نصر اصفهانی، معروف به «بُلفَرَج»، از دانشمندان اصفهان است که مافرّوخی در کتاب خود او را در ردیف فلسفه، ریاضیدانان و منجمین متقدم ذکر کرده است.(۲)

رجبعلی اصفهانی

رجبعلی اصفهانی [خطاط نسخ نویس قرن دوازدهم هجری] وی کتب چندی را کتابت نموده که از آن جمله است:

۱. مجموعه ای مشتمل بر ده رساله که در سالهای ۱۱۱۷ و ۱۱۱۸ق نوشته که به شماره ۲۸۱۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۳)

۲. «آداب العرب و الفرس» جلد یکم تألیف: ابن مسکویه را در رمضان ۱۱۲۳ق کتابت نموده و به شماره ۳۴۹۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۴)

۳. «صراط النّجاه» تألیف: علّامه مجلسی که در سال ۱۱۲۴ق کتابت کرده و در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۵)

۴. در تاریخ سه شنبه ۱۰ شعبان ۱۱۱۶ق نسخه ای از «شرح کافی» ملّا محمّد تقی

۱- التّحبیر، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۴.

۳- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش یکم، ص ۱۱۶.

۴- فهرست رضوی، ج ۶، ص ۳۷۱.

۵- فهرست ملّی، ج ۵، ص ۲۸۰.

مجلسی را برای دانشمندی به نام حسام الدّین محمّد اصفهانی به خط نسخ کتابت نموده است. کتاب به شماره ۴۲۸۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)محتمل است که او از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی باشد.

رجبعلی اصفهانی*

رجبعلی اصفهانی، فرزند آقا ابوطالب تاجر. از خوشنویسان نسخ نویس در قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «زاد المعاد» تألیف علّامه مجلسی را به خط نسخ در دهه آخر شوال ۱۲۳۷ق کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۸۱ در کتابخانه مدرسه آیت اللّه بروجردی در کرمانشاه موجود است.(۲)

رجبعلی نقنه ای

رجبعلی بن کربلایی ابوعبداللّه نقنه ای [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] مجموعه ای شامل چند رساله: «رساله در مراتب حساب»، «بیست باب در اسطرلاب»، «تلخیص مفتاح الحساب»، «تحفه» و «تحفه نظامیه» یا «شرح سی فصل» را در سال ۱۲۵۹ق نوشته است. کتاب به شماره ۵۷۷ در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

رجبعلی گلزار

آقا رجبعلی گلزار فرزند حاج ملّا حسین، ادیب فاضل و شاعر ماهر [از سخنوران قرن چهاردهم هجری].

در ۱۳ رجب ۱۳۰۲ق در اصفهان متولّد شده و مقدمات علوم ادبیّت و عرب را نزد

۱- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۲۹۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۳۰.

۲- فهرست مدرسه بروجردی کرمانشاه، ص۶۲.

۳- فهرست گوهرشاد، ج۲، صص ۶۹۰ و ۶۹۱.

پدر و سایر اساتید به پایان رسانید. از اوان جوانی به سرودن شعر پرداخته و به انجمن های ادبی راه یافت و خصوصا در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد.

او پیرمردی زنده دل و خوش مشرب بود. او در ۱۹ رجب سال ۱۳۶۶ق وفات یافته و در تکیه ای به نام خودش (تکیه گلزار) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

[تاریخ وفات او را شکیب اصفهانی چنین گفته است:

از باغ جنان بلبل، سر کرد برون گفتا: «گلزار» می گلگون زد از خُم روحانی]

دیوان اشعار گلزار در سال ۱۳۶۹ق به طبع رسیده است.(۱)

حاج رجبعلی افسرده*

حاج رجبعلی شمس متخلّص به «افسرده» فرزند حسینعلی، از شعرای معاصر خمینی شهر است. در سال ۱۳۰۲ش متولّد شده و پس از تحصیل در انجمن های ادبی شرکت کرده است.

از اوست:

می سوزم و می سازم، با عشق چو پروانه مجنونم و سرگردان، آواره ز کاشانه

پیموده ام این ره را، چون قطره اشک شمع سر ریزم و جان و دل، اندر ره جانانه(۲)

رجبعلی طوسی اصفهانی*

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۹۹ و ۴۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۲؛ دیوان شکیب اصفهانی، صص ۴۹۰ و ۴۹۱.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۳۶۷.

رجبعلی بن محمّـد صالح طوسی اصفهانی بن علینقی، از کاتبان دوره زندیه است. او اوایل قرن سیزدهم هجری را هم درک کرده و خط نسخ را با مهارت می نوشته است. مجموعه ای به خط او شامل «اصول فقه» تألیف: ملّا عبداللّه تونی و «شرح وافیه» تألیف: سیّد صدرالدّین محمّد رضوی قمی با تاریخ ۱۲۰۶ق در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

[وی از شاگردان شیخ احمد احسائی بوده و به دستور شاهزاده محمّـد ولی میرزا قاجار «الاربعون حدیثا» را به فارسی تألیف کرده که به شماره ۲/۸۷۸۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)]

رجبعلی اصفهانی*

رجبعلی بن عبداللّه اصفهانی، از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشت.

از آثار او کتابت «اخوان الصفا» تألیف: بهاءالدّین محمّد فاضل هندی به خط نسخ در سال ۱۲۳۸ق است.

این نسخه به شماره ۵۲۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳) همچنین او کتاب «مصاحب الخلوات» تألیف: میرزا فریدون بندپی مستوفی را به خط نسخ در دوشنبه اول جمادی الاوّل ۱۲۴۴ق کتابت نموده است. این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴) [او نسخه ای از «النهایه فی شرح الهدایه» تألیف: ملّا محمّـد تونی را در پنج شنبه ۱۹ محرّم ۱۲۳۹ق کتابت کرده که جزو کتابهای اهدایی خانواده مرحوم سیّد مصلح الدّین مهدوی به گنجینه نسخ خطی اصفهان موجود است.(۵)]

۱- فهرست وزیری، ج۴، ص۱۲۷۹.

۲- الشریعه، ج۱، ص۳۲.

۳- فهرست الفبایی رضوی، صص ۳۲ و ۶۸۷.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۷، ص ۲۱۰.

۵- فهرست کتابخانه سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص۱۰۳.

رجبعلی مازندرانی

رجبعلی بن خواجه علی مازنـدرانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در ۲۵ ربیع الثّانی سال ۱۰۵۰ق از کار کتابت رساله «مبادی آراء مدینه فاضـله» تألیف: فارابی را به خطّ نستعلیق در اصـفهان فراغت یافته و کتاب به شماره ۲ ضمن مجموعه شماره ۲۱۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

رحمان گنجی*

رحمـان گنجی، روزنـامه نگـار و نویسـنده معاصـر اصـفهان در حـدود سال ۱۲۹۷ش در روسـتای «اَرجَنـگ» در چهارمحـال و بختیاری متولّد شد. او در سال ۱۳۳۰ش هفته نامه «گنـج کوهرنگ» را تأسـیس کرد و با مقالات انقلابی خود از نهضت ملّی به شدّت حمایت کرد و با سـخنرانی های پرشور مردم را به مبارزه با اسـتبداد و اسـتعمار فرا خواند. به این خاطر در سال ۱۳۳۳ش نشریه اش توقیف شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او در سال ۱۳۶۰ش بار دیگر «گنج کوهرنگ» را منتشر کرد که تا سال ۱۳۷۱ش ادامه یافت.

گنجی در سال ۱۳۷۶ش درگذشت(۲) و در قبرستان امامزاده سیّد محمّد خمینی شهر به خاک سپرده شد.

استاد رجبعلی سنمار*

اسـتاد رجبعلی سـنمار فرزند اسـتاد غلامحسین، هنرمند معاصر و از اساتید معماری سنتی اصفهان است. در حدود سال ۱۲۸۵ش در اصفهان متولّد شده و از نوجوانی نزد

۱- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص۷۴۵.

۲- روزنامه سلام، ضمیمه استان اصفهان، مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۷۶؛ مجله دنیای سخن: شماره ۷۴، بهار ۱۳۷۶.

پـدر معماری را فرا گرفته و از سال ۱۳۴۷ش به اسـتخدام دفتر فنی سازمان حفاظت آثار باسـتانی درآمد. او و دو برادرش استاد هاشم و استاد ابوالقاسم اغلب نزد پدر به معماری بناها و مرّمت آثار تاریخ مشغول بوده اند.

او بسـیاری از بناها و آثار تاریخی اصـفهان همچون سـی و سه پل، مسـجد آقانور، تالار تیموری، مـدرسه چهارباغ، مسـجد شاه (مسـجد امام فعلی)، مسجد شیخ لطف اللّه، طاق های بازار بزرگ و بازارهای منشعب از آن، مسجد جامع و مسجد حاج محمّد جعفر (که در اثر بمباران هواپیماهای رژیم عراق در جریان جنگ ایران و عراق به شـدت آسـیب دیـده بودنـد) را مرمّت کرده است.

او زنـدگی سـاده و زاهـدانه ای داشت. معلومـات خـود را در اختیـار دیگران قرار می داد و خصوصـا دانشـجویان دانشـگاه هنر اصفهان از تجربه، و اطلاعات ارزنده او بهره مند می شدند.(۱)

رجبعلی سـنمار سـرانجام در ۹ فروردیـن ۱۳۷۳ش درگـذشت و در قطعـه ۳۵ گورسـتان بـاغ رضوان اصـفهان به خـاک سپرده شد.(۲)

ملّا رجبعلی شفتی

آخوند ملّا رجبعلی بن آقا محمّد شـفتی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۳۸ق در محله درکوشک اصفهان نسخه ای از «ترجمه الصـلاه» تـألیف: مـولی محسن فیض کاشـانی را کتـابت نمـوده است. نسـخه به شـماره۱۲۷۶ در کتابخـانه آیـت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۳)

او احتمالاً از شاگردان حاج سیّد محمّـد باقر حجّت الاسـلام شـفتی است. یادداشتی از او بر کتابت «منتخب تحفه الأبرار» سیّد حجّت الاسلام با تاریخ های ۱۲۴۴ و ۱۲۵۸ق

۱- معماران و مرّمت گران سنّتی اصفهان، صص ۱۴۴-۱۴۷.

۲- سایت اینترنتی یادبود.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۳۲؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۴۳.

موجود است. این کتاب به شماره ۳۶ در کتابخانه حاج سیّد مرتضی شهشهانی موجود است.(۱)

ملّا رجبعلی تبریزی

آخوند ملّا رجبعلی تبریزی، عارف حکیم و ادیب شاعر [از مشاهیر فلاسفه اصفهان در قرن یازدهم هجری].

معاصر شاه عباس ثانی [اصلاً از تبریز بوده و از تاریخ ولادت او آگاهی نداریم. در اصفهان نزد جمعی از دانشمندان از جمله میرزا ابوالقاسم فندرسکی به تحصیل پرداخته است. او از فلاسفه پیرو مکتب مَشّاء بوده و با عقاید فیلسوف معاصر خود ملّا صدرا درباره موضوعاتی چون حرکت جوهری مخالفت می کرده است و برخی از شاگردانش نیز نحله ای جدا مقابل شاگردان ملّا صدرا را در فلسفه دنبال می کرده اند(۲)]

از اَوان شباب تا انتهای عمر لحظه ای در تحصیل علم کوتاهی نکرده و عمر را به قناعت و زهد سپری کرده است.

سالهای طولانی به تدریس مشغول بوده و در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان به تدریس [کتابهای فلسفی چون «اشارات» و «شفا»] مشغول بوده است. در عهد شاه عباس ثانی در محلّه عباس آباد ساکن بود. شاه عباس ثانی بنا به ارادتی که به او داشت خانه ای در محلّه شمس آباد در بیرون حصار اصفهان برای او خرید.

ملّا رجبعلی در اواخر عمر به عوارض کهولت همچون بیماری و ضعف مبتلا شده و قدرت تدریس را نداشته و لذا خانه نشین شده بود، تا اینکه در سال ۱۰۸۰ق وفات یافته است.(۳)

[در باب تاریخ فوت او اقوال مختلفی نقل شده است امّا صحیح ترین قول همان است

۱- بیان المفاخر، ج ۱، ص ۳۱۵.
۲- بنگرید به: منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، قسمت اوّل، صص ۲۰۲-۲۷۱؛ شرح مشاعر لنگرودی: مقدمه، ص ۱۹.
۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۲۲۳؛ قصص الخاقانی، ج ۲، صص ۴۶-۴۸.

که میر عبدالحسین خاتون آبادی که معاصر ملّا رجبعلی است، در کتاب خود ذکر کرده و ذیل و قایع سال ۱۰۸۰ق فوت او را ثبت و ضبط نموده است.(۱)]

ماده تاریخ وفاتش را میرزا محمّد طاهر نصرآبادی گفته است:

«شهر تقوی و علم و دانش» را کرد «ملّا رجبعلی» خالی

[این بیت با ملاحظه تعمیه آن محاسبه شده ولی تاریخ ۱۰۸۰ق از آن به دست نیامد.]

صاحب ریاض العلماء به او اعتقادی نداشته و می نویسد: ملّا رجبعلی در علوم ادبی و دینی اطلاعاتی نداشته، لیکن در علوم عقلی استاد بوده و «شفا» و «اشارات» را تدریس می نموده، لیکن قدرت به نوشتن عربی نداشته است.(۲)

با این همه شاگردان بسیاری را تربیت کرده که از آن جمله اند:

[۱. میر محمّد اسماعیل خاتون آبادی ۲. میرزا محمّد حسین حکیم باشی قمی[۳. محمّد رفیع زاهدی معروف به «پیرزاده»۴. محمّد شفیع اصفهانی [۵. محمّد سعید حکیم باشی قمی معروف به «میرزا کوچک»]۶. محمّد سعید قاضی قمی۷. ملّا عباس مولوی [۸. میرزا عبداللّه یزدی (فرزند میراجری)۹. علیقلی بن قرچغای خان ترکمان ۱۰. ملّا فریدون شیرازی ۱۱. لطفعلی بیک افشار] ۱۲. میرزا قوام الدّین محمّد رازی طهرانی [۱۳. ملّا محمّد فاضل سراب ۱۴. آقا جمال الدّین محمّد خوانساری(۳)]

او در جوانی شعر می سروده و «واحد» تخلّص می کرده است. [از او رباعیاتی به جای مانده است ولی نسخه ای از دیوان او شناسایی نشده است و ظاهرا اشعار او در حدّ یک دیوان نبوده است.]

از اوست:

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۳۰.

۲- ریاض العلماء، ج ۲، صص ۲۸۳-۲۸۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۶۱۱.

واحد که به کوی دوست منزل دارد غم نیست اگر غم تو در دل دارد

پیوسته به تعمیر بدن مشغول است بیچاره همیشه دست در گل دارد(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «اثبات واجب تعالی با بیان معنی وجود و معنی اشتراک لفظی و معنوی» یا «رساله وجودیه» مشتمل بر مقدمه و ۵ مطلب و خاتمه، به فارسی، که نسخه های خطی فراوانی از آن در کتابخانه ها موجود است از جمله در کتابخانه های مجلس سنای سابق، مرعشی، مرکز احیاء اسلامی (قم)، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام اردکان، آستان قدس رضوی، و همچنین کتابخانه های خوانساری، تقوی، سیّد مهدی لاجوردی (قم)، ملّا محمّد حسین بن محمّد قاسم قمشه ای نجفی و غیره. آقا جمال الدّین محمّد خوانساری کتابی در ردّ این کتاب نوشته است.

«رساله وجودیه» ملّا رجبعلی در کتاب «منتخبات آثار حکمای الهی ایران» (قسمت اوّل) به چاپ رسیده است. ۲. «رساله در تطبیق آنچه شرع درباره معاد گفته با صفات نفس» [۳. «تعلیقات که مسائل چندی است حکمی از قسمت امور عامه» و به شماره ۳۸۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است(۲)]

۱- سایر منابع شرح حال: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۲؛ تذکره ریاض العارفین، (چاپ ۱۳۰۵ش)، ص۲۳۸؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۱۶۲؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۹۰؛ سخنوران آذربایجان، ج۲، ص۷۶۸؛ مفاخر آذربایجان، ج۳، صص ۱۳۶۴-۱۳۶۶؛ و ج۵، صص ۲۶۴۶-۲۶۴۸؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص ۳۴۰؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۸۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «واحد»، ص۳۱؛ تذکره روز روشن، صص ۶۸۲ و ۶۸۳؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفاء، ص۱۳۴.

۲- الذریعه، ج۱، صص ۱۰۴ و ۱۰۵ و ج۱۱، صص ۷۸ و ۷۹ و ج۲، ص۱۲۴۷؛ فهرست رضوی، ج۴، صص ۵۳ و ۱۵۱؛ فهرست احیاء، ج۵، ص ص ۲۷۸؛ فهرست مرعشی، ج۳۱، ص۷۲۳؛ فهرست امام صادق علیه السلام اردکان، ج۲، ص۲۴؛ آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۱۱۵؛ فهرست مجلس، ج۲، ص۱۷۶.

[در اینجا ضروری است تذکر داده شود که دو تألیف منسوب به ملّا رجبعلی تبریزی «کلید بهشت» و «مقاله فی أنّ الواحد لا یصدر عنه الّا الواحد» که با عنوان «الاصول الاصلیه» و «الاصل الأصیل» یا «الاصول الآصفیه» معرفی شده، نیز قطعا از او نیست و مطابق تحقیقات پردامنه و عالمانه علّامه دانشمند جناب آقای حاج سیّد محمّد علی روضاتی هر دو آنان از تألیفات محمّد سعید حکیم فرزند محمّد باقر و معروف به حکیم کوچک قمی است و انتساب این کتابها به شخص دیگری به نام قاضی سعید قمی نیز اشتباه است.(۱)]

آقا رجبعلی زارع اصفهانی

آقا رجبعلی بُرخواری اصفهانی متخلّص به «زارع» شاعر ادیب [از سخنوران قرن سیزدهم هجری] از علم و ادب بابهره بوده لکن در بلوک بُرخوار اصفهان به زراعت مشغول بوده است. وی در مدح منوچهر معتمدالدّوله حاکم اصفهان قصایدی سروده است.

از اوست:

زد تاج زرنگار مرصّع به سر چمن روییده شد بنفشه بر اطراف جویبار

گل زد به ناز بر سر خود تاج داوری بلبل نمود بر سر او جان خود نثار(۲)

ملّا رجبعلی مینو

ملّا رجبعلی متخلّص به «مینو»، شاعر ادیب، متوفّی در ۹ شوّال سال ۱۳۲۵ق مدفون

۱- دومین دو گفتار، صص ۴۱-۴۳.

۲- تذکره مدایح معتمدیه: خطی.

در صحن امامزاده احمد اصفهان.(۱)

رجبعلی نقاش اصفهانی*

رجبعلی نقاش اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. وی نزد میرزا علی نقاش، هنرنگارگری را آموخته و بدین مناسبت در آثار خود «حُسن کلک رجبعلی ز علی است» رقم می زده است.

از آثار او قلمدان های ارزنده و زیبایی موجود است.(۲)

رحمت اصفهانی*

رحمت بن ملک علی اصفهانی، از فضلاء دوره صفویه است. او «شرح کافی» (از اوّل کتاب الدّعا تا آخر کتاب العشره) تألیف: ملّا محمّد صالح مازندرانی را در دوشنبه ۱۵ جمادی الآخر ۱۱۰۰ق در مدرسه شیخ علیخان کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۶۶۵ در کتابخانه علّامه طباطبائی شیراز موجود است.(۳)

دکتر رحمت اللّه برجیان

دکتر رحمت اللّه برجیان، از اساتید پزشکی و اطبّاء حاذق معاصر. در سال ۱۳۰۲ش متولّد شده و تحصیلات ابتدایی و متوسّطه خود را در اصفهان به پایان رسانیده و در سال ۱۳۲۱ش به دانشکده پزشکی تهران رفت و در سال ۱۳۲۷ به اخذ دکترا نائل و تز خود را با عنوان «سندرم های دیسانتریفورم» ارائه نمود. سپس در فارس و تهران به

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۷۲؛ دانشمندان و و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۶۹؛ مزارات اصفهان، ص۹۵.

۲- هنر قلمدان، ص۱۱۲؛ دایره المعارف هنر، ص۲۴۹؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۲۳۹.

۳- نسخه پژوهی، دفتر دوّم، ص۱۸۳.

خدمت مشغول شد و در سال ۱۳۲۹ش به عنوان دانشیار کالبدشناسی آموزشگاه عالی بهداری اصفهان به کار مشغول گردید. وی علاوه بر تدریس کالبدشناسی، در بخش های جراحی بیمارستانهای خورشید و ثُریّا (کاشانی فعلی) به فعالیت مشغول بود. پس از آن در رشته جراحی عمومی و شکسته بندی در دانشگاه تهران دیپلم تخصصی دریافت نمود. از سال ۱۳۳۶ش در دانشکده پزشکی اصفهان به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۳۸ش به فرانسه رفته و در رشته جراحی و کالبدشناسی به تحقیق و تحصیل پرداخت و رساله او با عنوان «درمان شکستگی های ساق پا به وسیله پیوند استخوانی» مورد پذیرش قرار گرفت. او عضو انجمن انتروپولوژیست های پاریس بوده و آثاری را تألیف نموده است. از جمله با همکاری دکتر مرتضی حکمی «راهنمای کالبدشکافی» را تألیف کرده است.(۱)

[او سرانجام در اوایل ماه خرداد سال ۱۳۸۰ش درگذشت و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.]

استاد رحمت اللّه رضایت*

استاد رحمت اللّه رضایت فرزند استاد حاج محمّد علی، از معماران زبردست اصفهان است. در سال ۱۳۲۷ش در اصفهان متولّد شد و از کودکی نزد پدر و نیز استاد حاج مهدی رضایت (عمویش) و استاد نعمت اللّه رضایت (برادر بزرگتر خود) کلیه فنون معماری سنتی را فراگرفته و در مرمّت و بازسازی بسیاری از بناهای تاریخی اصفهان نقش فعال داشته است. او در زدن طاق و چشمه مهارتی به سزا داشته و از جمله در احداث طاق چشمه های بازار جنب درب شرقی مسجد جامع اصفهان (پس از بمباران مسجد جامع توسط هواپیماهای دولت عراق) به همراه سایر معماران اصفهان نقشی فعال ایفا کرده است)

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی، صص ۴۰ و ۴۱.

از دیگر آثار او احداث طاق های بازارچه مجلسی، احداث تعداد زیادی محراب و سردر در مساجد اصفهان و حومه، اجرای رسم بندی و مقرنس بندی امامزاده کرّار جی اصفهان. ساخت کاسه بندی های مصلای حضرت عبدالعظیم در شهر ری، ساخت مسجدی در دزفول، ساخت سردر ورودی امامزاده محمّد در خرم آباد لرستان، ساخت سردر امامزاده ابراهیم سعیدآباد گلپایگان، ساخت گنبد مسجد امام خمینی در اراک، ساخت مقرنس نعلبکی یکی از گلدسته های حرم مطهر حضرت زینب (س) در سوریه، بازسازی طاق های بازارچه حسن آباد اصفهان و غیره بوده است.

وی با اداره باستان شناسی اصفهان (و پس از پیروزی انقلاب با سازمان میراث فرهنگی) و اداره اوقاف در مرمّت آثار و ابنیه مذهبی و تاریخی همکاری داشته و مرحوم استاد حسین معارفی او را مورد تشویق و تقدیر قرار داده است.(۱)

شیخ رحمت اللّه فشارکی*

حاج شیخ رحمت اللّه فشارکی، عالم فاضل متبحّر، از علمای معاصر. در سال ۱۳۴۸ق در قریه «فشارک» از توابع کوهپایه اصفهان متولّد شد. تحصیلات مقدّماتی را در زادگاه خود طی کرده و در اصفهان ادامه تحصیل داد. سپس به مشهد مقدس هجرت کرده و در مدرسه نواب ساکن شد و تا سطوح درس خواند و به تدریس پرداخت. چندی بعد به قم رفته و سالها در محضر آیات عظام مرعشی نجفی، گلپایگانی، شریعتمداری و امام خمینی به تحصیل درس خارج مشغول شد. و همچنین علم هیئت را از محضر آیه اللّه مجد العلماء نجفی در اصفهان فرا گرفت. او از مدرسین معروف ادبیات و سطوح در قم است.(۲)

۱- معماران و مرمّت گران سنتی اصفهان، صص ۱۹۸-۲۰۲.

۲- گنجینه دانشمندان، ج۶، ص ۱۱۱.

رحمت اللّه نجفی

سیّد رحمت اللّه پیشنماز معروف به «نجفی» عالم فاضل و صالح متّقی [از علماء قرن یازدهم هجری].

در اصفهان ساکن بوده و مورد احترام شاه عباس اوّل قرار داشت و از طرف او در لشکر شاه عباس سمت امامت جمعه را برعهده داشت. [از شاگردان شیخ زین الدّین (شهید ثانی) بوده و در علوم فقه، تفسیر و حدیث مرتبه ای عالی داشت و اکثر اوقات را صرف درس و بحث می نمود. شعر عربی را بسیار خوب می گفت.(۱)]

محمّدرحیم اصفهانی*

محمّد رحیم اصفهانی معروف به «حاجی رحیم» از خوشنویسان اصفهان است. خط نستعلیق را خوش می نوشت. قطعه ای به خط او با رقم «المذنب محمّد رحیم المدعو بحاجی رحیم الاصفهانی عفی عنه» در موزه کابل در افغانستان موجود بوده است.(۲)

محمّد رحیم ناظر

محمّد رحیم اصفهانی، از خوشنویسان خط نستعلیق در عصر صفویه است. معاصر شاه سلطان حسین صفوی و در دفترخانه سلطنتی ناظر بوده و در خط نزد محمّد صالح اصفهانی مشق کرده است.(۳)

رحیم اوستا

رحیم اوستا، از روزنامه نگاران معاصر. در اصفهان متولد شده و در این شهر سکونت داشت و در روشن ساختن افکار و رشد اجتماعی جامعه فعّالیت می کرد.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ۶۱۲؛ تاریخ عالم آرای عباسی، ج۱، ص۱۴۶؛ احیاء الداثر، ص۸۷؛ ریاض العلماء، ج۲، ص۳۱۰؛ الروضه النضره، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۱۸.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۲۱.

او روزنـامه «اوسـتا» را انتشـار داد که از روزنـامه هـای آبرومنـد اصـفهان به شـمار می رفت. همچنین او عضو هیأت امنـاء بقعه شهشهان و مسجد پاگودی بود.

سرانجـام در ۲۰ صـفر (اربعین) سـال ۱۳۹۷ق در اصـفهان وفـات یـافته و در یکی از اطـاق های صـحن امامزاده زینبیه اصـفهان مدفون گردید.(۱)

محمّد رحیم اصفهانی

محمّد رحیم بن محمّد ابراهیم اصفهانی [از خوشنویسان خط نستعلیق در قرن یازدهم هجری] در تاریخ ۲۰ صفر ۱۰۸۶ق کتابت نسخه ای از «کافی» را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است و نسخه در حاشیه تصحیح شده و حاشیه نویسی دارد.

کتاب به شماره ۲۴۵۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

رحیم صالح اصفهانی

رحیم صالح فرزند اسداللّه شیرانی اصفهانی، شاعر ادیب [از سخنوران قرن چهاردهم هجری].

در سال ۱۳۰۶ش در اصـفهان متولـد گردیـده و در کودکی پدرش را از دست داد و تحصـیلات مرتبی نداشت. فقط مدّتی در کلاسهای اکابر شرکت کرد و در جوانی به استخدام ارتش درآمد. کم شعر می گفت.(۳)

میرزا محمّد رحیم حکیم باشی

میرزا محمّـد رحیم حکیم باشـی فرزنـد میرزا محمّـد بـاقر بن میرزا محمّـد رضا حکیم باشـی، از سلسـله سادات موسوی (حکیم سلمانی) اصـفهانی، از اطبّاء دربار شاه سـلطان حسـین (در قرن دوازدهم هجری) بوده [و از درباریات بسـیار بانفوذ به شمار می رفته و در

۱- تاریخچه ارزنان، ص۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۲۳۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۵۲.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۱.

تصـمیم گیری های دربار نقش مهمّی داشته] و سرانجام در [۲۵ جمادی الاوّل] سال ۱۱۳۷ق پس از سقوط اصفهان، به دستور افاغنه کشته شده است.(۱)

میرزا محمّد رحیم شیخ الاسلام

میرزا محمّـد رحیم (یا عبـدالرّحیم) شـیخ الاسـلام بن ملّا محمّـد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، عالم فاضل [از علمای مشـهور اصـفهان در قرن دوازدهم هجری]. او صـاحب مقامـات عـالیه علمی و جاه و مقام و احترام نزد علماء و رجال حکومتی بوده و ابتدا از طرف نادرشاه به منصب قضاوت و سـپس شیخ الاسلامی اصفهان منصوب شده است. [در کتابخانه اهدایی آقای مشـکات به دانشـگاه تهران، نسـخه ای از «اصول کـافی» وجود دارد که در آخر آن میرزا محمّـد رحیم جهت شـاگردش حـاج محمّد هاشم اجازه نوشته است.]

وی سرانجام در شب دوشنبه ۲۱ ذی الحجه سال ۱۱۸۱ق وفات یافت.

این کتابها از اوست: ۱. «الرّد علی الفاضل التُّنکابنی» ۲. «الرساله الهلالیّه»(۲)

میرزا رحیم اصفهانی*

میرزا رحیم اصـفهانی فرزند میرزا حسن، از ادباء و خوشـنویسان قرن سـیزدهم هجری است. خط نسـتعلیق را خوش می نوشته و روزی یک هزار سطر کتابت می کرده است.

لسان الملک سپهر سال فوت او را ۱۲۷۲ق نوشته است.(۳)

حاج سیّد رحیم منورعلی شاه دهکردی

۱- مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۷.

۲- تتمیم امـل الآمل، ص۱۵۲؛ الاجـازه الکبیره، ص۱۴۵؛ وقایع السّـنین و الاعوام، ص۵۷۲؛ اعیان الشیعه، ج۳۷، ص ۹۰؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۲؛ خاندان شیخ الاسلام، صص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ الکواکب المنشره، صص ۲۵۹ و ۲۶۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۲۹۲.

۳- تذکره خوشنویسان، ص۱۱۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ص۲۰۶.

حاج سیّد رحیم منوّرعلی شاه حقانی بن سیّد حسن دهکردی، از عرفای عالی مقدار و وارسته [در قرن چهاردهم هجری] خواهرزاده عالم جلیل آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی. در حدود سال ۱۳۰۰ق در شهرکرد متولد شده و در موطن خویش و اصفهان به تحصیل علوم قدیمه اشتغال جسته، دست طلب به دامان خالوی بزرگوارش میر سیّد احمد نوربخش معروف به «رحمت علی شاه» داده، از ایشان اذن ارشاد و هدایت یافته و بعدا خلیفه ایشان گردید.

او از فضلاء مشهور و عرفاء معروف سلسله خاکساریه بود. زمانی در اصفهان و اکثرا در شهرکرد به سر می برد، تا اینکه در روز ۹ محرم (تاسوعا) سال ۱۳۶۸ق در بیروت در مراجعت از مکّه معظمه وفات یافت و در آنجا مدفون گردید [گاهی به مذاق عرفانی خویش شعر می سروده و] در اشعار «منور» تخلّص می نمود. اشعاری از او در کتاب «برهان نامه حقیقت» تألیف: آقا سیّد احمد نوربخش دهکردی به طبع رسیده است.

از اوست:

روزگاریست ز جان در طلب یار شدم دل رها کرده و اندر پی دلدار شدم

خود خلاصی دگر از بهر من بیدل نیست به کمند سر زلفش چو گرفتار شدم(۱)

سیّد محمّد رحیم موسوی شهرستانی

سیّد محمّد رحیم بن سیّد محمّد حسن موسوی شهرستانی [از سادات و اعیان خاندان موسوی شهرستان اصفهان و فضلاء قرن یازدهم هجری] شاگرد میر محمّد صالح حسنی بوده و در سه شنبه ۱۴ ذیحجه ۱۰۹۶ق «حاشیه بر شرح عضدی بر مختصرالاصول» ابن

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۷۷ و ۱۷۸؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

حاجب تألیف: ملّا میرزا جان باغنوی را به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۶۲۰ ضمن مجموعه ای در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱)

رحیم اصفهانی*

رحیم فرزند آقا حسین بن آقامحمّد رحیم اصفهانی. از خوشنویسان نیمه نخست قرن سیزدهم هجری است. خط نستعلیق را خوش می نوشته است. او کتاب «ابومسلم نامه» را در سال ۱۲۳۷ق کتابت کرده که در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی در تهران وجود دارد.(۲)

محمّد رحیم بن محمّد رضا*

محمّد رحیم بن محمّد رضا، از خوشنویسان هنرمند اوایل قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و با شاه سلطان حسین صفوی معاصر است. خطوط نسخ و ثلث را با مهارت و زیبایی می نوشت.

از آثار او کتیبه سنگ قبر ملّا محمّد مسیح کاشانی به خط ثلث خوش و برجسته بر زمینه مرمر زرد با رقم و تاریخ: «کتبه العبد ابن محمّد رضا محمّد رحیم سنه ۱۱۲۰» است و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان وجود دارد.(۳)

ملّا محمّد رحیم تنکابنی*

ملّا محمّد رحیم بن آخوند ملّا سدید جیلانی (گیلانی) تنکابنی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری. در اصفهان ساکم بوده و نزد جمعی از فضلاء از جمله ملّا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی (فاضل سراب) به تحصیل پرداخته است.

۱- فهرست فیضیه (استادی)، ج۳، ص۱۵.

۲- نسخه های خطی، ج۲، ص۶۲.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۴۳.

وی در سال ۱۱۰۳ق نسخه ای از «سفینه النجّاه» تألیف: فاضل سراب را به خط نسخ خوش خود کتابت نموده و آنرا بر استاد قرائت نموده است. استادش این قرائت را تأیید کرده و ملّا رحیم را به عنوان «الفاضل الکامل الصّالح الدِّین، صاحب اخلاق الرّضیه و الملکات المرضیه» ستوده است نسخه نزد دانشمند معاصر جناب دکتر سیّد احمد تویسرکانی در اصفهان موجود است.(۱)

میرزا محمّد رحیم نظرعلی شاه نایینی*

میرزا محمّد رحیم ملقّب به «نظرعلی شاه» بن سعید بن رحیم منوچهری نایینی، عالم فاضل و عارف کامل و ادیب شاعر [از عرفای اوایل قرن سیزدهم هجری] در نایین متولد شده و در اصفهان به کسب علوم ظاهر پرداخته و در فنون علوم ماهر و قادر گردیده و سپس به شوق کسب معرفت و تزکیه و تصفیه نفس به خدمت نورعلی شاه اصفهانی رسیده و دست ارادت بدو داد و به سیر و سلوك مشغول گردید. در شعر گاهی «صحبّت» و گاهی «نظر» تخلّص می نمود.

از اوست:

طوس حریم حرم کبریاست مدفن پاك شه پاکان رضاست

کعبه اگر خانه آب و گل است طوس رضا کعبه جان و دل است(۲)

سیّد رحیم حسینی تنکابنی

۱- مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، صص ۱۲۶-۱۲۸.

۲- ریاض العارفین، (چ۱۳۰۵) ص ۳۳۰؛ طرائق الحقایق، ج۳، ص ۲۱۱، مکارم الآثار، ج۴، ص ۱۱۲۰؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۱۵؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۲۹۰.

سیّد رحیم بن محمّد شفیع حسینی تنکابنی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و از سیّد یوسف خراسانی قائنی کسب فیض نموده است.(۱)

[وی کتاب «الکواکب الضّیائیه» تألیف: سیّد یوسف خراسانی را به خط نسخ در رمضان ۱۲۳۲ق کتابت نموده که به شماره ۱۳۲۲۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

او همچنین بر کتاب «الکواکب الضّیائیه» حاشیه نوشته است. محمّد تقی بن محمّد مقیم موسوی که در سال ۱۲۳۷ق نسخه ای از «الکواکب الضیائیه» را کتابت نموده، این حواشی را نیز نقل کرده است. این نسخه به شماره ۸۰۸ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۳)

سیّد رحیم تنکابنی نسخه ای از «مفاتیح الشرایع» تألیف: فیض کاشانی را در سال ۱۲۲۷ق کتابت نموده که در کتابخانه عبدالوهاب فرید تنکابنی در رامسر موجود بوده است.(۴)]

حاج محمّد رحیم میناکار*

حاج محمّد رحیم میناکار فرزند آقا محمّد صادق، از هنرمندان عهد قاجاریه است. در میناکاری استاد بوده و در ماه رجب سال ۱۲۸۱ق وفات یافته و در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۵)

حاج میرزا محمّد رحیم شیخ الاسلام

حاج میرزا رحیم شیخ الاسلام فرزند میرزا عبداللّه بن میرزا رحیم بن میرزا مرتضی بن

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص ۲۳۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۳، ص۴۲۸.

۳- فهرست مدرسه صدربازار، ج۳، ص۶۰۳.

۴- فهرست خودنوشت فیض، ص۲۵۴.

۵- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

شیخ عبدالمطلب بن میرزا رحیم اوّل بن میرزا محمّد جعفر سبزواری بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری عالم فاضل جلیل [از علمای صاحب نفوذ در قرن سیزدهم هجری].

در اصفهان متولّد گردیده و هم در این شهر خدمت علماء و مجتهدین تلمّذ کرده تا به مقامات عالیه علم و کمال رسیده است. از اساتید او: حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی، آقا سیّد محمّد شهشهانی و حاج شیخ محمّد باقر [نجفی] مسجد شاهی را باید نام برد. مشارٌالیه پس از فوت پدر به منصب شیخ الاسلامی اصفهان برقرار گردید و دختر استاد بزرگوار خود حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی را به زوجیّت داشته و از این مخدّره صاحب شش فرزند و از جمله حاج میرزا حسن شیخ الاسلام گردید. او همچنین امام جماعت مسجد شیخ الاسلام در محلّه سینه پایینی بوده و در امر به معروف و نهی از منکر و رسیدگی به امور درماندگان و بیچارگان ساعی و کوشا و در برابر ظلم حکّام و مأمورین سدّی محکم و استوار بوده است. سجع مهر او عبارت «سلام قولاً من رب رحیم» و سجع مهر عیال ایشان جمله «آفتاب برج عصمت فاطمه» است.

این عالم جلیل در سال ۱۳۰۶ق وفات یافت.(۱)

حاج آقا رحیم ارباب

حاج آقا رحیم ارباب فرزند علی پناه، [عالم فاضل و حکیم بارع فقیه محقق، عارف ربّانی، قرن چهاردهم هجری در روز ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۹۷ق در روستای «چرمهین» از توابع لنجان متولّد شد. پدرش از اعیان و بزرگان ناحیه لنجان بود وی در ۷ سالگی به اصفهان رفت. مقدمات دروس حوزوی را نزد ملّا حسن همامی تحصیل کرد و سپس در درس سیّد محمود کلیشادی حاضر شد. آنگاه در درس فقه و اصول حاج میرزا بدیع درب امامی شرکت کرد. همچنین از محضر آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی و حاج آقا

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۲۹۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۲۰-۲۲۲.

منیرالدّین بروجردی بهره برد قسمتی از دروس فقهی را هم نزد جهانگیرخان قشقایی تحصیل کرد. فلسفه، ریاضیات، هیأت و منطق را نزد دو حکیم عارف: آخوند ملّا محمّد کاشانی و جهانگیرخان قشقایی آموخت. خارج فقه و اصول را هم از محضر آقا سیّد محمّد باقر درچه ای بهره گرفت. او در جامعیّت و احاطه به انواع علوم و معارف اسلامی همچون فقه، اصول، کلام، منطق، فلسفه، ادبیات فارسی و عرب، هیأت، ریاضیات و نجوم کم نظیر بود.

عمر خود را صرف تحصیل، تحقیق، مطالعه، تدریس و بیان احکام دین و تهذیب نفس و عبادت نمود.

از نظر اخلاقی یک انسان کامل بود و وجودش از کینه، خودخواهی و تکبّر و طمع خالی بود. نسبت به کوچک و بزرگ تواضع داشت و از ریاکاری و خودنمایی به دور بود و نسبت به همه با حُسن خلق و احترام رفتار می نمود. عدّه زیادی از بزرگان و دانشمندان در محضر ایشان حاضر می شدند و کسب فیض می کردند از جمله استاد بدیع الزّمان فروزانفر که گفته بود: «وقتی به اصفهان می آیم دو قبله دارم یکی آیت اللّه ارباب و دیگری محمّد باقر الفت».]

مرحوم ارباب از قائلین به وجوب عینی نمازجمعه در زمان غیبت امام علیه السلام ، بود و سالها آن را در منزل و سپس در مسجد گرک یراق و بعدا در مسجد جامع و چندین سال در مسجد درکوشک اقامه می نمود و چون در ماه صفر سال ۱۳۶۸ق مرحوم آقا میر محمّد مهدی سلطان العلماء به امامت جمعه اصفهان منصوب گردید، مرحوم آقای ارباب تا اواخر عمر نمازجمعه را در مسجد قریه گورتان (در سمت مغرب اصفهان در کنار جاده نجف آباد) اقامه می نمود.

حوزه تدریس او از حوزه های تحقیقی و ممتاز به شمار می رفت. مدّتی در مسجد حکیم و سپس در منزل خود به تدریس پرداخت و عدّه زیادی از فضلاء و علما معاصر اصفهان از تربیت یافتگان آن مرحوم می باشند.

[از جمله فتاوای ایشان اعتقاد به وجوب نمازجمعه در عصر غیبت، طهارت اهل کتاب، و ارث بردن زوجه از زوج پس از فوت او از تمام ماترک او حتّی زمین بوده است.

این عالم ربانی در اواخر عمر نابینا شد و باقی عمر را به صبر و رضا گذراند] تا اینکه در شب چهارشنبه ۱۸ ذی الحجه سال ۱۳۹۶ق وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفات او را ضمن قطعه ای چنین گفته اند:

جبرئیل سر فرو کرد در جمع و گشت تاریخ: «حاج آقا رحیم ارباب ازین جهان برفته»(۱)

میرزا رحیم کلانتر

میرزا رحیم کلانتر فرزند میرزا محمّد علی موسوی، از سادات حکیم سلمانی، شاعر و ادیب فاضل. از چهره های قرن سیزدهم هجری.

او مردی شریف، نجیب و کریم الطّبع بوده و حمام و بازارچه کلانتر در کوچه گلبهار اصفهان منسوب به اوست. سرانجام در جمعه غرّه رمضان ۱۲۹۵ق وفات یافت و در تکیه خاندان کلانتر در تخت فولاد مدفون شد. حاج میرزا بهاء خواجویی شاعر اصفهانی ضمن قطعه ای گفته است:

سروش گفت «بها» را برای تاریخش کلانتری جان را رحیم داد بدو(۲)

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۸۶ و ۱۸۸؛ نقباء البشر، ج۲، صص ۷۲۱ و ۷۲۲؛ الاجازه الکبیره، ص۵۹؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۷۶؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۱۰۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۴۵۰-۴۵۵؛ مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص۱۵۱؛ روزنامه رسالت، شماره ۱۸۱، ۴ تیر ۱۳۶۵، ص۴؛ کارنامه همایی، صص ۴۸-۵۱؛ آیین فرزانگی، ج۱، صص ۵۳-۶۶؛ ارباب معرفت: اغلب صفحات.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۱۰۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۸.

محمّد رحیم خوشنویش اصفهانی

محمّد رحیم بن آقا غلامعلی خوشنویس اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن سیزدهم هجری. خط نسخ را خوش می نوشته و در اصفهان سکونت داشته است. [وی قرآن ها و ادعیه بسیاری را به خط خوش خود کتابت کرده که از جمله یکی از آنها را جهت «دبیر الملک» در سوم رجب ۱۲۷۹ق کتابت نموده که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است. قرآن دیگری نیز مورّخ رجب ۱۲۸۱ق ازا و به جای مانده است.

وی ظاهرا خط نسخ را نزد پدر تعلیم دیده است.(۱)]

میرزا رحیم چلبی*

میرزا رحیم بن محمّد قاسم چلبی تبریزی، از ادباء و شعرای اصفهان در قرن یازدهم هجری. در عباس آباد ساکن بوده و ظاهرا به هند رفته و آنجا فوت شده است. او جوانِ قابل آراسته ای بود.

از اوست:

می ستاند صد دل و یک دل نمی دارد نگاه زلف را این باد دستی ها پریشان کرده است(۲)

رحیم نقاش اصفهانی*

رحیم نقاش اصفهانی فرزند کرمعلی و از نوادگان کاظم بن نجفعلی (آقا نجف نقاش) اصفهانی، از هنرمندان ماهر قلمدان ساز و نقاش دوره قاجاریه است.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۸۵۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۸۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۷۱؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۳۸.

قلمدان های زیبایی از او با رقم «رحیم بن کرمعلی» دیده شده است.(۱)

محمّد رحیم بن میرزا محمّد

محمّد رحیم بن میرزا محمّد، کاتب نستعلیق نویس در روز دوشنبه ۱۰ جمادی الثّانیه ۱۲۱۹ق، از کتابت کتاب «روضه الانوار عباسی» تألیف: ملّا محمّد باقر سبزواری فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۳۰۰۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

آقا محمّد رحیم مازندرانی

آقا محمّد رحیم بن نورالدّین محمّد بن ملّا محمّد صالح مازندرانی، عالم فاضل [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری] در علوم زمان خود خصوصا فقه و حدیث ماهر بوده و بر «حاشیه معالم» جدّش ملّا صالح مازندرانی حاشیه نوشته است.(۳)

محمّد رحیم اخوت

محمّد رحیم اخوت فرزند سیّد محمّد فرزند سیّد محمود، از منتقدان ادبی و داستان نویسان معاصر اصفهان. در آذر ماه ۱۳۲۴ش در محلّه احمدآباد اصفهان متولّد شد. دوره تحصیلات ابتدایی را در مدرسه جلالیه و سیکل اول متوسّطه را در دبیرستان گلبهار و سیکل دوم متوسطه را در رشته ادبی در دبیرستان کازرونی طی نمود. پس از اتمام تحصیلات متوسطه، به عنوان «سپاهی دانش» در روستاهای رزن همدان تدریس کرد. پنج سال هم در «ورزنه» اصفهان آموزگار بود. آنگاه در «سگزی» واقع در شرق

۱- هنر قلمدان، ص۱۴۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۰، ص۱۹۳۱.

۳- مرآه الاحوال جهان نما، ص ۲۷۰ و ۱۳۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸۴؛ تتمیم امل الآمل، ص۱۵۳؛ الذریعه، ج۶، ص۸۰؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۰.

اصـفهان تدریس کرد و همزمان در دانشسـرای راهنمایی در رشـته علوم انسانی به تحصـیل مشـغول شد و بلافاصله در دانشگاه اصفهان پذیرفته شده و ادامه تحصیل داد و به دریافت لیسانس زبان و ادبیات فارسی نائل شد.

در سـال ۱۳۶۰ش پس از چنـدی تـدریس در دبیرسـتانها، از خـدمت در آموزش و پرورش اجبـارا بازنشسـته شـد و به کارهای متفرقه پرداخت. او سالهاست که در امور شهرسازی و معماری به مطالعه مشغول است.

او در نوجوانی شوق نوشـتن یـافت و داسـتانهایی را نوشت. اوّلین نوشـته های او در سال ۱۳۴۶ش در مجلّه «فردوسـی» به چاپ رسـید. او در دور دوم فعالیّت اصـحاب جُنگ اصـفهان به آنان پیوست و در جلسات آنان شـرکت کرد و پس از پراکنده شدن اعضـای جُنـگ، در هیـأت تحریریه فصـلنامه «زنـده رود» حضور یافت. او مقالات بسـیاری در مقوله های گوناگون فرهنگی به چاپ رسانده است.

کتابهای زیر از محمّد رحیم اخوت به چاپ رسیده است:

۱. «تعلیـق» (داسـتان بلنـد)۲. «چهارفصـل» (در بـازخوانی شـعر)۳. «نیمه سـرگردان مـا» (مجمـوعه داسـتان)، برنـده جـایزه بنیـاد گلشیری۴. «شـکارچی خرگوش» (در شـعر و زنـدگی تِد هیوز و سـیلویا پلات) با همکاری حمید فرازنده۵. «نـام ها و سایه ها» (رُمان)۶. «خورشید» (یک داستان بلند)۷. «داستانهای ۸۴» (۹ داستان کوتاه)۸. «پاییز بود» یا «داستانهای ۸۵» (مجموعه ۹ داستان کوتاه)۹. «نمی شود» (رُمان)(۱)

میرزا محمّد رحیم میردامادی

میرزا محمّد رحیم کبیر (میردامادی) بن میر مرتضـی بن میر محمد اشـرف بن سیّد عبدالحسیب محمّد میردامادی سدهی بن میر سیّد احمد علوی عاملی، عالم فاضل جلیل، از علمای اواخر قرن دوازدهم هجری بوده و در سِدِه ماربین [خمینی شـهر فعلی] به تبلیغ

۱- نشریه «هنگام» (ویژه محمّد رحیم اخوت).

و ترویج شریعت می پرداخته است.(۱)

میرزا رحیم شیخ الاسلام

میرزا رحیم شیخ الاسلام بن میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب بن میرزا رحیم اول بن میرزا محمّد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، عالم فاضل [از فضلاء قرن سیزدهم هجری].

در اصفهان متولّد شده و در سال ۱۲۲۶ق پس از فوت پدر، به منصب شیخ الاسلامی اصفهان تعیین گردید. در اصفهان تحصیلات علوم دینی را انجام داده بود. سرانجام در جمعه ۹ صفر ۱۲۴۹ق وفات یافته و در بقعه تکیه خوانساری ها در تخت فولاد مدفون شد. [بر روی قبر او سنگ مرمر نفیسی با حجّاری عالی و خطوط ثلث و نستعلیق خوش نصب است و در حاشیه اشعاری از «حسین ضیاء اصفهانی» در مرثیه او نقر شده که مادّه تاریخ آن چنین آمده است]:

ندای اِرجِعیَش چون به گوش هوش رسید سروش عالم غیبی ز سوی جنّت مأوا

نوشت کلک «ضیاء» از برای سال وفاتش: «رحیم را که کند رحم جز رحیم بِعُقبا»(۲)

محمّد رحیم آسف نجف آبادی*

محمّد رحیم نجف آبادی متخلّص به «آسف» فرزند آقا مسلم بن هادی بن نامدار، شاعر ادیب از سخنوران قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۱۸۵ق در نجف آباد متولّد شده

۱- لطائف غیبیه: مقدمه، ص۲۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۳۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۲۹۴؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۳۴۱.

و در آنجا علم و ادب آموخت. در انواع شعر خصوصا غزل مهارت داشته و دیوان او با عنوان «زِبَرجد سقف لیلی پوش» به کوشش آقای علی یزدانی در سال ۱۳۸۶ش چاپ شده است.

او سرانجام در سال ۱۲۷۰ق وفات یافته و در قبرستان قدیم نجف آباد مدفون شد و امروزه مزار او از بین رفته است.

از دیگر آثار او یک بیاض شامل اشعار «مثنوی پیر و جوان» نصیر اصفهانی، «ترکیب بند» هاتف اصفهانی و چند شعر از شاعران مختلف است که آنرا در سال ۱۲۵۴ق جمع آوری و به خط خود نوشته است.

از اوست:

ای یوسف ثانی که در اقلیم ملاحت مثل تو به هر مصر به بازار نیامد

رحمی به من دلشده کن کز غم هجران یک بار مرا نخل اَمَل بار نیامد(۱)

میرزا محمّد رحیم عقیلی

میرزا محمّد رحیم بن محمّد مؤمن عقیلی استرآبادی، عالم فاضل [از علمای قرن یازدهم هجری] از نوادگان دختری شیخ لطف اللّه عاملی است.(۲) در اصفهان ساکن بود و [به نوشته «محمّد صالح اصفهانی» در کتاب «تذکره خوشنویسان»: «از فضلای عصر و اعاظم سادات بود. قلم تندی داشت. برهنه نویس بود. پس از رشیدا می زیست.(۳)]

او در زمره علمایی است که خط او در خطبه اول جامع الرّواه موجود است.(۴)

۱- دیباچه دیار نون، صص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ زبرجد سقف لیلی پوش، صص ۲۵-۳۱.

۲- الذریعه، ج۱، ص۹۵؛ الکواکب المنتشره، ص ۲۶۰.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص ۷۲۰.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۶۳.

رحیم خان بیگلر بیگی

رحیم خان بیگلر بیگی امین الرعایا، از صاحب منصبان نیکوکار قرن سیزدهم هجری در اصفهان.

وی پس از آنکه میر سیّد حسن مدرس از مجتهدین عالی مقام اصفهان مسجدی را در محلّه نو بنا کرد ولی موفق به اتمام آن نشد و وفات یافت را تکمیل نموده و برادرانش محمّد کریم خان و محمّد حسین خان، ساختمان آن را به پایان رساندند. مسجد به نام «رحیم خان» معروف است و از آثار باستانی و نفیس دوره قاجاریه به شمار می رود.(۱)

رحیم زری باف*

رحیم زری باف، از هنرمندان موسیقی اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. او به شغل موروثی زری بافی امرار معاش می کرد و در زمان خود از خوانندگان بسیار مشهور اصفهان به شمار می رفت. وفاتش در ۸۰ سالگی در حدود سال ۱۳۱۲ق واقع شد.(۲)

سیّد محمّد رحیم سدهی

حاج سیّد محمّد رحیم سدهی معروف به «حاج آقا سدهی» عالم فاضل [در اواخر دوره قاجاریّه] از موثّقین نزد امام جمعه اصفهان بوده و در شب ۱۸ صفر سال ۱۳۳۷ق در سفر زیارت در مشهد مقدّس وفات یافت.(۳)

محمّد رحیم طالقانی

محمّد رحیم طالقانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه شاهزاده ها در

۱- مزارات اصفهان، ص۱۶۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۴۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۷.

اصـفهان به تحصـیل مشغول بوده و در این مدرسه نسخه ای از «حاشیه شرح تجرید جدید» تألیف: ملّا عبدالرزّاق فیاض لاهیجی را در سال ۱۲۱۷ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

رحیم قهدریجانی

رحیم قهـدریجانی [از نویسـندگان کتب در قرن یازدهم هجری و از اهالی «قهدریجان» لنجان اصـفهان] در سال ۱۲۱۸ق نسخه ای از «الفوائد الضیائیه» شرح جامی را به خط نسخ جهت میر محمّد جعفر نوشته است. کتاب به شماره ۱۴۸ در کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع طهران موجود است.(۲)

شیخ رحیم مایل اصفهانی

شیخ رحیم اصـفهانی متخلّص به «مایل» شاعر و خوشـنویس ادیب از سخنوران قرن سیزدهم هجری. در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته و نزد درویش عبدالمجیـد مشق خط کرد و خط شکسـته را خوش نوشت. امّا بین او و اسـتادش کـدورتی واقع شده و او درویش را هجو کرد. بدین خاطر آن حُسن خط را یکسره از دست بداد.

شعر نیز می سرود. از اوست:

دنبال دل فتاده به هر خانه می روم دیوانه ام که از پی دیوانه می روم(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۵، ص۱۶۶.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ص۳۳۳.

۳- تـذکره نگارسـتان دارا، ج۱، ص۲۵۴؛ تذکره سـفینه المحمود، صـص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ تذکره منظوم رشـحه، صـص ۶۸ و ۶۹؛ تذکره دلگشا، ص ۵۳۹ و ۵۴۰؛ تذکره لفصحاء، ج۵، ص۹۳۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۵۰۱؛ تذکره شبستان، ص۳۲۷؛ تذکره انجمن خاقان، ص۶۲۴.

ملّا محمّد رحیم یزدی

ملّا محمّد رحیم یزدی [از فضلاء و علمای قرن یازدهم هجری] در اصفهان ساکن بوده و در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] تدریس می نموده و نامش در وقفنامه مسجد مزبور ذکر شده است.

او همچنین وقفنامه مدرسه نوریه را گواهی و امضاء نموده است. سجع مهر او «سلام قولاً من رب رحیم» است.(۱)

رزق اللّه تمیمی اصفهانی

ابومحمّد رزق اللّه بن عبدالوهاب بن عبدالعزیز بن حارث بن اسد بن لیث بن سلیمان بن اسود بن سفیان بن زید بن اکینه بن عبداللّه تمیمی، از محدّثین حنبلی اصفهان در قرن پنجم هجری. در اصفهان ساکن بوده و از پدرش عبدالوهاب نقل حدیث نموده و عبدالعزیز بن محمّد آدمی و ابوالمعالی مطهر بن مفضل کاتب اصفهانی از او روایت می کنند.(۲)

رستم بیگ آق قویونلو

رستم بیگ آق قویونلو، در محله درکوشک در جنب مدرسه و مسجد، قبرستان بزرگی بوده که تا این اواخر قسمتی از آن باقی بود و سر در آن از آثار باستانی اصفهان به شمار می رفت که به چهلستون منتقل گردید. در این قبرستان عدّه کثیری از فضلاء و دانشمندان و عرفاء و وزراء مدفون بوده اند. در پشت سر آن، بقعه ای وجود داشته که جزو خانه های اطراف شده، بقعه ای در آنجا بود. مشهور در بین عموم مردم آن بود که مقبره متعلّق به رستم بیگ بن مقصود بیگ بن امیرحسن، از حکمرانان آق قویونلو

۱- تاریخچه اوقاف اصفهان، صص ۶۰ و ۱۰۱.

۲- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۳۴.

می باشد. مشارالیه در سال ۹۰۳ به دست احمد بیگ اغرلو محمّد بن امیر حسن عموزاده خود کشته شده است.(۱)

میرزا رستم گورکانی

میرزا رستم بن عمر شیخ بن امیر تیمور گورکانی، از طرف شاهرخ حکومت اصفهان را داشته و در سال ۸۲۴ق در اصفهان وفات یافته و مدفون گردید.(۲)

رستم مدینی اصفهانی

قاضی ابوالقاسم رستم بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن عبدالرّحمان بن زیاد مدینی تانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری. ابوسعد سمعانی از او به عنوان «کان اماما فاضلاً بهی النّظر» یاد کرده و نوشته که متصدی قضاوت اصفهان بوده است. از جدّ خود عبدالرّحمان بن محمّد استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده است.

فوت او در ۸ محرم سال ۵۴۰ق در اصفهان(۳) [اتّفاق افتاد].

رستم خسروی بختیاری

آرستم بختیاری، از بزرگ زادگان ایل احمد خسروی بختیاری [از شعرای قرن چهاردهم هجری].

در حدود سال ۱۳۱۰ق متولّد شده و علاوه بر معلومات ادبی و تاریخی در نقاشی و گلدوزی استاد هنرمندی بود. اشعار زیادی گفته است.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۱۳ و ۶۱۴.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۳.

۳- التّحبیر، ج۱، ص ۲۸۰.

از اوست:

دنیاست تخته، خلق بود مهره، طاس بخت تا بر که طاس روی کند در قمار عشق(۱)

رسول بهروان

رسول بهروان بن محمّد جواد، شاعر ادیب [از سنخوران قرن چهاردهم هجری [در سال ۱۳۱۵ق در کوهپایه اصفهان متولد گردید. در کسب علوم و فضائل خصوصا تاریخ و ادب رنجها برده و زحمت ها کشیده و از اساتید فنّ شعر و ادب در اصفهان بود. او سالها در دبیرستانهای اصفهان به تدریس ادبیات مشغول بود [و سرانجام در ۱۳ فروردین ۱۳۴۴ش وفات یافته و در تکیه خلیلیان واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد]. در شعر طبعی روان داشت.(۲)

بهروان برادر شاعر مشهور حسین سخنیار (مسرور اصفهانی) است.

شیخ رسول جعفریان*

رسول جعفریان (فرزند عباس) نویسنده، محقّق، مورّخ و دانشمند فاضل معاصر، در سال ۱۳۴۳ش در قریه پزوه از شهر «خوراسگان» (از توابع اصفهان) در خانواده ای با ده فرزند به دنیا آمد. دوره دبستان و راهنمایی را در زادگاهش گذراند و سپس برای تحصیل علوم به اصفهان آمد و به مدرسه ذوالفقار رفت. وی در مدت اقامت در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون «نیماورد»، «نوریه» و «جده کوچک» استفاده می کرد.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۷۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۵۳۹ و ۵۴۰؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

رسول جعفریـان در سـال ۱۳۵۷ش و در آسـتانه پیروزی انقلاـب، برای ادامه تحصـیلات حـوزوی، راهی شـهر مقـدس قم شـد. نخست به مـدرسه خان رفت و سـپس در مـدرسه رسالت، به ادامه تحصـیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیـدی چون آیات: جوادی آملی، مصـباح یزدی، ممدوحی، منتظری، گرامی، سیّد مهدی روحانی، سیّد محسن خرازی و نیز علّامه جعفر مرتضـی جبـل عاملی بهره برد. در سال ۱۳۵۹ش در دوره آموزشـی مؤسـسه در راه حق شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاه ها، در سال ۱۳۶۱ش به تـدریس معارف اسـلامی و تاریخ اسـلام در دانشـگاه های اصـفهان و تهران مشـغول شد که تا سال ۱۳۷۳ش ادامه داشت.

اولین اثر جعفریـان در سـال ۱۳۶۴ش با عنوان «پیش درآمـدی بر شـناخت تاریـخ اسـلام» منتشـر شد. دومین اثر کتاب «اکذوبه تحریف القرآن بین الشیعه و السـنه» بود. از آن پس تاکنون بیشتر نوشـته های وی چهار حوزه تاریخ اسلام، تاریخ شیعه، تاریخ صفوی و تاریخ معاصر است. شماری از کارها تألیف، برخی تصحیح و اندکی هم ترجمه است. وی در سال ۱۳۷۴ش کتابخانه تخصصـی اسـلام و ایران را در قم تأسـیس کرد که تاکنون فعال است. در سال ۱۳۷۹ش عضو هیئت علمی پژوهشـگاه حوزه و دانشـگاه شد و در سال ۱۳۸۵ش به دانشـکده ادبیات دانشـگاه تهران، گروه تاریـخ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۸۷ش ریاست کتابخانه مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد.

به کوشـش های پی گیر خود در زمینه تألیف، تصـحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریـخ اسـلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

برخی از آثار وی عبارت است از:

۱. «تاریخ سیاسـی اسـلام» دو مجلد۲. «تاریخ تشـیع در ایران»۳. «مقالات تاریخی» هجـده مجلد۴. «سـیاست و فرهنگ روزگار صفوی» دو مجلد۵. «جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷»۶. «آثار اسلامی مکه و مدینه»۷. «تاریخ ایران اسلامی» چهار مجلد۸. «تأملی در نهضت عاشورا»۹. «حیات فکری

سیاسی امامان شیعه» ۱۰. «دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از دوره صفوی» تصحیح ۱۱. «تاریخ مکه» ترجمه ۱۲. «رسائل حجابیه» دو مجلد، تصحیح ۱۳. «تشیع در عراق و مناسبات با ایران» ۱۴. «درک شهری از مشروطه (مقایسه مشروطه اصفهان و تبریز)» ۱۵. «تاریخ تحول دولت و خلافت در اسلام، و ده ها اثر دیگر.

براستی رسول جعفریان را می توان از مفاخر فرهنگی اصفهان بلکه ایران دانست. وی از کسانی است که متجاوز از یکصد اثر از او منتشر شده است و این هنوز از نتایج سحر است باش تا صبح دولتش بدمد.

محمّد رشید اصفهانی*

مولی محمّد رشید بن محمّد علی اصفهانی. از فضلاء و محدّثین قرن یازدهم هجری است. در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و نزد علّامه مجلسی فراگیری حدیث و معارف اسلامی مشغول بوده است.

او کتابهای «اختیارات الایام»، «شکّیات»، «صیغ العقود» و «میزان المقادیر» از تألیفات علّامه مجلسی را در سال ۱۰۹۴ق کتابت کرده که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

او همچنین جلد هجدهم «بحارالأنوار» را در ۲۶ ربیع الثّانی ۱۰۹۶ق به خط نسخ کتابت کرده و علّامه مجلسی اَنهائی برای او در آخر کتاب به تاریخ آخر ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق نوشته است. این نسخه در کتابخانه مدرسه غرب همدان وجود دارد.(۲)

ملّا محمّد رشید جعفری شیرازی*

ملّا محمّد رشید بن محمّد مقیم جعفری شیرازی، فاضل ادیب و شاعر، از سخنوران

۱- فهرست الفبائی رضوی، صص ۶۴۵ و ۶۲۰ و ۶۵۳ و ۶۵۶ و ۶۷۶.

۲- فهرست مدرسه غرب، ص۶۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۶.

قرن یـازدهم هجری. از اغلب علوم بهره وافی داشت و در خـدمت میرزا علیرضـا شـیخ الاسـلام به نوشـتن سـکوک و سِـجِلات مشغول بود.(۱)

وی نسـخه ای از کتـاب «الروضه البهیه» تألیف: شـهید ثانی را در رمضان ۱۰۹۰ق کتابت نموده و در حاشـیه آن فوایـد علمی و تعلیقات عالمانه ای افزوده که تاریخ نوشتن آنها ۱۰۹۳ق بوده است و بر تبحّر او دلیلی روشن و آشکار است.(۲)

این بیت از اوست:

اشک نگذارد عیان در چهره ام احوال دل خوب نتوان خواند مکتوب در آب افتاده را

رشید تبریزی

رشـید تبریزی معروف به «رشـیدای زرگر» از شعرای قرن یازدهم هجری است. در فن زرگری و میناکاری مثل و مانند نداشت. در شعر نیز قریحه ای توانا داشت و طبعش به هزل و هجو مایل بود. سفری به هند رفت و بازگشت و به خاطر هنر خود نزد شاه سلیمـان صـفوی کمـال احترام را داشت. او از تبریزیـان سـاکن محلّه عباس آباد اصـفهان بود. فوتش قبل از سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) اتفاق افتاد.

[«کلیات اشـعار رشـیدا» (شامل منظومه های «مثنوی در تتبع مخزن الاسرار»، «حسن گلوسوز»، «رنگ ارژنگ» (یا «سبعه سیّار»)، «قضا و قدر»؛ «ساقی نامه» با عنوان «میکده شوق»، «جواهر الاسـرار» و مقطعات، ترجیعات، ترکیبات و رباعیات) به شماره ۵۲۶۶ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.]

از اوست:

مشهور و خفی چو گنج دقیانوسم پیدا و نهان چو شمع در فانوسم

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۲۶.

۲- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۸۹.

القصّه درین چمن چو بید مجنون می بالم و در ترقّی معکوسم(۱)

محمّد رشید رشیدی اصفهانی

محمّد رشید اصفهانی متخلّص به «رشیدی»، از شعرای قرن دهم هجری و معاصر شاه طهماسب صفوی بوده است.

از اوست:

شود از دیگران در خشم و بر من دامن افشاند غباری در دل از هرکس که دارد بر من افشاند(۲)

شیخ رشیدالدّین اصفهانی

شیخ رشیدالدّین بن شیخ ابراهیم اصفهانی، عالم فاضل، [از دانشمندان قرن دهم هجری] از شاگردان شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (پدر جناب شیخ بهائی) بوده است. صاحب ریاض (ملّا عبداللّه افندی) می نویسد: در اردبیل نسخه ای از «اربعین» تألیف شیخ حسین را دیدم که شیخ به خط خودش به رشیدالدّین اجازه داده و مقام علمی او را ستوده بود.(۳)

تاریخ اجازه ۱۹ جمادی الاول ۹۷۱ق است.

محمّد رضا آتشزاد*

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۵۳ و ۵۵۴؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۴۲؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۵۹؛ تذکره روز روشن، صص ۲۹۲ و ۲۹۳؛ الذریعه، ج۹، صص ۳۶۰ و ۳۶۲؛ سخنوران آذربایجان، صص۳۶۹-۳۷۳.

۲- تذکره روز روشن، ص۲۹۶، تاریخ نظم و نثر، ص۶۷۶؛ الذریعه، ج۹، ص۳۶۲؛ اثرآفرینان، ج۳، ص۱۱۶.

۳- ریاض العلماء، ج۲، ص۳۱۱ و ج۷، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ احیاء الدّاثر، ص۸۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۴، اعیان الشیعه، ج۳۲، ص۳؛ الذریعه، ج۱، ص۱۸۶، تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۵۳.

محمّد رضا آتشزاد، نقاش و هنرمند معاصر در سال ۱۳۳۷ش در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل در مقطع ابتدایی در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان در رشته نقاشی طبیعت به تحصیل پرداخت و دیپلم گرفت. سپس در رشته نقاشی به تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای تهران پرداخت ولی عاقبت تغییر رشته داده و در رشته معماری ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۶ش از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التّحصیل شد.

او از نقاشان آبرنگ است و به نقاشی طبیعت علاقه زیادی دارد و نوآوری ها و نوجویی های او به همراه مطالعه گسترده در نقاشی غرب، به آثار او غنای خاصّی داده است.

آثار او در بسیاری از نمایشگاههای داخلی و خارجی به نمایش گذاشته شده است. همچنین پنج آلبوم از تابلوهای او به چاپ رسیده است.

از تابلوهای او می توان به «سروهای برف زده»، «انتظار»، «گل نرگس»، «بندر انزلی»، «گلدان و ماه»، «برگها و فنجان»، «رُزهای قرمز»، «چهلستون» و «مردم و پل خواجو»(۱)

محمّد رضا آدریانی

محمّد رضا آدریانی [از نویسندگان کتب و کاتبان بوده] مجموعه ای از «اصول حدیث» از جمله «اصل محمد بن المثنی» را به خط نسخ کتابت نموده که ضمن مجموعه شماره ۲۹۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[آدریان مرکب از آدر (=آذر) + یان (پسوند مکان) از روستاهای کهن بلوک ماربین و اکنون از محله های خمینی شهر اصفهان است.]

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۱، صص ۱۲-۱۴؛ مجلّه دنیای سخن، شماره ۳۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۹، ص۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۱۳۶.

میرزا رضا آریان

میرزا رضـا آریـان، [از شـعرای قرن چهاردهم هجری] در حـدود سال ۱۲۶۰ش در ملایـر متولّـد شـده و عمر خود را به مشاغل دولتی در شـهرهای مختلف خصوصـا طهران و اصـفهان به سـر برده و سالها در اصـفهان ساکن بوده است. او از وزارت دارایی بازنشسته شده گاهی شعر می سرود و «رضا» تخلّص می کرد.

از اوست:

شد هوا چون نافه چین عنبرین آمد بهار ماه فروردین چو نوروز برین آمد بهار(۱)

سیّد محمّد رضا ابن الرّسول*

حاج سیّد محمّد رضا ابن الرّسول، عالم فاضل معاصر در خمینی شهر متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله: آقا سیّـد مهـدی درچه ای، سـیّد محمّد مدرس نجف آبادی، شـیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، آقا سـیّد محمّد رضا خراسانی، سیّد عبداللّه ثقه الاسلام، حاج سیّد محمّد صادق مدرس خاتون آبادی و شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی تحصیل نمود. او در روسـتای اصـغرآباد خمینی شهر به اقامت جماعت و ارشاد مردم مشغول بود. او پس از عمری صداقت و تقوا در نوروز سال ۱۳۳۰ش وفات یافت و در مقبره عمومی درب سیّد فروشان در خمینی شهر مدفون شد.(۲)

محمّد رضا اخگر اصفهانی

محمّد رضا اصـفهانی متخلّص به «اخگر» شاعر و خوشـنویس ادیب، از سـخنوران قرن یازدهم هجری. در اصـفهان می زیسته و ظاهرا به خواهش محمود میرزا قاجار به طهران رفته و به کتابت اشـعار و آثار او پرداخته است خط شکسـته را خوش می نوشته و در شعر

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۸۵ و ۴۸۶.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۱۳۳؛ شرح مجموعه گل، ص۵۹.

طبعی روان داشته است.

از اوست:

به قتلم وعده داد آن شوخ بی پروا و می دانم کزین طالع که دارم خواهد آخر رفت از یادش(۱)

ملّا رضا اصفهانی

ملّا رضا اصفهانی معروف به «جولاه» شاعر و ادیب قرن دوازدهم هجری. در اوایل جوانی نزد پدر به جولاهی مشغول بود ولی از آن کار دست کشید و به علم و ادب روی آورد. شعرش در کمال ملاحت و استواری و در آداب معاشرت و آیین صحبت کم نظیر بود. سال وفاتش به دست نیامد.

از اوست:

ناله پنداشت که در سینه ما جا تنگ است رفت و برگشت سراسیمه که دنیا تنگ است(۲)

محمّد رضا اصفهانی*

محمّد رضا اصفهانی، نقاش هنرمند عهد زندیه است. از آثار او دو پرده نقاشی از مجالس مربوط به واقعه کربلا است که اطرافش به خط نسخ در قاب های بازوبندی کتیبه دار، نام نقاش «محمّد رضا اصفهانی» و تاریخ: جمادی الاولی ۱۲۰۱ق به حروف در هر دو رقم شده است. این دو پرده را یکی از ارامنه اصفهان به موزه دیر میختاری هدیه کرده است.(۳)

موزه دیر مختاری در «وین» اطریش قرار دارد.

۱- تذکره سفینه المحمود، ص۱۶۲.

۲- تذکره المعاصرین حزین، ص۲۲۲؛ صحف ابراهیم، ص۱۴۳؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۸۷.

۳- مجله بخارا، شماره ۱۹، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، ص۵۸.

آقا محمّد رضا اصفهانی

آقا محمّد رضا اصفهانی، از عرفاء و صوفیه در قرن سیزدهم هجری. مرید منوّرعلی شاه بوده و در اواخر عمر به «خفر» در فارس رفته و قبل از ۱۳۰۰ق در آنجا کشته شده و جنازه اش در قبرستان باب سلم شیراز مدفون گردید.(۱)

میرزا محمّد رضا اصفهانی

میرزا محمّد رضا اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] از جمله دانشمندانی است که آقا محمّد علی کرمانشاهی در کتاب «خیراتیه» به قول آنها استشهاد نموده است.(۲)

محمّد رضا بیگ اعرج اصفهانی*

محمّد رضا بیگ اعرج اصفهانی، حاکم یزد در قرن دوازدهم هجری. او در زمان نادرشاه افشار بر یزد حکومت می کرده و مردی بی رحم و سفّاک بوده و عوارض سه ساله یزد را که قبلاً بخشیده شده بود، او در کمال سختی مطالبه می کرد. بالاخره مردم تظلّم کردند و او را از کار برکنار کردند.(۳)

استاد رضا اعظمی*

استاد رضا اعظمی، از هنرمندان معاصر اصفهان و استاد زبردست گچبری است. او در سال ۱۳۳۴ش در اصفهان متولد شده و پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به کار بنایی پرداخت و در کنار آن تا مقطع دیپلم را به صورت شبانه ادامه داد. در نوجوانی به فراگیری گچبری نزد استاد رضا افیونی پرداخت و کم کم در تمامی فنون و ریزه کاری های

۱- طرائق الحقائق، ج۳، ص۴۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۸.

۲- فهرست فیضیه (استادی)، ج۲، ص۵۳.

۳- جامع جعفری، ص۲۸۴؛ تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، ص۳۵۵؛ تاریخ سالشماری یزد، ص۱۷۲.

این هنر مهارتی به سزا یافت.

از آثـار او گچبری و مرمت گچبری هـای حسـینیه ای در محلّه سـیچان، کنسولگری روسـیه، خـانه در رحمت آبـاد نطنز، خـانه سوکیاس و خانه داوید در محلّه جلفا، عمارت عالی قاپو، مسـجد جامع عتیق، محراب الجاتیو در مسـجد جامع، شبسـتان مسـجد علی، بقعه هارونیه، خانه سـرهنگ بخردی، خانه شیخ الاسلام، خانه همایی، ایوان عمارت چهلستون، تالار اشرف، رکیب خانه، مدرسه قدسـیه، مسـجد آقانور و غیره در اصفهان، سردر بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در اردبیل، بقعه هفده تن در گلپایگان، کتیبه گچی مسـجد میرعمـاد کاشـان، محراب مسـجد جامع یزد، مسـجد جامع ارومیه، گنبـد اصـلی سـلطانیه زنجان، کتیبه های محراب گچی بقعه بایزید بسطامی و غیره قابل ذکر هستند.(۱)

این هنرمند توانا در انواع فنون گچبری و گچ کاری همچون قطاربندی، خط کشـی، شـبکه کاری، سیم گل کشی و غیره استاد است و از آموزش آن به علاقمندان این هنر دریغ نمی ورزد.

استاد محمّد رضا امامی

اسـتاد محمّد رضا امامی ادهمی اصـفهانی، خطاط هنرمند [قرن یازدهم هجری [که با محمّد صالح خطاط اصـفهانی در خدمت علیرضا عباسـی تبریزی تربیت شـده اند. آثاری ازا و در اصـفهان از سال ۱۰۳۸ق (مسـجد شاه) (=مسجد امام فعلی) شروع و به سال ۱۰۸۱ق (درب امام) ختم می شود. بنابراین استاد خط در اصفهان بوده و او را «امام الخطاطین» لقب داده اند.

[خط ثلث را در حدّ اعلای زیبایی می نوشـته و کتیبه هایی نیز بر خط نستعلیق ازا و موجود است. غیر از اصفهان در قم و مشهد مقدس نیز کتیبه هایی از او وجود دارد از جمله:

۱- معماران و مرمّت گران سنتی اصفهان، صص ۲۴۰-۲۴۵.

کتیبه هـای بقعه شاه صـفی و شاه عباس دوم در سالهای ۱۰۵۹ و ۱۰۷۷ق، در شـهر مقدس قم، کتیبه های گنبد مطهر امام رضـا علیه السلام در سال ۱۰۵۹ق، ایوان مسجد گوهرشاد در سال ۱۰۸۷ق و کتیبه به خط نستعلیق در مدرسه سعدیه به سال ۱۰۸۷ق همگی در مشهد مقدس.

برخی سـال فـوت او را ۱۰۸۰ق ذکر کرده انـد ولی بـا مشاهـده کتیبه هـای او در مشـهد مقـدس معلوم می شود که او تـا سـال ۱۰۸۷ق زنده بوده است.

فرزندش علینقی و نوه اش محمّد محسن از خطاطان برجسته اواخر عهد صفویه بوده اند.[(۱)]

حاج آقا رضا امامی سِدِهی*

حـاج آقـا سیّد رضا امامی سـدهی، از علمای عالیقـدر معاصـر در سال ۱۳۰۳ش در خمینی شـهر اصـفهان متولّـد شـد و پس از تحصـیلات مقـدّماتی در زادگـاه خود و اصـفهان، به قم عزیمت کرد و در محضـر حضـرات آیـات بروجردی، مرعشـی نجفی، حجّت، گلپایگانی، حاج شـیخ عبـدالنّبی عراقی و خوانساری تحصـیل نمود و از برخی از آنان از جمله آیت اللّه مرعشـی اجازه دریافت نمود و سالها از اصحاب استفتاء ایشان بود.

او اغلب در قم سـاکن و به وظـایف شـرعیّه مشغول بود و در ایّام تعطیلی حوزه در خمینی شـهر به تبلیغ دین می پرداخت و در اصفهان در درس حضرات آیات بهبهانی و ارباب حاضر می شد.

او عالمی متقّی و زاهد و متواضع و غیور در امر به معروف و نهی از منکر بود.

۱- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، صص ۷۷۳ و ۷۷۴؛ وقـایع السـنین و الاعوام، ص۵۱۰؛ گنجینه آثار تاریخی اصـفهان: صفحـات متعـدد؛ گنجینه آثـار قم، ج۱، صـص ۶۰۳ و ۶۰۷؛ تاریـخ قم (ناصرالشـریعه)، ص۹۴؛ انجـم فروزان، ص۱۰۶؛ مطلع الشّمس، صص ۴۱۶ و ۴۱۸-۴۲۰ و ۴۳۲ و ۵۴۶؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۲۱۷ و ۲۱۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۸؛ تاریـخ خط و خطاطان، ص۱۱۲؛ اطلس خط، صص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ تذکره خوشنویسان، ص۳۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۹۳-۹۷؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص۵۱.

سرانجام در روز ۶ اسفند ۱۳۶۸ش وفات یافته و پس از اقامه نماز بر پیکر ایشان توسط مرحوم آیت اللّه مرعشی، به خمینی شهر حمل و در مسجد اعظم خمینی شهر به خاک سپرده شد.(۱)

سیّد محمّد رضا آل رسول

حاج سیّد محمّد رضا آل رسول فرزند آقا سیّد محمّد ابراهیم بن آقا سیّد عبداللّه بن میر محمّد علی شمس آبادی بن سیّد محمّد بن سیّد عبداللّه بن سیّد اسماعیل بن سیّد حسین موسوی شاهاندشتی مازندرانی، عالم فاضل معاصر.

در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از بزرگان علماء و مدرّسین تلمّذ نموده. مدّتی با کسب اجازه از مرحوم ملّا حسین فشارکی در دادگستری خدمت نموده و پس از فوت آن مرحوم از خدمت در دادگستری استعفا داده و سالها به خدمت اجتماعی اشتغال داشت. پس از شهادت برادر بزرگوارش حاج سیّد ابوالحسن شمس آبادی (شهید اصفهانی) به جای ایشان در مسجد جناب اَباذر غفاری (مسجد شمس آباد) اقامه جماعت می نمود و مصداق حقیقی «نعم الخلف» بود.(۲) سرانجام در ۱۱ رمضان المبارک ۱۴۰۹ق وفات یافته و جنب برادرش در تکیه شهدای اصفهان مدفون شد.(۳)

میرزا محمّد رضا کلباسی

میرزا محمّد رضا بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل متّقی [از علماء قرن سیزدهم هجری].

در شب ۱۴ رمضان المبارک ۱۲۱۹ق متولّد شده و در این شهر خدمت پدر بزرگوارش و حاج سیّد محمّد باقر حجت الاسلام شفتی و دیگران تحصیل نموده است.

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۱۶-۱۱۹.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۱۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۲.

از علماء نافذ الکلمه اصفهان بود و به شیخ الاسلام شهرت داشت. در شب جمعه ۱۴ شعبان ۱۲۸۴ق وفات یافته و در بقعه حاجی کلباسی (پدر بزرگوارش) مقابل مسجد حکیم مدفون شد.(۱)

میرزا محمّد رضا رشتی

میرزا محمّد رضا رشتی فرزند حاج ابوتراب، از علمای معاصر اصفهان. او در اصفهان نزد جمعی از علمای عالیقدر از جمله آقا شیخ مرتضی ریزی به تحصیل پرداخته و سالها امام جماعت مسجد ذکراللّه در محلّه بیدآباد بوده است. او داماد استادش شیخ مرتضی ریزی است و پس از وفات در بقعه استاد واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

محمّد رضا سیمای کاشانی*

محمّد رضا کاشانی متخلّص به «سیما» فرزند میرزا ابوالحسن بن میرزا صادق. شاعر ادیب و خوشنویس هنرمند قرن دوازدهم هجری به فارسی و عربی شعر نیکو می گفته و خطوط هفت گانه را خوش می نوشته و در سیاق مهارت بسیار داشته است. شاه سلطان حسین صفوی او را به «عضدالدّوله» ملقّب ساخت.

او در جریان حمله افاغنه به اصفهان در سال ۱۱۳۵ق به قتل رسید. میرزا محمّد تقی سپهر (لسان الملک) از نوادگان اوست.(۳)

رضا فلسفی*

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۷؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۱۷؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۴۵۴؛ خاندان کلباسی، صص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۳۷.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۲۹؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۵۸۱.

رضا فلسفی فرزند حاج میرزا ابوتراب، از نویسندگان و روزنامه نگاران اصفهان است. در سال ۱۲۸۶ش در اصفهان متولّد شده و تحصیل نمود. سپس به نوشتن در جراید اصفهان از جمله روزنامه راه نجات پرداخت. او در ۸ شهریور ۱۳۵۸ش وفات یافته و در یکی از اطاق های شرقی تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد مدفون شد. از آثار او کتاب «اندیشه های فلسفی» به چاپ رسیده است.(۱)

میر محمّد رضا خاتون آبادی

میر محمّد رضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس بن میر محمّد اسماعیل خاتون آبادی عالم فاضل جلیل [از علمای قرن سیزدهم هجری] مدرس و امام مسجد شاه [مسجد امام فعلی [بوده [و ظاهرا نزد پدر بزرگوار خود جمعی از علماء تحصیل کرده است.] او در شب ۹ رجب سال ۱۲۳۸ق وفات یافته است.(۲) [نام او به عنوان یکی از شهود موقوفات میرزا محمّد حسین خان صدر اصفهانی، در وقف نامه آمده است.(۳)]

رضا بدرالسّماء*

رضا بدرالسّماء فرزند ابوالقاسم بن عبدالحمید، از نقاشان هنرمند معاصر. در سال ۱۳۲۸ش در محلّه جوباره اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در این شهر طی کرد در نوجوانی نزد برادرش عنایت اللّه به میناکاری مشغول شد ولی پس از انجام خدمت سربازی، از میناکاری کناره گرفته و به نقاشی پرداخت و نزد احمد بیضاوی و علی مانی به فراگیری نقاشی مشغول شد. او پس از آشنایی با استاد جواد رستم شیرازی، نقاشی را با جدیّت دنبال کرد و از آن استاد بزرگ تعلیم گرفت. همچنین در زمینه آبرنگ از تجربیات استاد پرواند نهاپطیان بهره مند شد.

او اگرچه در نقاشی با آبرنگ، گواش و پاستل مهارت دارد امّا علاقه و دلبستگی

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۹.

۳- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۴۲۱.

خاصّی به مینیاتور ایرانی دارد و در این فن صاحب سبک است. موضوعات مذهبی از جمله وقایع تاریخی زندگی چهارده معصوم مضامین تابلوهای مینیاتور او هستند. از آثار استاد بدرالسّماء تعدادی در نمایشگاه های خارجی و داخلی به نمایش درآمده و تعدادی در مجموعه های خصوصی و موزه ها نگهداری می شوند. برخی از آنها نیز در کتابهایی به چاپ رسیده اند که از جمله می توان به نقاشی های کتاب رباعیات خیام اشاره کرد.

برخی از تابلوهای او به قرار زیر است: ظهر عاشورا، آتش به خانه وحی، کشتی نجات، از دامن زن مرد به معراج می رود، مرغ باغ ملکوت و غیره.(۱)

آقا محمّد رضا صهبای قمشه ای

حکیم آقا محمّد رضا قمشه ای متخلص به «صهبا» فرزند ابوالقاسم، عالم ربّانی و فیلسوف الهی ادیب شاعر و حکیم فاضل از مشاهیر حکماء و مدرسین فلسفه در قرن سیزدهم هجری.

در حدود سال ۱۲۴۱ق در قمشه [شهرضای کنونی] متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از حکماء و علماء از جمله: حاج ملّا محمّد جعفر لنگرودی، سیّد رضی لاریجانی، میرزا حسن نوری به تحصیل پرداخته و سپس به تدریس مشغول شد.

[در واقعه قحطی و گرانی ۱۲۸۸ق بسیاری از املاک خود را فروخته و سرمایه خود را صرف کرد و نیازمندان را از گرسنگی و مرگ نجات داد. در حدود سالهای ۱۲۹۴ یا ۱۲۹۵ به خاطر شکایت از صاحبان قدرت که املاک او را تصرّف کرده بودند به تهران رفته و به تقاضای طلّاب و فضلای آنجا در مدرسه صدر واقع در جلوخان مسجد سلطانی (مسجد شاه) به تدریس پرداخت. با ورود و تدریس او به تهران، شاگردان

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای رضا بدرالسّماء در پنجم مهر ۱۳۸۳ش.

دروس فلسفی میرزا ابوالحسن جلوه، جذب درس آقا محمّد رضا شدند و معروف شد که: «جلوه از جلوه افتاد».

او در تدریس فنون فلسفی اشراقی و صدرایی تسلّط و مهارت زیادی داشت و «فصوص الحکم»، «تمهید القواعد»، «شفا»، «اشارات»، «مصباح الانس»، «فتوحات مکیّه» و غیره را با بیانی گرم و پرشور تدریس می کرد.

او با آنکه فردی متمکن و صاحب ملک و سرمایه بود امّا زندگی زاهدانه و همراه با قناعت خود را ترک ننمود و به لباس روستایی خود قناعت کرده و عمر را به عبادت گذراند. اغلب روزه می گرفت و در خوراک و خواب به اندکی بسنده می کرد او در مراعات آداب و سنن شرع و ادای واجبات و مستحبات و ترک مکروهات و مواظبت بر نوامیس دین چنان محکم و استوار بود که گویی سلمان عصر و ابوذر زمان است.]

حکیم صهبا سرانجام [در غرّه صفر ۱۳۰۶ق و یا به روایتی] در شب پنج شنبه ۲۷ محرم ۱۳۰۶ق وفات یافت [رحلت او مصادف با وفات مجتهد بزرگ تهران ملّا علی کنی بود و همگان در مراسم تشییع او حضور داشتند. لذا پیکر حکیم قمشه ای در میان جمع اندکی از علماء و شاگردانش تشییع شده] و در مزار سر قبر آن در تهران مدفون شد.

[مادّه تاریخ وفات او را میرزا اسماعیل دبیر چنین سروده است:

سال فوت ورا چو می جستم شد سروش مرا چنین ناقل

که دبیرا بگو بتاریخش پاک آمد رضا بحق و اصل]

کتب و رساله های زیر از تألیفات اوست:

۱. «تعلیقات اسفار» [غیر مدوّن موجود نزد میرزا محمود قمی (شاگردش)[۲. «تعلیقات تمهید القواعد» [که قسمتی از آن به ضمیمه متن «تمهید» به طبع رسیده است.]۳. «حواشی بر شرح فصوص الحکم» قیصری۴. «الخلافه الکبری»، مطبوع۵. «رساله فی وحده الوجود بل الموجود»۶. «رساله فی موضوع العلم» مطبوع۷. «شرح حدیث زندیق»۸. «رساله فی الفرق بین اسماء الذّات و الصفات»۹. «دیوان

اشعار» [غیرمدون که در حاشیه برخی کتابها موجود است و استاد منوچهر صدوقی صهبا آنچه را به دست آمده در «تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفاء» ثبت نموده است.[۱۰. «الولایه» ۱۱. «رساله فی تحقیق الاسفار الاربعه» [۱۲. «تعلیقات مفتاح الغیب» ۱۳. «تعلیقات شواهد الرّبوبیّه» ۱۴. «رساله در تحقیق معنای جوهر و عرض در لسان اهل اللّه» ۱۵. «رساله فی الرّد علی الاعتراض علی دلیل امتناع انتزاع مفهوم واحد من الحقائق المختلفه» ۱۶. «شرح فرازی از دعای سحر: اللهم انّی اَسئلُکَ مِن بَهائک بِاَبهاهُ و کُلُّ بَهائِکَ بِهی»

این بیت از اوست:

ساغر ز خون ماست به اندازه نوش کن این جام باده نیست که لبریز می کنی(۱)]

محمّد رضا گلپایگانی

محمّد رضا بن ابی القاسم گلپایگانی اصفهانی، از خطاطین نسخ نویس قرن سیزدهم است. از آثارش: نسخه ای از «بهجه المرضیه فی شرح الالفیه» (سیوطی) مورخ اوّل جمادی الاولی ۱۲۶۶ق که در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است.(۲)

ملّا رضا خوانساری

آخوند ملّا رضا خوانساری فرزند ملّا احمد، واعظ صالح معمّر [در قرن چهاردهم

۱- جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۶۹؛ چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۲۲۲؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۵۰۸ و ۵۰۹؛ اصفهان: کتاب جوانان، صص ۲۲۷ و ۲۲۸؛ شمس التواریخ، ص۳۳؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، صص ۷۴-۷۹؛ نقباءالبشر، ج۲، صص ۷۳۲-۷۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۱۸ و ۶۱۹؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۴۹۶؛ سالنامه شهرضا، ص۲۵؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، صص ۳۶-۴۳؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و شعراء، صص ۲۶۱-۳۱۹؛ الذریعه، ج۷، ص۲۳۸؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۶۰۶-۶۰۸؛ شواهد الربوبیه: مقدمه، ص۱۲۷؛ منتخب معجم الحکماء، صص ۹۵ و ۹۶.

۲- فهرست حقوق، ص۲۸۱.

هجری] متوفّی در دوشنبه ۲۵ ربیع الثّانی ۱۳۶۵ق به سن قریب به یکصد سال. مدفون در جلو قبر آقا سیّد رضوی خوانساری (در تکیه سادات رضوی در تخت فولاد).(۱)

میرزا رضا ملّاباشی

حاج میرزا رضا ملّاباشی فرزند حاج میرزا احمد ملّاباشی بن میرزا محمّد حسن منجّم بن میرزا محمّد علی منجّم بن میرزا عبداللّه حسینی تفرشی، عالم فاضل [از علمای اواخر دوره قاجاریه].

در اصفهان متولّد شده و نزد آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج میرزا بدیع موسوی درب امامی و جمعی دیگر از علمای اصفهان تحصیل کرده است. او به افتخار دامادی شیخ محمّد تقّی آقانجفی نائل شده و زهرا خانم دختر او را به زوجیّت گرفته بود. او مردی خیّر و نیکوکار و صاحب موقوفاتی است. همچنین او به همراه شیخ الاسلام و رکن الملک، از اعضای عدالت خانه در اصفهان بوده است.

سرانجام در سال ۱۳۳۴ق در اصفهان وفات یافته و در مقبره آقانجفی مدفون گردید. سپس به اعتاب مقدّسه ائمه عراق علیهم السلام منتقل [و در نجف اشرف مدفون شد].

مرحوم ملّاباشی قسمتی از املاک خود را در لنجان وقف کرده و مصرف آن را کمک به ارحام فقیر خود قرار داده است رحمه الله .(۲)

شیخ محمّد رضا باقری محمودآبادی

آقا شیخ محمّد رضا باقری بن حاج احمد محمودآبادی، عالم فاضل متّقی [از علمای قرن چهاردهم هجری] متوفی ۱۳ رجب ۱۳۷۸ق مدفون در پای بقعه مقدّس در تخت

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۷۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۲۲-۲۲۴.

فولاد اصفهان.(۱)

شیخ رضا حُجَجی نجف آبادی*

شیخ رضا بن شیخ احمد حُجَجی نجف آبادی، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۱۲ش در نجف آباد متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات، در قم نزد آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، سلطانی، منتظری و علّامه طباطبایی به تحصیل علوم دینی مشغول شد. مدّتی به آبادان رفت و پس از آن به نجف آباد بازگشته و به اقامه نماز جماعت در مسجد سه راه بازار پرداخت. او خدمات اجتماعی ارزنده ای در زادگاه خود انجام داده که تأسیس بیمارستان الزهراء و تأسیس کتابخانه ای بزرگ با حدود هفتاد هزار جلد کتاب در نجف آباد از آن جمله است.(۲)

محمّد رضا خوراسکانی*

محمّد رضا بن اسکندر خوراسکانی، از جمله خوشنویسان قرن سیزدهم هجری که دارای خط بسیار زیبایی بوده است. در یکی از مساجد خوراسکان نیم جزء قرآن از پنجاه و نیم جزء دیگر قرآن رؤیت شد که به خط نسخ متمایل به ثلث به خط جلی و بسیار زیبا در سال ۱۲۴۶ق کتابت شده بود.(۳)

میرزا رضاخان بنان الملک*

میرزا رضاخان بنان الملک فرزند حاجی محمّد اسماعیل تاجر شیرازی (مشهور به میناکار). از کارگزاران و رجال عصر قاجاریه. در سال ۱۲۵۵ق متولّد شد. در جوانی مدّتی طب خواند و به میرزا رضاخان حکیم معروف شد. سپس به عنوان پیشکار و منشی

۱- سیری در تخت فولاد، ص ۲۰۰.

۲- سیمای دانشوران، صص ۷۷ و ۷۸.

۳- رساله خوراسکان (تألیف: محمّد علی ربانی): خطی. به نقل از یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

و عکاس به خدمت ظل السّلطان حاکم اصفهان درآمده و لقب «بنان الملک» گرفت. او شریک در تبهکاری های ظل السّلطان در تخریب آثار صفویه از جمله عمارت نمکدان است. او ثروت زیادی به هم زده بود و از ترس ظل السّلطان، به بهانه زیارت عتبات عالیات، از ایران خارج شده و به عراق و سپس مصر رفت. چندی بعد به لندن رفته و به ایران بازگشت. در سال ۱۳۰۸ق جزو وزرای دارالشّورای کبرای دولتی شد. در سال ۱۳۰۹ق به سمت قنسولگری مصر منصوب شد و دو سال آنجا بود. پس از عزل به اصفهان آمد و در رجب ۱۳۱۳ق ظاهرا به امر ظل السّلطان مسموم شده و جان سپرد و در ضلع غربی تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ فوت او این بیت است:

چون که بگرفت دامن ده و چار بجنان آمده مقام رضا(۱)

محمّد رضا بن محمّد امین

محمّد رضا بن محمّد امین [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] که در سه شنبه ۲ ذیحجه ۱۲۵۹ق در اصفهان مجموعه ای فراهم آورده که به شماره ۱۶۵۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

محمّد رضا اصفهانی*

محمّد رضا بن محمّد امین اصفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در ۱۰ شوال ۱۰۸۲ق نسخه ای از «حدائق الحقائق» تألیف: سیّد علاءالدّین محمّد گلستانه را کتابت نموده و نسخه به شماره ۷۵۱۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳)

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، تعلیقات استاد مظاهری، ص۹۸؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، ص۱؛ تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، صص ۲۵۴ و ۲۵۵؛ یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص۲۲۴.

۳- فهرست مجلس، ج۲۶، ص۳۳.

محمّد رضا کاظمی*

محمّد رضا بن ایوب کاظمی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. او در سال ۱۱۰۰ق نسخه ای از «شرح الرّضی» در علم نحو را در اصفهان کتابت کرده است. ظاهرا صاحب عنوان از شاگردان علّامه مجلسی بوده است. در کاظمین خاندان ایوب معروف بوده اند.(۱)

حاج سیّد محمّد رضا شفتی

حاج سیّد محمّد رضا شفتی بن حاج سیّد محمّد باقر (ثانی) بیدآبادی بن حاج سیّد اسداللّه بن حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی عالم فاضل جلیل.

در حدود سال ۱۳۲۰ق در اصفهان متولّد گردیده و در این شهر نزد عدّه ای از فضلاء همچون آخوند ملّا تقی دهقی و حاج آخوند زفره ای و آقا شیخ علی مدرس یزدی و آقا سیّد میرزا اردستانی مقدمات و سطح را فرا گرفته، سپس جهت تکمیل تحصیلات به نجف اشرف مهاجرت نمود و پس از آنکه برادر بزرگ ایشان مرحوم علم الهدی به عللی ترک جماعت در مسجد سیّد را نمود، ایشان را از نجف دعوت به اصفهان کردند و قبل از سال ۱۳۴۶ق مراجعت نموده و تا هنگام وفات در مسجد سیّد به اقامه جماعت پرداخته و پس از فوت مرحوم ملاذالاسلام امر تولیّت موقوفات مسجد مُفَوّض به ایشان گردید. و به بهترین صورت به وظیفه شرعی خود با تمام مشکلات و موانعی که اداره اوقاف زمان برای ایشان ایجاد می کرد، انجام وظیفه نمود.

اساتید ایشان پس از مراجعت از اعتاب مقدّسه در اصفهان عبارتند از: آقا میرزا احمد مدرس، آقا شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی، مرحوم حاج میر سیّد علی مجتهد

۱- الکواکب المنتشره، ص۲۶۹.

نجف آبادی و به خصوص مرحوم آقا سیّد مهدی درچه ای و غیره.

او عالمی خلیق بود و در سالهایی که مرحوم حاج میر سیّد علی بهبهانی مدت شش ماه به اصفهان تشریف می آوردند از ایشان دعوت می نمود که شب ها جهت اقامه جماعت به مسجد سیّد تشریف فرما شوند و این ایثار و گذشت سبب محبوبیت بیشتر ایشان شد.

سرانجام در نیمه شب پنج شنبه ۳ ذی الحجه ۱۳۹۶ق پس از یک عمل جراحی در بیمارستان وفات یافته، جنازه با کمال احترام و تشییع شایسته به مسجد سیّد منتقل و در بقعه مرحوم سیّد حجه الاسلام مدفون گردید.(۱)

آقا محمّد رضا حضورعلی اصفهانی

آقا محمّد رضا اصفهانی ملقب به «حضورعلی» فرزند آقا محمّد باقر، شاعر و عارف ادیب. [از عرفاء و شعرای اواخر دوره قاجاریه] در سال ۱۲۷۵ق در یزد متولّد شده و در طفولیّت همراه پدر در یزد به سر برد. در سال ۱۲۸۹ق به طهران رفته و در فقه، اصول، صرف، نحو، منطق، معانی و بیان، هیأت، نجوم و حکمت به کسب علم مشغول شده و زبان فرانسه را نیز آموخت. سپس به سیر و سلوك و عبادت پرداخته و از سوی مشایخ صوفیه لقب «حضورعلی» و از سوی دولت قاجاریه لقب «شمس العرفاء» گرفت. مشارءالیه برادر «صفی علی شاه» از مشایخ مشهور طریقت نعمت الهی است. طبع شعر داشته و گاهی شعر می سروده و مثنوی در باب پرسش جناب کمیل به زیاد از حصرت علی علیه السلام ، درباره حقیقت سروده است.

از اوست:

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۸۸-۱۹۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۱۴ و ۳۱۵، مزارات اصفهان، ص۱۶۵؛ مستدرك دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۵۹؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۹۵؛ فهرست نسخه های خطی سه کتابخانه اصفهان، ص۷.

من که رند باده نوشم پارسائی چون کنم بت پرستی پیشه دارم خودستائی چون کنم

خادم میخانه گشتم از حرم گویم چرا در خرابات اوفتادم پارسائی چون کنم(۱)

شیخ محمّد رضا عاملی

شیخ محمّد رضا بن محمّد باقر عاملی [از فضلای قرن سیزدهم هجری] شاگرد میر محمّد حسین خاتون آبادی است. او به دستور استاد خود «حاشیه» شیخ جعفر قاضی بر «الروضه البهیّه» را مقابله و تصحیح نموده و استاد به خط خود، در سال ۱۱۴۹ق شهادت به مقابله داده است. نسخه در کتابخانه خوانساری موجود بوده است.(۲)

ملّا محمّد رضا مجلسی

ملّا محمّد رضا بن علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی عالم فاضل و محدّث محقّق [از علمای قرن دوازدهم هجری] در اصفهان متولّد شده و نزد پدر عالیقدر خود و علمای اصفهان به تحصیل پرداخت. او عالمی حمیده خصال و عالی همت بوده و شاه سلطان حسین صفوی و امراء دولت او و علماء در احترام و تکریم او اهتمام داشتند. وی از جمله علمایی بود که در افتتاح مدرسه چهارباغ اصفهان در سال ۱۱۲۲ق حضور داشت. در فقه، حدیث و ادبیات خصوصا انشاء مهارتی به سزا داشته و شعر نیز می سروده [و خطوط ثلث و نسخ را خوش می نوشته است] و سرانجام مقارن فتنه افغان در اصفهان وفات یافته و در بقعه علّامه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد. این کتابها از اوست:

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۴۷۳ و ۴۷۴.

۲- الذریعه، ج۶، ص۹۳؛ الکواکب المنتشره ص۲۶۲.

۱. «ارشاد الحنفاء فی وصف الخلفاء» ۲. «معراج النفس» در انشاء

برخی از شاگردان پدرش، در آخر مجلّد اوّل کتاب «من لا یحضره الفقیه» در ماه ربیع الاوّل سال ۱۱۱۲ق به او اجازه روایت داده اند.(۱)

شیخ محمّد رضا جرقویه ای حائری

شیخ محمّد رضا فرقانی جرقویه ای اصفهانی حائری فرزند محمّد تقی، از اکابر علماء و فقهاء و مجتهدین معاصر. در حدود ۱۳۰۵ق [در قریه دستگرد جرقویه] متولّد گردید. تحصیلات مقدماتی را نزد ملّا محمّد ورزنه ای، آقا اسداللّه شریعتی کمال آبادی و ملّا محمّد حسن دهنویی طی کرد. سپس به اصفهان آمده و در درس آقا سیّد مهدی درچه ای، میرزا احمد مدرس اصفهانی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آخوند ملّا محمّد کاشانی حاضر شد. طب را نیز از میرزا ابوالقاسم احمدآبادی (ناصر حکمت) فرا گرفت و از محضر درس حاج ملّا عبدالجواد آدینه ای نیز بهره گرفت. در اوایل سال ۱۳۲۹ق به نجف اشرف عزیمت کرده و مدّت کمی در درس آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی شرکت کرد. پس از آن نزد آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی و سیّد حسین کوه کمری حاضر شد و تحصیل کرد. آن گاه به اصفهان مراجعت کرده و از محضر آقا سیّد محمّد رضا نجفی اصفهانی، آقا سیّد محمّد نجف آبادی و آقا سیّد مهدی درچه ای بهره بُرد. در سال ۱۳۳۷ق به حج بیت اللّه الحرام مُشَرَّف شده و بعد از آن به نجف بازگشت و در جلسات بحث حضرات آیات سیّد ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، میرزا علی آقا شیرازی، میرزا محمّد حسین نایینی و شیخ محمّد حسین غروی اصفهانی (کمپانی) شرکت

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۳۰-۳۳۲؛ مزارات اصفهان، ص۳۶؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۲؛ تذکره غنی، ص۵۷؛ مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، ص۱۲۵؛ الذریعه، ج۹، ص ۳۶۳ و ج۲۱، ص۲۳۷ و ج۲۶، ص۴۲؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۹؛ وقایع السنین و الاعوام، صص ۵۶۴ و ۵۵۳؛ تاریخ و سفرنامه حزین، ص۲۱۰؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۲۵-۵۲۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۹.

کرد در سال ۱۳۳۹ به ایران بازگشته و در قم از درس حاج عبدالکریم حائری یزدی بهره بُرد. مدّتی بعد به عتبات عالیات رفته و برای همیشه در کربلا ساکن شد.(۱)] و نماز جماعت را در مسجد صافی اقامه نمود و در مدرسه هندیه تدریس کرد. او در اواخر عمر در صحن مطهر مرقد حضرت امام حسین علیه السلام اقامه جماعت می نمود.

او از قائلین به وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت حضرت امام مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) بود و خود آن را در مسجد صافی کربلا برپا می داشت.(۲)

او در جمادی الاولی سال ۱۳۹۳ق در کربلا وفات یافته [و در مقبره آل شیرازی واقع در صحن مطهر مرقد حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام مدفون شد(۳)].

وی را تألیفاتی است از آن جمله:

۱. «ازاحه الرّیبه عن حکم صلاه الجمعه فی زمن الغیبه» [که در سال ۱۳۷۲ق در ایران چاپ سنگی شده است.] ۲. «تنبیه الغافلین عن معرفه ربّ العالمین» [که در سال ۱۳۷۹ق در کربلا چاپ حروفی شده است.(۴) ۳. «ایضاح المقال فی اثبات وجوب الجمعه علی کُلِّ حال(۵)]

ملّا محمّد رضا مجلسی

ملّا محمّد رضا بن ملّا محمّد تقی مجلسی، از علماء سلسله مجلسی بوده و پس از وفات در مقبره مابین قبر پدر و برادر (ملّا محمّد باقر مجلسی) مدفون گردید.

از کتاب «تذکره الانساب» برمی آید که ملّا محمّد تقی، غیر از ملّا عزیزاللّه و علّامه ملّا محمّد باقر، فرزندان دیگری هم داشته است از جمله: محمّد رضا. آخوند گزی قبر او را بین مجلسی اوّل و مجلسی دوم می نویسد. به نظر نویسنده این قبر متعلّق به ملّا محمّد

۱- اجازه الکبیره، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.
۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۲۶ و ۲۲۷.
۳- تراجم الرجال، ج۲، ص۶۹۵.
۴- مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۱۴۷.
۵- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۹۵.

رضا فرزند علّامه مجلسی است و ملّا محمّد رضا برادر علّامه مجلسی در بقعه و یا حوالی آن مدفون است.(۱)

سیّد رضا طباطبائی نجف آبادی*

سیّد رضا طباطبائی بن سیّد جعفر، عالم فاضل، در سال ۱۳۲۷ش در نجف آباد متولّد شد و پس از تحصیل مقدمات نزد پدر و شیخ عباس ایزدی، سیّد محمود مدرس و سیّد محمّد باقر حسنی در نجف آباد، به نجف اشرف عزیمت کرده و نزد حضرات آیات سیّد اسداللّه مدنی و شیخ مجتبی لنکرانی به تحصیل پرداخت. سپس به قم رفته و نزد حضرات آیات منتظری، گلپایگانی و سبحانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. از آثار او کتاب «مرجعیّت و تقلید» در سال ۱۳۷۹ش به چاپ رسیده است.(۲)

محمّد رضا نجف آبادی

محمّد رضا بن محمّد جعفر نجف آبادی، از نویسندگان کُتب و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. او از نسخه ای از «ریاض المسائل» (از اجاره تا لعان) را به خط نسخ در سال ۱۲۵۳ق کتابت کرده و به شماره ۳ در کتابخانه مدرسه حجتیّه قم موجود است.(۳) او نسخه دیگری از «ریاض المسائل» را در ۴ ذی القعده ۱۲۵۷ق کتابت کرده که در کتابخانه امام جمعه زنجان موجود بوده است.(۴)

سیّد محمّد رضا روضاتی*

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۳۲ و ۳۳۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۶.

۲- سیمای دانشوران، ص۱۲۵؛ آیینه اهل قم، ص۶۷.

۳- فهرست حجتیّه، ص ۶۰.

۴- دلیل المخطوطات، ج۱، ص ۱۱۰.

حـاج سـیّد محمّـد رضـا روضـاتی بن آقـا سـیّد جلال الـدّین بن میرزا مسـیح بن میرزا محمّـد باقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات)، عالم فاضل جلیل، در شنبه ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد علمای این شهر تحصیل نمود. سپس به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشـغول شد. علاوه بر علم و فضل در زبان انگلیسـی هم تسـلط داشت. او در سال ۱۴۰۱ق وفات یافت.

ماده تاریخ وفاتش را شاعر توانا استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) چنین سروده است:

خرد سال فوتش ز «برنا» خواست بگفتا «محمّد رضا» در جنان(۱)

۱۴۰۱

سیّد محمّد رضا بهشتی نژاد

سیّد محمّد رضا بن آقا جلال الدّین بهشتی نژاد، از علمای معاصر اصـفهان و امام مسـجد قرچقه [مسـجد شـهید بهشتی کنونی] متوفّی در اوّل ربیع الثّانی ۱۳۹۹ق و مدفون در تکیه سادات بهشتی جنب مصلای تخت فولاد.(۲)

حاج سیّد محمّد رضا غروی چهارسوقی

حاج سـیّد محمّـد رضا غروی موسوی چهارسوقی فرزنـد آقا جمال الـدّین بن آقا میرزا محمّـد هاشم موسوی چهارسوقی، عالم فاضل جلیل [از علمای معاصر اصفهان] در سال ۱۳۰۸ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد علمای این شهر تحصیل علوم کرده و پس از فوت پدر به جای ایشان در مسجد نو چهارسو شیرازی ها معروف به «مسجد آقا میرزا

۱- مناهج المعارف: مقدمه، ص۲۷۳؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۹۵ و اطلاعات متفرقه.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

محمّـد هـاشم» اقـامه جمـاعت نموده و تـا آخرین سالهای عمر ادامه داد. سـرانجام در [۲۵ جمـادی الثّانی] ۱۳۹۷ق در اصفهان وفات یافته، در پشت تکیه آقا حسین خوانساری (تکیه حاج آقا جمال الدّین نجفی) مدفون گردید.(۱)

آقا سیّد محمّد رضا خراسانی

آقا سیّد محمّد رضا خراسانی بن حاج سیّد محمّد جواد جارچی بن سیّد محمّد رضا بن حاج سیّد یوسف خراسانی، عالم جلیل، فقیه محقّق مدقّق [رئیس حوزه علمیه اصفهان].

در ۲۵ ذیحجه ۱۳۱۱ق درا صفهان متولّد گردیده و در خدمت جمعی از علماء عالیقدر اصفهان همچون حاج سیّد محمّد جواد جارچی (پدرش)، حاج سیّد مرتضی خراسانی (عمویش)، شیخ محمّد رضا نجفی، آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی، شـیخ علی مدرس یزدی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا سـیّد محمّد باقر درچه ای، [میرزا احمد مدرس و آخوند ملّا محمّد کاشانی] به تحصیل پرداخته و به اجتهاد نائل شد.

او سالها در مساجد اصـفهان از جمله مسـجد اقصـی و مسجد حاج رضا و مسـجد جارچی اقامه جماعت می نمود و در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ فقه و اصول را تدریس می کرد.

او عالمی نیکوکار و پرهیزکار بود. در اواخر عمر ریاست و اداره حوزه علمیه اصـفهان و رسـیدگی به مدارس و طلاب برعهده او بود. از خدمات ایشان تعمیر مدرسه عربان و مدرسه صدر و تأسیس کتابخانه رضویه (در مدرسه صدر بازار) است.

[مرحوم خراسانی در زهـد و قناعت و صـلاح و پرهیزکاری و رعایت نظم و انضـباط در تـدریس و امور زندگی نمونه ای مثال زدنی بود.]

وی در شب یکشنبه ۲۹ رجب ۱۳۹۷ق وفات یافته و در کنار قبر عالم بزرگ شیعه

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۰.

بهاءالـدّین محمّـد اصـفهانی (فاضل هنـدی) در تخت فولاد مـدفون شـد. تقریرات فقهی و اصول برخی از اساتید خود به رشـته تحریر درآمده است.(۱)

میرزا محمّد رضا اژه ای

میرزا محمّد رضا بن حاج میرزا حبیب اللّه اژه ای، عالم فاضل [از فضـلای قرن چهاردهم هجری] متوفی در ماه رمضان ۱۳۵۱ق مدفون در تخت فولاد اصفهان، نزدیک مزار ملّا علی اکبر اژه ای.(۲)

میرزا رضاخان نائینی*

میرزا رضاخان نائینی متخلّص به «رضوان» فرزند میرزا حسن خان مستوفی بن حاجی میرزا حسین خان بن میرزا سیّد محمّد خان بن میرزا معصوم خان طباطبائی نائینی، شاعر، ادیب، سیاستمدار و روزنامه نگار عصر مشروطیت.

او در ۱۲۹۰ق در قریه «حصـار» واقع در بین بروجرد و اصـفهان متولّـد شـده و در اصـفهان به تحصـیل پرداخت و در تهران در مـدرسه آمریکـایی ادامه تحصـیل داد. او از آزادیخواهان و طرفـداران مشـروطیت بود و به عنوان عضو انجمن ولایتی اصـفهان برگزیده شد و در جلسات و مباحث انجمن شرکت فعالی داشت. پس از آن به تهران رفت و در سال ۱۳۲۶ق روزنامه «تیاتر» را منتشـر کرد. آنگاه که محمّد علی شاه به سـلطنت رسید و مجلس را به توپ بست و بساط مشروطیت را برچید، دفتر روزنامه او مورد حمله قرار گرفت و غارت شد. میرزا رضاخان پس از شکست در فعالیت

۱- تاریـخ علمی و اجتمـاعی اصــفهان، ج۲، صـص ۳۱۵-۳۱۸؛ تاریـخ اصـفهان (جابری)، ص۳۴۱؛ گنجینـه دانشـمندان، ج۳، ص۹۱؛ سیری در تاریـخ تخـت فولاـد، ص۱۶۳؛ مـدرس مجاهـدی شـکست ناپذیر، ص۲۲۲؛ رجـال اصـفهان (دکتر کتـابی)، ص۲۳۵؛ فهرست کتابخانه صدر بازار، ج۳: مقدمه؛ ارشاد النّاس: (نسخه خطی)؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۱۱۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵.

مطبوعاتی، وارد کارهای دولتی شـد. مـدّتی معاون وزارت معارف بود. در دادگستری تهران مدّتی دادستان شد. عاقبت از آن کار کناره گرفته و اوقات را به مطالعه گذراند.

در شـعر طبعی روان و قـدرت فراوان داشـت. او کتابخـانه ای ارزشـمند بـا هزاران نسـخه نفیس داشـت که در آن زمـان پس از کتابخـانه مرحوم حـاج حسـین آقـای ملک، دومین کتابخانه بزرگ تهران بود. این کتابخانه به وسـیله دختر مرحوم نائینی وقف کتابخانه آستان قدس رضوی شد.

او مقالا‌تی در مطبوعـات نوشـته است از جمله: شـرح حـال مُتنَبّی شاعر بزرگ عرب (در مجله ارمغان) و مقاله «انتقاد ادبی» در علم نحو.

سرانجام در ۱۸ رمضان ۱۳۵۰ق وفات یافته و در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس مدفون شد.(۱)

مادّه تاریخ فوتش را عبرت نائینی چنین گفته است:

«عبرت» ز عقل سال و فاتش سؤال کرد آهی کشید و گفت: «صد افسوس از رضا»

۱۳۱۰ش

آقا سیّد محمّد رضا سادات

آقا سیّد محمّد رضا سادات فرزند آقا میرزا حسن بن میرزا محمّد بن میرزا محمّد باقر بن میر محمّد صالح آقا دگمه چین.

عالم فاضل جلیل [از علمای قرن چهاردهم هجری] امام جماعت مسجد علیقلی آقا در اصفهان بوده و در بعدازظهر چهارشنبه ۷ جمادی الثّانیه ۱۳۷۸ق در سن ۷۵ سالگی وفات یافته و در صحن تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، صص ۱۴۷-۱۵۰؛ تذکره سخنوران نایین، صص ۵۳ و ۵۴؛ نایین بلده طیّبه، صص ۱۱۰-۱۱۴؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۲، صص ۱۱۲-۱۱۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۳.

[مادّه تاریخ وفاتش را چنین گفته اند:

«واحدا انقص و اتل تاریخه: السیّد الرّضا اوی فی الجنان(۱)]

۱۳۷۸=۱۳۷۹-۱

حاج سیّد محمّد رضا جزایری

حاج سیّد محمّد رضا جزایری فرزند حاج سیّد حسن موسوی جزایری [از علماء و خطبای معاصر اصفهان] از اعقاب محدّث بزرگوار سیّد نعمت اللّه جزایری شوشتری، عالم جلیل و محقق مدّقق معروف می باشد.

خانـدان جزایری ساکن اصـفهان در طول چهار قرن به علم و زهد و جامعیّت معروف هستنند و در بین آنان عدّه ای از علماء و وعاظ و ائمه جماعات می باشـند. پـدر ایشان از محترمین وعاظ اصـفهان و داماد مرحوم حاج ملّا حسـینعلی صدیقین عالم عابد زاهد عارف بود. مرحوم حاج سیّد رضا در اصـفهان متولّد و تحصیلات قدیم و جدید خود را درا ین شهر و قم و طهران انجام داده و پس از دریافت مـدارک تحصـیلی سالها در اداره آموزش و پرورش به عنوان دبیر ادبیات و علوم دینی در مدارس انجام وظیفه نموده و ضمنا در منبر نیز به ارشاد و هدایت مردم اشتغال داشت. وی دبیر دانا و واعظی توانا بود. سرانجام در ۲۰ رمضان سال ۱۴۱۱ق در اصفهان وفات یافت و در قبرستان باغ رضوان مدفون شد.(۲)

[از اساتید زمان تحصیل ایشان در حوزه علمیه اصفهان شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی است.]

رضا بی ریا اصفهانی*

رضا رضایی متخلّص به «بی ریا» فرزند حسن، از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۴ش در

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- مزارات اصفهان، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

محلّه «بَرزان» اصـفهان متولّـد شـد. او پس از تحصـیل در دبسـتان به کار پرداخته و چنـدی بعـد در کارخانه زاینـده رود به کار پرداخت و در کنار آن تحصیل را ادامه داده و مدرک ششم ابتدایی را دریافت کرد. او پس از ۱۲ سال کار در کارخانه را رها کرد.

این شعر از اوست:

دل مکن خوش بر صدای دلنشین زندگی چون که مضرابش گهی ذیل و گهی بم می زند(۱)

آقا سیّد محمّد رضا داماد

آقا سیّد محمّـد رضا داماد بن سیّد حسن، عالم فاضل و واعظ ماهر، پـدرش داماد حاج میرزا محمود کلباسـی بوده و لـذا او به «داماد» شـهرت داشته است. درا صفهان روزگار به وعظ و خطابه می گذرانده و در ۱۳ جمادی الثّانی ۱۳۷۴ق وفات یافته و در بقعه میرزا ابوالحسن بروجردی در تخت فولاد اصـفهان مـدفون شـد. ماده تاریـخ وفاتش را میرزا حبیب اللّه نیّر اصـفهانی چنین سروده است:

فَقَدتُ «ادیبا» انقصه وارّخ «رضا الدّاماد مسکنه الجنان»(۲)

۱۸-۱۳۹۲=۱۳۷۴

رضا قدم زن اصفهانی*

حاج رضا قدم زن فرزند حسن، از شـعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۰ش در اصـفهان متولّد شد و پس از تحصیل در مکتب خانه، در کارخانه های وطن و ریسباف به کار پرداخت. و در اواخر عمر به کسب مشغول بود. گاهی شعر می سرود ولی در

۱- زنده رود تا حیدربابا، ص۱۳۲؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص۱۰۸.

۲- دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، ص۱۵۴؛ تاریـخ اصـفهان (جابری)، ص۳۴۰؛ سـیری در تاریـخ تخت فولاـد، ص۸۷؛ بوستان فضیلت، ص۱۹۷.

انجمن هـای ادبی شـرکت نمی کرد. مضـمون اشـعار او اغلب در مـدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام و پنـد و حکمت است. در شعر «رضا» تخلّص داشت و اشعارش هنوز به چاپ نرسیده است. سرانجام وی در ۲۱ فروردین ۱۳۸۴ش بدرود حیات گفت و در قطعه ۲۰ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

از اوست:

آنان که دوستی حق ادّعا کنند باید که صبر در خور این مدعا کنند

بر گرد شمع دوست چو پروانه پر زنند تا جان خویش را به راه او فدا کنند(۱)

رضا مینوی اصفهانی

رضا شـجاعت متخلّص به «مینو» فرزند حسن، شاعر ادیب [از سخنوران اصفهان در قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۹۵ش] در اصـفهان متولّـد شـده و پس از اتمام تحصـیلات ابتـدایی و متوسـطه، به کسب و کار پرداخته و به حسابداری [در شـرکت قند] مشـغول شـد. تحصـیلات ادبی را نزد حسـین مسـرور، احمـد غفراللّهی (جنّت) و جعفر نـوا کسب کرد و در فنـون شـعر و ادب مهارت یافت.(۲) [او کمتر به انجمن های ادبی می رفت و اغلب در خلوت خود به مطالعه و سـرودن شـعر مشـغول بود و گاه با دوسـتان صـمیمی خود منوچهر سلطانی (شاعر و موسیقی دان)، منوچهر قدسی (شاعر و خوشنویس) و جواد ساعتچی مصاحبت و معاشرت داشت.

او سرانجام در سال ۱۳۹۸ق وفات یافته و در تکیه آباده ای واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

منوچهر قدسی ضمن قطعه ای مادّه تاریخ فوتش را چنین یافته است:

«قدسی» به سال رحلتش این سان رقم زد «مینو ادیب شاعر آزاده رفت آه»(۳)

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای حاج رضا قدم زن در تابستان ۱۳۷۹ش.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۸۹ و ۴۹۰.

۳- آوای مینو: مقدمه؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

دیوان اشعار او با عنوان «آوای مینو» در سال ۱۳۸۴ش توسط انتشارات رنگینه در اصفهان به چاپ رسیده است.

از اوست:

ای به تأثیر نَفَس عقده گشا همچو مسیح باز گو داروی درد دل بیچاره کجاست]

آقا شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی

آقا شیخ محمّد رضا بن حاج شیخ محمّد حسین بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجدشاهی بن شیخ محمّد تقی رازی ایوان کیفی نجفی اصفهانی، فقیه مجتهد، نابغه بی بدیل و علّامه بی نظیر و ادیب دانشمند شاعر [از اکابر علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری].

در روز ۲۰ محرم ۱۲۸۷ق در نجف اشرف متولّد شد مادرش فرزند عالم عالیقدر سیّد محمّد علی آقا مجتهد فرزند سیّد صدرالدین صدر بزرگ بود. او پس از مسافرتی به اصفهان، مجددا به عتبات عالیات رفته و نزد حضرات آیات: سیّد ابراهیم تنکابنی قزوینی، شیخ محمّد حسین نجفی (پدر دانشمند خود)، میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی، سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی، سیّد اسماعیل صدر، سیّد محمّد فشارکی، حاج میرزا حسین محدّث نوری، سیّد مرتضی کشمیری، ملّا علی نهاوندی، حاج آقا رضا همدانی، حاج ملّا حسینقلی همدانی، حاج میرزا حبیب اللّه ذوالفنون عراقی و سیّد جعفر حلّی کسب علم و معرفت کرده و در علوم مختلف خصوصا، فقه، اصول، ادبیات، کلام، حدیث و ریاضی مهارتی به سزا یافته [و استادی زبردست گردید. او در کنار تحصیل به تصفیه نفس و تهذیب و تزکیه و عبادت پرداخته و از تربیت عالم ربّانی ملّا حسینقلی همدانی برخوردار شد.] عاقبت به اصفهان آمده و به

تـدریس و افتاء و قضاوت و ترویـج دین مشـغول شـد و صدها تن از علماء و فضـلاء از محضـر تدریس و تعلیم او کسب فیض کردنـد. او عـالمی خوش مشـرب، حاضـر جواب و نسـبت به همگـان متواضع بوده و در دفـاع از دین و امر به معروف و نهی از منکر از هیچ اقدامی فروگذار نمی کرده است.

وی پس از عمری تحصـیل و تـدریس و تحقیق و تألیف در یکشـنبه ۲۴ محرم ۱۳۶۲ق در اصـفهان وفات یافته و پس از تشـییع باشـکوه به تخت فولاـد حمـل و در بقعه جـدّ عالی مقـدار خود شـیخ محمّـد تقی رازی (موسوم به تکیه مادر شاهزاده) مـدفون گردید.

میرزا حسن خان جابری انصاری جهت وفات ایشان قطعه ای سروده و مادّه تاریخ آن چنین است:

تمنّی الجابری بأن یورّخ و کَلَّ لسانه عند البیان

اذا جاء البشیر و قال ارّخ «لقد اوی الرضا بالجنان»

۱۳۲۱ه . ق

و میرزا حبیب اللّه نَیّر گوید:

اراد النّیر استیضاح فوته ففی شهر المحرم طاب مثواه

فارخ بعد نقص الست العام «رضا النّجفی لبی داعی اللّه»

۱۳۶۲=۱۳۶۸-۶ق

وی صاحب تألیفات عدیـده است که در «الـذریعه» و «تاریـخ علمی و اجتماعی اصـفهان» به طور مفصّل معرفی گردیده، که از آن جمله است:

۱. «الاجازه الشّامله للسیّده الفاضـله» مطبوع در آخر کتاب «جامع الشـتات» صاحب عنوان [و نیز در مجله علوم الحـدیث شـماره چهارم با تحقیق علّامه سیّد محمّد رضا جلالی]۲. «اجازات»۳. «أداء المفروض فی شـرح اُرجوزه العروض» [چاپ شده با تحقیق شیخ مجید هادی زاده]۴. «اماطه الغین فی استعمال العین فی المعینین»، [مطبوع

مرتین]۵. «استیضـاح المراد من الفاضل الجواد»، مطبوع در آخر کتاب «وقایه الاذهان» [و مجلّه «فقه اهل البیت» شـماره ۴۰ عربی با تحقیق آقای رحیم قاسمی و ترجمه ایشان از این رساله نیز در مجله فقه فارسی شماره ۴۴ چاپ شده است.]۶. «استقصاء کتب الأصحاب»۷. «امجـدیه»، [چاپ چهارم]۸. «الإـیراد و الاصـدار فی حـلّ مشـکلات عویصه فی بعض العلوم»۹. «أنـا و الایام» ۱۰. «تعریب رساله سیر و سلوک» منسوب به علّامه بحرالعلوم ۱۱. «تنبیهات دلیل الانسداد»، مطبوع ۱۲. «حاشیه بر اُکر ثاوذوسیوس» ۱۳. «حاشـیه بر شـرح واحدی بر دیوان متنبی» [با تحقیق خانم لیلی نجمی در مجموعه «نصوص و رسائل» چاپ شده است.] ۱۴. «حاشـیه بر کتـاب روضات الجنات» که با نام «اعلاط الروضات» به طبع رسـیده است. ۱۵. «حلی الـدّهر العاطل فیمن أدرکته من الأفاضل» ۱۶. «حاشـیه بر کـافی» ۱۷. «حواشـی اسـتدلالی بر رسـاله نجـاه العباد»، [مطبوع] ۱۸. «دیـوان أبی المجـد»، مطبوع ۱۹. «ذخائر المجتهدین» فی شـرح «معالم الدین فی فقه آل یاسـین»، که «معالم الدین» تألیف شـمس الدّین محمّد بن شجاع انصاری حلّی (ابن قطان) است ۲۰. «رساله فی الردّ علی فصل القضافی عدم حجیّه فقه الرضا علیه السلام » ۲۱. «الروض العریض فیما قال أو قیـل فیه من القریض» ۲۲. «الروضه الغنـاء فی معنی الغنـاء و تحدیـده حکمه»، مطبوع مکررا ۲۳. «رسـاله در حکـم گرامافون»، [که در مجموعه «غنـا و موسـیقی» چاپ شـده است.] ۲۴. «سـقط الـدُّر فی احکام الکُر» ۲۵. «سـمطا اللئال فی مسئلتی الوضع و الاسـتعمال»، دو بار چاپ شـده ۲۶. «رسـاله در عـدم تنجیس متنجس» ۲۷. «السـیف الصـنیع لرقـاب منکری علم البیع» [مطبوع با تحقیق آقای شیخ مجید هادی زاده] ۲۸. «العقد الثّمین» ۲۹. «غالیه العطر فی حکـم الشّعر» ۳۰. «رساله در قبله» ۳۱. «القول الجمیل الی صدقی جمیل» ۳۲. «گوهر گرانبها» در ردّ اتباع عبـدالبهاء [با تحقیق آقای مهـدی باقری چاپ شـده] ۳۳. «نجعه المرتاد» در شرح «نجاه العباد» [با تحقیق آقای رحیم قاسـمی در مجموعه میراث حوزه اصـفهان، جلد اوّل چاپ شده است.] ۳۴. «نقد فلسفه داروین» در سه مجلّد، دو جلد مطبوع، [و اخیرا با

تحقیق آقای دکتر حامد ناجی اصفهانی چاپ شده است.] ۳۵. «النوافج و الروزنامج» [با تحقیق آقای جویا جهانبخش منتشر شده است.] ۳۶. «وقایه الاذهان و الألباب و لباب اُصول السنه و الکتاب»، مطبوع مرّتین.

[او در فنون شعر و ادب خصوصا معانی و بیان، بدیع، صرف و نحو، انشاء و سرودن شعر از نوادر روزگار بوده و فصیح و زیبا و دلپذیر شعر می سروده است.]

این شعر از اوست:

ألّا إنّ شکل المال فی الدّهر منتج ولکن شکل العلم فیه عقیم

فمن یشتری منی جمیع فضائلی فإنّی بأنحاء العلوم علیم

فقیه اصولی ادیب مفسر طبیب بصیر بالنجوم حکیم

و ماذا انتفاعی بالأصاله و الحجی اذا قیل هذا مقترٌ و عدیمٌ

عففت عن الفحشاء فی زمن الصبا علی إنَّ الشیطان الشباب رجیم(۱)

شیخ محمّد رضا صالحی جوباره ای

حاج شیخ محمّد رضا صالحی بن شیخ محمّد حسین بن ملّا محمّد صالح جوباره ای، عالم فاضل زاهد [از علمای قرن چهاردهم هجری] در استخاره از قرآن شهرت داشت و الحق تفألات او اغلب صحیح و درست بود.

در شب غرّه رجب ۱۳۸۶ق به سنّ متجاوز از ۹۵ سالگی وفات یافته و در بقعه تکیه

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۷۶ و ۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۲۰-۶۲۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۱۳-۲۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۱۹-۴۴۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۴۲-۳۴۴ و ۴۱۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۱۳-۲۱۵؛ الاجازه الکبیره، صص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ ریحانه الأدب، ج۷، ص۲۵۲؛ مصفی المقال، ص۱۷۹؛ نقباء البشر، صص ۷۴۷-۷۵۳؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۱۱۷-۱۱۹؛ دیوان ابی المجد: مقدمه؛ وقایه الأذهان: مقدمه؛ رساله امجدیه: مقدمه؛ قبیله عالمان دین، صص ۸۵-۱۱۵؛ گلشن اهل سلوک، صص ۱۱۳-۱۴۲؛ معارف الرجال، ج۳، ص۲۴۵؛ الاعلام، ج۳، ص۲۶؛ معجم المؤلفین، ج۳، ص۱۶۳.

فاضل سراب (معروف به تکیه جویباره ای ها) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

[مادّه تاریخ فوتش را استاد فرزانه و شاعر توانا آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» گوید:

بتاریخ وفاتش زد رقم «برنا» «رضای صالحی بود عابد و عالم»

۱۳۸۶]

استاد محمّد رضا اصفهانی

استاد محمّد رضا بن استاد حسین بناء اصفهانی، از هنرمندان زبردست عهد صفویه است. اثر جاویدان او بنای مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان، زیباترین بنای تاریخ اسلامی جهان است که در زمان شاه عباس اوّل، در سالهای ۱۰۱۲ تا ۱۰۲۸ق ساخته شده است. در داخل محراب کاشیکاری مسجد شیخ لطف اللّه نام او چنین آمده است:

«عمل فقیر محتاج برحمت خدا محمّد رضا بن استاد حسین بنّاء اصفهانی ۱۰۲۸»(۲)

رضا بینا

رضا قربانی مهر متخلّص به «بینا» فرزند آقا حسین جان، شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۲۸۸ش در بندر انزلی متولّد شد. در جوانی به استخدام بانک ملی ایران در آمد و در اصفهان ساکن شد. علاوه بر شعر و ادب به زبانهای فرانسوی و روسی آشنا بود. وی در انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن کمال [و انجمن صائب] شرکت می کرد [او در ۴ ربیع الاول ۱۴۰۲ مطابق با دهم دی ۱۳۶۰ش وفات یافته و در تکیه خلیلیان در تخت فولاد مدفون شد. وی علاوه بر شعر، داستانهای متعددی نیز نوشته و آثارش در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۸؛ سیری در تخت فولاد، ص۱۰۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۶.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۴۰۲؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۰.

روزنامه های «سایبان» و «سینا» به چاپ رسیده است.]

از اوست:

چشم تو به چالاکی ترکان کمان کش بگرفته به خون ریختنم تیر و کمان را(۱)

محمّد رضا شکیب اصفهانی

محمّد رضا متخلّص به «شکیب» فرزند محمّد حسین شمشیری شاعر و ادیب عارف. در سال ۱۲۸۴ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر به کسب علم و ادب پرداخت. در ۲۷ سالگی به عرفان روی آورده و مُرید ذوالرّیاستین شیرازی شد در شعر و ادب از محضر سینا کرونی بهره برده و در انجمن ادبی شیدا نیز از اساتید ادب کسب فیض کرد. سپس در انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن کمال حضور یافت. او به شغل قلمزنی امرار معاش می کرد و به مشایخ نعمت اللهی پاقلعه اصفهان ارادت می ورزید. دیوان اشعارش چندین بار به چاپ رسیده است.

وی سرانجام در [دوم ذیحجّه ۱۴۰۲ق مطابق با ۲۸ شهریور ۱۳۶۱ش] وفات یافته و در صحن تکیه آقاباشی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانا و ادیب دانشمند آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» گوید:

به شمسی خاصه بُرنا وفات او بنوشت: «اجل گرفت قلم از کف شکیب ادیب»(۲)

این ابیات از شکیب اصفهانی است:

هر که زد اندر ازل جامی ز مینای محبّت تا ابد در سر هوای خانه خمّار دارد

آب و رنگ لاله روی تو ای سرو خرامان باغ و بستان را به چشمم خوارتر از خار دارد

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، ص۶۵۶؛ تذکره خوان نعمت، ص۵۴؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹۸؛ یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۴-۲۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۵.

رضا طلاکوب

آقا رضا طلاکوب فرزند حسین بن احمد نقره کوب، شاعر ادیب [از سخنوران قرن چهاردهم هجری].

در حدود سال ۱۲۶۳ش در اصفهان متولّد شد. او مدّتی به مشاغل آزاد می گذرانید. در اواخر عمر در اداره شهرداری و بعدا در کارخانه ریسباف کار می کرد. در چند سال آخر عمر خود بینائی اش را از دست داد خیلی کم شعر می گفت و در انجمن های ادبی شرکت نمی کرد امّا طبع روانی داشت. اشعارش در حدود یکهزار و پانصد بیت می شود. او در یکشنبه ۲۳ رمضان المبارک سال ۱۳۷۲ق وفات یافته و در تکیه سیّد ابوجعفر خادم الشریعه (معروف به تکیه «حاج آقا مجلس») در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

از اوست:

هر که بینی رو بگرداند ز دیدار رقیب من نمی خواهم ببینم روی یار خویش را(۱)

محمّد رضا صغیر اصفهانی

محمّد رضا صغیر اصفهانی متخلّص به «سعید» فرزند استاد محمّد حسین صغیر اصفهانی بن اسداللّه، شاعر و مداح اهل بیت، در سال ۱۳۰۵ش در اصفهان متولّد شد. [و در دبستان فردوسی و دبستان حکیم نظامی تحصیل کرد سپس به کار بافندگی در کنار پدر مشغول شد و تحت پرورش پدر ذوق ادبی او شکوفا و لب به گفتن شعر باز کرد و در انجمن های ادبی همچون کمال، دبستان تبریزی، خاکیا، سعدی، حافظ، صائب و صغیر شرکت کرد. او مدّتی به فروش لوازم خانگی مشغول بود و عاقبت انتشارات صغیر را تأسیس نموده و مجموعه اشعار بسیاری از شعرای اصفهان را به چاپ رساند. خود او

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶؛ دانشوران روشندل، ص۸۷.

نیز تألیفاتی دارد که به چاپ رسیده اند از جمله:

۱. «دیوان سعید» ۲. «گنج عرفان»۳. «گلها و لاله ها»۴. «لاله های رنگارنگ»۵. «گلبن امید»۶. «مصبت نامه صغیر»۷. «یادبودنامه صغیر»

از اوست:

ترک من صبر و دل و دین مرا یکجا برد نازم آن شوخ که این هر سه به یک ایما برد

آنچه اندوخته بودم به نهانخانه دل به نگاهی ز من دلشده آن زیبا برد

خرمن صبر مرا شعله هجرانش سوخت حاصل عمر مرا سیل غمش یکجا برد[(۱)]

رضا عطاپور*

رضا عطاپور فرزند حسین بن حاج تقی کلانتر چهارسوقی اصفهانی، از نویسندگان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۱ش در محله چهارسوق شیرازی های اصفهان متولّد شد. و پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه به عنوان بهداشت یار در اداره بهداری به فعالیت پرداخت. وی کتابهای متعددی را تألیف کرده است که از آن جمله است:

۱. «راهنمای اصفهان» ،مطبوع ۲. «سخنان پرپر»، مطبوع۳. «سخنرانی های فلسفی»، مطبوع۴. «سخن زندگی»، مطبوع۵. «سرگذشت بزرگان جهان»۶. «سیری در دنیای مطبوعات» در ۵ جلد۷. «طومار اسلام»۸. «فکاهیات عطا»، مطبوع۹. «کشکول عطا» ۱۰. «معایب اجتماع»(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴۶؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۲۸۵؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای حاج محمّد رضا صغیر در تیرماه ۱۳۸۶ش.

۲- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای عطاپور در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۰.

محمّد رضا دانای اصفهانی

محمّـد رضا بخردی متخلّص به «دانا» فرزند محمّد حسـین [بن علی محمّد بن محمّد باقر عمده التّجار بن حاج محمّد حسـین بن حاج رسول قزوینی. از شـعراء و سـخنوران معاصر اصفهان. در شب اوّل دی ماه ۱۲۹۴ق] در اصفهان متولّد شد. [مادرش دختر حاج محمّد علی کلانتر گزی معروف به «برومند» بود. و برادرش سـرهنگ بخردی بانی پل سرهنگ در خیابان هفتون اصفهان است. صـاحب عنـوان ابتـدا در مکتب خـانه نزد میرزا محمّـد حسن مشـکی تعلیم گرفت و خـط شکسـته را آمـوخت سـپس در دبسـتان اقدسّـیه و دبیرسـتان صارمیّه] تحصـیلات ابتدایی و متوسطه را به پایان رساند. او در شهرکرد مدّتی معلم بود. سپس در اصـفهان به اسـتخدام بانـک ملّی درآمـد و ضـمن اشـتغال به امور حسابـداری بانک، در دانشـکده حقوق دانشـگاه تهران ادامه تحصـیل داده و لیسانس گرفت. [او پس از بازنشستگی موفق به اخذ پروانه وکالت شده و به وکالت مشغول شد.] او در شاعری دارای طبعی روان و ذوقی سرشار است و آنچه سروده، نشانه قدرت کلام و تسلط او بر شعر و ادب می باشد.(۱)

[او در نوجوانی تحت تأثیر پسرخاله ادیب و دانشـمند خود رضاقلی خان برومنـد و تشویق مرحوم عباس شـیدا به طور جدی به سرودن شعر پرداخت و اشعارش مورد پسند و تشویق حسین مسرور اصفهانی شاعر معروف آن زمان قرار گرفت. او در انجمن های ادبی شیدا، مدرسه تبریزی، کمال، مکتب صائب حضور فعال داشته است.

این آثار از اوست:

۱. «پیمـانه غزل»۲. «مثنـوی مـن و گـل» که در سـال ۱۳۶۴ش با مقـدمه اسـتاد منوچهر قدسـی چاپ شـده است.۳. «مثنوی نـامه عاشقانه»۴. «ساقی نامه» که قسمتی از آن در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۸۹.

«نامه سخنوران سپاهان» چاپ شده است.۵. «مثنوی در تجلیل بزرگان ادب معاصر اصفهان»۶. «نغمه وطن پرستی»[(۱)]

از اوست:

از سر کوی تو ای یار سفر باید کرد رو به شهر دگر و یار دگر باید کرد

بی وفایی و جفاکار و ستمگر تا کی در بر تیغ ستم سینه سپر باید کرد

حاج آقا رضا مظاهری

حاج آقا رضا مظاهری بن آخوند ملّا محمّد حسین مظاهری کرونی بن محمّد عالم فاضل و واعظ کامل. در سال ۱۲۹۸ش در دهستان «تیران» از توابع «کرون» [به فتح کاف و واو] متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از عالمان این شهر از جمله: حاج آقا جمال الدّین خوانساری، حاج آقا حسین خادمی، حاج میر سیّد علی بهبهانی، آقا کمال الدّین خوانساری، سیّد مصطفی مهدوی هرستانی، [حاج آقا رحیم ارباب، شیخ محمود شریعت ریزی، سیّد محمّد رضا خراسانی و سیّد ابوالحسن شمس آبادی (شهید اصفهانی)] تحصیل کرد.

او واعظی صالح و از محترمین اهل منبر اصفهان بود. در مسجد امام حسین علیه السلام در محله کیلان [به فتح کاف] و مسجد خیابان جامی اقامه جماعت می نمود. [او در روایات و اخبار و ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام و اخلاق و احکام صاحب معلومات فراوان و تبحّر کافی بود.]

او در عصر یکشنبه ۲ صفر ۱۴۱۰ق (مطابق با ۱۳ شهریور ۱۳۶۸ش) [بر اثر ابتلاء به سکته قلبی] وفات یافته و جنازه پس از تشییع شکوهمند توسط مردم اصفهان به قبرستان جدید باغ رضوان انتقال یافته و مدفون گردید.(۲)

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای محمّد رضا بخردی در ۸ فروردین ۱۳۸۴.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۲۷؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با فرزندش فاضل ارجمند حاج آقا محمّد مظاهری در اسفند ماه ۱۳۶۹.

محمّد رضا فتونی

محمّد رضا بن شیخ حسین فتونی [از فضلاء قرن یازدهم هجری در اصفهان] در سال ۱۰۷۶ق مجموعه شماره ۶۴۶۹ کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم را به خط نستعلیق در محلّه عباس آباد اصفهان کتابت نموده است.(۱)

رضا وفا دستجردی*

رضا اکبری دستجردی متخلّص به «وفا» فرزند حسین، شاعر ادیب معاصر، در سال ۱۳۱۸ش در روستای «دستجرد» بُرخوار اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیل در مکتب خانه، به تحصیل مقدمات علوم دینی در دولت آباد بُرخوار نزد حاج شیخ حسین نجفی دولت آبادی مشغول شد. مجموعه اشعار او به نام «سرود وفا» به چاپ رسیده است.

از اوست:

گلوی خویش به منّت ز آب تر نکنیم بزرگواری خود را فدای زر نکنیم

طریق صدق بپوییم اگر که جان بازیم لباس حیله و تزویر را به بر نکنیم(۲)

سیّد رضا هاشمی نجف آبادی*

سیّد رضا هاشمی نجف آبادی فرزند سیّد حسین، عالم فاضل و محقّق معاصر. در ماه بهمن سال ۱۳۲۰ش در نجف آباد متولّد شد مقدمات علوم دینی را از پدرش و شیخ غلامحسین منصور و شیخ عباس ایزدی فرا گرفت. سپس به قم عزیمت کرد و در درس حضرات آیات بروجردی، منتظری، علّامه طباطبایی و مطهری حاضر شد. مدّتی به تهران

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۶۵.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۸۸۱.

رفت و سالها در آنجا خدمت کرد. در دوران پیروزی انقلاب، در کنار تحصیلات حوزوی، در دانشگاه نیز تحصیل کرد و فوق لیسانس فلسفه اخذ نمود. سپس در دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخت. بعد از مدّتی برای تبلیغ به کشور سوئد رفت. در اواخر عمر نیز به زادگاه خود بازگشت و در حوزه علمیّه نجف آباد به تدریس مشغول شد و در آذرماه ۱۳۷۸ش وفات یافت و در قبرستان «جنّت الشّهداء» نجف آباد مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آلودگی های تمدن یا دورنمای فساد قرن بیستم» ۲. «فرهنگ شهادت»۳. «چگونه جنگیدن را از امام بیاموزیم»۴. «ریشه های انقلاب اسلامی»۵. ترجمه «دولت های شیعه در گذرگاه تاریخ»۶. «عروج و هبوط انسان از دیدگاه قرآن»۷. «متدولوژی انقلاب»۸. «مجموعه مقالات سیاسی»۹. «نصر بالرُّعب» ۱۰. «سیمای سامری» ۱۱. «مقدمات عرفانی نماز در قرآن» ۱۲. «توضیح و تعلیق کتاب معارف اسلامی»

سیّد رضا هاشمی مانند پدر خود طبع شعر داشت و حدود صد بیت از او باقی مانده است.(۱)

میرزا محمّد رضا خوشنویس اصفهانی

میرزا محمّد رضا خوشنویس اصفهانی. فرزندش میرزا حیدرعلی نقاش باشی نام داشته و قرآنی وقف نموده (که فاقد تاریخ است) و نیم جزو آن به شماره ۱۹ در کتابخانه چهلستون مسجد جامع طهران موجود است.(۲)

محمّد رضا راضی تبریزی

۱- دیباچه دیار نون، صص ۲۵۰ و ۲۵۱؛ سیمای دانشوران، صص ۲۱۲ و ۲۱۳؛ آیینه اهل قلم، صص ۹۶ و ۹۷.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

محمّد رضا راضی تبریزی، از شعراء و ادبای قرن یازدهم هجری و از تبریزیان ساکن محلّه عباس آباد اصفهان است.

او به شغل زرگری مشغول بود. مدّتی به هند رفته و از آنجا به تبریز بازگشت و مجددا به هند رفت. سال فوتش معلوم نیست.

این رباعی از اوست:

جان اگر از سینه ما شاد برون می آید کی خیال توام از یاد برون می آید

به امیدی که به سرو قد او دل بندد قمری از بیضه فولاد برون می آید(۱)

سیّد محمّد رضا هرندی

سیّد محمّد رضا حسینی هرندی معروف به «حاج آقا رضا هرندی» فرزند سیّد محمّد حسین عالم فاضل، واعظ کامل. [در قرن چهاردهم هجری] از خطبای معروف اصفهان و محبوب و مقبول عموم طبقات بوده و بیانی دلنشین داشته و مردم را با مواعظ شافیه خود ارشاد می فرموده است. [در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله: شیخ محمّد علی فتحی دزفولی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، شیخ علی مدرس یزدی، میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی تحصیل کرده و سپس در نجف اشرف از محضر حضرات آیات آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و سیّد عبدالهادی شیرازی کسب فیض نموده است.]

سالها در اصفهان به موعظه و ارشاد مشغول بوده و در مسجد دارالشفا اقامه جماعت می نموده تا اینکه در سن ۸۵ سالگی در ۷ ربیع الثانی ۱۴۰۲ق (مطابق ۱۲ بهمن ۱۳۶۰ش) وفات یافته و در تکیه شهدای اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۶۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۵۶؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۳۰؛ سخنوران آذربایجان، ص۳۶۶.

۲- گلستان شهدای اصفهان در گستره تاریخ، (نسخه چاپ نشده)، ج۱، ص۵۶؛ مزارات اصفهان، ص۳۶۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۱۶.

رضا رهائی نجف آبادی*

رضا رهائی فرزند حیدر، از شعرای معاصر نجف آباد، در ۱۴ مرداد ۱۳۰۶ش در نجف آباد متولّد شده و از اوایل جوانی به سرودن شعر پرداخت و در انجمن های ادبی تهران از جمله «عرفان»، «جماران» و «سعدی» و انجمن های ادبی نجف آباد از جمله: «پروین اعتصامی» و «مولوی» حضور یافت همچنین اشعارش که اغلب طنز انتقادی و اجتماعی بود در نشریات «فردوسی»، «چلنگر»، «توفیق» و «حاجی بابا» به چاپ می رسید. او از راه شغل بنّایی امرار معاش می کند. مدتها در تهران ساکن بوده و سپس در «ویلاشهر» نجف آباد سکونت گزیده است. در شعر «رهایی» تخلّص دارد.

از اوست:

در بزم خیال تو به رؤیا بنشستم مسرورم از آن لحظه که تنها بنشستم

سیمرغ صفت بر قُلَلِ قاف وصالت پنهان شده از مردم دنیا بنشستم(۱)

میرزا محمّد رضا قمشه ای

میرزا محمّد رضا بن میرزا حیدر قمشه ای، شاعر و ادیب قرن یازدهم هجری. از نجبای قمشه [شهرضای کنونی] بوده و وکیل و همه کاره میرزا حسن خلیفه سلطانی شده بود. جوانی آراسته و نویسنده ای زبردست و خوشنویس بوده و در فن معمّا و شعر و انشاء بهره وافی داشت. او به خاطر خوش مشربی و اخلاق حسنه محبوب القلوب خاص و عام بود و حدود سال ۱۰۸۱ق در جوانی وفات یافت.

از اوست:

اوّل عشق تو اشکی بهر سامان داشتم این زمان مژگان به صد خون جگرتر می شود(۲)

۱- دیباچه دیار نون، ص۱۷۶؛ از زنده رود تا حیدربابا، ص۴۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۸۶؛ تذکره حسینی، ص۱۳۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۹۵.

محمّد ضا شهمیرزادی

محمّد رضا بن حاج درویش شهمیرزادی کهدمی اردبیلی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] شاگرد و مجاز از علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. در اصفهان ساکن بوده و علّامه مجلسی در آخر روضه کافی در ۲۶ صفر ۱۰۷۶ق برای او اجازه نوشته است. کتاب به شماره ۳۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّد رضا منصور اصفهانی

میرزا محمّد رضا طبیب اصفهانی متخلّص به «منصور» فرزند رجبعلی شاعر ادیب و طبیب دانشمند [در قرن سیزدهم هجری] در اصفهان در سال ۱۱۶۷ق متولّد شد. او نزد جمعی از علماء و حکماء به تحصیل پرداخته و از جمله در حکمت الهی از درس آقا محمّد بیدآبادی و در طب از محضر محمّد نصیر طبیب اصفهانی بهره گرفته و به طبابت مشغول شد. گویند به خاطر تجویز «شراب» به بیماران به «میرزا رضای شرابی» معروف بود.

وی سالها در کرمان در خدمت میرزا ابراهیم خان ظهیرالدّوله قاجار حاکم کرمان به طبابت مشغول بوده و سرانجام در سال ۱۲۳۸ق وفات یافت. علاوه بر طبابت شعر نیز می سروده و «منصور» تخلّص می نمود.

از آثار او «دیوان اشعار» موسوم به «ابراهیم آباد» است که به شماره ۱۴۰۸۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. همچنین کتاب «هادی المضلّین و زاد المتّقین» در علم کیمیا که آن را از یادداشت های استادش آقا محمّد بیدآبادی در سال

۱- فهرست مرعشی، ج۱، ص۳۴۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۰ و ۳۱؛ اجازات الحدیث، ص۲۰۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۹۸ و ۹۹.

۱۲۰۹ق اقتباس نموده است.

این بیت از اوست:

نگذاشت سنگ حادثه بر پیکرم پری کاندر قفس به زیر پری آورم سری(۱)

میرزا محمّد رضا قمی*

میرزا محمّد رضا خلف ارشد آقا رضی، شاعر و ادیب فاضل، از سخنوران قرن یازدهم هجری. مانند پدرش جامع فضایل و کمالات بوده و پس از فوت او وزیر قم شد و در آن منصب در کمال عدالت و راستی و نیک نفسی رفتار می نمود. عاقبت به سعایت بدخواهان از کار عزل شده و در اصفهان ساکن شد(۲) و در مدرسه میرزا رضی به تحصیل پرداخت. از آثا او کتابت نسخه ای است از کتاب «شفا» تألیف: ابن سینا که آن را در رمضان المبارک ۱۰۸۰ق در مدرسه میرزا رضی اصفهان به خط نستعلیق کتابت کرده و به شماره ۸۵ در کتابخانه سیّد مصلح الدّین مهدوی (اهدایی به گنجینه نسخ خطی اصفهان) موجود است.(۳) این بیت از اوست:

خوشا دمی که تو ای یار، یار من باشی ستاره سحر انتظار من باشی

محمّد رضا اصفهانی

محمّد رضا بن محمّد رفیع اصفهانی از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. [در اصفهان

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۹؛ تذکره اختر، ص۱۹۰؛ تذکره سفنیه المحمود، ص۲۹۱؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، صص ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵؛ تذکره دلگشا، صص ۴۷۳ و ۴۷۴؛ الذریعه، ج۲۵، صص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ فهرست مجلس، ج۳۸، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۵۷؛ آشنای حق، صص ۶۵-۶۸؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۰۸۲؛ فهرست الفبایی رضوی، ص۷۶۵؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۳۴۷؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۷۲۰؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۳۴۳-۳۴۵؛ تذکره ممیّز (خطّی)، ص۷۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۶۱.

۳- فهرست سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص۹۰.

ساکن بوده و به تحصیل علوم دینی پرداخته است. سیّد میر علی اکبر حسینی اصفهانی از اساتید اوست.]

او چند کتاب را کتابت کرده است از جمله:

[۱. «مطالع الانوار» تألیف: سیّد حجت الاسلام، به خط نسخ در ۱۷ ذی الحجه ۱۲۳۷ق به دستور سیّد میر علی اکبر حسینی اصفهانی که به شماره ۱۲۹۲ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)] ۲. «حلیه اللّامعه» تألیف: سیّد حجت الاسلام، به خط نسخ در جمعه ۱۰ رجب ۱۲۳۹ق، موجود در کتابخانه علّامه محقّق حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان.(۲) [۳. «مطالع الانوار» تألیف: سیّد حجت الاسلام به خط نسخ، در سال ۱۲۵۵ق در اصفهان، که به شماره ۱۴۸۰۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی قمی در قم موجود است.(۳)]

حاج محمّد رضا جواهری*

حاج محمّد رضا جواهری فرزند حاج محمّد رفیع، از فضلاء اصفهان در دوره قاجاریه و از اصحاب محضر حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی (فرزند سیّد حجه الاسلام شفتی) و از ساکنین محله نوی شهیش بیدآباد بوده و به استنساخ کتب اشتغال داشته و به جهت شناسایی دانه های ثمین و نگین های بهادار، او و پدرش به «جواهری» شهرت یافته بودند.

او در سال ۱۲۹۸ق به سفر حجّ همّت گماشت و معلوم نیست چرا فرزند نورسته و تازه بالغ که نام نیا را بر او نهاده بود، با اوضاع و وسائل نقلیه صعب آن زمان با خود همراه ساخت و چنانکه از مضامین اشعار لوح مزار فرزند (که تا قبل از تغییرات اخیر بقعه علّامه خوانساری در تخت فولاد به جای خود باقی بود) به مجرّد بازگشت از حجّ که

۱- فهرست احیاء، ج۴، ص۱۲۴.

۲- الذریعه، ج۷، ص۸۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۳۱۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۳۷، ص۴۰۸.

تا جمادی الثّانی طول کشید، فرزندش حاجی محمّد رفیع دوم دار فانی را وداع گفت.

با پدر محترم بهر طواف حرم اوّل تکلیف خویش شد به حرم رهسپر

زان سفر پرخطر چون به وطن بازگشت طایر روحش نمود عزم دیار دگر

در مه دوم جماد جسم جمادی نهاد روح مجسّم شد و ساخت جنان را مقر

و فرزنـد دیگرش حاج محمّد مهدی که یکی از پسـران او هم دارای نام محمّد رفیع بوده، در دوران شـباب در محل تدریسـش لرستان وفات یافته است. با مزاوجت دختر میرزا اسماعیل بن میرزا ابراهیم حسینی باب الدّشتی (از معاشرین و مشاورین فاضل و فهیم سیّد محمّد امام جمعه) که بعدا خواهر همسرش، از حرمسرایان و همسر مسعود میرزا ظلّ السّلطان شده، صاحب ثروت و عنوان بوده است.

حـاج محمّـد رضـا که در اوایل و حاج محمّـد مهـدی که در اواسط قرن چهاردهم هجری قمری روی به عالم باقی نهاده انـد و حاج محمّد رفیع تازه بالغ و همسر حاج محمّد مهدی در حجره جنوب شرقی بقعه علّامه خوانساری در تخت فولاد مدفونند.(۱)

شیخ محمّد رضا بیان الحق

شیـخ محمّـد رضـا بیـان الحق فرزنـد شـیخ زین العابـدین واعـظ [از وعاظ اهل منبر در قرن چهاردهم هجری] متوفی ۱۱ شعبان ۱۳۹۰ق [مدفون در گورسـتان عمومی جنب تکیه صیرفیان و کنار مزار مرحوم سیّد علی اکبر هاشمی طالخونچه در تخت فولاد اصفهان(۲)]

دکتر رضا زهروی*

دکتر رضا زهروی فرزند زین العابدین، از پزشـکان حاذق و شعرای خوش ذوق معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۵ش متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته

۱- یادداشت های شاعر توانا و آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا».

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

پزشکی به تحصیل پرداخت و به درجه دکترا نائل آمد و در اصفهان به طبابت مشغول شد. علاوه بر آن شعر نیز می سروده و «جلالی» تخلّص می نمود و در برخی انجمن های ادبی از جمله انجمن ادبی فردوسی شرکت می کرد.

از اوست:

گرچه در سودای عشق او بسی بی مایه ام با نظربازی اگر سودا کنی دشوار نیست(۱)

شیخ محمّد رضا شریعت طالخونچه ای

شیخ محمّد رضا شریعت بن ملّا زین العابدین طالخونچه ای عالم فاضل، ادیب شاعر [از علمای قرن چهاردهم هجری].

در حدود سال ۱۳۰۰ق در «طالخونچه» از روستاهای بین شهرضا و سمیرم متولّد شده و جهت تحصیل به اصفهان آمد و در مدرسه جده ساکن شده و نزد علمای این شهر همچون آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا سیّد مهدی درچه ای، حاج میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی به تحصیل پرداخت. آنگاه به مولد خویش مراجعت کرده و مرجع شرعیات آن حدود شد و به تبلیغ دین و ارشاد مردم پرداخت و در سال ۱۳۷۳ق در آنجا وفات یافته و مدفون شد.

علاوه بر مقام علمی و دینی شعر نیز می سروده است. از اوست:

گر بگویی دست از عشق تو بردارم ندارم جز طریق عشق راهی در نظر دارم ندارم

چون سر کوی تو جانا منزل و مأوی باشد از چنین منزلگهی قصد سفر دارم ندارم(۲)

[صاحب عنوان، پدر دانشمند بزرگوار و استاد دانشگاه آقای دکتر محمّد جواد

۱- زنده رود تا حیدربابا، ص۹۰؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص۱۷۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۲۶۷ و ۲۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۶۲۳ و ۶۲۴.

شریعت است.]

میرزا سیّد رضا حسینی اصفهانی

میرزا سیّد رضا بن میرزا شاه تقی حسینی اصفهانی شاعر ادیب. [از شعرای قرن دوازدهم هجری].

از دوستان صمیمی شیخ محمّد علی حزین بوده و در حسن سلیقه و رنگینی صحبت بی نظیر و سخن فهمی و نکته سنجی مُسَلَّم هر صغیر و کبیر بود. از شکفته طبعان روزگار بوده و ایّامی مهیّا به عزت و احترام داشت. گاهی به شعر و انشاء رغبت نموده، ابیات بلند از طبع مشکل پسندش سامعه افروز می شد. «سیّد» تخلّص می کرد. سرانجام در سال ۱۱۳۳ق در اصفهان وفات یافت. احتمال دارد او همان شخصی باشد که به عنوان «میرزا رضا حسینی» در بقعه علّامه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون است.

این رباعی از اوست:

در دل ز غم تو خارخاری دارم از داغ به سینه لاله زاری دارم

افسرده شدست گلشن باغ نظر ای گریه بیا که با تو کاری دارم(۱)

محمّد رضا اصفهانی*

محمّد رضا بن حاجی محمّد صادق بزّاز اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن دوازدهم هجری. خط نسخ را خوش می نوشت و در دهه سوم ذیحجه الحرام سال ۱۱۹۹ق از کتابت «قرآن مجید» فراغت حاصل نمود. این نسخه به شماره ۲۹ در کتابخانه ملّی

۱- تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۲۰۹ و ۲۱۰؛ تذکره آتشکده، (نیمه نخست از بخش سوم)، ص۹۴۳؛ تذکره روز روشن، ص۲۹۹؛ الذریعه، ج۹، صص ۴۸۱ و ۳۶۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۲۰ و ۶۱۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۱۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۷.

ملک در تهران موجود است.(۱)

ملّا محمّد رضا مجلسی

ملّا محمّد رضا بن ملّا محمّد صادق بن ملّا مقصودعلی مجلسی، عالم فاضل و محدّث صالح [از دانشوران قرن یازدهم هجری.

از پسرعموی علّامه مجلسی است. در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصا عمویش ملّا محمّد تقی مجلسی و عموزاده اش علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته و موفق به اخذ اجازه روایت از آن دو بزرگوار شد.

کتابِ «الدّعوات الکافیات» را در سال ۱۰۶۹ق تألیف نموده و نسخه ای از آنرا شاگردش محمّد نسیم تبریزی کتابت کرده و مؤلّف به خط خودش برای کاتب اجازه نوشته است]. او نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» را کتابت کرده که به شماره ۷۹ج در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است.(۲)

ملّا رضا پیکانی جرقوئی*

ملّا رضا بن صادق علی خان پیکانی، از علمای اواخر دوره قاجاریه، در حدود سال ۱۲۹۰ق در روستای «پیکان» از توابع جرقویه اصفهان متولّد شد و در اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت. او از خوشنویسان چیره دست عصر خود بود و نستعلیق را خوش می نوشت و گاهی شعر نیز می سرود. او سرانجام در حدود سال ۱۳۳۵ق در زادگاه خود وفات یافت.

از اوست:

۱- فهرست ملک، ج۱، ص۵.

۲- الروضه النّضره، ص۲۷۰؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۱؛ اجازات الحدیث، ص۲۰۷؛ الفیض القدسی، ص۹۹؛ تلامذه المجلسی، ص۱۰۰؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۳۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۵۵.

اگر گویند چاره دیوانه زنجیر است چرا پس زلف لیلی دید مجنون، گشت دیوانه(۱)

سیّد محمّد رضا خاتون آبادی

سیّد محمّد رضا بن سیّد صالح بن سیّد محمّد رضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن سیزدهم هجری] از شاگردان و تربیت یافتگان مرحوم میر سیّد حسن مدرس میر محمّد صادقی و شیخ مرتضی انصاری و از همدرسان میرزا محمّد همدانی و شیخ روایت اوست. تاریخ اجازه خاتون آبادی به او ۱۲۸۱ق است.

از آثار صاحب عنوان دو جلد تقریرات مرحوم شیخ انصاری است که به خط خود در تاریخ ۱۲۸۲ق نوشته و نسخه ای از آن در کتابخانه علّامه مفضال جناب حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است. در حاشیه این نسخه اجازه مرحوم فاضل ایروانی جهت میرزا محمّد همدانی است و مرحوم خاتون آبادی حضور خود در آن مجلس را یادداشت نموده است.

مشارالیه در سال ۱۲۹۱ق وفات یافت.(۲)

شیخ محمّد رضا الهی شهرکی

شیخ محمّد رضا الهی بن ملّا طاهر بن عبداللّه شهرکی دهکردی، عالم فاضل [از علمای قرن چهاردهم هجری].

وی در سال ۱۲۹۹ق در قصبه «شهرک» از توابع چهارمحال متولّد شد. در اصفهان نزد سیّد محمود کلیشادی (مغنی گو)، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، شیخ محمّد تقی

۱- گرکویه، (ویرایش دوم)، صص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۴؛ الکرام البرره، ج۱، ص۵۵۶؛ الذریعه، ج۱۱، ص۲۲؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۰۵۵؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص۲۵۸.

آقانجفی و حاج آقا نوراللّه نجفی به تحصیل پرداخت.

او عمری را به ترویج و تبلیغ دین گذرانیده و فرزندانی شایسته تربیت کرد و سرانجام در شب شنبه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۶۱ش وفات یافته و پای بقعه میرزا ابوالحسن بروجردی (در تکیه بروجردی یا درکوشکی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

مادّه تاریخ وفات مرحوم الهی را میر سیّد علی نوربخش (آزاد) چنین گفته است:

سؤال کردم از «آزاد» سال فوتش گفت: «روان شد الهی به پیشگاه خدا»

ملّا محمّد رضا زفره ای

ملّا محمّد رضا زفره ای متخلّص به «عنبر» فرزند ملّا عباس بن حاج عبدالصمد، شاعر ادیب معاصر، از اهالی روستای «زفره» از توابع کوهپایه بود. او در روستای «حبیب آباد» بُرخوار ساکن شد [و در اواخر عمر به اصفهان آمد و در ۲۲ ربیع الاوّل ۱۴۱۰ق (مطابق با اوّل آبان ۱۳۶۸ش وفات نمود.(۲) از اوست:

شکر للّه کز عنایات خداوند جهان شهر اصفاهان ز نو گردید چون باغ جنان

نور و ظلمت، عیش و غم، زهر و شکر بس دیده ام گاه خندان بهر اینیم گاه گریان بهر آن

عیش اگر خواهی طلب کن از خدا جنّات عدن ای خوش آن عبدی که منزل برکَنَد زین خاکدان(۳)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷؛ بوستان فضیلت، ص۱۹۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۰؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۴.

۳- یاداشت های آقای محمّد حسن رجائی زفره ای.

میر محمّد رضا طباطبایی اصفهانی*

میر محمّد رضا بن میر عباس طباطبایی اصفهانی، از کاتبان قرن دوازدهم هجری است. او در چهارشنبه ۴ رمضان ۱۱۴۰ق نسخه ای از «تحفه الزّائر» تألیف: علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را کتابت کرده و به شماره ۷۳۴ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۱)

میر محمّد رضا بهشتی*

میر محمّد رضا بن میر عبدالباقی حسینی بهشتی، عالم فاضل زاهد صالح متّقی [از علمای قرن سیزدهم هجری] از ائمه جماعت مسجد سرجوی شاه [مسجد دکتر بهشتی فعلی] و مسجد لنبان اصفهان بوده و عمر را به عبادت و قناعت گذرانیده و در جمعه ۲۷ رجب المرجّب سال ۱۲۵۶ق وفات یافته و در تکیه سادات بهشتی درشمال مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۲)

حاج رضا زرفشان*

حاج رضا صدریان متخلّص به «زرفشان» فرزند عبدالحسین از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۲ش در اصفهان متولّد شده و گاهی شعر می گوید.

از اوست:

ای نوگل حیات، محمّد خوش آمدی ای چشمه حیات، محمّد خوش آمدی

از جلوه تو سینه ما باز شد چو گل گل از رخ تو مات، محمّد خوش آمدی(۳)

میرزا محمّد رضا محلّه نوئی*

۱- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۵۳۸.

۲- تحفه الاحباب، ص۴۰.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۳۱۰.

میرزا محمّد رضا محلّه نوئی فرزند آقا عبدالحسین امین العلماء بن حاج ملّا محمّد شفیع خوئی (از فضلاء اواخر دوره قاجاریه).

فاضلی ماهر و بالیاقت بوده که در نزد مدرسین علوم زمان در اصفهان به فراگرفتن دانش پرداخته و با همکاری جمعی از اهل فضل محضر شرعی جهت اصلاح مرافعات و رفع خصومات و امور مکاتبات بیع و شراء و رهن و اجاره و عقد و طلاق وصل فسخ و واگذاری نموده و مورد توجّه حاج سیّد جعفر (فرزند حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی) واقع شد. تا جایی که او مراجعین خود را به محضر آن فاضل اصیل می فرستاد و در امور مختلف همچون اتمام نماهای مسجد و یاوری اهل محل از او کمک می گرفت.

میرزا محمّد رضا در ۲۶ ذیحجه ۱۳۱۷ق وفات یافته و در جنوب غربی تکیه علّامه خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

حاج میرزا رضا کلباسی

حاج میرزا رضا بن میرزا عبدالرحیم بن میرزا محمّد رضا بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم جلیل، فقیه جامع و مجتهد اصولی در شب ۲۵ ذی العقده الحرام ۱۲۹۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود تحصیل را آغاز کرد. [در اصفهان نزد جمعی از علماء و حکماء عالیقدر همچون شیخ محمّد علی ثقه الاسلام و برادرش شیخ محمّد تقی آقانجفی، جهانگیرخان قشقایی، آخوند ملّا محمّد کاشانی، ملّا حسین نایینی، شیخ احمد حسین آبادی، میرزا محمّد باقر حکیم باشی، میرزا محمّد حسن شیرازی اصطهباناتی به تحصیل پرداخت. در تهران از درس میرزا حسن آشتیانی و ملّا محمّد آملی بهره برد. درسال ۱۳۲۳ق به عتبات عالیات مشرف شد و از درس حضرات آیات شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی، آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا).

یزدی در نجف اشرف و میرزا محمّد تقی شیرازی در سامرا کسب فیض نمود و به مقام اجتهاد نائل شده و در سال ۱۳۲۶ به اصفهان مراجعت نمود.

او از پدرش میرزا عبدالرحیم و از شیخ احمد حسین آبادی، شریعت اصفهانی و آقا سیّد محمّد کاظم یزدی اجازه دارد.

حاج میرزا رضا کلباسی سالها در اصفهان به اقامه جماعت در مسجد خیاط ها و مسجد تکیه محمّد علی یزدی و تدریس در مدرسه صدر مشغول بود و دهها تن از طلاب و اهل علم از محضر او کسب فیض نمودند. او اهتمام زیادی به تشویق نوجوانان به طلبه شدن و تحصیل علوم حوزوی داشت. [و بسیاری از جوانان مستعد به همت او به لباس روحانیت درآمدند. در تدریس نیز از دروس مقدماتی تا عالی را تدریس می کرد] او شبهای جمعه در مسجد رکن الملک مراسم احیاء را برپا می نمود و دعای کمیل را قرائت می کرد. از کارهای خیریه او احیاء و مرمّت مساجد مخروبه بود.

[سرانجام درسال ۱۳۴۸ق برای همیشه اصفهان را ترک کرده و در جوار آستان قدس رضوی در مشهد مقدس اقامت گزید. او در مسجد گوهرشاد به اقامه جماعت و برگزاری مراسم احیاء در شب های جمعه می پرداخت و در روز به تدریس مشغول بود و مردم را وعظ و ارشاد می نمود.

او عالمی متّقی و عابد و قانع بود و در عبادت و تهجّد شور و حال خاصّی داشت.]

وی در شب سه شنبه ۴ شوال المکرّم ۱۳۸۳ق در مشهد مقدّس وفات یافته [و در جوار مرقد مطهر امام رضا علیه السلام در ایوان مجاور کشیک خانه (واقع در صحن عتیق) مدفون گردید.]

این کتابها از تألیفات اوست:

[۱. «اشراقات الایام فی افاضات الانام»]۲. «انیس اللیل» در شرح دعای کمیل - مشهورترین تألیف صاحب عنوان - که در سال ۱۳۴۳ق به ضمیمه «مرآه المصنّف» اثر میرزا یحیی بیدآبادی به چاپ رسید. و بعدها چندین بار دیگر نیز چاپ شد.

۳. «ایقاظات الاصول» [۴. «حاشیه بر رسائل» شیخ انصاری، ناتمام۵. «حاشیه بر کفایه» آخوند خراسانی، ناتمام۶. «حاشیه بر منظومه» سبزواری۷. «حاشیه بر نجاه العباد» [۸. «الدّعوه الحسینیّه إلی نصره الاسلامیّه» که در سال ۱۳۲۸ش در مشهد مقدس به همت پروفسور فلاطوری به چاپ رسیده است.۹. «راهنمای دین» یا «دستور تبلیغ»، مطبوع در ضمن کتاب «الدعوه الحسینیه» [۱۰. «رساله در رضاع» [۱۱. «شرح حدیث اهلیلجه» [۱۲. «شرح اشعار حافظ»] ۱۳. «شرح منازل السائرین» به فارسی [۱۴. «مفتاح الجنان» در شرح دعای صباح که به تصحیح و تحقیق محقق فاضل آقای مهدی رضوی در جلد سوم میراث حوزه اصفهان به چاپ رسیده است. [۱۵. «مقامات العارفین» که به ضمیمه کتاب «مرآه المصنّف» به طبع رسیده است. ۱۶. «مکیال الیقین» در اصول دین که به ضمیمه کتاب «مرآه المصنف» به طبع رسیده است. [۱۷. «نفحات اللّیل» در شرح دعای کمیل، که به چاپ رسیده است] ۱۸. «هدیه السّالکین لعموم المسلمین» که در سال ۱۳۶۲ق به چاپ رسیده است.(۱)

محمّد رضا نصیری طوسی

محمّد رضا بن عبدالحسین منشی الممالک [بن ادهم بیک مستوفی بن ملک بهرام کلانتر] نصیری طوسی، عالم فاضل و ادیب محقّق [از علمای قرن یازدهم هجری].

وی از اعقاب شیخ طوسی و از مشاهیر خاندان «نصیری طوسی» است. او نزد جمعی از علماء عالیقدر از جمله امیر شرف الدّین علی شولستانی تحصیل کرده [و در علوم زمان خود همچون ادبیات فارسی و عرب، تفسیر، حدیث، کلام و فقه مهارتی به سزا داشته است. در اصفهان ساکن بوده و ظاهرا مانند پدر منصب «منشی الممالک» را برعهده

۱- دانشمندان و برزگان اصفهان، ج۲، صص ۶۲۴ و ۶۲۵؛ ارشاد الناس، (نسخه خطی)، ص۱۴؛ نقباء البشر، ج۲، ص۷۵۹؛ الذریعه، ج۲، ص۴۶۴ و ج۴، ص۸۳ و ج۲۵، ص۱۷۶؛ المستدرک فهرس التّراث، ص۹۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۴۳۳ و ۴۳۴؛ وفیات العلماء، ص۲۵۶؛ میراث حوزه اصفهان، ج۳، صص ۳۹-۴۶؛ خاندان کلباسی، صص ۲۱۷-۲۲۰؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۱ و ۴۰۹.

داشته است.[(۱)]

کتب زیر از اوست:

۱. «تفسیرالائمه لهدایه الامّه» [به فارسی و عربی. کتاب تفسیری بزرگ مفصل در چندین جلد که نسخه ای از جلد اوّل آن در کتابخانه شیخ محمّد امین آل شیخ اسداللّه دزفولی در کاظمین موجود بوده است. جلد دوم تفسیر در کتابخانه شیخ محمّد جواد محی الدّین جامعی در نجف نگهداری می شده و نسخه ای دیگر از جلد دوم به شماره ۱۲۸۶۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. همچنین بنا به نقل شیخ ابوالمجد محمّد رضا نجفی اصفهانی مجموعه ۱۵ جلدی این کتاب در کتابخانه خاندان قزوینی در اصفهان موجود بوده که «اقبال الدّوله» حاکم اصفهان ۳ جلد آنرا گرفته و پس نداده است.(۲)] ۲. «کشف الآیات» معروفترین تألیف اوست که به عربی نوشته و در سال ۱۰۶۷ق از تألیف آن فراغت یافته است. نسخه های این کتاب در بسیاری از کتابخانه ها موجود است و معروفترین تألیف صاحب عنوان به شمار می رود.(۳) ۳. «مختصر تفسیر الائمه» به فارسی ۴. «منشآت سلیمانی» در علم لغت، که ناتمام مانده است.(۴)

حاج میرزا محمّد رضا رضوی خوانساری

حاج میرزا محمّد رضا بن سیّد عبدالرّسول رضوی خوانساری، از علماء کاملین و فقهاء و مدرسین اصفهان [در اواخر قرن سیزدهم هجری] وی قبل از طبع مجلدات «وافی»، «مستند»، «بحارالانوار» و برخی دیگر از کتب به تصحیح آنها اقدام کرده است.

وفاتش در ۲۷ رجب ۱۳۳۹ق واقع شد. و در تکیه آقا سیّد محمّد ترک (تکیه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۸؛ مطلع الشمس، ص۶۹۹؛ محافل المؤمنین، ص۲۹۳؛ فوائد الرضویّه، ج۲، ص۵۳۳؛ زندگینامه شیخ طوسی، ص۸۴؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۹۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نصیری»، ص۵۷۱؛ تعلیقه امل الآمل، ص۲۷۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۷۰ و ۲۷۱.

۲- الذریعه، ج۴، صص ۲۳۶-۲۳۹؛ فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۶۳۵.

۳- الذریعه، ج۱۸، ص۳.

۴- دستور شهر یاران: مقدمه، ص چهل و هشت.

جهانگیرخان) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

محمّد رضا اصفهانی*

محمّد رضا اصفهانی معروف به «کر» فرزند عبدالعزیز، از خوشنویسان قرن دوازدهم هجری است.

او در خط شکسته از شاگردان درویش عبدالمجید طالقانی است. درویش عبدالمجید گفته است: «من قطعه را بهتر می نویسم و محمّد رضا کتابت را». محمّد رضا سالها به کتابت کتابهای ادبی مشغول بوده و کاتب مخصوص اسماعیل خان خبوشانی است و نسخه ای از «شاهنامه» فردوسی را برای او کتابت کرده است.

از دیگر آثار او کتابت «هفت اورنگ» جامی است که در اوایل شعبان المعظّم ۱۱۸۷ق کتابت کرده و در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.(۲)

ملّا محمّد رضا شکیبی اصفهانی

ملّا محمّد رضا متخلّص به شکیبی فرزند خواجه عبداللّه امامی اصفهانی شاعر و ادیب فاضل در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری. در سال ۹۶۴ق در اصفهان متولّد شد. او خواهرزاده امیر روزبهان صبری اصفهانی و از نوادگان پسری خواجه عبداللّه امامی اصفهانی از عرفای مشهور قرن نهم و خواجه امام الدّین حسن اصفهانی (معاصر حافظ شیرازی) بود.

در اصفهان تحصیل را شروع کرد و با شعرای اصفهان به معاشرت و مصاحبت پرداخت سپس در شیراز نزد امیر تقی الدّین محمّد نسّابه شیرازی تحصیل نمود. سپس در آذربایجان و خراسان به مسافرت پرداخت مدّتی در مشهد ساکن بوده و با شعرای آنجا

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۶۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۹۶.

۲- تذکره خوشنویسان، ص۱۳۲؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۷۸ و ۱۷۹.

مراوده داشت. عاقبت به هند رفته و به مدح سپهسالار عبدالرحیم خان ملقب به «خان خانان» پرداخته و مقرّب درگاه او گردید و سالها در خدمت او بود. در سال ۱۰۱۲ق به حج رفت و در بازگشت در ناحیه عدن کشتی حامل او دچار طوفان شده و به ساحل عَدَن کناره گرفت و باقی اسباب و اموال او به دست اهالی عَدَن غارت شد. پس از بازگشت از هند در خدمت «خان خانان» بود، ولی عاقبت از او کناره گرفته، به دهلی رفت و نزد پادشاه هند نورالدّین محمّد جهانگیر پادشاه تقرّب یافته و به منصب «صدر» در دهلی منصوب شد. تا اینکه در سال ۱۰۲۳ق در دهلی وفات یافت. «جسمی همدانی» ماده تاریخ فوت او را در این عبارت یافته است:

«صدر دهلی رفت»

او در ادبیات عربی و فارسی خصوصا فنون شعر و معانی و بیان استاد بوده و از علوم دینی خصوصا فقه و حدیث با بهره بوده و در علم موسیقی و ادوار نیز مهارت داشته است. غیر از «دیوان اشعار»، یک مثنوی در بحر «خسرو و شیرین» و یک «ساقی نامه» موسوم به «عشرت آباد» از او به جای ماند.

از اوست:

شب های هجر را گذراندیم و زنده ایم ما را به سخت جانی خود این گمان نبود(۱)

رضا ابوعطا*

رضا ابوعطا فرزند علی، نقاش هنرمند و شاعر ادیب معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شد. او جزو اولین هنرجویان هنرستان های هنرهای زیبای اصفهان است

۱- تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، صص ۳۵۵-۳۵۷؛ تذکره شمع انجمن، ص ۳۷۰؛ تذکره میخانه، صص ۳۰۰-۳۱۱؛ تذکره غنی، ص۷۴؛ تذکره آتشکده، بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۵۴؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۳۳؛ تذکره مجمع الخواص، ص۲۰۵؛ تذکره خرانه عامره، ص۲۶۷؛ تذکره سرو آزاد، ص۲۹؛ الذریعه، ج۱۲، ص۱۰۹.

و نزد استاد عیسی بهادری، صنعتی، مهذّب، کاشی تراش، تمدن، گلریز خاتمی و معصوم زاده،تذهیب، مینیاتور و سایر هنرها را آموخت. او پس از استخدام در وزارت پیشه و هنر به تدریس، معاونت و ریاست هنرستان هنرهای زیبا مشغول شد.

او به خاطر استادی در رشته های تذهیب، مینیاتور و طراحی سنّتی موفق به دریافت نشان درجه یک هنری گردید. در سرودن شعر نیز طبعی روان داشت و «عطا» تخلّص می کرد و در بعضی انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن نقش جهان حضور می یافت. مقداری از اشعار او شامل بیان منظوم ضرب المثل های معروف زبان فارسی است.

وی در روز ۲۵ خرداد ۱۳۷۷ش وفات نمود و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان جدید اصفهان (باغ رضوان) مدفون شد.

از او آثار ارزنده ای در مینیاتور و تذهیب به جای مانده است.

این شعر از اوست:

یکسان نبود مرتبت جاهل و فاضل خر مهره بهای دُر شهوار نکاهد

جاهل رمد از صحبت فاضل عجبی نیست «ارباب کچل نوکر مودار نخواهد»(۱)

حاج شیخ محمّد رضا جرقویه ای

حاج شیخ محمّد رضا بن حاج ملّا علی بن ملّا محمّد تقی بن حاج علی حسین آبادی جرقویه ای، عالم فاضل صالح. پدرش از علمای جرقویه بود.

شیخ محمّد رضا در شب جمعه ۲۶ ذیحجه الحرام ۱۳۰۹ق در قریه حسین آباد

۱- آیین فرزانگی، ج۶، صص ۱۶۳-۱۶۵؛ زنده رود تا حیدربابا، صص ۳۲ و ۳۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۳۹؛ هفته نامه نوید اصفهان: شماره ۵۱۱، مورخ ۳ تیر ۱۳۷۷، ص۷.

جرقویه اصفهان متولّد گردید. در اصفهان نزد آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی و احتمالاً میر محمّد صادق خاتون آبادی، [سیّد محمود کلیشادی، میرزا احمد اصفهانی، حاج ملّا عبدالجواد آدینه ای، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، میر محمّد تقی مدرس [تحصیل نموده [و از آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی اجازه اجتهاد دریافت نمود [در عتبات عالیات نیز نزد آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی، شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی [و میرزا محمّد حسین نایینی [کسب فیض نمود. پس از آن به اصفهان مراجعت نمود و به تدریس فقه و اصول در منزل خود [و سپس در مدرسه جدّه بزرگ و مدرسه صدر بازار [مشغول شد و جمعی از افاضل طلاب در درس او حاضر می شدند.

[مرحوم جرقویه ای عالمی عابد و صالح، متواضع، عاشق اهل بیت عصمت و طهارت و یار و مددکار نیازمندان و غیور در امر به معروف و نهی از منکر و حفظ شعائر دینی بود.

در تیرماه ۱۳۳۱ پس از کناره گیری دکتر محمّد مصدق از نخست وزیری و انتصاب قوام السلطنه به این مقام و صدور اعلامیه آیت اللّه کاشانی مردم اصفهان در پاسخ به درخواست آیت اللّه کاشانی به خیابان ها ریختند. در ۲۸ تیرماه مرحوم جرقویه ای در قیام مردم اصفهان شرکت نموده و مورد ضرب و شتم مأمورین حکومت قرار گرفته و چند روز بعد بر اثر صدمات وارده] در شب یکشنبه ۸ محرم سال ۱۳۷۱ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تقریرات فقهی و اصولی درس آقا سیّد محمّد باقر درچه ای»۲. «تقریرات درس آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی»۳. «رساله مبسوط و استدلالی در معنی غنا و احکام آن» [۴. «رساله فی حکم المجنب التیمّم المحدث بالحدث الاصغر»۵. «رساله فی الاختلاف بین المتعاقدین»۶. «رساله فی الشبهات المقرونه بالعلم الاجمالی»۷. «رساله فی القبله» (چهار رساله اخیر به طبع رسیده است).(۱)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۲۷ و ۶۲۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ اَمالی (شیخ محمّد علی معلم حبیب آبادی): خطی؛ گرکویه، (ویرایش دوم)، صص ۴۰۱ و ۴۰۲؛ شرح مجموعه گل، صص۱۹۳- ۲۱۵.

استاد رضا مُنشِئی*

استاد رضا مُنشِئی فرزند استاد علی فرزند استاد عبدالمجید، از معماران آثار تاریخی اصفهان در عصرهای حاضر در سال ۱۳۱۹ش در خانواده ای هنرمند و ماهر در معماری متولّد شد و در ۱۴سالگی نزد پدر به کار پرداخت و در فنون گوناگون معماری و بنّایی مهارت یافت و در درودگری، شبکه کاری نیز فعالیت نمود و تا آخر عمر پدرش در کنار او به مرمّت آثار تاریخی پرداخت. بسیاری از آثار تاریخی اصفهان همچون کاخ عالی قاپو، چهلستون، مسجد جامع، توحیدخانه، تالار اشرف و در خارج اصفهان مسجد جامع نائین، پل تاریخی ورزنه، مجموعه شیخ صفی الدّین اردبیلی، قلعه جونقان در چهارمحال، مسجد جامع قزوین، مسجد جامع میمه، کاروانسراهای چاله سیاه در بُرخوار اصفهان، امامزاده یحیی زوّاره، مسجد جامع اردستان و بسیاری ابنیه تاریخی دیگر در مرمّت و یا مهاربندی نموده است.

او از معماران برجسته دفتر فنی سازمان ملّی حفاظت آثار باستانی در اصفهان بود و بسیاری از مرمّت گران در رشته های مهاربندی، استحکام بخشی، ساخت در و پنجره و کارهای چوبی، سبکه سازی، نصب انواع داربست، و سایر امور فنی مربوط به مرمّت آثار تاریخی زیر نظر او به فعالیّت پرداخته اند. او از سال ۱۳۶۰ش در رشته درودگری به تدریس در هنرستان هنرهای زیبا پرداخت.(۱)

وی سرانجام در ۲۸ مهر ۱۳۷۸ش از دنیا رفت و در قطعه ۱۵ گورستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۲)

۱- معماران و مرمّت گران سنّتی اصفهان، صص ۲۶۰-۲۶۵.

۲- سایت اینترنتی یادبود.

دکتر رضا هادی زاده*

دکتر رضا هادی زاده فرزند علی فرزند شیخ غلامحسین در سال ۱۳۱۴ش در اصفهان، در خانواده ای متدیّن از محلّه بیدآباد متولّد شد.

او پس از طی تحصیلات ابتدائی، در دبیرستان هراتی مقطع متوسطه را به پایان رساند، و در دانشگاه اصفهان در رشته زبان و ادبیات عرب به تحصیل مشغول شد. سپس در دانشگاه تهران در همین رشته ادامه تحصیل داد و فوق لیسانس و سپس دکترا گرفت. در این سالها او از اساتید دانشگاه تهران همچون فروزانفر، همائی، یزدگردی و مینوی بهره گرفت.

دکتر هادی زاده پس از آن به تدریس در دانشگاه اصفهان و مراکز آموزش عالی اصفهان پرداخت. او در دانشگاه اصفهان در برخی از پست های اداری همچون شورای انتشارات دانشگاه به خدمت پرداخت و آخرین پست اداری او ریاست دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه اصفهان بود.

دکتر هادی زاده در روز ۲۰ دیماه ۱۳۶۹ش درگذشت و در قطعه ۶ گورستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

از آثار او: تصحیح «دستوراللّغه» تألیف: ادیب نطنزی و ترجمه «فرائد الادب» تألیف: ثعالبی و رساله «وجوه و نظائر کلمه راه در گلستان سعدی» چاپ شده است. و مقاله «فن ترجمه: از عربی به فارسی و فارسی به عربی» هنوز چاپ نشده است.(۱)

سیّد محمّد رضا حسینی مازندرانی

سیّد محمّد رضا بن سیّد علی بن سیّد محمّد بن سیّد محمّد تقی حسینی مازندرانی اصفهانی، عالم فاضل و صالح متّقی. [از علمای قرن دوازدهم هجری.

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با محقّق فاضل و دانشمند آقای شیخ مجید هادی زاده (فرزند دکتر هادی زاده).

در اصـفهان در درس میر سـیّد حسن مدرس حاضـر شده و پس از آن به نجف اشـرف رفته و از درس شیخ مرتضی انصاری و دیگران بهره برد. وی سالها به تـدریس در مـدرسه صـدر نجف مشـغول بود، تا اینکه در ۲۱ رمضان ۱۲۹۲ق وفـات یافته و در قبرستان وادی السّلام مدفون شد. او عالمی متّقی بود و از گرفتن وجوهات شرعی پرهیز داشت.

از آثارش تعلیقاتی است بر برخی از کتب همچون «قوانین»، «مکاسب» و غیره.(۱)

سیّد رضا لاله اصفهانی

حاج سیّد رضا مدرس هاشمی متخلّص به «لاله» فرزند آقا میر سیّد علی بن آقا میر سیّد محمّد بن میر سیّد علی بن علّامه آقا میر سیّد حسن مدرس (بزرگ)، از شـعرای معاصـر اصفهان در [روز ۱۶ تیرماه [سال ۱۳۱۳ش در اصـفهان [محلّه نو نزدیک مسجد رحیم خان] متولّد شده و تحصـیلات ابتدایی [در دبسـتان علیّه [و متوسـطه [در دبیرستان علیّه، دبیرستان هاتف و دبیرستان نشاط [خویش را در این شـهر به پایان رسانیده و پس از اتمام دوره دبیرسـتان [به دانشـگاه اصـفهان راه یافته و در رشته فلسفه و علوم تربیتی لیسـانس دریـافت نموده و [به خـدمت فرهنگ وارد شـد [و سالها به تـدریس و خـدمات آموزشـی مشـغول بود تا اینکه بازنشسـته شد و پس از آن در آموزشـگاه امید به فعّالیت آموزشی پرداخت. [از شعرای پرشور و حساس اصفهان است.(۲)] در نوجوانی بـا تشویق دکتر سـیّد کمـال موسوی و مرحوم سـیّد مصـلح الـدّین مهـدوی به سـرودن شـعر پرداخته و در انجمن های مختلف از جمله انجمن کمـال، انجمن صائب و انجمن سـعدی شـرکت نموده و اکنون از اعضای مؤثر انجمن ادبی محفل انس است. او علاوه بر فضل و ادب و تبحّر در شعر، به طریق موروثی و همچون پدر و عموی بزرگوارش خط را خوش می نویسد و اوقات خود را به مطالعه و سرودن شعر می گذارند. دیوان اشعار خود را

۱- الکرام البرره، ج۲، ص۵۶۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۰۸.

تدوین و مرتّب نموده ولی هنوز چاپ نشده است.(۱)

از اوست:

شوق پرواز است در سر عرصه پرواز کو؟ عرصه پرواز باشد، همرهی دمساز کو؟

بوی گل، رنگ افق، لطف سحر، موج نسیم می برد دل از کفِ بیننده، چشم باز کو؟

دفتر عشق است برگِ نرگس و گلبرگ یاس آنکه یابد معرفت از این همه اعجاز کو؟

از دل هر ذرّه می آید به گوش آوای عشق آنکه بشناسد نوای پرده های راز کو؟

کیست باشد باخبر در عالم از اسرار عشق؟ گر که آگه باشد او را جرأت ابراز کو؟

پرده ناسازگاری نیست در این نُه فلک هرچه باشد ساز باشد پرده ناساز کو؟

«لاله» بهرِ غوطه ور گشتن به بحر ژرف عشق عاشق دریا دل پر زهره جانباز کو؟]

محمّد رضا دولت آبادی*

محمّد رضا بن میرزا علی شریف اشتری دولت آبادی اصفهانی، از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم هجری است. در زمان شاه عباس ثانی می زیسته و از اهالی قریه دولت آباد اصفهان بوده و خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می نوشته است.

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای حاج سیّد رضا مدرس هاشمی در روز هفتم اسفند ۱۳۸۷: تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۶۸۸.

او نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را به خط نسخ در شنبه ۵ جمادی الاوّل ۱۰۶۲ق کتابت کرده که در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم به شماره ۲۸۴ موجود است.(۱) همچنین نسخه ای از «ترجمه اربعین» شیخ بهایی (مترجم: شیخ محمّد خاتون عاملی) را به خط نستعلیق در یکشنبه ۲۴ جمادی الثّانی ۱۰۶۵ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

رضا شاهزیدی*

رضا شاهزیدی متخلّص به «زیدی» فرزند علی، از شعرای معاصر اصفهان. در اوّل دی ماه ۱۳۱۵ش در محلّه تلواسکان اصفهان متولّد شد. او پس از تحصیلات ابتدایی و متوسّطه به کشاورزی روی آورده و در روستای «کجوان» کرارج در نزدیکی اصفهان ساکن شد. در برخی انجمن های ادبی اصفهان از جمله «انجمن ادبی حافظ» شرکت می نماید و اشعار زیادی در مدح و مرثیه حضرات معصومین علیهم السلام سروده است.

از اوست:

اصفهان ای به گلستان گل ناز مهرت از جان چنین کنم ابراز

نوعروسی به ملک زیبایی نیست همچون تو در جهان مجاز(۳)

محمّد رضا کاتب خاتون آبادی

محمّد رضا بن میرزا علی کاتب خاتون آبادی [کاتب نستعلیق نویس در قرن یازدهم هجری] در ربیع الثانی سال ۱۰۲۴ق نسخه ای از دیوان «جمال الدّین محمّد بن عبدالرزاق اصفهانی» را کتابت نموده و به شماره ۹۲۱ در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۴)

۱- فهرست احیاء، ج۱، ص۳۸۷.

۲- فهرست مجلس، ج۲۶، ص۱۶۴.

۳- زنده رود تا حیدربابا، صص ۸۴ و ۸۵؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۳۴۱.

۴- فهرست کتابخانه ملّی، ج۲، ص۴۵۵؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۲۸.

رضا منجم اصفهانی

رضا بن علی منجم اصفهانی [از فضلاء و منجمین قرن سیزدهم هجری [مؤلف «حل العقد» در معرفت تقویم. که آن را به امر شاهزاده حسینعلی میرزا و به اشاره استادش سیّد محمّد منجم در سال ۱۲۳۴ق تألیف نموده است. این کتاب در کتابخانه حسینیه تستریه نجف موجود است.(۱)

رضا عباسی

رضا عباسی [فرزند علی اصغر کاشانی [نقاش زبردست و استاد هنرمند عهد صفویه.

[در سال ۹۷۴ق متولّد شد. پدرش از نقاشان معروف دربار شاه طهماسب صفوی بود. خود او نیز در زمان شاه عباس اوّل در نقاشی به شهرت فراوان رسید و مورد توجّه شاه عباس قرار گرفت و نقاشی های کاخ های سلطنتی توسط او و شاگردانش کشیده شد. هنرنمایی رضا عباسی تا بدان پایه بود که شاه عباس بر دست هنرآفرین او بوسه زد.

از خصوصیات نقاشی رضا عباسی، واقع گرایی است. در چهره سازی و نقاشی طبیعت استاد بوده و در ترسیم خطوط منحنی و بیان حالات و احساسات عناصر موجود در نقاشی خود با مهارت و استادی عمل می کرده است. او از بنیان گذاران نقاشی سبک اصفهان و فرنگی سازی در نقاشی ایرانی بوده و از تابلوهای نقاشی که توسط اروپاییان، از اروپا به ایران آورده و خرید و فروش می شد الهام گرفته و یا تحت تأثیر سبک و شیوه آنان بوده است.

شاگردانش همچون شفیع عباسی، معین مصوّر، افضل الحسینی و محمّد یوسف سبک او را دنبال کرده و تکامل بخشیده اند.

۱- الذریعه، ج۷، ص۷۱.

او سرانجام (به نوشته شاگردش معین مصوّر) در ماه ذیقعده الحرام سال ۱۰۴۴ق در اصفهان وفات یافت.

تابلوهای نقاشی او اغلب در موزه های خارج همچون «آرمیتاژ»، «متروپولیتن»، «بوستون» و «لوور» موجود است.

از نقاشی های معروف او:

۱. صورت درویش بهشتی، در سال ۱۰۳۴ق.

۲. شاه عباس و حکیم شمسا محمّد، در سال ۱۰۴۲ق.

۳. جوان لمیده و یک قوچ، در سال ۱۰۴۰ق و غیره]

همچنین نقاشی های عمارت عالی قاپو، سردر قیصریه و کاخ چهلستون به او منسوب است.(۱)

محمّد رضا عباسی*

محمّد رضا بن علیرضا عباسی تبریزی، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و در خط ثلث و نسخ نزد پدر هنرمند خود مشق خط کرده است.

او نسخه ای از «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را در یکشنبه ۲۱ صفر ۱۰۵۷ق کتابت کرده که به شماره ۱۰۸ در کتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.(۲)

او همچنین نسخه ای از «رجال کبیر» را در ۵ ذیحجه الحرام ۱۰۶۲ق را به خط نسخ کتابت کرده که جزو مجموعه نصیری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۶؛ گلستان هنر، صص ۱۴۹-۱۵۲؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۵۹۶؛ تاریخ صنایع ایران، ص۱۹۸؛ دائره المعارف هنر، صص ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۳۳ و ۳۴؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۴۱۷؛ هنر ایران، صص ۱۱۵-۱۱۷؛ تاریخ عمومی هنرهای مصور، ج۲، صص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۲۲؛ فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، ص۲۹۷؛ مکتب نگارگری اصفهان، صص ۱۵۰-۱۵۷.

۲- فرهنگ ایران زمین، ج۲۶، ص۱۶۳.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۹.

آقا محمّد رضا اصفهانی

آقا محمّد رضا بن علینقی اصـفهانی، از علماء و محدّثین و عرفاء و کاملین بوده، در ۱۲۷۹ق وفات یافته در خارج از تکیه مادر شاهزاده مدفون گردیده است.

[تنها آگاهی به دست آمده از صاحب عنوان مندرجات سنگ نوشته او واقع در تکیه آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد اصفهان است که عبارات سنگ چنین است:

«وفات زبده ارباب دانش و بینش و مرکز دایره فضیلت میرزا محمّد رضا خلف مرحوم آقا علی نقی اصفهانی فی شوّال ۱۲۷۹»

بنابرانی اوصاف مذکور در متن از روی حدس و گمان بوده و مستند نیست.(۱)]

محمّد رضا آقاجانی

محمّد رضا بن مانده علی (محمّد علی) آقاجانی (سدهی)، از نویسندگان و فضلاء قرن سیزدهم هجری.

در تاریخ پنج شنبه ۲۸ ذی القعده سال ۱۲۴۴ق کتابت نسخه ای از «حدائق المقربین» تألیف: میر محمّد صالح خاتون آبادی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۴۷۴۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[همچنین او نسخه ای از «خزائن جواهر سلطانی» تألیف: میر محمّد حسین خاتون آبادی را به خط نسخ در ماه جمادی الاوّل ۱۲۲۲ق کتابت کرده که به شماره ۱۲۴۷۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است(۳)].

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۳۱ و ۶۳۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۳۰۹.

۳- فهرست مجلس، ج۳۵، ص۴۲۴.

شیخ محمّد رضا حسام الواعظین

شیخ محمّد رضا حسام الواعظین بن حاج میرزا محمّد علی علاقبند بن ملّا اسماعیل بن علی بن جعفر بن حسن اصفهانی، عالم فاضل، خطیب ماهر و ادیب شاعر، از وعاظ معروف اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

در سال ۱۳۰۰ق در محلّه پاقلعه اصفهان متولّد شده و ابتدا در مکتب خانه میرزا عبدالغفار پاقلعه ای علوم مقدّماتی را آموخت. ادبیات عرب را نزد سیّد محمود کلیشادی (مغنی گو) فرا گرفت و سپس در درس شیخ محمّد تقی آقانجفی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آخوند ملّا حسین کرمانی و سیّد محمّد مدرس نجف آبادی حاضر شد. [طب را نیز از میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت و سیّد مصطفی مؤیّد الاطبّاء فرا گرفت.]

او به علت مهارت در وعظ و احاطه به اخبار و احادیث، تاریخ و انساب، کار وعظ و ایراد خطابه را شروع کرد و کم کم شهرت او بالا گرفت و در رده وعاظ طراز اوّل اصفهان درآمد و بین عوام و خواص محبوب القلوب و مورد وثوق و احترام واقع گردید.

او چند سال در طهران به وعظ مشغول بود و آنجا مرید یکی از عرفاء به نام «شمس العرفا» شد.

مرحوم حسام خطوط ثلث، نسخ و رقاع را خوش می نوشت [و این هنر را از آقا محمّد شمس الکُتّاب خواجویی فراگرفته بود. خطوط سنگ مزار میر عبدالحسین سیّد العراقین در تخت فولاد و سنگ مزار برادرش شیخ مهدی حقوقی در تکیه سیّد العراقین، از آثار به جای مانده از اوست. [در سرودن شعر نیز طبعی روان داشت و به فن مادّه تاریخ گویی مسلّط بود. وی سرانجام در جمعه ۱۳ ربیع الاوّل ۱۳۸۱ق وفات یافته و جنازه پس از تشییع باشکوه در یکی از اطاق های تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. [ماده تاریخ وفاتش را استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خویی متخلّص به برنا چنین گفته است:

مصرعی «برنا» نوشت از بهر سال رحلتش: «بود شمشیر علیه کجروی پند حسام»

همچنین شاعر عارف معاصر «شکیب اصفهانی» این ماده تاریخ را جهت سال فوت او به شمسی یافته است:

از پی تاریخ او، گفت به شمسی «شکیب» «کرد حسام از وفا جای بخلد برین»(۱)]

محمّد رضا مجلسی

محمّد رضا بن محمّد علی بن میرزا محمّد کاظم بن ملّا عزیزاللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل [از علمای دوره زندیه [در اصفهان ساکن بوده و به «آقا محمّد» معروف بود. او در اواخر ذیحجه ۱۲۱۱ق وفات یافت.(۲)

از تألیفات او کتاب «ارشاد الحنفاء فی وصف الخلفاء» در یک مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه به شماره ۱۲۹۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

استاد محمّد رضا حجّار*

استاد محمّد رضا بن استاد محمّد علی حجّار اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. در هنر سنگ تراشی زبردست بوده و تا سال ۱۲۵۵ق در قید حیات بوده است.

ظاهرا از شاگردان پدرش بوده و در ریزه کاری و ظرافت در حجاری مهارتی به سزا داشته است. آثار او در قبرستان تخت فولاد اصفهان موجود است از جمله سنگ قبر شیخ محمّد تقی رازی (صاحب حاشیه) در سال ۱۲۴۸ق، میرزا محمّد رحیم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۳۰ و ۶۳۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۴۵-۲۷۵.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۴۲؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۳۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۵، ص۳۰۲.

شیخ الاسلام در سال ۱۲۴۹ق و ملّا محمّد مهدی قمبوانی سمیرمی در سال ۱۲۵۵ق.(۱)

شیخ محمّد رضا نیلفروشان

شیخ محمّد رضا نیلفروشان معروف به «مقدّس» فرزند محمّد علی از علمای معاصر اصفهان، عالم فاضل متّقی. در مسجد علی اکبر بیک واقع در اوّل خیابان شاه عباس دوم [خیابان شهید شریف واقفی فعلی [اقامه جماعت می نموده است. در ۲۶ شعبان المعظّم سال ۱۳۹۲ق وفات یافته و در تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجویی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

میرزا محمّد رضا شریف روحانی*

حاج میرزا محمّد رضا شریف روحانی فرزند شیخ غلامعلی، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۳ق در خانواده ای روحانی در نجف آباد متولّد شد. از دوران نوجوانی نزد پدر به تحصیل مقدمات و ادبیات و علوم دینی پرداخت. پس از آن به اصفهان رفت و در مدرسه صدر نزد شیخ علی مدرس یزدی و سیّد آقاجان ریزی تحصیل کرد سپس در درس سیّد احمد اصفهانی، سیّد مهدی درچه ای، ملّا عبدالکریم گزی، سیّد محمّد باقر درچه ای، میرزا محمّد صادق خاتون آبادی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی حاضر شد و تحصیلات خود را تکمیل کرد و به نجف آباد بازگشت و به تدریس و اقامه جماعت (در مسجد ملّا حسین کربلایی) و تبلیغ دین مشغول شد.

او در سه شنبه ۲۵ جمادی الثّانی ۱۳۹۹ق در سن ۹۶ سالگی وفات یافته و در قبرستان «جنّت الشهداء» نجف آباد مدفون شد.(۳)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۱.

۳- دیباچه دیار نون، ص۱۹۲؛ سیمای دانشوران، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ آیینه اهل قلم، ص۵۸.

میر محمّد رضا فانی هندوستانی

میر محمّد رضا فانی اصفهانی بن محمّد فاضل موسوی هندوستانی، شاعر ادیب و عارف کامل. [از سخنوران قرن سیزدهم هجری].

پدرش از عرفاء بوده و از هند به اصفهان آمد. میر محمّد رضا در اصفهان علم و ادب آموخته و سپس به تهذیب نفس و سیر و سلوك مشغول شد و انزوا اختیار کرد و جز با اندکی از مردمان اهل حال معاشرت و مصاحبت ننمود، تا این که در سال ۱۲۲۲ق در اصفهان وفات یافت. در شعر طبعی روان داشت و اغلب به غزل و مثنوی مایل بود. رضاقلی خان هدایت اشعار او را مدوّن ساخته و «دیوان اشعار» ترتیب داده است.(۱)

[میر محمّد رضا نسخه ای از «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» را به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۱۱۷۱ در کتابخانه دکتر حسین مفتاح در تهران موجود بوده است].(۲)

از اوست:

منشین از پا و گرنه بست شوی از پای اگر نیفتی، از دست شوی

هشیار گر آیی بر ما مست شوی وز هستی اگر نیست شوی، هست شوی

سیّد رضا دریای اصفهانی

حاج سیّد رضا بهشتی نژاد متخلّص به «دریا» فرزند حاج سیّد فخرالدّین، از شعرای معاصر اصفهان. در ۱۱ جمادی الاولی سال ۱۳۳۵ق [مطابق با ۱۵ اسفند ۱۲۹۵ش [در اصفهان متولّد گردید. [تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علیّه و متوسطه را در مدرسه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۳۲ و ۶۳۳؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص۸۰۷؛ ریاض العارفین (چاپ ۱۳۴۴ش)، صص ۴۶۱ و ۴۶۲؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۲، ص۱۲۷۸؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۰۵؛ مکام الآثار، ج۳، ص۷۴۹.

۲- نسخه های خطی، ج۷، ص۲۹۶.

فرهنگ و مـدرسه گلبهار طی نمود و در کنار آن نزد میرزا آقا امامی به فراگیری نقاشـی مشـغول شد. اما به علّت حادثه ای که برای او پیش آمـد، از ادامه آن باز مانـد. در سال ۱۳۳۷ش به اسـتخدام آموزش و پرورش درآمد و به تدریس در دبیرسـتانهای اصفهان مشغول شد. او سالها رییس کتابخانه فرهنگ بود.

در نوجوانی به سـرودن شـعر پرداخته و به انجمن ادبی شـیدا راه یـافت [ابتـدا «منظر» و «شـکر» تخلّص می کرد. سـپس آن را به «دریـا» تغییر داد. [او در اغلب انجمن های ادبی اصـفهان همچون صائب، کمال، خاکیا، سـرای سـخنوران، پیشه وران و سـعدی حضـور داشت و از شـعرای زبردست و خـوش قریحه آن انجمن هـا بود. در سـرودن انواع شـعر همچون غزل، قصـیده، ربـاعی، ترکیب بند و ترجیع بند و مثنوی مهارت داشت و با اسـتادی از عهده برمی آمد. بسـیاری از اشـعارش در مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام و پند و اندرز و تغزل است.] اشعارش در بسیاری از نشریات و مجلات اصفهان و تهران به چاپ می رسید. [اشعار او در کتاب «طوفان دریا» به اهتمام بانو صدیقه بهشتی نژاد در سال ۱۳۸۳ش به چاپ رسیده است.

وی سـرانجام در دوشنبه سوم فروردین ۱۳۸۳ش بـدرود حیات گفته و پیکرش در قطعه نام آوران واقع در قبرسـتان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

مادّه تاریخ وفاتش را آقای رضا صنیع زاده چنین سروده است:

«دی» رفت از این جمع و به تاریخ نوشتند: «دریای ادب را گهری بود بهشتی»

۱۴-۱۳۹۷=۱۳۸۳

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی (برنا) نیز سروده است:

رقم زد کلک «برنا» در وفاتش «ز دریا مانده نقش و شعر و دیوان»

از اوست:

رفتم از کوی تو امّا دلم آنجاست هنوز دل حسرت زده ام محو تماشاست هنوز

یاد روی تو مهری که فروزش دارد مایه روشنی چشم و دل ماست هنوز

چشم بد دور که با پاکی و صاحب نظری دیده آیینه آن طلعت زیباست هنوز(۱)]

محمّد رضا موحّدی نجف آبادی*

محمّد رضا موحّدی نجف آبادی فرزند فرج اللّه، از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۴ش در نجف آباد متولّد شد و از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. ابتدا «نوین» تخلّص می کرد و سپس آنرا به «رضا» تغییر داد.

از اوست:

مادر ای بامداد روشن عشق نشوی لحظه ای فراموشم

ای بلند آسمان عفت و مهر جام صهبای معرفت نوشم(۲)

ملّا محمّد رضا هزارجریبی

ملّا محمّد رضا هزارجریبی مازندرانی بن محمّد قاسم، عالم فاضل و محدّث محقّق. در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از فضلاء خصوصا علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی کسب فیض نموده است.

او کتاب «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را نزد علّامه مجلسی قرائت نموده و علّامه در پایان کتاب «صوم» أنهائی در اواسط جمادی الاوّل ۱۰۷۳ق برای او نوشته است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۹۵؛ طوفان دریا، صص ۱۵-۲۸.

۲- دیباچه دیار نون، ص۲۳۷؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۳۰۴.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۳۶۴؛ اجازات الحدیث، ص۲۰۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۹.

همچنین «اصول کـافی» را نزد علّـامه قرائت نموده و او جهت ملّـا محمّـد رضـا در سـال ۱۰۸۹ق در پشت کتـاب «اصول کافی» اجازه مفصّلی نوشـته است. عالم عالیقـدر میرزا محمّـد طهرانی ساکن سامرا آن اجازه را از آنجا اسـتنساخ کرده و به نظر علّامه شیخ آقا بزرگ طهرانی رسیده است.(۱)

محمّد رضا لنجانی*

محمّد رضا بن محمّد کریم پنجانی لنجانی اصفهانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او مجموعه ای از چند کتاب «الفوائد الصّمدیه»: شیخ بهایی، «الاربعون حدیثا»:؟، «مثلثات منظوم»: بدیعی و «صیغ العقود و الایقاعات»: محمّد حسن لنجانی را به خط نسخ در سالهای ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۵ق کتابت کرده که به شماره ۸۹ در کتابخانه مدرسه صدر خواجو در اصفهان موجود است.(۲)

محمّد رضا تبریزی

محمّـد رضا بن محمّد قدیم بن محمّد کریم تبریزی [از کاتبان و فضـلاء قرن سیزدهم هجری] در شب ۲۹ صفر سال ۱۲۳۲ق از کتابت بخش یکم «اسـفار» در اصـفهان به خط تعلیق شکسـته فراغت یافته و کتاب به شماره ۳۸۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه [جزو کتب اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه طهران [موجود است.(۳)

ملّا محمّد رضا اصفهانی

ملّا محمّد رضا بن جلال الدّین محمّد اصفهانی [از فضلاء و علمای قرن یازدهم هجری] که «باب حادی عشر» را جهت امیر ابی الفتح بن امیر حبیب اللّه حسینی به فارسی

۱- الذریعه، ج۱۱، ص۱۵؛ الروضه النضره، ص۲۲۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۱.

۲- فهرست صدر خواجو، ص۷۰.

۳- فهرست کتب اهدایی مشکاه، ج۳، ص۲۵۴.

ترجمه نموده و نسخه در کتابخانه سیّد آقا تستری در نجف اشرف موجود بوده است. تاریخ نسخه سال ۱۰۶۸ق می باشد.(۱)

سیّد محمّد رضا بختیاری*

حاج سیّد محمّد رضا بختیاری فرزند سیّد محمّد بن سیّد محمّد تقی، عالم فاضل معاصر در سال ۱۳۰۴ق در چهارمحال و بختیاری متولّد شد و پس از کمی تحصیل به اصفهان رفته و نزد شیخ محمّد تقی آقانجفی ادامه تحصیل داد. سپس به عتبات عالیات عزیمت کرده از محضر آیات عظام سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی و میرزا محمّد تقی شیرازی بهره برد و به اجتهاد نائل آمد. پس از قیام عشایر و مردم علیه سلطه انگلیسی ها بر عراق و فتوای جهاد علماء، او به مجاهدان پیوست و فرماندهی شصت هزار نفر از آنان را برعهده گرفت. پس از پایان جنگ به ایران مراجعت کرده و در مشهد مقدس ساکن شد و به تدریس و اقامه جماعت مشغول شد و مورد وثوق حاج آقا حسین قمی واقع شد. پس از کشتار مردم و سرکوب قیام مسجد گوهرشاد به بیرجند تبعید شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ش به مشهد بازگشت و به تدریس پرداخت تا اینکه در روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۹ش (مطابق ۴ ذیقعده ۱۳۷۹ق وفات یافت و در یکی از حجره های سمت راست نقاره خانه (صحن انقلاب کنونی) مدفون شد.(۲)

سیّد رضا صدرالحسنی*

۱- الذریعه، ج۴، ص۸۳ و ج۳، ص۷؛ الرّوضه النضره، ص۲۱۸؛ کاوش های تازه در باب روزگار صفوی، ص۱۱۷.

۲- مشاهر مدفون در حرم رضوی، ج۱، صص ۱۰۶ و ۱۰۷؛ شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۴۵۰؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

حاج سیّد رضا صدرالحسنی بن سیّد محمّد صدرالواعظین بن سیّد محمّد رضا طباطبایی اصفهانی (صدرالذاکرین)، از علماء و خوشنویسان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۰ش درا صفهان متولد شده و نزد جمعی از فضلاء از جمله: شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و میرزا علی آقا شیرازی به تحصیل پرداخت و به وعظ و خطابه روی آورد. امّا به علت بیماری ترک وعظ و خطابه کرده و انزوا اختیار کرد و به مشق از روی خطوط خوشنویسان نمود. اینک او از خوشنویسان قابل و خطاطان ماهر در نستعلیق است. مردی است وارسته و پرهیزکار. نستعلیق را در کمال استادی می نویسد و قطعات متعددی به خط زیبای او موجود است.(۱)

ملّا محمّد رضا تنکابنی

ملّا محمّد رضا تنکابنی بن ملّا محمّد فاضل سراب بن عبدالفتاح تنکابنی مازندرانی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری [او پسر بزرگ فاضل سراب است. در اصفهان متولّد شده و نزد پدر خود ادبیات عرب و فقه و حدیث را فرا گرفت. [فاضل سراب در ذیحجه الحرام سال ۱۱۱۲ق مشترکا اجازه ای برای او و برادرش ملّا محمّد صادق و شاگردش ملّا محمّد شفیع لاهیجانی نوشته است. [به شعر و انشاء رغبت تمام داشته و در شعر «رضا» تخلّص می نموده است.

او حدود سال ۱۱۳۵ق (۳۰ سال قبل از تألیف «تذکره المعاصرین» حزین) در اصفهان وفات یافته و ظاهرا در جوار قبر پدرش در تخت فولاد اصفهان مدفون شده است.

این شعر از اوست:

هرگز طبیب فکر من مبتلا نداشت گویا برای درد دل من دوا نداشت

۱- شرح مجموعه گل، صص ۲۹۲ و ۲۹۳؛ و اطلاعات شخصی.

محکم نگشت با تو اساس محبّتم از بس که حرف سست تو هرگز بنا نداشت

هر بی وجود چهره به می گشت همچو عکس بر روی من که را که جفای تو وانداشت

خلوت طلب برای چه می گشت هر زمان گر مدّعی ز وصل تو صد مدّعا نداشت

خاموشیم نبود ز آسودگی «رضا» از بس که تنگ بود دلم ناله جا نداشت(۱)

حاج آقا رضا یزدی*

حاج آقا رضا یزدی فرزند حاج شیخ محمّد بن شیخ محمّد علی یزدی، از علمای معاصر اصفهان. در شهر اصفهان متولّد شده و دروس مقدماتی را نزد حاج آقا عطاءاللّه فقیه امامی و سیّد مرتضی موحّد ابطحی خواند. سپس به قم رفته و در درس حضرات آیات شیخ مهدی لاکانی، سیّد حسین بُدَلا، شهید شیخ محمّد صدوقی یزدی، حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، حاج شیخ مهدی مازندرانی، سیّد محمّد باقر سلطانی و امام خمینی حاضر شده و تحصیل کرد. آنگاه به دستور آیت اللّه بروجردی به خرم آباد رفت و ۷ سال در حوزه علمیه آنجا تدریس کرد. پس از مراجعت به قم از محضر مرحوم بروجردی استفاده کرد، امّا به خاطر بیماری به اصفهان بازگشته و به تدریس و وعظ سخنرانی و انجام خدمات اجتماعی مشغول شد. به سعی و همت او بسیاری از مساجد اصفهان

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۵۲ و ۸۵۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۲؛ تذکره المعاصرین، صص ۲۰۹ و ۳۶۹؛ نجوم السّماء، ص۲۰۴؛ الذریعه، ج۹، ص۳۶۷؛ تذکره غنی، ص۵۷؛ مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، صص ۲۷۶ و ۳۶۶ و ۱۶۱؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۴.

تأسیس و رونق یافت.

او سالها امام جماعت مسجد اللّه بود و به وعظ و ارشاد مردم و حلّ مشکلات آنها می پرداخت.

سرانجام او در روز ۵ خرداد ۱۳۸۲ش بر اثر سکته مغزی وفات یافته و در قطعه ۱۲ قبرستان جدید اصفهان (باغ رضوان) مدفون گردید.(۱)

دکتر سیّد رضا ابوالبرکات

دکتر سیّد رضا ابوالبرکات [فرزند سیّد محمّد بن محمّد مهدی بن بحرالعلوم سدهی] عالم فاضل معاصر.

[در سال ۱۳۰۹ش در شهرستان خمینی شهر اصفهان متولّد شد. دروس حوزوی را در اصفهان نزد حضرات آیات شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، شیخ احمد فیاض، شیخ نورالدّین اشنی، شیخ محمود مفید، سیّد صدرالدّین کوپائی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج آقا رحیم ارباب و میر سیّد علی بهبهانی فرا گرفت. همزمان در سال ۱۳۳۷ در کنکور رشته دکترای معقول و منقول شرکت کرد و در سال ۱۳۴۱ آن را به پایان برد. از سال ۱۳۴۸ پس از کسب اجازه از مراجع تقلید از جمله امام خمینی وارد آموزش و پرورش شد و مدّت ها در دبیرستان و سپس به دانشگاه به ارشاد و هدایت نسل جوان پرداخت. وی تبحّر خاصّی در علوم مختلف اسلامی داشت. قرآن کریم و اکثر خطب «نهج البلاغه» و «دیوان حافظ» و بسیاری از اشعار فارسی و عربی را از حفظ داشت. بسیار متواضع و قانع و سخی بود و آثار خیریه ای از خود به جا نهاد.

عاقبت در شب دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۶۵ش (۲۶ ذیحجه ۱۴۰۶ق) وفات یافته و در مسجد سرپل فروشان خمینی شهر که در آن اقامه جماعت می نمود، در کنار پدر و جدّش مدفون شد.(۲)]

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی.

۲- بیان المفاخر، ج۲، ص۳۷۴؛ خمینی شهر، صص ۱۳۵-۱۳۷؛ فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۶.

شیخ نجیب الدّین رضا زرگر تبریزی

شیخ نجیب الدّین رضا زرگر [بن ابوحامد محمّد بن محمّد تبریزی [عارف جلیل و شاعر ادیب، از اهالی تبریز و از اقطاب سلسله ذهبیه است. [در سال ۱۰۴۸ق(۱)] در اصفهان متولّد شده و ارادت به شیخ محمّد علی مؤذن خراسانی داشته(۲) و در اشعار گاهی «رضا» و گاهی «زرگر» و «جوهری» و «نجیب الدّین» تخلّص می کند.

در سال ۱۰۷۵ق [بنا به قول مرحوم تربیت در دانشمندان آذربایجان(۳)] و یا سال ۱۰۸۰ق [بنا به نقل مرحوم هدایت در ریاض العارفین(۴)] در اصفهان وفات یافته است.

قبرش در قسمت شمالی آب انباری که در اراضی شمالی فرودگاه [قدیم اصفهان واقع در تخت فولاد] و قسمت شرقی تکیه آقا حسین خوانساری و شیخ محمّد تقی رازی است قرار داشت و تا این اواخر موجود بود و نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی [آن را دیده بود و به سرنوشتی مانند سایر قبور گرفتار شد.(۵)] و از بین رفت].

کتب زیر از اوست:

۱. «خلاصه الحقایق» مطبوع ۲. «دستور سلیمان» ۳. «دیوان غزلیّات» ۴. «سبع المثانی» مطبوع ۵. «نورالهدایه» مطبوع.(۶)

از اوست:

شمع و چراغ همه روشن از اوست بوی خوش هر گل و گلشن از اوست

کند کمالش عری از عقل هاست قرب وصالش بری از نقل هاست(۷)

۱- تحفه عباسی: مقدمه، ص۹.

۲- طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۱۷.

۳- دانشمندان آذربایجان، ص۳۷۴.

۴- تذکره ریاض العارفین، ص۱۲۳.

۵- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۶.

۶- الذریعه، ج۷، ص۲۲۵ و ج۱۲، ص۱۳۰ و ج۱۹، ص۲۰۱ و ج۲۱، صص۱۲۹ و ۳۹۴ و ج۲۵، ص۳۸۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۷.

۷- الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۲۷۳ و ۲۷۴.

سیّد محمّد رضا بهشتی

آقا سیّد محمّد رضا بن میر سیّد محمّد بهشتی، عالم فاضل [از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری] در اصفهان متولّد شده و نزد حاج سیّد ابراهیم بهشتی و آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) تحصیل کرده و و سالها در مسجد سرجوی شاه اقامه جماعت می نموده و پس از وفات در تکیه سادات بهشتی نزدیک مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد رضا صدرالذاکرین

سیّد محمّد رضا صدرالذّاکرین بن سیّد محمّد طباطبایی، واعظ کامل و خطیب ماهر [از وعاظ مشهور اصفهان در اواخر دوره قاجاریه] در شب ۱۹ رمضان المبارک ۱۳۱۰ق وفات یافته و در مقبره سر قبر آقا اصفهان مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش را محمّد نصیر طرب اصفهانی چنین گفته است:

چو رخت بست ز دار فنا به عالم قدس ز مرگ او ز «طرب» خواست شور و ناله و شیون

نوشت خامه مشکین برای سال وفاتش «بصدر محفل جنّت نمود منزل و مسکن»

۱۳۱۰

آقا محمّد کاظم غمگین نیز چنین سروده است:

گفت از پی تاریخ وفاتش «غمگین»: «اندر یَم رحمت خدا گشت غریق»(۲)

۱- تحفه الاحباب، ص۴۱.

۲- دیوان طرب، ص۷۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۲۰؛ شرح مجموعه گل، صص۲۸۵-۲۸۸.

محمّد رضا یزدی

محمّـد رضـا بن محمّـد یزدی [از کاتبـان و خوشـنویسان است [در قریه ینـگ آبـاد جرقـویه سـاکن بـوده و نسـخه ای از «حمله حیـدری» سـروده: میرزا محمّـد رفیع باذل مشـهدی را کتابت نموده که به شـماره ۴۸۲ در کتابخـانه آیت اللّه گلپایگـانی در قم موجود است.(۱)

سیّد محمّد رضا ایمن سدهی

سیّـد محمّـد رضـا میردامادی متخلّص به «ایمن» بن حاج میرزا محمود طبیب سـدهی، شاعر ادیب [در قرن چهاردهم هجری می زیسته است]. در سال ۱۳۰۰ق متولـد شـده و در جوانی به کسب کمالات و فضائـل اهتمـام جسـته و پس از کمی تحصـیل به خراسان مسافرت کرد و آنجا ساکن شد.

او در ماه فروردین سال ۱۳۳۳ش (مطابق ماه رجب سال ۱۳۷۲ق) در مشهد مقدّس وفات یافته و همانجا مدفون شد.

از اوست:

من آن رندم که بلبل وار دایم مست و شیدایم به شوق وصل روی گل دمادم غرق غوغایم

من آن پروانه ام کز شعله شمع رخ جانان همی سوزم و زین سوختن نیست پروایم

منم آن عاشق یکرنگ کاندر جسم و جان چیزی به جز مهرش ندارم گر بشکافند اعضایم(۲)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۶۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۷۵؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۲، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

رضا پزشکی نجف آبادی*

آقا رضا پزشکی فرزند حاج مراد، از شعرا و ادبای نجف آباد در سال ۱۲۷۷ش متولّد شد. گاهی شعر می سرود و طبع روان و قریحه ای پویا داشت.

از اوست:

ابر آسمان گرفت و زمین ابروار تار یادم شد از گذشته و فصل بهار یار

کز هر طرف تلألو خورشید و باغ و دشت محکم گرفته در بغلم چون نگین نگار

کز هر کرانه چویک آبی روان و دشت سرسبز و دلپسند و دل آرا چو نقش یار(۱)

سیّد محمّد رضا موحّد ابطحی*

سیّد محمّد رضا موحّد ابطحی فرزند سیّد مرتضی، عالم فاضل جلیل معاصر. در سال ۱۳۶۱ق (مطابق با ۱۳۲۱ش) در اصفهان متولّد شد. مقدمات علوم را تا پایان شرح لمعه و همچنین طب قدیم را نزد پدرش و شرایع را نزد میرزا محمّد طبیب زاده آموخت.

او در سال ۱۳۸۰ق (مطابق با ۱۳۴۰ش) جهت تحصیل به قم مشرّف شد. در دوره سطح مکاسب را نزد برادرش سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی، کفایه را نزد سیّد محمّد باقر سلطانی و درس خارج فقه را نزد حضرات آیات حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی (ابوالزّوجه خود) و میرزا هاشم آملی فرا گرفت.

وی در سال ۱۳۸۲ق (۱۳۴۱ش) به افتخار مصاهرت آیت اللّه گلپایگانی نائل شد و سالها در خدمت ایشان به عنوان اصحاب استفتاء به انجام وظیفه مشغول بود.

۱- دیباچه دیار نون، ص۱۵۸.

سیّد محمّد رضا حسینی رضوی

سیّد محمّد رضا بن محمّد معصوم حسینی رضوی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن دوازدهم هجری] در پنج شنبه ۹ ربیع الثّانی ۱۱۱۵ق نسخه ای از «شرح تجرید» قوشچی را به خط نسخ در اصفهان کتابت نموده است. نسخه آن به شماره ۷۴۲۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

[او همچنین رساله «نسبه ارتفاع اعظم الجبال الی قطر الارض» را در سال ۱۱۰۸ق کتابت کرده که جزو کتابهای محمّد خامنه ای در کتابخانه حسینیه تستریه نجف اشرف موجود بوده است.(۲)]

میرزا محمّد رضا اصفهانی

میرزا محمّد رضا بن عالیحضرت میرزا محمّد مقیم اصفهانی، استاد کیمیا در اصفهان بوده و ظاهرا محمّد رضا طبیب بن حاج رجبعلی کیمیاگر، نویسنده و جامع جنگ شماره ۴۳۸۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران شاگرد او بوده است.(۳)

محمّد رضا تبریزی عباس آبادی

محمّد رضا بن محمّد مقیم تبریزی عباس آبادی، از خوشنویسان هنرمند قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. در خط نستعلیق نزد ابوتراب اصفهانی مشق کرد و در اصفهان به کتابت مشغول شد. او در ماه رجب ۱۰۸۹ق به دستور شاه سلیمان نسخه ای ناتمام از «جامع الحکایات» را که نورالدّین محمّد لاهیجانی آنرا کتابت کرده و

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۳۹.

۲- الکواکب المنتشره، ص۲۶۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۳، ص۳۳۴۷.

موفق به اتمام آن نشده بود را کتابت کرده و به پایان رساند که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.

او برادر شاعر و خوشنویس هنرمند میر سیّد علی خان جواهر رقم است. محمّد رضا در خوشنویسی از سرآمدان عصر خویش و در صفای نیت و تهذیب اخلاق و حسن خلق کم نظیر بود. او در سال ۱۱۱۸ق در اصفهان وفات یافته و در مزار بابا رکن الدّین (تخت فولاد) اصفهان مدفون شد.(۱)

میر محمّد رضا امامی خاتون آبادی

میر محمّـد رضا امامی خاتون آبادی بن محمّـد مؤمن [بن میر عبـدالرّفیع بن میر محمّد صالح بن میر محمّد اسـماعیل (شاهمراد) بن میر عمادالـدّین حسـینی افطسـی [عالم فاضل. متبحّر در علوم بالاخص تواریخ ائمه معصومین علیهم السـلام . تا سال ۱۱۲۸ق زنده بوده و پس از وفات در تخت فولاد بالای سر میرمعصوم خاتون آبادی مدفون گردید. ویرا تألیفاتی است:

۱. «خزائن الانوار» در تفسیر ۲. «جنّات الخلود» که مکرر به طبع رسیده است.(۲)

[وی در اصـفهان به دنیا آمده و در اصـفهان و در عتبات عالیات به تحصیل پرداخته و سپس به شهرها و ممالک گوناگون سفر کرده است. عـاقبت به اصـفهان آمـده و به تـدریس و تحقیق و تـألیف مشـغول شـد. او در انواع علوم زمان خود خصوصا، فقه، حدیث، تفسـیر و ادبیات متبحّر بوده و در سـرودن شـعر به فارسی و عربی صاحب قریحه است و در اشعارش «مطلع» تخلّص می کند. به نوشته مرحوم سیّد حسین خاتون آبادی در کتاب «اغصان طیّبه» او در سال ۱۱۳۵ق وفات یافته است.

کتاب «خزائن الانوار و معادن الاخبار» او به تصحیح مریم ایمانی خوشخو به چاپ

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۲۵.

۲- دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، ص۱۸۸، سـیری در تاریـخ تخـت فولاـد، ص۱۹۵؛ رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۲۱۲؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۵.

رسیده است. نسخه های خطی این کتاب در کتابخانه های آیت اللّه مرعشی قم، ملک تهران، آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی، جامع گوهرشاد، موقوفه خاندان ثقه الاسلام تبریز، فیضیه قم، گلپایگانی و کتابخانه سیّد علی اصغر اصغرزاده موجود است. این کتاب به فارسی و در علم تفسیر با ۱ فاتحه و ۱۴ خزانه در سال ۱۱۱۷ در تبریز تألیف شده است.(۱)

«جنّات الخلود» نیز به فارسی و در باب شرح اسماء الحسنی و زندگی چهارده معصوم علیهم السلام و تواریخ سلاطین و خلفاء و برخی اطلاعات متفرقه دیگر تألیف شده و در سال ۱۱۲۸ق تألیف آن به پایان رسیده است. این کتاب بارها چاپ سنگی شده و نسخه خطی آن در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام قم و چند کتابخانه دیگر موجود است.(۲)]

محمّد رضا اصفهانی*

محمّد رضا بن محمّد مهدی اصفهانی، خطاط نسخ نویس قرن دوازدهم هجری در سال ۱۱۵۰ق در اصفهان متولّد شده و در سال ۱۲۲۴ق وفات یافته است. او در ۸ جمادی الثّانی ۱۱۸۵ق از کتابت نسخه ای از «کفایه المقتصد» تألیف: ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری فراغت یافته و نسخه به شماره ۸۸۹ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۳)

میرزا محمّد رضا خوزانی

میرزا محمّد رضا خوزانی بن میرزا محمّد مهدی بن ملّا محسن شیرازی، عالم فاضل و خوشنویس ماهر، [در قرن سیزدهم هجری].

۱- خزائن الانوار: مقدمه مصحح.
۲- نسخه های خطی: دفتر یازدهم و دوازدهم، ص۲۴؛ فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام ، صص ۷و ۸؛ و نیز بنگرید به: الذریعه، ج۵، ص ۱۵۰ و ج۷، ص۱۵۳؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۳۵؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۶۸.
۳- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۶۶۳.

جدّش ملّا محسن از شیراز به اصفهان آمده و در «خوزان» از محلّه های «سِدِه» ماربین ساکن شد.

[صاحب عنوان در اصفهان نزد سیّد محمّد شهشهانی و حاج شیخ محمّد باقر نجفی به تحصیل پرداخته است. خط نسخ را بسیار نغز و شیرین می نوشته و در سرعت قلم اعجوبه ای بوده است. تا حدّی که روزی هزار بیت کتابت می کرده و در عین حال بسیار خوش و زیبا می نوشته است و می گفته اند که چهارصد جلد کلام اللّه مجید کتابت کرده است. و تا حدود سال ۱۳۰۶ق زنده بوده است.(۱)]

میرزا محمّد رضا خوزانی نسخه ای از «ربیع الاسابیع» تألیف: علّامه مجلسی را به خط نسخ کتابت کرده که در سال ۱۳۱۳ق چاپ سنگی شده است.(۲)

[همچنین کتاب «انوار الرّیاض» تألیف: سیّد محمّد شهشهانی را در سال ۱۲۸۸ق به خط نسخ کتابت نموده که به شماره ۸۶۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)]

سیّد رضا کلاهدوزان*

سیّد رضا کلاهدوزان فرزند سیّد مهدی از علمای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۳۲ش در اصفهان به دنیا آمد.

ادبیات را نزد سیّد ابوالحسن درچه ای ابن سیّد محمّد باقر و سیّد بحرالعلوم میردامادی و آقا سیّد حسین سدهی معروف به ساعت ساز فرا گرفت. مغنی را از شیخ محمود مشکاتی استفاده کرد. شرح تجرید و شرح شمسیّه را از محضر شیخ محمّد محزون بهره برد.

شرح منظومه و اسفار را در نزد سیّد حسن مدرس هاشمی خواند. لمعه و رسائل و

۱- المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۴۸؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، صص ۶۱۲ و ۶۱۳؛ فوائد الرضویّه، ج۱، ص۵۳۵؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۲۳۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۸۱.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۲، ص۱۹۰.

مکاسب و بحث خارج را از محضر آیه اللّه شیخ ابوالقاسم انصاری استفاده کرد. جهت اصلی پیشرفت وی در علم و دانش مباحثه و تحقیق و تدریس و مطالعات شخصی بوده است. هم بحث وی در همه دروس تا پایان سطوح آقای حاج شیخ حسین عشاقی بوده است.

او اکنون از بزرگان مدرسین مدرسه صدر اصفهان محسوب می گردد و دروس وی مورد توجه فضلاء و طلاب است.

حاج شیخ محمّد رضا مهدوی شهرضایی

حاج شیخ محمّد رضا مهدوی شهرضایی بن حاج ملّا محمّد مهدی قمشه ای، عالم فاضلف فقیه مجتهد [از علمای قرن چهاردهم هجری] درسال ۱۳۰۲ق متولّد شده و در اصفهان به درس آخوند کاشی، جهانگیر قشقایی، آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی و شیخ محمّد تقی آقانجفی حاضر شده و سپس به نجف اشرف مشرّف شده و نزد حضرات آیات آقا شیخ مرتضی طالقانی، آقا سیّد حسین بادکوبه ای و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده، سپس به موطن خود مراجعت کرده و مقبولیّت تامّه یافته، در علم و عمل بی نظیر و تا آخر عمر در انجام وظایف شرعّیه از نشر و تبلیغ احکام و تدریس و اقامه جماعت و اعانه ملهوفین و کمک به ضعفاء دقیقه ای اهمال نفرمود.

وی سرانجام در شب چهارشنبه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۸۸ق در زادگاه خود وفات یافته و در امامزاده شاهرضا مدفون گردید. از تاألیفاتش: ۱. «رساله ای در اخلاق»۲. رسائل متعدد در «فقه و اصول و تفسیر» می باشد که هیچ یک به طبع نرسیده است.(۱)

۱- سالنامه شهرضا، ص۳۶؛ نشریه فرهنگ شهرضا، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۲.

محمّد رضا طهرانی اصفهانی

محمّد رضا طهرانی بن نجفعلی بن حاج محمود اصفهانی [از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۶۹ق از کتابت نسخه ای از کتاب «شاهد صادق» تألیف: محمّد صادق بن محمّد صالح اصفهانی به خط نستعلیق فراغت یافته و کتاب به شماره ۵۰۲۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

محمّد رضا خاتون آبادی

محمّد رضا بن محمّد نصیر خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل. در مشهد مقدس ساکن بوده و علاوه بر تحقیق و تألیف و تدریس نایب خادم باشی آستانه مقدس رضوی بوده و به نام شاه سلطان حسین صفوی کتاب «شرح اربعین حدیثا» را تألیف نموده است. نسخه ای از آن به شماره ۲۲۹۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

محمّد رضا عطاء اصفهانی*

محمّد رضا شیرانی فرزند نصیر، شاعر ادیب معاصر. در سال ۱۳۲۶ش در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان به پایان رسانید و در اداره مسکن و شهرسازی اصفهان به فعالیت پرداخت. پدرش از شعراء اصفهان بود. خود او نیز طبع شعر داشت و در انجمن های ادبی از جمله انجمن ادبی و هنری سعدی شرکت می کرد. او اشعار پدرش را گردآوری و با نام «راز دل نصیر» به چاپ رسانیده است.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۳۳۴.

۲- تراجم الرجال، ج۲، ص۶۹۷؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۶؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۷۴.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۵۵۹؛ راز دل نصیر، ص۱۷۵.

محمّد رضا اصفهانی

محمّد رضا بن نوروزعلی اصـفهانی از کاتبان قرن سیزدهم هجری در سال ۱۲۲۵ق نسخه ای از «حاشیه معالم» تألیف: ملّا میرزا محمّد شیروانی را به خط نسخ کتابت کرده و نسخه در مدرسه غرب همدان موجود است.(۱)

رضا اشتری

رضـا اشتری فرزنـد آقـا میرزا هادی اشتری، از شـعرای اصـفهان [در قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد گردیـده و به تحصـیل علـوم قـدیمه و جدیـد پرداخته است. از سن ۱۵ سـالگی شـروع به سـرودن اشـعار کرده و در آن گاهی «اشـتری» و زمـانی «رضـا» تخلّص می کرده است. او از اعضـای انجمن ادبی کمـال بوده است. این شـعر را در تعریف و تمجید شعرای اصفهان سروده است:

شاعران را محفلی در شهر ماست چند بلبل اندر آن نغمه سراست

یک به یک از نامشان یادی کنیم ز آنکه هر محفل از آنها باصفاست

گفته های «خاکی» و هم «خاکشیر» پیش اهل فضل همچون کیمیاست

می توان یابی بصارت از «بصیر» چون که اشعارش به چشمم توتیاست

از «صغیر» و گفته های او بخواه معرفت زانرو که اهل خانقاست

آنکه اشعارش برای مردم است مرد کامل شخص آقای «نوا»ست

آنکه از علم و ادب دم می زند عاقل و دانا «مهین» گویم رواست

از «شکیبش» تو بجوی علم و هنر کو در اشعارش نصیحت گوی ماست

آن که در مدح علی گوید سخن هم سخندان است پیر ما «رجا»ست

وانکه شاعر نیست در این انجمن بنده هستم «اشتری» نامم «رضا»ست(۲)

۱- فهرست غرب همدان، ص۳۷۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱ و ۴۲.

ملّا محمّد رضا مازندرانی

ملّا محمّد رضا بن ملّا محمّد هادی مترجم بن ملّا محمّد صالح مازندرانی، عالم فاضل. [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری].

در اصفهان به تحصیلات علوم دینی پرداخته و ظاهرا مقارن حمله افغانها و سقوط اصفهان، از این شهر مهاجرت نموده و در بهبهان سکونت گزیده و به تدریس کتب فقه و حدیث پرداخته است. سیّد عبداللّه جزائری در کتاب «الاجازه الکبیره» او را با القاب عالی همچون «فاضل محقّق متکلّم رفیع المنزله» می ستاید و می نویسد در مدرسه خیرآباد از اعمال [توابع] بهبهان است و می گوید دو بار او را ملاقات کرده است یک بار در سفری که به زیارت عتبات عالیات می رفته و بار دیگر در بهبهان که جزائری در درس «شرح لمعه» او حاضر شده است.

[وی در یکی از سالهای دهه پنجم قرن دوازدهم هجری (بین سالهای ۱۱۴۰-۱۱۵۰) وفات یافته است.(۱)]

سیّد رضا صدرزاده

آقا رضا صدرزاده فرزند آقا سیّد محمّد هادی صدرالعلماء بن سیّد عبدالوهاب شمس آبادی، فاضل محترم. او در مسجد شمس آباد که به نام مسجد صدرالعلماء نیز خوانده می شود، امامت نموده و سپس بر اثر فشار حکومت وقت، تغییر لباس داده و تصدی یکی از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق را برعهده گرفت و تا هنگام وفات بدان اشتغال داشت. مشارٌالیه داماد حاج شیخ مهدی نجفی بود.(۲)

[وفاتش در ۲۳ آذر ۱۳۳۴ش واقع شد و] در آرامگاه خانوادگی صدر هاشمی در

۱- فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۳۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۰۵ و ۳۰۶؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۵۱ و ۵۵۲؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۸.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۲۷.

تخت فولاد مدفون شد.

سیّد محمّد رضا بهشتی

سیّد محمّد رضا بن سیّد هادی حسینی بهشتی، عالم فاضل متّقی [از علمای قرن دوازده هجری].

در اصفهان متولّد شده و نزد علمای این شهر خصوصا ملّا اسماعیل خواجوایی به تحصیل پرداخته و در علوم زمان خود همچون ادبیات فارسی و عرب، حدیث، فقه و کلام مهارتی به سزا یافته است. در زهد و ورع در عهد خویش کم نظیر بوده است.

وی سرانجام در روز جمعه ۳ جمادی الاول ۱۱۹۵ق وفات یافته و در مقبره خانوادگی واقع در پای دیوار شمالی مصلای تخت فولاد مدفون شد.

رفیق اصفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ فوتش را چنین گوید:

رقم زد به تاریخ کلک «رفیق» «محمّد رضا باد با جد مدام»(۱)

محمّد رضا منجردی اصفهانی

محمّد رضا بن محمّد هاشم منجردی جی اصفهانی [از کاتبان نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در تاریخ ۱۲ صفر سال ۱۰۸۳ق کتابت نسخه ای از «منهج الیقین» تألیف: میرزا علاءالدّین گلستانه را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۵۹۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

سیّد محمّد رضا خراسانی

سیّد محمّد رضابن سیّد یوسف بن سیّد محمّد حسینی قائنی خراسانی اصفهانی، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن سیزدهم هجری].

۱- تحفه الاحباب، صص ۳۶-۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۵۸۶.

در اصـفهان متولّد شده و جهت تحصـیلات عالیه به عتبات عالیات رفته و نزد شـیخ مرتضـی انصاری تحصـیل نموده و در عداد مخصوصـین ایشـان واقع شـده و در ضـمن تحصـیل از دوسـتان میرزای بزرگ شـیرازی و میرزا حبیب اللّه رشتی بوده است. در اواخر عمر چشمانش ضعیف شده و مشرف به نابینایی بوده که با کرامت و لطف امام رضا علیه السلام شفا یافته است.

او در ۲۳ ذیقعده الحرام ۱۳۰۲ق در نجف اشرف وفات یافته و در قبرستان وادی السلام مدفون شد.(۱)

رضا ثابت اصفهانی*

حاج رضا کدخدایی متخلّص به «ثابت» از شـعرای معاصر اصفهان در عصر حاضر است، در سال ۱۳۰۷ه .ش در اصفهان متولّد شده و در کودکی آن به تحصـیل در کلاسـهای شـبانه پرداخت. در شعر طبعی روان داشته و از فیض هم صحبتی اساتید شعر و ادب اصـفهان، شـکیب، گلزار و صـغیر برخوردار شد. و در انجمن های ادبی شهر همچون انجمن خاکیا، انجمن کمال شرکت می نموده است. اغلب اشـعارش در مدایـح و مراثی چهـارده معصوم علیهم السـلام است. در سـایر انواع شـعر خصوصا غزل نیز صاحب قریحه است. «دیوان ثابت اصفهانی» در سال ۱۳۸۴ش چاپ شده است.(۲)

از اوست:

هرگز گلی چو روی تو زیبا نمی شود سروی چو قامت تو دل آرا نمی شود

هفت آسمان و هفت زمین گشته ایم ما مهری چو ماه روی تو پیدا نمی شود

رضا جدیدی*

۱- نقباء البشـر، ج۱، صـص ۷۸۰ و ۷۸۱؛ زنـدگانی و شخصـیت شـیخ انصاری، ص۲۶۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۶۳۴.

۲- دیوان ثابت اصفهانی: مقدمه.

رضا جدیدی، از شعراء و نویسندگان معاصر در سال ۱۳۱۷ش در الیگودرز متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا طی کرد و دیپلم گرفت. پس از آن به عنوان آموزگار استخدام شد و چند سال بعد تحصیلات دانشگاهی خود را ادامه داد.(۱) او سالها در سمت های مختلف از جمله ریاست آموزش و پرورش ناحیه ۴ اصفهان به خدمت پرداخت و به افتخار بازنشستگی نائل شد. مقالات فرهنگی و اجتماعی او در هفته نامه «نوید اصـفهان» به چاپ می رسید. گاهی شعر می گوید درباره دبیرستان ادب که ۱۰ سال به فعالیت مشغول بوده و از جمله مدتی معاونت آنجا را برعهده داشته است چنین گوید:

ای صبا گو گرد هم آیند یاران ادب تا دمی گردیم با هم خود ثناخوان ادب

در هوای ساحت پاکش پر و بالی زنیم طفل ابجد خوان شویم اندر دبستان ادب

این دبیرستان که سر بر عرش می ساید از فخر افتخارش هست بر دانش پژوهان ادب

بس رجال دانشی پرورده در دامان خود ای خوش آن مردی که بوده طفل دامان ادب(۲)

میرزا محمّد رضا حامد جرقویه ای*

میرزا محمّد رضا خلیفه سـلطانی جرقویه ای متخلّص به «حامد» از شـعرای قرن سیزدهم هجری. از اهالی قریه محمّدآباد جرقویه اصفهان.

اشعاری در مدح مرحوم حاج سیّد محمّد باقر حجت الاسلام شفتی سروده که در

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۱۷۴.

۲- یادنامه ادب، صص ۶۹-۷۱.

کتاب «مآثر الباقریه» نقل شده است. از آن جمله:

ای نهال قد تو سرو گلستان وجود وی ز تأثیر خیال تو حقایق موجود

با ضمیر تو بود فکر ارسطو معدوم با خیال تو بود عقل فلاطون مفقود

گر نبودی سخط و عفو تو اجرام فلک از چه منحوس شدندی و شدندی مسعود

الی آخر.(۱)

رضا حجار*

رضا حجّار، از هنرمندان اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در بازارچه رحیم خان اصفهان به سنگ تراشی مشغول بوده و در فنون و ریزه کاری های این هنر استاد بوده است. زمان فوت او به دست نیامد. ولی مُسَلَّم است که تا سال ۱۳۶۸ق زنده بوده است.(۲)

محمّد رضا حکیم باشی*

محمّد رضا حکیم باشی، از خوشنویسان اوایل قرن دوازدهم هجری در اصفهان است. او از شاگردان ابوتراب اصفهانی بوده و خط نستعلیق را درنهایت زبردستی و استادی می نوشته است.(۳)

آقا رضا دوری اصفهانی*

آقا رضا اصفهانی متخلّص به «دوری»، از شعراء و ادبای اصفهان است. ظاهرا در دوره صفویّه می زیسته و این بیت از اوست:

کشته کافر زلفی که مسلمانی را

از درش همچو گنهکار بیرون می آورند(۴)

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۸۷-۸۹؛ گرگویه، (ویرایش دوم)، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۲۸.

۴- تذکره روز روشن، ص۲۶۷؛ الذریعه، ج۹، ص ۳۳۰.

رضا رضوانی

رضا رضوانی، از شعرای معاصر اصفهان است.

از اوست:

بیا که موسم گل گشت و ماه فروردین دریده پیرهن از شوق لاله و نسرین

به باغ رو گل و سنبل نگر تو شادی کن غزل سرایی بلبل به شاخسار ببین

زان غنچه شده باز تا بنوشد می خمار دیده نرگس ز باده دوشین

محمّد رضا رنگارنگ اصفهانی*

محمّد رضا رنگارنگ اصفهانی، از خوشنویسان و ادبای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. خط شکسته نستعلیق را خوش می نوشته و در اصفهان ساکن بوده است. او نسخه ای از «انوار سهیلی» تألیف: واعظ کاشفی را در شوال ۱۲۳۵ق کتابت نموده که در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۱)

رضا زفره ای*

رضا زفره ای از فضلای قرن سیزدهم هجری و از اهالی قریه «زفره» از توابع کوهپایه اصفهان است. وی کتاب «انیس الواعظین» را تألیف کرده است. آقای محمّد حسن رجایی زفره ای محقّق معاصر سال فوتش را حدود سال ۱۲۶۷ق ضبط کرده است.(۲)

شیخ رضا سامانی

شیخ رضا سامانی متخلّص به «شیخ» شاعر و ادیب فاضل [در قرن چهاردهم هجری]

۱- فهرست ملک، ج۲، ص۴۰.

۲- فهرستواره کتابهای فارسی، ج۶، ص۳۳۷.

از معاشـرین و معاصـرین و دست پروردگـان دهقـان سامـانی است و همین معاشـرت او را به وادی شاعری کشانیـده بود. او در بهمن ماه سال ۱۳۳۲ش وفات یافت.

از اوست:

نازم نماز عشق که در دهر عابدش از خون دل ببایدش آب وضو بود(۱)

محمّد رضا شیخ زاده*

اسـتاد محمّد رضا شـیخ زاده، اسـتاد قلمکار و اهل اصـفهان است که در نقاشی پارچه مهارت داشته و در اواسط قرن چهاردهم هجری می زیسـته است. از آثار دیـده شـده وی: تصویر لیلی است سوار بر شتر بر روی یک پرده قلمکار و اشـعاری که درباره وی و مجنون نقل شده و رقم آن «محمّد رضا شیخ زاده» است.(۲)

رضا صیرفی*

رضا صیرفی از هنرمندان معاصر در عرصه موسیقی، در سال ۱۳۲۲ش در اصفهان متولّد شده و در ۵سالگی با خانواده به تهران رفت. ضـرب را از اسـتاد حسـین تهرانی آموخت و سـپس به همکاری با اداره رادیو تلویزیون پرداخت. وی از سال ۱۳۵۰ش به چند کشور اروپایی و آسیایی سفر کرده و به اجرای برنامه پرداخت.

او سالها به تربیت شاگرد و تعلیم ضرب به سبک استاد تهرانی به علاقمندان بود.(۳)

شیخ محمّد رضا طاهری خورزوقی*

شیخ محمّد رضا طاهری خورزوقی، از علمای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۶ش در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۲۹۰.

۲- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص ۷۰۱.

۳- برگی از باغ، ص۲۳۵.

قریه «خورزوق» از توابع بُرخوار (در شمال شهر اصفهان) متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان نزد حضرات آیات سیّد محمّد رضا خراسانی، حاج آقا حسین خادمی، شیخ مرتضی اردکانی و سیّد ابوالحسن شمس آبادی به انجام رسانده و در زادگاه خود به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ دین مشغول شد.

او عالمی زاهد و قانع بود و جهت طلاب حوزه درسی در آنجا تشکیل داد. او ذوق سرودن شعر داشت و عمر را به مطالعه و تحقیق و تألیف گذراند.

سرانجام او در تیرماه ۱۳۸۳ش وفات یافته و در همان جا مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «سراج المنیر» که درسال ۱۳۸۳ق با تقریظ اساتید خود اردکانی و شمس آبادی به طبع رسیده است. ۲. «منتخب التّجوید» ۳. «تصحیح الآراء فی زیاره عاشوراء»۴. جیّد الاحکام فی مواعظ الانام»۵. «کهف حصین»۶. «باب الفلاح فی شرح دعاء الصباح»(۱)

محمّد رضا عبرت گیلانی*

محمّد رضا حسن زاده، معروف به «عبرت گیلانی» از روزنامه نگاران اصفهان در دوره مشروطیّت است. او در سال ۱۳۲۷ق مجلّه حقیقت را تأسیس کرده است. این مجلّه تا سال ۱۳۳۹ق منتشر می شده است.(۲)

میرزا محمّد رضا عیشی اصفهانی

میرزا محمّد رضا اصفهانی متخلّص به «عیشی» از شعرای اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری است. در سرودن شعر صاحب قریحه ای توانا بوده و تا سال ۱۲۰۶ق زنده بوده است. [این مرثیه و مادّه تاریخ را جهت وفات سیّد مهدی حفید سیّد

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی.

۲- تاریخ و جراید و مجلّات ایران، ج۲، صص ۲۲۵-۲۲۷.

عبداللّه جزایری در سال ۱۲۰۶ق سروده است:

رکن ایمان سیّد مهدی دریغ زین جهان فانی مغرور شد

زین مصیبت بر همه اهل جهان روز روشن چون شب دیجور شد

زین خراب آباد پر اندوه و رنج بر تماشای جنان مأمور شد

جبرئیل از بهر دفنش در بهشت از پس استبرق و کافور شد

از فروغ روح آن عالیجناب جنت المأوی سراسر نور شد

گفت تاریخ وفاتش پیر عقل با علی و مصطفی محشور شد(۱)]

میرزا محمّد رضا فقیه

میرزا محمّد رضا فقیه، از علماء و زهاد اصفهان در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۶۷ق وفات یافته و در قبرستان آب بخشان، نزدیک مسجد [شهدا [مدفون شده است. پس از تسطیح و تخریب قبرستان، قبر او هم از بین رفت.(۲)

شیخ محمّد رضا قهدریجانی

شیخ محمّد رضا قهدریجانی اصفهانی، از اجلّه علماء و فضلاء [در اوایل قرن چهاردهم هجری [در نجف اشرف نزد آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی تلمّذ کرد و پس از وفات او دو سال به درس میرزا محمّد تقی شیرازی در سامرا حاضر شد سپس جهت زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام به ایران آمده و پس از آن به عتبات عالیات بازگشته و در ۷ شعبان ۱۳۳۴ق در کربلا وفات یافته و در اِیوان بزرگ معروف به مقبره میرزا موسی دفن شد.

۱- تحفه العالم، ص۱۲۴؛ الذریعه، ج۹، ص۷۷۹؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۰۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۹؛ مزارات اصفهان، ص۲۷.

عالمی خلیق و مهربان و در بحث منصف بوده است. همسرش صبیّه عالم فاضل سیّد محمّد علی بن ابی القاسم کاشانی نجفی است.

شیخ محمّد رضا قهدریجانی در مجلس درس آخوند خراسانی همدرس با مجتهد عالیقدر آقا شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی بوده و او را برای تدوین کتاب «وقایه الاذهان» تشویق کرده است.(۱)

محمّد رضا کاتب اصفهانی

محمّد رضا کاتب اصفهانی، از نویسندگان قرن سیزدهم است. از آثارش کتاب «آتشکده آذر بیگدلی» است که به خط شکسته نستعلیق نوشته و به شماره ۱۱۰۰ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۲)

دکتر محمّد رضا کاویانی*

دکتر محمّد رضا کاویانی، از اساتید دانشگاه و محقّقان معاصر در سال ۱۳۱۶ش در شیراز متولّد شد. او پس از تحصیلات ابتدایی در رشته ادبی و طبیعی در مقطع متوسطه تحصیل کرد و دیپلم گرفت. در سال ۱۳۳۷ش برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در سال ۱۳۴۲ دانشنامه مهندسی خود را از دانشگاه «یوستوس لیبیگ» شهر «گیسن» اخذ نمود. آنگاه در دانشگاه فنی «هانوور» در رشته هواشناسی و اقلیم شناسی کشاورزی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ درجه دکتری شد و در آن دانشگاه به عنوان مربی و سپس استادیار به تدریس پرداخت.

او در سال ۱۳۵۴ش به ایران بازگشت و به عنوان استادیار در گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان تدریس نمود. او از سال ۱۳۶۴ به دانشیاری و از سال ۱۳۷۵ش به

۱- نقباء البشر، ج۲، صص ۷۲۶ و ۷۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۱۳.

۲- فهرست سپهسالار، ج۲، ص۴۵۴.

استادی دانشگاه اصفهان ارتقاء یافت و در سال ۱۳۷۹ش به عنوان استاد نمونه کشوری انتخاب شد.

او در بسیاری از همایش های علمی داخل و خارج از کشور شرکت کرده و مقاله ارائه کرده است. مقالات بسیاری نیز از او در مجلات معتبر علمی همچون محله «فضا»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، رشد آموزش جغرافیا و فصلنامه تحقیقات جغرافیایی و مقالاتی در مجلات خارجی به چاپ رسیده است.

دکتر کاویانی برخی از مسؤولیت های اداری همچون معاونت دانشکده ادبیات و ریاست آن را در دانشگاه اصفهان برعهده داشته است. وی اکنون به تدریس در مقاطع مختلف دانشگاه خصوصا فوق لیسانس و دکترا مشغول است.

از آثار او کتابهای «مبانی آب و هواشناسی» و «میکروکلیماتولوژی» به چاپ رسیده است.(۱)

ملّا محمّد رضا کتابدار

ملّا محمّد رضا کتابدار، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. او کتابدار کتابخانه علّامه مجلسی و نویسنده او بوده است. احتمالاً او نزد علّامه مجلسی تحصیل کرده است.(۲)

[محمّد نصیر بن محمّد علی ابهری جی اصفهانی که مُجَلَّد نهم «بحارالانوار» را در سال ۱۰۷۹ق کتابت کرده و در کتابخانه سلطان المتکلمین در تهران موجود است به نام او اشاره کرده است.(۳)]

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۱۷۳-۱۷۹.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۶۱.

۳- الکواکب المنتشره، صص ۲۶۹ و ۲۷۰.

سیّد محمّد رضا کتابفروش

سیّد محمّد رضا کتابفروش، عالم جلیل [در اوایل قرن چهاردهم هجری] مرحوم جابری انصاری در «تاریخ اصفهان» درباره او می نویسد: «از علماء و دو سه کار مهم انجام داد. اوّل: تغییر محل چیت سازخانه و رنگرزخانه که در وسط شهر و حوالی مسجد حکیم بود و فضلاب آن لطمه به صحیّه همسایگان می زد. دوم: سد فرجان. سوم: تأسیس دارالشّفا که (بعدا) تبدیل به مسجد دارالشّفاء شد» (محل مسجد دارالشّفاء قبلاً محلّ فاضلاب بازار رنگرزها بوده است).

وی پس از وفات در تخت فولاد، تکیه سادات کتابی مدفون شد.(۱)

ملّا رضا کفرانی

ملّا رضا کفرانی رویدشتی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری [وی احتمالاً شاگرد آقا سیّد محمّد شهشهانی بوده و نسخه ای از «غایه القصوی» جلد دوم، تألیف شهشهانی را به خط نسخ - بدون ذکر تاریخ - کتابت نموده است. کتاب به شماره ۳۹۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

سیّد محمّد رضا گلپایگانی

سیّد میر محمّد رضا جرفادقانی (گلپایگانی)، از فضلای قرن یازدهم هجری است. شاگرد علّامه مجلسی بوده و در دوم ذیحجّه سال ۱۰۷۲ق از او اجازه دریافت نموده است.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۹.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۳۲۹.

۳- الذریعه، ج۱، ص۱۵۱؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۶۴ و ۲۶۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۷؛ دانشمندان گلپایگان، ج۲، ص۱۹۸.

محمّد رضا محتسب اصفهانی

محمّد رضا محتسب اصفهانی [خطاط نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری] در جمادی الاولی سال ۱۲۹۶ق نسخه ای از «انجمن خاقان» تألیف: فاضل خان گروسی را به خط نستعلیق زیبا کتابت نموده که به شماره ۷۳۳۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّد رضا معلّم*

محمّد رضا، از خوشنویسان هنرمند و فضلائ ادیب قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. او در برخی از آثارش خود را «محمّد رضا معلّم غلامان کوچک سرکار خاصّه شریفه» معرّفی کرده است که نشان می دهد او در دربار شاه سلیمان صفوی به تعلیم و تربیت غلامان درباری مشغول بوده است.

او خطوط ثلث و نسخ را خوش می نوشته و به دستور شاه سلیمان نسخه ای از «صحیفه سجّادیه» را به خط نسخ در ۲۸ رجب المرجّب ۱۰۹۳ق کتابت کرده که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.

همچنین قطعاتی به خط نسخ او به تاریخ های ۱۰۸۷ و ۱۱۱۲ در مجموعه مرحوم مهدی بیانی و رقعه ای در یک مرقع به خط نسخ در سال ۱۱۱۴ق در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران موجود است.(۲)

درد اخل ایوان شرقی مدرسه چهارباغ کتیبه ای به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ حاوی احادیث و جملاتی درباره اهمیّت علم و آموختن آن و اشاره به بنای مدرسه و ساختن آن است مشاهده می شود. رقم و تاریخ کتیبه چنین است:

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۲۵.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۷؛ فرهنگ ایران زمین، ج۲۶، ص۱۶۵.

«کتبه محمّد رضا ۱۱۱۹»(۱)

به احتمال زیاد این کتبه هم از خطوط محمّد رضا معلّم غلامان کوچک خاصّه شریفه است.

محمّد ابراهیم نصیری در کتاب خود ذیل وقایع سالهای ۱۱۰۵ و ۱۱۰۶ق از وثیقه ای یاد می کند که میرزا ابوالقاسم مجلس نویس آن را در جلسه مشاهیر علماء و معارف فضلاء و صدور و اهالی شرع مطرح کرده و محمّد رضا بیگ خوشنویس آن را به خط رقاع قلمی نموده است.(۲)و گویا این محمّد رضا بیگ خوشنویس با صاحب عنوان یکی باشد.

سیّد رضا موسوی نسب مبارکه*

سیّد رضا موسوی نسب مبارکه متخلّص به «رضا» از شعرای معاصر اصفهان در سوم دی ماه ۱۳۱۴ش در «مبارکه» لنجان اصفهان متولّد شد. پدر و اجدادشان از علماء و زهّاد عهد خویش بوده اند. گاهی شعر می گوید و اشعارش در مطبوعات اصفهان همچون «نوید اصفهان» و «اولیاء اصفهان» به چاپ رسیده است).

از اوست:

نسیم غنچه حُسنت مرا هوایی کرد شمیم روی تو آورد و دلربایی کرد

به گاه بی تو نشستن به شام تنهایی رهایم از غم هجر شب جدایی کرد(۳)

سیّد محمّد رضا میردامادی

سیّد محمّد رضا حسینی میردامادی سدهی اصفهانی، طبیب ماهر، مدفون در ایوان دالان صحن شرقی و شمالی امامزاده درب امام اصفهان.(۴)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۷۱۵.

۲- دستور شهر یاران، ص۴۴.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۳۰۵ و اطلاعات متفرقه.

۴- مزارات اصفهان، ص۲۰۸.

محمّد رضا نایب اصفهانی*

محمّد رضا اصفهانی متخلّص به «نایب» شاعر ادیب. از سخنوران قرن دوازدهم هجری است. از او دیوان اشعاری به جای مانده است.(۱)

حاج سیّد محمّد رضا نایینی

حاج سیّد محمّد رضا نایینی، عالم فاضل، از خواص و ندیمان و شاگردان حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی، در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل علم مشغول شده است.(۲)

شیخ محمّد رضا نجفی جزن آبادی*

شیخ محمّد رضا نجفی جزن آبادی، عالم فاضل زاهد و فقیه محقق و عابد، از علمای معاصر اصفهان.

در اصفهان و نجف به تحصیل پرداخته و در اصفهان امام جماعت مسجد پامنار دردشت و مسجد شیره پزها بوده است. او عمری را به قناعت و زهد و انزوا به سر برد.(۳)

او سرانجام در ۱۲ ذیحجه ۱۳۷۸ق وفات یافت و در صحن تکیه گلزار واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۴)

رضا نگهبان

۱- ریحانه الادب، ج۶، ص۱۲۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۹۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نایب»، ص۲۹۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۰۷.

۲- تاریخ نایین، ج۱، ص۱۸۹؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۱.

۳- علوم و عقاید، صص ۶۷ و ۶۸.

۴- یادداشت های آقای رحیم قاسمی، خطی.

رضا نگهبان، از شـعرای معاصـر اصـفهان. به شغل کارگری مشغول بوده و گاهی شعر می سروده است. او در واقعه کشته شدن حسین صرافان چنین گفته است:

در راه وطن شهید شد صرافان اینست سزای نیکی ای هموطنان

یکسر به جنان گشت روان آن ناکام اندر ره اسلام به خون شد غلطان

ای داور پاک داد مظلومان را از جمله ظالمان بی رحم ستان

رضا نور بختیار*

رضـا نور بختیـار، هنرمنـد و عکاس معاصـر. در روز ۲۵ دی سـال ۱۳۲۰ش در اصـفهان متولّـد شـد. پس از تحصـیل در مقطع ابتـدایی، در دبیرسـتان سـعدی دوره متوسّـطه را گذرانـد و چـون به هنر علاـقه فراوان داشت به انگلسـتان رفت و در دانشـکده هنرهای زیبای لندن، به تحصیل پرداخت و عضو تشکل دانشجویی عکاسان بریتانیا شد.

او پس از بازگشت به ایران، در تهران به همکاری با مطبوعات از جمله مجله زن روز پرداخت و در دانشکده علوم ارتباطات به تدریس عکاسـی پرداخت. او از سال ۱۳۵۹ به بعد در اصـفهان ساکن شد و در مجتمع هنر پردیس، دانشـگاه سوره و دانشـگاه آزاد، عکاسی را تدریس کرد و در کنار آن فعالیّت عکاسی حرفه ای را با جدّیت دنبال کرد.(۱)

محمّد رضا بیک همدانی

محمّـد رضا بیک همـدانی، از شـعراء و سـخنوران قرن یازدهم هجری. پـدر و اجـدادش از کلانتران همدان بوده اند. او پس از مدّتی تحصـیل منشی بکتاش خان حاکم بغداد شد. پس از فوت او به اصـفهان آمده و منشـی ساروتقی (وزیر اعظم شاه عباس دوم) شد بعد از قتل او وزیر میرزا علاءالدّین حسین خلیفه سلطان شد. پس از او وزیر محمّد بیک و میرزا

۱- روزنامه ایران، شماره ۳۹۰۸، یکشنبه اوّل اردیبهشت ۱۳۸۷.

مهـدی بود و عـاقبت در زمـان وزارت میرزا مهـدی وفـات یافت.(۱) (میرزا مهـدی در سـال ۱۰۷۱ق بـه وزارت رسـیده و لقب «اعتمادالدّوله» را دریافت نموده است).

از اوست:

بس که از آه من غبار گرفت سرزمین ها در آسمان دارم

پیکرم وقف سنگ طفلان باد تا شکستن در استخوان دارم

رضا علی هزارجریبی

رضـا علی بن جـان بیک هزارجریبی [مازنـدرانی از کاتبان قرن سیزدهم هجری [در سال ۱۲۱۵ق از کتـابت مجموعه ای شامل «مفاتیح الشـرایع» فیض کاشانی و «صـیغ العقود» علّامه مجلسـی به خط نسخ در داراسـلطنه اصـفهان فراغت یافته است. کتاب به شماره ۱۵۷۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۲)

رضا قلی ادیب شیرازی*

رضـا قلی شـیرازی متخلّص به «ادیب» خوشـنویس هنرمنـد و شاعر ماهر اواخر عهـد قاجاریه. از اهالی شـیراز است. امّا در اواخر عمر به اصـفهان آمده و در انجمن ها و محافل ادبی این شـهر شرکت نموده است. خط نستعلیق را خوش می نوشت و علاوه بر قطعه نویسـی و کتابت، در کتیبه نویسـی نیز مهارت داشت. او سرانجام در سال ۱۳۳۰ق در شـیراز وفات یافته و در تکیه حافظیه مـدفون شـد. از تألیفات او کتاب «اخلاقیه» است که در سال ۱۳۱۴ق به خـط خود کتابت کرده و به شـماره ۹۵۰۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۲۱.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۷۱۱.

از آثار او در اصـفهان اشـعار کاشـیکاری سـرای مخلص در بازار بزرگ اصفهان و اشعار کاشیکاری ایوان مسجد رکن الملک در سال ۱۳۱۹ق هنوز موجود است.

این شعر از اوست:

اوصاف علی که منتهایش نبود مدّاح علی به جز خدایش نبود

تا حشر «ادیب» گر ز وصفش خوانی یک حرف ز دفتر ثنایش نبود(۱)

رضا قلی همای شیرازی

محمّد رضا (رضا قلی) شیرازی متخلّص به «هما» فرزند ملّا بدیع بن ملّا شاه جهان شیرازی [از طایفه فیلی زند].

ادیب و شاعر فرزانه و عارف دانشمند یگانه. از سخن سرایان قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۱۲ق در شیراز متولّد شد.

در نوجوانی شـروع به فراگیری علم و ادب کرد [و فنون ادبی و قواعد شعر و شاعری را از وصال شیرازی آموخت. [او در آغاز جوانی ترک منصب خانی و سرکردگی گفته و وقت خود را صرف تحصیل علوم دینی کرد و از شیراز به عتبات عالیات رفته و ۱۸سال در مجلس درس شیخ محمّد حسن صاحب جواهر حضور یافت.

[در این سالها سه بار به حـج رفته و در هر سـفر در سایر مناطق ماننـد حجاز، یمن، شام، مصـر، بیت المقـدس، شـمال آفریقا نیز سیاحت کرد. [پس از اتمام تحصـیلات به هند سـفر کرد و به دیدار علماء و عرفاء و اولیاء شـتافت. او پس از بازگشت به شیراز چنـدی در آنجا مانـد و پس از آن به اصـفهان آمـده [مورد توجه و عنایت حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسـلام، مجتهد و مفتی بزرگ آنجا و منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان قرار

۱- تذکره شـعرای دارالعلم شـیراز، ص۹۷؛ آثـار العجم، ص۵۴۵؛ تـذکره مرآه الفصاحه، ص۵۲؛ ریحـانه الادب، ج۱، ص۹۹؛ گنجینه آثار تاریخی اصـفهان، صـص ۸۱۶ و ۸۲۱ و ۸۳۳؛ احوال و آثـار خوشـنویسان، ج۱، ص۲۱۱؛ تاریـخ اصـفهان (هنر و هنرمندان)، ص۹۰؛ دانشـمندان و سخن سرایان فارس، ج۱، ص۲۴۵؛ فارسنامه ناصری، ج۲، ص۱۱۵۶؛ فهرست مرعشی، ج۲۴، ص۲۵۹.

گرفت و اشعاری در مدح آنان سرود. سپس به طهران رفته به دربار محمّد شاه قاجار راه یافت. از آنجا به خراسان و ترکستان سفر کرده و پس از بازگشت از آن سفر راهی کرمان و اصفهان شد و بالاخره اصفهان را جهت اقامتگاه دائمی خود برگزید].

او در سیر و سلوک طریقت از مریدان میرزا ابوالقاسم سکوت شیرازی بود. همای شیرازی عاقبت پیش از ظهر پنج شنبه ۱۲ ربیع الاوّل ۱۲۹۰ق وفات یافته و در پای ستون جنونی صحن امامزاده احمد اصفهان مدفون شد. خطوط سنگ لوح مزار او از میرزا عبدالحسین قدسی خوشنویس اصفهانی است.

مادّه تاریخ وفاتش را سیّد محمّد بقاء اصفهانی ضمن مرثیه ای گوید:

چو از بهر سرای جاودانی هما را زین سرا برچیده شد فرش

«بقا» گفت از برای سال فوتش: «هما شد بال زن در سایه عرش»

[عباسعلی خرم اصفهانی هم قطعه ای در مادّه تاریخ «هما» ساخته که مادّه تاریخش این مصراع است:

«طایر روح هما پرواز کرد از آشیان»

دیوان اشعار هما را محمّد حسین عنقا (فرزندش) جمع آوری و کتابت نموده که در کتابخانه عمومی اصفهان وجود دارد. نسخه ای دیگر از این دیوان به خط میرزا عبدالغفار پاقلعه ای متخلّص به «سحاب» فرزند محمّد حسن، در سال ۱۲۹۳ق کتابت شده که آن هم در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است. دیوان هما به عنوان «شکرستان» به طبع رسیده است. همچنین دیوان هما در ۲ جلد به کوشش احمد کرمی در سال ۱۳۶۳ش چاپ شده است.]

سه نفر از پسرانش، میرزا محمّد نصیر (ابوالقاسم) متخلّص به «طرب»، میرزا محمّد حسین ملک الشّعراء متخلّص به «عنقا» و میرزا محمّد متخلّص به «سها» و نیز دو تن از نوادگانش، استاد جلال الدّین همایی متخلّص به «سنا» و ابوالفضل همایی متخلّص به «شادمان» از شعراء و ادبای عهد خویش بوده اند.

این شعر از اوست:

[کاش بودی چو تو در شهر دلارای دگر یا مرا بود چو این دل، دل شیدای دگر

داشتم یک دل و یغمای تو شد اوّل کار کو دلی تا دهمت باز به یغمای دگر(۱)]

رضا قلی خان سراج الملک

رضا قلی خان سراج الملك بن عباس خان ایروانی پیشکار مالیه اصفهان. در دستگاه ظل السّلطان بوده است. مردی عارف مسلك و درویش نهاد و خدمتگزار عرفاء و دانشمندان بوده و در خدمت حاج محمّد کاظم اصفهانی (سعادت علی شاه) به سلسله فقر وارد شده و در اصفهان و شیراز و طهران خانه اش خانقاه درویشان و حاجتمندان بود.

گویند ظل السلطان، سراج الملك را به طمع نقدینه ای که داشت چای مسموم داد و تمام اموال او را مصادره نمود و فرزندان او را به خاك سیاه نشاند.

سال مرگ او ۱۳۳۳ق بوده است و در صحن امامزاده حمزه، جنب مقبره سعادت علی شاه مدفون گردید. بنای مسجد سراج الملك در طهران از اوست.(۲)

۱- حدیقه الشعراء، ج۳، ص۲۰۸۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۷۲ و ۱۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵؛ دیوان طرب، صص ۳-۳۴؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، صص ۱۰۴-۱۰۶؛ فارسنامه ناصری، ج۲، ص۱۰۹؛ تذکره مدایح معتمدیه: خطی؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، صص ۱۱۷۳-۱۱۷۵؛ تذکره مرآه الفصاحه، صص ۷۱۰ و ۷۱۱؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۴۶۸ و ۴۶۹؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۴، صص ۸۵۲ و ۸۵۳؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)ج۱، صص ۳۶۱-۳۶۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱، مجله یادگار، سال پنجم، آذر و دی ۱۳۲۷، ص۹۹؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۵۴۳؛ نابغه علم و عرفان، ص۴۳۶؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، صص ۲۸-۳۰.

رضا قلی تاراج قمشه ای

رضـا قلی پژوهنـده قمشه ای متخلّص به «تـاراج» فرزنـد علی اصـغر (یـا علی عسـگر). از شـعرای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۴۸ش متولّد شد. تحصـیلات مقدماتی خود را در شـهرضا انجام داده و جهت تکمیل آن به اصـفهان رهسپار گردید. از اوان کودکی طبعش به شعر و ادب مایل بوده و بیشتر اوقات در خدمت خالوزاده خود مرحوم آقا شیخ اللّه حکیم قمشه ای (متخلّص به «دیوانه») به گفتن و خوانـدن اشـعار مشـغول بوده است. در اغلب فنون شاعری خصوصا در گفتن مادّه تاریخ مهارت داشت. در اوایل عمر در یکی از ادارات دولتی خدمت می کرد. اما در اواخر عمر از شـغل دولتی مستعفی شده و به انزوا و تنهایی عمر را سپری می کرد. در شـعر «تاراج» تخلّص می کرد و دیوان اشـعارش نزد فرزنـدش حیـدر پژوهنده موجود بوده است. همچنین برخی از اشعار او در روزنامه ها و مجلّات: ندای شهرضا، بهبود شهرضا، شهرضا، ارمغان و آینده به چاپ رسیده است.

تاراج قمشه ای در ۱۳ دی ۱۳۲۳ش در شهرضا وفات نمود. این دو بیت از اوست:

گر سِرّ عشقم از نگهی فاش شد چه باک هرگز به پنبه شعله آتش نهان نماند

در جستجوی دل پی دلبر شدم ولی در کوی او نشانی از آن بی نشان نماند(۱)

رضا قلی خان برومند گزی

رضا قلی خان برومند بن محمّد کریم خان برومند گزی، شاعر و ادیب دانشمند معاصر. در سال ۱۳۲۶ق در اصفهان متولّد شده و پس از طی تحصـیلات ابتـدایی و متوسـطه بـه تهران رفتـه و ادامه تحصـیل داد و لیسـانس حقـوق گرفت. سـپس به اسـتخدام دادگستری

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۲۶-۱۲۹؛ تاریخ شهرضا، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

درآمده و به قضاوت پرداخت. او از قضات پاکدامن و باشهامت بود و سالها در دانشکده ادبیات اصفهان تدریس می کرد. او علاوه بر کلیه فضائل، از حسن معاشرت و نیک سیرتی و خوش محضر بودن، شعر هم می گفت و «برومند» تخلّص می کرد. لکن کمتر بدان می پرداخت. از نمونه اشعارش در مجله باختر اصفهان قطعه ای چاپ شده است و از آنجا آن را در تذکره شعرای معاصر اصفهان نقل کرده ایم.

مرحوم برومند در ربیع الثانی سال ۱۴۱۰ق در اصفهان وفات یافت و در قبرستان باغ رضوان مدفون شد.(۱)

رضا قلی خان اعتمادی*

رضا قلی خان اعتمادی (یا بیدآبادی) یگانه فرزند محمّد قلی خان بن رضا قلی بیگ بن محب علی خان بن محمّد قلی خان بن فتحعلی خان اعتماد الدوله داغستانی لکزی، از هنرمندان اصفهان در قرن چهاردهم هجری قمری.

مادرش دختر محمّد باقر کیخا بن شاه منصور کیخا بن عبداللّه کیخا بن محمّد نصیر کیخا بن محمّد باقر (از ایل کیخا و سالار و کلانتر قشقایی، از جانب دربار صفوی) بوده و خود با آقا میرزا محمّد جعفر محلّه نوئی باجناق و با جهانگیرخان قشقائی خاله زاده می شد.

در شیرخوارگی به جهت حادثه ای که برای پدرش اتفاق افتاد و یتیم شد دچار کمی لکنت زبان شد امّا با این حال به تحصیل علم پرداخته و همچنین به فراگیری نقاشی مشغول شد. تا جایی که در همه انواع نقاشی: طبیعت، میناتور، آبرنگ، سیاه قلم و تذهیب، روی سوخت معرّق و قلمدان و جعبه و سرلوحه و جلد کتب و غیره استاد گردید و شاگردانی هم تعلیم داد. مردی صالح، متین، باهوش و محترم نزد مردم عموم

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ۸۲؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۸.

بوده و سـرانجام در ۷ محرم ۱۳۳۸ق وفـات یـافته و در جنوب غربی تکیه حـاج آقا مجلس (تکیه سـیّد ابوجعفر خادم الشّـریعه) مـدفون شـد و عیـال و دخترش نیز همانجـا مـدفون شدنـد و اطـاق و مقبره ای آبرومنـد بر سـر مزار آنان ساخته شـد. امّا پس از تعریض خیابان مجاور (خیابان سـعادت آباد) و خراب شدن سردر و مسجد این تکیه و اطاق مزبور، بقایای اجساد آنان با اجازه آیتین اربـاب و خراسـانی به زیارتگـاه زینبیه در شـمال اصـفهان نقـل و در یکی دو اطـاق غیروقفی صـحن علیای زینبیه مـدفون شد.(۱)

ملّا رضا قلی پیشنماز

آخوند ملّا رضا قلی قاری اصفهانی معروف به «پیشنماز» عالم فاضل صالح [از دانشمندان قرن یازدهم هجری].

او در فقه و حدیث و قرائت و تجوید اسـتاد بوده و در مسـجد جامع جدید عباسی [مسجد امام فعلی [به تدریس قرائت و تجوید می پرداخته و هم در آن مسجد اقامه جماعت می نموده است.

وی عمری طولانی یافته و در سال ۱۰۷۲ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

[در مجموعه شماره ۱۳۶۷۴ کتابخانه مجلس برگ ۱۰۵ و ۱۰۶ بندی با عنوان «دوازده امام» به عربی از مولا رضا قلی اصـفهانی آمده است.(۳)]

رضایی مشهدی*

رضای مشهدی، شاعر ادیب، در اوایل قرن یازدهم هجری می زیسته و در اصفهان ساکن بوده و در زمان تألیف «تذکره عرفات العاشقین» در سال ۱۰۲۲-۱۰۲۴ق

۱- یادداشت های شاعر گرانمایه آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «بُرنا».

۲- ریضای العلماء، ج۲، ص۳۱۲؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۸؛ اعیان الشّیعه، ج۳۲، ص۴۳.

۳- فهرست مجلس، ج۳۷، ص۱۹۹.

درگذشته است.(۱)

آقا رضی اصفهانی

آقا رضـی اصفهانی، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. استاد فن و نقّاد و سخن بوده، سیر هندوستان نموده و برگشته، در سال ۱۰۲۴ق وفات یافت. جمله «آه از رضی» مادّه تاریخ وفات اوست.

در فراق تو خیالی است تن بی جانم که چو فانوس به تحریک نفس می گردد(۲)

سیّد رضی اصفهانی

سیّد رضی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، از علمای قرن چهاردهم هجری. در نجف در خدمت حاج میرزا حسین نوری و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی به تلمّذ پرداخته و پس از فوت آخوند خراسانی به درس میرزا محمّد تقی شـیرازی حاضر شده است. او در جوانی حدود سال ۱۳۳۴ق در کربلا وفات یافته و همانجا مدفون گردیده است.(۳)

محمّد رضی اصفهانی

محمّد رضـی اصـفهانی، عالم فقیه، از دانشـمندان گمنامی است که در اصـفهان در قرن سیزدهم می زیسته و مانند هزاران عالم دیگر بـدون اسم و رسم زنـدگی نموده و بـدرود حیـات گفته است. از آثـارش اجـازه اجتهادی است که به نام آقا سیّد محمّد حسن مجتهد موسوی بعد از سال ۱۲۴۴ق نوشته است.(۴)

۱- تذکره غنی، ص۵۸؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۴۶.

۲- تذکره حسینی، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ تذکره آتشکده: بخش سوم، ص۹۴۳؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۲۳؛ تذکره غنی، ص۵۸؛ الذریعه، ج۹، ص۳۷۱؛ کاروان هند، ج۱، صص ۴۴۹-۴۵۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۱۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «رضی»، ص۵۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۴۰؛ تذکره سرو آزاد، ص۳۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۰۹ و ۶۴۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۷۸۳.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۴۰ و ۶۴۱.

محمّد رضی اصفهانی

محمّد رضـی بن محمّد شریف اصفهانی، خطاط نسخ نویس قرن یازدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه «تحفه الابرار» تألیف: سیّد مصطفی بن ابراهیم تبریزی می باشد. نسخه به شماره ۴۰۷۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

آقا رضی مجلسی

آقا رضی بن ملّا محمّد نصیر بن عبداللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری.

وی در اصـفهان به تحصـیل پرداخته است. در «تذکره الانساب» درباره او می نویسد: «صبیه مرحوم میرزا محمّد کاظم جدّحقیر در حباله او می بود و میرزا محمّد شفیع و میرزا یحیی و دو همشیره (اولاد او می باشند)».

مشارالیه در سال ۱۱۲۶ق وفات یافته و میرزا عزیزاللّه الماسی در مرثیه و مادّه تاریخ وفاتش گوید:

رضیّ خالق و خلق از قضا چون ز فوتش عالمی را ساخت مغموم

بتاریخ وقوع این مصیبت «غم و سوز ابد» گردید مرقوم

این کتابها از اوست:

(۲) «صـحیفه المتّقین و منهج الیقین» به فارسـی، در تکمیل کتاب «حیوه القلوب» علّامه مجلسـی در یک مقدمه و ۱۱۸ باب.(۳)

«ترجمه بحارالانوار» مجلد هفتم و هشتم و نهم، که در سال ۱۲۹۷ق در تبریز چاپ شده است.(۴)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۰۵۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۰۵۴.

۳- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۶۴۵؛ زنـدگینامه علّامه مجلسـی، ج۲، صـص ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۳۶۳؛ الذریعه، ج۱۵، ص۲۳ و ج۴، ص۹۲ و ۸۸؛ الکواکب المنتشره، ص۲۷۸؛ فیض قدسی، ص۲۰۲؛ مرآه الاحوال جهان نما، ص۲۶۲؛ نجوم السماء، ص۱۳۰؛ کشف الحُجَب، ص۳۶۹.

۴- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۶۴۵؛ زنـدگینامه علّامه مجلسـی، ج۲، صـص ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۳۶۳؛ الذریعه، ج۱۵، ص۲۳ و ج۴، ص۹۲ و ۸۸؛ الکواکب المنتشره، ص۲۷۸؛ فیض قدسی، ص۲۰۲؛ مرآه الاحوال جهان نما، ص۲۶۲؛ نجوم السماء، ص۱۳۰؛ کشف الحُجَب، ص۳۶۹.

سیّد رضی علوی اصفهانی*

سیّد رضی علوی اصفهانی، عالم فاضل جلیل. از تولّد و وفات و اساتید او اطلاعی در دست نیست در نسخه ای از کتاب «تفصیل وسائل الشیعه» تألیف: شیخ محمّد حرّ عاملی، کاتب نسخه محمّد مؤمن بن ملّا محمّد طالقانی از صاحب عنوان چنین یاد کرده است:

«بحسب الامر امیرالسّادات العظام و نجباء الکرام حاوی الاصول و الفروع جامع المعقول و المنقول اعنی مجتهد الزّمان سیّد رضی علوی اصفهانی»

این نسخه در اواسط جمادی الاوّل ۱۰۹۱ق کتابت شده و در کتابخانه علّامه محقّق حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان وجود داشته است.(۱)

سیّد رضی لاریجانی

حاج سیّد رضی لاریجانی، عالم حکیم و فیلسوف جلیل، از اجلّه شاگردان آخوند ملّا علی نوری در اصفهان بوده و در این شهر حکمت متعالیه تدریس می فرموده [است]. به طهران منتقل شده و در آن شهر در سال ۱۲۷۰ق وفات یافته و هم در آنجا مدفون گردیده است. در اعیان الشیعه نام او سیّد رضا ذکر شده است. فرزندش سیّد محمّد شمس الادباء، از دانشمندان و شعرای طهران در آن عصر است.(۲)

[ظاهرا در اواخر قرن دوازدهم هجری در «لاریجان» مازندران متولّد شده و بعد از قتل به ناحق پدر، به همراه مادر و برادرش به اصفهان آمده و نزد ملّا علی نوری و ملّا

۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۶۳۹؛ اعیان الشیعه، ج ۳۱؛ ص ۶۴.

محمّـد اسـماعیل واحـدالعین حکمت متعالیه را فرا گرفته و حکمت مشاء را از سایر حکماء آموخت. برخی از میرزا عبـدالجواد شیرازی و میرزا رفیع شـیرازی به عنوان اساتید او نام برده اند که محلّ تردید و تشـکیک است و از این دو نفر مجهول الحال در منابع معتبر تاریخ و تراجم ذکری نشده است.

او جامع حکمت و عرفان بوده و بر فلسـفه اشـراقی و عرفان محی الدّین عربی تسلط داشته و کتب مربوط به آنها را تدریس می فرمـوده و در بین اقران در احـاطه به مبـاحث حکمی و عرفـانی ممتـاز بوده و طلاـب و علمـای اهـل ذوق و حـال درس او را بر مدرسـین هم طبقه او ترجیـح می داده انـد. از شـاگردان او می توان به حکیم آقا محمّـد رضا قمشه ای (صـهبا)، حاج ملّا هادی سبزواری، میرزا محمّـد حسن شـیرازی (میرزای بزرگ)، ملّـا محمّـد اسـماعیل درکوشـکی، میرزا محمّـد جعفر لواسانی (حکیم الهی) و غیره اشاره کرد.

لاریجـانی در سال ۱۲۶۷ق به دعوت میرزا اسـماعیل مسـتوفی گرکـانی به تهران رفت و به تـدریس ادامه داد تـا همانجا مرحوم شد.[(۱)]

میرزا سیّد رضی اصفهانی

میرزا سیّد رضی اصفهانی متخلّص به «محرم» از شعرای قرن سیزدهم هجری.

او از تُجّار معتبر و خوشـنام اصـفهان بوده ولی در تجارت ورشکسـته شـده و در کاظمین (نزدیک بغـداد) سـکونت گزیده و تا سال ۱۲۹۷ق در قید حیات بوده است. گاهی شعر می سرود.

از اوست:

۱- کیهان اندیشه: شماره ۶۲، مهر و آبان ۱۳۷۴ش، صص ۶۵-۷۳؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۴۶۲؛ جغرافیای اصفهان، ص۶۸؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریـخ ایران)، ج۱، ص۲۳۵؛ مدینه الادب، ج۲، ص۶۷۵ و ج۳، ص۸۱؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخر، صـص ۲۶۱-۲۶۳؛ منتخب معجم الحکمـاء، صـص ۹۶ و ۹۷؛ مکـارم الآثار، ج۶: ص۱۹۵۷؛ الکرام الـبرره، ج۲، ص۵۷۵؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۵؛ شرح مشاعر (لاهیجی): مقدمه؛ قصص العلماء، صص ۹۳ و ۱۲۷؛ نجوم السماء، ج۱، ص۱۱۲.

به تمنّای توام هوش برون رفته ز سر به تولّای توام عقل شده دیوانه

هاتفی دوش مرا طرفه سروشی در داد که به جز عشق همه قول و غزل افسانه(۱)

سیّد رضی مصلح لنجانی

حاج سیّد رضی لنجانی اصفهانی متخلّص به «مصلح» از فضلاء و ائمه جماعت و شعرای اصفهان [در اوایل قرن چهاردهم هجری [بوده و با مرحوم عباسعلی خرم لنبانی مشاعراتی داشته است.

رفیعای نقاش اصفهانی

رفیعای نقاش اصفهانی، شاعر و نقاش، مؤلف کتاب «اوصاف الاوباش» که به روش «اوصاف الاشراف» نگاشته است. نسخه آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[این بیت از اوست:

قماش برگ گل و آن عُذار آل یکی ست زِ هَرچه جلوه کند حُسن را قال یکی ست(۳)]

میرزا محمّد رفیع میردامادی

میرزا محمّد رفیع میردامادی فرزند میرزا محمّد رحیم کبیر بن سیّد مرتضی بن میر محمّد اشرف بن سیّد عبدالحسیب محمّد بن میر سیّد احمد علوی عاملی، عالم فاضل جلیل [در قرن سیزدهم هجری] از محدّثین، فقهاء و متکلمین عالیقدر بوده و نزد آقا

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۵۴۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص۲۱۴.

۳- تذکره روز روشن، ص۳۰۳.

محمّد باقر وحید بهبهانی و میرزا ابوالقاسم قمی تحصیل نموده است. از اصدقاء و معاشرین حاج محمّد ابراهیم کلباسی و حاج سیّد محمّد باقر حجت الاسلام و مورد وثوق و احترام عموم مردم بوده و پس از وفات در نجف اشرف مدفون شده است.(۱)

محمّد رفیع رشتی گیلانی

ملّا محمّد رفیع بن رفیع گیلانی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محقّق از علمای قرن سیزدهم هجری.

در گیلان متولّد شده و پس از تحصیل مقدّمات به اصفهان مهاجرت نموده و سالها به تکمیل فضائل و معلومات خود گذرانیده و در نجف به درس سیّد بحرالعلوم و دیگران حاضر شده است.

وی در حدود سال ۱۲۴۵ق وفات یافته است.

کتب زیر از اوست:

۱. «اصل الاصول» در شرح معالم، مفصل [که نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران و نسخه ای دیگر در نجف اشرف نزد سیّد محمّد صادق بحرالعلوم و همچنین نسخه ای در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.] ۲. «جواهر الاصول» حاشیه ای است بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح۳. «حواشی بردرّه» بحرالعلوم۴. «رساله در جمعه»۵. «کشف المدارک» مطبوع.(۲)

سیّد محمّد رفیع خاتون آبادی

سیّد محمّد رفیع بن سیّد محمّد صالح خاتون آبادی، عالم جلیل از سلسله

۱- لطائف غیبیّه: مقدمه، ص۲۴.

۲- الکرام البرره، ج۱، صص ۵۷۷ و ۵۷۸؛ الذریعه، ج۲، ص۱۶۸ و ج۶، ص۲۹ و ۲۰۶ و ج۱۲، ص۲۴۵ و ج۱۸، ص۵۹ و ج۲۵، ص۴۹؛ فهرست رضوی، ج۱۶، صص ۲۳ و ۲۴؛ فهرست مروی، ص۱۲۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۴۶ و ۶۴۷.

خاتون آبادی ها می باشد. به سن ۸۸ سالگی وفات یافته و در تکیه بابا رکن الدّین مدفون گردیده است.(۱)

[محدّث قمی در ذکر میر محمّد صالح فرزند میر اسماعیل بن میر عماد می نویسد: همانا میر محمّد صالح را از زوجه خود سیّده النّساء بنّت سیّد حسین حسینی که منتسب به گلستانه است، دو فرزند بود: سیّد عبدالواسع و سیّد محمّد رفیع. سیّد محمّد رفیع مشغول به عبادت بود. هشتاد و هشت سال عبادت کرد و در اصفهان وفات نمود و در مقبره بابا رکن الدّین مدفون گشت.(۲)]

آقا رفیع نقاش زرگر*

آقا رفیع نقاش زرگر فرزند آقا طالب، از هنرمندان و صنعتگران قرن دوازدهم هجری است. در طراحی طلا و نقره استاد بوده و در ۲۰ جمادی الثّانی ۱۲۰۳ق وفات یافته و در قبرستان مصلی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)

رفیع اصفهانی

رفیع بن محمّد علی اصفهانی]غراباغی از کاتبان فاضل قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را زیبا می نوشته و در اصفهان ساکن بوده است و بیش از ۴۰ سال به کتابت مشغول بوده است.(۴)] برخی از آثاری که به خط او در کتابخانه ها موجود است به شرح زیر است:

۱. «جواهر الکلام» تألیف: حاج شیخ محمّد حسن نجفی تاریخ کتابت: ۲۰ رمضان

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۰ و ۶۵۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳.

۲- منتهی الآمال، ج۲، ص۱۶۵.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۴- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۱۲۶۴ق، موجود به شماره ۱۲۴۴ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد(۱) [(۲) «حاشیه بر شرح ملخص» تألیف عبدالعلی بیرجندی، تاریخ کتابت: سال ۱۲۳۲ق، موجود در کتابخانه مدرسه حجتیّه قم.(۳) [(۴) «غایه المرام» تألیف: سیّد نعمت اللّه جزائری، تاریخ کتابت: پنج شنبه ۵ شوال ۱۲۴۴ و شعبان ۱۲۴۵ق، موجود بر شماره M۸۰۲در کتابخانه دانشگاه لس آنجلس آمریکا.(۵)(۶) «خزائن جواهر سلطانی» تألیف: میر محمّد حسین خاتون آبادی، تاریخ کتابت: ۱۲۵۲ق، موجود به شماره ۶۴۵۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس.(۷)(۸) «اشارات» تألیف: حاج محمّد ابراهیم کلباسی، تاریخ کتابت: جمادی الاوّل ۱۲۷۰ق».(۹)]

محمّد رفیع اصفهانی

محمّد رفیع بن فتح اللّه اصفهانی، از کاتبان زبردست و خوشنویسان هنرمند قرن یازدهم هجری است خطوط نسخ، ثلث و رقاع را خوش می نوشت و به کتابت امرار معاش می کرد.

او در سال ۱۰۹۰ق «صحیفه سجّادیه» را به خط نسخ زیبا کتابت کرده که به شماره ۸۷۸ در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۱۰)] همچنین در یکشنبه اواخر شوال سال ۱۰۸۱ق نسخه ای از قرآن کریم به خط نسخ خوش را کتابت کرده که در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۱۴۹۲ نگهداری می شود.(۱۱)]

حاج میرزا رفیع طباطبایی نایینی اردستانی

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۳۷۸.

۲- فهرتس حجتیه، ص۵۳.

۳- فهرتس حجتیّه، ص۵۳.

۴- نسخه های خطی، ج۱۱ و ۱۲، ص۲۹۷.

۵- نسخه های خطی، ج۱۱ و ۱۲، ص۲۹۷.

۶- فهرست الفبایی رضوی، ص۲۳۴.

۷- فهرست الفبایی رضوی، ص۲۳۴.

۸- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۳.

۹- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۳.

۱۰- فهرست کتابخانه ملّی، ج۸، ص۳۸۸.

۱۱- فهرست احیاء، ج۸، ص۳۸۸.

حاج میرزا محمّد رفیع بن میر محمّد طباطبایی اردستانی بن میر محمّد حسین بن رفیع الدّین محمّد بن محمّد مهدی بن ابوالحسن محمّد بن رفیع الدّین محمّد (میرزا رفیعا) نایینی اصفهانی.

از علمای اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] بوده و نزد بزرگان اهل علم تلمّذ نموده، مدّتی به هندوستان مهاجرت نموده، و در آنجا زنی از امرای سِند اختیار نموده، و از آن مخدّره اولادی نداشت. لکن از عیال دیگرش شش فرزند پسر یافته که دو نفر از آنان از اطباء زمان و بدین علم شهرت داشته اند.

مشارالیه مورد توجّه و عنایت سیّد محمّد باقر حجه الاسلام بوده و پس از معاودت از سفر هند، از طرف ایشان متصدی موقوفات میر جمله اردستانی گردیده و بدین مناسبت از اصفهان به زواره مهاجرت نموده و آنجا سکونت فرموده است.(۱) به ظنّ قوی مشارالیه از شاگردان سیّد حجه الاسلام بوده است.

آقا محمّد رفیع خوانساری*

آقا محمّد رفیع بن آقا جمال الدّین محمّد بن آقا حسین خوانساری، عالم فاضل جلیل. مرجع احکام و ارقام و اقاریر. علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی می نویسد: صورت سجّلات مبسوط به خط او و پدرش را در بعضی ارقام اوقاف دیده ام و امضاء او عبارت «ابن جمال الدّیّن محمّد الخوانساری محمّد رفیع الشّریف» است.(۲)

محمّد رفیع*

محمّد رفیع فرزند منشی الممالك، شاعر، ادیب خوشنویس و منشی در قرن یازدهم و دوازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته و در انشاء

۱- آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۸۸ و ج۲، ص۲۹۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۳۲۰.

۲- الکواکب المنتشره، ص۲۸۲.

و گفتن شعر فارسی و ترکی مهارت به سزایی داشته است.(۱)

ظاهرا منظور از منشی الممالک میرزا عبدالحسین نصیری طوسی اردوبادی است.

ملّا محمّد رفیع گیلانی*

ملّا محمّد رفیع بن ملّا محمّد مؤمن جیلی (گیلانی)، عالم فاضل، محدّث عالیقدر، محقّق مدقّق و ادیب اریب، از دانشمندان قرن یازدهم هجری.

وی نزد ملّا محمّد تقی مجلسی در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و پس از آن نزد علّامه مجلسی به تلمّذ پرداخته و حضرت علّامه در سال ۱۰۸۷ق جهت او اجازه نوشته است. او همچنین از شیخ محمّد حرّ عاملی در اواخر محرّم الحرام ۱۰۸۸ق اجازه گرفته است.

برخی از تراجم نویسان به اشتباه تألیفات و اجازات او را به یکی از دانشمندان قرن دوازدهم هجری: محمّد رفیع بن فرخ گیلانی متوفی ۱۱۶۰ق نسبت داده اند.

این کتابها از ملّا محمّد رفیع بن محمّد مؤمن گیلانی است:

۱. «شواهد الاسلام» در شرح اصول کافی ۲. «اجتهاد و تقلید» ۳. «نان و پنیر» که نسخه ای از آن در کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف موجود است و محمّد علی بن یحیی در سال ۱۱۰۷ق در اصفهان آنرا کتابت کرده است.(۲)

رفیع الدّین جابری

رفیع الدّین بن مهدی جابری، از اعیان و افاضل اصفهان بوده و در عهد صفوی منصب مستوفی الممالک ایران را به عهده داشته است.(۳)

[او کتاب «دستور الملوک» را در باب نظام اداری و سیاسی دولت صفویه تألیف کرده که اولین بار مرحوم استاد محمّد تقی دانش پژوه در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۳۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۱، صص ۲۶۷-۲۶۹ و ۲۷۱؛ الکواکب المنتشره، ص۲۸۲؛ الذریعه، ج۲۴، ص۳۰.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

تهران به چاپ رسانده است.(۱)]

ملّا محمّد رفیع گیلانی

مولی محمّـد رفیع بیـدآبادی، عالم فاضل [از علمای اصـفهان در قرن دوازدهم هجری]. شـیخ عبدالنّبی قزوینی در کتاب «تتمیم امل الآمل» درباره او می نویسد:

«کان فاضلاً محقّقا و عالما مدققّا و زاهدا متقّیا و صالحا تقیّا و بالجمله کان من اهل الفوز و الفلاح و العباده و الصّلاح»

قبرش در گوشه شـمال شـرقی بقعه، سنگ او شکسته و نیمی از آن از بین رفته و تاریخ فوت نیز به همین علّت نامعلوم است. او پدر حکیم و فیلسوف عالیقدر آقا محمّد بیدآبادی است.(۲)

محمّد رفیع پیرزاده

محمّد رفیع زاهدی معروف به «پیرزاده» از حکماء و دانشمندان نیمه دوم قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و از خواصّ اصحاب و شاگردان حکیم ملّا رجبعلی تبریزی است.

او به دستور استادش تقریرات و مطالب درسی او را گردآوری و مدوّن نموده و آن را «المعارف الالهیّه» نامید. نسخه ای از این کتـاب که در سال ۱۳۹۱ق، از روی نسـخه ای قـدیمی به خط محمّـد خلیل بن محمّـد حسـین رازی، در غرّه رجب ۱۱۲۵ق در دارالسـلطنه اصـفهان کتابت شده بود در کتابخانه آقای سیّد کاظم مدرسی یزدی در قم موجود است، قسـمتی از این کتاب به تصحیح مرحوم استاد سیّد جلال الدّین آشتیانی در کتاب «منتخبات آثار حکمای الهی ایران» به چاپ رسیده است.

۱- مجلّه بخارا، شماره ۳۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، ص ۸۰.

۲- تتمیم امل الآمل، ص۱۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۵ و ۱۹۶؛ الکواکب المنتشره، ص۲۸۳.

ظاهرا پیرزاده تا سال ۱۰۸۰ق (سال وفات ملّا رجبعلی تبریزی) زنده بوده و بعد از آن وفات یافته است.(۱)

میرزا رفیع قزوینی

میرزا رفیع قزوینی [خطاط نستعلیق نویس] در سال ۱۲۴۴ق دیوان مشتاق علی شاه را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته [است] کتاب به شماره ۲۴۸۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

میر رمزی اصفهانی*

میر رمزی اصفهانی، از شعراء و سخنوران قرن دهم هجری در اصفهان ساکن بود. در جوانی به عیش و نوش و لَهو و لَعِب مشغول بود. امّا موفّق به توبه شده و اوقات خود را صرف عبادت نمود. در رمل مهارت به سزایی داشت. وی در اواخر عمر به قزوین رفته به مدح شاه طهماسب صفوی پرداخت و صله های ارجمند گرفت و در بازگشت به اصفهان در سال ۹۷۸ق در حوالی قم وفات یافت.

از اوست:

رُخَش زِ سبزه تَر بر سمن نقاب کشید ز مُشک تَر خط نسخی بر آفتاب کشید(۳)

رمضان شیرنشان*

رمضان شیرنشان اصفهانی فرزند ابراهیم، از روزنامه نگاران معاصر در سال ۱۳۰۵ش در اصفهان متولّد شد. او در سال ۱۳۳۱ش نشریه «شیرنشان» را با رویه انتشار هفتگی

۱- دو رساله فلسفی (عین الحکمه و تعلیقات): مقدمه؛ فهرست عکسی احیاء، ج۵، ص۱۵۵.

۲- فهرست مجلس، ج۸، ص۱۸۴.

۳- تذکره خلاصه الاشعار: بخش اصفهان، صص ۴۱۱-۴۱۴؛ تذکره روز روشن، صص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ الذریعه، ج۹، ص۳۸۴؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۷۶.

تأسیس کرد.

از این نشریه از شماره ۱ تا ۹۷ در کتابخانه ملّی ایران نگهداری می شود.(۱)

او سرانجام در ۱۱ اسفند ۱۳۷۹ش درگذشت و در قطعه ۳۵ گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۲)

رمضان صابر اصفهانی

[حاج مرشد] رمضان سیچانی متخلّص به «صابر» فرزند حسن [از شعرای معاصر اصفهان] در روز نوزدهم رمضان المبارک سال ۱۳۲۵ق در اصفهان متولّد گردید. زمانی در مدارس قدیم ساکن بوده و به تحصیل علوم اشتغال داشت. [سپس] به بازرگانی پرداخت.(۳)

[در شعر طبعی روان داشت و در مادّه تاریخ سرایی صاحب مهارت و ذوق بود. اغلب اشعارش غزل و قصیده و اغلب در مدح و مرثیه حضرات معصومین علیهم السلام است. او در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن شیدا شرکت می کرد. دیوان اشعار او در سال ۱۳۶۷ش به چاپ رسیده است.

او سرانجام در ۶ مهر ۱۳۶۶ش وفات یافته و در قطعه ۳ باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۴)

سیّد مرتضی محمّدی نژاد (کهتر اصفهانی) مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

«کهتر» به شمسی گفت سال فوتش «صابر به دیدار علی از جان رفت»(۵)

این شعر از صابر اصفهانی است:

کشیده عشق چو مجنون مرا به دشت جنون جز این نبوده ز سودای عشق حاصل من

۱- فهرست روزنامه ها و مجلات اصفهان، ص۱۱۹.

۲- سایت اینترنتی یادبود.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۸.

۴- دیوان صابر اصفهانی، صص ۲۰۵-۲۰۷.

۵- دیوان کهتر اصفهانی، ص۴۴۲.

ز درس عقل نچیدم گلی ز باغ مراد حدیث عشق تو بنمود حلّ مسائل من[(۱)]

رمضان نجف آبادی

رمضـان بن حسن نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۶۴ق کتاب «شـرح کبیر» را تا آخر وصیّت، به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۵۷۴ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران موجود است.(۲)

رمضان هشیار

رمضـان تولیّت متخلّص به «هشیار» فرزنـد محمود، از شـعرای معاصـر اصـفهان. در سـال ۱۳۱۱ش در اصـفهان متولّـد گردیده، اندکی تحصیل کرده و از سال ۱۳۳۰ش لب به گفتن اشعار گشوده و در انجمن ادبی پروانه شرکت می کرد.

از اوست:

بند نقاب از رخ، دلدار باز کرده شرمنده مهر و مه را، آن دلنواز کرده

تا او گره ز زلف پر پیچ و خم گشوده بر ما شب جدایی، آن مه دراز کرده(۳)

رمضان طلاکوب

اسـتاد رمضـان طلاـکوب، از هنرمنـدان عصـر قاجـاریه است در هنر طلاـکوبی از اساتیـد بزرگ اصـفهان بوده است. از آثار او ضریح فولادی نفیس آرامگاه سیّد محمّد باقر حجه الاسلام در مسجد سیّد اصفهان است که در سال ۱۳۲۲ق به اتمام رسیده و وی

۱- گلهای زاینده رود، ج۲، ص۳۷.

۲- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۴۷۲.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۳۳.

چنین رقم زده است:«عمل استاد رمضان طلاکوب اصفهانی».(۱)

رمضانعلی سدهی لنجانی*

رمضانعلی بن مشهدی تقی سدهی لنجانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او از مجموعه ای از چند رساله (از جمله رساله «اصول دین» تألیف: میرزا ابوالقاسم قمی در سال ۱۲۶۷ق و «عقود و ایقاعات» تألیف: حاج محمّد جعفر آباده ای) را به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه مدرسه صدر خواجو در اصفهان نگهداری می شود.(۲)

رمضانعلی اصفهانی*

رمضانعلی بن حاج علی بن ملّا ابراهیم اصفهانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او در اوّل شعبان ۱۲۹۹ق از کتابت «الدرّه الثمینه» تألیف: علی اکبر حسنی حسینی لغوی یزدی به خط نسخ فراغت یافته است. نسخه حاضر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

رمضانعلی رارانی اصفهانی

رمضانعلی بن محمّد علی رارانی [جی اصفهانی، از کاتبان و خوشنویسان قرن یازدهم هجری، از اهالی قریه «راران» یا «رهروان» جی (که اکنون به شهر اصفهان پیوسته است) احتمالاً از شاگردان ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری است.

او این کتابها را به دست خود کتابت کرده است]:

۱. «ذخیره المعاد» تألیف ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری (از زکوه تا صوم) در سال ۱۰۵۸ق، موجود به شماره ۶۸۷ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم.(۴) ۲. «حاشیه الروضه

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۷۸۸.

۲- فهرست صدر خواجو، ص۷۶.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۱۴.

۴- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۸۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۴.

البهیه» تألیف: محمّد بن قاسم اصفهانی معروف به دیلماج، در سال ۱۰۸۴ق موجود به شماره ۶۸۹ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم.(۱) [۳. «فروع کافی» تألیف: شیخ کلینی، در سال ۱۰۸۰ موجود به شماره ۸۴۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.(۲)]

شیخ رمضانعلی املائی خوزانی*

حاج شیخ رمضانعلی املائی فرزند ملّا غلامحسین، عالم فاضل و فقیه معاصر. در سال ۱۳۳۳ق در سِدِه ماربین (خمینی شهر) متولّد شد. مقدمات را در زادگاه خود نزد سیّد مصطفی ابطحی آغاز کرد. سپس به اصفهان رفته و نزد علمای عالیقدر حوزه علمیه اصفهان شیخ اسماعیل معزی، سیّد محمّد باقر ابطحی، شیخ محمّد باقر قزوینی، سیّد محمّد باقر درچه ای، ملّا محمّد جواد فریدنی، حاج آقا رحیم ارباب، سیّد عباس صفی دهکردی، میرزا علی آقا شیرازی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ محمّد علی عالم حبیب آبادی، سیّد مهدی حجازی فروشانی ادامه تحصیل داد. سپس به قم رفته و در درس خارج آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی، حاج آقا حسین بروجردی و سیّد محمّد تقی خوانساری حاضر شد و به اجتهاد نائل آمد.

او سالها در مدرسه جده بزرگ اصفهان به تدریس فقه و اصول مشغول بود و در کنار آن به اقامه جماعت در مسجد قائمیه خمینی شهر و حلّ مشکلات شرعی مردم و ترویج دین پرداخت.

او عالمی متواضع و فقیهی متبحّر بود و عمر خود را با نیکنامی و رعایت تقوا سپری نمود تا اینکه سرانجام در روز جمعه ۲۰ محرم ۱۴۲۸ق برابر با ۲۰ بهمن ۱۳۸۵ش وفات یافت و در امامزاده سیّد محمّد خمینی شهر مدفون شد.

فرزند برومندش شیخ محمّد حسین املائی، عالمی شایسته و انقلابی و مبارز بود که

۱- فهرست فیضیه (استادی)، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص ۶۳۸.

بر اثر سانحه رانندگی وفات یافت.(۱)

روح تمیمی اصفهانی*

ابوعلی روح بن احمد بن عبدالرّحمان بن روح بن حکم تمیمی اصفهانی نیشابوری. از محدّثین ادیب و موثق عامّه در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است.

در نیشابور سکونت داشته و از اَبی عمرو بن حمدان و دیگران حدیث شنیده است. او در جمادی الاولی سال ۴۱۷ق فوت نموده است.(۲)

روح رارانی اصفهانی

ابوطاهر روح بن بدر بن ثابت بن روح بن محمّد بن ابوالقاسم بن عبّاس بن جعفر صوفی رارانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری است. در اصفهان و بغداد حدیث گفته است: از ابوعلی حدّاد استماع حدیث نموده و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.

او در سال ۵۳۲ق وفات نموده است.(۳)

[کنیه اش در اغلب منابع «ابوالرّجاء» آمده و «ابوطاهر» کنیه محدّث دیگری به نام «روح بن محمّد رارانی متوفی ۴۹۱ق است، صاحب عنوان از بیت علم و حدیث بوده و اجداد و اعقابش از محدّثین معروف و از فقهاء صاحب نفوذ در اصفهان بوده اند. «راران» از قریه های بلوک جی اصفهان بوده و اکنون از محلّه های شرق اصفهان است.(۴)]

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با مرحوم شیخ رمضانعلی املائی در ۲۸ خرداد ۱۳۷۰ش؛ مجلّه حوزه، شماره ۸۸، مهر و آبان ۱۳۷۷، صص ۲۵-۴۰.

۲- المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، ص۷۵.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۸۲ و ج۲، ص۳۰۰.

۴- معجم البلدان، ج۳، ص۱۲؛ تاج العروس، ج۳، ص۲۳۰؛ قاموس المحیط، ج۳، ص۳۷؛ المشتبه، ج۱، ص۲۹۶.

روح اصفهانی

روح بن حاتم اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری است [از حسین بن فرج بغدادی روایت کرده و ابوحامد اشعری از او حدیث نقل نموده است.(۱)

روح جَبّری اصفهانی

ابولعلی روح بن عصام بن یزید بن عجلان جَبّری از محدّثین عامه اصفهان است. او از هیثم بن بشیر هیثم بن عدی، زافر بن سلیمان، عَبّاد بن عَبّاد، ابی اَحوص، ابن عُلیّه، شریک و پدرش عصام حدیث نقل کرده و محمّد بن اسحاق بن منده، احمد بن حسین انصاری و دیگران از او روایت می نمایند.(۲)

روح رارانی اصفهانی*

ابوطاهر روح بن محمّد بن عبدالواحد بن عباس بن حسن بن جعفر صوفی رارانی اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری. او از «اباالحسن علی بن احمد جرجانی» و «ابابکر محمّد بن احمد بن عبدالرّحمان معدّل» حدیث شنیده و در سال ۴۹۱ق وفات یافته است.

«ابوالقاسم هبه اللّه بن عبدالوارث شیرازی» و دیگران از او حدیث شنیده اند.(۳)

روح رازی*

ابو زرعه روح بن محمّد رازی، از محدّثین شافعی در اوایل قرن پنجم هجری. متصدی امر قضاوت در اصفهان بوده(۴) و در سال ۴۲۳ق [در کَرَج ابودلف در استان مرکزی فعلی] وفات نموده است. او فقیهی دیندار بوده و از احمد بن حسن رازی، حفص،

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۱۴؛ اللباب، ج ۱، ص ۲۵۶.

۳- معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۲؛ اللباب، ج ۲، صص ۵ و ۶.

۴- هدیه العارفین، ج ۱، ص ۳۷۱.

و ابن فارسی لغوی و دیگران روایت می کند.] وی مجموعه ای به نام «جم الفواعد» را تألیف نموده است.(۱)

روح الامین قمشه ای

روح الامین قمشه ای فرزند محمّد حسین بن محمّد علی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. وی در سال ۱۰۷۰ق مالک نسخه ای از «استبصار» بوده و شیخ راشد بن علی بن راشد بحرانی، بر روی برگی از این کتاب در یادداشتی از او چنین یاد کرده است:

«الاخ العزیز الرّکن القوی الحزیز الاسعد الامجد و الاکرم الافهم صاحب الافعال المجیده و الخصال الحمیده مولانا و مقتدانا حاوی محاسن الجود و الکرم الموصوف با حسن الشّیم»(۲)

سیّد روح الامین مختاری نایینی

سیّد روح الامین بن شمس الدّین محمّد بن سیّد محمّد رضا مختاری نایینی اصفهانی، عالم فاضل کامل [از دانشمندان قرن یازدهم هجری [وی از ائمه مسجد جامع جدید عباسی [مسجد شاه، مسجد امام فعلی] بوده و معاصر میرزا عبداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» است.(۳)

او در روز ۶ شعبان ۱۱۰۲ق وفات یافت.(۴)

این تألیفات از اوست:

۱. «تأویل الآیات» [که نسخه ای از آن به خط شاگردش نجفقلی بن عبداللّطیف و مورّخ به سال ۱۰۹۱ق در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۵)

۱- طبقات الشّافعیّه (اسنوی)، ج۱، ص۵۸۱.

۲- تراجم الرجال، (چاپ ۱۴۲۲ق)، ج۱، ص۳۶۴.

۳- ریاض العلماء، ج۲، صص ۳۱۷ و ۳۱۸.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۳؛ اعیان الشیعه، ج۳۳، ص۴۱.

۵- الذریعه، ج۳، ص۳۰۲ و ۳۰۳.

(۱) «هدایه الامّه فی معرفه الائمه» در اعتقادات، به فارسی که در یک مقدّمه، ۵ مطلب و یک خاتمه در ۵ رجب ۱۰۹۹ق تألیف کرده و نسخه ای از آن به خط قاسم بن فتاح خراسانی که در ۲۰ ربیع الثّانی ۱۲۳۱ در «دارالحصار» از توابع همدان کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۹۱۹۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

خاندان سادات حسینی مختاری سبزواری عبیدلی از خاندان های علمی شیعه هستند که در قرن یازدهم و دوازدهم هجری در اصفهان و نایین ساکن بوده اند و دانشمندان بسیاری از جمله سیّد مرتضی سیّد احمد (فرزندان صاحب عنوان) و زین العابدین (نواده صاحب عنوان) و بهاءالدّین محمّد مختار نایینی از این خاندان برخاسته اند.(۳)]

استاد روح اللّه مینابیان*

استاد روح اللّه مینابیان فرزند استاد اکبر، از هنرمندان طراح نقشه فرش و کاشی اصفهان در عصر حاضر است. در سال ۱۳۱۴ش در محلّه پاقلعه اصفهان متولّد شد. پدرش در زمینه نقاشی شاگرد استاد صانعی کاشانی و در زمینه طراحی نقشه فرش شاگرد استاد ارچنگ بود. خود او نزد پدر به طراحی پرداخت و سپس نزد استاد ارچنگ حاضر شد و به فراگیری این هنر مشغول شد. مدّتی هم نزد استاد شاکرین به کار ادامه داد تا اینکه استادی ماهر شد و مستقلاً به فعالیّت پرداخت. او در طراحی نقوش زیبای هنری برای فرش، کاشی و گچبری مهارت به سزایی دارد و شاگردانی نیز تربیت کرده است. دو برادرش حسین و قدرت نیز در این هنر به فعالیّت مشغول بوده اند.(۴)

سیّد روح اللّه کشفی*

۱- الکواکب المنتشره، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۳۰۵.

۳- الکواکب المنتشره، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۴- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد روح اللّه مینابیان در روز یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۷۵ش.

سیّد روح اللّه بن سیّد محمود بن سیّد مصفی بن سیّد جعفر کشفی دارابی، از شعرای معاصر اصفهان. در روز عاشورا (۱۰ محرم) ۱۳۱۷ق در اصفهان متولّد شد. نسب او به جناب «محمّد العابد» فرزند امام موسی کاظم علیه السلام می رسد. مادرش صبیّه عالم ربّانی سیّد سینا کشفی است.

تحصیلات ابتدایی را در مدرسه دیانت طی نموده و سپس در حوزه علمیه اصفهان نزد شیخ علی مدرس یزدی، میرزا احمد اصفهانی، ملّا عبدالجواد آدینه ای تحصیل کرد و آنگاه قسمتی از دروس خارج را نزد آخوند ملّا عبدالکریم گزی طی نمود. در سال ۱۳۰۴ش به استخدام وزارت معارف و اوقاف و امور مستظرفه درآمده و در اصطهبان فارس به تدریس پرداخت. مدتی در لار و اصطهبان به مشاغل اداری مشغول بود. پس از آن به خدمت اداره اوقاف اصفهان در آمده و به ریاست اداره اوقاف نجف آباد منصوب شد و سرانجام در ۲۹ اسفند ۱۳۴۱ش بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان وفات یافته و نزدیک قبر میر فندرسکی در تکیه میر واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. او شاعری توانا و خوش قریحه بود و «کشفی» تخلّص می کرد.

این کتابها و آثار از او به جای مانده است:

۱. «تلخیص الاغانی»۲. «برگزیده مطالب نغز» (مطالب اشعار فارسی و عربی)۳. «تحفه کشفی» (مجموعه اشعار) که به همت فرزندش دکتر سیّد محمود کشفی در سال ۱۳۵۸ش به چاپ رسیده است.(۱)

از اوست:

چه شود گر بنهی پای به ویرانه من کنی از نور رُخَت جلوه به کاشانه من

سنبل آشفته به نسرین که نمودی برگو بازخواهی چه کنی با دل دیوانه من

۱- تحفه کشفی: مقدمه، صص ۳-۸.

روح اللّه فراهانی*

خواجه روح اللّه بن نوراللّه فرهانی، از نیکوکاران و خَیّرین قرن یازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و در سال ۱۰۳۳ق به همت او مسجد باغ حاجی در اصفهان بنا شده است.(۱)

روح اللّه قهپائی

روح اللّه بن هدایت اللّه قهپائی [از فضلاء قرن یازدهم هجری، از اهالی قهپایه (کوهپایه) اصفهان] در سال ۱۰۱۸ق از کتابت نسخه ای از «رجال ابن داود» فراغت حاصل نموده است و نسخه در کتابخانه فاضلیه مشهد بوده است.(۲)

همچنین او در چهارشنبه سوّم ذیحجه سال ۱۰۳۸ق نسخه ای از «مسالك» شهید ثانی (از وقف تا طلاق) را به خط نستعلیق نوشته و به شماره ۶۷۳ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۳)

دکتر روح اللّه سازش

دکتر روح اللّه سازش، رئیس بهداری آموزشگاههای اصفهان در سال ۱۲۸۵ش در اردکان یزد متولّد گردید. تحصیلات خویش را تا دکترای پزشکی در اردکان و طهران انجام داده و در سال ۱۳۱۱ش فارغ التحصیل شد. مدّت ها در طهران ساکن و به طبابت مشغول بود. سپس به اصفهان منتقل و به ریاست بهداری آموزشگاهها که خود مؤسس و بنیان گذار آن بود، منصوب و تا سال ۱۳۴۹ش با کمال سعی و کوشش و صداقت در این مؤسسه انجام وظیفه نموده و در این سال بازنشسته شد. سرانجام در شب هفتم دی ماه ۱۳۷۱شمسی (مطابق با یکشنبه ۲۲ جمادی الثّانی سال ۱۴۱۰ق) پس از یک بیماری در اصفهان وفات یافته و در گورستان باغ رضوان مدفون شد.(۴)

۱- آثار ایران، ج۱، ص۳۰۱.

۲- فهرست فاضلیّه، ص۱۷۱.

۳- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۲۴۵.

۴- مزارات اصفهان، ص۱۲۸.

سیّد روح اللّه فندرسکی

سیّد روح اللّه فندرسکی، از علماء اصفهان و از اعقاب میر ابوالقاسم فندرسکی است. او پس از وفات جنب مزار جدّ خویش در تکیه میر واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

روزبهان اصفهانی*

امیر روزبهان بن عمادالدّین محمود بن امیر روزبهان صبری اصفهانی، شاعر ادیب و فاضل در قرن یازدهم هجری. از اصفهان به هند آمده و مدّتی در «آگره» بود. سپس در سال ۱۰۲۳ق به اصفهان بازگشت.(۲)

میرزا روزبهان اصفهانی*

میرزا روزبهان اصفهانی، از دانشوران و سیاستمداران قرن یازدهم هجری است. او مردی لایق و باکیاست بوده و در دکن هندوستان ساکن بوده و در دربار سلطان عبداللّه قطبشاه اعتبار فراوان داشته است. او در سال ۱۰۴۱ق پس از عزل میرزا حمزه از منصب سرخیلی، به جای او این منصب را برعهده گرفت.(۳)

روزبهان صبری اصفهانی

مولانا روزبهان اصفهانی متخلّص به « صبری» و معروف به «میر صبری» از شعراء و ادبای مشهور قرن دهم هجری.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۲۱۰.

۲- کاروان هند، ج۱، ص۴۸۲.

۳- حدیقه السّلاطین، ص۹۶.

اصل او از اصـفهان است و نسـبش به قاضـی روزبهان می رسد. ابتدا «فارس» تخلّص می کرد و کمی بعد آنرا به «صبری» تغییر داد. در فنون و شـعر و ادب استاد بود و انواع شعر خصوصا غزل را نیکو می سرود. در علوم دینی نیز تحصیلاتی کرده بود و در علم ادوار و موسیقی و نرد و شطرنج ماهر بود.

او از اصفهان به قزوین (پایتخت دولت صفویه در زمان شاه طهماسب) رفته و به ملاقات و معاشرت و مصاحبت با علماء، شعراء و فضـلاء می پرداخت. در سال ۹۷۷ق به اصـفهان مراجعت کرد. سـال وفات او معلوم نیست. ظاهرا قبل از سال ۱۰۰۰ق از دنیا رفته است.

از اوست:

رحمت بر آن کسی که دلش مایل تو نیست پروانه وار سوخته محفل تو نیست

اظهار دوستیّ زبانی کجا شده است ای سنگدل مترس کسی در دل تو نیست

یا رب دل شکسته من از کجا شنید بوی محبّتی که در آب و گل تو نیست

این بس جزای کشتن «صبری» که روز حشر حسرت نمی کشد که چو او بسمل تو نیست(۱)

روشن رامی*

۱- خلاصه الاشـعار (بخش اصفهان»، صص ۱۸۷-۱۹۲؛ تذکره آتشـکده: بخش سوم از نیمه نخست، صص ۹۵۴-۹۵۶؛ محافل المؤمنین، ص۱۸۱؛ خلد برین، ص۴۸۱؛ تذکره غنی، ص۷۹؛ تذکره حسینی، ص۱۸۶؛ تذکره روز روشن، ص۴۷۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۶۰؛ الذریعه، ج۹، ص۵۹۳؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۱۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صبری»، ص۱۳۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۰۹؛ تذکره شمع انجمن، ص۴۰۷.

روشن رامی فرزند بهرام، از شاعران نوپرداز معاصر اصفهان. در ۷ اسفند ۱۳۱۵ش در اهواز متولّد شد تحصیلات ابتدایی را در اندیمشک و متوسطه را در اهواز طی کرد. سپس به اصفهان آمد و در تربیت معلم درس خواند و از سال ۱۳۴۰ش به تدریس پرداخت.

در نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و در سال ۱۳۳۸ش اوّلین شعرش در مجلّه «امید ایران» چاپ شد. در اصفهان مدّتی در انجمن کمال حاضر می شد امّا کمی بعد با دوستان نویسنده و شاعر جوان خود انجمن صائب را تأسیس کردند، در آن انجمن حاضر می شد. او بعدها به شعر نو روی آورد و مجموعه اشعارش را در کتابهای «ایستگاه های اندوه» و «طعم آفتاب» به چاپ سپرد.(۱)

روشن رامی در ۷ فروردین ۱۳۸۵ش درگذشت و در قطعه ۲۵ باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

سیّد ریحان الدّین مهدوی

سیّد ریحان الدّین محمّد حسن مهدوی فرزند آقا سیّد شهاب الدّین نحوی موسوی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، در دهه سوم ذی القعده سال ۱۳۱۳ق در اصفهان، از دختر علّامه فقیه مجتهد آخوند ملّا محمّد حسین کرمانی متولّد گردید. پس از گذراندن ایام صباوت در ظل توجّهات پدر دانشمند خود، شروع به فراگرفتن علوم نموده، مقدّمات علوم را از نزد عدّه ای از علماء و فضلاء از آن جمله مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم زفره ای (حاج آخوند) فراگرفت. سپس سطوح متوسطه فقه و اصول را نزد حاج میرزا ابوالحسن بروجردی و آقا میرزا احمد مدرس و آخوند ملّا عبدالکریم گزی آموخت بعدا چند سال به درس خارج فقه و اصول آقا شیخ محمّد رضا نجفی حاضر گردید و از ایشان به اخذ دو اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر شد. همچنین نزد حاج آقا جمال الدّین نجفی، آخوند ملّا

۱- فصلنامه مهراوه، سال اوّل، زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۷۳-۱۸۷.

محمّد حسین فشارکی، آقا سیّد مهدی درچه ای و سیّد محمّد مدرس درچه ای تحصیل کرده و از مرحوم مدرس نجف آبادی اجازه دریافت نموده است.

از آثار او رساله ای است درباره «وجوب جواب نامه همچون جواب سلام» که به دستور استادش آخوند گزی نوشته و مورد تحسین استاد واقع شده است.

سیّد ریحان الدّین مهدوی در ظهر روز یکشنبه ۲۹ ذی القعده سال ۱۳۹۹ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی (مهدوی) در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.

صاحب عنوان برادر بزرگ نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی] است و حقوق بسیاری بر ذمّه این جانب ثابت دارد (رحمه اللّه علیه).(۱)

مادّه تاریخ وفات او را شاعر توانا آقای میراز فضل اللّه خان اعتمادی (برنا) چنین سروده است:

کِلکِ «بُرنا» از پی تاریخ فوت او نوشت: «شد گل گلزار فردوس جنان ریحان دین»

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۱۸ و ۳۱۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۳۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۷.

ص: ۲۱۲

اعلام اصفهان

«ز»

اشاره

زادویه اصفهانی

زادویه بن شاهویه اصفهانی، از ادباء و دانشمندان آشنا به زبان های عربی و پهلوی بوده و ظاهرا در قرن دوم یا سوم هجری می زیسته است. او کتاب «خدای نامه» را از زبان پهلوی به زبان عربی برگردانده است.(۱) [«ابن ندیم» در «فهرست» خود از او یاد کرده است. «حمزه اصفهانی» در تألیف کتاب «سنی ملوک الارض و الانبیاء» از «خدای نامه» ترجمه زادویه اصفهانی بهره گرفته است.(۲)]

زاوِن قوکاسیان*

زاون قوکاسیان، از هنرمندان رشته سینما در سال ۱۳۲۹ش در اصفهان به دنیا آمد. او فارغ التحصیل شیمی از دانشگاه اصفهان است. فعّالیّت سینمائی را از زمان دانشجوئی و فیلم سازی را از سال ۱۳۵۰ش در سینمای آزاد آغاز کرد. فیلم های «در فلق» و «فصلی دیگر» از او در جشنواره سینمای آزاد و فیلم «عروس کهنه» او در جشنواره هیروشیمای ژاپن در سال ۱۳۵۲ش جوایزی کسب کرده است.

او از سال ۱۳۶۰ش با تلویزیون ایران همکاری داشته و فیلم های «میلاد مسیح» و «عیسی آموزگار است» را برای شبکه اوّل تلویزیون ساخته است.

او در زمینه نقد و بررسی تئاتر و سینما نیز فعالیّت دارد و تاکنون ده ها مقاله و دو کتاب «درباره چشمه» و «نقد و معرفی آثار مسعو کیمیایی» را به رشته تحریر درآورده است.(۳)

شیخ زاهد ثانی گیلانی

شیخ زاهد ثانی گیلانی اصفهانی، عالم عارف و ادیب شاعر، از اعقاب شیخ زاهد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۳ و ۶۵۴؛ الذریعه، ج۸، ص۲۹.

۲- الفهرست، (ترجمه فارسی)، ص۴۴۶؛ ایران در زمان ساسانیان، ص۹۹.

۳- دانشنامه ایرانیان ارمنی، ص۴۱۵.

گیلانی عارف مشهور است. از شاگردان آخوند ملّا علی نوری بوده، پس از تحصیل علوم ظاهر خدمت حسین علی شاه رسیده و در سال ۱۲۲۲ق در سفر حج در کاظمین وفات یافته [است].

از اوست:

عمری به درِ مدرسه ها بنشستیم با اهل ریا و کبر و کین پیوستیم

از یک نظر عاشق رندی آخر هم از خود و هم از غیر خود وارستیم(۱)

زاهر ثقفی اصفهانی

ابوالمجد زاهر بن احمد بن حامد ثقفی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن هفتم هجری است. وی در سال ۶۰۷ق متولّد شده و مَقدسی در اصفهان از او اخذ حدیث نموده است.(۲)

زاهر مغازلی

ابونصر زاهر بن محمّد بن ابوالقاسم مغازلی واعظ اصفهانی، از محدّثین و خطبای عامّه اصفهان در قرن ششم هجری. در اصفهان و رُستاق های آن به وعظ خطابه مشغول بود و چون اشعری مذهب بود، مردم اصفهان به او اعتقاد نداشته اند. او از ابوعلی حدّاد و ابوالقاسم ثقفی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او حدیث استماع کرده است.

اوائل محرّم سال ۵۳۷ق فوت شده است.(۳)

۱- طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۳۳؛ ریاض العارفین، (چ۱۳۰۵ش)، ص۲۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۹؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۷۵۰؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۳۳۶؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۵۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۵۶.

۲- جعفر بن ابیطالب، ص۲۳.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۸۷.

زبیر جرقوهی

ابومحمّـد زبیر بن محمّـد بن احمد جرقوهی، از محدّثین عامّه در اوایل قرن شـشم هجری است. [اصـلاً از اهالی جرقوه بوده که اکنون به جرقویه معروف است] در مدینه (شهرسـتان) اصـفهان ساکن بوده و به عمل صالح معروف بوده و عمری طولانی یافته است. او از ابوعلی حدّاد، ابوالمحاسن عبدالواحد بن اسماعیل رویانی، ابوالقاسم غانم بن محمّد برجی و احمد بن فضل خواص حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی و ابوالقاسم دمشقی از او روایت می کنند.(۱)

زجری اصفهانی*

زجری اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن دهم هجری است.(۲)

زراره اصفهانی

ابومضـر زراره بن فاخر (اصـفهانی) از ادبای اصـفهان است. مافروخی او را در ردیف دانشـمندان متقدم عصر خود که در زمینه صرف و نحو و لغت و انشاء مهارت داشته اند ذکر کرده است.(۳)

زُفَر عنبری تمیمی

ابوالهـذیل زُفَر بن هـذیل بن قیس عنبری تمیمی [از محـدّثین عـامّه در قرن دوم هجری]. اصل او از اصـفهان است. از اصـحاب ابوحنیفه است. در بصره ساکن بوده و منصب قضاوت آنجا را داشته و هم در آن شهر به سال ۱۵۸ مرده است. او از اهل رأی و قیاس است و از گفته هایی اوست که: «تا زمانی که قرآن و حدیث (اثر) باشد ما به رأی عمل

۱- التّحبیر، ج۱۷ ص۲۹۳؛ معجم البلدان، ج۲، ص۱۲۸؛ گرکویه، (ویرایش دوم)، صص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲- فرهنگ سخنوران، ص۲۴۷.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

نمی کنیم و گاهی که به حدیث برخوردیم از رأی می گذریم.»(۱)

پـدرش در زمـان خلافـت یزیـد بن عبـدالملک در قریه «بَرآن» اصـفهان سـاکن بوده و سه فرزنـد به نـام هـای «زُفَر»، «کوثر» و «هرثمه» داشته است.(۲)

زکریا اصفهانی

زکریا اصفهانی، در کتاب «النقض» او را از فرزندان [نوادگان] بهرام گور و از قرامطه و پیشوای آنان دانسته است.(۳)

زکریا جورجیری

ابواحمد زکریا بن احمد بن محمّد بن زکریا معدّل خطیب جورجیری اصـفهانی، [از محدّثین عامّه در اوایل قرن شـشم هجری]. از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری، ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن موسی بن مردویه صغیر و ابوالفتح احمد بن محمّد بن احمد حدّاد اجازه داشـته و ابوسـعد سـمعانی از او به عنوان «کان شیخا سدیدا من اهل العلم» یاد کرده و از او اجازه دریافت داشته است.(۴)

[جورجیر از محلّه های قدیمی شهر اصفهان است و مسجد جورجیر از عهد دیالمه و جنب آن مسجد حکیم از عهد صفویه مهم ترین یادگارهای تاریخی این محلّه به شمار می روند.]

زکریا اصفهانی

۱- ریحانه الادب، ج۷، ص ۳۰۰؛ معجم المؤمنین، ج۴، ص۱۸۱؛ لغت نامه دهخـدا: ذیل «ابوالهذیل»، ص۹۲۹؛ فرهنگ بزرگان اسـلام و ایران، ص۲۱۱؛ الاعلام، ج۴، ص۷۴ به نقل از: الجوهر المضـیئه، ج۱، ص۲۴۳ و ج۲، ص۵۴۳؛ شذرات الذهب، ج۱، ص۲۴۳؛ الانتفاء، ص۱۷۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۷.

۳- النّقص، ص۳۱۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۲۹۱.

زکریـا بن صَـلت بن زکریا [از عابـدان و عرفاء و محـدثین عامه اصـفهان در قرن سوم هجری است] پـدرش از مصاحبان عارف مشهور محمّد بن یوسف بنّا اصفهانی صوفی بوده و خود نیز عمر را به عابدت و تَهَجُّد گذرانده است. ابویحیی محمّد بن عصام از او حدیث نقل کرده است.(۱)

زکریا اصفهانی

ابویحیی زکریا بن یحیی بن کثیر بن زر اصـفهانی، از محـدّثین عامه اصـفهان است. در مکّه ساکن بوده و از ابن مقری حـدیث نقل کرده است.(۲)

ملّا محمّد زکی

آخونـد مولانا محمّـد زکی، از فضـلای گمنام عهد صـفویه است. میر سـیّد عبدالحسـین خاتون آبادی درباره برادرش میر سیّد اسـماعیل خـاتون آبـادی می نویسـد: قبر سـیّد مشارٌالیه در مـدرسه ای است که خود ساخته بودنـد در قُرب تکیه آخونـد مولانا محمّد زکی».

در پشت خـانه های جدیـد البناء تخت فولاد، در سـمت غربی کوچه مقابل غسالخانه، فضایی که قبور جمعی از بزرگان در آن قرار داشت و اخیرا تسطیح و درختکاری شده هنوز یک قبر موجود می باشد.(۳)

[محقّق کتاب گوید: فعلاً این قبر هم از بین رفته و آثار آن مشهود نیست.]

خواجه زکی اصفهانی

خواجه زکی اصفهانی، از اعیان و بزرگان اصفهان در قرن هفتم هجری است. در کتاب

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۸۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۱.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۹؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۰۵.

«شکارنامه ایلخانی» تألیف علی بن منصور صوانی (که تا سال ۷۰۵ق در قید حیات بوده) اسامی برخی از کتابها و عدّه ای از افراد برده شده است، نام صاحب عنوان نیز به مناسبتی مذکور است.

«شکارنامه ایلخانی» به شماره ۳۰۳۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

محمّد زکی کرمانشاهی

شیخ محمّد زکی بن ابراهیم همدانی کرمانشاهی، عالم فاضل و فقیه محقّق [از فقهاء و علمای قرن دوازدهم هجری].

پدر و مادرش سنّی مذهب بودند. در سن ۷ سالگی از آنان گریخته و به همدان رفت و زیر نظر حاکم آنجا اسماعیل خان تربیت شد تا به مقامات عالیه رسید و مقام شیخ الاسلامی یافت. نادرشاه افشاراز روی نیرنگ وی را قاضی عسکر قرار داد و در سال ۱۱۵۹ق دستور کشتن او را داد.

سیّد عبداللّه جزائری در «اجازه کبیره» وی را عنوان کرده و گوید:

«کان عالما جامعا ذکیا کثیر الکد و الاشتعال واعظا ادیبا. امام الجمعه و شیخ الاسلام فی بلاده الی ان تعرف السلطان فاستصحبه و جعله قاضی العسکر»

صورت فرمان شیخ الاسلامی او ضمن مجموعه شماره ۲۲۱۴ به صورت میکروفیلم در دانشگاه طهران موجود است. نسخه دیگری از آن هم در کتابخانه ملّی وجود دارد.

همچنین رونوشت نامه امام قلی میرزا فرزند نادرشاه که به مشارالیه نوشته است، در بیاض امام قلی میرزا ضمن جلد پنجم منشات میرزا مهدی خان استرآبادی به نظر علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی رسیده است.

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، (بخش یکم)، ص ۵۶۹.

از تألیفاتش «رساله در ردّ رساله نجاست غیر امامی» تألیف میرزا حیدرعلی شیروانی است.(۱)

ملّا محمّد زکی سبزواری*

ملّا محمّد زکی بن ملّا محمّد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، عالم فاضل کامل، در اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده و عالمی با فضل و اهل تحقیق است. مع الاسف در سالهای جوانی در سال ۱۱۱۰ق وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

متن لوح مرمرین قبر او به شرح زیر است:

«هو الغفور الرّحیم. تاریخ وفات مرحمت و غفران پناه و جنتٌ و رضوان آرامگاه سلاله النّجباء الکرام و نتیجه الفضلاء العظام الشّاب الفاضل الکامل المحقّق المدقّق النادر فی عصره الشریف مولانا محمّد زکی ابن مولانا محمّد جعفر بن محمّد باقر الشّریف السبزواری طاب ثراه فی سنه ۱۱۱۰»(۲)

محمّد زکی بازرجانی

محمّد زکی بن محمّد سلیم بازرجانی، [از فضلاء قرن دوازدهم هجری و مقیم اصفهان] در دوشنبه ۲۷ جمادی الاولی ۱۱۲۹ق برحسب دستور مولانا محمّد جعفر گیلانی ساکن مدرسه ملّا عبداللّه، کتاب «احقاق الحقِ» قاضی نوراللّه شوشتری، را به خط نسخ نوشته و کتاب در کتابخانه مرحوم حاج سیّد احمد زنجانی در قم موجود است.(۳)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱۰، ص۲۹۱ و ج۲، ص۴۲۲؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۴۴؛ الذریعه، ج۳، ص۱۶۹ و ج۱۰، ص۹۹؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۶۵۳؛ فهرست ملّی، ج۱، صص ۱۶۷ و ۱۵۴؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۷۴ و ۱۶۶؛ اجازه الکبیره، ص۱۴۰؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- آشنایی با چند نسخه خطی، ص۱۹۱.

سیّد محمّد زکی اصفهانی

سیّد محمّد زکی بن حاج محمّد اصفهانی، [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۱۸ق نسخه ای از «جلاء العیون» علّامه مجلسی را کتابت نموده و کتاب به شماره ۶۹۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱) ظاهرا نامبرده از شاگردان علّامه مجلسی است.

زکی ندیم مشهدی

میرزا محمّد زکی مشهدی متخلّص به «ندیم»، شاعر و ادیب قرن دوازدهم هجری.

در زمان شاه سلطان حسین صفوی در خدمت محمّد زمان خان بیگدلی سپهسالار خراسان و محمّد قلی خان بیگدلی وزیر اعظم دیوان اعلی بود. پس از آن به اصفهان آمده و همزمان با پیدایش نادرشاه ملازم و هم صحبت او شد. هنگامی که نادرشاه به بغداد لشکر کشید، از خدمت نزد او استعفا کرده و در نجف اشرف ساکن شد و سرانجام در سال ۱۱۶۳ق در آنجا وفات یافت.

این کتابها از اوست:

۱. «دیوان ندیم مشهدی» ۲. «مثنوی دُرّ نجف»۳. «مثنوی تسبیح کربلا»

این رباعی از اوست:

در خاک نجف «ندیم» آسوده بخواب اندیشه مکن ز پرسش روز حساب

جایی که بدل به سرکه گردد می ناب بی شبهه گنه شود مبدّل به ثواب(۲)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۴۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۱۲.

۲- تذکره آتشکده: نیمه دوم، صص ۶۵۵ و ۶۵۶؛ تذکره غنی، ص۱۳۴؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۱۸۰ و ج۱۹، ص۱۴۲؛ ریحانه الادب، ج۶، ص ۱۶۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ندیم مشهدی»، ص۴۱۵؛ مجمع النّفایس، ص۱۱۹.

زکی یزدی*

زکی یزدی معروف به «زکیا»، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. پسرعموی خواجه سیف الدّین محمود (از نواده های خواجه غیاث الدّین نقشبند) بوده و در اصفهان می زیسته و هم در این شهر وفات یافته است. در نقشبندی نیز زبردست و استاد بوده و فوتش قبل از سال ۱۰۸۳ق واقع شد.

از اوست:

باشدم روشن چراغ دیده با طوفان اشک زنده دارم روز و شب در قعر دریا شمع را(۱)

محمّد زمان بیگ*

محمّد زمان بیگ، از خوشنویسان اواخر دوره صفویّه است. او خط نستعلیق را نزد محمّد صالح اصفهانی مشق کرده و خط را زیبا می نوشته است.(۲)

محمّد زمان اصفهانی*

محمّد زمان اصفهانی، مورّخ ادیب، در قرن دوازدهم هجری و مؤلّف کتاب «اخبار ایام الملوک». مؤلف وقایع تاریخی را از زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا سال ۱۱۱۶ق آورده و سپس تا سال ۱۱۶۰ق ادامه یافته است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۲؛ تذکره شعرای یزد، ص۷۹.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۳۹.

۳- فهرستواره کتابهای فارسی، ج۲، ص۸۱۲.

محمّد زمان اصفهانی

محمّد زمان بن محمّد تقی اصفهانی [از کاتبان نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در روز شنبه ۱۸ ذیقعده سال ۱۰۹۰ق کتابت «شرح اصول کافی» تألیف: مولی صالح مازندرانی را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۱۲۳ در کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع طهران موجود است.(۱)

ملّا محمّد زمان تیدجانی خوانساری*

ملّا محمّد زمان بن محمّد جعفر تیدجانی، عالم فاضل و ادیب شاعر از دانشمندان قرن یازدهم هجری است. از اهالی قریه «تیدجان» یا «تیدگان» از توابع خوانسار بوده و در اصفهان و خوانسار به تحصیل پرداخته است. او محرّر میرزا علیخان، شیخ الاسلام گلپایگان بوده و تا هنگام تألیف تذکره نصرآبادی (سال ۱۰۸۳ق) زنده بوده است. مردی صالح و متّقی و خوش مشرب بوده است. مثنوی «مدینه الاحباب» از آثار اوست.

این شعر از اوست:

دل مهبط نور لایزالی است تا از ظلمات غیر خالی است

دل آینه جمال یار است زان قابل فیض بی شمار است(۲)

همچنین او نسخه ای از «زبده الاصول» شیخ بهائی را در سال ۱۰۷۶ق کتابت کرده که به شماره ۱/۱۴۱۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

محمّد زمان کاتب اصفهانی*

محمّد زمان بن حسن اصفهانی، از خوشنویسان عهد صفویه است. وی «دیوان رضی الدّین نیشابوری» را به خط نستعلیق در جمادی الاوّل ۱۰۰۱ق کتابت نموده که در کتابخانه استاد سعید نفیسی در تهران موجود بوده است.(۴) این کتاب اکنون در کتابخانه

۱- آشنایی با چند نسخه، ص۳۲۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۴۳ و ۵۴۴؛ الذریعه، ج۱۹، ص۲۹۱.

۳- فهرست دانشگاه، ج۸، ص۹۱.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۳۹.

مرکز احیاء میراث اسلامی در قم نگهداری می شود.(۱)

او همچنین کتیبه ضریح بقعه سلطان علی در اردهال کاشان را در سال ۱۰۰۲ق کتابت کرده است.(۲)

محمّد زمان پزوی

محمّد زمان بن میر حسین پزوی سبزواری، [از کاتبان قرن دوازدهم هجری]. ظاهرا سبزواری و ساکن اصفهان و یا به عکس بوده است. از آثارش کتابت نسخه «جامع المقال» تألیف: فخرالدّین طریحی است که در پنج شنبه ۵ ذیقعده ۱۱۰۵ق آنرا به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۹۰۷۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

پزوه [به ضم «پ» و به کسر «واو»] از دهات بلوک جی اصفهان است.

محمّد زمان خاتون آبادی*

محمّد زمان بن حسین خاتون آبادی، از خوشنویسان هنرمند و کاتبان پرکار قرن یازدهم هجری است. از اهالی روستای «خاتون آباد» جی اصفهان بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته است. او مجموعه ای شامل «مجمع الخواص» و «مجالس النّفایس» را به خط نستعلیق خوش در ۱۶ ذیحجه ۱۰۳۰ق کتابت نموده که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۴)

محمّد زمان خان سخای اصفهانی

محمّد زمان خان بن حاج محمّد حسین خان صدر اصفهانی، شاعر ادیب. از

۱- فهرست احیاء، ج۳، صص ۷۹ و ۸۰.

۲- فهرست خوشنویسان قرن دهم، ص۶۳.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص۵۹۹.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص ۷۴۰.

سخنوران قرن سیزدهم هجری [به واسطه برادرش «میرزا عبداللّه امین الدّوله» و به خاطر خدمات پدرش به قاجاریه در دربار «فتحعلی شاه قاجار» منصب استیفا را به دست آورد. در سال ۱۲۳۱ق به حکومت یزد منسوب شده و تا سال ۱۲۳۶ق حکومت آنجا را در دست داشت. در زمان حکومت او به تحریک «صدرالممالک» یکی از اعیان یزد و ملّا محمّد حسین یزدی» از علمای یزد، شاه خلیل اللّه از سران اسماعیلیه به دست مردم کشته شد و محمّد زمان خان آن دو را جهت مجازات به طهران فرستاد.] در هر صورت در شعر نیز طبعی روان داشته و مذاقش به غزل سرایی مایل بود.

از اوست:

هر کجا حکایتی شود از کُشتگان عشق ای راویان دهر ز ما هم روایتی(۱)

محمّد زمان اصفهانی*

محمّد زمان بن عبدالباقی اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند قرن دوازدهم هجری است. خط ثلث را خوش می نوشته و کتیبه کاشیکاری محراب ایوان استاد در مسجد جامع اصفهان به خط زیبای اوست که در سال ۱۱۱۲ق نوشته شده است.(۲)

محمّد زمان اصفهانی*

محمّد زمان اصفهانی متخلّص به «زمانی» فرزند استاد علی اجری طبّاخ در عهد صفویّه. در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیل کرد. سپس با یکی از دوستان

۱- تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۹۰؛ تذکره سفینه المحمود، ص۳۷۱؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۴۰۱؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سخای اصفهانی» ۳۴۶؛ تاریخ یزد (طاهری)، صص ۶۲ و ۶۳؛ الذریعه، ج۹، ص۴۳۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۷۵۱؛ تذکره ممیّز: خطی، ص۴۵.

۲- آثار تاریخی اصفهان، ص۱۱۴.

شاعر خود به نام «مجلسی اصفهانی» به هند مسافرت کرد و از شهرها و مناطق آنجا دیدار کرد. او در خطاطی و قاطعی و سایر هنرها مهارت به سزایی داشت و تا اوایل قرن یازدهم هجری در قید حیات بود.(۱)

محمّد زمان هزارجریبی

محمّد زمان بن درویش علی هزارجریبی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] ساکن مدرسه شاهپوریه، در یک شنبه محرم ۱۰۸۷ق کتاب «ارشاد الاذهانِ» علّامه حلّی را نوشته است.(۲)

محمّد زمان اصفهانی

محمّد زمان بن محمّد علی اصفهانی [کاتب نسخ نویس] نسخه ای از «نورالعیون» تألیف: سیّد محمّد باقر رضوی اصفهانی قمی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه در حاشیه تصحیح شده و علامت بلاغ دارد. این نسخه به شماره ۲۶۸۹ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۳)

محمّد زمان بن محمّد قاسم*

محمّد زمان بن حاجی محمّد قاسم، از کاتبان فاضل قرن دوازدهم هجری است. در شب چهارشنبه ۳ محرم ۱۱۱۴ق نسخه ای از «صیغ عقود نکاح متعه» تألیف: سیّد محمّد باقر خاتون آبادی را به خط شکسته نستعلیق نوشته و در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۴) همچنین در سه شنبه ۷ ذیحجه ۱۱۳۰ق نسخه ای از «مخزن الدّعوات» تألیف:

۱- کاروان هند، ج۱، صص ۵۰۰ و ۵۰۱.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۷۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۶۴.

۴- فهرست ملک، ج۶، ص۸۱.

عبدالحسیب محمّد علوی عاملی را به خط نستعلیق کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

آقا زمان واضع اصفهانی

آقـا زمـان اصـفهانی فرزنـد پهلوان قاسم. شاعر ادیب، از شـعرای قرن یازدهم هجری. اجـدادش از بلوک لنجان بوده و مناصـب صاحب جمع هوایی و راهـداری را برعهـده داشـتند. او از کارهای دولتی کناره گرفته و با قناعت به زنـدگی فقیرانه خود ادامه می داد. و اوقات خودرا به مجالست و مصاحبت ادباء و فضلاء اصفهان می گذرانید. در شعر طبعی روان داشته و در شعر قدماء تَتَبُّع بسـیار کرده بود.(۲) او تـا سال ۱۰۶۷ق در قیـد حیـات بوده و در این سال به مناسـبت بنای مسـجد حکیم قطعه ای سـروده است.(۳) در شعر «واضع» تخلّص می کرد.

از اوست:

مرد را پامال خواری می کند طغیان حرص شمع کوته می شود چون شعله بالا می کشد

ملّا محمّد زمان تبریزی

ملّا محمّد زمان بن ملّا کلب علی تبریزی، عالم فاضل و ادیب شاعر. در اصـفهان سـکونت داشته و از درس علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، آقا حسین خوانساری و شیخ جعفر قاضی بهره مند شده و سپس تولیت و تدریس مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان را به عهده گرفته است. سال وفات او به دست نیامد و احتمالاً در دوره فترت افغان ها

۱- فهرست مرعشی، ج۱۶، ص۳۳.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۸۸ و ۴۸۹؛ تذکره روز روشن، ص۸۶۷.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۱۳.

می باشد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه تهذیب الاحکام» ۲. «ترجمه خلاصه الاذکار» ۳. «چنته» در فوائد متفرقه۴. «شرح اصول کافی»۵. «شرح زبده الاصول» شیخ بهایی۶. «فرائد الفوائد» در احوال مدارس و مساجد که به چاپ رسیده است.۷. «المسعار فی الاسعار» که در سلخ ذی القعده ۱۱۲۷ق در مدرسه شیخ لطف اللّه از تألیف آن فراغت یافته و نسخه آن در کتابخانه فقیه جلیل القدر سیّد مصطفی صفائی در قم موجود بوده است.(۱)

زمان هسته ای

امیر زمان بن محمّد هسته ای. [کاتب نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در چهارشنبه شعبان ۱۰۵۳ق کتابت «حاشیه مطول» از: میر سیّد شریف جرجانی را به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه تصحیح شده و حاشیه نویسی دارد. نسخه به شماره ۱۶۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.(۲)

وی همچنین دو جلد «مسالک الافهام» را به خط نسخ در ۵ رمضان ۱۰۴۸ق و ۶ رجب ۱۰۴۹ق کتابت نموده و در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۳)

محمّد زمان انصاری*

محمّد زمان بن قاضی مرتضی انصاری، از فضلای اصفهان در قرن یازدهم هجری است. در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان به تحصیل مشغول بوده و در ۱۴ رمضان ۱۰۳۰ق از کتابت نسخه ای از کتاب «شرح مختصر الاصول» تألیف: قاضی عضدالدّین

۱- فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۳۷؛ مصفی المقال، ص۱۸۳؛ الذریعه، ج۱۳، ص ۳۰۰ و ج۲۱، ص۱۹؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۹۲ و ۲۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۴ و ۳۵؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۰۴؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۲؛ روضات الجنات، ج۳، ص ۱۵۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۶۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۷۲.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۰۲.

ایجی فراغت یافته است. این نسخه به شماره ۲۴۷۳ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)

زمان اصفهانی

زمان بن هدایت اللّه اصفهانی، از کاتبان و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. خط نستعلیق را زیبا می نوشته [و مدّتی در شیراز به تحصیل علوم عقلی و نقلی مشغول بوده است. و به احتمال زیاد شاگرد سیّد محمّد کشمیری است.

از آثار او کتابت «اثبات اللّه» تألیف: میر فخرالدّین حسینی استرآبادی است که آن را در چهارشنبه ۲۹ رمضان ۱۰۴۶ق در مدرسه رفیعیه شیراز به پایان آورده است و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) همچنین] نسخه ای از «اثبات الواجب» تألیف: میر نظام الدّین احمد دشتکی را در ۱۴ رمضان ۱۰۴۸ق به دستور میر سیّد محمّد کشمیری کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۵۶۳۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

آقا محمّد زمان نقاش*

آقا محمّد زمان فرنگی ساز فرزند محمّد یوسف قمی، از نقاشان معروف عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی است.

برخی از محققان اروپایی و ایرانی نوشته اند که شاه عباس ا ورا برای فراگیری نقاشی به ایتالیا فرستاد و او در آنجا به کیش مسیحیّت گرویده و نام خود را به «پائولو» تغییر داد. او پس از بازگشت به ایران از ترس به خطر افتادن جان خود به هند پناه برد ولی پس از مدتی به ایران آمده و دوباره اسلام پذیرفت.

۱- فهرست احیاء، ج۶، ص۴۴۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۲۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۵، ص۳۲.

مطبق تحقیقات محققان در سالهای اخیر این داستان، خیال پردازی و حدس و گمان بیش نبوده و از بُن اشتباه است و آقا محمّد زمان هرگز از ایران خارج نشده و تغییر مذهب نداده است.

وی در نقاشی پیرو سبک نقاشان فلاندری بوده و آثار نقاشی آنان در ایران و هند خرید و فروش می شده است. او یکی از نقاشان برجسته ای است که با تلفیق نقاشی غربی و ایرانی سبک جدیدی به وجود آورد که در اواخر عهد صفویه رونق فراوانی میان نقاشان ایرانی یافت.

آقا محمّد زمان علاوه بر نقاشی در قلمدان سازی نیز استاد بوده و در این زمینه آثاری از او موجود است.

تابلوها، قلمدان ها و سایر آثار او که بین سالهای ۱۰۷۰ تا ۱۱۰۹ق آفریده شده در موزه ها و مجموعه های خصوصی و دولتی ایران و اروپا و آمریکا موجود است که از جمله مشهورترین آنها تابلوی «ملاقات حضرت مریم با الیصابات» در سال ۱۰۸۹ق، قلمدان با تصویر «شاه سلطان حسین در گردشگاه» مورخ سال ۱۱۰۹ق تابلو«نزول روح القُدُس بر مسیح» به سال ۱۰۹۲ق و تابلو «شکوفه بادام» در سال ۱۱۰۵ق هستند. همچنین او سه تابلو به «خسمه نظامی» شاه طهماسبی اضافه کرده که تاریخ آن ۱۰۸۶ق است.

رقم او در آثارش «محمّد زمان»، «زمان»، «صاحب الزّمان» بوده است.

وی احتمالاً تا سال ۱۱۲۰ق در قید حیات بوده و تا آخرین روزهای زندگی در دربار شاه سلطان حسین صفوی مورد توجه و عنایت خاص شاه و درباریان قرار داشته است.(۱)

۱- هنر ایران، ص۱۱۸؛ هنر نگارگری ایران (رابینسون)، صص ۷۹ و ۸۰؛ دائره المعارف هنر، صص۵۱۸-۵۲۰؛ هنر قلمدان، صص ۹۶-۹۸؛ مجله نامه بهارستان، شماره ۶، سال ۱۳۸۱ و شماره ۷، سال ۱۳۸۲؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۳۵۳، مورخ ۱۷ خرداد ۱۳۷۴؛ مکتب نگارگری اصفهان، صص ۲۲۳-۲۲۸.

ملّا محمّد زمان تنکابنی

ملّا محمّد زمان تنکابنی اصـفهانی، از علماء اواخر عهد صـفویه در اصفهان بوده و کتاب «اسرار الصلاه» شهید ثانی را به فارسی ترجمه نموده است. نسخه ای از آن که در سال ۱۱۱۸ق کتابت شده در کتابخانه صدر (در عراق) موجود است.(۱)

محمّد زمان حسینی اصفهانی

محمّد زمان حسینی اصـفهانی [از فضـلاء قرن دهم هجری] در یک شـنبه ۲۶ ربیع الثّانی ۹۲۶ق نسـخه ای از «شـرح مختصر الاصولِ» ابن حاجب را به خط نستعلیق در مـدرسه نظامیه اصـفهان کتابت نموده و کتاب به شـماره ۱۸۳۴ در مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲)

زمان حناتراش

زمانای حناتراش، از شعرای قرن یازدهم هجری. در اصفهان سکونت داشت. به هند رفت و به علّت بدخوئی و طبع تند او، اُمراء و اعیان هند به او بی اعتنایی کردند و او یکی از آنان یعنی جعفرخان، از صاحب منصبان عالی رتبه ایران هند را هجو کرد و به ایران بازگشت امّا در هرات به بیماری سختی گرفتار شده و در منزل شیخ الاسلام هرات فوت شد.

این بیت از اوست:

چیست مانع بهر قتلم تیغ بیداد تو را از تو شیرین تر که خواهد کشت فرهاد تو را(۳)

۱- الذریعه، ج۴، ص۷۸؛ الکواکب المنتشره، ص۲۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۴.

۲- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۱۵۷؛ محیط ادب، ص۱۰۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۷۰؛ تذکره روز روشن، صص ۳۲۸ و ۳۲۹؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.

[حناتراش: آنکه خانه زین از چوب تراشد.]

زمان راضی اصفهانی

زمان اصـفهانی معروف به «زمانای نقاش» و متخلّص به «راضـی» شاعر ادیب و نقاش ماهر. از هنرمندان و سخنوران اواخر دوره صفویه. در سال ۱۱۲۲ق در قید حیات بوده و صاحب «دیوان اشعار» و «مثنوی» است.

از اشعار اوست:

گر وحشیانه از روش خل می رمم عذرم بسی بجاست که مردم ندیده ام(۱)

[شاید او «آقا محمّد زمان نقاش فرنگی ساز فرزند محمّد یوسف قمی» نقاش معروف اواخر صـفویه که شـرح حال او را در این کتاب آورده ایم باشد.]

محمّد زمان زرکش اصفهانی

محمّد زمان اصفهانی متخلّص به «زمانی» شاعر و ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان متولّد شد. در جوانی شعر می سـرود و «فریبی» تخلّص می کرد و با «حکیم شفائی»، «میرزا فصیحی» و «میرزا ملک مشرقی» مصاحب بود. او ظریف طبع و بی پروا بـوده و در وصـف محمّـد رضـای قهوه چی اشـعاری سـروده بود. عـاقبت تخلّص خود را به «زمـانی» تغییر داده و شـغل زرکشـی را رها کرد و جهت کسب معاش راهی هنـد شـد و در سال ۱۰۵۴ق در لاهور وفات یافت. فرزندش میرزا مسـعود نیز شاعر بوده است.

از اوست:

خوش آرمیده قافله عمر ما گذشت گردی نشد ز رفتن این کاروان بلند(۲)

۱- دائره المعارف دانش بشر، ص۱۵۱۲؛ منتخب اللطایف، ص۶۶۲.

۲- قصـص الخاقانی، ج۲، ص۹۸؛ تذکره نصـرآبادی، ج۱، صـص ۴۷۲ و ۴۷۳؛ تـذکره روز روشـن، ص ۹۲۰؛ تـذکره منتخب اللطایف، ص۵۰۹؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۰۳.

محمّد زمان شمشیرساز اصفهانی*

محمّد زمان اصـفهانی، شمشـیرساز و فلزکار و نگارگر فلزات سخت است. وی در اواخر سده دوازدهم هجری می زیسته است. از آثار دیـده شـده وی یک قبضه شمشـیر است که با طلاکوبی و نقوش گل و برگ زینت شـده و نام صاحب آن بر روی تیغه آن طلاکوبی شده و رقم آن «عمل محمّد زمان اصفهانی» بوده است.(۱)

محمّد زمان طباطبائی اصفهانی

محمّـد زمـان طباطبائی اصـفهانی، از فضـلاء قرن دوازدهم هجری که در محرم سال ۱۱۲۳ق تملّک خود را بر نسـخه «قاموس» نوشته است. این نسخه به شماره ۴۵۷۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

محمّد زمان فرنگی خوان*

محمّـد زمـان فرنگی خـوان، از ادبـاء و فضـلای قرن یـازدهم هجری است. وی در اصـفهان سـاکن بـوده و به خـاطر آشـنایی با زبانهـای اروپـایی به فرنگی خوان معروف بوده است. وی سـرانجام به هنـد رفته و در آنجا ساکن شـده است. در کتابخانه گنج بخش نسـخه ای از «رسائل ملّا طغرای مشـهدی» به شـماره ۲۰۸۶ موجـود است. در این رسائـل رقعه ای از «ملّـا طغرا» به «محمّد زمان فرنگی خوان» در طلب «جامع الالحان» ملّا عبدالقادر مراغه ای آمده است.

از تألیفات و آثار او:

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۷۱۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۴۶.

۱. «ترجمه تاریخ چین» ۲. «ترجمه حدیقه عالم»(۱)

ملّا زمان ناطق قهپایه ای

ملّا زمان قهپایه ای، شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. در قهپایه تولّد یافته و در اصفهان نشو نما نموده و علم و ادب آموخته است. مدّتها در محلّه جماله کُلِه معلّمی می کرد و حدود دویست نفر در مکتب او حاضر می شدند. در سرودن شعر طبعی داشته و به تتبّع اشعار خاقانی می پرداخته است. «ناطق» تخلّص می کرد. در اواسط سلطنت شاه عباس ثانی (حدود سال ۱۰۷۰ق) فوت شد. دیوانش شامل قصیده و غزل و رباعی نزدیه به دویست بیت ضمن مجموعه ۳۲۹۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.

چو مرغ دل به آن زلف آشیان کرد پریشانی مرا زنجیربان کرد

به آن زلف پریشانی که داری به ما یک روز هم شب می توان کرد(۲)

محمّد زمان نطنزی

محمّد زمان نطنزی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در ذیحجه ۱۰۱۹ق کتابت جلد یکم «قواعد الاحکام» علّامه حلّی را در اصفهان به خط نستعلیق به پایان رسانیده است، کتاب به شماره ۴۴۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

محمّد زمان نقاش*

۱- مجله نامه بهارستان، شماره ۷ و ۸، سال ۱۳۸۲، ص۲۹۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۷۷؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۱، ص۲۲۶۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ناطق»، ص۱۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۱؛ تذکره آتشکده: بخش سوم از نیمه نخست، ص۱۰۳۲؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۱۰.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۲۲۳.

محمّد زمان دوم معروف به «آقا زمان» از نقاشان هنرمند دوره زندیه و اوایل دوره قاجاریه است. وی در گل و بته و گل و مرغ سازی استاد بوده و در صورت سازی و منظره پردازی نیز مهارت بسیار داشته است. از او آینه های نفیس و جلدهای روغنی ممتاز و قلمدان های کم نظیر به یادگار مانده است.(۱)

زیاد اَرزِنانی

زیاد ارزنانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان، در شهرهای مختلف به سفر پرداخته و در شام تحصیل نموده و اساتید اخذ حدیث نموده است. و در اصفهان از احمد بن مهران بن خالد روایت می کند. او به علم و زهد و ورع و اتّقان در نقل موصوف بوده است.

صاحب عنوان جدّ ابوجعفر محمّد بن عبدالرّحمان بن زیاد ارزنانی اصفهانی از محدّثین است.(۲)

کمال الدّین زیاد اصفهانی

کمال الدّین زیاد اصفهانی، از شاعران نیمه دوم قرن ششم هجری و از معاصران خاقانی و جمال الدّین عبدالرّزاق اصفهانی و مجیرالدّین بیلقانی است. عوفی از او به صورت «الامام العالم کمال الدّین زیاد اصفهانی» نام برده و یک قصیده و دو رباعی از او نقل کرده است. مجیر بیلقانی در دیوان خود، قصیده ای در مدح او دارد.(۳)

این رباعی از اوست:

۱- هنر قلمدان، ص۱۰۸.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص ۱۵۰.

۳- لباب الالباب، صص ۲۲۶ و ۲۲۷؛ ریاض العارفین، (چاپ ۱۳۴۴)، صص ۳۸۵ و ۳۸۶؛ تذکره غنی، ص۱۱۴؛ نزهه المجالس: مقدمه، ص۹۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص۱۰۲.

دوشم همه شب درد در افزایش بود گریان شدم از هجر تو و جایش بود

وین طرفه که با این همه محنت، شب دوش با نسبت شب ها شب آسایش بود

زیاد اعجم

ابو اَمامه زیاد بن سلیمان (یا سلیم) اعجم عبدی، از شعراء دولت بنی اُمیّه، در زبانش لکنتی بود، از این رو وی را «اعجم» گفتند. در اصفهان متولّد گردیده و بزرگ گردید و سپس به خراسان منتقل شده عمر زیادی یافته و در آنجا وفات یافته است.

بیشتر اشعارش در مدح امراء زمان است. از جمله مدیحه ای که جهت جناب عبداللّه الجواد فرزند جعفر طیّار سروده است. او در حدود سال ۱۰۰ق وفات یافته است.(۱)

زیاد اصفهانی

ابوحمزه زیاد بن طلحه اصفهانی [از محدّثین عامه اصفهان در قرن سوم هجری است] از «اَعمش» و «حمزه زیّات» حدیث نقل کرده و عامر از او روایت می کند.(۲)

زیاد خرجانی اصفهانی

ابوالعبّاس زیاد بن محمّد بن زیاد بن هیثم خرجانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از «حسن بن محمّد دارکی»، «محمّد بن حمزه بن عماره» و «محمّد بن احمد بن عمرو ابهری» و دیگران روایت نموده و ظاهرا در سال ۳۷۸ق در اصفهان وفات یافته است.(۳)

۱- الاعلام، ج۴، ص۹۱؛ نهضت شعوبیه، ص۱۸۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱۷ ص۳۱۹؛ طبقات المحدثین، ج۲، ص۱۹۴؛ نهضت شعوبیه، ص۱۸۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۰؛ المشتبه، ص۱۴۷.

زیاد کوفی

ابوحمزه زیاد کوفی، از محدّثین عامه است. از کوفه به اصفهان آمده و عامر بن ابراهیم از او حدیث شنیده است. خود ابوحمزه از حمزه زَیّات و مُقاتل بن سلیمان نقل حدیث کرده است.(۱)

زید اصفهانی

ابوجعفر زید بن ابی موسی بن زید اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان. حافظ ابونعیم اصفهانی در باب او نوشته است که از محدّثین متقدّم اصفهان بوده و سال فوت او معلوم نیست. «صحّاف» از او روایت می کند.(۲)

زید اصفهانی*

ابوالحسن زید بن احمد بن بحر اصفهانی، از بزرگان شیعه در قرن چهارم هجری است. او عامل قم بود و برای تعمیر و توسعه مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم در سال ۳۵۰ق فعالیّت هایی را انجام داد.(۳)

به احتمال زیاد او از بستگان و خویشان ابومسلم محمّد بن بحر اصفهانی متوفی ۳۲۲ق است که مدّتی حاکم قم بوده است.

زید نُخانی اصفهانی

ابوجعفر زید بن بُندار بن زید نُخانی فقیه اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۳۱۸؛ طبقات المحدّثین، ج ۲، ص۱۹۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳- تاریخ قم، ص۲۱۴.

سوم هجری است. وی از عثمان بن ابی شعبه و دیگران روایت نموده و احمد بن محمّد بن نصر اصفهانی از او استماع حدیث نموده است.

وفاتش در سال ۲۷۳ق واقع شده است. وی و زن و فرزندش چهل سال روزه گرفته اند.(۱)

«نُخان» قریه ای نزدیک «جی» (شهرستان) اصفهان بوده است.

زید رارانی

زید بن ثابت بن روح بن محمّد بن عبدالواحد بن عباس رارانی اصفهانی، از محدّثین عامّه در اوایل قرن ششم هجری است.(۲) [او در خانـدانی اهل علم و حـدیث تربیت شده و ظاهرا از پدرش روایت می کند. پدران، عموها، عموزاده ها و برادرزاده های او همه از محدّثین اصفهان بوده اند.

«راران» از دهات جِی درشرق اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته و از محلّه های اصفهان است].

زید جعفری هاشمی

ابومحمّد زید بن رضا بن زید بن علی جعفری هاشمی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری. در سال ۴۶۰ و اندی متولّـد شـده و از «ابوعمرو بن منده»، «ابوالحسن سـهل بن عبداللّه غازی»، «ابوالفوارس طراد بن محمّد زینبی» و جز آنان حدیث شنیده است. وی در ماه جمادی الآخر سال ۵۴۶ق در اصفهان وفات یافته است.

«ابوسعد سمعانی» از او به عنوان «شریف، نسیب، صالح، حسن السیره» یاد کرده است.(۳)

۱- طبقات المحدّثین، ج۳، ص۸۱؛ الانساب، ج۵، ص۴۷۲؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۰؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۶۹.

۲- لغت نامه دهخدا: ذیل «راران»، ص۴۰.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۸۸.

زید اردستانی

قاضی ابوطاهر زید بن عبدالوهاب بن محمّد اردستانی، ادیب و شاعر، از اصحاب اصم حدیث شنیده و عبدالغافر فارسی از او روایت می کند.(۱)

زید یزدی

ابونصر زید بن عثمان بن محمّد بن عثمان یزدی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در اوایل قرن ششم هجری است. از «ابوعثمان سعید عیّار»، «ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی»، «ابوسعد عبدالکریم بن احمد وراق» و جز اینان حدیث شنیده و جهت «ابوسعد سمعانی» اجازه نوشته است.(۲)

زید رستمی اصفهانی

ابوالحسن زید بن هارون بن محمّد بن محمّد رستمی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری است] در طلب حدیث به خراسان سفر کرده و مدّتی در نیشابور به سر برده است. سپس به بصره رفته و از ابی عمر هاشمی حدیث نقل کرده و [در بغداد از ابی الحسن ابن صلت روایت کرده]. همچنین از علی بن قاسم شاهد روایت کرده است.(۳)

شیخ ابوصالح مؤذن از او حدیث شنیده [و می نویسد: او را در کهولت در اصفهان دیدم.(۴)]

میر زین الدّین اصفهانی*

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص۱۴۶.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص۲۸۹.

۳- تاریخ نیشابور، ص۳۵۵.

۴- المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، صص ۸۱ و ۸۲.

میر زین الدّین اصفهانی، از نقاشان هنرمند عهد تیموری و شاگرد میر مصور سلطانیه ای است.(۱)

شیخ زین الدّین کمره ای

شیـخ زین الـدّین بن ابوالعلاء کمره ای فراهانی طغایی، عالم فاضل و جامع معقول و منقلو، از علمای اواخر دوره صـفویه است. در اصفهان ساکن بود سال وفاتش به دست نیامد.

او برادر عالم عالیقدر شیخ علینقلی کمره ای شیخ الاسلام اصفهان است.(۲)

استاد زین الدّین اصفهانی

استاد زین الدّین بن استاد احمد اصفهانی، از هنرمندان قرن هفتم هجری است. در هنر مُنَبَّت و چوب تراشی استاد بوده است. از آثار نفیس و ارزنده او محراب چوبی زیبای مسجد جامع ابیانه نطنز که در سال ۷۷۲ق ساخته شده است، هنوز باقی است.(۳)

شیخ زین الدّین نجفی

شیخ زین الدّین نجفی به حاج شیخ محمّد اسماعیل بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی اصفهانی، عالم فاضل و صالح متقی، از علمای معاصر اصـفهان، در روز سه شـنبه ۱۰ ربیع الثّانی سال ۱۳۲۸ق در کربلا متولّـد شد و پس از طی تحصـیلات مقدماتی به اصـفهان آمده و نزد حاج ملّا فرج اللّه دری و شـیخ عباسـعلی ادیب حبیب آبادی به تحصـیل مشغول شد. او عالمی خلیق و مهربان و ساعی و کوشا در مساعدت به

۱- مناقب هنروران، ص۱۰۴.

۲- اعیان الشیعه، ج۳۳، ص۲۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۶.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۸۸۸.

نیازمندان و به دور از خودنمایی و ریا بود.

سرانجام در صبح یکشنبه ۱۵ ذیقعده الحرام ۱۴۰۷ق پس از یک عمل جرّاحی وفات یافته و در بقعه جدّ اعلای خود شیخ محمّد تقی رازی در تکیه مادرشاهزاده واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

ادیب فرزانه و شاعر توانا استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) در تاریخ وفاتش گوید:

در وفاتش مصرعی «برنا» نوشت «سوی جنت زین دین رفت از جهان»(۱)

۱۴۰۷ق

شیخ زین الدّین صغیر

شیخ زین الّدین صغیر بن شیخ علی بن محمّد بن شیخ حسن بن شیخ زین الدّین عاملی (شهید ثانی)، عالم فاضل صالح. در ظهر روز سه شنبه ۱۸ ذیحجه ۱۰۷۸ق متولّد و در حدود ۱۱۰۰ق در جوانی وفات یافت. او را شیخ زین الدّین «صغیر» گویند و عمّ بزرگوارش شیخ زین الدّین محمّد را «اوسط» و شهید ثانی را «کبیر» گویند. فاضل صالح بوده و پدرش در کتاب «الدّرَرَ المنثور» مجملی از شرح حال او را نوشته و گوید: در اصفهان متولّد و هم در این شهر وفات یافته، در مشهد مقدس مدفون گردید.(۲)

میر زین الدّین جنتی جزی

میر زین الدّین جزی معروف به «شیخ جنتی» و متخلّص به «جنّتی» شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری] در کمال درویش و صلاح بوده و اعیان و فضلاء اصفهان

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهانی، ج۳، صص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ مستدرک دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۶۴؛ گلشن اهل سلوک، ویرایش اوّل، صص ۱۴۹ و ۱۵۱ و ویرایش دوم، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۶ و ۶۵۷؛ اعیان الشیعه، ج۳۳، ص۲۹۸؛ الکواکب المنتشره، ص۲۳۵.

از جمله میرزا رفیع صدرخواهان صحبت او بودند. [در سال ۱۰۵۵ق وفات یافته و در موطن خود قریه «گز» از توابع بلوک بُرخوار اصفهان مدفون شد] دیوان اشعارش بالغ بر بیست هزار بیت بوده امّا مدوّن نشده بود.

از دیگر آثار او: «مثنوی شاپور و شهناز» است.

این رباعی از اوست:

هر چند مناعت همه عصیان و خطاست وین جسم شکسته کشتی موج فناست

ای «جنّتی» از کثرت طوفات گناه مَندیش که ناخدای این بحر خداست(۱)

شیخ زین الدّین عاملی

شیخ زین الدّین عاملی اصفهانی، عالم فاضل، ادیب محقّق و ادیب شاعر، او عمّه زاده سیّد عباس بن علی بن نورالدّین عاملی بوده و تا رجب ۱۱۳۱ق در قید حیات بوده است.(۲)

زین الدّین لُنبانی

زین الدّین لُنبانی، از شعرای قرن هفتم هجری و از اهالی محلّه «لُنبان» اصفهان است.(۳)

زین العابدین آفرین اصفهانی

زین العابدین اصفهانی متخلّص به «آفرین» از شعراء و گویندگان قرن دوازدهم

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۴۶ و ۴۴۷؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۴۱؛ الذریعه، ج۹، ص۲۰۶؛ تذکره آتشکده، ص۹۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۷.

۲- اعیان الشیعه، ج۳۳، ص۳۱۹.

۳- تاریخ نظم و نثر، ص۱۸۱.

هجری. چندی ملازم ولی محمّد خان بیگدلی عمّ لطفعلی بیگ آذر بود. در شعر طبعی روان داشت. او در سال ۱۱۳۵ق وفات یافت. اگرچه برخی تذکره نویسان نوشته اند که دیوان شعر او در حوادث محاصره و سقوط اصفهان به دست افغان ها از میان رفته، امّا شیخ آقابزرگ طهرانی نسخه ای از «دیوان آفرین» که در کتابخانه مرحوم نخجوانی در تبریز موجود بوده است و بالغ بر پنج هزار بیت شعر دارد را ذکر می کند.

از اوست:

ز کِشتیم خبری نیست اینقدر دانم که تخته پاره چندی به ساحل افتادست(۱)

میرزا زین العابدین ادیب مجلسی

میرزا زین العابدین ادیب مجلسی، از خوشنویسان و فضلای اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] است.

از آثار او کتیبه ای به خط نستعلیق در قسمت جلوخان مسجد شاه اصفهان [مسجد امام] است که آن را چنین رقم زده است:

«کتبه العبد المذنب الراجی ادیب مجلسی»

به ظنّ نگارنده این سطور، کاتب کتیبه فوق منسوب به خاندان ملّا مقصود علی مجلسی می باشد. شرح حالش در کتب مربوط به خطاطین به نظر نرسیده است.(۲)

[میرزا زین العابدین ادیب مجلسی در اواخر دوره قاجاریه در مسجد مریم بیگم به مکتبداری مشغول بوده و پس از وفات در تکیه سیّد ابوالقاسم خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)]

۱- تذکره آتشکده: نیمه دوم، ص۴۸۳؛ سفینه المحمود، ص۱۴۵؛ تذکره روز روشن، ص۱۱؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۶۵؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۵۰؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «آفرین»، ص۱۳۹؛ دائره المعارف المسمی بمقتبس الاثر، ج۲، ص۲۱۳.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱۷ ص۲۷۰.

۳- هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۵۰۸، چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۷۷، ص۵.

زین العابدین ابهری

زین العابدین بن محمّد باقر ابهری [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در تاریخ شنبه ۲۸ ذیقعده ۱۰۷۵ق از کتابت نسخه ای از «اصول کافی» به خط نسخ فراغت یافته است. کتاب به شماره ۱۶۹۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

[ابهر از دهات بلوک جی اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته و از محلات اصفهان است.]

سیّد زین العابدین بیدآبادی

سیّد زین العابدین بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی، عالم فاضل و صالح متقی.

علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی درباره او می نویسد: «از اهل فضل و براعت و علم و کمال و شهرت و وجاهت و اعتبار بوده» است.

او در اصفهان تحصیل کرده و در شمار علمای معتبر اصفهان درآمد. در شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۶۵ق که مردم بی پناه بدو پناه بردند، از دستگاه حکومت ظلم ها کشیده و ستم ها دیده است. وی قبل از سال ۱۲۹۰ق وفات یافته و در مقبره پدر بزرگوار خود در مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.(۲)

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۳، ص۸۰۱.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۸؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۵۷ و ۱۵۸؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۵؛ الکرام البرره، ج۲، ص۵۸۹؛ تکمله نجوم السّماء، ج۱، ص۳۶۸.

زین العابدین اشرف الکتاب اصفهانی

ملّا زین العابدین اشرف الکتاب بن محمّد تقی اصفهانی، یکی از بزرگترین خوشنویسان قرن سیزدهم هجری.

[او در سال ۱۱۸۷ق در اصفهان متولّد شده(۱)] و نزد آقا محمود اصفهانی و [عبدالغفار اصفهانی(۲)] مشق خط کرده و در انواع خطوط خصوصا ثلث و نسخ به مقامی عالی رسیده و در بین خوشنویسان عهد خویش ممتاز گشته است.

اعتمادالسلطنه در مقام بلند او می نویسد:

«آقا زین العابدین خطاط، از مفاخر عظیمه این دولت است که در قلم نسخ کرامت اظهار می فرمود.»(۳)

به پیش خط خوش نغز اشرف الکتاب ز خط سبزنکویان همه دهان بستند(۴)

[جمعی از خوشنویسان زبده در اصفهان نزد او مشق خط کرده اند از جمله: میرزا محمّد علی سلطان الکتاب، میرزا محمّد علی مطلق، میرزا علی تنباکوفروش، سیّد محمّد بقاء اصفهانی، میرزا علیرضا پرتو، میرزا محمّد علی قاری و دیگران.(۵)

اشرف الکُتّاب در پیری نیز بدون عینک و در کمال پختگی و استادی خط می نوشت. بسیاری از قرآن ها و ادعیه را به سفارش ناصرالدّین شاه و رجال و اعیان قاجاریه کتابت کرد و بدین خاطر از سوی ناصرالدّین شاه به «اشرف الکُتّاب» و «سلطانی» لقب گرفت.(۶)]

تاریخ وفات او را «اعتماد السلطنه» و به تبعیّت از ازاو سایر زندگینامه نویسان ۹ شعبان ۱۲۹۶ق نوشته اند.(۷) [ولی صحیح تر آن است که در همان روز ماه ولی در

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- فهرست خوشنویسان اصفهان: خطی.

۳- چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۸۶.

۴- تذکره خوشنویسان معاصر، ص۶۵.

۵- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۷۸.

۶- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۰۷۱ و ۱۰۷۲.

۷- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۹۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۰۷؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۳۴۷؛ فرهنگ معیّن ج۵، ص۱۸۲؛ مرقع (استاد قدسی)، ص۲۱.

۱۲۹۵ق او از دنیا رفته است. مدفن او در تکیه آقا حسین خوانساری واقع در تخت فولاد اصفهان است. سنگ مزار او سالیان دراز در زیر انبوهی از خاک از دیده ها پنهان بود. نگارنده (غلامرضا نصرالهی) در تابستان ۱۳۷۸ موفق به شناسایی قبر او شد.]

قرآن ها، ادعیه و قطعات فراوانی از او اغلب با خطوط نسخ و رقاع ممتاز در کتابخانه های مختلف ایران و خارج موجود است. از نمونه خطوط زیبای او خطوط سنگ لوح مرمرین قبر میرزا ابوالحسن سلطان الاطباء (متوفی به سال ۱۲۶۹ق) به خط ثلث عالی در تخت فولاد اصفهان است.(۱)

سیّد زین العابدین حسینی اصفهانی

سیّد زین العابدین بن محمّد تقی حسینی اصفهانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] که در محرم ۱۱۳۲ق نسخه ای از «استبصار» شیخ صدوق را با نسخه علّامه مجلسی و نسخه ملّا محمّد تقی مجلسی مقابله کرده و حواشی آنها را نقل نموده است. نسخه به شماره ۷۰۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی وجود دارد. او در آخر نسخه تصریح کرده که نزد علّامه مجلسی تحصیل کرده و از او چنین یاد کرده است:

«شیخنا و مقتدانا و استادنا و من به استنادنا...»(۲)

زین العابدین عابد اصفهانی

حاج زین العابدین اصفهانی متخلّص به «عابد» [فرزند محمّد جعفر]، شاعر ادیب در قرن سیزدهم هجری.

در مشهد مقدس به تجارت مشغول بود. عاقبت در سال ۱۲۲۹ق وفات یافت. شعر را نیکو می سرود و در سرودن قصیده و غزل و مثنوی مهارت داشت.

او در سال ۱۲۲۴ق «جلاء العیون» تألیف: علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را به بحر

۱- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸؛ ص ۲۲۰؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۲۶.

متقارب به نظم کشیده و آن را «چهارده گنج مثنوی» یا «مثنوی روضه المؤمنین» نام نهاده است، که در کتابخانه حاج محمّد نخجوانی در تبریز موجود بوده است. از اوست:

رایحه خلق او نفحه عنبر ببرد چاشنی نطق او رونق شکر شکست

باد به هر سو که برد خاک سر کوی او مجمره عود سوخت، طبله عنبر شکست

صاعقه میغ او، شعله در اخگر نشاند شعشعه تیغ او، لمعه در اختر شکست

کلک تو از یک کنار بر ورق روزگار نامه بهزاد شست، خامه آذر شکست(۱)

میرزا زین العابدین موسوی خوانساری

میرزا زین العابدین بن ابوالقاسم جعفر بن آقا سیّد حسین موسوی اصفهانی خوانساری، از علماء اتقیاء و مجتهدین بزرگ اصفهان.

وی در ۸ ذیقعده ۱۱۹۰ق در خوانسار متولّد شد و به اصفهان مراجعت کرده و در محلّه چهارسوق شیرازی ها ساکن شده و به تحصیل مشغول شد. اساتید او در خوانسار پسرعمویش سیّد ابوالقاسم بن سیّد حسن خوانساری و پدر دانشمند خود و سیّد محمّد مهدی خوانساری (صاحب رساله ابوبصیر) بوده اند. او پس از آن به نجف اشرف مهاجرت کرده و ادامه تحصیل داد. آنگاه به اصفهان آمده و از درس حاج محمّد ابراهیم کلباسی، ملّا علی اکبر اژه ای و ملّا علی نوری بهره برده و از جمعی از علماء از جمله میر محمّد حسین امام جمعه، حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام، آقا سیّد محمّد قصیر رضوی مشهدی، سیّد صدرالدّین محمّد عاملی، شیخ حسین بحرانی و حاج محمّد ابراهیم کلباسی موفق به اخذ اجازه گردید.

او عالمی دانشمند و زاهد و متّقی و مورد احترام علماء و مردم بوده و به قداست و عبادت شهرت داشته و اهل تهجّد و تزکیه و تهذیب بوده است و در مسجدی از محلّه

۱- تذکره دلگشا، صص ۴۲۷ و ۴۲۸؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۱۱۳۹ و ۱۱۴۰؛ الذریعه، ج۵، ص۳۱۲؛ تذکره اختر، ص۱۴۱؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۰۷؛ تذکره نگارستان دارا، ص۲۳۲؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۶۹؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ج۲، ص۸۵۲.

چهارسوق شیرازی ها (در فلکه چهارسوق کنونی) اقامه جماعت می نموده است.

جمعی از علماء و مجتهدین از او اجازه گرفته اند که از آن جمله اند:

دو فرزنـد بزرگوارش میرزا محمّـد باقر چهارسوقی (صاحب روضات)، میرزا محمّـد هاشم چهارسوقی و نیز مجتهد عالیقدر میر سیّد حسن مدرس (میر محمّد صادقی).

وی سـرانجام در ۱۲۷۵ق وفـات یـافته و در بقعه تکیه مادرشـاهزاده واقع در تخت فولاد اصـفهان مـدفون شـد. خط ثلث زیبای سنگ لوح مرمرین مزار او به خط خوشنویس توانا میر محمّد حسین حسینی قائنی است.

وی را تألیفات عدیده است که از آن جمله است:

۱. «شرح اصول المعالم»۲. «شرح زبده الاصول»۳. «رساله در قواعد عربیّت»۴. «رساله در اجماع»۵. «حلّو التّناول و سهل التّداول فی مسأله التّداول» یا «رساله در تداخل اسـباب»۶. «الطّلع النّضـید و النّور الجدید» یا «رساله در تعارض حقیقت مرجوحه با مجاز راجح»۷. «رساله در نیّت»۸. «رسـاله در احباط و تکفیر»۹. «رسـاله در نوادر احکام» ۱۰. «شرح خلاصه الحساب» ۱۱. «رساله در قرائت مالک و ملک در نماز» ۱۲. «بهجه النّاضر و سرور الخاطر»

علاوه بر اینها تعلیقات و حواشـی زیادی بر کتابها نوشـته است. در شـعر صاحب طبع عالی بوده و خطب و اشعار او که مُشَعَّر بر مقام شامخش در ادبیّت و عربیّت است موجود است. از جمله این شعر از اوست:

لب لعل شکر باری که از یارم درخشان است شرف دارد بر آن لعلی که در کوه بدخشان است

نیستان شکرها را به هندستان سمرقند است به از آنها لب شیرین ترکان سمرقند است

میرزا زین العابدین خطوط ثلث و نسخ را بسـیار زیبا می نوشته و از جمله در سالهای جوانی در سال ۱۲۱۷ق نسخه ای از قرآن کریم را کتابت کرده و در حاشیه آن مطالب

تفسیری نوشته است.(۱)

سیّد زین العابدین رضوی خوانساری

آقا سیّد زین العابدین رضوی خوانساری بن سیّد محمّد حسن بن محمّد بن میر علی اکبر نقوی، عالم فاضل زاهد.

در حدود سال ۱۲۲۵ق متولّد شده و در اصفهان خدمت جمعی از اعاظم علماء همچون میر سیّد حسن مدرس، ملّا حسینعلی تویسرکانی، آقا سیّد محمّد شهشهانی و احتمالاً حاج شیخ محمّد باقر نجفی تلمّذ نموده و به آقایان مسجد شاه [علمای خاندان نجفی اصفهان] اختصاص یافته است. در محله مسجد حکیم سکونت داشته و در مسجد علی اکبر امامت می نموده است.

وی از جمله کسانی است که به شرف ملاقات حضرت ولی عصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) نایل گردیده و از او کرامات و استجابت دعوات منقول است.

او در ۱۳ ربیع المولود ۱۳۰۷ق وفات یافته و نزدیک تکیه لسان الارض در تخت فولاد مدفون گردید.

تألیفاتی دارد که از آن جمله است:

۱. «ترجمه انوار نعمانی» تألیف سیّد نعمت اللّه جزائری که ترجمه به نام آقانجفی به طبع رسیده است. ۲. «حسام الشّیعه» که به نام [بعضی از علمای اعلام و فضلاء کرام حاضرین مجلس شریف و محفل ضیف سرکار شریعتمدار] آقانجفی به طبع رسیده است.(۲)

۱- مناهج المعارف (مقدمه)، صص ۲۲۰-۲۲۵؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۹۷-۱۰۰؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۰۸۴-۲۰۹۰؛ دو گفتار، ص۱۰۴؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۱۱۲-۱۱۶؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ الکرام البرره، ص۵۹۰؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۱۹۰؛ دانشمندان خوانسار، صص ۳۶۷-۳۷۵؛ فرزانگان خوانسار، صص ۸۳-۸۵؛ الذریعه، ج۱، ص۲۸۰ و ج۱۳، ص۳۰۰ و ج۱۱، ص۱۴۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۹ و ۳۴۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۳۷۱ و ۳۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۸؛ الذریعه، ج۷، ص۱۲؛ فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۷۱.

حاج زین العابدین اصفهانی

حاج زین العابـدین بن آقا حسن قناد، عارف سالک، از عرفای قرن سـیزدهم هجری. بر روی سـنگ مزار او یان القاب مشاهـده می شود: «النّاشر الشّریعه النّبویّه و سالک المسالک المرتضویّه».

وی در ماه جمادی الاولی سال ۱۲۳۱ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّد زین العابدین مطهری

آقا سیّد زین العابـدین مطهری (معروف به «افتخار الواعظین» فرزنـد سیّد محمّـد حسن سلطان الواعظین کاشانی (سیّد حسن کاشـی)، عـالم فاضـل، واعـظ کامـل از شـاگردان شـیخ محمّـد تقی آقـانجفی. مؤلّف کتاب «دفینه الـدّرر» درباره امامزاده های اصفهان. متوفی در ۳ رمضان المبارک ۱۳۶۰ق به سن متجـاوز از ۸۵ سالگی مـدفون جنب قبر پـدر خود در یکی از اطاق های تکیه میرزا ابوالمعالی واقع در تخت فولاد اصفهان.(۲)

زین العابدین شکوه*

زین العابدین شـکوه فرزند میرزا حسـین خان، از شـعراء و نویسـندگان معاصـر، از دودمان میرزاهای سـرجوبشاهی اصفهان. در سال ۱۳۰۹ش در اصفهان متولّد شد. در منزل او را «حسن» می گفتند. پدرش نایب الحکومه بود و سپس در فلاورجان بخشدار شد. عمویش از کارمندان خوشنام و باسابقه استانداری اصفهان بود.

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

پس از طی تحصیل در مقطع ابتدائی، تا سیکل اوّل را در دبیرستان فرهنگ و تا دیپلم را در دبیرستان ادب طی نمود. در این سالها که مقارن با جنبش ملّی شدن نفت بود به سازمان دانش آموزان طرفدار ملّی شده نفت پیوست. او برای ادامه تحصیل به تهران رفت و وارد دانشگاه تهران شد. در این سالها او عضو حزب زحمتکشان بود و پس از انشعاب خلیل ملکی و همفکرانش، او نیز به حزب نیروی سوم پیوست. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش به علّت مبارزات سیاسی، از ادامه تحصیل او جلوگیری شد. او به ناچار در آموزشگاه برادرش محمود شکوه به تدریس پرداخت. پس از پیروزی انقلاب، او به تحصیل ادامه داد و عاقبت فوق لیسانس گرفت. او عمر را بدون همسر و در تجرّد به سر برد و در اواخر عمر در کرج ساکن شد. تا اینکه بر اثر حمله سارقان به او در پارک به شدّت مجروح شده و چند روز بعد در سه شنبه ۲۱ آبان ۱۳۸۱ش (۷ رمضان ۱۴۲۳ق) در بیمارستان جان به جان آفرین تسلیم نمود و جسدش در قبرستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

شکوه مردی نیک رفتار، دیندار، میهن دوست و طالب ترقّی مسلمین بود (و بسیاری از اشعارش درباره انقلاب اسلامی است و اشعاری در رثای فوت دکتر مصدق و شهادت استاد شهید مطهری و مدح امام خمینی (ره) و توصیف انقلاب اسلامی سروده است.)

اشعار و مقالات سیاسی او در چهار جزوه به نام های۱. «بهار دوم»۲. «حسینیّه»۳. «سرود استقلال» و۴. «سه قصیده» به چاپ رسیده است.

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) در رثاء و مادّه تاریخ فوت او این شعر را سروده است:

شکوه اصیل مبارز که با بیان و قلم پی عقاید خود بود راسخ و نستوه

علیه مستبدّ و توده ای بسی کوشید به طور منفرد و در صفوف و بین گروه

دریغ و درد که دوران چه بر سرش آورد کسی که جان و دلش بود از صفا انبوه

دچار کیف رُبا گشت و سارق شهری هزار مرتبه بدتر ز رهزن کوه

ز حمله با موتور و ضربه و شکست عِظام شد از جهان ز پس هفته ای قرین ستوه

به دست سارق جانی اجل سپرد او را که تا کند دل «برنا» غمین و پراندوه

نوشت از پی تاریخ رحلتش: «گردید شهید زجر و جفا زین العابدین شکوه»

۲۳۸+۱۱۸۵=۱۴۲۳

این شعر از اوست:

تا به راه عشق جانان، ترک جان و سر گرفتم محو در او لذّتی بیرون ز حدّ و مَر گرفتم

زنده می ماندم که سازم زنده جاوید حق را ور نه جان را در رهش از هرچه کم، کمتر گرفتم

بوالعجب کاری به گیتی کردم و از کَرّ و فَرَّش پرچم آزادگی بر دوش تا محشر گرفتم

لکّه ننگ و سیاهی شُستم و نسل بشر را از تباهی وا رهاندم، زندگی از سر گرفتم

راه جمعی رهزن دنیا و دین و عقل و ایمان با تنی معدود از مردان جنگاور گرفتم

در جهاد اکبر آوردم جوان و پیر و هر کودک ترک ظاهر از برادر و اصغر و اکبر گرفتم

انقلاب افکندم اندر خلق عالم تا ز عشقت بینوا را زیر خون چون قُلزُم احمر گرفتم

نخل آزادی به خون خویش کردم آبیاری جای در قلب همه عالم به بحر و بر گرفتم

شور در سر باید و شوقی به دل، ملک سخن را گر گرفتم ای «شکوها» با همین لشگر گرفتم(۱)

میر زین العابدین کرمانی*

میر زین العابدین بن میر محمّد حسین کرمانی، از علمای قرن یازدهم هجری. او در روستای «رامشه» (رامشن) جرقویه ساکن بوده و تحصیلات دینی خود را در نجف انجام داده است.

سرانجام در سال ۱۰۳۸ق در رامشه وفات یافته و در امامزاده آنجا مدفون شده است. ماده تاریخ وفاتش این مصرع است:

«بزودی رفت پیش جدّ و آباء»(۲)

زین العابدین اصفهانی*

زین العابدین بن رجب اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از «اصول کافی» تألیف: شیخ کلینی را در ۲۸ محرم ۱۰۸۷ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه امام جمعه زنجان موجود است.(۳)

زین العابدین اصفهانی*

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا».

۲- گرکویه، (ویرایش دوم)، ص۲۱۱.

۳- دلیل المخطوطات، ج۱، ص۱۲۴.

زین العابدین بن محمّد رفیع اصفهانی، از کاتبان قرن دوازدهم هجری است. در یزد ساکن بود و در نوشتن خط نسخ مهارت داشت. او مجموعه ای شامل «حاشیه مدارک الاحکام» تألیف: میرزا ابراهیم خلیفه سلطانی و «مقدّمه الواجب» تألیف: محمّد باقر سبزواری را به خواست شیخ عبدالنّبی شیرازی در یزد، در نیمه ربیع الثّانی ۱۱۷۵ق کتابت نموده است. این مجموعه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

ملّا زین العابدین خوانساری

ملّا زین العابدین بن سعید خوانساری، از علمای اخیار و فضلای ابرار بوده، در ذیقعده سال ۱۲۸۸ق وفات یافته جنب فاضلان در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۲)

زین العابدین طالخانچه ای

زین العابدین بن محمّد صادق طالخانچه ای اصفهانی [از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری و از اهالی روستای «طالخونچه» سمیرم] در عصر پنج شنبه ۱۹ جمادی الثّانی ۱۲۳۱ق کتابت «منیه اللّبیب» تألیف: عمیدالدّین عبدالمطلب حسینی را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۷۴۰۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

میر سیّد زین العابدین خاتون آبادی

میر سیّد زین العابدین بن میر محمّد صالح بن میر عبدالواسع خاتون آبادی، عالم فاضل [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] و از علماء سلسله خاتون آبادی، در اصفهان به تحصیل

۱- فهرست مرعشی، ج۱۶، ص۳۳۷.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص۸۸.

پرداخته و به افتخار مصاهرت علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی نائل آمده است.

سال وفاتش به دست نیامد.(۱)

زین العابدین رشتی

زین العابدین بن طیّب بن سیّد قاسم رشتی [از ادباء و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری] در روز چهارشنبه جمادی الثانیه ۱۲۵۵ق از کتابت «مثنوی معنوی» به خط نستعلیق در اصفهان فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۴۱۰۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

میرزا زین العابدین نعمت اللهی

میرزا زین العابدین نعمت اللهی ملقب به «نعمت علی» فرزند آقا میرزا عباس بن میر محمّد هادی پاقلعه ای بن حاج میرزا محمّد حسینی خاتون آبادی اصفهانی، عارف سالک [از مشایخ صوفیه نعمت اللهی اصفهان در عصر حاضر] در اصفهان متولّد شده و پس از طی مراحل سیر و سلوک شیخِ فقرای نعمت اللهی اصفهان شد و سرانجام در روز شنبه ۴ جمادی الثّانی ۱۴۰۱ق وفات یافته و در تکیه آقاباشی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)

[استاد منوچهر قدسی ضمن قطعه ای در مرثیه او مادّه تاریخ وفاتش را چنین یافته است:

از پی سال وفاتش خامه «قدسی» نوشت: «شاد بادا جان زین العابدین در وصل دوست»(۴)]

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۵۱.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۳، ص۳۰۸۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳؛ گلستان جاوید، ص۱۱۲.

۴- دولت دیدار، ص۵۱.

ملّا زین العابدین خاتون آبادی

مولی زین العابدین بن عبدالحسین خاتون آبادی [از فضلاء و دانایان علم قرائت و تجوید] مؤلّف «تجوید القرآن» به فارسی در تجوید، برحسب قرائت عاصم، نسخه آن در کتابخانه آقا سیّد شهاب الدّین مرعشی در قم موجود است و در آنجا گوید شاید عبدالحسین بن زین العابدین باشد.(۱)

میرزا زین العابدین منشی اصفهانی

میرزا زین العابدین نصیری طوسی اصفهانی متخلّص به «منشی» فرزند میرزا عبدالحسین منشی الممالك. از ادباء و فضلای قرن یازدهم هجری.

در اصفهان متولّد شده و تحصیل کرده و پس از فوت پدر منصب منشی الممالك را در زمان سلطنت شاه عباس ثانی برعهده گرفت. سال فوت او معلوم نیست امّا تا حدود سال ۱۰۶۵ق زنده بوده است. گاهی شعر می سرود.

از اوست:

گه چرخ مرا ز عیش مستی افزود گاهی ز خمار تنگدستی افزود

روشن دل را سپهر چون فوّاره چندان که بلند می کرد پستی افزود(۲)

ملّا زین العابدین مجلسی

ملّا زین العابدین بن ملّا عبداللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل، محدّث فقیه و زاهد عابد [از علمای اصفهان در قرن یازدهم هجری].

۱- الذریعه، ج۳، ص۳۶۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۰۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۶۱؛ دستور شهریاران: مقدمه، ص۴۸.

در اصـفهان نزد جمعی از فحول علماء خصوصا عمّ بزرگوار علّامه ملّا محمّد باقر مجلسـی تلمّذ کرده است. او کتاب «استبصار» را نزد علّامه خوانده و علّامه مجلسی در آخر نسخه انهائی برای او نوشته و از او با این القاب یاد کرده است:

«المولی الفاضل الصّالح المتوقّد الذّکی قره عینی مولانا زین العابدین»

این نسخه (کتاب «استبصار») به شماره ۴۴۸۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است.

[سـال وفـاتش به دست نیامـد. امّا تا سال ۱۰۹۷ق در قیـد حیات بوده است.] مـدفن او خارج بقعه علّامه مجلسـی، جنب مسـجد جامع اصفهان است.(۱)

زین العابدین موسوی اصفهانی*

زین العابدین بن عبدالمطلب موسوی اصفهانی از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری. وی به «سیّد میرزا» معروف بوده و در سال ۱۲۲۵ق کتاب «مصابیـح القلوب» تألیف میر محمّد حسـین خاتون آبادی به خط نسخ کتابت نموده که به شـماره ۹۸۲۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میر زین العابدین میر محمّد صادقی

میر زین العابـدین میر محمّـد صادقی بن میر سـیّد علی بن میر محمّد باقر حسـینی اصـفهانی، عالم فاضل متقی [از علماء و فقهاء اصفهان در قرن سیزدهم هجری].

وی برادر علّـامه میر سـیّد حسن مـدرس بوده و به اتّفـاق او به نجف اشـرف رفته و در خـدمت اساتیـد آنجـا تحصـیل نموده، به اصفهان مراجعت کرد و به دستور برادر بزرگوار

۱- زندگینامه علّامه مجلسـی، ج۲، صص ۳۵ و ۳۳۳؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۸؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ اجازات الحدیث، ص۴۷؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۲۶ و ۲۷؛ الکواکب المنتشره، ص۳۰۳؛ فهرست مجلس، ج۱۲، ص۳۸۲؛ فیض قدسـی، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ علّامه مجلسـی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۴۰ و ۵۴۴.

۲- فهرست الفبایی رضوی، صص ۵۲۲ و ۷۵۱.

خود و خواهش مردم، به بلوک کرون رفته و به نشر احکام و تبلیغ و ترویج پرداخته، در حدود سال ۱۳۰۰ق در آنجا وفات یافته و مدفون گردید.(۱)

زین العابدین ریزی لنجانی*

زین العابدین بن علی ریزی لنجانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «زاد المعاد» را در رجب ۱۲۶۰ به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۵۷ در کتابخانه مدرسه صدر خواجو در اصفهان موجود است.(۲)

آقا میرزا زین العابدین شهشهانی

آقا میرزا زین العابدین شهشهانی بن میرزا محمّد علی بن میرزا مرتضی به میرزا عبدالمطلب بن حاج محمّد رحیم شیخ الاسلام بن شیخ محمّد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقق سبزواری، عالم فاضل ادیب از دانایان علوم قرآنی و تجوید [در اواخر دوره قاجاریه].

در حدود سال ۱۲۴۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی کثیر از فحول دانشمندان همچون: میرزا عبدالعلی هرندی، میرزا محمّد مهدی نایب الصّدر، میرزا محمّد علی حسینی، میرزا محمّد اسماعیل طباطبائی زوّاره ای در علام تجوید و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی و دیگران تحصیل نموده و نزد مرحوم بیدآبادی معزّز و محترم و مقبول القول بوده است. وی به تدریس قرائت و تجوید می پرداخته و در مسجد صفا در محلّه شهشهان اقامه جماعت می نموده است.

سرانجام در سال ۱۳۱۸ق وفات یافته و در مقبره سه تنان جنب مسجد آقانور اصفهان مدفون شد.(۳)

۱- ارشاد المسلمین، (خطی)، ص۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۹.

۲- فهرست صدر خواجو، ص ۵۰.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۶ و ۴۳۷؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۶۱ و ۲۶۲؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ مزارات اصفهان، صص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۲۲۶.

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «اعتصام المرید فی توضیح معضلات کلام اللّه المجید»، که در ۳ ذیحجه ۱۲۸۵ق تألیف شده و در کتابخانه توفیق وهبی در بغداد موجود بوده است.(۱)] ۲. «اعراب ستّ سور و تفسیرآن» شامل سوره های بنی اسرائیل، یس، الرّحمن، آیه نور، جمعه، مُلک، دهر و خاتمه در فضیلت قرآن می باشد. تاریخ ختم تألیف ۱۲۶۵ق است. نسخه در کتابخانه علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲) ۳. «تذکره القرّاء» به عربی، در یک مقدّمه و ۱۴ باب که تألیف آن در سال ۱۲۶۷ق به پایان رسیده است و به شماره ۱۵۴۰ در کتابخانه مرعشی موجود است.(۳) ۴. «ثمره الفؤاد فی حظّ الاحبّه و الاولاد»، در فقه، به عربی در قواعد ارث به صورت مشجّر در یک مقدمه و پنج باب و خاتمه می باشد.(۴) ۵. «درّه الدّارین فی رضاع النّجدین» در فقه، به عربی، در قواعد رضاع، در چند فصل و خاتمه به صورت مشجّر می باشد. تاریخ ختم تألیف سال ۱۳۱۲ق است.(۵) ۶. «شجره التّجوید» ترجمه «شجره طیبه» به فارسی، مطبوع ۷. «غنیمه القبور فی عمل الشّهور» در ۱۲ باب، به فارسی که نسخه ای از آن به شماره ۲۴۴۰ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم و نسخه دیگر به شماره ۲۷۷۱ در همان کتابخانه موجود است.(۶)] ۸. «الفوائد التّجویدیه فی بیان القراءه القرآنیه»۹. «قواعد در طرز ادای آیات قرآن»(۷) ۱۰. «کنوز الاعلام و رموز الاحکام» در فقه، به فارسی که در ۱۴ رمضان المبارک ۱۳۱۳ق از تألیف آن فراغت یافته است.(۸) ۱۱. «کنوز الطّاعات فی رموز الواجبات»، فقه به فارسی ۱۲. «لمحه الالبان فی رضاع الصبیان» در

۱- نسخه های خطی، ج۵، ص۴۰۹.

۲- فهرست کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص ۴۲-۴۹.

۳- فهرست مرعشی، ج۴، ص ۳۴۰.

۴- فهرست مرعشی، ج۷، ص۵.

۵- فهرست مرعشی، ج۷، ص۵.

۶- فهرست مرکز احیاء، ج۶، ص۴۱۸ و ج۷، ص۲۴۷.

۷- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱، ص ۱۴۰.

۸- فهرست مرعشی، ج۷، ص۳۲۳.

فقه فارسی که نسخه ای از آن به شماره ۱۶۲۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱) ۱(۲) «شجره الطیبه» به فارسی در تجوید [که در محرم ۱۲۸۳ق آنرا نوشته و کاتبی گمنام به خط زیبای نسخ در ۱۸ رمضان ۱۳۰۹ق کتابت نموده و به شماره ۷۹۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است. نسخه ای دیگر نیز که ظاهرا نسخه اصل وبه خط مؤلف است به شماره ۲/۸۹۲۰ در همان کتابخانه وجود دارد.(۳)] ۱(۴) «التشجیرات» [به عربی که در جمعه ۲۷ جمادی الاوّل ۱۲۶۷ق تألیف آن را آغاز کرده و در ۱۲ باب و یک خاتمه در جمادی الآخر آن سال به پایان رسانده است. دو نسخه از این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. نسخه ای به شماره ۲/۱۵۴۰ که در ربیع الاوّل ۱۲۵۸ق کتابت شده و نسخه شماره ۱/۸۹۲۰ که از برگ اوّل تا باب هفتم افتادگی دارد و در محرم ۱۲۸۳ق کتابت شده است.(۵)]

زین العابدین تبریزی

زین العابدین بن محمّد علی تبریزی، از فضلاء قرن سیزدهم است. در اصفهان ساکن بوده و احتمالاً کتاب «زینه الصالحین» (در آداب دعا و شرایط آن و اذکار و فضیلت آن و اسرار طهارات و غیره) از تألیفات اوست. تاریخ نسخه ۱۲۶۳ق است ولی معلوم نیست که سال تألیف است و یا کتابت نسخه. زین العابدین تبریزی این نسخه را تصحیح نموده و مطالبی را بر آن افزوده است.(۶)

زین العابدین رمّال اصفهانی*

زین العابدی رمّال فرزند محمّد قاسم اصفهانی، از مردان قرن دهم هجری است در

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۵۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۴۱ و ۳۴۲ و ج۲۳، ص۹۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۳، ص۹۶ و ج ۲۰، ص۳۰۲.

۴- الذریعه، ج۱۲، ص۹۳؛ دانشمدان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۸.

۵- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۴۱ و ۳۴۲ و ج۲۳، ص۹۶.

۶- الذریعه، ج۱۲، ص۹۳؛ دانشمدان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۸.

عمل به رمل و اسطرلاب استاد بوده و تألیفاتی در این موضوعات دارد. ظاهرا اوایل قرن یازدهم هجری را هم درک کرده است. این کتابها از اوست:

۱. «ثمره الارواح» به فارسی، در رمل، در دو مقدمه، چهار باب و یک خاتمه. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه های مجلس شورا، مجلس سنای سابق، ملّی و آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱) ۲. «زین الرمّل»(۲) ۳. «کنز الاحباب»، در رمل، به فارسی، که در سال ۹۹۳ق در دو مقدمه و دو مقاله (و هر مقاله شامل هشت باب) تألیف شده است و نسخه هایی از آن در کتابخانه های مجلس شورا، آستان قدس رضوی، ملّی، دائره المعارف بزرگ اسلامی و آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

زین العابدین قهفرخی

زین العابدین بن قربانعلی قهفرخی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری و از اهالی «قهفرخ» از توابع چهارمحال] کتابهای «کبری» و «بهجه الطالبین» را در شنبه ۱۷ رجب ۱۲۷۳ق به خط نسخ به پایان رسانیده است. این دو نسخه به شماره ۷۲۹۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

سیّد زین العابدین مختاری نایینی

سیّد زین العابدین مختاری نایینی بن سیّد محمّد بن سیّد روح الامین حسینی مختاری عبیدلی سبزواری، عالم فاضل، از علماء قرن دوازدهم هجری، ساکن اصفهان.

وی تا سال ۱۱۲۲ق زنده بوده و در این سال تملک خود را بر کتاب «لوامع النّجوم»

۱- فهرست مجلس، ج۳۶، ص۱۷۳؛ فهرست سناج، ج۲، ص۷۵؛ فهرست ملی، ج۱، ص۳۲۱؛ فهرست مرعشی، ج۲۱، صص ۳۳۲-۳۳۴ و ج۲۲، ص۲۵۳.

۲- فهرست مجلس، ج۲۱، ص۱۶۳.

۳- فهرست مجلس، ج۲۱، صص ۱۶۳-۱۶۵ و ج۳۶، صص ۹۴ و ۲۰۲؛ فهرست الفبایی رضوی، ص۴۷۱؛ فهرست ملّی، ج۵، ص۵۷۹؛ فهرست دائره المعارف، ج۱، ص۳۲۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۲۱۸.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۸۹.

نگاشته است.(۱)

زین العابدین رارانی اصفهانی

زین العابدین بن حاج محمّد رارانی اصفهانی [از کاتبان فاضل قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و خط نسخ را خوش می نوشته است. اصل او از قریه «راران» جِی اصفهان است که اکنون به شهر پیوسته و در شمار محلّه های اصفهان محسوب است.(۲)] ظاهرا او از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است.(۳)

[این کتاب ها به خط او در کتابخانه ها موجود است]:

۱.. «لوامع صاحبقرانی» تألیف: ملّا محمّد تقی مجلسی، تاریخ کتابت ۲۳ ربیع الثّانی ۱۰۶۶ق موجود به شماره ۲۹۸۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران.(۴) ۲. «من لا یحضره الفقیه» تألیف: شیخ صدوق، تاریخ کتابت: یکشنبه ۲۲ جمادی الثّانیه ۱۰۷۷ق، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران.(۵) علّامه مجلسی گواهی کرده که این نسخه از روی نسخه درستی که من نزد پدرم خواندم نوشته شده است. [۳. «الامالی» تألیف: شیخ صدوق، تاریخ کتابت: شب شنبه ۲۴ شعبان ۱۰۶۳ق، موجود در کتابخانه علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان(۶)]

میرزا زین العابدین شهرستانی

میرزا زین العابدین بن رفیع الدّین محمّد صدر شهرستانی، شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری] او نوه دختری شاه عباس اوّل بوده و در کودکی به دستور شاه صفی کور شد. با این حال به تحصیل علم و ادب پرداخته و شعر نیز می سرود و در اصفهان

۱- الذریعه، ج۱۸، ص۳۷۱؛ الکواکب المنتشره، ص۲۹۹.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۶؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۴۷.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۲، ص۲۹۸۶.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص۲۳.

۶- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۵۸.

روزگار می گذراند.

از اوست:

الهی نوگل ما را بهار بی خزان باشد تبسّم در لبش چون می به ساغر کامران باشد(۱)

میرزا زین العابدین طباطبائی خوراسکانی*

میرزا زین العابدین بن سیّد محمّد طباطبائی خوراسکانی، عالم فاضل، در قرن سیزدهم هجری می زیسته و پس از وفات در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. وی نسخه ای از «شرح لمعه» را کتابت نموده که نزد احفاد او موجود بوده است.(۲)

زین العابدین انصاری

زین العابدین بن نجم الدّین انصاری [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. وی مؤلف کتابی است در «ارث» به فارسی و آن شرح کتاب «ارث» شرایع است. تاریخ فراغت از تألیف: شنبه ۲۳ ذیحجه ۱۱۲۴ق [بوده و] در آنجا از علّامه مجلسی با عبارت: «خاتم المجتهدین استادنا و مولانا محمّد باقر المجلسی» تعبیر می کند. نسخه آن به نظر علّامه [شیخ آقابزرگ] طهرانی رسیده است.(۳)

میرزا زین العابدین بیخود اصفهانی

میرزا زین العابدین اصفهانی متخلّص به «بیخود»، شاعر ادیب [از شعرای قرن

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۷؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۷۱؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۰۴؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۲- خورشید جی، ص۲۹۹.

۳- الذریعه، ج۳، ص۴۰۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۶؛ الکواکب المنتشره، ص۲۹۹.

سیزدهم هجری] از نجباء و بزرگ زادگان اصفهان بوده و در آنجا مُحصِّص بوده است. در شعر طبعی روان داشته است.

از اوست:

خوشا کز مرگ من سازند آگاه آن جفاجو را به این تقریب گردانند خرّم خاطر او را(۱)

سیّد زین العابدین خاتون آبادی*

سیّد زین العابدین خاتون آبادی، عالم فاضل جلیل از علمای قرن چهاردهم در اصفهان. متوفی ۲۸ ذی الحجّه سال ۱۳۷۸ق. مدفون در قبرستان شمال تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد.(۲)

زین العابدین خادم اصفهانی

زین العابدین خادم شریف اصفهانی [از نیکوکاران قرن دوازدهم هجری] در ماه رجب ۱۱۱۶ق تعدادی کتاب قرآن را وقف بر آستانه رضویّه نموده است.(۳)

زین العابدین خاموش اصفهانی

میرزا زین العابدین اصفهانی متخلّص به «خاموش» شاعر ادیب [از سخنوران قرن چهاردهم هجری].

در سال ۱۲۸۵ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخته و از اعضاء قدیمی انجمن شیدا و جزو مؤسّسین اولیّه آن بوده است. غزل به سبک قدما، را خوب

۱- تذکره اختر، ص۴۱؛ تذکره خاقان، ص۴۸۲؛ تذکره سفینه المحمود، ص۱۷۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۸۲؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۸۵ و ۲۸۶؛ تذکره شبستان، ص۷۷.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۳- گنج هزار ساله، ص۹۴.

می گفت. او در ۲۰ ذیحجه ۱۳۵۲ق وفات یافت.

از اوست:

به امیدی دم تیرش دل ما گشت سپر که سرکشته ما پای نهد قاتل ما

تیر نازی نزدی از مژه بر سینه او هرچه برزد به سر کوی تو مرغ دل ما(۱)

زین العابدین خطاط اصفهانی

زین العابدین اصفهانی، [از خطاطان هنرمند قرن سیزدهم هجری] خط نسخ را خوش می نوشته و به خوشنویسی معروف بوده است. فرزندش شیخ عبدالجلیل و نوه اش میرزا علیخان اعلم الممالک از اطبّاء معروف ساکن طهران بوده اند.(۲)

زین العابدین در سال ۱۲۷۰ق کتاب «الفیه الفنون» را به خط زیبای خود کتابت کرده و چاپ سنگی شده است.(۳)

آقا زین العابدین دلال اصفهانی*

آقا زین العابدین اصفهانی متخلّص به «دلّال» فرزند آقا میرزا از شعرای قرن سیزدهم هجری.

در سال ۱۲۳۳ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخته است. در سرودن شعر طبع متوسّطی داشته و دیوان اشعاری به نام «گنج المحب» دارد که در سال ۱۳۰۶ق آن را تحریر کرده و حدود پانزده هزار بیت است. این کتاب به شماره ۳۳۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم وجود دارد.(۴)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۷۳؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۷۰۵ و ۲۷۰۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۱؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۶۲۸ و ۲۶۲۹؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، ص۲۶۱.

۳- الکرام البرره، ج۲، ص۷۰۱.

۴- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۳۸۹؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۲۲؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۹۴.

زین العابدین ریزی لنجانی

زین العابدین ریزی لنجانی اصفهانی [از کاتبان] در قرن یازدهم می زیسته و در دوشنبه ۲۶ ربیع الاوّل ۱۰۶۱ق از کتابت نسخه ای از «مدارك الاحکام» فراغت حاصل نموده است و نسخه ای از آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

زین العابدین ساوجبلاغی

زین العابدین ساوجبلاغی اصفهانی [خطاط نسخ نویس قرن یازدهم هجری ساکن اصفهان] در ۷ ربیع الثّانی سال ۱۰۹۹ق از نوشتن «صحیفه سجادیه» فراغت حاصل نموده است. تعلیقات کتاب اکثرا از علّامه مجلسی است.(۲)

سیّد زین العابدین طباطبائی ابرقوئی

سیّد زین العابدین طباطبائی ابرقوئی، عالم زاهد، فاضل متّقی و محدّث خبیر، ادیب شاعر [در ابرقو متولد شد و پس از فوت پدر و مادر جهت تحصیل به اصفهان آمده و در مدارس عربان، جدّه و صدر به تحصیل پرداخت] و نزد بسیاری از بزرگان اهل علم و عرفان از جمله آخوند ملّا محمّد کاشانی، جهانگیرخان قشقائی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا شیخ محمد رضا نجفی، حاج میرزا عبدالحسین نجفی، حاج [میرزا محمّد صادق خاتون آبادی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و حاج آقا رحیم ارباب] کسب فیض نمود و از برخی از آنان مفتخر به اخذ اجازه روایت و اجتهاد گردید. او سالها خدمت عارف مشهور حاج محمّد جواد بیدآبادی معروف به سرجوئی شرفیاب شده و دست ارادت به او داده و از انفاس قدسی آن پیر روشن ضمیر بهره مند شده و به مقام انسانیّت رسید.

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج ۱، ص۲۹۸.

۲- تراجم الرجال، (چ۱۴۲۲ق)، ج ۱، ص۳۷۸.

او مردی خلیق و مهربان بود و از جمله کسانی بود که عملاً درس دین و اخلاق به مردم می آموخت و مستحبّی از مستحبّات را ترک نمی کرد و مکروهات را عملاً- جزو محرمات دانست قول و فعلش مطابق اوامر خداوند و همیشه به ذکر حضرت حقّ مشغول بود. الحق فرشته ای بود در لباس آدمی.

او در ۸ صفر سال ۱۳۷۲ق در منزل مسکونی خود جنب امامزاده باقر در محلّه خواجو وفات یافته و در تخت فولاد [در جنوب غربی تکیه ملک و مجاور تکیه شهداء] اصفهان مدفون گردید.

کتب و رسایل عدیده ای نوشته بود که از آن جمله است:

۱. «تریاق اعظم» ۲. «رساله در تقوی»۳. «رساله در ولایت»۴. «مجموعه اشعار» که همگی در کتابی به عنوان «ولایه المتقین» [با مقدمه مرحوم حاج سیّد اسماعیل هاشمی، به اهتمام فرزند برومند صاحب عنوان آقای سیّد صادق طباطبائی به طبع رسیده است.

مرحوم ابرقوئی بنا به اقتضای حال گاهی شعر می سروده و در آنها «عابد» یا «عابدین» تخلّص می نموده است.]

این شعر از اوست:

جز صبر از هجوم بلا نیست چاره ای غیر از رضا به سرّ قضا نیست چاره ای

خواهی اگر نجات ز امواج حادثات جز التجا به آن عبا نیست چاره ای(۱)

زین العابدین طبیب اصفهانی

زین العابدین طبیب اصفهانی، از اطبّاء و شعراء اصفهان در قرن سیزدهم هجری. در

۱- ولایه المتقین، مقدمه؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص ۸۰ و ۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۸ و ۶۵۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۳.

اصـفهان به طبابت مشـغول بوده و احمد بیگ اختر از دوسـتان صـمیمی اوست که او را در حُسن اخلاق بی نظیر دانسته و او را مردی وارسته و در کمال استغنا وصف می کند. غزل را نیکو می سروده و «طبیب» تخلّص می کرده است.

از اوست:

می توان یافت ز سوز سخنم کآتش عشق بتان سوخت تنم(۱)

میرزا زین العابدین طبیب اصفهانی*

میرزا زین العابدین طبیب اصفهانی، از اطبّاء حاذق قرن سیزدهم هجری است. در کرمانشاه ساکن بود.

آقا احمد کرمانشاهی در کتاب «مرآه الاحوال» در ذکر مشاهیر کرمانشاه می نویسد:

«عالی جناب مقدس القاب سلاله الاطیاب جالینوس الزّمان میرزا زین العابدین طبیب اصفهانی. وی در لوای برتری از اکثر اطبّاء بلندمرتبه برافراشته است و صبیه مرضیه اش در حباله نور چشمی آقا محمّد اسماعیل است».(۲)

زین العابدین نشاط اصفهانی

میرزا زین العابدین اصفهانی متخلّص به «نشاط» [از شعرای قرن دوازدهم هجری].

[در اصـفهان سـاکن بوده و لطفعلی بیـگ آذر بیگـدلی او را ملاقـات کرده و می نویسـد علاوه بر طبع شـعر، خط را خوش می نوشته است] «نشاط» در سال ۱۱۷۲ق در شیراز وفات یافت. از اوست:

همعنان با غیر و از ما گرم استغنا گذشت نگذرد پیش خدا این ظلم اگر بر ما گذشت(۳)

۱- تـذکره اختر، ج۱، صص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ تذکره مجمع الفصـحاء، ج۵، ص۷۲۱؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۹؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۲، ص۱۱۰۵؛ تذکره انجمن خاقان، ص۵۶۴.

۲- مرآه الاحوال، ج۱، ص۱۸۶.

۳- تذکره آتشکده، (نیمه دوم)، ص۶۵۷؛ لغت نامه دهخـدا: ذیل «نشاط»، صـص ۴۹۷ و ۴۹۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۶.

زین العابدین نقاش اصفهانی*

زین العابدین نقاش اصـفهانی، از هنرمندان خوش قریحه عصر قاجاریه است. معاصـر ناصـرالّدین شاه بوده و در نقاشی و تزیین جلـد کتابهـا و قلمـدان هـا مهـارت وافی داشـته است. او قـاب آینه هـای زیبـایی با شـکل گل و مرغ و گل زنبق پدیـده آورده است.(۱)

از نمونه آثار هنرمندانه او: نقاشـی و تزیین جلد «صـحیفه سـجادیّه» و تذهیب و تزیین و نقاشی های زیبا در صفحات داخلی آن است، که آن را در سال ۱۲۵۹ق به پایان رسانیده است.(۲)

اعلام اصفهان

۱- هنر قلمدان، ص۱۵۶.

۲- فهرست کتابخانه سلطنتی (سابق)، ص۷۱۶.

«ژ»

اشاره

ژولیده اصفهانی

ژولیده اصـفهانی، از شـعرای قرن سیزدهم هجری. در شیراز به تحصیل دروس مقدماتی مشغول بوده و از راه تعلیم اطفال اعیان آنجا امرار معاش می نمود. از اوست:

در عالم اگر آب حیات و ظلمات است زلفت ظلمات است و لبت آب حیات است(۱)

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۷۱۴.

ص: ۲۷۴

اعلام اصفهان

«س»

اشاره

سابق اصفهانی

سابق اصفهانی، از شعرای قرن سیزدهم هجری است. با آنکه بی سواد بود، شعر را نیکو می سرود و از قریحه ای خدادادی برخوردار بود. او در سرای ناصری شیراز به شغل خیاطی مشغول بود. وفات او بعد از سال ۱۲۴۰ق اتفاق افتاد و او در قبرستان درب سلم شیراز دفن کردند.

از اوست:

چشم داری بگشا طلعت جانانه ببین پرتوی از مه رویش به همه خانه ببین

تاب آن زلف بود باعث بی تابی دل مستی ما همه زان نرگس مستانه ببین

نسخه عاشقی و دفتر جانبازی را شمع روشن کن و اندر پر پروانه ببین(۱)

ساسان سپنتا*

دکتر ساسان سپنتا فرزند عبدالحسین، پژوهشگر، موسیقی شناس و استاد دانشگاه در سال ۱۳۱۳ش در اصفهان متولّد شد. او پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به دانشگاه رفته و پس از اخذ لیسانس زبان و ادبیات فارسی و فوق لیسانس زبان شناسی، در مقطع دکترا در رشته زبان شناسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داده و با ارائه تز «بررسی فونوتیکی خصوصیات واج های زبان فارسی» موفق به اخذ درجه دکترا شد. او ضمن تحصیل، در رشته های موسیقی و الکترونیک نیز به مطالعه و تحصیل پرداخته و به استخدام اداره فنی بی سیم وزارت راه درآمد و با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا رفته و تخصص فنّی را کسب نمود و در اداره راه تا سرپرست فنی شبکه بی سیم ارتقاء یافت.

او از نوجوانی به فراگیری ویولن پرداخت و ضمن حضور در کلاس های شبانه هنرستان عالی موسیقی ملّی نزد استاد ابوالحسن صبا به فراگیری دوره های ویولن

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۷۱۶.

پرداخت. پس از فوت استاد، تعلیم ویولن را نزد استاد محمود تاجبخش ادامه داد و در کنار آن از محضر استاد علینقی وزیری، استاد روح اللّه خالقی و دکتر مهدی برکشلی بهره مند گشت.

یکی از خدمات دکتر سپنتا این بود که آثار استادان موسیقی عصر ناصرالدّین شاه را از استوانه های مومی «فنوگراف» که برای مدّتی بیش از ۶۰ سال متروک مانده بود در سال ۱۳۳۸ش با استفاده از معلومات فنّی و تخصّصی خود بازیافت صوتی کرد و آن آثار را که اثر پنجه و نوازندگی استادانی چون میرزا محمّد صادق خان سرورالملك، میرزا حبیب سماع حضور، میرزا عبداللّه، آقا حسینقلی و دیگران بود و بخشی از ردیف آنان را با اجرای خود آنان در بر داشت بر نوار مغناطیسی منتقل کرد و با توضیحات لازم و تحلیل مکتب و سبک آنان در برنامه های متعدّد رادیویی و تلویزیونی برای علاقمندان عرضه کرد.

از سال ۱۳۳۶ش تاکنون مقالات بسیاری در مورد موسیقی زبان شناسی و ادبیات در نشریه های تخصّصی مانند: مجله موزیک ایران، مجله موسیقی و سایر نشریات چون: وحید، آینده، زبان شناسی، ادبستان و ماهور و نشریات دانشگاهی داخلی و خارجی و مجموعه مقالات کنگره های تحقیقات ایرانی ازا و به چاپ رسیده است.

او سالها در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی ایران و خارج همچون دانشگاه تهران، دانشگاه اصفهان، دانشگاه دورهام انگلستان به تدریس اشتغال داشته است.

این کتابها از اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «تاریخ تحوّل ضبط موسیقی در ایران» ۲. «چشم انداز موسیقی ایران»(۱)

سائب ثقفی

۱- چهره افروختگان خطه زنده رود، صص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص ۲۶۷ و ۲۶۸.

سائب بن اقرع ثقفی، از صحابه. گویند رسول اکرم صلی الله علیه و آله سر او را مَسح کرد (دست بر سر او کشید) از عمر بن خطاب مأمور تقسیم غنایم در جنگ نهاوند شد. او جانشین «عبداللّه بن بُدیل» شده و حکومت اصفهان را یافت. گفته شده است که در اصفهان فوت شد.(۱)

سالم اصفهانی

سالم اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان است. از «طاوس» روایت می کند. «حازم بن جبله بن ابی نَضره» از او نقل حدیث نموده است.(۲)

سایر مشهدی

سایر مشهدی معروف به «سایرا» از شعراء و خوشنویسان قرن یازدهم هجری. از مشهد به اصفهان آمد و در این شهر ساکن شد. در تکیه حیدر واقع در چهارباغ اصفهان ساکن بود و با درویشی و قناعت روزگار می گذراند. او خط نستعلیق را خوش می نوشت و از راه کتابت امرار معاش می کرد. در شعر و ادب نیز دستی توانا داشت. «دیوان سایرا مشهدی» نزد استاد حسن وحید دستگردی موجود بوده است.

سال وفاتش معلوم نیست اما مسلما تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) زنده بوده است.

از اوست:

هر نفس دل در شکنج غم سرودی می کند های های گریه ام آهنگ رودی می کند

من نمی دانم که دل می سوزد از غم یا جگر آتش افتاده است در جایی و دودی می کند(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۷۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۸.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۸۹؛ کاروان هند، ج۱، ص۵۳۲؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۸۳؛ کلمات الشعراء، ص۴۶؛ تذکره آتشکده: بخش دوم، ص۴۶۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۱۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۲۲۹؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۱۶۱.

سبزعلی بابا احمدی

سبزعلی بابا احمدی بختیاری [خوشنویس ادیب در قرن یازدهم هجری]. در غرّه ذیحجه ۱۰۸۶ق کتابت «تذکره الشعراء نصرآبادی» را به خط نستعلیق به پایان رسانیده و به نظر مؤلف آن: میرزا محمّد طاهر نصرآبادی رسانیده و یادداشتی در محرم ۱۰۹۸ق بر آن نوشته و گواهی کرده که نسخه متنا و حاشیتا به نظرش رسیده است. نسخه به شماره ۳۰۱۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

سحاب سامانی

سحاب عمّانی سامانی متخلّص به «سحاب» فرزند عبداللّه محیط سامانی چهارمحالی، از شعرای معاصر است. در سال ۱۳۰۱ق در «سامان» چهارمحال متولّد شده و پس از مدّتی تحصیل، در ۱۶ سالگی برای کار به اصفهان آمد.

از اوست:

مرغ حق برخیز و خلق خفته را بیدار کن ملّت ما را باخبر زین وضع ناهنجار کن(۲)

سَحبَل اَسلَمی

سَحبَل بن محمّد بن ابی یحیی اسلمی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن دوم هجری است. وی از پدرش روایت می کند.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش یکم، ص۴۶۴.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۳.

آخوند ملّا محمّد سدید تنکابنی*

آخوند ملّا محمّد سدید بن ملّا احمد جیلی (گیلانی) تنکابنی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل علم مشغول بوده است. وی از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. علّامه در پایان کتاب «تهذیب الاحکام» قبل از «مشیخه» اَنهائی در ۴ جمادی الثّانی ۱۰۷۵ق نوشته است. این کتاب به شماره ۲۴۷۱ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)

فرزندش محمّد رحیم نیز از فضلاء اهل علم در اصفهان است.

سراج مافَرُّوخی

سراج ازهری مافرّوخی اصفهانی، شاعر ادیب. به فارسی شعر گفته.(۲) [و ظاهرا در قرن سوم هجری می زیسته و از خاندان مشهور به علم و ادب بوده است.]

شیخ سراج الدّین هدایت*

حاج شیخ سراج الدّین هدایت فرزند حاج میرزا علی بن میرزا محمّد مجتهد قمشه ای، عالم فاضل. در سال ۱۲۸۴ق در شهرضا (قمشه) متولّد شده و نزد شیخ محمّد رضا مهدوی در شهرضا و حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، میرزا احمد مدرس اصفهانی (ساکن محله نیم آورد)، شیخ محمود مفید و شیخ علی مدرس یزدی در اصفهان تحصیل کرده و از حضرات آیات آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و آخوند ملّا حسین فشارکی اجازه اجتهاد دریافت نمود. او علاوه بر انجام وظایف دینی، به زراعت نیز می پرداخته و در راه کمک به نیازمندان و امور خیریه و آزادی در بندان اهتمام فراوان داشته است.(۳)

۱- فهرست مرکز احیاء، ج۶، صص ۴۴۴ و ۴۴۵.

۲- ترجمه محاسن اصفهان، ص۱۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲.

۳- مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص۲۲۳.

سرانجام او در آذر ۱۳۷۳ش وفات یافته و در صحن امامزاده شهرضا مدفون شد.

سراج الدّین اصفهانی*

سراج الدّین بن میر مسعود اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. وی کتاب «مدارک الاحکام» (از صلاه الکسوف تا کتاب الحج) را به خط نسخ در سال ۱۰۴۶ق کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۹۲۴ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۱)

سیّد سراج الدّین صدر

آقا سیّد سراج الدّین صدر، عالم فاضل آزادیخواه [از روزنامه نگاران قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۹۰ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر نزد جمعی از علماء از جمله شیخ محمّد تقی آقانجفی تحصیل کرد. در ۲۴ ذیقعده ۱۳۲۴ق روزنامه انجمن اصفهان (یا مجله انجمن مقدس ملّی اصفهان) به مدیریت او و به عنوان ناشر افکار و بیانات و نظرات انجمن مقدس ملّی اصفهان انتشار یافت. او نویسنده ای توانا بود و برخی از نوشته هایش در روزنامه فوق الذّکر به چاپ می رسید.

سراج الدّین صدر جبل عاملی موسوی در سال ۱۳۵۴ق وفات یافته و در تکیه مادر شاهزاده واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

[روزنامه انجمن مقدّس ملّی اصفهان در سال ۱۳۸۶ش به اهتمام شهرداری اصفهان تجدید طبع شده است.]

۱- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۶۸۹.

۲- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۲۸۸-۲۹۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۷؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۱۳۵-۱۴۰؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۳۵-۴۳.

سراجای حکاک

سراجای حکاک، شاعر و ادیب و هنرمند. [از شعرای قرن یازدهم هجری] در فن حکّاکی مثل و مانند نداشته و تا آخر عمر به هنر حکّاکی مشغول بوده است. مردی درویش طبیعت و پرهیزکار بوده و قبل از سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) در اصفهان وفات یافته است.

از اوست:

از گریه ها به هر جا که گذشتیم چمن شد وز ضعف به هر جا که نشستیم وطن شد(۱)

سراج حجّار*

سراج حجّار، از استادان حجّاری در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری است. از اهالی لنجان اصفهان بوده و از آثار هنری او: حجاری و سنگ تراشی سنگ بزرگ مرمری منصوب بر مزار محمّد بن بکران (از عرفای عالیقدر قرن هفتم هجری) در شهر پیربکران لنجان است. این سنگ حاوی آیه الکرسی و صلوات کبیره به خط ثلث است و حجّاری آن در سال ۷۰۳ق به پایان رسیده است.(۲)

سرمستی اصفهانی*

سرمستی، از نی زن های ماهر اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. او از بدو تولّد نابینا بوده و نِی را با استادی می نواخته است. او دو نِی داشت که یکی را «نهنگی» و دیگری را «پلنگی» می نامید. او معاصر «نایب اسداللّه» بود ولی در نواختن نی استادی و شهرت «نایب» را نداشت.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۰۶.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۲۶۱-۲۶۴؛ آثار ملّی اصفهان، ص۸۴۹؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۱۲۶؛ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص۲۰.

۳- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۱۹.

سرور اصفهانی

سرور اصفهانی، از ادباء و شعرای اصفهان است که در هند ساکن بوده است. این شعر از اوست:

تو که هر دم از تغافل، فکنی به خاك راهم چه شود اگر نوازی، به نگاه گاه گاهم

اگرم کشی به جایی، نروم ز درگه تو که به غیر آستانت، نبود گریزگاهم(۱)

سرور بن عبداللّه*

سرور بن عبداللّه، خوشنویس هنرمند قرن یازدهم هجری. خط نسخ را خوش می نوشته است و در اصفهان ساکن بوده است.

او نسخه ای از «شواهد الاسلام» تألیف: ملّا رفیعا گیلانی را به خط نسخ در ماه ذیقعده سال ۱۰۹۲ق کتابت نموده است که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

سری اصفهانی

سری بن سلامه اصفهانی، از محدّثین شیعه در قرن سوم هجری است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام دانسته است. وی را کتابی است که احمد بن ابی عبداللّه بن محمّد بن خالد برقی (صاحب محاسن) از او نقل کرده است.(۳)

سعد اصفهانی

۱- تذکره روز روشن، ص۳۵۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص۲۲۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۷۹.

۳- فهرست شیخ طوسی، ص۱۵۱؛ معالم العلماء، ص۵۱؛ اعیان الشیعه، ج۳۴، ص۱۴۸؛ مجمع الرجال قهپائی، ج۳، ص۹۸؛ معجم رجال الحدیث، ج۸، ص۴۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۵؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۱۵۰.

سعد بن ابی الفتح (اصفهانی)، از ادبای اصفهانی در قرون اوّلیه هجری است. مافروخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم صرف و نحو و لغت و انشاء که در اصفهان سکونت داشته اند نام برده است.(۱)

سعد اصفهانی

ابومحمّد سعد بن ابی نصر بن ابی القاسم بن علی بن هاجر اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان است که در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری زندگی می کرده و از «عبدالرّحمان بن عبداللّه بن منده»، «ابوعمرو عبدالوهاب بن عبداللّه بن منده»، «ابوالمظفّر محمّد بن جعفر بن محمّد بن احمد کوسج تمیمی» و «ابوالفوارس طراد زینبی» و غیره حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» کتاب «معرفه الصّحابه» تألیف: «ابوعبداللّه بن منده» را در سه جزء ستوده است.

تولّدش در ۴۶۱ق بوده و سال وفاتش معلوم نیست.(۲)

سعد مافرّوخی

ابوالفضل سعد بن حسین مافرّوخی اصفهانی، ادیب شاعر.

در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می زیسته و ظاهرا پدر مفضل بن سعد بن حسین مافرّوخی مؤلف کتاب «محاسن اصفهان» است.(۳)

سعد فهمی اصفهانی*

سعد بن عبدالرّحمان فهمی، از محدّثین اصفهان در قرون دوم هجری است. اصلاً از اهالی ماربین اصفهان بوده و در سال ۴۲ق متولّد شده و بعد از سال ۱۰۰ق وفات نموده

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۰۱.

۳- ترجمه محاسن اصفهان، ص۱۲۵؛ محاسن اصفهان، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۸۸۲.

است.(۱)

سعد سرندینی اصفهانی

ابوالخیر سعد بن عبداللّه سرندینی اصفهان، از محدّثین عامّه است. «یحیی بن منده» گوید: به اصفهان آمد و از «عبدالوهاب کلابی» نقل حدیث نموده و آنرا نوشت. و «ابوعلی لبّاد» از او روایت می کند.(۲)

سعد اصفهانی

سعد بن عصمه (اصفهانی)، از شعرای پارسی گوی اوایل قرن پنجم هجری است. مافرّوخی در کتاب خود از او نام برده است.(۳)

سعدای اردستانی

سعدای اردستانی، از شعراء اوایل قرن یازدهم هجری. از اهالی اردستان اصفهان بوده و به دکن در هندوستان سفر کرد و پس از چندی به وطن مراجعت کرده و فوت شد. قصیده ای در مدح شاه عباس اوّل صفوی سروده که این دو بیت از آنجاست:

ای به صد معنی ز شاهان جهانت برتری بر تو شاهی ختم و بر خیرالبشر پیغمبری

من نمی گویم نبوّت یا امامت لیک هست حسن خلقت احمدی آثار تیغت حیدری(۴)

شیخ سعدالدّین طبری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ص ۳۳۱.

۲- معجم البُلدان، ج۳، ص۲۱۶.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۳۶.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۰۱؛ تذکره آتشکده: بخش سوم، ص۹۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۳۵۵.

شیخ سعدالدّین بن نجم الدّین بن حسن بن علی طبری از علماء قرن هفتم هجری. وی در سال ۶۷۳ق به اصفهان وارد شده و مشاهده کرد که مردم این شهر برخی صحابه را مقدّم بر خویشان پیغمبر می داشتند (اهل سنّت) و عدّه ای خویشان را برتر از صحابه می دانستند. (شیعه) لذا او کتاب «تفضیل القرابه علی الصّحابه» را تألیف نمود. به همین دلیل علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی وی را شیعه دانسته است.(۱)

ملّا سعدی رشتی

مولی سعدی رشتی گیلانی، از فضلاء و علماء قرن یازدهم هجری است. وی در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان ساکن بوده و به تدریس می پرداخته است. در کتاب «فرائد القوائد» ذکری از او شده است.(۲)

محمّد سعید ابهری

محمّد سعید ابهری، عالم فاضل [در قرن یازدهم هجری] احتمالاً از شاگردان علّامه مولی محمّد باقر مجلسی است.

از آثارش: کتابت نسخه ای است از مجلد سیزدهم کتاب «بحارالانوار» که آنرا در سال ۱۰۸۸ به خط نسخ کتابت نموده و نسخه در حاشیه تصحیح شده است. علّامه مجلسی در صفحه آخر در ربیع الثّانی ۱۰۹۶ق می نویسد که با نسخه اصل مقابله شده است. کتاب به شماره ۳۵۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

فایده: «ابهر» از بلوک «جی» و متّصل به شهر [است] و اکنون به نام «اَبَر» (به فتح اول و دوم) معروف است.

۱- الانوار السّاطعه، ص۷۳؛ الذریعه، ج۴، ص ۳۶۰.

۲- الروضه النضره، ص ۲۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۹، ص ۳۶۲.

میرزا سعیدا اردستانی

میرزا سعیدا اردستانی، از علمای قرن سیزدهم هجری. از احفاد میرزا رفیعای نائینی است. در سال ۱۱۹۰ق متولّد شده و در اصفهان سکونت یافته و به تحصیل پرداخته است. وی در سال ۱۲۵۱ق در اصفهان وفات یافته و در صحن تکیه میرزا رفیعا در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. قبرش به همراه کثیری از قبور علماء و عرفاء به هنگام احداث فرودگاه قدیم اصفهان تسطیح شده و از بین رفت. از او مجموعه ای به جای مانده که در کتابخانه میرزا ابوالهدی کلباسی در اصفهان موجود بوده است.(۱)

محمّد سعید اصفهانی تبریزی

محمّد سعید اصفهانی تبریزی از فضلاء قرن یازدهم هجری. وی نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی در اصفهان به فراگیری فقه و حدیث پرداخته است. علّامه مجلسی در آخر باب مزار کتاب «تهذیب الاحکام» در سال ۱۰۷۶ق برای او اجازه نوشته است. این کتاب نزد میرزا محمّد اردبیلی در نجف اشرف موجود بوده است.(۲)

ملّا محمّد سعید گیلانی

ملّا محمّد سعید بن ملّا ابراهیم گیلانی اصفهانی، عالم فاضل صالح در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از علماء از جمله علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته است. ملّا محمّد باقر بن علی تبریزی نیز در ۲۰ ربیع الاوّل ۱۱۵۹ق به ملّا محمّد سعید

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۹؛ آتشکده اردستان، ج۲، ص۲۸۸؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۳۹۵.

۲- الروضه النّضره، ص۲۴۲؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۹.

اجازه داده است.(۱) ملّا عبدالنبی قزوینی وی را در عتبات عالیات زیارت کرده است. سال وفاتش معلوم نشد.(۲)

وی در سال ۱۱۲۹ق کتاب «ابطال وحده الوجود» را تألیف نموده که نسخه ای از آن جزو کتب اهدایی آقای مشکاه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

وی همچنین نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» را در دوشنبه ۲۹ جمادی الثّانیه سال ۱۱۰۱ق کتابت نموده است.(۴) این نسخه به شماره ۲۷۲۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۵)

سعید صیرفی اصفهانی

شیخ ابوالفرج سعید بن ابی الرّجاء صیرفی اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. «ملّا عبداللّه افندی» می نویسد: «شیخ ابوالفرج صیرفی» از مشایخ «قطب الدّین راوندی» است و «راوندی» در کتاب «خرایج و جرایح» اخباری از او نقل نموده است.

ظاهرا صاحب عنوان از محدّثین و علمای شیعه است. تولّدش در سال ۴۴۴ق و وفاتش در سال ۵۳۲ق اتّفاق افتاد.(۶)

سعید اصفهانی*

سعید بن ابی هانی اسماعیل بن خلیفه (اصفهانی)، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن

۱- تراجم الرجال، ج۲، ص۷۰۶؛ الکواکب المنتشره، ص۳۱۳.

۲- تتمیم امل الامل، ص۱۷۵.

۳- فهرست اهدایی مشکاه، ج۳، ص۴۰۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۶۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۶.

۴- تراجم الرجال: ج۲، ص۷۰۶.

۵- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۸۹.

۶- ریاض العلماء، ج۲، ص۴۱۸؛ اعیان الشیعه، ج۳۴، ص ۲۳۰؛ الخرایج و الجرایح، ج۲، صص ۵۷۷-۵۸۲؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۹.

چهارم هجری است.

پـدرش در اصـفهان متصـدی امر قضا بوده و صاحب عنوان از محـدّثین اصـفهان و پـدرش حـدیث روایت می کنـد. محمّد بن یحیی بن منده هم از سعید بن ابی هانی مذکور حدیث نقل کرده است.(۱)

سعید طیوری اصفهانی

ابوالقاسم سعید بن احمد بن عبدالواحد طیوری امین اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. در شعبان ۴۶۷ق در اصفهان متولّـد شـده و از «ابوعمرو عبـدالوهاب بن مَنـده» حـدیث شـنیده است. وی در اواخر عمر در نیشابور ساکن شـده و با «ابوسـعد سمعانی» در آنجا دیدار کرده و «سـمعانی» از او حدیث نقل می کند. فوت او در روز دوشنبه ۲۲ شوّال ۵۳۷ق به عارضه سکته در نیشابور واقع شد و او را در «قبرستان میدان» دفن کردند.(۲)

سعید عیّار نیشابوری

ابوعثمان سـعید بن احمـد بن محمّد بن نعیم بن اشـکاب صوفی نیشابوری معروف به «عیّار»، از محدّثین عامّه قرن پنجم هجری. در سال ۳۴۵ق متولّد شده و به اصفهان مسافرت کرده و در آنجا حدیث گفته است. از «ابی علی محمّد بن عمر شبوی» استماع حدیث نموده و «ابوالحسن علی بن احمد بن علی سجزی بلخی معروف اسلامی» از وی نقل حدیث کرده است.(۳)

محمّد سعید احمدآبادی جرقوئی*

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۰۶.

۳- التّحبیر، ج۱، صص ۱۶۵ و ۵۶۱.

محمّد سعید بن حاجی احمد ملک احمدآبادی جرقوئی، از خوشنویسان قرن دوازدهم هجری است. او از نوادگان خواجه علی سربداری است. در روستای «احمدآباد» از توابع جرقویه اصفهان ساکن بود و خط نسخ را خوش می نوشت. وی «قرآن مجید» را به خط نسخ زیبا در سال ۱۱۲۰ق کتابت کرده است.(۱)

میرزا محمّد سعید حکیم قمی*

میرزا محمّد سعید حکیم فرزند حکیم محمّد باقر قمی، طبیب حاذق، ادیب شاعر و دانشمند فاضل قرن یازدهم هجری.

در قم متولّد شده و طبابت را نزد پدرش و برادر بزرگترش (میرزا محمّد حسین حکیم) فراگرفت. او در قم و اصفهان به فراگیری ادبیات فارسی و عربی، حکمت، منطق و ریاضیات پرداخت و به همراه برادرش به درباه شاه عباس ثانی صفوی راه یافت و در اصفهان به عنوان طبیب خاصّه به فعالیت مشغول شد. و به «حکیم کوچک» شهرت یافت. او نزد شاه عباس ثانی احترام بسیار داشته و علاوه بر طبابت، انجام برخی امور دربار و دیوانی را برعهده داشته است. از جمله سرپرستی ساختن تکیه فیض را در اصفهان عهده دار شده است.

هنگامی که شاه سلیمان به سلطنت رسید، به خاطر بدگویی مخالفان به دو برادر بدگمان شده و آنان را از منصب طبابت خاصه عزل کرد و آنان را در قلعه الموت زندانی کردند. مدتی بعد شاه سلیمان آنان را عفو کرده و اجازه داد تا در قم به زندگی خود ادامه دهند.

حکیم کوچک در قم صاحب املاک و عمارات قابل توجهی بوده و در منزل خود از فضلاء، عرفاء و بزرگان مملکت پذیرایی می کرده است. در فنون شعر و ادب استاد بوده

۱- گرکویه، (ویرایش دوم)، ص۲۱۱.

و طبعی روان داشته است. متأسفانه دیوان اشعار او به نام دانشمند و فیلسوف معاصر و همنامش «قاضی سعید قمی» به چاپ رسیده است! در این اشعار او «حکیم» و «سعید» تخلّص کرده است. در تذکره ها تخلّص او را «تنها» ذکر کرده اند.

سال وفات میرزا محمّد سعید حکیم، به روشنی معلوم نیست ظاهرا پس از وفات برادر بزرگترش در سال ۱۰۸۴ق چند سالی زیسته است.

مجموعه ای از تألیفات او در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که شامل رساله های زیر است:

۱. «دستورالعمل مجمل در باب بعضی تب های کثیرالوقوع»۲. «اسرار الصنّآیع»۳. «کلید بهشت»۴. «الاصل الاصیل» یا «الاصول الآصفیّه»۵. «تشریح عظام رأس الفکّ الأعلی»، به نام شاه صفی۶. «تعلیقات الاشارات متنا و شرحا».

و سایر تألیفات او نیز به قرار زیر است:

۷. «تریاق قدسی»۸. «مکاتبات فیض و میرزا محمّد سعید حکیم»۹. «دیوان اشعار»

نسخه ای از «اسرار الصنایع» در کتابخانه آیت اللّه فاضل خوانساری در خوانسار موجود است.

متأسفانه اکثر شرح حال نویسان و فهرست نگاران تألیفات میرزا محمّد سعید حکیم را به دیگران نسبت داده اند. از جمله «اسرار الصنایع» و «کلید بهشت» را از قاضی سعید قمی و برخی از ملّا رجبعلی تبریزی دانسته اند.

علّامه محقّق آیت اللّه حاج سیّد محمّد علی روضاتی (مدظله) در اولین گفتار از کتاب «دومین دوگفتار» به طور مفصّل، مستند و دقیق، به درستی دو شخصیّت جداگانه «قاضی سعید قمی» و «میرزا محمّد سعید حکیم» را از یکدیگر باز شناسانده و آمیختگی ها و اشتباهات دیگران را باز نموده و تألیفات «میرزا محمّد سعید حکیم» را که به دیگران نسبت داده اند، مشخص نموده و حق را به حقدار رسانیده اند سعیهم مشکورا.

این بیت از میرزا محمّد سعید حکیم است:

عندلیبان چون طواف گلشن آن کو کنند دست گلچین تو را چون دسته گل بو کنند(۱)

سعید جُرواءآنی اصفهانی

ابوعمرو سعید بن بشر بن عماد جرواءآنی قرشی از محدّثین عامه اصفهان در قرن سوم هجری است.

اهل فضل بوده و پسرش امور حسبه اصفهان را برعهده داشته است. خود او از جمعی از محدّثین همچون مقری، خلّاد، بکر بن بکار و عاصم بن یوسف حدیث نقل کرده و عبداللّه بن جعفر، جعفر بن عبداللّه بن فارس و ابوعبد الرّحمان عبداللّه بن محمّد بن عیسی مقری از او روایت می کنند.(۲)

سیّد محمّد سعید موسوی اصفهانی

سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد باقر بن میر محمّد صادق موسوی اصفهانی.

از فضلاء خاندان موسوی اصفهان بوده و در زمان حیات پدر به هندوستان رفته، دیگر خبری از او نشد.(۳)

محمّد سعید خاتون آبادی

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۴۱؛ دومین دوگفتار، صص ۳۳-۴۸؛ خلد برین: ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، صص ۵۴۰ و ۵۹۲ و ۶۲۲ و ۶۲۸؛ تذکره غنی، ص۳۴؛ تذکره حسینی، ص۷۸؛ الذریعه، ج۲، ص۵۱ و ج۱۸، ص۱۳۲؛ تذکره سخنوران قم، صص ۶۳-۷۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۰۹ و ۳۱۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۳۲۷ و ۳۲۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۱۵ و ۴۱۶.

محمّد سعید بن محمّد تقی خاتون آبادی [از کاتبان نسخ نویس در قرن یازدهم هجری] در ۱۸ ذیحجه الحرام سال ۱۰۸۲ق کتابت نسخه ای از «رواشح السّماویه» تألیف: میرداماد را به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۷۱۸ در مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

سعید بن جبیر

سعید بن جبیر اسدی کوفی، از محدّثین عالی مقام شیعه در قرن اول هجری است. او در سال ۴۵ق متولّد شده و یکی از ۵نفری از شیعیان است که پس از شهادت امام حسین علیه السلام ، به امامت امام سجاد علیه السلام اعتقاد داشتند و امام برحق را به شیعیان دیگر معرفی کردند.

سعید بن جبیر از مصاحبان عبداللّه بن عباس بوده و از عبداللّه بن عمر نیز روایت نقل کرد.

هنگامی که عبدالرّحمان بن محمّد بن اشعث بن قیس علیه حجاج بن یوسف ثقفی والی عراق در سال ۸۴ق خروج کرد، سعید بن جبیر جزو قشون عبدالرّحمان بود و چون عبدالرّحمان در دیرالجماجم شکست خورد و قشون او پراکنده شدند، سعید بن جبیر به اصفهان آمد و مدّت دو سال در این شهر می زیست او در محله سنبلان سکونت داشته و در مسجد جلجله بن بدیل تمیمی [که بعدا به مسجد سعید بن جبیر معروف شد و اکنون جنب امامزاده درب امام در محلّه سنبلستان اصفهان واقع شده است] نماز می خوانده است. در مدّت اقامت او در اصفهان برخی از محدّثین از جمله: ابومحمّد دُلَیل بن ابراهیم بن دُلَیل در محضر او حاضر می شده اند.

عاقبت سعید بن جبیر به مکّه رفت و در آنجا به دست خالد قسری گرفتار شده، او را

۱- فهرست مجلس، ج۹، بخش یکم، ص۳۹.

نزد حجاج فرستاد [پس از سخنانی که بین حجاج و سعید ردّ و بدل شد، حجاج از پاسخگویی به ایرادات و استدلال های او ناتوان شد و] دستور داد او را بکشند. شهادت سعید بن جبیر در سال ۹۵ق اتّفاق افتاد. ۱۵ روز بعد حجاج به مرض آکله مبتلا شده و پس از چند روز هلاک شد.

قبر جناب سعید بن جبیر در شهر واسط است.(۱)

سعید اصفهانی

ابوسهل سعید بن حسن اصفهانی، از محدّثین عامه اصفهان است. در شهر صور در ساحل شام [کشور لبنان فعلی] ساکن بود. اسماعیل بن بابشاد بن حرام نجیرمی از او روایت کرده است.(۲)

محمّد سعید امامی نایینی

میرزا محمّد سعید امامی بن میرزا محمّد حسین امامی نائینی بن حاج عبدالمحمّد بن میرزا علی اکبر بن حاج میرزا مغیث بن حاج میرزا زین العابدین نائینی، از شعراء و ادبای قرن چهاردهم هجری.

در سال ۱۲۸۵ش در نائین متولّد شده و در نائین نزد پدر مقدّمات را فرا گرفته و پس از آن کمی تحصیل کرد. در اوان جوانی به خدمت فرهنگ وارد شده و مدّتها در سده ماربین اصفهان [خمینی شهر فعلی] مدیر دبستان و نماینده فرهنگ بوده و در آذر ماه ۱۳۲۹ش در همانجا وفات یافته و مدفون شد. گاهی برحسب اقتضای حال اشعاری می سرود و در اشعارش «فردی» تخلّص می کرد.

از اوست:

۱- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۴۷-۵۰؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۱۰۲-۱۰۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۱.

از دیده حق بین نظری کردم دوش بر ساحب گلزار و خم باده فروش

هر بیخ گل از چهره یاری دیدم وز کوزه هزار جانان به فروش(۱)

سعید بن زیاد

ابوعمرو سعید بن زید بن خارجه، از محدّثین عامه اصفهان در قرن سوم هجری است. از بکر بن بکار نقل حدیث کرده و اسحاق بن ابی اسحاق از او روایت می کند.(۲)

محمّد سعید طبیب اصفهانی

محمّد سعید بن محمّد صادق طبیب اصفهانی، مترجم کتاب «رجوع الشّیخ الی الصباه فی القوه علی الباه» تألیف: مولی احمد بن سلیمان مشهور به «ابن کحال پاشا» (متوفی ۹۴۰ق) می باشد. نسخه ای از این کتاب [به شماره ۵۰۶۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)]

محمّد سعید اشرف مازندرانی

ملّا محمّد سعید اشرف بن ملّا محمّد صالح بن احمد مازندرانی اصفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از شعرای اصفهان در اواخر دوره صفویّه].

در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خود را ملّا محمّد صالح مازندرانی پدر دانشمند خود، میرزا قاضی شیخ الاسلام و آقا حسین خوانساری انجام داده و فنون شعر و ادب را از صائب تبریزی و خط را از عبدالرّشید دیلمی آموخت.

در سال ۱۰۷۰ق پس از آنکه طفل رضیع او محمّد رفیع و جدّ مادریش ملّا محمّد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۶۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۹؛ فهرست الفبایی رضوی، ص۲۷۷.

تقی مجلسی وفات کردند، همسر و طفل دو ساله خود محمّد امین را در اصفهان گذاشته و از خراسان به هند رفت و در آنجا مورد توجّه «اورنگ زیب» واقع شده و معلّم دخترش «زیب النّساء» متخلّص به «مخفی» شده و به او علم و ادب و خوشنویسی آموخت. در سال ۱۰۸۳ق به اصفهان مراجعت کرده و چندی در آنجا بود. عاقبت با خانواده به هند رفته و در «عظیم آباد پتنه» ساکن شده و مورد عنایت حاکم آنجا واقع شد. در اواخر عمر اراده حج کرده و از بنگاله راهی سفر شد اما در شهر «منگیر» از توابع عظیم آباد، در سال ۱۱۱۶ق وفات یافته و همانجا مدفون شد.

[او شاعری وارسته و در کمال صلاح و سداد و درنهایت فضل و رشاد بوده و اشعارش در ایران و هند مقبول و مطبوع خواص و عوام بود. خط نستعلیق را خوش می نوشت. در یکی از مرقع های کتابخانه سلطنتی سابق قطعه ای به خط نستعلیق خوش بدون تاریخ و با رقم «بنده شاه دین اشرف در دارالسلطنه اصفهان مرقوم شد» موجود است که ممکن است از او باشد.] اشرف در نقاشی هم استاد بوده ولی معلوم نیست که نزد چه کسی آنرا آموخته است.

[کلیات اشعار اشرف در سالهای اخیر به طبع رسیده است و شامل «ساقی نامه»، «شهرآشوب»، «قضا و قدر» و چند منظومه دیگر می باشد] کتاب «شرح احادیث مستصحبه» را هم از تألیفات او دانسته اند.

زینب بیگم، محمّد هادی، میرزا محمّد علی و محمّد امین از فرزندان او هستند که دو نفر اخیر اهل فضل و ادب به شمار می روند.

از اوست:

جز به جولانگاه خوبرویان کی توان دیدن مرا ذرّه ام در پرتو خورشید پیدا می شوم

***

خورشید از فروغ رُخَت آب گشت و ریخت وز شرم رویت آینه سیماب گشت و ریخت

برداشتی نقاب ز رخسار و چون سرشک از شرم عارضت نگهم آب گشت و ریخت(۱)

میرزا محمّد سعید خلیفه سلطان

میرزا محمّد سعید بن میرزا محمّد طاهر خلیفه سلطانی بن سیّد علی نواب بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان حسینی مرعشی اصفهانی، عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری.

وی در ۲۴ صفر ۱۱۲۶ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان آب بخشان مدفون شده است.

بر لوح قبر او این القاب آمده بود: «الفقیه الزّاهد. الحکیم المتألّه، العابد النّاسک، السّاجد الادیب الشاعر...»

به هنگام تسطیح و تخریب قبرستان قبر او را از بین بردند و سنگ لوح آن نیز مفقود و ناپدید شد.(۲)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۵۱ و ۳۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۰؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۵۸ و ۲۵۹؛ تذکره المعاصرین (حزین)، صص ۱۶۵-۱۶۸ و ۳۰۹-۳۱۷؛ صحف ابراهیم، صص ۵۴ و ۵۳؛ تذکره شمع انجمن، صص ۶۵-۶۸؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۵۴-۵۶؛ تذکره کلمات الشعراء، صص ۷ و ۸؛ تذکره الشعراء غنی، ص۱۴؛ تذکره هفت آسمان، ج۱، صص ۱۵۸ و ۱۵۹؛ تذکره مآثر الکرام، ص۱۱۶؛ الذریعه، ج۹، ص ۷۸ و ج۱۲، ص۱۰۳ و ج۱۷، ص۱۴۵ و ج۱۹، صص ۸۲ و ۲۲۸؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، صص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ فیض قدسی، صص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ شهرآشوب در شعر فارسی، ص۶۹؛ کاروان هند، ج۱، صص ۶۲-۷۴؛ دانشمندان و رجال مازندران، ص۲۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، صص ۷۷۳-۷۷۵؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «اشرف»، ص۲۶۵۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۵۲ و ۵۵۳؛ خزانه عامره، ص۲۶۲؛ تذکره پیمانه، صص ۹۱-۹۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۷؛ مزارات اصفهان، ص۲۸.

سعید صالحانی

ابوالخیر سعید بن طلحه بن حسین بن ابی ذر بن ابراهیم بن علی صالحانی اصفهانی، از محدّثین عامّه و ادبای قرن پنجم و ششم هجری. از اهالی محلّه «صالحان» اصفهان و از خاندان علم و ادب و فقه و حدیث بوده و خود مردی صالح و فاضل و دانشمند در علم لغت و مدرس ادبیات در اصفهان است.

در حدود سال ۴۵۰ق متولّد شده و از «عایشه ورکانی» حدیث شنیده و از «ابوبکر احمد باطرقانی» اجازه داشته است. «ابوسعد سمعانی» از او و برادرش «حسین بن طلحه» و زوجه اش «فاطمه صالحانی» حدیث شنیده است. فوتش در چهارشنبه ۱۱ شعبان ۵۳۱ق (و یا سال ۵۳۲ق) اتّفاق افتاد.(۱)

سعید جرواآنی

سعید بن عطاء بن سعید جَرواآنی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری است. از عامر بن ابراهیم بن واقد روایت می کند و احمد بن حسین انصاری از او نقل حدیث کرده است.(۲)

ملّا محمّد سعید رودسری

ملّا محمّد سعید بن ملّا عطاءاللّه رودسری گیلانی، عالم فاضل حکیم بارع [از دانشوران قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری] سالها به همراه پدر در اصفهان می زیسته و از اجلّه شاگردان ملّا محمّد باقر محقق سبزواری بوده است. وی به همراه ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) از طرف محقّق سبزواری، در جلسه علماء درباره حکم نماز جمعه در عصر غیبت که به خواهش شیخ علیخان زنگنه وزیر اعظم شاه سلیمان

۱- التّحبیر، ج۱، ص۳۰۴؛ معجم البلدان، ج۳، ص۳۸۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۹.

صفوی تشکیل می شده شرکت می نموده است.

شیخ عبدالنّبی قزوینی در «تتمیم امل الآمل» وی را بسیار ستوده و ماجرایی در باب نهی از منکر او در شهر کرمانشاه نقل می کند. رساله در «وحدت وجود» از تألیفات اوست.(۱)

محمّد سعید ابهری اصفهانی

محمّد سعید بن حاجی علی ابهری جی اصفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در ۱۵ رمضان ۱۰۷۴ق کتابت نسخه ای از «اربعین» شیخ بهائی را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۱۷۲۵ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.(۲)

[او در سال ۱۰۸۴ق جلد بیست و دوم «بحارالانوار» را به خط نسخ خوش کتابت نموده و علّامه مجلسی در آخر این نسخه اجازه ای برای او نوشته است.(۳)]

سعید تانی اصفهانی

ابوسعد سعید بن ابوطاهر علی بن عبدالواحد بن فادشاه تانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اوایل قرن ششم هجری. از خاندان علم و حدیث بوده و از پدرش و همچنین از «ابوسهل حمد بن احمد بن عمر بن دلکیز صیرفی»، «ابوعمرو عبدالوهاب بن منده» و «ابوعیسی عبدالرّحمان بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن عبدالرّحمان بن زیاد تانی» و دیگران حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» از او در اصفهان حدیث نوشته است.(۴)

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۱۷۲-۱۷۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۵؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۲- فهرست ملک، ص۲۵.

۳- خورشید جی، ص۴۳۳؛ فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۲۹۳.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۳۰۴.

محمّد سعید اصفهانی*

محمّد سعید بن محمّد علی اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از «حاشیه علی الحاشیه الخطائیه علی المختصر» تألیف: عبداللّه شهابادی یزدی را به خط نسخ در ۱۴ شعبان ۱۰۸۶ق کتابت کرده که به شماره ۸۲۹۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)

سعید قصری اصفهانی

ابوالخیر سعید بن فضل بن احمد بن عبداللّه بن محمّد بن ممیز قصری اصفهانی، از محدّثین عامّه در قرن پنجم و ششم هجری، قبل از سال ۴۷۰ق متولّد شده و از «ابوبکر محمّد بن احمد بن ماجد» و «ابوطاهر احمد بن محمّد بن عمر نقاش» و «ابوالمظفر محمود بن جعفر کوسج» و جز آنان حدیث شنیده است. او در قریه «کوهارسباران» ساکن بوده و «ابوسعد سمعانی» جزئی از احادیث «لوین» را به روایت «ابن ماجه» از او استماع کرده است. او سرانجام در رجب سال ۵۳۲ق فوت شده است.

دو برادرش «ابوالعباس احمد» و «ابوالوفا عمر» نام دارند.(۲)

سیّد محمّد سعید قهپائی

سیّد محمّد سعید بن سیّد سراج الدّین قاسم طباطبائی قهپایه ای عالم فاضل کامل و عابد صالح زاهد. [از علمای اصفهان در قرن یازدهم هجری است].

در سال ۱۰۱۲ق متولّد شده و نزد جمعی از علماء اصفهان خصوصا پدر دانشمند خود تحصیل کرده و به مقام بلند علم و فضل نائل شد و صبیه یکی از فضلاء قهپایه، میرزا جلال قهپایه ای را به عقد همسری خود درآورد.

سالها در اصفهان به تدریس و تألیف و ترویج دین مشغول بود و جمعی از فضلاء از

۱- فهرست مختصر مجلس، ص ۲۹۱.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۰۵.

جمله: میر محمّد معصوم عقیلی شیرازی از محضر او کسب فیض کردند. میر معصوم عقیلی در جمادی الثّانی ۱۰۸۲ق از او اجازه روایت گرفته است.

وی در سال ۱۰۹۲ق وفات یافت.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. رساله «احیاء موات» ۲. «حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق»۳. «روض الجنان فی حیاء الابدان»۴. «مفاتیح الاحکام فی شرح آیات الاحکام» که نسخه های متعددی از آن موجود است. از جمله نسخه ای به شماره ۴۸۲۸ مورخ ۱۵ رمضان ۱۰۷۱ق ظاهرا به خط مؤلف، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و نسخه ای دیگر به شماره ۲۱۴۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم.(۱)

محمّد سعید نقشبند یزدی (مجنون)

محمّد سعید نقشبند [بن لطف اللّه یزدی] معروف به «سعیدای نقشبند» از شعراء و ادبای قرن یازدهم هجری.

سالها در اصفهان ساکن بود و در فن نقشبندی استاد بود. پسرانش هم به شعربافی مشغول بوده اند. علاوه بر هنر نقشبندی، از علم و فضل با بهره بوده و شعر را نیکو می سرود و از دوستان «صائب تبریزی» و «جلالای یقین» بود و در شعر «مجنون» تخلّص می کرد.

[در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی مجموعه ای به شماره ۹۲۶۳ شامل چند رساله (از جمله رساله های خواجه صائن الدّین علی ترکه) وجود دارد که سعیدای نقشبند مالک آنها بوده و در محرم ۱۰۶۳ق یادداشت تملک بر آن نوشته و مهر خود «موفق ز لطف

۱- جامع الرّواه، ج۲، ص۱۱۸؛ نجوم السّماء، ص۲۶۷؛ الذریعه، ج۱۱، ص۲۷۵ و ج۱۳، ص۳۰۲ و ج۲۱، ص۲۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۱؛ فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۹۹؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۴۹؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۴۸؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۷۳.

محمّد سعید» را بر آن کتاب نقش نموده است.]

سال وفاتش به دست نیامد. ظاهرا تا سال ۱۰۸۳ق زنده بوده است.

از اوست:

دور از وصال او تب و تابم گرفته است آن ماهیم که خاک ز آبم گرفته است

نقش قدم به همرهیم قطره می زند در راه شوق بس که شتابم گرفته است(۱)

سعید بقال اصفهانی

ابوالقاسم سعید بن محمّد بن احمد بن سعید بن صالح بقال اصفهانی، از محدّثین عامّه قرن پنجم هجری. از «ابی اسحاق تاجر اصفهانی» و «احمد بن محمّد بن مرزبان اصفهانی» و «ابی عبداللّه بن منده» و دیگران روایت می کند. «ابوصالح مؤذن» از او روایت نموده است. او محدّثی «ثقه» و «سریع الکتابه» بوده و «الابواب» و «المشایخ» و «التراجم» را تألیف نموده است. در سال ۴۳۰ و اندی وفات نمود.(۲)

ملّا محمّد سعید لاهیجی

ملّا محمّد سعید بن میرزا محمّد لاهیجی گیلانی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری].

۱- جامع مفیدی، ج۳، ص۴۵۵؛ الذریعه، ج۹، ص۴۵۲؛ تذکره شبستان، ص۴۷۸؛ تذکره سخنوران یزد، ص۱۵۶؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۷۴ و ۴۷۵؛ فهرست مرعشی، ج۲۴، ص۵۸؛ تذکره سرو آزاد، ص۵۵؛ تذکره آتشکده: نیمه سوم، صص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ تذکره محمّد شاهی: خطی؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۳۰؛ تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، ص۳۲۹؛ تذکره شعرای یزد، ص۷۶؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۷۵۰؛ تذکره شبستان، ص۴۷۸.

۲- المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، ص۹۳؛ تاریخ نیشابور، ص۷۳۸؛ تاریخ بغداد، ج۸، ص۹۴.

در اصفهان ساکن بوده و شیخ عبدالنبی قزوینی او را در سال ۱۱۷۵ق ملاقات نموده و از علم و دانش او تمجید و تحسین نموده است. [قزوینی می نویسد: از علماء صلحاء و از وابستگان سلسله حکیم داود است و او را در سفر زیارت عتبات عالیات ملاقات کرده ام(۱)]

شیخ محمّد علی حزین در تذکره خود در شرح حال فرزند صاحب عنوان می نویسد:

«مولانا شمس الدّین محمّد گیلانی خلف ارجمند مجتهدالزّمان مولانا محمّد سعید گیلانی...»(۲)

«شرح حرز الامانی» یا «شرح شاطبیّه» از تألیفات اوست که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود بوده است.(۳)

سعید سکری کاتب اصفهانی

ابواسماعیل سعید بن مطهر بن احمد بن عبداللّه سکری کاتب اصفهانی، از محدّثین عامّه اوایل قرن ششم هجری است. او مردی محتشم و صاحب ثروت بوده و از «ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی»، «ابوعلی حسن بن عمر بن حسن بن یونس حافظ» و «ابومسعود سلمان ابراهیم» حدیث شنیده است.

«ابوسعد سمعانی» در خانه او در جلسه، یکی: احادیث «احمد بن فضل» و دیگری: «ابوعلی یونس» را استماع کرده است.(۴)

محمّد سعید فدای اردستانی

محمّد سعید اردستانی متخلّص به «فدا» فرزند سیّد محمّد مهدی بن محمّد سعید بن

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۲- تذکره المعاصرین (حزین)، ص ۲۱۰.

۳- الذریعه، ج۱۳، ص۳۱۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ج۱، ص۳۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۷۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۳۱۱.

میر محمّـد حسین بن میر یحیی حسینی اصـفهانی، شـاعر ادیب و دانشـمند فاضـل [از سـخنوران قرن سـیزدهم هجری در سـال ۱۲۰۴ق در محلّه «فهره» اردسـتان متولّـد شده و تحصـیلات مقدماتی را در آنجا آغاز کرد. نسب او به حکیم الملک اردسـتانی (بانی مدرسه نیم آورد اصفهان) منتهی می شود. او برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات رفته و ۷ سال به فراگیری فقه و اصول و کلام و تفسیر مشغول بود. سپس به اصفهان آمده و در ادبیات، منطق، فلسفه، ریاضیات و نجوم مهارتی به سزا کسب کرد و تحصـیلات خود را به پایان رساند. او جهت احداث حصار نجف توسط حاج محمّد حسین خان صدر اصـفهانی قصیده ای سـرود و مورد عنایت صـدر واقع شـد. فتحعلی شاه قاجار هم که شـهرت او را دریافت او را به طهران طلبیـد و فدا در طهران مورد احترام شـاه و درباریان و اعیان دولت و مملکت قرار گرفت. پس از فوت فتحعلی شاه، جانشـین او محمّـد شاه نیز همواره در احترام او می کوشـید. فـدا اغلب عمر خود را در اصـفهان گذراند تا اینکه در سال ۱۲۶۷ق وفات یافته و] در قبرسـتان جنب پـل خواجو، در کنـار قبر ملّـا محمّـد صـادق اردسـتانی (آخونـد پلویی) مـدفون شـد. [در اوایل قرن چهاردهم هجری، به خاطر احـداث خیابـان آبشـار قبرسـتان را خراب کردنـد، یکی از نوادگانش اسـتخوان های فـدا را در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون کرد.] «دیوان فدا» حدود چهار هزار بیت شـعر داشـته و هنوز به طبع نرسـیده است. اشـعارش اغلب در مدح و مرثیه ائمه هدی و حضرت معصومین علیهم السلام است.

از اوست:

زاهد به هوای خُلد سرگردان است دوزخ محک تجربه مردان است

گویند که درد و غم نباشد به بهشت معلومم شد که جای بی درد آنست(۱)

۱- تذکره مدایح معتمدیه: خطی؛ تذکره شبستان، صص ۲۱۷ و ۲۱۸؛ تذکره نگارستان دارا، صص ۲۴۳ و ۲۴۴؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۸۰۵ و ۸۰۶؛ تذکره مآثر الباقریه، صص ۶۲. ۶۳؛ تذکره سفینه المحمود، ص۱۳۴؛ تذکره دلگشا، ص۳۳۴؛ تذکره اختر، صص ۱۵۹-۱۶۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷؛ تذکره انجمن خاقان، ص ۶۰۲ و ۶۰۳؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، صص ۲۲ و ۲۳؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۵۱؛ الکواکب المنتشره، ص۳۰۶؛ الذریعه، ج۹، ص۸۱۴؛ نامه سخنوران سپاهان، صص ۷۵-۸۵؛ آتشکده اردستان، ج۳، صص ۶۳-۷۵.

سعید طهرانی اصفهانی

سعیـد بن مهران بن محمّـد طهرانی اصـفهانی، از محـدّثین عامه اصـفهان است و از «عبـداللّه بن عبـدالوهاب خوارزمی» حدیث شنیده است. «شعار» و «عبدالرّحمان بن سیاه» از او استماع حدیث کرده اند.(۱)

[«طهران» از دهات قدیم جِی در شـمال شهر اصفهان بوده و آنجا را زادگاه «کاوه آهنگر» دانسته اند. اکنون به «تیران آهنگران» معروف است و جزو محلّه های اصفهان به شمار می رود.]

میرزا محمّد سعید طباطبائی نائینی

حاج میرزا محمّد سـعید بن میرزا نصـراللّه بن سـعید طباطبائی نائینی، از فضلاء و ادبای قرن چهاردهم هجری. [در سال ۱۲۹۳ق در نائین متولّـد شـد و در اصـفهان به تحصـیل علم و ادب پرداخت. او از علاقمندان به پیشـرفت و اشاعه فرهنگ بود و در سال ۱۳۲۰ق مـدرسه گلبهـار را در اصـفهان تأسـیس کرد و در تأسیس چنـدین مـدرسه دیگر همکـاری نمود. او چاپخانه ای به نام «مطبعه سعادت» تأسیس کرد و دهها کتاب ارزنده را به چاپ رساند و خود نیز برای مدارس جدید کتاب درسی تألیف کرد.

او در زمـان مشـروطیت، به هواداری آن به آزادیخواهان اصـفهان پیوست و در انتشار جرایـد و مطبوعات همکاری نمود. او در سال ۱۳۴۸ق در مشـهد مقدس اقامت گزید [و در مسجد گوهرشاد کتابخانه ای تأسیس کرد و کتابهای خود را به آنجا بخشید و

۱- معجم البلدان، ج۴، ص۵۲؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۸.

[سرانجام در جمعه ۲۳ جمادی الآخر ۱۳۷۸ق مطابق جمعه ۲۱ دی ماه ۱۳۳۷ش وفات یافته و در ایوان شمالی صحن قدس] در جوار بارگاه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام مدفون گردید.(۱)

محمّد سعید حسینی مازندرانی

محمّد سعید بن میر نظام حسنی مازندرانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری]. در نیمه شعبان ۱۰۹۱ق کتاب «شفا»ی ابن سینا را به خط نستعلیق در اصفهان کتابت نموده و به شماره ۲۲۸۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

سعید جُرواءآنی اصفهانی

ابوعبداللّه (یا ابوعمر) سعید بن وهب بن ابی سُکین جرواءانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری بوده و] از حفاظ حدیث است. از مسلم بن ابراهیم، سلیمان بن حرب، مسدّد، عمرو بن مرزوق، علی بن المدینی، محمّد بن کثیر حوضی و عمرو بن حکّام روایت کرده و ابوعبدالرّحمان مقری و محمّد بن احمد بن یزید زُهَری از او حدیث نقل کرده اند.(۳)

سعید اصفهانی

سعید بن یحیی بن سعید اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان [در قرن سوم هجری[است. «قاسم بن مَنده بن کوشید» از او روایت می کند.(۴)

سعید سعدویه اصفهانی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۷؛ نائین بلده طیبه، صص ۸۵-۹۲.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج ۹، ص ۹۲۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۲۸.

۴- فرهنگنامه پارسی، ص ۶۶۰.

سعید بن یحیی بن طویل معروف به «سعدویه اصفهانی» [از محدّثین عامّه اصفهان در اوایل قرن سوم هجری].

در محلّه «شروانشادان» ساکن بوده و از: مسلم بن خالد زنجی، ابی بکر بن عیاش، سلمه بن صالح احر حدیث نقل کرده است. عبداللّه بن محمّد بن زکرّیا و عبداللّه بن بندار از او روایت کرده اند.

«سعدویه اصفهانی در سال ۲۷۷ق وفات یافت.(۱)

سعید سرّاج

ابوعثمان سعید بن یعقوب بن سعید قرشی سرّاج از محدّثین عامّه اصفهان است. او از نصر بن علی، بُندار، محمّد بن منصور جَوّاز، محمّد بن وزیر واسطی و محدّثین اصفهان نقل حدیث کرده است.(۲)

سعید میرنظامی

سعید میرنظامی متخلّص به «سعید» فرزند حاج سیّد یعقوب [از شعراء معاصر اصفهان]. در شب ۲۱ رمضان المبارک سال ۱۳۵۱ق در اصفهان متولّد شد. نسب او از طرف پدر به «میرنظام الدّین» از علماء و متنفذّین قرن ششم هجری و از طرف مادر به حاج آقا محسن اراکی (م ۱۳۲۵ق) از علماء مشهور قرن چهاردهم هجری می پیوندد. وی پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه، در دانشکده ادبیات دانشگاه طهران تحصیل کرد. گاهی شعر می سرود و «سعید» تخلّص می کرد.

از اوست:

دوست بگذاشت قدم دوش به کاشانه ما گشت چون خلد برین خانه ویرانه ما

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۵؛ طبقات المحدّثین باصبهان، ج۲، صص ۲۲۳ و ۲۲۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۳۰؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

ما خرابات نشینان همه مخمور توایم مستی چشم تو باشد می میخانه ما(۱)

سیّد محمّد سعید بحرینی

سیّد محمّد سعید موسوی بحرینی، عالم فاضل متّقی، در فتنه افغان وفات یافته و در منزل خود مدفون، سپس قبر در داخل چهلستون مسجد سیّد قرار گرفت که تاکنون معروف و معیّن است.(۲)

محمّد سعید سبزواری

محمّد سعید سبزواری اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری]. در سلخ محرم ۱۱۹۱ق در اصفهان نسخه ای از کتاب «مناقب» که مؤلف آن مجهول است را نوشته و در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳) همچنین نسخه ای از کتاب «وافی» را در سال ۱۰۹۱ کتابت نموده که در همان کتابخانه وجود دارد.(۴)

سعید قاری اصفهانی

سعید قاری اصفهانی، از دانایان به علوم قرآن بوده و در مسجد جامع اصفهان جلسه قرائت و تجوید داشته و شیخ محمّد بن شمس الدّین کاظمینی نزد او تلمُّذ نموده است. از فضلاء عهد شاه سلیمان صفوی است.(۵)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۸۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۱۴ و ۲۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۹؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۵.

۳- فهرست رضوی، ج۵، ص۱۸۱.

۴- فهرست رضوی، ج۵، ص۲۰۲.

۵- الذریعه، ج۱۱، ص۲۲۱؛ الروضه النضره، ص۲۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۷.

میرزا سعید قمشه ای*

میرزا سعید قمشه ای، شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری. مردی در کمال آدمیّت و همواری و نهایت مردمی و بردباری بوده و به انجام فرایض و مستحبّات اهتمام فراوان داشته است. مدّتی وزیر سیستان بود. در فنون شعر و ادب و انشاء مهارتی کافی داشت و گاهی شعر می سرود. برادرش میرزا احمد نیز شاعر بوده است.

از اوست:

تا به کی از درد بی درمان به جان باشد کسی تا به کی درمانده کار جهان باشد کسی

گرد هستی از وجود خویشتن باید فشاند تا به کی در زیر این بار گران باشد کسی(۱)

میر محمّد سعید محیط اصفهانی*

میر محمّد سعید محیط اصفهانی، از شعرای قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و پس از محاصره آنجا توسط افغان ها کشته شد.

این رباعی از اوست:

ای آه بیا دامن آن ماه بگیر وی ناله گریبان سحرگاه بگیر

دلبر زِ بَر خانه ما می گذرد ای اشک برون آی و سر راه بگیر(۲)

میرزا سعید مستوفی نطنزی*

میرزا سعید نطنزی، از کارگزاران اداری دولت صفویّه و نواده خواجه قاسم مستوفی نطنزی است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۰۷؛ الذریعه، ج۹، ص۴۵۲.

۲- گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۳۰۶؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۴، ص۲۱۹۷.

او به اعتبار سابقه خانوادگی مورد عنایت شاه عباس صفوی قرار گرفته و ابتدا اوراجه نویس آذربایجان شد. در سال ۱۰۲۹ق پس از فوت میرزا قوام الدّین محمّد کفرانی، به جای او منصب مستوفی الممالکی را برعهده گرفت و در زمان شاه صفی نیز این منصب را حفظ کرد.(۱)

میرزا نوراللّه کفرانی رویدشتی اصفهانی متخلّص به ضیاء که اعضاء دفترخانه سلطنتی و مسؤول تحریر جلد توجیه بوده از میرزا سعید مستوفی دل خوشی نداشته و این شعر را جهت او سروده است:

صبا به خدمت مستوفی الممالك دهر اگر رسی ز مَنَش هیچ دردسر مرسان

ور او کند گله از من به حقّ نکهت گل که هرچه بشنوی از وی مرا خبر مرسان

مگو چرا ز تو نفعی نمی رسد به ضیا که من گذشته ام از نفع گو ضرر مرسان

همین بس است که گویی ز خیر و شر با او مرا به خیر تو امید نیست شر مرسان(۲)

سفیان خرقی اصفهانی

ابوعبداللّه سفیان بن احمد بن محمّد بن محمّد بن علی بن عمر خرقی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در اوایل قرن ششم هجری است. بسیار مشتاق کسب علم بوده و از خاندان علم و حدیث است. از پدرش «ابوالفضل احمد بن ابی طاهر محمّد» و «سیّد ابومحمّد حمزه بن عباس علوی»، «ابوالقاسم غانم بُرجی» و «ابوالفضل جعفر بن عبدالواحد ثقفی» استماع حدیث کرده است.

«ابوسعد سمعانی» از او حدیث شنیده و او نیز از «ابوسعد» استماع حدیث کرده است.(۳)

۱- خلد برین: ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، ص۳۴۶؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۷۵ و ۷۶.
۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۲۵.
۳- التّحبیر، ج۱، ص۳۱۴.

سلام اللّه عارفی موغاری

سلام اللّه بن عارف بن محمّد موغاری [از کاتبان نسخ نویس قرن دهم هجری] در اوّل رمضان **۹۳۹**ق مجموعه ای شامل «مختصر تفسیر علی بن ابراهیم» و «تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام » را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۴۶۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

[موغار از دهات اردستان است. برای آشنایی با تاریخ و جغرافیا و مشاهیر این روستا به کتاب «آتشکده اردستان» رجوع شود.]

سلامی اصفهانی

سلامی اصفهانی، از شعرای قرن دهم هجری. در اصفهان ساکن بود و در شعر صاحب قریحه و استعداد بود. سام میرزا که معاصر اوست می نویسد: «به قابضی اردو بازار اوقات می گذرانَد و ضایع می کند و از بسیار خوردن افیون نزدیک است که جان به قابض ارواح بسپارد». امین احمد رازی او و برادرش را به طمع فراوان و وقاحت متهم می کند. کلامی برادر کوچکتر او هم شاعر بوده است. این دو برادر هنگامی که میرزا محمّد شریف هجری طهرانی وزارت اصفهان را برعهده داشت و خود شاعری قابل بود، نزد او حاضر می شده و با خواندن اشعار خود در مدح او، طلب صله و پاداش می کردند و چنان اصرار می ورزیدند که ممدوح خود را به تنگ می آورده اند تا جایی که او سروده است:

دو چیز است بدتر از تیز حرامی سلام کلامی و کلام سلامی

سلامی و برادرش با اغلب شعرای اصفهان همچون ضمیری، حزنی و نیکی معاشرت و مصاحبت داشته اند. ولی امیر نظام الدّین هاشمی کاشانی با دو برادر مشاعره و معارضه

۱- فهرست مرعشی قم، ج۲، ص۷۲.

داشته است.

سال وفات او معلوم نیست، اما روشن است که قبل از سال ۹۸۷ق (سال وفات ضمیری اصفهانی) فوت شده است.

از اوست:

بی گل روی تو نرگس چشم تر دارد بسی غنچه بی لعل لبت خون در جگر دارد بسی(۱)

سلطان علی اصفهانی

سلطان علی اصفهانی [از فضلاء قرن دهم هجری] در یک شنبه ۲۲ ربیع الثّانی ۹۹۱ق کتابت نسخه ای از «جامع المقاصد» محقّق کرکی را در نجف به پایان رسانیده است و کتاب به شماره ۸۸۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

سلطان علی خان شهاب السلطنه

سلطان علی خان شهاب السلطنه فرزند عباسقلی خان بختیاری [از خوانین دانشمند و هنرپرور بختیاری بوده و دبیرستان جمال الدّین و دبستان شهاب، از آثار خیریه و باقیه او در بروجن است و جزو اولین مدارس فرهنگ چهارمحال و بختیاری به شمار می رود. در سال ۱۳۲۳ش وفات یافته و در اطاقی مخصوص در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

«مشفق ضرغام بروجنی» مادّه تاریخ وفاتش را چنین یافته است:

خواهی اگر تاریخ او چون «مشفق» بیدل بگو: «حاجی شهاب السّلطنه باشد بگلزار ارم»(۳)]

۱- تذکره تحفه سامی، ص۳۶۲؛ تذکره هفت اقلیم، ج۲، ص۴۳۸؛ الذریعه، ج۹، ص۴۵۵؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۵۲۳ و ۵۱۴؛ تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، ص۳۰۵.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص ۴۰.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ شرح مجموعه گل، صص ۵۳۷ و ۵۳۸.

سلطان علی خلخالی

سلطان علی بن عبداللّه خلخالی [از فضـلاء قرن یازدهم هجری در اصفهان] در سال ۱۰۵۵ق نسخه ای از «ارشاد الاذهان» علّامه حلّی را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته است. کتاب در جامع گوهرشاد به شماره ۲۸۶ موجود است.(۱)

سلطان علی بیگ رهی شاملو*

سلطان علی بیگ متخلّص به «رهی» فرزند ولی قلی بیگ بن علی قلی بیگ شاملو، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. پدرانش از صاحب منصبان عالی رتبه دولت صـفویه بودند. خودش منصب «یساول صـحبت» را در عهد شاه عباس دوم برعهده داشت. در شـعر و فنون ادبی زبردست بوده و با ادباء و شعراء مجالست و مشاعره داشت. در سال ۱۰۶۴ق در اصفهان فوت نموده و در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السـلام در مشـهد مقـدّس مـدفون شـد. «دیوان اشـعار»ش از پنـج هزار بیت بوده و مثنوی «تحفه الصباحین» را در بحر «تحفه العراقین» سروده و قریب به سه هزار بیت داشته است.

از اوست:

فروغ حسن که آتش در این بیابان زد که دشت مجمره گردید و روزگار سپند(۲)

سلطان محمّد اصفهانی

سلطان محمّـد اصـفهانی، مؤلّف رساله «التّجلی علی الطّور» که به طریقه حروفیه تألیف شده است. دو نسـخه از آن در کتابخانه اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه طهران

۱- فهرست گوهرشاد، ص۲۱۰.

۲- قصـص الخاقانی، ج۲، صص ۹۵. ۹۶؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۸. ۳۹؛ تذکره آتشکده: بخش اول از نیمه نخست، ص۶۱؛ تذکره غنی، ص۶۱؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۹۸.

موجود است.(۱)

سلطان محمّد اصفهانی

سلطان محمّد اصفهانی، از خوشنویسان ثلث و نسخ نیمه اوّل قرن دوازدهم هجری. معاصر شاه سلطان حسین صفوی است. [مرحوم استاد همایی می نویسد:

«قطعات بسیار خوب از وی دیده ام که تاریخش ۱۱۳۲ق است در همان ایّام که میرزای نیریزی خوشنویس معروف بوده است».(۲)]

سلطان محمّد در صفر سال ۱۱۰۱ق از کتابت نسخه ای از قرآن کریم به خط نسخ فراغت یافته و این قرآن به شماره ۱۵۰ در گنجینه قرآن کتابخانه آستانه رضویه موجود است.(۳)

وی جنگی را که شامل ۱۱ رساله است و برخی از آن در مکه کتابت شده است را در ماه شعبان ۱۰۹۵ق کتابت نموده و به شماره ۲۷۱۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۴)

سلطان محمّد اصفهانی

سلطان محمّد بن کمال الدّین حسین اصفهانی، از کاتبان فاضل قرن دهم هجری است. او نسخه ای از «المعتبر» تألیف: شیخ جعفر محقّق حلّی را به خط نسخ در یکشنبه ۲۱ محرم ۹۷۳ق کتابت کرده و به شماره ۷۲۱۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۵)

همچنین کتاب «الاربعین» تألیف: شهید اوّل را در سال ۹۸۰ق کتابت کرده است.(۶)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۹۲.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۱۳.

۳- راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۵۹.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج ۱۰، ص۱۵۸۹.

۵- فهرست مجلس، ج۲۵، ص۲۱۸.

۶- احیاء الدّاثر، ص۹۷.

سلطان محمّد اصفهانی*

سلطان محمّد بن حیدر اصفهانی، از نویسندگان کُتُب در قرن دهم هجری بوده و در ۱۷ ربیع الاوّل ۹۸۰ق نسخه ای از کتاب «مطوّل» تفتازانی را به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه مؤلف فقید سیّد مصلح الدّین مهدوی موجود بوده و پس از وفات ایشان به کتابخانه ابن مسکویه اصفهان منتقل شده است.(۱)

سلطان محمّد نطنزی

سلطان محمّد بن محمّد علی بن قاسم بن حسن حکم آبادی نطنزی، از عرفاء و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است.

[وی در بقعه شیخ ابومسعود رازی در اصفهان به سیر و سلوک و تهذیب نفس می پرداخته و مراتب عرفانی را نزد مشایخ طریقت طی می نموده است.] از آثار او کتابت نسخه ای از «اکمال الدّین» شیخ صدوق در بقعه شیخ ابومسعود در جمعه ۱۹ رمضان ۱۰۴۱ق است که به شماره ۷۹۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲) [همچنین «مصحف فاطمه الزّهرا علیهاالسلام » را به خط نسخ در ماه رمضان ۱۰۵۴ق کتابت نموده که به شماره ۵۲ در کتابخانه امام جمعه گلپایگان نگهداری می شود.(۳) از آثار دیگر او کتابت «علل الشّرایع» در ۲ شوال ۱۰۵۴ق است.(۴)]

سلطان محمّد میرزا سیف الدوله قاجار

سلطان محمّد میرزا قاجار متخلّص به «سلطان» و ملقّب به «سیف الدّوله» فرزند

۱- فهرست کتابخانه سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص۱۰۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۴۰۳.

۳- فهرست کتابخانه های گلپایگان، ص۱۶۱.

۴- تراجم الرجال، (چ ۱۴۲۲ق)، ج۱، ص۳۸۸.

فتحعلی شاه قاجار شاعر و ادیب هنرمند، حکمران اصفهان در قرن سیزدهم هجری. مادرش طاووس خانم اصفهانی از زنان فتحعلی شاه قاجار است.

[در ۲۶ جمادی الاوّل ۱۲۲۸ق در تهران متولّد شده و در سال ۱۲۴۰ق در حالی که ۱۳ سال بیشتر نداشت حکومت اصفهان برعهده او گذاشته شد و یوسف خان گرجی سپهدار وزیر سیف الدّوله شد. در این زمان قیومیت او را زنی به نام مریم بیگم دایه برعهده داشت. هم از این رو بود که پس از وفات دایه، بقعه و تکیه ای باشکوه به دستور سیف الدّوله در تخت فولاد بر مزار مریم بیگم ساخته شد که به «تکیه مادرشازده» معروف است.

سیف الدّوله ده سالی در اصفهان حکومت کرد. هنگامی که پدرش مُرد و محمّد شاه به حکومت رسید، او را از حکومت اصفهان کنار گذاشته و به تهران احضار کرد و دو سه سالی او را تحت نظر گرفت و حکومت اصفهان به خسروخان گرجی سپرده شد. عاقبت سلطان محمّد میرزا از شاه اجازه یافت تا به اتفاق مادر در عتبات عالیات مجاور شود. چندی در نجف و بغداد ساکن بود. آنگاه به مسافرت شامات، حمص اسکندریه، دیار بکر و موصل و استانبول و قیروان رفته و سفرنامه ای نوشت و به تهران مراجعت کرد. در سال ۱۲۸۸ق به دستور ناصرالدّین شاه متولّی آستان قدس رضوی شد و در سال ۱۲۹۹ق وفات یافت. او مردی ادیب و هنرمند بود و سیاه قلم را به خوبی نقاشی می کرد.(۱)]

شعر می سروده و «سلطان» تخلّص می نموده، دیوان اشعارش به شماره ۳۷۲۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲) [این دیوان در تهران به چاپ رسیده

۱- تذکره مآثر الباقریه: تعلیقات، صص ۳۵۱ و ۳۵۲؛ تاریخ عضدی: تعلیقات، ص ۲۱۴؛ مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره اوّل، ص سال ۱۳۸۱ش، صص ۶۷-۹۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، ص۱۰۳؛ مجله یغما: سال اوّل، شماره ۱۰، دی ماه ۱۳۲۷ش، صص ۴۶۲-۴۶۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۷۲۲.

است اثر دیگر او مثنوی «سیف الرّسائل» در باب سرگذشت خود و دشمنی حاج میرزا آقاسی با او و سفرش به عراق است که نسخه هایی از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)]

سلطان محمّد اصفهانی*

سلطان محمّد بن قطب الدّین اصفهانی، از فضلاء اصفهان در قرن یازدهم هجری است. وی مؤلف کتاب «معارف» است که به شماره ۲۰۸۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است. این نسخه را محمّد جعفر بن غضنفر [خرم آبادی] به خط نسخ خوش در سال ۱۰۸۸ق کتابت کرده است.(۲)

سلطان محمّد اصفهانی*

سلطان محمّد بن رفیع الدّین محمّد اصفهانی، از خوشنویسان و کاتبان پرکار عصر صفویه است. در اصفهان ساکن بوده و بیش از ۳۰ سال به خوشنویسی و کتابت گذران زندگی کرده است. احتمال دارد او همان «سلطان محمّد اصفهانی» کاتب «قرآن مجید» که در صفحات قبل شرح حال او را آورده ایم باشد.

او نسخه ای از «الحبل المتین» تألیف: شیخ بهائی را به خط نسخ در دوشنبه ۳ رمضان ۱۰۶۳ق کتابت کرده که به شماره ۷۳۳۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳) همچنین او نسخه ای از «شرح کافی» تألیف: ملّا محمّد صالح مازندرانی را به خط نسخ در سلخ ذیحجه ۱۰۸۷ق کتابت کرده و به شماره ۸۶۸۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۴)

۱- فهرست رضوی، ج۷، ص۴۲۳؛ الذریعه، ج۱۲، ص۲۸۶؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص۱۵۲۱؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۴۱.

۲- فهرست مجلس، ج۶، ص۷۳.

۳- فهرست مجلس، ج۲۵، ص۳۱۸.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۲، ص۲۳۱.

سلطان محمّد اصفهانی

سلطان محمّد بن شمس الدّین محمّد اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. از آثار وی نسخه ای از «شرح کافی» مولی محمّد صالح مازندرانی شامل کتاب ایمان و کفر تا کتاب الرّوضه است که به خطّ نسخ در اوّل جمادی الثّانیه ۱۰۸۱ق (در زمان حیات مؤلف) نوشته است. کتاب به شماره ۴۸۰۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

سلطان محمّد ندوشنی یزدی*

سلطان محمّد ندوشنی یزدی فرزند محمّد، از علماء و فقهای عالیقدر قرن یازدهم هجری است. در فقه، کلام، حدیث و ادبیات مهارت داشته و در اصفهان به تدریس مشغول بوده است. از اساتید او آگاهی در دست نیست ولی بسیاری از علمای آن عهد همچون: ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، آقا حسین خوانساری، سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان (سلطان العلماء) و ملّا خلیل قزوینی نزد او تحصیل کرده اند. شاه عباس به او ارادت داشته و از هرگونه احترام به او خودداری نمی نموده است. حتّی یک بار او را به سفارت به دربار امپراطور عثمانی فرستاده است.

این کتابها از اوست:

۱. «رساله در کلام» ۲. «شرح باب حادی عشر»(۲)

سلطان محمّد تربتی*

سلطان محمّد تربتی اصفهانی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن

۱- فهرست مجلس، ج۱۳، ص۲۱۷.

۲- الروضه النضره، صص ۲۴۵ و ۲۴۶؛ الذریعه، ج۴، ص۵۰۵ و ج۶، ص۵۲؛ مفاخر یزد، ج۲، ص۷۹۲.

بوده و روزگار به تجارت می گذرانیده است. در سرودن شعر نیز صاحب طبع و قریحه بوده است.(۱)

سلطان محمود طبسی

سلطان محمود بن غلامعلی طبسی [از علماء اواخر دوره صفویه] ظاهرا در مشهد به تحصیل پرداخته و به منصب قضاوت درآن شهر منصوب شده است. پس از آن به اصفهان آمده و نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تکمیل تحصیلات خود پرداخته و در ۱۴ ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق و بار دیگر در سال ۱۱۰۹ق موفق به اخذ اجازه از علّامه شده است.(۲)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رساله در اثبات رجعت» نسخه آن در ضمن مجموعه شماره ۴۳۳۱ در کتابخانه وزیری یزد.(۳) و نسخه دیگری از آن در مدرسه فیضیه قم موجود است.(۴) [نسخه ای دیگر هم به شماره ۹۴/۱۳۴۴۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۵)] ۲. «شرح نهج البلاغه» (تلخیص شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه) که در سال ۱۰۸۰ق تألیف شده و نسخه ای از آن به شماره ۲۱۷۸ در کتابخانه ملّی ملک(۶) و نسخه دیگری در کتابخانه آیت اللّه مرعشی به شماره ۴۸۲۲ موجود است.(۷) نسخه ای دیگر نیز در کتب موقوفه ملّا نوروزعلی بسطامی در مشهد مقدس موجود بوده است.(۸) ۳. «رساله در

۱- تذکره غنی، ص۶۵.

۲- امل الآمل، ج۲، ص۳۱۶؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۳۵۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸؛ الکواکب المنتشره، ص۳۱۷؛ تلامذُه العلّامه المجلسی، ص۲۷.

۳- فهرست وزیری، ج۳، ص۸۶۲.

۴- فهرست فیضیه، ج۲، ص ۱۶۱.

۵- فهرست مجلس، ج۳۶، ص۳۸۹.

۶- فهرست ملک، ص۴۵۶.

۷- فهرست مرعشی، ج۱۳، صص ۲۲ و ۲۳.

۸- الذریعه، ج۲۰، ص۱۹۹.

عروض» [(۱) «مختصر الاشباه و النّظائر النحويه»۵. «مختصر الاذكار بالمسائل الفقيّه» دو كتاب اخير به شماره ۷۱۱۵ در كتابخانه آيت اللّه مرعشی موجود است.(۲)]

سلم ثقفی

ابو اُميّه سلم بن عصام بن سلم بن مغيره بن عبداللّه ثقفی، [از محدثان عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] نوشته ها و احاديث زياد و از جمله احاديث غريب داشت. از عبيداللّه بن حجاج بن منهال و بشر بن آدم و ديگران نقل حديث كرده و قاضی محمّد بن احمد بن ابراهيم اصفهانی (ابواحمد عسّال) از او روايت می كند.(۳)

سلمان اصفهانی

سلمان اصفهانی، از خوشنويسان خط نستعليق در قرن دهم هجری است. [او «تاريخ بلعمی» را در محرم ۹۲۷ق كتابت نموده و اكنون در كتابخانه «شچدرين» سن پطرزبورگ روسيه وجود دارد.(۴)]

او همچنين «اسكندرنامه» تركی، تأليف: تاج الدّين احمد بن ابراهيم احمدی كرمانی را به خط نستعليق در صفر ۹۲۴ق كتابت نموده و به شماره ۴۹۴۸ در كتابخانه ملّی ملك موجود است.(۵)

سلمان قزوينی

سلمان بن خليل بن غازی قزوينی اصفهانی [عالم فاضل از دانشوران اواخر عهد صفويّه [در نيمه رمضان ۱۰۹۹ق در اصفهان كتاب «صافی) شرح فارسی «كافی» پدر خود را مقابله كرده است. نسخه به شماره ۴۵۰ در مجلس شورای ملّی موجود است.

۱- فهرست ملك، (كتب خطی تركی)، ص۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸، صص ۲۶۸ و ۲۶۹.

۳- ذكر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۷؛ طبقات المحدّثين، ج۴، ص۲۱۲.

۴- فهرست خوشنويسان قرن دهم، ص۱۱۸.

۵- فهرست ملك، (كتب خطی تركی)، ص۲.

سجع او «سلمان منا اهل البیت» بوده است.(۱)

میرزا سلمان جابری

میرزا سلمان جابری بن علی، شاعر ادیب [از شعرای قرن دهم هجری] از رجال و اعیان دولت صفویّه و جدّ خاندان جابری انصاری اصفهان. [پدرش چند سال وزیر ابراهیم خان ذوالقدر حاکم فارس بود. او در شیراز به کسب علم و ادب پرداخته و به خدمات دیوانی مشغول شد. در زمان شاه طهماسب صفوی ناظر بیوتات سلطنتی شد. شاه اسماعیل دوم او را به وزارت برگزیده و پس از مرگ او، در زمان سلطنت سلطان محمّد خدابنده به لقب «اعتماد السلطنه» ملقّب گردیده و منصب وزارت اعظم دولت صفوی را برعهده گرفت. نفوذ و قدرت او در دربار صفویه و تسلّط و چیرگی او بر ارکان دولت و مملکت نگرانی و حسادت را در بین برخی دولتمردان و امرای قزلباش برانگیخت تا جایی که توطئه چیدند تا او را از پیش پای خود بردارند. آنان از ضعف و بی کفایتی شاه استفاده کرده و در سال ۹۹۱ق در هرات او را به قتل رساندند و اموالش را مصادره کردند.

شعر را نیکو می سروده و در علوم زمان خود خصوصا حساب و سیاق مهارت داشته است.

از اوست:

عنان زلف به چشمان فتنه بار مده به دست مردم پرفتنه اختیار مده

ز زلف پرده به رخسار لاله گون مفکن کلید گنج سعادت به دست مار مده(۲)]

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۷۹.

۲- احسن التواریخ، صص ۶۵۵ و ۷۱۶؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ ۱۳۷۷ش)، ج۱، صص ۴۴۱-۴۴۵؛ تذکره آتشکده (بخش سوم از نیمه نخست)، ص۹۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۲۶۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سلمان»، ص۶۰۱؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۴۶۱-۴۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳؛ منتخب اللطایف، ص۳۳۰؛ تذکره مجمع الخواص، ص۴۱.

سلمان فارسی

ابوعبداللّه سلمان فارسی، نامش روزبه و از اهالی جی اصفهان بوده و در طلب تحقیق دین رنج ها برده و مسافرت ها نموده و سرانجام به شرف حضور محضر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرّف گردیده، از بزرگترین صحابه آن حضرت معدود بوده و به خطاب «السّلمان منّا اهل البیت» مفتخر گردیده [است].

در سال ۳۳ یا ۳۶ق در مداین وفات یافته، قبرش معروف است. در سنین عمر سلمان اختلاف زیاد است و عموم مورّخین وی را از معمّرین نام برده اند.

ظاهرا وی را سه فرزند بوده: ۱. عبداللّه ۲. کثیر۳. محمّد و برادری در شیراز و خواهر و دختری در اصفهان داشته و جمعی کثیر از محدّثین از اولاد اویند و سوزنی سمرقندی و ضیاءالدّین خجندی خود را از اولاد او می دانسته اند.(۱)

میرزا سلمان حسابی نطنزی

میرزا سلمان نطنزی متخلّص به «حسابی» از شعراء و ادبای قرن دهم هجری. او برادرزاده خواجه قاسم مستوفی الممالک نطنزی است. در کاشان نشو و نما یافته و در اصفهان ساکن شده است. اغلب عمر را به تحصیل علم گذرانیده و در ادبیات فارسی و عرب، طب، عرفان، موسیقی، انشاء و غیره دارای معلوماتی بوده اما هیچ علمی را به کمال نرسانده بود و بدین جهت ظرفاء او را دکان پس کوچه می گفتند (چرا در دکان او

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۲؛ طبقات ابن سعد، ج۴، ص۵۳؛ ذکر اخبار اصبهان، ج۱، صص ۴۹-۵۲؛ حلیه الاولیاء، ج۱، صص ۱۸۵-۲۰۸؛ طبقات المحدثین، ج۱، صص ۲۰۳-۲۳۶؛ اُسد الغابه، ج۱۲، ص۴۱۷؛ محاسن اصفهان، ص۲۳؛ مروج الهذب، ج۱، ص۳۲۰؛ مجالس المؤمنین، ج۲، صص ۲۰۵-۲۰۸؛ نفس الرحمان فی فضائل سلمان؛ بررسی سیر زندگی و حکمت و حکومت سلمان فارسی؛ سلمان محمّدی (عبدالواحد مظفر)؛ سلمان فارسی (جعفر مرتضی عاملی)؛ سلمان فارسی، استاندار مدائن (احمد صادقی اردستانی)؛ روزبه یا سلمان فارسی؛ سلمان پاک؛ تاریخ تشیع اصفهان؛ صص ۷۱-۷۳؛ خورشید جی، صص۱۲۷-۲۰۱؛ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ج۲، ص۱۲۵۱.

هر چیزی پیدا نمی شود). در موسیقی و ادوار مهارت داشته و تصنیف های او زبانزد گویندگان (خوانندگان) آن عهد بوده است. سال وفات او معلوم نیست.

کتب زیر از آثار اوست:

۱. «شرح دیباچه گلستان» ۲. «شرح هیئت» قوشچی به فارسی۳. «اوصاف البلاد»۴. «دیوان اشعار»

حسابی در وصف زادگاه خود نطنز گفته است:

در بدخشان گر عقیق از سنگ می آید برون از نطنز ما مِی گلرنگ می آید برون

این رباعی از اوست:

ای عقل خجل گشته زِ نادانی ما درهم شده خلق از پریشانی ما

بُت در بغل و به سجده پیشانی ما کافر زده خنده بر مسلمانی ما(۱)

سیّد محمّد سلیم زنجانی

سیّد محمّد سلیم بن برهان الدّین بن سیّد شاهی موسوی زنجانی، از علماء و فقهاء قرن دوازدهم هجری است.

در اصفهان ساکن بوده و نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی تحصیل نموده است. وی در سال ۱۱۳۱ق ۷۵جلد کتاب وقف نموده است. در مقدمه یکی از آن کتابها («شرح لمعه» جلد دوم، موجود در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان) یکی از نوادگانش حاج میرزا علینقی زنجانی بن میرزا محمّد علی بن امیر محسن بن میر محمّد سلیم موسوی اصفهانی، به شاگردی میر محمّد سلیم نزد علّامه مجلسی تصریح کرده است.(۲)

۱- تذکره هفت اقلیم، صص ۴۳۱-۴۳۹؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ ۱۳۷۷)، ج ۱، ص۲۸۷؛ تذکره آتشکده: بخش سوم نیمه نخست، ص ۹۴۰؛ مکتب وقوع در شعر فارسی، صص ۷۱-۷۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص ۴۶۰؛ الذریعه، ج ۹، ص۲۳۶؛ تذکره غنی، ص۴۲؛ میراث فرهنگی نطنز، ج ۲، صص ۷۶ و ۷۷.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص۳۸؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۵۰ الکواکب المنتشره، ص۳۲۶.

محمّد سلیم نوری*

محمّد سلیم بن ملک حسنی نوری، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و به تحصیل علوم دینی مشغول بوده است. او در یکشنبه شب عید اضحی (۱۰ ذیحجه) ۱۱۳۲ق در مدرسه شیخ جعفر اصفهان نسخه ای از «هیأت» فارسی تألیف: علاءالدّین علی قوشچی را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۱۲۷ در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام در قم نگهداری می شود.(۱)

محمّد سلیم جِشوِقانی قهپائی

محمّد سلیم بن محمّد علی جِشوِقانی [به کسر جیم و سکون شین و کسر واو] قهپائی اصفهانی [از فضلاء و کاتبان قرن یازدهم هجری] در نیمه ربیع الثّانی سال ۱۰۶۱ق کتاب «کافی» را به خط نسخ نوشته و به شماره ۸۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

حاج سیّد سلیمان ابطحی سدهی

حاج سیّد سلیمان ابطحی، از وعاظ و خطبای معروف اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

او در سِدِه ماربین (خمینی شهر) متولّد شد نسب او به سیّد محمّد دیباج فرزند امام جعفر صادق علیه السلام منتهی می شود. او پس از انجام تحصیلات خود به وعظ و ارشاد مشغول شده و نماز جماعت را در مسجد حناساب های اصفهان اقامه می کرد. او عمری را به زهد و استغنا گذرانیده و به ذکر مصائب و مناقب اهل بیت علیهم السلام کوشید تا اینکه در

۱- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام قم، ص۹۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۷.

روز جمعه ۷ شعبان ۱۳۶۳ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

سلیمان اصفهانی

ابو داود سلیمان اصفهانی، وی جزو جماعتی از اهل اصفهان بوده که در کوفه موفّق به زیارت حضرت علی علیه السلام شده اند.

وی گوید که با پدرم بودم در «کناسه» کوفه. مردی را دیدار کردیم. از نام او پرسش کردیم. گفته شد وی: شاهان شاه عرب یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام است.(۲)

سلیمان اصفهانی*

سلیمان اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. وی در نواختن نی مهارت به سزائی داشته و حتّی برخی نوازندگی او را به نوازندگی نایب اسداللّه ترجیح داده اند. مهدی نوائی نواختن نی را نزد او آموخته است.(۳)

سلیمان بیگ اصفهانی

سلیمان بیگ نوه محب علی بیگ لَلِه، شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری[از رجال و اعیان مورد احترام دوره صفویه بوده و مشرب صوفی گری و درویشی داشته و همچون پدر و جدّش متولّی مسجد جامع کبیر عباسی [مسجد شاه = مسجد امام فعلی] در اصفهان بوده است.

از اوست:

۱- شرح مجموعه گل، صص ۳۰۸-۳۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۲.

۳- سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، ص۲۹۲؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۲۷۳؛ تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران، ص۴۷۶.

حیرت افزاست خیال سر زلفت چندان که به خود گم چو سیاهی به شب تار شدم(۱)

سلیمان اصفهانی

حافظ سلیمان بن ابراهیم، از محدّثین قرن پنجم هجری است. او از «ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه» روایت می کند و «شهاب الاسلام ابوالنّجیب سعد بن عبداللّه همدانی» از وی نقل حدیث می نماید.

او در سال ۴۸۸ق زنده بوده است.(۲)

سلیمان مَلِنْجی اصفهانی

حافظ ابومسعود سلیمان بن ابراهیم بن محمّد بن سلیمان اصفهانی مَلِنْجی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری است. او در سال ۳۹۷ق متولّد شده و جهت اخذ حدیث به بصره و بغداد و فارس و جبال مسافرت کرده و از «ابونعیم احمد بن عبداللّه حافظ اصفهانی»، «محمّد بن ابراهیم جرجانی» و «ابی بکر بن مردویه» و دیگران استماع حدیث کرده و متجاوز از ۳۰نفر در شام و خراسان و عراق از جمله «ابوالقاسم جنید بن محمّد صوفی قائنی»، «ابوبکر محمّد بن شجاع لفتوانی» و «ابوبکر محمّد بن طاهر اشتر طوسی» از او حدیث شنیده اند. او کتب چندی در حدیث و استخراج بر صحیحین تألیف کرده است.

او در سال ۴۸۶ق وفات یافته است.(۳)

«ملنجه» یکی از محلّات یاقرای اصفهان است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۴؛ تذکره روز روشن، ص۳۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۷ و ۶۷۸.

۲- احقاق الحق، ج۴، ص۳۳۴ و ج۷، ص۳۹۳ و ج۸، ص۳۱۷ و ج۹، ص۵۲۱ و ج۱۰، ص۴۳۶.

۳- مرآت الجنان، ج۳، ص۱۴۲؛ التّحبیر، ج۱، ص۱۶۹؛ الانساب، ج۵، ص۳۸۲؛ تذکره الحفاظ، ج۳، ص۱۰۹۳؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۴۰۹؛ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ج۱، ص۵۰۱.

سلیمان دامغانی*

خواجه سعدالدّین سلیمان بن شرف الدّین ابوالحسن بن طالوت دامغانی، از اعیان و خیرّین نیکوکا قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. او از مریدان عارف ربّانی محمّد بن ابوالقاسم اصفهانی معروف به «بابا قاسم» بوده و پس از وفات مراد خود، بقعه ای شکوهمند را در سال ۷۴۱ق بر سر مزار او بنا کرده است.(۱)

سلیمان طبرانی

حافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایّوب بن مطیر لخمی طبرانی، از مشاهیر محدّثین و حُفّاظ عامّه در قرن سوم و چهارم هجری است. در سال ۲۶۰ق در عکّا متولّد گردید و جهت کسب علم و حدیث به شهرهای حجاز و مصر و عراق و فارس و اصفهان و جزائر مسافرت نمود. در سال ۲۹۰ق به اصفهان وارد گردید و بعدا به شهرهای دیگر رفته و از سال ۳۰۰ق مجدّدا به اصفهان آمده و مدّت شصت سال در این شهر به نقل حدیث پرداخته، تعداد مشایخ او را قریب یک هزار نفر می نویسند. او را «مسند دنیا» لقب داده اند. و خود از زمره حُفّاظ و علماء اهل سنّت بوده و نسب به شیعه به نظر احترام می نگریسته است.

برخی از محدّثین که طبرانی از آنها روایت نموده عبارتند از: «ابن عقده احمد بن محمّد»، «احمد بن یحیی حلوانی»، «محمّد بن عبداللّه بن بجیر»، «محمّد بن علی بن اسحاق»، «محمّد بن علی بن الولید»، «یحیی بن عثمان با صالح» و غیره.

از جمله کسانی که از وی اخذ حدیث کرده اند: «حافظ ابونعیم اصفهانی»، «ابوخلیفه جمحی»، «عبداللّه بن احمد» و جماعتی دیگر می باشند.

۱- آثار ایران، ج۴، صص ۲۲۶ و ۲۲۸.

«طبرانی» در ۲۸ ذیقعده ۳۶۰ق در سن یکصد سالگی در اصفهان وفات یافته، «حافظ ابونعیم اصفهانی» بر وی نماز گزارده و سپس جنب مزار «حممه بن ابی حممه» (از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله) در باب تیره اصفهان مدفون شد.

در محلّه طوقچی مجاور مقبره «صاحب بن عَبّاد» مقبره قدیمی با گنبد خِشتی بود که اخیرا آنرا خراب کرده و حسینیّه بنا کردند. معروف بین عوام آن بود که نام مدفون در بقعه « تبردار» است و ظاهرا « تبردار» تصحیف شده «طبرانی» است.

کتابهای زیر از تألیفات اوست:

۱. «کتاب الاوائل»۲. «تفسیر قرآن»۳. «حدیث الشّامیین»۴. «کتاب الدّعوات»۵. «دلائل النّبوه»۶. «کتاب الرّمی»۷. «کتاب السّله»۸. «الطوالات فی الحدیث»۹. «عشره النّساء» ۱۰. «مسند ابوسفیان» ۱۱. «مسند شیعه» ۱۲. «معجم اوسط» شامل پنجاه و دو هزار حدیث ۱۳. «معجم صغیر» در اسامی مشایخ خود ۱۴. «معجم کبیر» در ذکر اسامی صحابه ۱۵. «کتاب المکارم فی ذکر الاجواد» ۱۶. «کتاب المناسک» ۱۷. «کتاب النوادر»(۱)

پیر سلیمان هفشوئی

پیر سلیمان هفشوئی اصفهانی بن پیر احمد یاناکی هفشوئی، شاعر و ادیب فاضل. از شعراء و دانشمندان قرن یازدهم هجری.

اصلاً از اهالی قریه «هفشویه» از بلوک قُهاب اصفهان بوده و جهت تحصیل به

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۵؛ راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۰۰؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۲۱۵؛ هدایه العارفین، ج۱، ص۳۹۶؛ الکنی و الالقاب، ج۲، صص ۴۴۳ و ۴۴۴؛ روضات الجنات، ج۴، ص۷۹؛ هدایه الاحباب، ص۲۱۳؛ کشف الظّنون، ج۲، ص۱۷۳۷؛ الاعلام، ج۳، ص۱۸۱؛ اللّباب، ج۲، ص۲۷۳؛ غایه النّهایه، ج۱، ص۳۱۱؛ طبقات المفسرین، ج۱، صص ۱۹۸-۲۰۰؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۳۱؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۲۵۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «طبرانی»، ص۱۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۶؛ مزارات اصفهان، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

اصفهان آمد و در مدرسه والده ساکن شد.(۱) نزد جمعی از فضلاء و علماء خصوصا سیّد شرف الدّین علی شولستانی نجفی و آخوند نصیرا قزوینی به تحصیل پرداخت و از سیّد شرف الدّین شولستانی در ۴ رجب سال ۱۰۵۴ق اجازه دریافت نمود.(۲)

[او در سال ۱۰۳۳ق کتاب «ذکری الشیعه» تألیف: شهید اوّل را کتابت نموده که به شماره ۱۱۲۱۵ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۳)]

در فنون شعر و ادب خصوصا عروض و قافیه و معما و صنایع بدیعی استاد بوده و گاهی شعر می سروده است.

این معما به نام «صدر» از اوست و حلّ آن در تذکره نصرآبادی آمده است:

چون صبا زلف از جمال یارم دور کرد بر کنار لب دو خال هندویم رنجور کرد

[پیر نور و پیر محمّد مقیم از سلسله پیران قریه هفشویه و از بستگان و خویشان پیر سلیمان بوده اند و فرزندانش محمّد صالح و صمد نیز از فضلاء آن عهد بوده اند.]

سیّد سلیمان گلستانه*

سیّد سلیمان بن سیّد محمّد باقر گلستانه، خوشنویس ادیب قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و خط نسخ را خوش می نوشته و معاصر شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی است و ظاهرا تا سال ۱۰۹۰ق در قید حیات بوده است.

او یک جلد قرآن کریم را به خط نسخ خوش در سال ۱۰۷۶ق کتابت کرده که به شماره ۱۲۱۶۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. همچنین نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را در سال ۱۰۸۷ق کتابت کرده که به شماره ۱۰۰ در کتابخانه صدوقی یزدی در یزد موجود است.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص ۷۷۰.

۲- الذریعه، ج۱، ص ۲۱۰.

۳- فهرست الفبائی رضوی، صص ۷۱۰ و ۲۷۳.

۴- فهرست مجلس، ج۳۵، ص۱۷۸؛ فهرست صدوقی، ص۷۹.

سلیمان اصفهانی

سلیمـان بن محمّـد حسـین اصـفهانی، از کاتبـان قرن یـازدهم هجری است. او کتـاب «ذخیره خوارزمشاهی را در شوال ۱۰۷۹ق کتابت کرده و در کتابخانه سلطنتی سابق در تهران موجود است.(۱)

سلیمان منقری شاذکونی

ابو ایوب سـلیمان بن داود بن بُشـر منقری شاذکونی اصـفهان کوفی، از محـدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری. پـدرش در یمن تجـارت می کرد و دوخته هـایی را می فروخت که در یمن به «شاذکونه» معروف بود. لـذا به «شاذکونی» معروف شـد. خود او جهت طلب حدیث به بغداد و کوفه رفته و در اصـفهان ساکن شده و «رسته»، «محمّد بن عاصم»، «اسید» و «ابوزرعه رازی» از او حدیث نقل کرده اند.

شاذکونی از برخی از شاگردان امام جعفر صادق علیه السـلام حدیث نقل می کند امّا رجال شـناسان شـیعه او را ضعیف دانسته اند.

وی در سال ۲۳۶ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

سلیمان وکیل

ابوالحسـین سـلیمان بن داود بن سـلیمان وکیل [از محـدّثان عامّه اصـفهان در قرن چهارم هجری] وی از «علیّ بن محمّد بن ابان قاضی» و «علی بن حسن بن علی مظالمی» روایت می کند.(۳)

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص ۱۰۸۰.

۲- ذکر اخبار اصـفهان، ج۱، صص ۳۳۳ و ۳۳۴و ترجمه ذکر اخبـار اصـفهان، ص۴۲۵؛ مجمع الرّجـال، ج۳، ص۱۶۵؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۱۵۳؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۳۴۴؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۲۶۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۶.

سلیمان حسن آبادی

ابوالعلاء سـلیمان بن عبـدالرّحیم بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن سـلیمان رفّاء حسن آبادی اصـفهانی، [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن پنجم هجری] از «ابی عبـداللّه بن منـده»، «ابی اسـحاق بن خُرشـید قـوله»، «ابی عمر بن طلحی» اسـتماع حـدیث نموده و «ابونصـر احمد بن محمّد خوزی اصفهانی» و «ابوبکر محمّد بن علی کابلی» از او اخذ حدیث کرده اند. او مردی فاضل بوده و در سال ۴۶۹ق وفات یافته است.(۱)[ظاهرا منظور از «حسن آباد»، حسن آباد جرقویه اصفهان است.]

سیّد سلیمان

سیّـد سـلیمان بن محمّد علی، از علماء اتقیاء. وفاتش در ۱۹ ذیقعده الحرام ۱۲۳۴ق روی داده و قبرش در تخت فولاد اصـفهان است.(۲)

میرزا سلیمان کوثر اصفهانی

میرزا سـلیمان خـان امین پور متخلّص به «کوثر» فرزنـد میرزا فضـل اللّه، [از شـعرای اصـفهان در قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۹۰ش در اصـفهان متولّد شده و تحصـیلات ابتدائی و متوسـطه خویش را در این شهر به پایان رسانیده، وارد خدمت فرهنگ شده و از دبیران خوب و مجرب فرهنگ اصفهان به شمار می رفت. گاهی به مقتضای حال اشعاری می سرود و «کوثر» تخلّص می کرد. برادرش هاشم بهروش متخلّص به «روشن» نیز از شعرای اصفهان و مقیم یزد بود.

۱- الانساب، ج۴، ص۱۵۷؛ معجم البلدان، ج۲، ص۲۵۹؛ اللباب، ج۱، ص۲۶۵؛ التّحبیر، ج۲، ص۱۸۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۹.

از اوست:

باور مکن اگر که وجودم عدم شود اندر دلم ز مهر تو یک ذرّه کم شود(۱)

حاج میرزا سلیمان رکن الملک

حاج میرزا سلیمان رکن الملک شیرازی بن محمّد کاظم [خلف بیگی بن محمّد حسین بن محمّد اسماعیل بن ابراهیم سلطان بن امام وردی بیگ بن خلف بیک ثانی (سفره چی)، شاعر و ادیب منشی. از سخنوران و بزرگان اواخر دوره قاجاریه.

او از خاندان خلف بیگی شیراز است که نسب آنان به خلف بیگ طالش از امرای شاه اسماعیل صفوی منتهی می شود. خلف بیگ سفره چی معروف به «خلف بیگ ثانی» بانی مسجد سرخی اصفهان هم از اجداد اوست و امام وردی بیگ مدّتی والی فارس بود.]

صاحب عنوان در سال ۱۲۵۴ق در شیراز متولّد شده و در آنجا علم و ادب آموخته و خطوط نستعلیق و نسخ را مشق نموده و در صنایع و فنون ادب خصوصا انشاء مهارتی وافر کسب کرد.

[در سال ۱۲۷۷ق کارگزار بحرین شده و سپس به دستگاه ظلّ السلطان والی فارس پیوست و در خدمت او به منشی گری پرداخت. پس از ضمیمه شدن حکومت اصفهان و مناطق تابعه به قلمرو حکمرانی ظلّ السّلطان، به اصفهان منتقل شده و «نایب الحکومه» اصفهان گردیده و لقب «رکن الملک» گرفت و عامل ابرقو و جرقویه علیا و سفلا شد.]

او از مردان نیکوکار و خلیق و مهربان و فردی لایق و کاردان بوده و در مقایسه با عموم کارمندان دستگاه ظلّ السّلطان، از همه بهتر و نسبت به قاطبه مراجعین خصوصا علماء و دانشمندان خوشرفتار بوده و در دستگیری از فقراء و ضعفاء اهتمام داشته است. آثار خیریه ای از او باقی مانده است. از آن جمله:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۹۱.

۱. ساختن بقعه ای بر سر مزار آقا محمّد بیدآبادی۲. ساختن گنبد و تعمیرات تکیه حاج محمّد جعفر آباده ای در تخت فولاد۳. تعمیرات در تکیه میرفندرسکی۴. تعمیرات صحن مطهر حضرات عسکریین علیهماالسلام در سامرا۵. ساختن مسجدی عالی و وسیع و مدرسه در اول تخت فولاد در سال ۱۳۲۱ق۶. چاپ ۷۵۰۰ جلد قرآن مجید و چندین کتاب از جمله «جامع عباسی»، «زاد المعاد»، «صحیفه سجادیّه»، «انیس الاعلام فی نصره الاسلام» و اهداء آن به علماء و مؤمنین. در استان فارس هم فعالیّت های خیریه داشته و از جمله صدها جلد قرآن را وقف کرده و تولیّت موقوفات خاندان خلف بیگی در شیراز را برعهده داشته است.

در سخنوری و فنون شعر و ادب نیز استاد بوده و در شعر «خلف» تخلّص می نموده است. وی سرانجام در روز سه شنبه ۷ جمادی الاولی سال ۱۳۳۱ق وفات یافته و در مسجد خود در اطاق مخصوص مدفون شد. عدّه ای از شعراء جهت او مرثیه و مادّه تاریخ گفته اند. از جمله «اعوری» شاعر اصفهانی گوید:

باده مرگ ساقی دوران ریختش چون به کام رکن الملک

اثر کار خیر او دارد تا ابد زنده نام رکن الملک

«اعوری» گفت بهر تاریخش «شد بجنت مقام رکن الملک»

این دو بیت از رکن الملک است:

دلِ غمین به وصال بتی ز نوشاد است که رشک لعبت فرخار و شوخ نوشاد است

به کوی خسرو و شیرین ما دلا بگذر ببین که تیشه بر فرق هزار فرهاد است(۱)

۱- آثار عجم، ص۵۰۳؛ تذکره مرآه الفصاحه، ص۱۹۹؛ فارسنامه ناصری، ج۲، ص۹۱۶؛ مجله یادگار، سال سوم، شماره ۹، ص۳۳؛ حدیقه الشعراء، ج۲، ص۵۷۳؛ دانشمندان و سخن سریان فارس، ج۲، صص ۴۵۴-۴۵۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۲۸۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۲ و ۶۵۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۱.

سلیمان اصفهانی

ابو داود سلیمان بن محمّد بن علی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری[در شوال ۴۵۵ق متولّد شده و سرانجام در نیشابور ساکن شده است. او به همراه «ابوسعد سمعانی» از «ابوبکر... بن طاهر شمامی» حدیث شنیده است. وفاتش در سال ۵۴۱ق اتفاق افتاد.(۱)

ملّا سلیمان تنکابنی*

ملّا سلیمان بن محمّد تنکابنی گیلانی اصفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر، جامع معقول و منقول. از علمای قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از بزرگان فقه و ادب خصوصا علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی کسب فیض نمود.

وی در سال ۱۰۷۷ق نسخه ای از کتاب «کافی» را کتابت کرده که در مسجد اعظم قم موجود است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آداب المؤمنین و اخلاقهم» ۲. «التّوحید»۳. «الحرکه و السّکون و الزّمان»۴. «الرّجعه»۵. «شرح الصّحیفه السّجادیه»۶. «العلم»۷. «المعاد»۸. «منظومه فی العوامل»(۲)

سلیمان کلاردشتی

سلیمان بن درویش محمود کلاردشتی مازندرانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری ساکن اصفهان] در ۱۷ صفر ۱۰۹۲ق از کتابت «حاشیه مطول» میر سیّد شریف جرجانی، در اصفهان فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۱۶۳۹ در کتابخانه مرکزی

۱- التّحبیر، ج۱، ص۳۱۳.

۲- تلامذه العلّامه المجلسی، ص۲۹؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۲۳۵.

دانشگاه طهران موجود است.(۱)

سلیمان اصفهانی

سلیمان بن میرزا جان اصـفهانی، از کاتبان و فضـلای قرن سـیزدهم هجری است. او نسـخه ای از «ایضاح الاشـتباه» تألیف: علّامه حلّی را به خط نسخ (ظاهرا در اوایل قرن چهاردهم هجری) کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۱/۱۴۶۸۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

سلیمان فابزانی

سلیمـان بن یوسف بن صالـح بن زیـاد بن عبـداللّه عقیلی فابزانی اصـفهانی [از محـدّثین عامّه در قرن سوم هجری. از «نعمان بن عبدالسّلام» روایت می کند.] فرزندش «ابوجعفر احمد» از او نقل حدیث کرده است.(۳)

[«فابزان» به احتمال قوی همان «خابجان» (خابجون) فعلی، از محلّه های اصفهان است.]

شیخ سلیمان دارانی

شیخ سلیمان دارانی، از مشاهیر عرفای عهد صفوی است. مدفنش در داران (فریدن) اصفهان است.(۴)

آقا سلیمان کلانتری*

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۲۱۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۷، ص۱۸۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۳؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۲۴.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۶.

آقا سلیمان کلانتری، از هنرمندان معاصر اصفهان. از شاگردان سیّد رحیم اصفهانی بود و در خوانندگی مهارت داشت و به سبک سیّد رحیم آواز می خواند. و در موسیقی اطلاعات کافی داشت، وی در سال ۱۳۴۸ش درگذشت.(۱)

ملّا سلیمان گرجی

ملّا سلیمان گرجی [از علماء قرن دوازدهم هجری] معاصر شاه سلطان حسین صفوی و مؤلف: ۱. «کشکول اللّغه» در شش جلد که نسخه آن در کتابخانه آیه اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. [۲. ترجمه «ریاض السالکین» سیّد علی خان در شش جلد ۳. «ام العرفان فی تفسیر القرآن»]

سلیمان مبارکه ای لنجانی

سلیمان مبارکه ای لنجانی، [از ادباء و عرفاء اواخر دوره قاجاریه] کتاب «ترجمه مروج الذهب» را در محرم ۱۳۱۶ق در مبارکه لنجان اصفهان به خط نسخ نوشته و آنجا «اقلُّ الطُّلاب و اَفقَر الفُقَراء النّعمتیّه سلیمان» خود را معرفی می کند.(۲)

سیّد سلیمان میرلوحی فلاورجانی*

سیّد سلیمان میرلوحی فلاورجانی، از علماء و واعظ معاصر است. در سال ۱۲۹۱ش متولّد شد. در ۱۲ سالگی به اصفهان رفته و در مدرسه جدّه بزرگ ساکن شد و نزد علمای عالیقدری چون شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی و سیّد عباس صفی دهکردی به تحصیل پرداخت. او از سال ۱۳۲۵ش تا آخر عمر در فلاورجان و مناطق اطراف آن به وعظ و خطابه و ترویج دین مشغول بود و در مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام فلاورجان و مسجد جامع ریاخون به اقامه جماعت می پرداخت.

۱- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۸۳.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۶۹.

او سرانجام در روز ۲۲ مهر ۱۳۶۶ش (مصادف با شب اربعین) وفات یافت.(۱)

سُمبات درگیورقیان*

سُمبات دِرگیورقیان، نقاش و هنرمند معاصر. در سال ۱۲۹۳ش (برابر با ۱۹۱۳م) در محلّه جلفای اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود را در مدرسه ارامنه و سپس در کالج انگلیس اصفهان به اتمام رسانید.

از سال ۱۳۱۱ به مدّت سه سال از آموزش های نقاش هنرمند سرکیس خاچاطوریان بهره مند شد. در سال ۱۳۳۷ش اولین نمایشگاه آثار خود را در باشگاه صنعت نفت آبادان برپا کرد. یک سال بعد راهی ایتالیا و فرانسه شد و با آثار هنرمندان آبرنگ و سبک های آنان آشنا شد. آنگاه به لندن رفت و با آبرنگ کار انگلیسی «سِر ویلیام داسل فلینت» آشنا شد و مورد توجّه و تایید آن هنرمند قرار گرفت، او در یک سال اقامت در لندن نقاشی و طراحی را دنبال کرد و معلومات و تجربیات ارزشمندی به دست آورد.

او پس از بازگشت به ایران نمایشگاه های متعدّدی را در شهرهای آبادان و مسجد سلیمان و همچنین در کشور عربستان سعودی برپا داشت. همچنین در سال ۱۳۲۳ش در چهارمین بی نیال تهران شرکت کرد. او دارای کارگاهی بود که شاگردان بسیاری در آنجا تعلیم دیده اند.

آثار به نمایش گذاشته از او در نمایشگاه های داخل و خارج کشور با استقبال فراوان هنرشناسان روبرو شده و شماری از کارهایش در موزه های داخل و خارج و در مجموعه های خصوصی نگهداری می شود. در سال ۱۳۷۲ش نمایشگاه آثار او در ایروان، پایتخت ارمنستان با استقبال بسیاری مواجه گردید.

سُمبات علاوه بر چیره دستی در آبرنگ، در نقاشی رنگ و روغن، گواش، پاستل، آب مرکب و سیاه قلم نیز مهارت داشت. بسیاری از موضوعات نقاشی او زندگی مردم

۱- شرح مجموعه گل، ص ۲۴۰.

ایران در آثار تاریخی هستند.

این هنرمند توانا از جامعه ارامنه اصفهان در سال ۱۳۷۸ش درگذشت.(۱)

ملّا محمّد سمیع اصفهانی

ملّا محمّد سمیع اصفهانی [از فضلاء قرن چهاردهم هجری] فاضل ادیب. کتب چندی وقف نموده که از آن جمله است: نسخه ای از «ارشاد القلوب» دیلمی که به نظر علّامه [شیخ آقابزرگ] طهرانی رسیده است.(۲) وی در نجف اشرف ساکن بود. او عالمی صالح زاهد و متقی و در جمع کتب مولع بوده و اغلب آن کتابها را وقف یا وصیّت به وقف نموده است. سرانجام در سال ۱۳۲۷ق وفات یافته و در قبرستان «وادی السلام» نجف مدفون شد.(۳)

سوار عسکری

ابی الحسن سوار بن احمد بن ابی سوار عسکری. از راویان بصره حدیث نقل کرده است. چندین سال در اصفهان سمت قضاوت داشته و در ماه شعبان سال ۹۴ق در این شهر وفات یافته است.(۴)

سهل ابهری

ابوالحسن سهل بن احمد بن عباس ابهری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از «ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن نعمان بن عبدالسّلام» روایت نموده و

۱- آبرنگ ایران: برگ چهارم؛ دانشنامه ایرانیان ارمنی، ص۳۴۶.

۲- الذریعه، ج۱، ص۵۱۷.

۳- نقباء البشر، ص۷۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۹.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۲؛ تاریخ نجف اشرف و حسیره، ص۱۴۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۵.

«ابوبکر بن مقری» از او نقل حدیث می نماید.(۱)

ابهر (اَبَر) از دهات بلوك جِی اصفهان بوده و اکنون جزو شهر محسوب می شود.

سهل اسیهفردیسی

ابوطاهر سهل بن عبداللّه بن فَرُّخان اسیهفردیسی مدینی اصفهانی [از زُهّاد و عُبّاد و محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] زاهد و مستجاب الدعوه بوده و به مصر و شام سفر کرده و حدیث نوشته است. [از «ابن شر حبیل»، «ابوایّوب سلیمان بن عبدالرّحمان» و «محمّد بن مصفّی» روایت نموده و «احمد بن ابراهیم بن یوسف ضریر» از او نقل حدیث کرده است.(۲)] او در سال ۲۹۶ق وفات یافت.

«اسیهفردیس» از روستاهای «مدینه» (شهرستان) اصفهان است.

سهل اصفهانی

سهل بن علی بن سهل اصفهانی، از عرفاء و صوفیه [در قرن چهارم هجری] است. ابونصر سراج در «لمع» از قول او گوید: «حرام است اصحاب ما را فقرا بنامند، زیرا آنها غنی ترین خلق خدایند»(۳)

سهل اُسواری

ابوالمظفر سهل بن محمّد بن احمد اُسواری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان است] از «ابی عبداللّه محمّد بن اسحاق»، «ابی بکر طلحی» و «ابی اسحاق ابن ابراهیم نیلی» روایت می کند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۹؛ معجم البلدان، ج۳، ص۲۵۳؛ طبقات المحدّثین باصفهان، ج۳، صص ۸۶ و ۸۷.

۳- تاریخ تصوف، ص ۲۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۳.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص ۱۹۰.

«اُسوار» از روستاهای حومه اصفهان بوده [و احتمالاً همان جایی است که به حال حاضر آن «سواری باغ» گفته می شود.]

سهل اصفهانی

ابوطاهر سهل بن محمّد بن ازهر اصفهانی [از فقهاء و محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] در فقه مهارت داشته و از یونس بن حبیب حدیث شنیده و از ابومسعود حدیث نوشته است. او پدر صوفی و عارف مشهور «علی بن سهل اصفهانی» است.

سهل اصفهانی در سال ۲۸۶ق وفات یافت.(۱)

سهل صعلوکی

ابوالطّیب سهل بن ابوسهل محمّد بن سلیمان بن محمّد صُعلوکی نیشابوری اصفهانی، از فقهاء و محدّثین مشهور شافعی در قرن چهارم هجری. نزد پدر فقه را آموخته و علاوه بر فقه در ادبیات نیز توانا بود و ریاست شرعی و دنیوی را با هم داشت. گویند در مجلس درس او در نیشابور قریب پانصد قلم و دوات به کار می رفته و فضلاء حاضر در مجلس، مطالب او را می نوشته اند.

وی در سال ۴۰۴ق وفات یافت [سالهای ۴۰۲ و یا ۳۸۷ق که برخی نوشته اند اشتباه است.] وی مؤلف کتابی است به نام «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب» یعنی طبقات الشافعیه.(۲)

سهل بُرجی

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۲؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۴۵؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۲۴۶؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۴۱۲؛ طبقات الشّافعیّه (اسنوی)، ج۲، صص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ طبقات الفقهاء، صص ۱۲۹ و ۲۲۲؛ روضات الجنات، ج۴، ص۹۶؛ الاعلام، ج۳، ص ۲۱۰؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۴۱۶؛ محاسن اصفهان، ص ۳۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سهل»، ص۷۳۴.

سهل بن محمّد بن ابی الفرج سهل بُرجی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] از جدش ابوالفرج سهل بُرجی نقل حدیث نموده و محدّثین اصفهان از او حدیث شنیده اند. یحیی بن منده در کتاب خود از او یاد کرده و از او اجازه نقل حدیث دارد.(۱)

سهل اصفهانی

ابوالقاسم سهل بن محمّد بن عبداللّه بن محمّد اصفهانی ندیم [از محدّثین فاضل قرن ششم هجری] متوفی در ربیع الثّانی ۴۴۶ق، ساکن نیشابور.(۲) از «سیّد ابوالحسن محمّد بن علی بن حسین بن علی حسنی» روایت نموده و «حاکم حسکانی» از او نقل حدیث کرده است.(۳)

[حافظ ابوالحسن فارسی او را با عنوان «شیخٌ فاضلٌ ثقهٌ کثیر الشیوخ ثقه فی الرّوایه» ستوده و نوشته است که در اعتقادات اهل سنّت تعصب داشته و در نیشابور و هرات حدیث شنیده و حدیث گفته است.(۴)]

سه موافق

در محلّه جوباره اصفهان در نزدیکی تکیه حاج میرزا داود در مقبره ای متصل به مسجد محمّد علی سلمانی در ضلع جنوبی خیابان کمال قبر ساروتقی معروف است. در حوالی آن سه قبر وجود داشته که در طول تاریخ از بین رفته ولکن نام آنها علی المشهور «سه موافق» بوده و در اثر کثرت استعمال به «سه مافق» شهرت یافته است.

این سه قبر یکی داخل دکان مقابل مسجد و دیگری در خانه پشت مسجد و سومین نیز در مسجد و احتمالاً در همین بقعه قرار داشته است. نام و شرح حال آنان تاکنون بر

۱- معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۳.

۲- تاریخ نیشابور، ص۳۷۹.

۳- احقاق الحق، ج۱۴، ص۵۹۸.

۴- المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، ص۱۰۶.

نویسنده مجهول مانده و به احتمال قوی، قبور متعلق به بزرگان و علماء اسماعیلیه که در قرن پنجم تا هفتم در اصفهان قدرت و شهرت و عنوانی داشته اند، بوده است.

شاردن فرانسوی در سفرنامه خود پس از ذکر افسانه ای درباره کمال الدّین اسماعیل می نویسد: «چند قدم پایین تر از این قبرستان (قبر کمال اسماعیل) قبر یکی از شجاعان اسلام است که در قرن چهارم می زیسته و سنّیان که دشمن مذهب ایرانیانند را در همه جا تعاقب می کرده و...»

مرحوم عریضی می نویسد که «نام صاحب این قبر سیّد احمد و در دیگری قبر امین الدّین حسن وزیر سلطان ملکشاه سلجوقی و سومی قبر دیوانه بابلی است. سپس شرحی درباره دیوانه بابلی می نویسد که شباهت به نوشته قبلی او دارد. به ظنّ قوی، قبری را که نزدیک قبر کمال الدّین اسماعیل نقل می کند و جزو سه قبری است که قبلاً ـ به عنوان «سه موافق» نوشتیم، مربوط به همین فرد می باشد.(۱)

سهیل اصفهانی

ابوالسّحماء سهیل بن حسّان اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان است. از اصفهان به مصر رفته و در آنجا حدیث گفته است. عبداللّه بن وهب از او روایت کرده است.(۲)

سیّار بن خزیمه

ابونصر سیّار بن خزیمه بن سیّار بن عبدالرّحمان [از محدّثان عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] در اصفهان می زیسته و محل زندگی او سالها به کوی سیّار معروف بوده است. مردی بسیار عابد و زاهد بوده و از حاتم بن عبیداللّه نَمَری بصری و حسین بن حفص بن فضل ذکوانی همدانی و ابراهیم بن ایوب عنبری فُرسانی حدیث شنیده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۹؛ مزارات اصفهان، ص۲۶۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۰؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۶۸.

سیاوش کسرائی*

سیاوش کسرائی فرزند رحیم شاعر نوپرداز معاصر، در حدود سال ۱۳۰۵ش در اصفهان متولّد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدّماتی و متوسّطه در زادگاه خود به تهران رفت و موفق به دریافت مدرک لیسانس از دانشکده حقوق شد. او تحت تأثیر نیما یوشیج به شعر نو روی آورد و جزو اولین نسل پیروان و مروّجان نیمائی قرار گرفت. در جوانی به مبارزه سیاسی روی آورد و رژیم پهلوی از چاپ آثار او جلوگیری کرد و او مجبور به مهاجرت به افغانستان شد. پس از پیروزی انقلاب به ایران بازگشته و مدّتی به فعالیّت ادبی مشغول بود، سرانجام به شوروی (روسیه کنونی) رفت. او سالهای آخر عمر را در اطریش به سر آورد تا اینکه پس از یک عمل جراحی، در پنج شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۷۴ش در «وین» (پایتخت اطریش) درگذشت و در قبرستان آن شهر به خاک سپرده شد.

از اشعار معروف او «آرش کمانگیر» است که در بین مردم معروف بود و در کتابهای درسی درج شده بود.

این کتابها که مجموعه اشعار اوست به چاپ رسیده است:

۱. «آوا»۲. «آرش کمانگیر»۳. «خون سیاوش»۴. «سنگ و شبنم»۵. «با دماوند خاموش»۶. «خانگی»۷. «به سرخی آتش، به طعم دود»۸. «از قُرُق تا سرودخوان»۹. «آمریکا آمریکا» ۱۰. «چهل کلید» ۱۱. «تراشه های تبر» ۱۲. «پیوند» ۱۳. «هدیه برای خاک» ۱۴. «ستارگان سپیده دم» ۱۵. «مهره سرخ» ۱۶. «از خون سیاوش» ۱۷. «گزینه اشعار» ۱۸. «هوای آفتاب»(۱)

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۸۶۳؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۴۷۰ و ۴۷۱؛ هفته نامه «امید جوان»، سال اوّل: شماره ۴، روز ششم اسفند ۱۳۷۴، ص۱۰؛ ماهنامه جهان کتاب، شماره ۱۹۲: سال نهم، ص۵۰.

دکتر سیاوش صحّت*

دکتر سیاوش صحّت، از پزشکان جراح و اساتید پزشکی معاصر در سال ۱۳۱۳ش متولّد شد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه در اصفهان، دوره دانشکده پزشکی اصفهان را به پایان رسانیده و سپس در دوره تخصصی جراحی شرکت کرد. سپس به آمریکا رفت و در «پنسیلوانیا» و «ماساچوست» و بیمارستان «مموریال» نیویورك به ادامه تحصیل در رشته جراحی پرداخته و دیپلم تخصصی در این رشته را اخذ نمود. سپس به اصفهان بازگشته و در سال ۱۳۴۴ش به سمت دانشیاری جراحی عمومی دانشکده پزشکی اصفهان منصوب شد.(۱)

دکتر سیروس شفقی*

دکتر سیروس شفتی فرزند علی اکبر، جغرافیدان و استاد دانشگاه، در سال ۱۳۱۲ش در ارومیه متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی به تبریز رفت و پس از طی دوره متوسطه، در دانشگاه تبریز در رشته های علوم تربیتی و تاریخ و جغرافیا لیسانس گرفت.

سپس به آلمان رفت و در سال ۱۳۴۴ش از دانشکده علوم طبیعی و ریاضی دانشگاه کُلن، دکترای جغرافیا اخذ نمود و تز دکترای خود «جغرافیای شهری تبریز» را ارائه نمود. در سال ۱۳۴۵ش به اصفهان آمده و رشته جغرافیا را در دانشگاه اصفهان تأسیس کرد و در سال ۱۳۵۶ش به درجه استادی رسید.

وی در سمت های مختلف مانند مدیر گروه جغرافیا، رئیس دوره شبانه دانشگاه اصفهان، رئیس دانشکده اقتصاد و علوم اداری و ریاست مرکز تحقیقات جغرافیای اصفهان به انجام وظیفه پرداخته و در برخی از شوراهای فرهنگی و دانشگاهی و گروه های تحقیقاتی عضو بوده است.

از او مقالات متعددی در مجلات کشور همچون هنر و مردم، نشریه دانشکده ادبیات

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی، ص۱۰۸.

و علوم انسانی تبریز، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، نشریه هواشناسی کشور، نشریه مسائل ایران، فصل نامه فرهنگ اصفهان، فصل نامه وقف میراث جاویدان و غیره به چاپ رسیده و چندین مقاله نیز به زبان آلمانی چاپ شده است. همچنین از او مقالات متعددی در همایش های داخلی و خارجی ارائه شده است.

کتب زیر از او به چاپ رسیده است:

۱. «بررسی کارهای دستی اصفهان» ۲. «بررسی مناطق خشک و کویرهای ایران»۳. «جغرافیای اصفهان»۴. «بازار بزرگ اصفهان»(۱)

سیف الدّین آذر نجف آبادی*

سیّد سیف الدّین سیّد موسوی متخلّص به «آذر» فرزند سیّد فخرالدّین، از شعرای معاصر. در روز سوم مهر ۱۳۲۰ش در قزوین متولّد شد. عاقبت در نجف آباد ساکن شده و در کارخانه ذوب آهن به کار پرداخت. و چندی بعد در دانشگاه پیام نور در رشته ادبیات تحصیل نمود. جدّش حاج سیّد مناف، مجتهد معروف طارم علیا است.

از اوست:

دل را خدای کرده بلورین سرای مهر مگذار سنگ غم بخورد بر بنای دل

از جور بی حساب حذر کن نگار من آتش مزن ز غصّه بُتا بر سرای دل(۲)

سیف اللّه سیفی اصفهانی

سیف اللّه آشوری متخلّص به «سیفی» فرزند میرزا باقر متخلّص به «خاص»، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۳ش متولّد شد. او به علّت عدم تمکُّن مالی به مدرسه نرفت و تحصیلاتی مطابق ذوق و استعداد خود ننمود. لکن به علت شوق و ذوق

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با دکتر شفقی در اردیبهشت ۱۳۷۰ش، گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۳۲۹-۳۳۵.

۲- دیباچه دیار نون، ص۲۳۷؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص۲۲.

تحصیل، اندکی در خارج از محیط مدرسه درس خوانده و از اوّل جوانی سرودن شعر را شروع نمود. دو جزوه از دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. مشارالیه در انجمن ادبی پروانه شرکت می نمود.

او در اواسط رمضان المبارک ۱۴۱۱ق وفات یافته و در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

از اوست:

عهد با رشته زلف تو پری چون بستم رشته مهر و وفا از همه کس بگسستم

ساقیا زان مِی پر نَشئه که دادی به کفم نه عجب گویم اگر تا به قیامت مستم(۱)

سیف اللّه شباویز اصفهانی*

سیف اللّه قیصری متخلّص به «شباویز» فرزند درویش علی بن نعمت اللّه، شاعر ادیب معاصر اصفهان، در اوّل مهر ۱۳۱۹ش در خانواده ای از قوم بختیاری در منطقه «سرخون» از توابع اردل (در چهارمحال و بختیاری) متولّد شد. در کودکی به همراه خانواده به آبادان منتقل و در دبستان فرهنگ آبادان تحصیلات ابتدایی را به پایان رساند. دوره دبیرستان را هم در دبیرستان رازی آبادان طی نمود. آنگاه در دانشگاه اصفهان پذیرفته شد و در رشته زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ لیسانس گردیدو او ۱۰ سال در آبادان و بهبهان به تدریس مشغول بود. سپس به اصفهان منتقل شده و به تدریس در دبیرستان های این شهر ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۷۷ش بازنشسته شد. او از ورزشکاران به نام خوزستان بوده و بنا به تشویق مرحوم نامجو به وزنه برداری پرداخته و در سال ۱۳۴۳ش در مسابقات کشوری وزنه برداری نایب قهرمان شد. او ۲۰ سال به ورزش وزنه برداری مشغول بوده و دوره آموزش بین المللی داوری وزنه برداری را نیز دیده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۵۸؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۸.

وی در هنگـام تحصـیل در دبیرسـتان، به سـرودن شـعر پرداخت و بـا تشویق محمود مشـرف تهرانی (م. آزاد) و حسن پسـتا که دبیران او بودند به شـعر ادامه داد. او در اصـفهان در برخی انجمن ها خصوصا انجمن صائب و انجمن حافظ حضور یافته است، ولی کمتر در انجمن ها شـرکت می کنـد. برخی از اشـعارش در مجلات فردوسـی، امیـد ایران و سپیـد و سـیاه به چاپ رسـیده است.

آثار او هنوز هیچ کدام به چاپ نرسیده است که عبارتند از:

۱. «گلواژه های فارسی دری» ۲. «زخم کهنه» (مجموعه شعر)۳. «طنز در آثار سعدی»

ابن غزل از اوست:

آیینه دلی داشتم آن را به تو دادم این آینه نورفشان را به تو دادم

صد شور درون دل من خانه نشین بود یارا همه شور نهان را به تو دادم

می خواستی از من همه دار و ندارم جانان جهان من دل و جان را به تو دادم

آسودگی و شور و نشاطی که مرا بود یکجا به تو بخشیده جهان را به تو دادم

هر نام و نشانی که مرا بود به هر جای آن نام تو را داده، نشان را به تو دادم

گفتی نزدم صیدی و آن صید تو هستی قربان تو صیّاد! کمان را به تو دادم

سلطان وجود من و معبود دلم باش سلطانی و این جاه و مکان را به تو دادم

در کنج دل گرم «شباویز» نهان شو این خانه نُه توی زمان را به تو دادم(۱)

ملّا سیف اللّه قاری اصفهانی*

ملّـا سـیف اللّه بن سـلطان علی قـاری، از فضـلاء و قاریـان قرن دوازدهم هجری است. وی ظـاهرا در اصـفهان سـاکن بوده و در خدمت آقا جمال الدّین محمّد خوانساری به تحصیل

۱- مصـاحبه غلامرضا نصـرالهی با آقای سیف اللّه قیصـری در تابسـتان ۱۳۸۷، تذکره شـعرای اسـتان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۴۰۷.

پرداخته است.

وی «ترجمه مفتاح الفلاح» آقا جمال خوانساری را در سال ۱۱۱۸ق مقابله نموده است.(۱)

شیخ سیف اللّه نور محمّدی نجف آبادی*

شیخ سیف اللّه نور محمّدی نجف آبادی فرزند عباس، عالم فاضل محقّق. در سال ۱۳۱۲ش در نجف آباد متولّد شد. در نوجوانی به کربلا رفت و در درس حضرات آیات شیخ یوسف خراسانی و سیّد اسداللّه صدر هاشمی و سیّد محمّد شیرازی حاضر شد. سپس به نجف رفته و از درس علمای اعلام شیخ محمّد حسین حلّی و شیخ غلامرضا باقری نجف آبادی و آیات عظام خوئی، امام خمینی و سیّد عبدالأعلی سبزواری بهره گرفت و پس از ۲۴ سال سکونت در عراق به قم آمده و از درس آیات عظام علّامه فانی و گلپایگانی کسب فیض نمود و در آن شهر به تدریس سطوح عالیه پرداخت.

او تألیفاتی دارد که هنوز به طبع نرسیده اند. از جمله:

۱. «دلائل الشریعه فی شرح وسائل الشیعه» ۲. «اخلاقیّات» ۳. «آداب الصّلاه»(۲)

سیف اللّه خادم راوندی*

سیف اللّه خادمی راوندی متخلّص به «خادم» از شعرای معاصر در سال ۱۳۳۳ش در کاشان به دنیا آمد. او تا لیسانس رشته ادبیات فارسی تحصیل کرد و از سال ۱۳۵۳ش به سرودن شعر پرداخت. او در برخی انجمن های ادبی اصفهان حضور یافته و به تدریس ادبیات نیز می پردازد. وی در هوانیروز اصفهان به خدمت مشغول بوده است.

از اوست:

۱- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۳۷.

۲- سیمای دانشوران، ص۲۰۴؛ آیینه اهل قلم، صص ۹۱ و ۹۲.

ز کوچه های شهر ما عبور کن و شهر را پر از نشاط و شور کن

به سرزمین پاک اشتیاق ها بیا به جام شب شراب نور کن

بیا به خانه دلم سری بزن فضای خانه را پر از سرور کن(۱)

سیّد سینا کشفی

سیّد سینا بن سیّد جعفر کشفی بن اسحاق دارابی، عالم فاضل کامل و ادیب، فقیه و مفسر محقّق. [از علماء عالیقدر اواخر دوره قاجاریّه].

در اغلب علوم زمان خود همچون ادبیات، فقه، تفسیر و کلام مهارت داشته(۲) و در اصفهان به تدریس می پرداخته است. [جلسات درس تفسیر او رونق کافی داشته و بزرگانی چون عارف الهی شیخ حسنعلی اصفهانی در آن جلسات شرکت می کرده اند.(۳)]

وی سرانجام در [جمادی الثّانی] سال ۱۳۲۵ق وفات یافته و [در حجره بالا سر مقبره میر ابوالقاسم فندرسکی (در جوار قبر میر محمّد طاهر تویسرکانی) واقع در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۴)]

از او فرزندانی به جای مانده و اعقابش در اصفهان و نجف آباد ساکن و به «کشفی» معروفند.(۵) [یکی از دختران سیّد سینا در صحن تکیه میر مدفون است و شعر مرثیه روی سنگ قبر او سروده «حقایق»: سیّد محمّد بن سیّد مصفّی بن سیّد جعفر کشفی است.(۶)

از آثار به جای مانده از صاحب عنوان نسخه ای از «خلاصه البیان فی حل المشکلات القرآن» تألیف شیخ محمّد تقی هروی است که آن را در ۱۲ محرم الحرام ۱۲۷۶ق به خط نسخ کتابت کرده و به شماره ۱۲۰۵۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.(۷)]

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۲۴۳.

۲- نقباء البشر، ج۲، ص۸۳۴.

۳- نشان از بی نشان ها، ص۱۷.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۹۱ و ۶۹۲.

۶- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۷- فهرست مجلس، ج۳۵، ص۶۸.

ص: ۳۵۲

اعلام اصفهان

«ش»

اشاره

شاپور فارقانی اصفهانی

ابومنصور شاپور بن محمّد بن محمّد فارقانی (فارفانی) اصفهانی، [از محدّثین اوایل قرن ششم هجری] از «ابوعبداللّه قاسم ثقفی» استماع حدیث کرده و «ابوسعد سمعانی» جزء دوم «فوائد» «قاسم ثقفی» را از شنیده است. او در قریه «فارفان» قاضی بوده است.(۱)

[فارفاآن، از روستاهای شرق اصفهان است.]

شادی اصفهانی

ابونصر شادی بن فرج بن عبداللّه اصفهانی [از محدّثین عامّه ساکن نیشابور] در «تاریخ نیشابور» او را «هندی الاصل و اسلامی المولد و المنشاء» نوشته است. از «اباالحسن علی بن محمّد بن یحیی سجزی» حدیث شنیده [و «ابوعبداللّه فارسی» از او روایت می کند.(۲)]

شافع حَبّال اصفهانی

ابوبکر شافع بن محمّد بن علی حبّال اصفهانی [از محدّثین قرن ششم هجری] از «ابوبکر لاحق بن اسکاف»، «ابوالحسن مکی بن منصور بن علان» استماع حدیث کرده و جهت «ابوسعد سمعانی» در سال ۵۴۵ق حدیث نوشته است.(۳)

شاکر اسواری اصفهانی

ابوالفضل شاکر بن علی بن احمد بن علی اسواری اصفهانی [از محدّثین قرن ششم

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۲۴؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۲۸؛ اللباب، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲- تاریخ نیشابور، ص ۳۹۳؛ المختصر من کتاب السیّاق لتاریخ نیسابور، ص ۱۲۱.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۲۳.

هجری] از: «ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری» حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» از او و برادرش «ابوالوفاء ذاکر» استماع حدیث کرده است.

در شب شنبه ۱۴ رمضان ۵۵۳ق (و یا اواخر رمضان ۵۶۳ق) وفات یافته است.(۱)

شاکر انصاری اصفهانی

ابوالمطهر شاکر بن محمّد بن طاهر بن محمّد بن طاهر انصاری صفّار اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] ابوسعد سمعانی به قدر یک برگ از او حدیث شنیده و از او با عبارت: «کان شیخا جلیل القدر کثیرالمال مشهورا من مباسیر اهل اصبهان» یاد کرده است.

او از «ابوالفتح احمد بن محمّد بن علی بن لؤلؤ انصاری معروف به «ترکجه» حدیث شنیده است.(۲)

شاهپور اصفهانی

شاهپور بن خداداد شاهپور اصفهانی، [خطاط نستعلیق نویس] در روز سه شنبه ۴ شعبان ۸۸۸ق نسخه ای از «دیوان کمال الدّین اسماعیل» را به خط نستعلیق نوشته و نسخه اصل در موزه بریتانیا و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

میرزا شاه حسین اصفهانی

میرزا شاه حسین اصفهانی، از وزراء معروف دولت صفویّه در قرن دهم هجری است. نسب او به شیخ محمّد بن یوسف بنّا (از عرفای قرن سوم هجری اصفهان) منتهی می شود. [او و خاندانش در اصفهان متولّی موقوفات هارون ولایت بوده اند. در جوانی به

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه طهران، ص ۹۷.

معماری و بنّایی مشغول بوده و چندی بعد وزیر داروغه که ملازم دورمیش خان شاملو بود گردید. کم کم کار او پیشرفت کرد و در دستگاه حکومتی شاه اسماعیل راه یافته و به وزارت برگزیده شد. و با سخاوت و گشاده دستی به نیازمندان اعانت نمود. امّا چون امراء و اعیان پیرامون شاه اسماعیل را حرمت نمی نهاد، برخی از امراء کینه او را به دل گرفته و کمر به نابودی او بستند و هنگامی که میرزا شاه حسین از دولتخانه شاه اسماعیل در تبریز به خانه برمی گشت مهتر شاهقلی رکابدار و جمعی از فتنه جویان بر سر او ریخته] در چهارشنبه ۲۸ جمادی الاوّل سال ۹۲۹ق او را به قتل رساندند. [شاه اسماعیل از مرگ او متأسف شده و شاهقلی را که به شیروان گریخته بود دستگیر کرده و به خانواده شاه میرزا حسین سپرد و آنان قاتل را قصاص کردند.

ضیاءالدّین میرم مرثیه ای جهت او سروده و مادّه تاریخ آن عبارت «شاه شهیدان کربلا» است.

برخی تذکره نویسان شرح حال انی میرزا شاه حسین اصفهانی را با شاعر دیگری به نام شاه حسین میوه فروش اصفهانی (متخلّص به «سیاقی» و متوفی به سال ۹۴۱ق در هم آمیخته و آن دو نفر را یکی پنداشته اند. همچنین برخی شغل او را که بنّایی بوده، «ثنایی» خوانده و گمان کرده اند که تخلّص اوست و این پندارها اشتباه است.

میرزا شاه حسین بسیار کم شعر می گفته و این بیت از اوست:

عاشقان هجر تو را مونس جان ساخته اند وصل چون نیست میسّر به همان ساخته اند(۱)]

۱- احسن التّواریخ، صص ۲۳۱-۲۳۵؛ تذکره تحفه سامی، صص ۸۹ و ۹۰؛ وقایع السّنین و الاعوام، ص۴۵۴؛ آثار الشیعه، ج۴، ص۹۴؛ تذکره آتشکده: بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۴۵؛ تذکره روز روشن، ص۳۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۹ و ۵۳۰؛ رجال حبیب السیر، صص ۲۵۷-۲۶۲.

شاه حسین اصفهانی*

درویش شاه حسین بن مولانا محمّد رضا اصفهانی، ادیب و خطاط هنرمند قرن یازدهم هجری. در هندوستان ساکن بوده و معاصر شاه جهان است.(۱)

شاه حسین رستمداری

شاه حسین رستمداری [مازندرانی، از فضلاء ساکن اصفهان] در نیمه شوال... در اصفهان نسخه ای از «خصال» شیخ صدوق را کتابت نموده و نسخه ای از آن در کتابخانه فرهنگ مشهد مقدس موجود بوده است.(۲)

شاه رضا

شاهرضا بن محمّد بن ابراهیم بن زید بن حسن بن علی ؛ علیه السلام بن ابی طالب، از امامزادگان بزرگوار و جلیل القدر واقع در قمیشه اصفهان.

پس از آنکه جناب شاهرضا را در قمیشه شهید کردند [و مدفن ایشان در آنجاست] سر او را به اصفهان نزد حاکم آن شهر فرستادند. اکنون در قسمت شمالی مقبره جناب صاحب بن عباد مقبره ای می باشد که از قدیم الایّام به «سر شاهرضا» معروف بود و اخیرا در آن جا تعمیراتی شایسته به همّت مردم دیندار و دوستدار خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله انجام گردیده است.

در کتاب «تاریخ شهرضا» می نویسد: سر امامزاده شاهرضا در مسجد «خواهران» اصفهان در دروازه طوقچی مدفون و زیارتگاه ارادتمندان امامزاده است.

ساختمان امامزاده شاهرضا از آثار باستانی می باشد. برای آگهی از وضع ساختمان به کتاب نفیس «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» مراجعه فرمایید.(۳)

۱- کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۴؛ مردادماه ۱۳۷۶، ص ۳۱.

۲- فهرست فرهنگ مشهد، ص۴۸.

۳- مزارات اصفهان، صص ۲۵۸ و ۲۵۹؛ تاریخ شهرضا، صص ۱۲۰-۱۲۳.

[شـهر «شـهرضا»ی کنـونی منسوب به همین امـامزاده بزرگوار است که از قرن هـای گذشـته تـا اوایـل قرن چهـاردهم هجری به «قومیشه» و «قمشه» شهرت داشته است.]

شاه علی زواره ای

شـاه علی بـن عمادالـدّین زوّاره ای [از کاتبـان قرن دهـم هجری] در سـلخ رجب ۹۷۳ق از کتـابت «ارشـاد الاذهان» علّامه حلّی فراغت یافته و کتاب در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

آقا شاه علی دولت آبادی

آقـا شـاه علی دولت آبـادی از کـارگزاران اداری و رجـال معتـبر حکومت صـفویه است. از اهـالی قصـبه «دولت آبـاد» از توابع بُرخوار اصفهان بوده و در اصفهان تحصیل کرده و کم کم در امور اداری پیشرفت کرده و به مقام مستوفی الممالک دربار شاه عبـاس اوّل دست یـافت. در ادبیـات و حسـاب و سـیاق اسـتاد بوده. او مردی نیـک نفس و پرهیزکار بود و آثار خیریه بسـیاری همچون حمام شاه علی و کاروانسرای شاه علی را در میدان کهنه اصفهان از خود به جای گذاشت.

آقا شاه علی در سال ۱۰۰۵ق وفات یافت. در رثای او این شعر و مادّه تاریخ را سروده اند:

مستوفی پادشاه ایران از دهر به جای راستان رفت

زین واقعه شیون خلایق از غصّه به هفتم آسمان رفت

یک نقطه ز قاف سر زد و گفت قانون حساب از میان رفت(۲)

۱- فهرست وزیری، ج۱، ص۱۳.

۲- تاریخ عالم آرای عباسی، (چاپ ۱۳۷۷ش)، ج۲، ص۸۴۶؛ بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

خواجه شاهکی فنائی اصفهانی

خواجه شاهکی اصـفهانی متخلّص به «فنائی» از شـعرای قرن دهم هجری. از اهالی قریه «رنان» ماربین اصـفهان است (که اکنون به شـهر پیوسـته و از محله های اصـفهان است). در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخت و در فنون ادب و سیاق و حساب و موسیقی مهارتی به سزا کسب کرد. او از مردان متمکّن و معتبر قریه رنان و از بستگان نزدیک رئیس امیر یوسف رنانی بود. در جوانی شـعر می سـرود امّا در میان سالی دیگر شعر نگفت. «دیوان فنائی» بالغ بر پنج هزار بیت است. سال وفاتش معلوم نیست، امّا تا سال ۹۸۹ق در قید حیات بوده است.

از اوست:

عشقی داریم و سینه سوزانی دردی داریم و دیده گریانی

عشقی و چه عشقی عالم سوزی دردی و چه درد بی درمانی(۱)

شاه محمّد اصفهانی*

شـاه محمّـد اصـفهانی، از نقاشـان هنرمنـد قرن دهم هجری است. وی پیرو سـبک نقاشـی سـلطان محمّـد بوده است. از آثـار او «شاهزاده صفوی گل به دست» را می توان نام برد که در موزه هنرهای زیبای «بوستون» در آمریکا موجود است.(۲)

شاه مراد خوانساری*

شاه مراد خوانساری، موسیقیدان هنرمند قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و

۱- تذکره خلاصه الاشـعار، (بخش اصـفهان)، صص ۲۸۶. ۲۸۷؛ تـذکره تحفه سامی، ص۲۳۷؛ تذکره آتشـکده: بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۴۷؛ تذکره روز روشن، ص۶۰۹؛ الذریعه، ج۹، ص۵۰۰؛ تاریخ نظم و نثر، ص۷۱۱.

۲- هنر ایران، ص۱۱۰؛ کتابشناسی کتابهای خطی، ص۳۲؛ مجلّه نشر دانش، سال دهم، شماره ۴، خرداد و تیر ۱۳۶۹، ص۴۲.

در فن موسیقی و ترکیب تصنیف و قول و عمل بی مثل و مانند بود. شاه عباس اوّل توجّه بسیاری به او داشت و او را با پاداش ها و بخشش خلعت می نواخت. او تصنیف های فراوانی سروده است.

این رباعی از اوست:

دمساز به من چرخ بدآموز نشد این سفله نواز کینه اندوز نشد

یک صبح به کام خطار ما ندمید یک شب به مراد دل ما روز نشد(۱)

شاه میرک قائنی*

شاه میرک بن میر سیّد علی قائنی خراسانی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. وی سالها در اصفهان به تحصیل علوم عقلی و نقلی مشغول بوده و از محضر علمای عالیقدر همچون آقا حسین خوانساری و میر سیّد محمّد اسماعیل خاتون آبادی بهره برده است.

او نسخه ای از کتاب «التّحفه الرّضویه» تألیف: میر سیّد محمّد اسماعیل خاتون آبادی را کتابت کرده و حواشی و تعلیقاتی بر آن نوشته است.(۲)

شیخ شاه نظر نذری قمشه ای*

شیخ شاه نظر قمشه ای متخلّص به «نذری» از شعرای قرن یازدهم هجری. او متولّی امامزاده شاه رضا در قمشه از توابع اصفهان بود. او با سرمایه موروثی به هند رفته و با طالب آملی و کلیم کاشانی معاشرت و مصاحبت نمود. مدّتی هم در برهان پور به مدح میرزا عبدالرّحیم خان خانان سپهسالار مشغول شد. عاقبت به قمشه مراجعت نموده و

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۵۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۲۶۸. ۲۶۹؛ تاریخ موسیقی ایران، ج۱، ص۳۲۸؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۲۱۳، تذکره منتخب اللّطایف، ص۳۶۸؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ دانشمندان خوانسار، ص۵۴۸.

۲- تراجم الرجال، ج۱، ص ۲۴۰؛ دانشمندان خوانسار، ص۱۲۷.

تأهل اختیار کرد. در اواخر عمر به فقر و فاقه گرفتار بود و از عایدات امامزاده شاه رضا امرار معاش می کرد تا اینکه در سال ۱۰۵۵ق وفات یافته و در جواز امامزاده شاه رضا مدفون شد، او در انواع شعر خصوصا قصیده و رباعی مهارت داشته و به شیوه پیر و استاد خود میر مغیث همدانی رباعی می سروده است.

از اوست:

خورشید که هر طرف سپاهی دارد دزدیده بر هر طرف نگاهی دارد

چون نابلدان به کُنج عزلت منشین هر کوره دهی به شهر راهی دارد(۱)

[ظاهرا خاندان «شاه نظری» در شهرضا که متولّی امامزاده شاه رضا هستند از نوادگان و اعقاب او هستند.]

شبیب ماربانانی اصفهانی

ابوالمظفر شبیب بن عبداللّه بن محمّد بن احمد بن خوره ماربانانی اصفهانی [از محدّثین قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری]. از «ابوبکر احمد باطرقانی» حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» از او در منزلش حدیث شنیده است و در کتابش از او به عنوان «شیخ صالح من اهل الخیر» یاد کرده است.(۲)

شبیب اصفهانی

شبیب بن محمّد اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری است] در نهاوند

۱- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۹۱ و ۳۹۲؛ تذکره آتشکده، بخش سوم، ص۹۴۷؛ الذریعه، ج۹، صص ۵۰۱ و ۵۰۲؛ تذکره میخانه، صص ۸۳۲-۸۳۶؛ تذکره شمع انجمن، ص۷۱۷؛ منتخب اللّطایف، ص۳۷۶؛ نتایج الافکار، ص۳۸۳؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۴۷۴ و ۸۹۳؛ اثرآفرینان، ج۳، ص۳۲۱.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۲۳؛ معجم البلدان، ج۵، ص۳۴؛ شرح روضات الجنّات، ج۱، ص۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۲؛ معجم الادباء، ج۱۷، ص۳۲.

ساکن بوده و از «ابی سعید اشیح» روایت نموده است. «محمّد بن سفیان بن هارون [رِباطی اصفهانی] از او نقل حدیث نموده است.(۱)

حاجی شجاع اصفهانی*

حاجی شجاع اصفهانی، عارف سالک در قرن یازدهم هجری در اوایل حال به خدمت اربابی در قریه «ماربینان» (ماربانان؟) اشتغال داشت و املاک موروثی در آن قریه داشت. چندی بعد به سیر و سلوک پرداخته در خانقاه ساکن شده و سپس در قریه خود به عبادت و تزکیه نفس مشغول شد. تا سال ۱۰۷۴ق در قید حیات بوده و عمر را به طاعت پروردگار گذرانیده است.(۲)

شجاع لفتوانی*

ابونصر شجاع بن ابی بکر بن علی بن ابراهیم لفتوانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در اوایل قرن ششم هجری. از «ابی طاهر بن عبدالرّحیم کاتب» و «ابی العباس قصاص» روایت نموده و «ابوالقاسم هبه اللّه بن عبدالوارث شیرازی» و فرزند خودش «ابوبکر محمّد بن شجاع» از او روایت کرده اند.(۳)

«لفتوان» و «هفتان» از قریه های بلوک جی اصفهان بوده اند و اکنون از محلّه های اصفهان به شمار می روند.

شجاع اصفهانی

شجاع بن علی بن شجاع اصفهانی [از دانشمندان قرن پنجم هجری] از اساتید خواجه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۵.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۹۸.

۳- اللباب، ج۳، ص۱۳۲.

نظام الملك طوسی است.(۱)

حاجی شجاع بناء اصفهانی

استاد حاجی شجاع بن استاد قاسم بناء اصفهانی، از هنرمندان قرن یازدهم هجری. از بنایان زبردست اصفهان بوده و نزد پدرش شاگردی کرده و به استادی رسیده است. از آثار او: قسمت الحاقی مسجد شاه [مسجد امام کنونی] معروف به مسجد شاه سلیمان است که آنرا در سال ۱۰۷۸ق به پایان رسانیده است [و رقم او در این اثر چنین است:

«عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم البنّاء الاصفهانی».

از آثار او بنای «مصلا» در امتداد خیابان مشهد مقدس در سال ۱۰۸۷ق و مرمت تعمیر مسجد جامع گوهرشاد مشهد در سال ۱۰۸۸ق هنوز باقی است.(۲)]

میرزا شجاع سیستانی

میرزا شجاع سیستانی، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. پسرعموی ملک حمزه سیستانی است. از سیستان به اصفهان آمد و در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن شد. در سخن شناسی و معنی پردازی کمال مهارت را داشت و انواع شعر را نیکو می سرود. در زمان تألیف تذکره نصرآبادی (حدود ۱۰۸۳ق) هنوز جوان بود.

این رباعی از اوست:

گر سکّه دل بر سخن خویش زنی کی حرف بدی ز دشمن خویش زنی

بدگویی خلق همچو چنگ و دُهُلست منواز که خود بر دهن خویش زنی(۳)

۱- مدارس نظامیه، ص۵۷؛ طبقات (سبکی)، ج۴، ص۳۱۸.

۲- کارنامه بزرگان ایران، ص۲۴۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۴۵۷؛ بناهای تاریخی خراسان، ص۲۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۴؛ مطلع الشّمس، ص۴۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۲؛ آثار ملّی اصفهان، ص۴۷۱؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۵۲۴.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۲؛ بزرگان سیستان، ص۲۲۸؛ الذریعه، ج۹، ص۵۰۷.

شدره کبیر

ابوالهیثم شدره بن ابراهیم بن شدره بن موسی بن شدره کبیر [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] فرزندش ابراهیم و نیز «ابوعمرو احمد بن محمّد بن ابراهیم اَبرش» از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

[ظاهرا او و فرزندش در «مدینه» (شهرستان) اصفهان ساکن بوده اند.]

شرف الدّین سلطانی*

شرف الدّین سلطانی، از خوشنویسان هنرمند قرن نهم هجری است. وی در اصفهان ساکن و معاصر سلطان محمّد بن باسینقر گورکانی بوده و خطوط ثلث و نسخ را خوش می نوشته است.

از آثار او خطوط کتیبه های سر در مدرسه و خانقاه شیخ ابوالقاسم نصرآبادی در روستای نصرآباد ماربین اصفهان است که در سال ۹۵۴ق آنرا نوشته است.(۲)

شرف شاه افطسی

سیّد ابوعلی شرف شاه بن عبدالمطلب بن جعفر حسینی افطسی اصفهانی، فاضل نسّابه شریف، از علماء عالیقدر و سادات عظیم الشأن شیعه در اصفهان بوده و «شیخ مُنتَجَب الدّین» در «الفهرست» از او یاد کرده است. ولی اطّلاعات دیگری از زندگی او در دست نیست.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۱۸۶ و ۳۴۵.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۲۹-۳۳۱؛ آثار ملّی اصفهان، ص۸۲۰؛ تذکره نصرآبادی (وحید): مقدمه؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۲۵۶.

۳- تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۹۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۳؛ اعیان الشیعه، ج۳۶، ص۵۳؛ امل الآمل، ج۲، ص۳۹۵؛ الفهرست، ص۷۰؛ ثقات العیون، ص۱۳۰؛ جامع الرواه، ج۱، ص۳۹۹.

[نسب سادات افطسی به جناب «حسن افطس» بن «علی اصغر» بن امام هُمام حضرت زین العابدین «علی بن حسین علیهماالسلام » منتهی می شود.]

ملّا محمّد شریف

آخوند مولانا محمّد شریف ساکن مدرسه جدّه بزرگ در سال ۱۰۸۹ق [از علمای قرن یازدهم هجری].

در عبارتی که پشت نسخه «شرح تجرید» (شوارق) که در جامع گوهرشاد مشهد نگهداری می شود از او یاد شده است.(۱)

محمّد شریف

محمّد شریف، از فضلاء گمنام قرن یازدهم هجری است. او در سال ۱۰۵۴ق حاشیه وقفنامه مدرسه نوریه اصفهان را سجل نوشته است. سجع مهر او این عبارت است:

«سیف اللّه الغالب کل غالب علی عبده محمّد الشریف ۱۰۵۴»

ملّا محمّد شریف اشرفی

آخوند ملّا محمّد شریف اشرفی (احتمالاً سِدِهی ماربینی) اصفهانی، از علمای قرن سیزدهم هجری در اصفهان.

وی شاگرد میر سیّد حسن مدرس بوده و در شوال ۱۲۶۲ق بنا به دستور او عبدالحسین بن حاج محمّد ربیع اصفهانی، نسخه ای از کتاب «الطّهاره» تألیف: امیر سیّد حسن (ظاهرا میر محمّد صادقی معروف به مدرّس) را کتابت نموده است. کتاب به شماره ۱۵۷۱ در

۱- فهرست گوهرشاد، ص۳۴۲.

کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

محمّد شریف اصفهانی

محمّد شریف اصفهانی [از کاتبان قرن دهم هجری] در تاریخ ۵ محرم سال ۹۷۲ق نسخه ای از کتاب «مطوّل» را در شیراز به خط نستعلیق و نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۴۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

میرزا شریف الهام اصفهانی

میرزا شریف اصفهانی متخلّص به «الهام» از شعرای قرن یازدهم هجری است. از نزدیکان و خویشان میر روزبهان صبری اصفهانی بود. تولیت امامزاده قیس علی در سرحدّ گندمان چهارمحال با خاندان او بود. مدّتی در هند بود و در سال ۱۰۷۶ق به اصفهان مراجعت کرد. گاهی شعر می سرود. او تا سال ۱۰۸۳ق زنده بوده است.از اوست:

دل عبث لب به شکوه وا نکند شیشه تا نشکند صدا نکند

وعده گر یک نفس بود عمری است بلکه عمر این قدر وفا نکند(۳)

میر شریف امانی اصفهانی

میر شریف اصفهانی متخلّص به «امانی» از شعرای قرن دهم هجری در اصفهان می زیست. او به هرات رفته و مدّتی نیز در کابل بود و از آنجا عازم هندوستان شد. در هندوستان حدود بیست سال مجرّد زیسته و اغلب عمر را به افیون معتاد بوده است.

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۷۰۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص ۲۰۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۸۵؛ تذکره نتایج الافکار، ص۵۳؛ تذکره غنی، ص۱۷؛ الذریعه، ج۹، ص۹۲؛ کاروان هند، ج۱، ص۸۶؛ تذکره پیمانه، ص۱۱۳.

شعر خصوصا غزل را نیکو می سرود.

از اوست:

لعلت که آب زندگی از وی نشان دهند کو خضر تا ببیند و از ذوق جان دهد(۱)

سیّد محمّد شریف ونکی سمیرمی

سیّد محمّد شریف ونکی سمیرمی (تقوی) بن سیّد محمّد حسن بن حسین بن سیّد علی بن سیّد محسن بن سیّد شاه حسین بن سیّد زبیر موسوی، عالم فاضل، فقیه جامع و مجتهد بارع. [از علمای قرن چهاردهم هجری].

در سال ۱۲۷۰ق در قریه «وَنَک» از توابع سمیرم متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات به اصفهان آمده از محضر حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجدشاهی و حاج میرزا بدیع درب امامی و دیگران بهره گرفت. [او در اصفهان همدرس مرجع عالیقدر شیعه آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی بود] سپس به عتبات عالیات مهاجرت فرموده و در نجف در درس حضرات آیات ملّا محمّد فاضل ایروانی، شیخ لطف اللّه ماندرانی، حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، سیّد حسین کوه کمری و میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) حاضر شده و پس از آن در کربلا در درس شیخ زین العابدین مازندرانی شرکت کرد. او پس از نائل شدن به اجتهاد به تدریس پرداخت امّا به علت بیماری به شیراز آمده و به ترویج دین و تألیف و تدریس مشغول شده و به هنگام آغاز جنبش مشروطیّت، او که مانند رفیق و همدرس خود سیّد محمّد کاظم یزدی مخالف مشروطیّت بود به ناچار از شیراز به طهران رفت و پس از به دار کشیده شدن و شهادت شیخ فضل اللّه نوری به دست فاتحان طهران، راهی نجف شده و درباره مشروطیّت با آخوند خراسانی به گفتگو پرداخت. بعد از آن مدّتی در شیراز و اصفهان بود. عاقبت به طهران رفته و در ۲۸ رمضان

۱- تذکره شمع انجمن، ص۹۸؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۴۳۰ و ۴۵۳.

المبارک ۱۳۵۲ق وفات یافت و جنازه به قم حمل و در مرقد جناب موسی مُبَرقع مدفون شد. فرزندان و نوادگان او در طهران و شاهرضا ساکن بوده اند.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «تبصره النّاظرین» ۲. «تـذکره المسـلمین» در امر به معروف و نهی از منکر ۳. «رساله در ردّ وهابیه»۴. «رساله عملیّه»۵. «رساله نفلیه» در نوافل۶. «فقه» یـک دوره در چنـدین مُجَلَّد که در شـیراز، طهران و اصـفهان به طبع رسـیده است.۷. «قـانون الهی» در شیراز چاپ شـده است.۸. «کشف البیـان فی تربیه الانسان»۹. «کشف المرام فی قانون الاسـلام» ۱۰. «مرآت الاـصول» در اصول ۱۱. «النّاسخ و المنسوخ» ۱۲. «نسیم سحر» ۱۳. «هدایه المسترشدین»(۱)

آقا محمّد شریف اصفهانی*

آقـا محمّـد شـریف اصـفهانی فرزنـد آقا رجبعلی رزّاز، از فضـلای قرن سـیزدهم هجری است. او در دوشـنبه ۲۶ جمادی الآخر ۱۲۳۰ق در مـدرسه نوریّه اصـفهان نسـخه ای از «بحارالاـنوار» (کتـاب السّـماء و العـالم) را کتابت نموده که به شـماره ۵۱۰ در کتابخانه میرزا محمّد کاظمینی در یزد نگهداری می شود.(۲)

شریف حسینی

شریف بـن رضـا حسـینی [از فضـلاء اصـفهان در قرن سـیزدهم هجری] در ۲۹ رمضـان ۱۲۵۰ق نسـخه ای از «شـوارق الالهـام» لاهیجی را کتابت نموده است.(۳)

۱- دانشـمندان و سـخن سـرایان فـارس، ج۲، صـص ۳۴-۳۶؛ نقبـاء البشـر، ج۲، ص۸۳۵؛ الـذریعه، ج۲۴، صـص ۱۱ و ۱۵۵؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۹۳-۶۹۵؛ الاجـازه الکبیره، ص۱۹۱؛ گنجینه دانشـمندان، ج۶، ص۱۹۵؛ مستدرک فهرس التراث، صص ۳۵ و ۳۶؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۴۲۳؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۲، ص۲۷۴؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۶۷۳-۱۶۷۵؛ تاریخ شهرضا، ص۷۲.

۲- فهرست کاظمینی، ج۲، ص۱۹۳.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۷۱.

محمّد شریف لاهیجی

محمّد شریف بن محمّد رضا لاهیجی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن یازدهم هجری] در شنبه ۱۵ ربیع الاوّل ۱۰۹۲ق کتابت نسخه ای از «التّلخیص» ابن رشد اندلسی را در اصفهان به خط شکسته نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۹۸۰ در کتابخانه ملک طهران موجود است.(۱)

آقا محمّد شریف [خوانساری]

آقا محمّد شریف بن محمّد رضی، [از علمای قرن دوازدهم هجری] وی در تاریخ جمادی الثّانی ۱۱۲۱ق حاشیه وقف نامه مدرسه چهارباغ اصفهان را مهر نموده است.(۲)

[به احتمال زیاد او محمّد شریف بن آقا رضی الدّین محمّد = محمّد رضی بن آقا حسین خوانساری است.]

میرزا محمّد شریف تجرید اصفهانی

میرزا محمّد شریف، متخلّص به «تجرید» [بن میرزا محمّد زمان] شاعر ادیب و خوشنویس [از شعرای قرن یازدهم هجری]. از کدخدازادگان اصفهان بوده امّا به علم و ادب روی آورده و مشق خط نمود. نستعلیق را خوش می نوشت و به وسیله کتابت «قرآن مجید» و «صحیفه» امرار معاش می کرد. مردی صالح و زاهد بود. دیوان اشعارش حدود بیست هزار بیت بوده و تا سال ۱۰۸۳ در قید حیات بود.

از اوست:

از بس ز آشنایی مردم رمیده ام دایم تلاش معنی بیگانه می کنم(۳)

۱- فهرست ملک، ص۱۶۷.

۲- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۲۸۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۶۷؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۴۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۵۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۵۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۶۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

محمّد شریف ابهری اصفهانی

محمّد شریف بن شیرعلی ابهری اصفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] نسخه ای از «مرآه العقول» تألیف: علّامه مجلسی را به خط نسخ در ۴۲۷ برگ کتابت نموده و نسخه از روی خط مؤلف توسط «کرمعلی» تصحیح شده است. نسخه به شماره ۳۴۷۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

وی همچنین نسخه ای از «ارشاد الاذهان» علّامه حلّی را به خط نسخ کتابت نموده که در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است.(۲)

[اثر دیگر او کتابت «شرح الشّافیه» تألیف: آقا محمّد هادی مازندرانی است که آن را به خط نسخ در چهارشنبه ۱۶ ذیحجه ۱۱۲۸ق کتابت کرده و به شماره ۴۴ در کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام اردکان یزد موجود است.(۳)]

ملّا محمّد شریف خاتون آبادی

مولی محمّد شریف بن محمّد صادق خاتون آبادی، از فضلاء و اطبّاء معروف قرن دوازدهم هجری، در اصفهان است که به حذاقت و استادی معروف بوده و کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

[۱. «تحفه الابرار»، که در سال ۱۱۱۱ق تألیف شده است.] ۲. «حافظ الابدان» که در سال ۱۱۲۱ق تألیف شده و نسخه آن نزد نگارنده (سیّد مصلح الدّین مهدوی) موجود است. ۳. «شرح طبّ النّبی صلی الله علیه و آله »۴. «شرح طبّ الائمه»۵. «شرح طب الرّضا علیه السلام »

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص ۲۷۱.

۲- فهرست حقوق، ص ۲۴۱.

۳- فهرست حوزه امام صادق علیه السلام اردکان، ج۱، ص ۴۲.

۶. «اربعون حدیثا» در طب با شرح و بیان۷. «حاشیه علی الموجز فی الطّب» به فارسی۸. «معدن الفیض» که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته است.(۱)

شریف نسابه اصفهانی

شریف بن طباطبا نسابه اصفهانی. در کتاب «معالم العلماء» وی را از شعرای شیعه می نویسد.

سیّد شریف خلخالی

سیّد شریف بن سیّد عباس خلخالی، عالم جلیل [از علماء قرن سیزدهم هجری، مقیم اصفهان]

علّامه طهرانی در «الکرام البرره» می نویسد:

«نسخه ای از مُجَلَّد دوم کتاب «مطالع الانوار» از تألیفات مرحوم سیّد حجّه الاسلام را در کتابخانه شیخ قاسم محی الدّین در نجف اشرف دیدم که صاحب عنوان حواشی از خود بر آن نوشته بود و نشانه آن «لمحرره» بود و تاریخ آن سال های ۱۲۴۰ و ۱۲۴۳ق. همچنین برخی از حواشی استاد را بر کتاب نقل نموده بود با نشانه (منه مد ظله)».

بنابراین مشارالیه تا سال ۱۲۴۳ق در قید حیات بوده و از شاگردان حاج سیّد محمّد باقر حجّه الاسلام شفتی می باشد.(۲)

محمّد شریف اصفهانی*

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۵؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۰۹؛ الکواکب المنتشره، ص۳۳۸؛ الذریعه، ج۱۳، صص ۳۶۳-۳۶۵ و ج۶، ص۲۳۲ و ج۱۲، ص۲۲۴.

۲- الکرام البرره، ج۲، ص۶۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۳؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ خلخال و مشاهیر، ص۴۷۴؛ تاریخ اردبیل و دانشمندان، ج۱، ص۲۴۳.

محمّد شریف بن عبدالحسین بن عنایت اللّه اصفهانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است. او کتابی به نام «پند و اندرز» را تألیف کرده که به شماره ۲/۸۹۲۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. تاریخ کتابت نسخه سال ۱۲۶۷ق می باشد.(۱)

محمّد شریف اصفهانی

محمّد شریف بن عبدالغفار اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نسخه ای از کتاب «لسان الذّاکرین» تألیف: میرزا محمّد هادی نائینی را در شنبه ۱۲ رجب ۱۲۴۲ق کتابت کرده و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۲)

محمّد شریف ورنوسفادرانی

ملّا محمّد شریف بن استاد کلب علی سنگ تراش ورنوسفادرانی اصفهانی، شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری.

از اهالی «ورنوسفادران» از قریه های سه گانه سده ماربین [خمینیشهر فعلی] بوده و نزد ملّا عبدالحق ورنوسفادرانی تحصیل کرده است. مدتی نزد پدر به سنگ تراشی مشغول بود و در این هنر استاد شده بود امّا به خاطر ضعف چشم، به خواهش میرزا محمّد طاهر نصرآبادی آن شغل را رها کرده و نزد حکّام شرع به نوشتن سجلات و اسناد مشغول شد. در فنون شعر و ادب خصوصا لغز و معما و مادّه تاریخ گویی مهارتی به سزا داشت. وی علاوه بر «دیوان اشعار»، «مثنوی در بحر مخزن الاسرار» سروده است. سال وفاتش معلوم نیست امّا تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) در قید حیات بوده است.

۱- فهرست مرعشی، ج۲۳، ص۱۰۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۶، ص۳۵۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۳۴.

از اوست:

سر که نبود گوی چوگانی وبال گردن است جان که قربان نیست در راه بتی بار تن است

گریه و سوزت به کُنج خلوتِ دربسته به شمع اندر خانه تاریک بهتر روشن است(۱)

میرزا شریف خازن تبریزی

میرزا شریف متخلّص به «خازن» فرزند نوری بیک خازن تبریزی، شاعر و ادیب خوشنویس قرن یازدهم هجری. در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن بوده و علاوه بر سرودن شعر مستوفی محال موقوفات مسجد جامع عباسی [مسجد امام فعلی] در اصفهان بوده است. از آن شغل کناره گرفته و وزیر یوسف خان حاکم ایل بختیاری شد.

از اوست:

تا گیرمش در آغوش همچو عکس هر جا که یار جلوه کند آب می شوم(۲)

محمّد شریف جِزه ای*

محمّد شریف جزه ای قهپایه ای، از فضلای قرن یازدهم هجری است. او جلد اوّل کتاب «احقاق الحق» تألیف: قاضی سیّد نوراللّه شوشتری را در روز ۲۱ محرم ۱۱۳۱ق در اصفهان کتابت کرده است. همچنین او نسخه ای از «تحریر وسائل الشیعه» را کتابت کرده که در کتابخانه خوانساری موجود بوده است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۹۴-۵۹۷؛ تذکره هفت آسمان، ص۱۵۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۲۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۳۱؛ تذکره شعرای آذربایجان، ج۲، صص ۱۹۶ و ۱۹۷؛ سخنوران آذربایجان، ص۳۳۱؛ تذکره غنی، ص۴۸.

۳- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۱؛ الکواکب المنتشره، ص۳۳۹.

«جزه» (به کسر جیم و زاء)، از دهات کوهپایه اصفهان است.

ملّا محمّد شریف سرمدی اصفهانی*

ملّا محمّد شریف اصفهانی متخلّص به «سرمدی» از شعراء و دانشوران اواخر قرن دهم ا وایل قرن یازدهم هجری است.

از اصـفهان به هنـد مسافرت کرده و در دربار جلال الـدّین اکبر شاه پادشاه آنجا مرتبه ای بلنـد یافت و چندی مناصب دولتی را برعهـده داشت. عاقبت در سال ۱۰۱۵ق در هندوسـتان وفات یافت. در نظم و نثر یدی طولی داشت و شـعر نیکو می سرود ابتدا «فیضی» تخلّص می کرد، امّا چون «فیضی دکنی» هم آن تخلّص را داشت، به ناچار آن را به «سرمدی» تغییر داد.

از اوست:

عشق آنقدر خوش است که عاشق به راه دوست جایی رسد که یار طلبکار او بود(۱)

محمّد شریف مجلسی

محمّد شـریف مجلسـی [از فضلاء خاندان مجلسی اصفهان در قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۲۵ق نسخه ای از کتاب «محرق القلوب» تألیف: مولی مهدی نراقی را به خط نسخ کتابت نموده است.(۲)

حاجی شریف منشور اصفهانی

۱- تذکره روز روشن، ص۳۵۳؛ کاروان هند، ج۱، صص ۵۴۷-۵۵۰؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۴۲۸ و ۸۲۲.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۷۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۵۴.

حاجی شریف قناد اصفهانی متخلّص به «منشور» شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری] در جوانی مانند پدرش در قنادخانه به کار مشغول بود. امّا از آن پیشه دست کشیده و اوقات خود را صرف شعر و مصاحبت با ادباء نمود. طبعش خالی از لطف نبود، امّا به عسرت روزگار می گذرانید.(۱) [در سال ۱۰۷۵ق در اصفهان وفات یافته و در مزار امامزاده اسماعیل اصفهان مدفون شد.(۲)]

از اوست:

دید سروت را و آغوشش ز حسرت باز ماند بال قُمری چو کمان در حسرت پرواز ماند

خواجه محمّد شریف هجری طهرانی

خواجه محمّد شریف هجری طهرانی، از شعرای قرن دهم هجری. از اهالی طهران و برادرزاده امیدی طهرانی است. ابتدا وزیر محمّد خان تکلّو حاکم خراسان بود. پس از فوت او به خدمت شاه طهماسب درآمد و از طرف او وزیر دارالعباده یزد شد. مدّتی بعد از آن منصب عزل و به وزارت اصفهان منصوب شد. او سالها در اصفهان ساکن بود و با شعراء و ادبای اصفهان معاشرت و مجالست داشت. دو تن از شعرای متوسط اصفهان «سلامی» و «کلامی» که دو برادر بودند هر روز شعری نزد او آورده و از او صله طلب می کردند. او در هجو دو برادر چنین سرود:

دو چیز است بدتر ز تیغ حرامی کلام سلامی، سلام کلامی

هجری طهرانی عاقبت به یزد رفته و در سن حدود ۷۰ سالگی در سال ۹۸۲ق وفات یافت.

از اوست:

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۴؛ تذکره روز روشن، صص ۷۷۱ و ۷۷۲.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۲۶.

آه چه بودی اگر، روزی هجری شدی هجر به مقدار وصل، وصل به مقدار هجر(۱)

شعاع صدری اصفهانی

شعاع صدری اصفهانی، از شعرای قرن چهاردهم هجری. شاعر ادیب و خطیب، متولّد ۱۳۰۵ و ساکن کرمان. از آثار او: ۱. «آثارالملل» در تاریخ ۲. «دیوان اشعار» به طبع رسیده است.

شعبانعلی اصفهانی*

شعبانعلی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «ترجمه رساله حسنیه» اثر: ملّا ابراهیم واعظ استرآبادی را به خط نستعلیق در ماه ربیع الآخر ۱۲۳۲ق در مدرسه ملّا عبداللّه اصفهان کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱/۷۶۷ در کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی موجود است.(۲)

شعبان خان تارزن*

شعبان خان تارزن از هنرمندان موسیقی اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در نواختن تار از نوادر روزگار بود. در ادوار موسیقی و شناختن الحان و گوشه ها و دانشتن اصطلاحات قدیم مهارت داشت. او با وجود اینکه خود، کامی از هنر موسیقی ندید و در ایّام پیری به فقر و فاقه مبتلا گردید، پسران خود حسین شهناز و استاد جلیل شهناز را مثل خود تربیت کرد.

شعبان خان در حوالی ۱۳۶۸ قمری فوت شد. سنش از هشتاد متجاوز بود. غلامرضا

۱- تذکره تحفه سامی، صص ۲۴۶ و ۲۴۷؛ تذکره شبستان، صص ۵۶۰ و ۵۶۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۵۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۹۱؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۳۵۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «هجری»، ص ۱۵۰؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۱۵؛ تذکره سخنوران یزد، صص ۳۵۲ و ۳۵۳؛ تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، ص۳۴۹؛ منتخب اللّطایف، ص۷۱۷؛ تذکره روز روشن، صص ۷۷۵ و ۷۷۶؛ تذکره شبستان، صص ۵۶۰ و ۵۶۱.

۲- فهرست مطالعات و تحقیقات، ج۲، ص۴۷.

سارنج (کمانچه زن» پسر برادر اوست.(۱)

شعیا نبی علیه السلام

شعیا، از بزرگان قوم یهود در اصفهان و به روایتی از پیامبران آنان بوده و پس از وفات در قریه «خُشینان» از توابع یهودیه [در اصفهان قدیم] مدفون شده و قرن ها بعد یکی از سادات عالیقدر مقیم اصفهان یعنی «اسماعیل» از احفاد امام حسن مجتبی علیه السلام در جوار قبر «شعیا» مدفون شد و آنجا به امامزاده اسماعیل معروف شد.

در حال حاضر بقعه شعیا جنب بقعه امامزاده اسماعیل واقع شده و یک ضریح چوبی بر روی قبر نصب شده است.

خواجه شعیب جوشقانی

خواجه شعیب جوشقانی کاشانی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن و در زمان شاه عباس اوّل وزیر زراعت ارامنه بود. در فنون شعر و ادب مهارت داشت و میرشوقی از بستگان او در شعر و ادب از محضر او استفاده کرد. سال وفات او معلوم نیست. مثنوی «وامق و عذرا» از سروده های اوست.

از اوست:

لبت ز خنده نمک بر جراحت جان ریخت نمک ز تنگی جابر لب نمکدان ریخت

زمانه دفتر اوصاف حسن یوسف را ز شرم روی تو برد و به چاه کنعان ریخت(۲)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۴۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۱۲ و ۱۱۳؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۶۵؛ تذکره حسینی، ص۱۷۷؛ کلمات الشعراء، ص۶۱؛ تذکره غنی، ص۷۴؛ تذکره آتشکده: بخش سوم، ص۹۵۰؛ تاریخ فرهنگ و هنر جوشقان قالی، صص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ الذریعه، ج۹، ص۵۲۹ و ج۱۹، ص ۳۳۰.

شعیب خوانساری

ملّا شعیب خوانساری معروف به «ملّا شعیبا» عالم فاضل و ادیب شاعر [از سخنوران قرن یازدهم هجری].

در خوانسار متولّد شده و در اصفهان، در مدرسه جدّه سکونت گزیده و نزد آقا حسین خوانساری کسب فیض نموده است و مورد توجه بسیار استاد قرار گرفته است. وی در سال ۱۰۸۳ق وفات یافته [در کتاب «اختران فروزان خوانسار» به نقل از «خوانسارنامه» می نویسد: در قبرستان سنگ شیر، شیر سنگی نسبتا بزرگی بر روی قبر ملّا شعیبا قرار داشته که تاریخ منقور بر آن یکهزار و شصت و سه بوده است و دارای مادّه تاریخ نیز بوده و به دست غارتگران میراث فرهنگی به یغما رفته است.

در باب تاریخ فوت او باید گفت «ولی قلی بیگ شاملو» که تذکره مختصر خود را در خاتمه کتاب تاریخی «قصص الخاقانی» نوشته، در باب فوت شعیب خوانساری می نویسد: «در سنه هزار و هفتاد و سه در ولایت اصفهان وفات یافته، مدفنش در اراضی چملان در قرب جوار حضرت شیخ ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر...» و چون «شاملو» قبل از «نصرآبادی» تذکره اش را نوشته و آدرس دقیق قبر او را داده، باید سال فوت و محل دفن شعیب را همان چیزی که «شاملو» نوشته پذیرفت و باقی تواریخ و مدفن های ادعا شده صحیح نیست. تنها نکته قابل توجّه اینکه شیخ ابوالفتوح رازی در ری مدفون است و این شیخ ابوالفتوح، عالم سنّی معروف به شیخ ابوالفتوح عجلی است که در جلد اوّل اعلام اصفهان شرح حال و مدفن او ذکر شده است.]

این شعر از شعیب خوانساری است:

با هر که حرف دوستی اظهار می کنم خوابیده دشمنی است که بیدار می کنم

از بس که در زمانه یکی اهل درد نیست اظهار درد خویش به دیوار می کنم(۱)

۱- قصص الخاقانی، ج۲، ص۸۵؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۷۸؛ تذکره روز روشن، ص۴۲۵؛ تذکره غنی، ص۷۳؛ الذریعه، ج۹، ص۵۲۹؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ الروضّه النضّره، صص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ اختران فروزان خوانسار، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۲۷ و ۵۴۹.

شفاءاللّه قلزم چهارمحالی

شفاءاللّه قلزم فرزند آقا شیخ محمّد قلزم نافجی چهارمحالی، شاعر و ادیب فاضل. در اوّل خرداد ۱۳۱۱ش در قریه «نافج» چهارمحال متولّد شد. و نزد پدر و برخی از دانشوران به تحصیل پرداخت. سپس در فرهنگ شهرکرد به سمت دبیری و آموزگاری وارد خدمت شده و به تدریس مشغول شد. در شعر صاحب طبعی روان است. مقدمات علوم عربیت و ادب را نیکو آموخته و در صرف و نحو مهارت دارد.(۱)

محمّد شفیع اصفهانی*

محمّد شفیع بن آقا احمد اصفهانی، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. او در سال ۱۱۷۹ق نسخه ای از «دیوان فیض کاشانی» را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۱۱۸ در کتابخانه عمومی ساری موجود است.(۲)

محمّد شفیع اصفهانی

محمّد شفیع بن احمد اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری]. در سال ۱۲۲۹ق نسخه ای از کتاب «دعا» مؤلف: مجهول که شاید خود او باشد، را به خط نسخ معرّب زیبا کتابت نموده است که به شماره ۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

[شاید صاحب عنوان همان «محمّد شفیع بن آقا احمد اصفهانی» که قبل از این مدخل آمده، باشد و آن دو یک نفر باشند.]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۸۱.

۲- فهرست کتابخانه عمومی ساری و تنکابن، ص۹۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۱، ص۱۸.

محمّد شفیع نیشابوری

محمّد شفیع بن ملّا محمّد باقر نیشابوری، از فضلاء قرن یازدهم هجری.

وی در اصفهان به تحصیل علوم دینی خصوصا فقه و حدیث مشغول بوده و از محضر علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی بهره گرفته است. او نسخه ای از «زاد المعاد» را کتابت کرده و در آخر آن علّامه مجلسی جهت او و جمیع مؤمنین اجازه مرقوم فرموده است. کتاب به شماره ۱۴۴۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

[همچنین نسخه ای از «لوامع صاحبقرانی» تألیف: ملّا محمّد تقی مجلسی را در سال ۱۰۹۵ق کتابت کرده است.(۱)]

میرزا محمّد شفیع محلّه نوئی

میرزا محمّد شفیع محلّه نوئی فرزند ملّا محمّد تقی بن ملّا محمّد شفیع خوئی، از عرفای سلسله خاکساریه بوده و در سال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در مقبره خانوادگی جنب تکیه خوانساری ها در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[تنها ولد ذکور ملّا محمّد تقی خوئی است و در محلّه نو شهیش اصفهان متولّد شده و نزد علمای عالیقدر اصفهان خصوصا آخوند کاشی تحصیل نموده و گویا از او و یا شیخ مرتضی ریزی مجاز شده است. او عالمی فاضل و صاحب وقار و متانت و تواضع و حلم و حسن سلوک بوده و مورد احترام و توجّه عموم طبقات بود و سرانجام در ۱۸ آبان ۱۳۱۰ش (مطابق ۲۹ جمادی الثّانی ۱۳۵۰ق) در اصفهان وفات یافته و در مقبره خاندان خوئی در جنوب غربی تکیه علّامه خوانساری در تخت فولاد مدفون شد. او

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۳۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۹؛ اجازات الحدیث، ص۲۰۹؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ الکواکب المنتشره، ص۳۴۹.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۰.

وابستگی به صوفیه نداشته و انتساب او به فرقه خاکساریه صحیح نیست.(۱)]

محمّد شفیع لاری

محمّد شفیع بن محمّد تقی لاری [از خطاطان اواخر دوره قاجاریه] در سال های ۱۲۹۷ و ۱۳۰۰ و ۱۳۰۲ در دهکرد [شهرکرد کنونی] در محکمه خانه آقازاده ملّا محمّد حسن مجموعه ای نوشته که به شماره ۴۳۸۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

محمّد شفیع سالم اصفهانی*

محمّد شفیع اصفهانی متخلّص به «سالم» فرزند میرزا محمّد حسین از شعرای اصفهان در قرن یازدهم هجری است.

او مردی هنرمند بوده که در شبکه و طرحی طلا و نقره نظیر نداشته و مورد قبول اساتید فن قرار گرفته است. شعر نیز می سروده ولی اثری از دیوان اشعار او نیست. وی تا سال ۱۰۸۹ق (سال اتمام تألیف تذکره نصرآبادی) در قید حیات بوده است.

از اوست:

ز سینه تا دل ناکام برطرف شد و رفت بهانه جوئی ایام برطرف شد و رفت(۳)

ملّا محمّد شفیع قاری بحار

آخوند ملّا محمّد شفیع قاری بحار بن محمّد رفیع اصفهانی، عالم فاضل و محدّث

۱- یادداشت های آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا).

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۳، ص۳۳۵۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۶۰۶ و ۶۰۷؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۴۹؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۳۳۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۸۵.

محقّق [از علماء اواخر عهد صفویّه].

در اصـفهان خـدمت جمعی از علمـاء بـه تحصـیل پرداختـه و بـه خـاطر حضـور در مجلس مبـاحثه و تـدوین و تصـحیح کتـاب «بحارالانوار» و قرائت آن کتـاب بر مؤلّف (علّـامه ملّـا محمّـد بـاقر مجلسـی) به «قاری بحار» معروف بوده است. او از شاگردان علّامه مجلسی است.(۱) مرحوم علّامه در شعبان ۱۰۸۸ق اجازه ای جهت او نوشته که نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی موجود است.(۲) همچنین علّامه مجلسی در مجلد «فتن» از کتاب «بحارالانوار» در سه موضع سه اجازه به تاریخ های رجب ۱۰۹۵ق و دوم صـفر ۱۰۹۷ق و رجب ۱۰۹۷ق جهت او نوشـته و در هر سه مورد فرمایـد: «قرائه تنقیحـا و تدقیقا»(۳) علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی او را با شخصـی دیگر به نام «محمّـد شـفیع بن محمّد رفیع جیلانی اصـفهانی» مجاز از «سیّد ماجد بحرانی» در ۱۰۸۷ق و محقّق سـبزواری در ۱۰۸۵ق یکی دانسـته و از تألیفـاتش به کتـاب «تحـدیق النّظر فی کیفیه ادراک البصر» اشاره کرده است.(۴)

از آثـار او کتابت مجلـد دوم «بحارالانوار» موسوم به «کتاب التوحیـد» است که آنرا در میانه های رجب ۱۰۸۸ق کتابت کرده و بر مؤلّف قرائت نموده است. نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی موجود است.(۵)

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «انیس الوحشه و جلیس اللّیله» در آداب نمـاز شب که در یک مقـدّمه و ۱۲ باب و یک خاتمه تنظیم شـده و تألیف آن در ۶ ربیع الاوّل ۱۱۱۵ق به پایان رسـیده است. نسخه ای از آن به خط عالم فاضل و ادیب محقق، میرزا یحیی بن میرزا شفیع مستوفی اصفهانی به شماره ۳۳۴۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۶)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۶.

۲- فهرست دائره المعارف اسلامی، ج۱، ص۱۰.

۳- تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۵.

۴- الذریعه، ج۳، ص۳۷۶.

۵- فهرست عکسی دائره المعارف اسلامی، ج۱، صص ۴۶ و ۴۷.

۶- فهرست مرعشی، ج۹، صص ۱۲۲ و ۱۲۳؛ الذریعه، ج۱، ص۲۳ و ج۲، ص۴۶۹؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۴۳ و ۳۴۴.

۲. «الجبر و التّفویض» که آنرا در ذیحجه ۱۱۱۷ق تألیف نموده و نسخه ای را آن در کتابخانه حاج شیخ محمّد سلطان الواعظین در طهران موجود است.(۱) نسخه ای دیگر از این کتاب در کتابخانه فاضل محترم سیّد مصطفی حسینی فرادنبه ای در اصفهان موجود است.(۲)

آخوند ملّا محمّد شفیع موحّد طالقانی

آخوند ملّا محمّد شفیع طالقانی متخلّص به «موحّد» بن محمّد رفیع، ادیب فاضل و شاعر عارف، از شعراء و عرفای قرن دوازدهم هجری. معروف به «آخوند شفیعا ابرو» از اساتید او اطلاعی دردست نیست ولی در سیر و سلوك مرید ملّا حسین موزه دوز بوده و عمر را به ریاضت های شاقّه و عبادت می گذرانیده و از او خوارق عادات و کراماتی به ظهور رسیده است.

اصلاً از اهالی طالقان قزوین بوده ولی سالها در اصفهان اقامت داشته است. میرزا معزالدین بن میرزا حسن تبریزی در علوم عقلی و نقلی نزد او تحصیل کرده است. او سرانجام در سال ۱۱۶۱ق (مطابق نوشته کتاب «وقایع السنین و الاعوام») در اصفهان وفات یافته و در قبرستان شاه میر حمزه مدفون شد. در اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی که قبرستان را خراب کردند، قبر او هم از بین رفت. گاهی شعر می سروده است.

از اوست:

آن شوخ که عشق را هوس می داند بلبل با زاغ هم قفس می داند

گفتا که مگوی راز عشقم به کسی من با که نگویم همه کس می داند(۳)

۱- الذریعه، ج۵، ص۸۵.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۰.

۳- تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۲۵۸؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۷۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۶۹ و ۲۱۶؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۴۶ و ۳۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵؛ مزارات اصفهان، ص۲۷۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۷۴۵؛ تذکره خزانه عامره، ص۴۲۹؛ الکواکب المنتشره، ص۳۴۳.

عالم ربّانی شیخ عبدالحسین محلّاتی اصفهانی از نوادگان اوست.

محمّد شفیع اصفهانی

محمّد شفیع بن محمّد زمان اصفهانی [فاضل نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در سه شنبه ۲۶ ربیع الاوّل ۱۰۷۱ق کتابت نسخه ای از «ریاض العابدین» تألیف «بدیع الزّمان قهپائی هرندی اصفهانی» را به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۸۰۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

محمّد شفیع جونقانی

محمّد شفیع بن محمّد زمان جوناقانی (جونقانی) [از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۳۳ق نسخه ای از کتاب «اختیارات الایام» تألیف: علّامه مجلسی را نوشته که به شماره ۶۷۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.

جوناقان من محال مزدج اصفهان.(۲)

محمّد شفیع خوراسکانی

محمّد شفیع بن محمّد زمان خوراسکانی اصفهانی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری. وی کتابی را در مقتل تألیف نموده که به شماره ۲۰۵۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. تاریخ کتابت نسخه سال ۱۲۴۳ق است.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۱۸۵.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۶.

۳- خورشید جی، ص۳۱۲؛ فهرست گلپایگانی، ج۳، ص۱۴۷.

محمّد شفیع نائینی خوراسکانی*

محمّـد شـفیع بن عبـدالرحیم شـریف نائینی، از کاتبان قرن سـیزدهم هجری است. او نسـخه ای از «الحدائق الناظره» تألیف شـیخ یوسف بحرانی را در پنـج شـنبه ۸ ذیقعده ۱۲۱۲ق در قریه خوراسـکان جی، از بلوک اصـفهان، جهت میر محمّـد حسـین امام جمعه، به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۳۶ در کتابخانه مدرسه صدر خواجو در اصفهان موجود است.(۱)

محمّد شفیع خوشنویس اصفهانی*

محمّد شـفیع خوشـنویس بن اسـتاد عبدالجبار اصفهانی، از کاتبان و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. در برخی کتب او را قزوینی نوشـته اند که صـحیح نیست. خط نسخ را خوش می نوشـته و پدرش نیز در خط نسـتعلیق از اساتید نامدار عصر خویش بوده است.

همایی سال فوت او را ۱۰۸۱ق نوشته که صحیح نیست.(۲)

محمّد شفیع سرانجام پس از وفات در مزار بابا رکن الدین اصفهان مدفون شد.(۳)

محمّـد شـفیع نسـخه ای از «ابواب الجنان» تألیف رفیع الدّین محمّد قزوینی را در سال ۱۰۹۷ق به خط نسـخ کتابت کرده که به شماره ۲۷۳ط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۴)

محمّد شفیع مازندرانی

محمّد شـفیع بن علی مازندرانی، [از فضـلاء اواخر دوره صـفویّه] در مدرسه ملّا عبداللّه اصـفهان ساکن بوده و به تحصـیل علوم دینی می پرداختـه است. او در رجب ۱۱۰۴ق در مدرسه ملّا عبداللّه کتابت «اصول کافی» را به پایان رسانیده و نسـخه تصـحیح شده و با

۱- فهرست صدر خواجو، ص۳۳ و ۴۲.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۷۱.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۷۶۲ و ۷۶۳.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص۱۶.

حواشی و با نشان بلاغ که گویا از علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. این نسخه به شماره ۱۷۵۷ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است. بنابراین به احتمال قوی صاحب عنوان از شاگردان علّامه مجلسی است.(۱)

محمّد شفیع قهپائی*

محمّد شفیع بن علینقی قهپایه ای، از کاتبان قرن دوازدهم هجری است. او نسخه ای از «شرح الشافیه» تألیف: محمّد هادی مترجم بن ملّا محمّد صالح مازندرانی را در ۲۶ شعبان ۱۱۱۵ق به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱۵۲۰۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

ملّا محمّد شفیع استرآبادی

ملّا محمّد شفیع بن ملّا محمّد علی بن احمد بن کمال الدّین حسین استرآبادی، عالم فاضل، صالح متّقی و محقّق مدقّق، از علمای اواخر دوره صفویّه.

شیخ عبدالنّبی قزوینی در کتاب خود او را چنین می ستاید: «من الفضلاء الاعلام و العلماء الاحکام و الکبراء العظام و ذوی المجد و الاحترام»(۳)

او نوه دختری مجلسی اوّل (ملّا محمّد تقی) است. [در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود و جمعی از دانشمندان اصفهان تحصیل نموده و از برخی از آنان از جمله: ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری و میر ماجد بن میر جمال الدّین محمّد حسینی دشتکی (روایت صحیفه سجّادیه) روایت نموده است. که در بخش اجازات «بحارالانوار» آمده است.(۴)

او سالها در اصفهان به تدریس مشغول بوده و شاگردانی تربیت کرده است از جمله:

۱- فهرست گوهرشاد، ص۳۷۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۶۲.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۴۹۲.

۳- تتمیم امل الآمل، ص۱۸۰.

۴- علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۱۷۷.

ملّا محمّد اکمل اصفهانی (پدر علّامه بزرگوار آقا محمّد باقر وحید بهبهانی)، ملّا اسماعیل که در سال ۱۰۶۲ق برای او اجازه نوشته است. و محمّد بن علی بن حیدر مکّی و دو فرزندش محمّد طاهر و محمّد قاسم.(۱)

ملّا محمّد شفیع استرآبادی تا سال ۱۱۱۷ق زنده بوده و به گمان ما حدود ۸۰ سال عمر کرده است.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اصول دین» به فارسی، به نام شاه سلیمان صفوی در چهار مقاله، نسخه که در ۱۱۲۲ق کتابت شده است به شماره ۹۴۶ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲) ۲. «الاربعون حدیثا» به عربی در فضائل حضرت امیر علیه السلام از کتب اهل سنّت، که آن را در اواخر شوال ۱۱۱۶ نوشته است و به شماره ۲۴۶۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است و سجع مهر او: «محمّد نبی اللّه و علی ولی اللّه» مشهود است.(۳) ۳. «حواشی بر اوائل شافی» تألیف: سیّد مرتضی ۴. «شرح قصیده میمیه فرزدق» [در مدح امام زین العابدین علیه السلام که در ۵ شوال ۱۰۷۵ق تألیف آن به پایان رسیده و به شماره ۳/۲۰۳۶ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۴) نسخه ای دیگر از آن در کتابخانه سیّد جلال الدّین محدّث ارموی بوده است.

همچنین در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نسخه ای از کتاب «اعاده المعدوم» تألیف: ملّا محمّد شفیع استرآبادی ساکن هند موجود است که به احتمال زیاد از صاحب عنوان است.(۵)]

فرزندان او محمّد طاهر و محمّد قاسم نیز از علمای آن روزگار بودند.(۶)

۱- الکواکب المنتشره، صص ۳۴۲ و ۳۴۳.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج ۲، ص ۹۵.

۳- فهرست مرعشی، ج ۹، ص ۲۶۴.

۴- فهرست احیاء، ج ۶، ص ۵۲.

۵- الکواکب المنتشره، ص ۳۴۳.

۶- منابع: فیض قدسی، صص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ الذریعه، ج ۶، ص ۱۰۵ و ج ۱۴، ص ۱۳ و ج ۱۱، ص ۹۲؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۵۵۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۶۹۶ و ۶۹۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص ۳۷۳.

محمّد شفیع گیلانی

محمّـد شـفیع بن فرج گیلانـی، [از علمـا و فقهـای عالیقـدر قرن دوازدهـم هجری] داماد میر ابوالمعالی کبیر طباطبائی اصـفهانی. شیـخ محمّـد علی حزین در سـفرنامه (تاریـخ) خود دو جا از او نام می برد. یک جا می نویسد: «ساکن مشـهد مقدّس و فاضـل جامع محقّق مولانا محمّـد شـفیع گیلانی، از ازکیاء علماء و در اواسط حکمت نادره زمان»(۱) و در جای دیگر می گویـد: «در آن وقت (یعنی پس از شـکست و فرار افـاغنه سـال ۱۱۴۲ق) مولانای فاضل ملّا محمّـد شـفیع گیلانی که پیش مـذکور شد، به اصفهان آمده و شیخ الاسلام بود و همانجا رحلت کرد.(۲)

فرمانی از شاه طهماسب دوم درباره موقوفه امامزاده درب امام اصفهان موجود است که آنرا در ربیع الثّانی ۱۱۴۳ق صادر نموده اند و او را بدین گونه نام می برد: «شریعت و افادت و افاضت و کمالات دستگاه حقایق آگاه، جامع المعقول و المنقول، علّامی فهامی شمسا للشّریعه و الافاده و الفضیله مولانا محمّد شفیع شیخ الاسلام داراالسّلطنه اصفهان».(۳)

میرزا عبـدالنبی قزوینی او را دانشـمندی متکلم، فاضل مفخم، محقّق متین و مـدقّق رزین دانسـته و می نویسد در رشت و شـیراز شیخ الاسلام بوده است. در پاورقی مصحح کتاب می نویسد: وی از امیر ماجد بن جمال الدّین محمّد دشتکی در سال ۱۰۸۷ق و از ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری در محرم ۱۰۸۵ق اجازه دریافت نموده است.(۴)

ظاهرا وی شاگرد علّامه محمّد باقر مجلسی نیز بوده است.(۵) او سرانجام در ماه شعبان

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۲۲۶.

۲- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۲۳۷.

۳- مجلّه وحید، شماره ۲۲۸ و ۲۲۹، ص۸۹.

۴- تتمیم امل الآمل، ص۱۸۴.

۵- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۱ و ج۱، صص ۲۹۰ و ۲۹۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۴۴ و ۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۰۰ و ۷۰۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۶۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۴۷ و ۳۴۸.

۱۱۴۴ق در اصفهان وفات یافته است.(۱)

از تألیفات او «رساله در تحقیق بـداء» است که آنرا در سال ۱۱۶۳ کتابت نموده اند و به شماره ۱۰۹۱۰ در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می شود.(۲) وی همچنین بر کتاب «معالم» حاشیه نوشته است.(۳)

حاج ملّا محمّد شفیع خوئی

حاج ملّا محمّد شـفیع خوئی بن ملّا محمّد بن ملّا ابوالقاسم بن ملّا احمد خوئی بن ملّا علی چورسـی بن ملّا دولتعلی قراجه داغی، عـالم فاضـل متّقی [از علمـاء معروف قرن سـیزدهم هجری] در خوی از شـهرهای آذربایجان متولّـد گردیـده و پس از تحصـیل مقدمات نزد علمای آذربایجان به عتبات عالیات رفته و نزد علمای عالیقدر شـیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی، سیّد محمّد مهدی بحرالعلوم و سیّد محمّـد مجاهد درس خواند و به درجه اجتهاد نائل شد. و پس از پایان تحصـیل به زادگاه خود مراجعت کرد. او در آنجـا مشـغول ارشـاد مردم و حل مشـکلات شـرعی آنان بود تا اینکه ایران و روسـیه آغاز شـد و او به ناچار با خانواده از خوی مهـاجرت کرده و به [دعوت جمعی از تجّـار و اخیـار اصـفهان از جمله حـاجی دوست محمّـد خوئی، میرزا محمّـد کاظم (مشـهور به میرزا کوچک) و پسرش میرزا علینقی به] اصفهان آمد و در محلّه بیدآباد ساکن شده و در مسجد میرزا باقر به اقامه جماعت پرداخت و به حل مشکلات شرعی مردم و مرجعیت و فتوا و تدریس علوم دینی مشغول شد.

[او فقیهی متبحّر و اصولی مبرّز و ادیبی توانـا و صاحب خلق حسـنه و مورد احترام عموم علماء و فضـلاء و طبقات مختلف مردم بود و علمای بزرگ اصفهان در آن عهد

۱- تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۱۱.

۲- فهرست وزیری، ج۳، ص۹۶۱.

۳- الذریعه، ج۶، ص۲۰۶.

همچون میر سیّد حسن مدرس (محلّه نوئی)، حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی، ملّا جعفر فشارکی، میرزا حسن بن ملّا علی نوری، سیّد ابوتراب، میر سیّد محمّد علی بن میر سیّد محمّد حسینی خاتون آبادی و میرزا علینقلی بن محمّد باقر حسینی در یک استشهاد (درباره مالکیت او بر املاکی بر کرچکان لنجان اصفهان) از او با القاب عالی یاد کرده اند و از این القاب معلوم می شود که از سرآمدان علماء و مجتهدین و مقدّم بر علمای اصفهان و سایر بلاد در آن عهد بوده است. امّا بنا به دلایلی نامش تحت الشعاع نام یکی دو تن از علماء مشهور آن روزگار قرار گرفته و همچنین به خاطر تدفین او در بقعه حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام چندان که شایسته مقام علم و فضل اوست شهرت نیافته است.]

او سرانجام در سال ۱۲۶۶ق وفات یافته [و به اهتمام حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی[فرزند سیّد حجه الاسلام در مقبره کوچک مسجد سیّد اصفهان مدفون شد [و متأسفانه سنگ مزار او و اعقابش را که آنجا بود در تعمیرات سال های اخیر از بین بردند.[فرزندان و اعقاب او اغلب از علماء و ادباء اهل فضل اصفهان بوده اند.(۱)

[از ایشان کتابی در «فقه استدلالی» باقی مانده که اکنون نزد استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» موجود است.]

آقا سیّد شفیع شوشتری

آقا سیّد شفیع بن سیّد محمّد بن سیّد عبدالکریم بن سیّد جواد بن سیّد عبداللّه بن سیّد نورالدّین علی بن سیّد نعمت اللّه موسوی جزائری شوشتری، عالم فاضل صالح [از علمای قرن سیزدهم هجری.] در سال ۱۲۱۱ق در شوشتر متولّد شد و در ۲۰ سالگی به اصفهان آمده نزد جمعی از فضلاء و علماء خصوصا حاج محمّد ابراهیم کلباسی به تحصیل پرداخت و در علوم مختلف خصوصا فقه و حدیث و رجال مهارتی به سزا یافت.

۱- مکارم الآثار، ج۵، صص ۱۰۸۴-۱۰۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۸؛ تذکره شبگرد، ص۱۹۱؛ یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا).

او در محله شهشـهان ساکن بوده و عمر خود را به تدریس و اقامه جماعت و تألیف و تصـنیف گذرانیده و سرانجام در روز ۲۱ ذیحجه الحرام ۱۲۷۴ق وفات یافته و در صحن تکیه خوانساری ها مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشـیه بر نقـد الرّجال» ۲. «رســاله ای در منجزات مریض»۳. «کشف الریـاض» (یـا «حاشـیه بر ریاض المسائل»۴. تحقیقات پراکنده در نحو، فقه و غیره.(۱)

ملّا محمّد شفیع واعظ قزوینی

ملّا محمّد شـفیع بن رفیع الدّین محمّد بن فتح اللّه واعظ قزوینی، عالم فاضل، ادیب شاعر و واعظ ماهر [از شـعراء و خطبای قرن یازدهم هجری].

در قزوین سـاکن بـود و در آنجـا کسب علم و ادب نمـوده بود. در سـال ۱۰۸۸ق به اصـفهان آمـد و در مسـجد حکیم داود در نهایت فصاحت و بلاغت به موعظه برای مردم پرداخت. گاهی شعر نیز می گفت.

از اوست:

پیش ما سرگشتگان یکسان نماند خوب و زشت یک روش گردد به آب تلخ و شیرین آسیا(۲)

ملّا محمّد شفیع خاتون آبادی

ملّا محمّـد شـفیع بن نورالـدّین محمّـد خاتون آبادی، عالم فاضل [از علماء قرن دوازدهم هجری] در اصـفهان ساکن بوده و نزد جمعی از بزرگان علم و فضل از جمله علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته است. همچنین میر محمّد حسین بن

۱- مکارم الآثار، ج۲، صص ۴۰۸-۴۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۹۹ و ۷۰۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۲؛ الذریعه، ج۱۸، ص۳۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۴۸.

محمّد صالح خاتون آبادی در سال ۱۱۳۱ق برای او و فرزندش نورالدّین محمّد (صغیر) اجازه نوشته است.

صاحب عنوان در فقه، حدیث و رجال مهارت به سزایی داشته است.(۱)

محمّد شفیع خوزانی*

محمّد شفیع بن جمال الدّین محمّد خوزانی اصفهانی، از نیکوکاران عهد صفویّه است. او در دفترخانه سلطنتی صفویه به کار اداری مشغول بود. از مردان متمکّن اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده و مدرسه شفیعیه را در محلّه دردشت اصفهان و نزدیک مدرس ابن سینا ساخته و موقوفاتی را برای آن معیّن نموده است. سال بنای مدرسه شفیعیه ۱۰۶۷ق مقارن سلطنت شاه عباس ثانی است. [او جُنگ شعر (مجموعه)ای فراهم ساخته که ظاهرا از بین رفته است.(۲)]

محمّد شفیع گنابادی

محمّد شفیع بن محمود گنابادی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن یازدهم هجری] در سال های ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ق کتابت بخش های سوم و چهارم و خاتمه «حبیب السیّر» را در اصفهان به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۱۵۹ در کتابخانه مجلس وجود دارد. مهر بیضی شکل کاتب با نقش «عبده محمّد شفیع بن محمود ۱۰۱۶» بر برخی از صفحات کتاب مشهود است.(۳)

میرزا محمّد شفیع منجّم*

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۱؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۴.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۵۹۰؛ تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۳۵۲؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۲۵.

۳- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش دوم، ص۷۴۲.

میرزا محمّد شفیع منجّم فرزند میرزا مظفر منجّم گنابادی از منجّمان قرن یازدهم هجری است. در اصفهان نزد پدر نجوم را آموخته و در دربار شاه عباس صفوی وارد شد. او و برادرش میرزا محمّد تققی، در دربار شاه صفی به پیش گویی و استخراج احکام نجوم مشغول بودند. منزل میرزا محمّد شفیع پشت مسجد جامع جدید عباسی (مسجد شاه= مسجد امام فعلی) واقع شده بود.

از او دو فرزند به نام های میرزا محمّد باقر و میرزا محمّد مقیم به جای ماند که اهل فضل و ادب و آشنا به نجوم بودند.(۱)

سیّد محمّد شفیع خلیفه سلطانی

سیّد محمّد شفیع بن سیّد محمّد نصیر خلیفه سلطانی بن نواب میرزا سیّد حسن بن علّامه سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان حسینی مرعشی، عالم فاضل. در قرن دوازدهم هجری زندگی می کرده و از طرف برادر خود میرزا محمّد مقیم، نایب التّولیه آستان مقدّس رضوی بوده است.(۲)

محمّد شفیع تویسرکانی

محمّد شفیع تویسرکانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل مشغول شده است. علّامه مجلسی در آخر نسخه ای از «اصول کافی» برای او اجازه نوشته است.(۳)

محمّد شفیع عباسی*

۱- خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم)، صص ۳۳۸ و ۳۳۹؛ خلاصه السّیَر، ص۳۳؛ سفرنامه شاردن، (قسمت اصفهان)، ص۲۸.

۲- مزارات اصفهان، ص ۲۵۱.

۳- الکواکب المنتشره، ص۳۴۴؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص ۱۰۴.

محمّد شفیع عباسی از نقاشان هنرمند قرن یازدهم هجری است. برخی او را فرزند آقا رضا عباسی دانسته اند ولی مدرک معتبری برای اثبات آن به دست نیامده است. او از نقاشان طراز اوّل عهد شاه عباس دوم و شاه صفی است.

او غالبا به ترسیم گل های مختلف و پرندگان می پرداخته و از نخستین کسانی بوده که نقاشی گل و مرغ را رواج دادند. علاوه بر این در صورت سازی نیز مهارت به سزائی داشته و طرح هایی نیز برای پارچه ارائه داده و در قلمدان سازی و خوشنویسی نیز زبردست بوده است.

وی تقریبا از سال ۱۰۳۷ق تا ۱۰۸۴ق در اصفهان به فعالیت هنری مشغول بوده و در آخر عمر به هند مهاجرت کرده و در سال ۱۰۸۵ق در شهر «آگره» هند وفات یافته است. فرزندش محمّد تقی نیز از نقاشان ماهر آن عهد بوده است.

او آثار خود را با عبارات «کمینه شفیع عباسی» و «محمّد شد شفیع هر دو عالم» رقم می زده است. از آثار معروف او می توان به «درویش خفته» (۱۰۶۱ق)، «بوته گل بنفشه» (سال ۱۰۵۴ق)، «کبک روی شاخه گل سیب» (سال ۱۰۶۶ق) و «پرنده، پروانه ها و شکوفه ها» (سال ۱۰۶۲ق) اشاره کرد.(۱)

سیّد محمّد شفیع مستوفی

سیّد محمّد شفیع مستوفی (حسینی مازندرانی اصفهانی)، عالم فاضل و ادیب شاعر. [از دانشمندان و سخن سرایان قرن یازدهم هجری].

اصلاً از سادات علاقه بند مازندران بوده و در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته

۱- سیری در تاریخ نقاشی ایران، ص۳۸۴؛ هنر قلمدان، ص۹۹؛ دائره المعارف هنر، صص ۳۳۰ و ۳۳۱؛ جلوه های هنر در اصفهان، ص۱۴۲؛ مکتب نگارگری اصفهان، ص۱۶۹؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ فرهنگ فارسی (معین)، ج۵، ص۹۰۶؛ مکتب نقاشی صفوی اصفهان، ص۶۴.

است. در اوایل حال مُشِرِف باغات سلطنتی بوده و کم کم به مقامات بالاتر دست یافته و عاقبت مستوفی الممالک موقوفات دولت صفویّه شد. پس از آنکه میرزا مهدی اعتمادالدّوله، به صدارت رسید، او از آن منصب عزل شده و در منزل عزلت گزید و به تحقیق و تألیف و مصاحبت با دانشمندان و شعراء پرداخت. [و سرانجام در سال ۱۰۹۵ق وفات یافت.]

گاهی شعر نیز می سرود. این بیت از اوست:

سوخت ما را ز آشنایی هر که بزم افروز شد آفت پروانه باشد شمع چون روشن شود(۱)

در اغلب علوم چون کلام، تاریخ و ادبیات مهارت داشته و سال وفاتش معلوم نیست.

کتاب «بحرالفوائد و عقد الفرائد» به فارسی، در علم تاریخ از اوست که آن را به نام شاه عباس دوّم نوشته و در ۵ جلد آن را به پایان رسانیده است. نسخه های فراوانی از این کتاب در کتابخانه ها موجود است. این کتاب هنوز به طبع نرسیده است.(۲) [۲. «نسب نامه» که در سال ۱۰۹۰ق به نام شاه سلیمان صفوی آن را تألیف کرده و نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)]

میرزا محمّد شفیع ورزنه ای*

میرزا محمّد شفیع ورزنه ای اصفهانی، از صاحب منصبان دولت صفوی است. او وزارت دارالعباده یزد را برعهده داشته و در سال ۱۱۰۶ق وفات یافته است.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۹۹ و ۱۰۰؛ تذکره غنی، ص۷۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۹؛ الذریعه، ج۳، ص۴۴؛ الرّوضه النّضره، ص۲۶۳؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۵۶۷؛ فهرست وزیری، ج۱، ص۳۳۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۳۰۱ و ج۱۹، ص۴۳؛ فهرست مدرسه حجّتیه، ص۱۰۰؛ فهرست احیاء، ج۶، صص۱۱۴ و ۱۲۴ و ج۷، ص۱۳۱؛ فهرست عکسی احیاء، ج۲، ص۱۲۸.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۵۸؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۲، ص۱۰۹۴.

۴- دستور شهر یاران، ص۸۱.

در سال ۱۰۹۹ق به دستور او در زادگاهش (ورزنه) مسجد جامع ورزنه مرّمت گردیده و این عمل در کتیبه کاشیکاری به خط ثلث در سردر مسجد جامع ذکر شده است.(۱)

شکر ابهری اصفهانی

ابوزید شکر بن احمد بن محمّد بن ابی بکر ابهری مؤدّب اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری]. از «ابو عبداللّه قاسم ثقفی» حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» از وی استماع حدیث کرده است. او در ماه ذی القعده سال ۵۴۶ق وفات یافت.(۲)

[«ابهر» از دهات جِی اصفهان بوده و اکنون از محلّه های اصفهان است و به آن «اَبَر» می گویند.]

میرزا شکراللّه مستوفی شهرستانی

میرزا شکراللّه مستوفی [بن خواجه حبیب اللّه شهرستانی، از دانشوران اهل قلم قرن دهم هجری و از سادات جلیل القدر شهرستان اصفهان است. او پس از تحصیل در اصفهان به قزوین رفته و در دربار شاه طهماسب صفوی به خدمات دیوانی مشغول شد. در اواخر سلطنت شاه طهماسب، به منصب «مستوفی الممالک ممالک محروسه» منصوب شد. در سال ۹۸۴ق شاه اسماعیل ثانی او را به وزارت دیوان اعلی برگزید اما یک سال بعد که شاه اسماعیل ثانی فوت نمود، شاه محمّد خدابنده او را از این منصب عزل کرده و او را به عنوان «وزیر» و «ممیزی» خراسان و تولیت آستان قدس رضوی به مشهد مقدس فرستاد، اما بیگلربیگیان خراسان به مخالفت با او برخاستند. سرانجام او در هنگام مراجعت از خراسان، در دامغان وفات یافت.

۱- اصفهان در دوره جانشینان تیمور، ص۱۸.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۲۶.

او مردی سلیم النّفس، باوقار، خوش خلق و ماهر در انشاء، سیاق، حساب، خوشنویسی و امور دیوانی بود.(۱)]

از او آثـار خیریه ای به جای مانـد از جمله: ۱. مسـجد مستوفی در محلّه خواجوی اصفهان ۲. بازار مسـتوفی در محلّه خواجو ۳. باغ مستوفی (واقع در خیابان فیض فعلی) در اصفهان.(۲)

شکراللّه ورنامخواستی لنجانی

شکراللّه بن علیرضـا ورنـامخواستی لنجـانی اصـفهانی، [از کاتبـان قرن یازدهم هجری [در سال ۱۰۹۲ق کتـاب «النّخبه الوجیزه» تألیف: فیض کاشانی را به خط نسخ نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۱/۱۱۷۹ موجود است.(۳)

[ورنامخواست از دهات بلوک لنجان اصفهان است.]

استاد شکراللّه صنیع زاده

اسـتاد شـکراللّه صنیع زاده فرزند عبدالمحمود غفّاریان، هنرمند نقاش و میناکار معاصر اصفهان، در ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۴ق (برابر با ۱۵ بهمن ۱۲۸۵ش) در محلّه درب امام اصـفهان متولّد شد. او تحصـیلات ابتدائی و اوایل متوسّـطه را در مدرسه قدسیّه گذراند امّا در نوجوانی ترک تحصـیل کرده و نزد پدربزرگ مادریش میرزا عبدالحسـین صـنیع همایون به فراگیری نقاشی و میناکاری پرداخت. همچنین از استاد مصورالملکی تذهیب، تشعیر، نقاشی طبیعت، صورت سازی، گل و مرغ و بوته پردازی را آموخت.

۱- احسن التواریخ، صـص ۱۲۷ و ۶۳۹ و ۷۱۶؛ از شـیخ صـفی تا شاه صفی، صص ۹۶ و ۹۷؛ تاریخ عالم آرای عباسـی، (چاپ ۱۳۷۷ش)، ج۱، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ وقایع السّنین و الاعوام، ص۳۹۱؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۰۵-۱۱۰.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۰۴.
۳- فهرست گوهرشاد، ص۴۲۵.

صنیع زاده در زمان سلطنت رضا شاه، با یک مهندس آلمانی به نام «شونِمان» که در اصفهان به سر می برد آشنا شده و برای راه اندازی کوره و رنگ ها و لوازم کار میناکاری ازاو بهره فراوان برد، تا اینکه کم کم استادی قابل و هنرمندی ماهر شد. آثار میناکاری او در نمایشگاه بین المللی بروکسل یک دیپلم افتخار و مدال بُرنز به ارمغان آورد. همچنین تقدیرنامه ای از مرجع عالیقدر شیعه سیّد محسن حکیم دریافت نمود.(۱)

او سرانجام در جمادی الاولی ۱۴۰۴ق (بهمن ۱۳۶۲ش) در اصفهان وفات یافته و در تکیه آغاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

درهای نفیس میناکاری شده آستان حضرت رضا علیه السلام ، میناکاری ضریح حضرت عباس علیه السلام در کربلا و میناکاری در حرم مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف از آثار ارزنده اوست.

شکراللّه خاکسار*

شکراللّه خاکسار فرزند علی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۱ش متولّد شد. او در انجمن های ادبی اصفهان شرکت می کرد و از اعضای انجمن صائب بود. سرانجام در سال ۱۳۸۱ پس از پیدا شدن پیکر فرزندش که در جنگ ایران و عراق به شهادت رسیده بود، به عارضه قلبی دچار شد و در تهران درگذشت.

از اوست:

چه کردی با محبّت ای که می دانی نمی ماند غمی افسانه ای عکس خیالی زندگانی را

مرا کُشتی ولیکن دل به یادت زندگی دارد بنازم این تحمّل سخت جانی را(۳)

۱- کیهان فرهنگی، (اردیبهشت ۱۳۶۳)، ص۳۹؛ فصلنامه فرهنگ اصفهان، (بهار ۱۳۷۵)، صص ۳۵-۳۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۳۳۶ و ۳۳۷؛ گلزار مشاهیر، صص ۴۳۱ و ۴۳۲.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۵.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۲۳۵.

میرزا شکراللّه منعم اصفهانی

میرزا شکراللّه منعم بن میرزا محمّد علی مسکین اصفهانی، شاعر ادیب و فاضل، از سخنوران قرن چهاردهم هجری.

در اصفهان به سال ۱۲۸۶ق متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخته و فنون شعر و ادب را از میرزا محمّد حسین عنقا فرا گرفت و چون در سرودن شعر صاحب طبع روان و قریحه خدادادی بود در انجمن ادبی شیدا حضور یافت. او از راه زرگری امرار معاش می کرد. او مردی عارف مسلك و سخن سنجی ماهر بود. قصیده و غزل را نیکو می سرود و در گفتن مادّه تاریخ مهارتی به سزا داشت.

منعم در روز شنبه ۴ جمادی الاولی ۱۳۶۰ق وفات یافته [و در تکیه آغاباشی واقع] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

برخی از اشعار او در کتاب «دانشنامه» به طبع رسیده و مجموعه ای از اشعارش با عنوان «سفره منعم» در سال ۱۳۶۰ق چاپ سنگی شده است.

از اوست:

دم ز چشم تو بزد نرگس و هشیار نبود حرف بیهوده زدن دور ز بیمار نبود

دوش گفتم ننمودی ز چه رخ بر خورشید گفت این بی سر و پا لایق دیدار نبود(۱)

پدرش «مسکین» و برادرش «میرزا عبدالرحیم افسر» و برادرزاده اش «فتح اللّه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴؛ دیوان طرب، ص۲۵۰؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۷۰۶ و ۲۷۰۷؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۷۳۲؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۱۱.

جلالی» نیز شاعر و اهل فضل و ادب بوده اند.

شکراللّه حسینی خوراسکانی

شکراللّه بن محمّد حسینی خوراسکانی [از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری] در سه دهه اوّل ربیع الثّانی ۱۰۹۷ق نسخه ای از «مجمع البحرین» طریحی را به پایان رسانیده است و در ۱۰۹۸ق شیخ صفی الدّین طریحی فرزند مؤلّف جهت او اجازه مرقوم داشته است (پایان جزء سوم و چهارم) نسخه به شماره ۱۱۸۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱) همچنین او در جمعه ۱۲ رجب ۱۰۹۴ق کتابت نسخه ای از کتاب «السرائر الحاوی» تألیف: ابن ادریس را به خط زیبا به پایان رسانیده و نسخه مقابله شده و به شماره ۲۱۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

شکراللّه پیمان بروجنی

شکراللّه ارباب زاده متخلّص به «پیمان» از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۰ق در بروجن متولّد شده و در آنجا تحصیل نمود. او مدّتی رئیس اداره اقتصادی بروجن بود.

از اوست:

کوهکن در بیستون از جان شیرین چون گذشت تیشه انسان زد به سر کز کوه موج خون گذشت(۳)

شکوهی همدانی

شکوهی همدانی معروف به «ملّا شکوهی» شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری].

در اصفهان ساکن بوده و در قهوه خانه های اصفهان با شاعران و فضلاء معاشرت و

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص ۳۵۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۶، ص ۱۷۱.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

مصاحبت داشته و گاهی شاه عباس اوّل برای دیدار آنها قهوه خانه می آمده است.

شکوهی و زکی همدانی در همدان نزد میرزا ابراهیم همدانی به تحصیل پرداخته بودند. او علاوه بر سرودن شعر خط نستعلیق را نیز زیبا می نوشت.

سال وفات او معلوم نیست. فرزندش همایون محمّد نیز از خوشنویسان عهد صفویه است.

از اوست:

دوش در چشمم خیال روی جانان می نشست شبنم یاد جمالش بر گل جان می نشست(۱)

شکیبی اصفهانی

شکیبی اصفهانی، از عرفاء و دانشمندان قرن نهم هجری و از مریدان خواجه علاءالدّین عطاء نقشبندی بوده و در نجوم و رمل دست داشته است.(۲)

شمخال بیک اصفهانی*

شمخال بیک اصفهانی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. از خانه زادهای میر سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان بود. او به سفرهای زیادی رفته و از جمله مدّتی را در سفر هندوستان گذرانیده و به اصفهان بازگشته بود.

این رباعی از اوست:

در قید حیات هر که چون من باشد کارش همگی ناله و شیون باشد

گر زندگی این است که من می بینم عمر ابدی نصیب دشمن باشد(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۴۳ و ۳۴۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۳۱۱ و ۳۱۲؛ تذکره غنی، ص۷۴؛ تذکره حسینی، ص۱۷۶.

۲- تاریخ نظم و نثر، صص ۴۲۳ و ۸۲۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۱۱؛ کاروان هند، ج۱۷ ص۶۵۲.

میرزا شمسا

میرزا شمسا، از فضلاء و دانشمندان گمنام اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. در کتاب «تاریخ تذکره های فارسی» در ضمن شرح حال میرزا عبدالباقی شریف رضوی متخلّص به «وفا» گوید:

«در آنجا (اصفهان) پیش علمای عصر مثلاً ملّا علی اکبر و میرزا محمّد اسماعیل و میرزا شمسا و غیره هم استفاده علوم عقلیّه و فنون طبّیّه ساخت»(۱)

ملّا شمس الدّین بحرانی

ملّا شمس الدّین بحرانی معروف به «ملّا شمسی» عالم فاضل، علاوه بر تحصیل علم جهت معاش تجارت هم می نموده و به همین قصد از بحرین به ایران آمده و در قمشه ساکن دشه و هم در آنجا وفات یافته و در جوار امامزاده شاه سیّد علی اکبر نزدیک قمشه (شهرضای کنونی) مدفون شد.(۲)

حاج آقا شمس الدّین خادمی

حاج آقا شمس الدّین خادمی فرزند حاج سیّد ابوجعفر صدر عاملی [از علمای معاصر اصفهان] در سال ۱۳۱۶ق در اصفهان متولّد شد. در کودکی پدر را از دست داده و تحت سرپرستی مادر تربیت شد. او تحصیلات خود را در اصفهان نزد علماء عالیقدری چون میرزا احمد مدرس، آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی، حاج میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا شیخ علی مدرس یزدی، آقا میرزا محمّد علی تویسرکانی و آقا سیّد محمّد مدرس نجف آبادی انجام داد و برای تکمیل آن به عتبات و عالیات مشرّف شده و از درس آیات عظام: آقا سیّد

۱- تاریخ تذکره های فارسی، ج۲، ص۱۲۷.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۰۱ و ۷۰۲.

ابوالحسن اصفهانی، آقا میرزا محمّد حسین غروی نائینی و جمعی دیگر از افاضل حاضر گردید. لکن به مناسبت ابتلاء به بیماری به اصفهان مراجعت کرده و فقط توانست به اقامه جماعت در مسجد نو حاج رسولی ها و موعظه و ارشاد مردم در آن مسجد بپردازد.

او سرانجام در ۲۵ شعبان سال ۱۳۹۹ق وفات یافته و جنب قبر پدرش در تکیه حاج آقا مجلس (تکیه سیّد ابوجعفر) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

شمس الدّین دینانی*

حاج شمس الدّین دینانی اصفهانی متخلّص به «شمس» فرزند آقا احمد ملقّب به «شمس الشّعراء»، از شعرای اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۴۷ش در روستای «دینان» از توابع اصفهان متولّد شده و به کسب علم و ادب مشغول شد. او دارای صدایی خوش بوده و در خوشنویسی نیز مهارت داشته است. در سرودن شعر زبردست و خوش قریحه بوده و خصوصا غزل را نیکو می سروده است. «مجموعه اشعار شمس اصفهانی دینانی» به اهتمام حسین توسلّی دینانی در سال ۱۳۸۴ش به چاپ رسیده است. او در سال ۱۳۱۲ش در زادگاه خود وفات یافته و همانجا مدفون شد.(۲)

از اوست:

تا شدم عاشق نمی دانی چه ها می خواستم اوّل از معشوق خود مهر و وفا می خواستم

عاقبت نگذاشت جان سازم فدایش از وفا چون که من یک بوسه از وی خونبها می خواستم

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۰ و ۳۲۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

۲- مجموعه اشعار شمس اصفهانی دینانی: مقدمه.

شمس الدّین طالش

شمش الـدّین (شـمسا) بن اسـماعیل طـالش [از فضـلاء قرن یـازدهم هجری] در سال های۱۰۶۷، ۱۰۷۰، و ۱۰۹۳ق در مدرسـه فـاطمیه اصـفهان نسـخه ای از کتـاب «من لایحضـره الفقیه» را کتـابت نمـوده که در کتابخـانه دانشـکده حقـوق طهران موجـود است.(۱)

سیّد شمس الدّین حسینی نائینی

سیّد شـمس الدّین حسـینی نائینی فرزند سـیّد محمّد رضا، از ادبای معاصر اصفهان است. در ۲۲ ربیع الثّانی ۱۳۵۲ق در «مزرعه سلطان نصـیر» از توابع نائین متولّد شده و از سن ۴ سالگی به اتفاق پدر در قریه «اژیه» از بلوک رویدشت اصـفهان ساکن شده. سپس به اصفهان آمده به تحصیل علوم قدیمه مشغول شد. او از سن ۱۴ سالگی شعر می گفت. این شعر از اوست:

بزن ای مطرب مهوش به یاد روی جانانه که نزدیک است از عشقش بسوزم همچو پروانه

به یاد روی ماه وی شدم حیران و دیوانه دل از کف رفت و مجنون گشتم و از خویش بیگانه

تمنّای لب لعلش به جانم می زند اخگر(۲)

شمس الدّین تاج اصفهانی*

شمس الدّین تاج اصفهانی فرزند میرزا عبدالحسین تاج العلماء بن ابراهیم تاج اصفهانی، ادیب و هنرمند فرزانه.

۱- فهرست حقوق، ص ۴۲۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۹۳.

در سال ۱۳۰۱ش متولّد شده و به تهران رفت. مقدمات را در آنجا فرا گرفت و ضمن اشتغال به کار، نزد اساتیدی چون حاج میرزا خلیل کمره ای تحصیل نمود. در سال ۱۳۲۰ش به اصفهان مراجعت کرده و نزد شیخ عبدالعظیم مهرابی کوشکی، شیخ احمد قمی نژاد و شیخ محمّد باقر زند کرمانی کسب فیض نمود.

او آواز را نزد دایی خود جعفر مشایخ زاده و میرزا عبدالحسین صدرالواعظین فرا گرفت. او اشعار مثنوی را با تسلطی که به ردیف و دستگاه های موسیقی اصیل ایرانی داشت با سبکی مخصوص به خود با نوائی دلنشین قرائت می کرد.

وی در بهمن ۱۳۸۳ش وفات نمود و در بقعه نام آوران باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۱)

شمس الدّین بناء اصفهانی*

استاد شمس الدّین بن عبدالحسین اصفهانی بنّا، از هنرمندان قرن دهم هجری است. در هنر گچبری زبردست و استاد بوده است. از آثار او گچبری دیوار غربی حرم امامزاده حمزه در بوانات فارس است که آنرا در سال ۹۵۳ق ساخته است.(۲)

حاج آقا شمس الدّین هرندی

حاج آقا شمس الدّین بن حاج ملّا عبدالله بن میرزا محمّد بن حاج ملّا عبدالله بن حاج محمّدهادی بن حاج محمّد ظهیر هرندی، عالم فاضل [از علمای قرن چهاردهم هجری].

در اصفهان متولّد شده و نزد پدر خود و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و دیگران تحصیل کرده و به اقامه جماعت در یکی از مساجد محلّه شهشهان پرداخت. او در حدود سال ۱۳۶۶ق در طهران وفات یافت.(۳)

۱- شرح مجموعه گل، ص۳۷۳.

۲- راهنمای صنایع اسلامی، صص ۱۰۳ و ۱۰۴؛ دائره المعارف تشیّع، ج۳، ص۳۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۴.

دکتر سیّد شمس الدّین جناب

دکتر سیّد شمس الدّین جناب فرزند مرحوم حاج میر سیّد علی جناب حسینی. دکتر داروساز، از متخصصین فن داروسازی و از دوستان قدیمی نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی که در شب چهارشنبه عرّه ذی الاحجّه ۱۳۹۳ق (مطابق ۶ دی ماه ۱۳۵۲ در تهران وفات یافت و] در تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

شمس الدّین دولت آبادی

شمس الدّین دولت آبادی فرزند آقا محمود بن میرزا احمد بن حاجی میرزا هادی دولت آبادی، از شعرای قرن چهاردهم هجری.

در سال ۱۲۹۳ش (مطابق ۱۳۳۲ق) متولّد گردیده و در محرم ۱۳۵۳ق در جوانی وفات یافت. جوانی قابل و آراسته بود. شعر می گفت و «شمس» تخلّص می کرد.(۲)

استاد شمس الدّین کاشی تراش

استاد شمس الدّین کاشی تراش، از هنرمندان قرن دهم هجری در اصفهان است. از آثارش: تزئینات ایوان جبهه جنونی مسجد جامع اصفهان است که در زمان شاه طهماسب اوّل صفوی انجام گردیده است.(۳)

شمس الدّین تبریزی*

شمس الدّین تبریزی، از خوشنویسان ماهر قرن دهم هجری است. خط ثلث را خوش

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۱؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۸۴۵.

۲- انیس الفارغین، (خطی)، ص۲۱۳.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۱۰۱-۱۰۳؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۱۸۷؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱۳، ص۴۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۰۱.

می نوشته و در اصفهان ساکن بوده است. او در سال ۹۲۹ق کتیبه سردر مسجد علی اصفهان را به خط ثلث نوشته است.(۱)

شمس الدّین هاشمی اصفهانی*

میر شمس الدّین هاشمی، از شاعران اصفهان در قرن یازدهم هجری است. در اصفهان تحصیل کرده و به هند سفر کرد و به «بیجاپور» رسید و به «صدر جهان» مخاطب شد و در ردیف شاعران مدّاح عادلشاه، فرمانروای دکن قرار گرفت.

از اوست:

مرا هر شب خیال یار در آغوش می آید غلط کردم که جانی در تن بیهوش می آید(۲)

استاد شمس الدّین ابوالوفا حسینی*

استاد سیّد شمس الدّین ابوالوفا حسینی فرزند حاج آقا رضا بن سیّد محمّد، از خوشنویسان هنرمند معاصر اصفهان.

در روز ۳۰ بهمن ۱۳۲۶ش در قریه «دستنا» از توابع شهرکرد در خانواده ای از سادات عالیقدر که نسب آنان به امام زین العابدین علیه السلام می رسید، متولّد شد. پدرش از علمای دینی و اهل فضل و تقوا بود. او در زادگاه خود به مکتب خانه رفته و سپس نزد پدر مقدّمات و سیوطی را آموخت. سپس برای ادامه تحصیلات عالیقدری چون شیخ امان اللّه کوجانی تلمُّذ کرد. او در کنار این تحصیل، به طور متفرقه به تحصیل ادامه داده و دوره ابتدائی، سیکل و متوسطه را طی کرد. آنگاه در دانشگاه گیلان در رشته مدیریت

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۷۰-۳۷۲؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۴۳؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص۷۲.

۲- تذکره شمع انجمن، ص۶۰۸؛ گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۷۵۸؛ کاروان هند، ج۲، ص۱۵۳۶.

اداری ادامه تحصیل داده و به درجه لیسانس نائل شد.

پس از آن در اصفهان اقامت گزید. او به خاطر تشویق پدر جهت حفظ اشعار عربی و فارسی و خوشنویسی، به هنر خط علاقمند شد و در هنگام اقامت در اصفهان نزد استاد فضائلی در خط نسخ و نستعلیق و نزد استاد نصراللّه معین در خط نستعلیق به مشق پرداخت. و در سال ۱۳۵۸ش موفق به اخذ درجه ممتاز شد آنگاه در تهران از راهنمائی اساتید خوشنویس پایتخت همچون استاد فرادی و سایرین بهره برد.

او جهت امرار معاش به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در دبیرستانها و هنرستانها و مراکز آموزش عالی و تربیت معلم و دانشگاه هنر اصفهان به تدریس پرداخت.

استاد حسینی از جمله پایه گذاران انجمن خوشنویسان اصفهان بعد از انقلاب و خود مؤسس انجمن خوشنویسان چهارمحال و بختیاری است. او سال های طولانی به تعلیم خط در انجمن مشغول بوده و مدّتی سمت سرپرست انجمن خوشنویسان اصفهان و مدّتی بازرس اصلی انجمن خوشنویسان ایران بود. حاصل زحمات این استاد هنرمند تربیت صدها خوشنویس برجسته است و به پاس این زحمات به دریافت نشان درجه یک هنری معادل دکترا نائل آمده و در سال ۱۳۸۶ش به درجه استادی در خوشنویسی دست یافته است.

استاد حسینی در نمایشگاه های جمعی بسیاری در داخل و خارج از کشور شرکت نموده و آثار خود را به نمایش گذاشته است. او به گردآوری نمونه خطوط خوش خوشنویسان گذشته و مطالعه درباره خط و خوشنویسی علاقه فراوان داشته و در شناخت خطوط نسخه های خطی و قطعات خوشنویسی صاحب نظر است و در کنار آن به مطالعه تاریخ و ادبیات می پردازد.(۱)

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد شمس الدّین ابوالوفا حسینی در هشتم شهریور ۱۳۸۸ش.

شمس تیشی شیرازی*

شمس تیشی شیرازی، از شعراء هنرمندان قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در علم موسیقی و صوت و عمل مهارتی به سزا داشته و شعر و تصنیف نیکو می سروده است. شاه عباس صفوی به او علاقه فراوان داشت و دستور داد در چهارباغ اصفهان برای او قهوه خانه ای بسازند.

از اوست:

ابروانم شده پل چشم ترم چشمه آن داد من این سر پل می دهی یا آن سر پل(۱)

شمس شیرازی

شمس شیرازی معروف به «شمسا بینی» خوشنویس هنرمند. سالها در اصفهان ساکن بوده و نزد میرعماد به مشق خط پرداخته است. خط نستعلیق را خوش می نوشت. برادرش «جمالا» متخلّص به «واله» شاعر و خوشنویس بوده و در هندوستان ساکن شده و وفات نموده است.(۲)

شمسی اصفهانی

شمسی اصفهانی، از شعرای قرن هشتم هجری است.(۳)

سیّد شهاب الدّین نحوی [پدر مؤلّف]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۲- تذکره نصرآبادی، ص۴۰۸.

۳- تاریخ نظم و نثر، ص۲۲۶.

سیّد شهاب الدّین محمّد تقی نحوی فرزند سیّد محمّد حسن مجتهد اصفهانی بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد باقر بن میر محمّد صادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل زاهد [از علمای عالیقدر قاجاریه].

او در شب غرّه رجب سال ۱۲۶۳ق در اصفهان متولّد شده و مقدّمات و سطوح را نزد برادر خود حاج سیّد مهدی نحوی و برادر دیگرش سیّد محمّد (که در جوانی به سال ۱۲۷۵ق وفات یافت) فرا گرفته و سپس جهت تکمیل در محضر مرحومین حجتین ملّا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سیّد محمّد شهشهانی حاضر شده و سال ها از محضر آنان مستفید گشت و ضمنا به درس آخوند ملّا عبدالجواد خراسانی حکیم حاضر شده، سپس به مجلس حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی اختصاص یافته و از خواص اصحاب ایشان گردید. مدّتی نیز از درس مرحوم میر محمّد صادق کتابفروش استفاده برده و مدّت دو سال به درس حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی حاضر شد. در اغلب علوم، از ریاضی و طبیعی و حکمت و فقه و اصول و ادب تبحّر یافت. او ارادت خدمت عارف مشهور مرحوم فیض علی شاه ثانی داشت و تا آخر عمر به خدمت خلق و عبادت خالق پرداخته و مورد احترام خاص و عام قرار گرفته و نزد عموم طبقات، محترم و مقبول القول بود.

او در شب چهارشنبه غرّه رجب المرّجب سال ۱۳۴۰ق وفات یافته و در تخت فولاد، جنب مقبره پدر مدفون شد. پس از گذشت چندین سال، استخوان های ایشان به نجف اشرف نقل و در وادی السّلام جنب مقبره علّامه آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی مدفون گردید.

از آثارش کتابی است «جُنگ» مانند در دو قسمت: ۱. در فوائد متفرقه از نظم و نثر عربی و فارسی و فقه و حدیث و تفسیر ۲. مجموعه ای از مراسلات استادش حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی که به علماء و غیره نوشته است.(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور: مقدمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص۷۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۷.

سیّد شهاب الدّین آل دیباج*

سیّد شهاب الدّین آل دیباج عالم کامل مدّت ۱۷ سال در کربلای معلی تحصیل نموده و به درجه اجتهاد نائل گردیده و از بزرگانی همچون شیخ زین العابدین مازندرانی اجازه اجتهاد دریافت کرد. پس از بازگشت به ایران در مسجد محلّه «لادره» خمینی شهر به امامت جماعت و تبلیغ احکام مشغول شد. وی در سال ۱۳۳۳ق وفات یافت و در مقبره مسجد خود (امام جعفر صادق علیه السلام) مدفون گردید. وی پسر عموی سیّد بحرالعلوم سدهی (شاگرد شیخ انصاری) و جدّ مادری مرحوم دکتر سیّد رضا ابوالبرکات بود.

شیخ شهاب الدّین اَزیرانی

شیخ شهاب الدّین اَزیرانی اصفهانی [از عرفای قرن هشتم هجری] متوفی به سال ۷۶۹ق مدفون در قریه «ازیران» از توابع «براآن» اصفهان.(۱)

سیّد شهاب الدّین صفوی قمی*

سیّد شهاب الدّین صفوی قمی، از علمای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۴ش در روستای «سُه» از توابع شهرستان نطنز (و فعلاً تابع شهرستان بُرخوار و میمه) متولّد شد و پس از تحصیل مقدّمات به قم رفته و سطح را نزد برخی از علماء آنجا از جمله شیخ علی فیض (مشکینی) تحصیل کرد و در درس خارج مرجع عالیقدر حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد امّا با رحلت او به اصفهان مراجعت کرده و از درس حضرات آیات خادمی، فانی و حاج آقا رحیم ارباب بهره برد. پس از آن به وعظ ارشاد مشغول شده و با بیانی شیوا و سخنانی گیرا مردم را جذب معارف اهل بیت علیهم السلام نمود. او حامی مستمندان و

۱- مزارات اصفهان، ص۹۸.

یاور مظلومان بود و برای کمک به آنان همواره پیشقدم می شد.

او بـه عبـادت فراوان و انجـام واجبـات و مسـتحبّات و تلاـوت قرآن اهتمـام بسـیار داشت. و بـا برخی از عرفـاء و علمـای ربّـانی خصوصا حاج آقا رحیم ارباب حشر و نشر داشت و از انفاس قدسیه آنان فیض می برد.

او در اواخر عمر به سـکته مبتلا شده و از قوای جسـمانیش کاسـته شد و عاقبت پس از بازگشت از زیارت حضـرت ثامن الائمه علیه السـلام در پاییز سال ۱۳۸۲ش دچـار سانحه تصادف شـده و چنـد روز پس از عمل جراحی روز ۵ رمضان ۱۴۲۴ق وفات یافت.

فرزند او حاج سـیّد عبدالحمید صـفوی در جبهه های نبرد ایران و عراق به شـهادت رسـید و دو فرزند دیگرش حاج سیّد محمّد باقر و سیّد حسام الدّین در زمان حیات پدر وفات یافتند و بار سـنگین فراق بر سینه پدر نشست. امّا او تا آخر عمر از جادّه صبر و رضا خارج نشد و مصائب را تحمّل کرد.(۱)

سیّد شهاب الدّین ضیاء الواعظین

سیّد شهاب الدّین ضیاء الواعظین حسینی، از خطباء اهل منبر، متوفی ۱۳۶۳ق به سن قریب به ۹۰ سالگی و مدفون در بیرون بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد.(۲)

شهدی اصفهانی

شهدی اصفهانی، از شعرای اواخر دوره قاجاریه است. او از دوستان میرزا ابوالقاسم محمّد نصیر طرب اصفهانی بوده و طرب در قصیده انجمنیه خود، او را به عنوان شاعر اطعمه ساز ذکر کرده است.(۳)

شهدی بختیاری*

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۱۰.

۳- دیوان طرب، ص ۲۶۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج ۲، ص ۹۱۴.

شهدی بختیاری، از سخنوران قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان علم و ادب آموخته و به تهران رفت و به مدح ناصرالدّین شاه پرداخت و شمس الشعراء میرزا محمّد علی سروش را هجو کرد. سال فوت او معلوم نیست.(۱)

او در پنج شنبه از ماه رمضان سال ۱۲۶۱ق نسخه ای از «دیوان فرخی سیستانی» را به خط نستعلیق کتابت کرده است. میرزا محمّد حسین عنقا در سال ۱۲۹۱ق این نسخه را در اختیار داشته است. این کتاب به شماره ۵۴۹۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

شهریار اُسواری اصفهانی

ابوبکر شهریار بن محمّد بن احمد بن محمّد بن شهریار اسواری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] به مکّه و بصره سفر کرده و از «ابی یعقوب یوسف بن یعقوب نُجِیری» و «ابی قلابه محمّد بن احمد بن حمدان» امامِ جامعِ بصره در شهر بصره و از «ابا علی حسن بن داود بن سلیمان بن خلف مصری» در مکّه حدیث شنیده است.

«عبدالعزیز» و «عبدالواحد» فرزندان «عبداللّه بن احمد قاذویه»، «عبدالرّحمان بن محمّد بن اسحاق» و «محمّد بن علی جوزدانی» از او حدیث شنیده اند.(۳)

شهریار نوذر اصفهانی*

شهریار یاربخت اصفهانی متخلّص به «نوذر» از شعرا و نویسندگان معاصر است. در سال ۱۳۱۶ش متولّد و در طهران ساکن بود. او در بهمن ۱۳۶۹ش درگذشت. از آثار او: ۱. «داستان لیلی و مجنون» [۲. «نغمه های نوذر» ۳. «سرگذشت حاج علی بابا»

۱- حدیقه الشعراء، ج۲، ص۹۱۲.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۶، معجم البلدان، ج۱، ص ۱۹۰.

۴. «قصه های کوتاه ملل» همگی به چاپ رسیده است.

شهسوار بیک نادم لاهیجی

[شهسوار بیک] لاهیجی متخلّص به «نادم» شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری. [در حدود سال ۹۹۰ق در «سیّد اشرف» لاهیجان متولّد شده] و در جوانی به سرودن شعر پرداخته و «صدقی» تخلّص می نمود و بعدا آنرا به «نادم» تغییر داد. به هند سفر کرده و در آگره با شاعران پارسی گوی هندی و ایرانی هم صحبت شده و به مشاعره پرداخت، آنگاه به گجرات رفته و در خدمت «نظیری نیشابوری» به کسب علم و ادب پرداخته [و به واسطه او در برهان پور به ملازمت «میرزا عبدالرّحیم خان خانان» نائل شد. در سال ۱۰۲۱ق پس از فوت «نظیری» به بیماری سختی دچار شد. عاقبت پس از چندی اقامت در «عظیم آباد» در «پتنه» و «بنگاله» و «دکن» به ایران مراجعت نموده و باقی عمر را در اصفهان طی نمود تا اینکه در حدود سال ۱۰۶۰ق] در سن قریب به ۷۰ سالگی وفات یافته و در تختگاه هارون ولایت اصفهان مدفون شد.

از اوست:

تا باغ از گل تو شناسد نسیم را پیوند کرده است به زلفت نسیم را

از گریه تیره روزی عاشق نمی رود تا کی به آب دیده بشوییم گلیم را(۱)

شهفیروز اصفهانی

ابوالهیجاء شهفیروز (شاه فیروز) بن شُعیب بن عبدالسیّد بن منصور بن ابوالفوارس بغدادی اصفهانی، از ادباء و شعرای قرن ششم هجری. از «ابی جعفر محمّد بن احمد بن

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ کاروان هند، ج۲، صص ۱۳۹۹-۱۴۰۵؛ تذکره روز روشن، صص ۷۸۹-۷۹۰؛ کلمات الشعراء، صص ۱۱۲ و ۱۱۳؛ تذکره حسینی، ص۳۵۶؛ تذکره غنی، ص۱۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۶۹؛ مزارات اصفهان، صص ۳۴۷ و ۳۴۸.

مسلمه» و دیگران بهره برده و کتاب «مقامات» را در سال ۴۹۰ق و کتاب «الرشاد الارب» را تألیف نموده است.

وی در سال ۵۳۰ق در بغداد در کهولت و پیری وفات یافت. به عربی شعر می سرود و اشعارش لطیف و دلپذیر است.(۱)

میر شهنشاه شکیب اصفهانی

میر شهنشاه اصفهانی متخلّص به «شکیب» شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری].

از سادات و متولّیان امامزاده زین العابدین (درب امام) اصفهان و پسرعموی مستوفی موقوفات در عهد شاه سلیمان بود. خود او مدّتی مستوفی استرآباد بود. گاهی شعر می سرود [و قبل از سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) وفات یافت.

از اوست:

واعظ به مزخرفات خود غرّه مشو خورشید صفت واله هر ذرّه مشو

بر تخته منبر آمد و رفت مکن سوهان طبیعت شده ای ارّه مشو(۲)]

شیبان اسدی

ابوسعید شیبان بن ابومحمّد عبداللّه بن شیبان بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شیبان بن محمّد بن سمره بن مفضل بن قیس بن عدنان بن نزار بن حرب بن ربیعه بن حسن بن مفضّل محتسب مؤدی اسدی الملقن اصفهانی [از محدّثین عامّه قرن ششم هجری] مردی صالح و عالم بوده و به تعلیم قرآن به اطفال مشغول بوده است.

او از پدرش «ابو محمّد عبداللّه»، «احمد بن عبدالغفار بن احمد»، «قاضی ابو منصور

۱- معجم الادباء، ج۱، صص ۲۷۳ و ۲۷۴؛ الاعلام، ج۳، ص ۲۶۰؛ طبقات الشافعیه، ج۳، ص۱۷۵؛ راهنمای دانشوران، ج۳، ص ۳۷۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ تذکره روز روشن، ص۱۲۲.

محمّـد بن سـکرویه»، «ابـوبکر بن مـاجه»، «محمّـد بن عبدالواحـد بن محمّـد»، «ابواسـحاق ابراهیم بن محمّـد طیـان»، «ابوالمظفر سمعـانی»، «ابوالفوارس طراد زینـبی» و «ابو محمّـد رزق اللّه تمیمی» و غیر آنـان حـدیث شـنیده و «حافـظ ابن عسـاکرد مشق» و «ابوسعد سمعانی» از او روایت می کند.

تولّدش در حدود ۴۷۰ق و فوت او در رمضان ۵۳۸ق در اصفهان [اتفاق افتاد].(۱)

[یاقوت حموی او را از اهالی روستای «بُرج» اصفهان دانسته و کنیه اش را «ابومعمر» ضبط کرده و نوشته است که صاحب «سُنّه» بوده و در اطراف اصـفهان مردم را موعظه می کرده و از «ابوعبداللّه محمّد بن اسـحاق بن منده» حدیث شنیده و از «ابی بکر بن مردویه»، «ابی سـعد احمـد بن محمّـد مـالینی»، «ابی عبـداللّه جرجـانی» و «ابی بکر بن ابی علی» و دیگران حـدیث نوشـته است. «یحیی بن منده» از او حدیث نقل کرده است.(۲)]

شیخ عباسی*

شیـخ عباسـی، از نقاشان هنرمنـد قرن یازدهم هجری است. او در سالهای ۱۰۶۰ تا ۱۰۹۸ق در اصـفهان به فعّالیّت هنری مشغول بوده و نزد بهرام سـفره کش، نقـاش زبردست آن روزگـار تعلیم دیـده و به واسـطه تقرّب به دربـار شاه عباس دوم به «عباسـی» معروف شده است.

شیـخ عباسـی از نخستین نقاشانی است که شیـوه فرنگی سازی را در نقاشـی خود به کار گرفتند. او در صورت سازی، مجالس رزمی و بزمی و پرنـده سازی مهارت داشـته و به قلمـدان سازی نیز می پرداخته است. رقم او در آثارش «بها گرفت چو گردید شیـخ عباسـی» بـوده و از معروف ترین آثـار او «جلوس شـاه عبـاس دوم و سـفیر هنـد» (در سـال ۱۰۷۴ق)، «تیرانـدازی شاهزاده صفوی در حال اسب دوانی» (سال ۱۰۶۵ق)، «حلقه

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۳۰؛ احقاق الحق، ج۱۷، ص ۵۹.

۲- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۷۳.

درویشان» (سال ۱۰۹۸ق) را می توان نام برد.(۱)

شیخعلی خان زنگنه

شیخعلی خان زنگنه [فرزند علی بیگ، از صاحب منصبان معروف عهد صفویه است. او در سال ۱۰۲۰ یا ۱۰۲۲ق متولّد شده است.] در سال ۱۰۶۴ق حکومت کرمانشاه را داشته و سپس به مقام میرآخوری رسیده و در ذی الحجه سال ۱۰۷۹ق به مقام صدارت عظمی رسیده و مدت ۲۱ سال در کمال قدرت صدرات نموده است. او وزیر مقتدر و دانا و با تدبیر شاه سلیمان صفوی بوده که به مناسبت عقل و کفایت و کاردانی او شاه جوان و کم تجربه صفوی در کمال رفاه و آسودگی سلطنت نموده است.

در «منتظم ناصری» در ضمن وقایع سال ۱۰۷۹ق درباره صاحب عنوان گوید: «مکارم اخلاق شیخعلی خان و بلندی همّت او معروف است و از صفات او این که در تعظیم و تکریم علماء و ارباب فضل مبالغتی وافر می نمود و شبها در لباس مبدّل، در محلّات گردش می کرد و از اوضاع مملکت خبردار می گردید و به فقراء و ضعفاء و طلّاب علوم و ایتام بذل و بخشش می کرد و حمامات نیکو و رباطات در شهر و عرض راه عتبات عالیات بنا کرده که هنوز آثار آن باقی است.»

آثار زیر از شیخ علیخان زنگنه فعلاً در اصفهان و حوالی موجود است: ۱. مسجد خان در محلّه تلواسکان مورّخ به سال ۱۰۹۰ق از آثار باستانی اصفهان۲. حمام خان در جنب مسجد مزبور در محلّه تلواسکان۳. کاروانسرای چاله سیاه بر سر راه اصفهان به غرب مورّخ به سال ۱۰۹۸ق.

اولاد و اعقاب او در اصفهان ساکن می باشند که از جمله آنهاست: حاج ملّا عباس احتشام الواعظین زنگنه.

۱- هنر قلمدان، ص۹۴؛ دائره المعارف هنر، ص۳۳۶؛ مکتب نگارگری اصفهان، ص۱۰۷؛ مکتب نقاشی صفوی اصفهان، ص۷۳.

تذکّر: در اصفهان چندین بازارچه و مسجد و حمام به نام خان معروف است که آنها منسوب به اشخاصی غیر از صاحب عنوان می باشد.

شیخعلی خان سرانجام در [شب یازدهم محرم الحرام] سال ۱۱۰۱ق وفات یافت.(۱)

شیخ وردی اصفهانی*

شیخ وردی اصفهانی، از نقاشان قرن نهم هجری است. او در سال ۸۱۶ق در اصفهان ساکن بوده و به نوشته استاد کریم زاده از آثار وی نسخه مصوّری است که نقش های خیال انگیز و عجیب تصویر شده و هر نگاره دارای شرح هایی است. این اثر در موزه «توپ قاپوسرای» استانبول است. امضای هنرمند به صورت «کار شیخ وردی» آمده است.(۲)

حافظ شیرعلی اصفهانی

حافظ شیرعلی اصفهانی [ظاهرا از هنرمندان قرن یازدهم هجری است که به خاطر حُسن صوت و احاطه بر و الحان موسیقی به «حافظ» معروف شده است.]

نامه او به «صفی قلی خان» حاکم نخجوان که «محمّد یوسف بیک» غلام خاصّه نوشته و در مجموعه شماره ۲۵۹۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

شیرعلی اصفهانی

شیرعلی بن ذوالفقار علی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم و دوازدهم هجری است.[ظاهرا نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته است.

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص ۸۱ و ۸۲؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۳۸ و ۶۴۶.

۲- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۲۸.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۱۴۱۴.

او جلد پنجم «بحارالانوار» را به خط نسخ نوشته و حواشی با نشان «منه دام ظله» دارد. قسمت های اوّل این نسخه نزد مؤلف خوانده شده و تصحیح گردیده و علّامه مجلسی با خط خود در چند جا بلاغ نوشته اند. کتاب به شماره ۶۱۵ در مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱)

او نسخه ای از «تهذیب الاحکام» تألیف: شیخ طوسی را به خط نسخ در ۸ جمادی الثّانی ۱۱۰۱ق کتابت نموده که به شماره ۱۹۶۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

شیرمردان بیگ برهمن گرجی*

شیرمردان بیگ گرجی متخلّص به «برهمن» از شعرای قرن یازدهم هجری. از جماعت گرجیانی است که در لشکرکشی شاه عباس اوّل به گرجستان اسیر شده و به اصفهان آورده شدند. او از غلامان دربار شاه سلیمان بوده و نزد شاه و درباریان دارای اعتبار و احترام بوده است. او تا سال ۱۰۸۳ق در قید حیات بود.

از اوست:

شب ز گرمی های اشک دشت پیما سوختم چون چراغ ناخدا بر روی دریا سوختم

بس که شوق دام او در آشیانم گرم داشت همچو برق از یک پرافشانی سراپا سوختم(۳)

۱- فهرست فیضیه، ج۱، ص۲۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۱.

۲- فهرست رضوی، ج۵، ص۵۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۳۴؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران، ص۳۰۳.

«ص»

اشاره

میر صابر اصفهانی

میر صابر اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن یازدهم هجری. از اصفهان به هند رفته و مورد عنایت جهانگیر پادشاه قرار گرفته و از سوی او وقایع نگاری گجرات و سپس دکن را بر عهده گرفت. آثار خیریّه زیادی از او به جای ماند. او در سال ۱۰۲۹ق استخوان های عرفی شیرازی را که در هند وفات کرده و دفن شده بود را به نجف اشرف انتقال داده و مدفون ساخت.

[ظاهرا تا آخر عمر مجرّد و بدون همسر زیسته و در سال ۱۰۶۴ق در «برهان پور» هند وفات یافته است. در سرودن شعر طبعی روان داشت.]

از اوست:

آن کز نگاه خانه خلقی خراب کرد تنها همین نه با من مسکین عتاب کرد

مجنون و کوهکن همه هستند، لیک عشق انداخت قرعه ای و مرا انتخاب کرد

ساقی بیار باده که ایّام روزه رفت بلبل به باغ آمد و گل هم شتاب کرد

«صابر» بنوش باده که رزّاق در ازل رزق تو را حواله به جام شراب کرد(۱)

صابر علی شاه نصرآبادی

صابر علی شاه نصرآبادی جرقویه ای اصفهانی، عارف سالک [از عرفای قرن سیزدهم

۱- تذکره میخانه، صص ۲۲۵-۲۲۷؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۹۳؛ کاروان هند، ج۲، صص ۶۶۷ و ۶۶۸؛ تذکره روز روشن، ص۴۵۴؛ تذکره غنی، ص۷۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۱؛ تذکره خزانه عامره، ص۳۱۹.

هجری. به راهنمایی میرزا زین العابدین شیروانی (مست علی شاه) به خدمت مجذوب علی شاه رسید. آنگاه به خدمت رحمت علی شاه رسیده و پس از فوت میرزا زین العابدین، مجاز و مأذون از رحمت علی شاه گردید.] در صدق و صفا، مهر و وفا و جود و سخا ممتاز و در کسر نفس و طهارت ذیل و صفوت ضمیر و حسن معاشرت با امتیاز بود.

سالها در نصرآباد جرقویه در مسند شیخ طریقت به ارشاد فقراء نعمت اللهی مشغول بوده و سرانجام در ماه رمضان ۱۲۶۸ق در آنجا وفات یافت.(۱)

صابر گلپایگانی

صابر گلپایگانی [شاعر ادیب و خوشنویس قرن یازدهم هجری]. در سال ۱۰۹۶ق کتاب «ایساغوجی» ابهری را در اصفهان به خط شکسته نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۵/۱۱۵۲ در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

[عجالتا از نام و زندگی او اطلاعی به دست نیامد. مرحوم خیام پور در «فرهنگ سخنوران» نیز که تذکره ها را دیده و شعرای آنرا فهرست کرده نامی از «صابر گلپایگانی» نمی برد. اگر «صابر» نام کوچک او نباشد. معلوم می شود که اهل شعر و ادب بوده و به تحصیل علوم عقلی نیز رغبت داشته است.]

حاج میرزا صادق

حاج میرزا صادق، از محترمین تجّار عهد فتحعلی شاه بوده و مسجدی در محلّه خواجو جنب چهارسوق آجری در سال ۱۲۴۲ق بنا کرده که به نام او به مسجد حاج میرزا صادق معروف است.

۱- طرائق الحقائق، ج۳، صص ۳۹۹ و ۴۰۰؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۸۹۴ و ۱۸۹۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۸۰؛ بستان السیاحه، ص۵۸۶.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۲۲۳.

حـاج میرزا صادق در ۲۱ ذی القعـده الحرام سال ۱۲۴۸ق وفات یافته و در ایوان شـمالی مسـجد خود مـدفون گردیـد. بر روی سنگ قبر اشعاری در هفت بیت به خط نستعلیق برجسته منقور است با این مطلع:

معدن جود و سخا، جامع دنیا و دین مجمع صدق و صفا، پیرو اهل یقین

آن که به تأیید حق، برد سبق از سبق کرد بنا مسجدی، رشک سپهر برین

تا آنجا که گوید:

از پی تاریخ او خواست برآرد خرد از صدف بحر نظم، لؤلؤ دُرّ ثمین

جلوه گر افتاد عقل، از پی تاریخ فوت گفت: «لکان هو جامع فضل مبین»(۱)

حاج ملّا محمّد صادق

حـاج ملّـا محمّـد صـادق، عالم فاضل [از علمای گمنام قرن سـیزدهم هجری] در اصـفهان ساکن بوده و در ۲۰ ذیقعده ۱۲۶۴ق وفات یافته و جنب مزار فاضلان در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[مؤلف فقیـد نام او را با نسبت «یزدی» آورده و نوشـته اند که در یزد متولّد شده و در اواخر عمر به اصـفهان آمده است. اما بر روی سنگ نوشته مرمر منصوب بر قبر این عالم نسبت «یزدی» دیده نمی شود و چنین مطلبی در منابع معتبر هم دیده نشد.]

صادق اصفهانی

صادق اصـفهانی معروف به «صادقای گاو» شاعر ادیب [در قرن یازدهم هجری]. خادم مسـجد جامع اصفهان بوده و گاهی شعر می سروده و بسیار شوخ طبع و خوش

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۷۶۲؛ مزارات اصفهان، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴.

مشرب بوده است.

از اوست:

ای صادق آن کسان که طریق تو می روند ایشان خرند و خرروش گاوش آرزوست

گیرم که خر کند تن خود را به شکل گاو کو شاخ بهر دشمن و کو شیر بهر دوست(۱)

میرزا محمّد صادق اصفهانی*

میرزا محمّد صادق اصفهانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. او در سال ۱۱۹۴ق کتاب «تحقیق الاعراب» در باب واژه های جغرافیایی را تألیف کرده است. این نسخه در کتابخانه «بادلیان» موجود است.(۲)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق اصفهانی، ادیب فاضل در قرن سیزدهم هجری و مؤلّف کتاب «انوار المعتمدیه» به خواهش منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان. نسخه آن در کتابخانه ملك تهران موجود است.(۳)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق اصفهانی، از فضلاء اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. او در ۲۴

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۱۳؛ منتخب اللطایف، ص۳۹۹؛ آتشکده، (بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۵۶؛ تذکره حسینی، ص ۱۸۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صادق»، ص۵۹.

۲- فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۸۲.

۳- فهرست ملك، ج۲، ص۴۱.

ذیحجه ۱۲۵۵ق نسخه ای از «حاشیه تحریر القواعد المنطقیّه» از: میر سیّد شریف جرجانی را بر خط نستعلیق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱۲۹۵۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

سیّد محمّد صادق اصفهانی

سیّد محمّد صادق اصفهانی، عالم فاضل جلیل. از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری است. ظاهرا در نجف اشرف ساکن بوده و نزد آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی به تحصیل پرداخته است. او در سال ۱۳۰۹ق کتاب «حاشیه فرائد الاصول» را به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

صادق بیگ افشار*

صادق بیگ افشار متخلّص به «صادقی» و معروف به «صادقی کتابدار»، شاعر، ادیب و نقاش هنرمند قرن یازدهم هجری.

او از بزرگان ایل خدابنده لوی افشار بوده است. پدرش در زمان شاه اسماعیل، با ایل افشار، از شام به ایران آمد و «صادقی» در سال ۹۴۰ق (و یا به روایتی در ۹۳۳ق) در محله «ورجو» یا «ویجویه» تبریز متولّد شد. در ۲۰ سالگی پدرش کشته شد. پس از آن مدّتی با امیرخان موصلوی و بدرخان و اسکندرخان افشار بود. در عهد شاه اسماعیل ثانی داخل کتابخانه سلطنتی شده و در زمان شاه عباس صفوی به اصفهان منتقل شده و به منصب «کتابداری» برگزیده شد.

او از آغاز جوانی به نقاشی علاقه نشان داد و به شاگردی نزد مظفرعلی، نقاش معروف آن روزگار پرداخت و خود نیز به تمرین پرداخته و نقاشی ماهر گردید و در دربار

۱- فهرست رضوی، ج۲۴، ص۸۴.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۹۷.

صفوی خصوصا نزد شاه عباس صفوی صاحب ارج و قرب فراوان شد. تا آنکه علیرضا عباسی منصب کتابداری را از او گرفت. ولی او تا آخر عمر مواجب کتابداری را دریافت می کرد.

چنان که نوشته اند، او بدمزاج و تندخو و تنگ حوصله بود و با همه به درشتی رفتار می کرد. «صادقی» در شعر نیز دستی توانا داشت و به فارسی و ترکی شعر می سرود. در جنگاوری و فنون رزم نیز ماهر بود.

عاقبت او در سال ۱۰۱۷ق در اصفهان وفات یافت. میر الهی همدانی این مصرع را مادّه تاریخ فوت او یافته است:

«دگر عجب که دمد صبح صادق از شب ما»

این کتابها از اوست:

۱. «زبده الکلام» شامل قصایدی که در مدح و منقبت دیگران سروده است.۲. «مثنوی فتح نامه عباس نامدار» که در بحر شاهنامه و به دستور شاه عباس سروده است.۳. «مقالات و حکایات» بر وزن «مخزن الاسرار» نظامی و «بوستان» سعدی، منظوم۴. «مثنوی سعد و سعید» در بحر «خسرو و شیرین»۵. «دیوان غزلیات» به فارسی و ترکی۶. «تذکره مجمع الخواص» که به ترکی نوشته شده و شرح حال ۴۸۰ نفر از سخنوران عهد صفوی است و به چاپ رسیده است.۷. «منظومه قانون الصّور» درباره فنون نقاشی، در بحر «خسرو و شیرین»۸. «حظّیات» که مماثل رساله «لذات» معین استرآبادی سروده شده است.۹. «تذکره الشعراء» مشتمل بر رباعیات معمائی که به اسامی شعراء و متقدّمین و متأخرین خود منظوم کرده است. ۱۰. «منشئآت و مکاتبات» فارسی و ترکی.

از اوست:

ز غیر با دل پر شکوه پیش یار شدم گرفت جانب اغیار و شرمسار شدم

رباعی

در عشق تو ای از می خود کامی مست در گوشه بی غمی نشستم پیوست

از بس که گزیدم سر انگشت دریغ کوتاه شد از دامن امیدم دست(۱)

میرزا صادق خان انصاری

میرزا صادق خان انصاری، [از ادباء و فرهنگیان قرن چهاردهم هجری است] در طهران سکونت داشته و در سال ۱۳۷۹ق وفات یافته است. در این سال حبیب اللّه نیّر، و حسن اهتمام از شعرای اصفهان نیز وفات یافتند. استاد فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (بُرنا) در مادّه تاریخ وفات این سه نفر چنین سروده است.:

سال تاریخشان ز مقطع جو همچو «برنا» اگر که هشیاری

«سه ادیب معزّز و دانا نیّر و اهتمام و انصاری»(۲)

محمّد صادق انیس اصفهانی

محمّد صادق اصفهانی متخلّص به «انیس» شاعر ادیب. [از سخنوران قرن سیزدهم هجری] در اصفهان به تجارت مشغول بوده و به حُسن خُلق معروف بوده است.

از اوست:

جان به سختی می دهد از دوری جانان انیس مژده بادا خلق، یک چندی اَجَل بیکار نیست(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۸-۶۰؛ گلستان هنر، صص ۱۵۲ و ۱۵۳؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۳۹۵؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۹۵؛ تذکره حسینی، ص۱۸۶؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۰۵؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۲۱۲ و ۲۱۳؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۹۷۳؛ الذریعه، ج۹، ص۵۸۱ و ج ۲۰، ص۲۷ و ج۲۳، ص۳۱؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صادقی»، ص۶۵؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۵۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۲۹۸-۳۰۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۱.

۳- تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۱۷۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۱۹۸؛ تذکره منظوم رشحه، ص۱۸؛ تذکره اختر، ص۲۳؛ تذکره دلگشا، صص ۴۸۲ و ۴۸۳؛ مصطبه خراب، ص۱۰؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۳۹؛ تذکره شبستان، صص ۶۳ و ۶۴؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۴۷۰ و ۴۷۱.

شیخ محمّد صادق اصفهانی

شیخ محمّد صادق بن ابی الفتح اصفهانی، ادیب فاضل [از دانشوران قرن سیزدهم هجری]. وی برخی از کتابهای علمی و درسی را در سال ۱۲۰۶ق در مدرسه باقریه اصفهان کتابت نموده است که از جمله کتاب «مغنی اللّبیب» است و علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی آنرا در کتابخانه شیخ علی قمی در نجف اشرف مشاهده نموده است.(۱)

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن ابی الفتوح [اصفهانی]، از علمای قرن دوازدهم هجری. او در سال ۱۱۴۴ق کتاب «حدیقه المتّقین» تألیف: ملّا محمّد تقی مجلسی را در اصفهان به خط نسخ خوش نوشته است. نسخه به شماره ۷۰۲ در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۲)

سیّد محمّد صادق موسوی اصفهانی

سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم موسوی خواجوئی اصفهانی بن سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی، از علمای اخیار و فضلای ابرار [در قرن دوازدهم هجری] بوده و در سال ۱۲۰۳ق وفات یافته و در تکیه خاتون آبادی ها مدفون شده است.(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۹۷؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۳۵.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۰۸.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۳.

ملّا محمّد صادق پیکانی

ملّا محمّد صادق بن احمد پیکانی، عالم فاضل و فقیه محقّق، [از اهالی قریه «پیکان» از توابع جرقویه اصفهان بوده و پس از تحصیل در اصفهان به عتبات عالیات رفته و] نزد شیخ مرتضی انصاری به تحصیل پرداخت سپس به اصفهان بازگشته و به تدریس فقه و اصول مشغول شد. عالمی با تحقیق و تدقیق بود و به او امید ترقّیات زیاد می رفت ولی دنیا با او موافقت نکرده و در جوانی وفات یافته و در ایوانچه بیرون بقعه آقاحسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

او رساله موسوم به «هدایه الطّالبین» میر سیّد حسن مدرس اصفهانی را مختصر نموده و شخصی به نام «محمّد علی بن محمّد رضا» در سال ۱۲۶۷ق آن را تصحیح و مقابله نموده است که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲) نسخه های دیگری از آن نیز در کتابخانه سیّد آقا شوشتری در نجف اشرف و کتابخانه شیخ قاسم محی الدّین جامعی در نجف موجود است.(۳)

[مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی او را به عنوان «شیخ محمّد صادق تنکابنی» آورده و «تنکابنی» تعریف شده «پیکانی» است. او اضافه می کند که شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی در ابتدای تحصیل خود در اصفهان نزد این شخص تحصیل نموده است و از او تجلیل زیاد می نموده است.(۴)]

[سنگ قبر اصلی او در تعمیرات تکیه خوانساری ها در سال ۱۳۷۳ش ناپدید شده و در قطعه سنگ کوچکی که به جای آن نهاده اند سال ۱۲۸۶ق به عنوان سال فوت او نوشته شده است.(۵)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۲ و ۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۱۴ و ۷۱۵؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۳۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۱۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص ۳۴۱.

۳- الذریعه، ج۲۵، صص ۱۸۰ و ۱۸۱.

۴- الکرام البرره، ج۲، ص ۶۲۹.

۵- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

محمّد صادق اصفهانی*

محمّـد صادق بن ملّا اسـکندر اصـفهانی، از کاتبان قرن دوازدهم هجری. در کرمان ساکن بوده و کتاب «خلاصه المنهج» (جلد دوم) را در سال ۱۱۴۸ق به خط نسخ کتابت نموده که در کتابخانه آستانه حضرت شاهچراغ وجود دارد.(۱)

میر صادق حسین خوراسکانی

میر صادق بن میر اسـماعیل حسینی خوراسکانی، [از فضلاء و کاتبان قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۰۴ق نسخه ای از «شرح کافی» ملّا محمّد صالح مازندرانی را به خط نسخ نوشته و این نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۲)

[همچنیـن او در سه شـنبه دهه اوّل ربیع الاـوّل ۱۱۲۶ق نسـخه ای از کتاب «مناهـج السّویّه» تألیف: بهاءالـدّین محمّد اصـفهانی معروف به «فاضل هندی» را به خط نسخ کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۳)]

صادق به امین

صادق بن امین، از فضـلای قرن یازدهم هجری است. در مدرسه جعفریه اصـفهان ساکن بوده و به تحصـیل علوم دینی مشـغول شـده است. او نسـخه ای از «مطوّل» را در سـال ۱۰۵۰ق در مـدرسه جعفریه اصـفهان کتابت کرده و اکنون در کتابخانه مدرسـه عالی سپهسالار موجود است.(۴)

۱- فهرست شاهچراغ، ج۱، ص۵۶.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۳۳۱.

۳- فهرست مرعشی، ج۸، ص۱۴۹.

۴- فهرست سپهسالار، ج۲، ص۴۲۱؛ محیط ادب، ص۱۰۳.

دکتر سیّد محمّد صادق صدیق الاطبّاء

دکتر سیّد محمّد صادق صدیق الاطبّاء لقمانی بن سیّد محمّد باقر بن محمّد صادق موسوی اصفهانی، طبیب حاذق و عارف کامل در ربیع الاوّل ۱۲۹۶ق در اصفهان متولّد شد.

[او در مدرسه نوریه اصفهان حجره ای گرفت و نزد علماء و حکماء عالیقدری چون جهانگیرخان قشقائی، آخوند کاشی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آخوند ملّا عبدالکریم گزی به تحصیل مشغول شد. کمی بعد تصمیم گرفت برای تحصیل طب به طهران برود. استادش آخوند گزی نیز او را تشویق کرد. او در مدرسه دارالفنون نزد اساتید آنجا خصوصا میرزا علی اکبر خان نفیسی (ناظم الاطباء) تحصیل کرد و به اصفهان بازگشت و در بهداری شهربانی اصفهان به خدمت پرداخت. او طبابت را عبادت می دانست و نه تجارت و با دلسوزی به معالجه بیماران می پرداخت. او در دهه اوّل محرم هر سال در خانه خود روضه خوانی برپا می کرد و چون با تاریخ اسلام آشنایی کامل داشت، اجازه نمی داد وعاظ و خطباء بدون سند مطلبی را در این مراسم بیان کنند. علاوه بر آن او به عرفان علاقه بسیار داشت و از فقرای سلسه گنابادی اصفهان و مرید مشایخ این طایفه بود. وی رساله ای در حصبه تألیف کرده که چاپ نشده است.(۱)] رساله ای هم در مورد وبا نوشته که به طبع رسیده است.

صدیق الاطبّاء در ۵ جمادی الاولی ۱۳۷۴ق وفات یافته و در اطاق اختصاصی خود در تکیه کازرونی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را استاد حسن بهنیا (متین) چنین سروده است:

به جمع آورد سر جبریل و گفت ز بهر تاریخش: «بِجَنّت کرد مأوی صادق صدیق لقمانی»(۲)

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای سیّد محمّد لقمانی (فرزند صاحب عنوان) در ۹ مرداد ۱۳۷۴ش، روضه رضوان، صص ۱۹۹-۲۰۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۱۵ و ۷۱۶.

سیّد محمّد صادق حسینی اصفهانی

سیّد محمّد صادق بن محمّد باقر حسینی اصفهانی، خطیب ادیب و واعظ کامل [از علمای قرن سیزدهم هجری].

او معاصر فتحعلی شاه قاجار بوده و کتاب «جارح العینین» در مصائب حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام را به نام فتحعلی شاه تألیف کرده است. او در این کتاب به تألیف دیگر خود « عین الدّموع» اشاره می کند. مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی نسخه ای ز «جارح العینین» را که در سال ۱۲۲۲ق کتابت شده بود را دیده است.(۱)

سیّد محمّد صادق حسینی*

سیّد محمّد صادق بن سیّد محمّد باقر حسینی از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. او در اصفهان در محضر علمای این شهر از جمله ملّا محمّد فاضل سراب به تحصیل پرداخته است. و فاضل در اوایل شعبان ۱۱۰۹ق اجازه متوسطی جهت او در آخر نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» نوشته است. این نسخه در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام نجف موجود بوده است.(۲)

آقا محمّد صادق صحّاف

محمّد صادق بن آقا محمّد باقر صحاف، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. از اساتید برجسته صحافی اصفهان بوده و در این شهر به فعالیّت مشغول بوده است. وی در سال ۱۲۶۷ق نسخه ای از جلد دهم «بحارالانوار» را صحافی نموده است و جلد زیبا و

۱- الذریعه، ج۵، ص ۲۰؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۶.

۲- الکواکب المنتشره، ص۳۶۲.

هنرمندانه آن را پدید آورده و «صادق بن محمّد باقر» رقم زده است.(۱)

ملّا محمّد صادق مجلسی

ملّا محمّد صادق بن علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، عالم فاضل محدّث جلیل. [از علمای قرن یازدهم هجری].

مادرش خواهر علّامه جلیل میرزا علاءالدّین محمّد گلستانه بوده است. او در اصفهان متولّد شده و در خدمت پدر و جمعی دیگر از علماء اصفهان تلمّذ نموده و پدرش علّامه مجلسی کتابهای «مرآه العقول» و «شرح تهذیب» را بنا به خواهش او تألیف نموده است.

او در زمان حیات پدر (قبل از سال ۱۱۱۰ق) وفات یافته و در خارج از بقعه خاندان مجلسی، جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد صادق هزارجریبی

آخوند ملّا محمّد صادق بن آقا محمّد باقر هزارجریبی مازندرانی، از جمله علماء اخیار [در قرن دوازدهم هجری] بوده و در سال ۱۲۰۳ق وفات یافته [است]. قبرش در صحن تکیه میرزا رفیعا قرار داشت که بعد از احداث فرودگاه قدیم در اراضی جنوبی تخت فولاد، قبر او و بسیاری از فضلاء و علماء و مؤمنین تسطیح شده و از بین رفت.(۳)

۱- فهرست مرکز احیاء، ج۷، ص۲۷۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۶۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۳۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۲۴؛ فیض قدسی، ص۲۴۳؛ مرآه الاحوال جهان نما، صص ۱۲۲ و ۲۶۵.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۹.

میرزا محمّد صادق کتابی

حاج میرزا محمّد صادق کتابی فرزند حاج میرزا محمّد تقی کتابفروش فرزند حاج میرزا محمّد صادق اصفهانی (کتابفروش) عالم فاضل زاهد. بعد از سال ۱۳۱۵ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد علماء این شهر تحصیل نموده، عالمی عامل و عابدی زاهد و دائم الذّکر و مواظب مستحبّات و نوافل، در نزد عموم طبقات بالاخص علماء و دانشمندان و مؤمنین محترم و معزّز بود. او عالمی بود خلیق و مهربان و به دور از ریا و تظاهر.

سرانجام در شب سه شنبه ۲۲ ماه صفر المظفّر ۱۴۰۱ق وفات یافته و پس از اقامه نماز توسط آیت اللّه خادمی بر او، جنازه به مشهد مقدّس منتقل و در آن ارض اقدس مدفون شد. مشارٌالیه داماد حاج شیخ محمّد علی نجفی (ثقه الاسلام) بود.(۱)

میر محمّد صادق حسینی سدهی

میر محمّد صادق بن محمّد تقی حسینی سِدِهی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در یک شنبه ۱۱ ربیع الاوّل ۱۲۳۵ق «رجال بحرالعلوم» را نوشته و در پایان اجازات زیادی از دیگران جهت بحرالعلوم و از بحرالعلوم جهت علماء را نقل کرده است. نسخه به شماره ۳۴۷۳ در کتابخانه ملّی ملك موجود است.(۲)

آقا محمّد صادق اصفهانی

آقا محمّد صادق فرزند شیخ محمّد جعفر شیخ الاسلام اصفهانی [ظاهرا از اطبّاء قرن دوازدهم هجری بوده و] در رساله «معالجات» که در سال ۱۱۴۱ق در اصفهان تألیف شده (و نسخه به شماره ۱۵۳۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۲۸.

۲- فهرست ملك، ص۲۳۹.

نسخه ای از او نقل شده است.(۱)

حاج میرزا محمّد صادق گلستانه*

حاج میرزا محمّد صادق بن میرزا محمّد جعفر گلستانه، از فضلاء و ادبای قرن سیزدهم هجری است. او تا سال ۱۲۳۶ق در قید حیات بوده و کتابخانه ای نفیس داشته که آن را وقف نموده و فرزندش میرزا محمّد کاظم را مأمور اجرای وقف نموده است.(۲)

محمّد صادق نجم ثانی

محمّد صادق معروف به «نجم ثانی» بن محمّد جعفر اصفهانی، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است.

از آثار او کتابت نسخه ای از «روضه الانوار عباسی» تألیف: ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری است که آن را به خط نستعلیق در غره ماه صفر ۱۲۳۳ق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۱۳۱۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد موجود است.(۳)

محمّد صادق فیض علی شاه ثانی

میرزا محمّد صادق نمازی شیرازی ملقب به «فیض علی شاه» فرزند محمّد جواد، عارف کامل [از مشایخ صوفیه در قرن سیزدهم هجری] در اصفهان متولّد شده و چون پدرش از تُجّار بود، خود نیز سالها تجارت می کرد. خدمت حاج محمّد کاظم سعادت علی شاه رسیده و مجذوب گشته و پس از فوت او روانه گناباد شده، خدمت حاج سلطان محمّد رسیده و تجدید عهد نموده، در سال ۱۲۹۷ق مأذون به ارشاد شده و «فیض علی» لقب یافته، در اصفهان دستگاه ارشاد گسترده و با اعیانیّت و تجمّل از فقیران و مریدان

۱- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص ۱۶۰.

۲- خاندان گلستانه اصفهان: خطی.

۳- فهرست الهیات، ج۲، ص۴۵۸.

پذیرایی می نموده است.

در ذیقعده ۱۳۰۱ق وفات یافته و جنب میرزا عبدالحسین فیض علی شاه اوّل در بقعه فیض واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مشارالیه برادر علّامه جلیل حاج میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی بوده و به همین علّت او را طریقت می گفته اند.(۱)

[مادّه تاریخ وفاتش این بیت است:

بهر تاریخ رحلتش گفتم: «صادق الوعد بود شیخ جلیل»(۲)]

صادق نجف آبادی*

صادق بن حسنعلی نجف آبادی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «مسالك الافهام» شهید ثانی را به خط نسخ در سال ۱۲۵۲ق کتابت کرده که به شماره ۹۳۶ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۳)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق بن محمّد حسین اصفهانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او در ذیقعده ۱۲۲۴ق نسخه ای از «اصول دین» تألیف: عبداللّه شبر کاظمی را به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱۴ در کتابخانه امام صادق علیه السلام قزوین موجود است.(۴)

۱- طرائق الحقائق، ج۳، ص۵۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۶۵ و ۸۶۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸؛ شمس التواریخ، صص ۵۸ و ۵۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۵۸۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۶۹.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۶۹۷.

۴- فهرست کتابخانه امام صادق علیه السلام قزوین، ص۳۴.

حاج میر محمّد صادق مدرّس خاتون آبادی

حاج میر محمّد صادق مدرّس خاتون آبادی بن حاج میرزا حسین نایب الصّدر بن میر محمّد صادق بن میر محمّد رضا بن میرزا ابوالقاسم مدرّس، عالم زاهد و فقیه مجتهد [از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری].

او در سال ۱۲۸۵ق در اصفهان متولّد شد. [در نوجوانی به تحصیل نزد جمعی از فضلاء اصفهان از جمله حاج ملّا حسن دُرّی و میرزا محمّد حسن نجفی پرداخته و در ۱۷ سالگی] به عتبات عالیات سفر کرده و درس آیات عظام آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی حاضر شد و به اجتهاد نائل آمد و در سال ۱۳۲۴ق به وطن مراجعت نمود. او سالها در مدرسه جده بزرگ به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و بسیاری از فضلاء و علمای معاصر اصفهان از شاگردان او هستند.

او از جمله علمای اصفهان که به دعوت حاج آقا نوراللّه نجفی در اعتراض به قانون نظام وظیفه و سایر اقدامات رضاشاه به قم مهاجرت کردند بود.

حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی، عالمی وارسته و به دور از علایق دنیوی بود و عمر خود را به قناعت و زهد سپری نمود تا اینکه در هفتم جمادی الاولی ۱۳۴۸ق وفات یافته و در قبرستان مقابل غسالخانه تخت فولاد (جنب تکیه خاتون آبادی ها) مدفون شد. دو سال بعد عالم عالیقدر سیّد عبدالحسین سیّد العراقین را در کنار او مدفون نموده و بقعه ای برای آن دو ساختند و تکیه هم به «تکیه سیّد العراقین» معروف شد.

[از آثار او «حاشیه بر رسائل» شیخ انصاری که تقریرات درس آخوند خراسانی است و در سال ۱۳۰۹ق تألیف شده، در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. همچنین وی «تقریرات درس اصول فقه آخوند خراسانی» را در سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ق نوشته که نسخه ای از آن به خط حاج سیّد مهدی حجازی فروشانی نزد فرزندش حاج سیّد محمّد تقی حجازی موجود است.]

مرحوم میرزا محمّد علی معلم حبیب آبادی در مادّه تاریخ وفات او گوید:

جمع گشتند پی جستن سالش جمعی تا بگردند کدامین یک از آنها سابق

پس «معلم» شد از آن جمع برون ناگه و گفت: «گشت قاطن بجنان میر محمّد صادق»(۱)

[همچنین ادیب فرزانه و شاعر توانا آقای فضل اللّه اعتمادی خوئی (برنا) مرثیه ای جهت مرحوم مدرس خاتون آبادی سروده و مادّه تاریخ فوتش را چنین گفته است:

در جواب این سؤال اهل تحقیق و تجسّس نکته یابان خبرها و پژوهان حقایق

چار تاریخ جدا از هم رقم بنمود «بُرنا» هر یکی با هجری دو قمر باشد مطابق

«بوده صادق رهرو و از شیعیان نیک صادق»

۱۳۴۸ق

«رهبری از شعیان نیک صادق بوده صادق»

۱۳۴۸ق

«بوده در احکام و فقه صادقی استاد صادق

۱۳۴۸ق

«حاج میر سیّد محمّد صادق مفتی صادق»]

۱۳۴۸ق

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۱۶ و ۷۱۷؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۸۶۹ و ۸۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳؛ شرح مجموعه گل، صص ۴۴-۸۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۲۰۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۴۶ و ۳۴۷؛ فهرست گلپایگانی، ج۳، ص۷.

محمّد صادق سمنانی

محمّد صادق بن حسین سمنانی، ساکن خاتون آباد اصفهان. از فضلاء و خطاطین قرن یازدهم هجری.

از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب «خلاصه الادعیه» که آن را به خط نسخ در چهارشنبه ۲۷ ربیع الثّانی سال ۱۰۴۱ق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۱۶۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدس موجود است.(۱)

[یکی از خاندان های هنرمند عصر صفویه خاندان خاتون آبادی است که در قرن دهم هجری از سمنان به روستای «خاتون آباد» از توابع ناحیه جی اصفهان مهاجرت کرده و شماری از آنان به کتابت پرداخته و در قرن یازدهم و دوازدهم هجری به خوشنویسی معروف شدند. این خاندان را نباید با سادات خاتون آبادی که در محلّه پاقلعه اصفهان ساکن بودند اشتباه گرفت.]

میر محمّد صادق لاریجانی

میر محمّد صادق بن میر محمّد حسین لاریجانی مازندرانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل فقه و حدیث می پرداخته است. او در دوشنبه صفر ۱۰۹۸ق از کتابت «استبصار» شیخ طوسی فراغت یافته و آنرا نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی قرائت کرده و علّامه در آخر جلد دوّم «استبصار» اَنهائی در جمادی الاولی سال ۱۰۹۲ق برای او نوشته است. و از او با القاب «المولی السیّد الایّد الفاضل الکامل الحسیب النّسیب الادیب اللّبیب التّقی الزکی» یاد کرده است. این نسخه به شماره ۸۳۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۹۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص۳۵؛ فیض قدسی، ص۱۶۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۲ و ۴۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۶؛ اجازات الحدیث، ص۲۱۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۰.

محمّد صادق جاودان اصفهانی

محمّـد صادق جاویـدانی متخلّص به «جاودان» فرزند حاج حسـینعلی، از شـعرای معاصـر اصـفهان در سال ۱۲۸۲ش در اصفهان متولّد شده و پس از طی دوره ابتدائی و مدتی کسب و کار به کار در اداره دارایی پرداخت. سپس به استخدام بانک ملّی ایران درآمد. گاهی شعر می سرود. از اوست:

زین جلوه ای که آن بت آهو خرام کرد آسودگی برای خلایق حرام کرد

باید جفای سنگ ملامت کند قبول هر کو چو خاک بر سر کویش مقام کرد(۱)

صادق بن محمّد خلیل

صادق بن محمّد خلیل، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه کاسه گران اصفهان ساکن بود و به تحصیل علم اشتغال داشت. او کتاب «حاشیه معالم» تألیف: ملّا محمّـد صالح مازندرانی را در سال ۱۲۳۸ق در آن مدرسه کتابت کرد. نسـخه ای از آن در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۲)

صادق رهبر اصفهانی

صادق شیرانی متخلّص به «رهبر» فرزند خیراللّه [از شعرای اصفهان در قرن چهارهم هجری] در سال ۱۲۸۱ش در اصفهان متولّد گردیـد. او از مریـدان آقا میرزا زین العابـدین پاقلعه ای (نعمت اللهی) بوده و از نوجوانی قـدم در جاده سـیر و سـلوک نهاده و خدمت جمعی از مشایخ و اقطاب رسیده است.

از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۲۳.

۲- فهرست ملی، ج۷، ص۱۷.

منم از عشق او سوزان سمندروار در آتش ز هجر او شده بیرون ز تن تاب و توان من

نه روز آرام دارم نی شب از عشقش برد خوابم تنم فرسود و رفت از کالبد هوش و روان من(۱)

صادقِ ملّا رجب

ملّا محمّد صادق بن ملّا رجبعلی اصفهانی معروف به «صادقِ ملّا رجب» از شعرای هزل سرا و خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است.

در شعر طبعی روان داشته و به لهجه اصفهانی شعر می گفته و طبعش به هزل و هجو مایل بوده است. از راه کتابت امرار معاش می نموده(۲) [و خطوط نسخ و ثلث را نیکو می نوشته است. میرزا یحیی دولت آبادی او را در کهولت و اواخر عمرش ملاقات کرده و توصیفی جالب و ظریف از زندگی شاعرانه او ارائه داده است.(۳)]

وی سرانجام در سال ۱۳۰۵ق وفات یافته و در قبرستان سر قبر آقای اصفهان مدفون شد.(۴) و پس از تخریب قبرستان، مزاراو را هم از بین بردند.

[دیوان صادق ملّا رجب در سال ۱۳۰۹ق چاپ سنگی شده است. دو نسخه خطی از آن نیز موجود است. یکی نسخه ای به خط نستعلیق و مورخ چهارشنبه ۲۵ جمادی الاوّل ۱۳۱۹ق موجود در کتابخانه دکتر حسین مفتاح در تهران.(۵) و نسخه ای دیگر به خط نسخ، به سال ۱۳۰۴ق، به شماره ۲۱۰۵ در کتابخانه ملّی ایران.(۶)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۲۴ و ۲۲۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۵۱۶.

۳- حیات یحیی، ج۱، ص۶۳.

۴- آگهی شهان از کار جهان، ج۳، ص۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۵؛ مزارات اصفهان، ص۵۱.

۵- نسخه های خطی، ج۷، ص ۱۶۰.

۶- فهرست ملّی ایران، ج۵، ص۱۱۷.

او همچنین در جمـادی الثّانی ۱۲۸۸ق به فرمایش آقا میرزا محمّـد قوام الدّین قرآن مجید را کتابت کرده که به شـماره ۱۵۲ در کتابخانه سلطنتی سابق در تهران موجود بوده است.(۱)]

محمّد صادق اصفهانی*

محمّـد صادق بن حاج محمّـد رضا اصـفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. او «الرّساله السّـعدیه» تألیف علّامه حلّی را به خط نسخ در ۴ جمادی الآخر سال ۱۰۳۸ق کتابت کرده است و به شماره ۱/۸۹۰۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق بن محمّد رضا اصفهانی، از فضلاء و دانشمندان گمنام اصفهان در قرن دوازدهم هجری است. او در رمضان سال ۱۱۲۵ق «شرح دعای صباح» را تألیف کرده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۳)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّـد صادق بن میرزا محمّد رضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس بن میر محمّد اسـماعیل خاتون آبادی، عالم فاضل، عابد زاهد [از علمای عالیقدر قرن سیزدهم هجری[در سال ۱۲۰۷ق در اصفهان متولّد شد. [او نزد میرزا ابوالقاسم قمی و شیخ محمّد تقی رازی (صاحب حاشـیه) فقه و اصول را خواند و علوم عقلی را از ملّا علی نوری، ملّا اسماعیل واحدالعین و ملّآ محمّد علی نوری آموخت. او پس از برادرش میر محمّد صالح چندین سال در مسـجد شاه (مسـجد امام فعلی) اصـفهان اقامه جماعت می نمود و سالها به

۱- فرهنگ ایران زمین، ج۲۶، ص۱۳۸.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۴۰۳.

۳- مجله میراث شهاب، شماره ۲۳ و ۲۴، ص۳۵.

تدریس و تربیت شاگردان فاضل مشغول بود.

در زهد و تقوا و عبادت کم نظیر بود. مدت ۴۰ سال روزه گرفت و به کمترین چیزی امرار معاش نمود. در مجلس حکام و سلاطین هرگز حاضر نشد مگر زمانی که در منزل منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان به همراه سایر علماء به مناظره با سیّد علی محمّد باب پرداخت و باب در این مباحثات مغلوب شد.

میر محمّد صادق خاتون آبادی در اغلب علوم زمان خود چون فقه، حدیث، تفسیر، کلام، ریاضیات، علم حروف و علوم غربیه مهارتی به سزا داشت.(۱)]

او سرانجام در شب جمعه ۱۴ رجب المرجّب ۱۲۷۲ق در اصفهان وفات یافت. او کتابی در شرح چهل حدیث درباره حضرت مهدی (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) به نام «کشف الحق» تألیف کرده [که در سال ۱۳۶۱ش توسط مؤسسه الامام المهدی در تهران به طبع رسیده است.(۲)]

محمّد صادق تویسرکانی

محمّد صادق بن محمّد رضا تویسرکانی [خطاط نسخ نویس] در دهه اوّل ماه رجب سال ۱۳۱۰ق کتاب «حقیقت ایمان» تألیف: میرزا عبدالغفار تویسرکانی را به خط نسخ زیبا کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۵۵۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

احتمال دارد که کاتب شاگرد مؤلف کتاب فوق باشد.

۱- کشف الحق: مقدمه، صص ۵ و ۶؛ مکارم الآثار، ج۲، صص ۳۲۴-۳۲۶؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص ۲۸۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۹؛ الذریعه، ج۱۸، ص۳۲؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۳۶؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص ۷۲۱.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۳۵۴.

آقا سیّد محمّد صادق چهارسوقی

آقا سیّد محمّد صادق چهارسوقی بن سیّد زین العابدین بن میر ابوالقاسم جعفر بن آقا سیّد حسین بن حاج میرزا ابوالقاسم جعفر (میر کبیر) موسوی خوانساری اصفهانی، عالم فاضل مجتهد محقق [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری].

در ۲۶ صفر سال ۱۲۲۸ق در خوانسار متولّد شد و تحصیلاتش را در اصفهان نزد والد ماجد خود و آقا میر سیّد محمّد شهشهانی و آقا میر سیّد حسن مدرس انجام داد و از هر سه نفر آنان اجازه روایت و اجتهاد اخذ نمود. همچنین مدّتی نزد حاج محمّد ابراهیم کلباسی و آقا محمّد مهدی نایب الصدر کسب فیض نمود.

او عمر خود را به عبادت و تحقیق و تألیف گذرانید و سرانجام در شب ۲۱ شعبان المعظم سال ۱۲۸۹ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه مادر شاهزاده (جنب مزار پدر عالیقدر خود) واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

وی را تألیفاتی عدیده ای است که از آن جمله است:

۱. «شرح الشّرایع» ۲. «رساله فی الحج» به عربی۳. «مناسک حج» به فارسی۴. «رساله الکبیره فی الأخبار الطریفه»۵. «مجموعه» کشکول مانند۶. «رساله در طهاره و صلاه و صوم و حج و خمس و زکاه» نظیر «تبصره» علّامه۷. «رساله در صیغ العقود»۸. «رساله فی ذکر مشایخه الکرام»۹. «شرح زبده الاصول» ۱۰. «الإحباط و التّکفیر»(۱)

صادق دارجانی لنجانی

صادق بن سمیع دارجانی لنجانی اصفهانی، [از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم

۱- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۸۱؛ مناهج المعارف: مقدمه، صص ۲۹۲-۲۹۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۵؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۲۵ و ۲۶؛ الکرام البرره، ج۱، ص۶۳۹؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۸۵۰-۸۵۱؛ دانشمندان خوانسار، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ معجم المؤلفین، ص۷۶.

هجری] در ۲۵ رجب ۱۲۷۳ق کتاب «روضه البهیّه» در شرح لمعه را به خط نسخ نوشته است نسخه در کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان موجود است.(۱)

میر صادق قهفرخی*

میر صادق حسینی قهفرخی فرزند میر محمّد شفیع از فضلای در قرن دوازدهم هجری است. او کتابی در خواص اَدعیه و سُوَر به نام «رفع اَنات و دفع بلیات» به فارسی تألیف کرده که نسخه اصل آن به خط نستعلیق زیبا، در محرم ۱۱۲۵ق کتابت شده و در کتابخانه مرحوم سیّد رضا ابوالبرکات در اصفهان به شماره ۵۴ موجود است.(۲)

[قهفرخ اکنون فرخ شهر خوانده می شود و در چهارمحال و بختیاری واقع است. در دوره صفویه چهارمحال، از توابع اصفهان بوده است.]

محمّد صادق نایب جرقویه ای*

نایب محمّد صادق نوذری متخلّص به «نایب» فرزند صادق ینگ آبادی جرقویه ای اصفهانی، شاعر ادیب قرن چهاردهم هجری.

از اهالی قریه «ینگ آباد» [نیک آباد فعلی] جرقویه است. آوایی رسا و دلنشین داشت و از تعزیه خوان های معروف آن سامان بود و شعر نیز می سرود. عاقبت در سال ۱۳۲۰ش وفات یافت.

از اوست:

در ده هر آنکه بود غافل از خدا نامش میان خدا گشته کدخدا

در ده اگر به پیرزنی خر زند لگد فحاشی زیاد نماید به کدخدا

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۲۴۶.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۵۵.

مشمول اگر به غرب به مرگ خدا بمرد مسئول او به شرق بود شخص کدخدا

تثبیت غلّه جنس اگر خواست از بلوک مأمور جلب می رود از بهر کدخدا

«نایب» روا مدار به دوران زندگی کاری که نیست موجب خشنودی خدا(۱)

ملّا محمّد صادق مینای اصفهانی

ملّا محمّد صادق مینا بن محمّد صالح آزادانی اصفهانی، شاعر و ادیب دانشمند قرن یازدهم هجری.

[او در یکشنبه ۳ شعبان ۱۰۱۸ق در بندر سورت هند متولّد شد.] نسب او به صدرالدّین محمّد طبیب زبیری اصفهانی (م ۸۸۸ق) می رسد و میرزا محمّد طاهر نصرآبادی مؤلف «تذکره نصرآبادی» نوه اوست. در هندوستان به تحصیل و مطالعه و جستجو پرداخته و در علوم مختلف خصوصا ادبیات، هندسه، حساب، اسطرلاب مهارت به سزائی یافت. علت شهرت او به «مینا» این بود که هنگام اسب سواری از اسب افتاد و یک چشم او آسیب دید. او چشمی از مینا ساخته و به جای آن گذاشت. او در سپاهیگری و شجاع و تهوّر ممتاز بود و با یاغیان بنگاله بارها جنگ کرده و شرح آن را به صورت منظوم برای میرزا محمّد طاهر نصرآبادی (نوه اش) فرستاده بود.

[او سالها در بنگاله ملازم شاهزاده شجاع فرزند شاه جهان (پادشاه هند) بود و کتاب «شاهد صادق» را به نام او در ۴ جلد تألیف کرد. او سرانجام در ۱۹ ربیع الاوّل ۱۰۶۲ق در هندوستان وفات یافت. در سرودن انواع شعر خصوصا مثنوی مهارت داشت و

۱- گرکویه، (ویرایش دوم)، ص۳۸۴.

«صادقی» تخلّص می کرد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رجال» ۲. «شاهد صادق» که دائره المعارفی است درباره علوم مختلف و بخش تاریخ آن در مجله یادگار طی چند شماره به طبع رسیده است.۳. «الشّمس البازغه» در حکمت (ردّ بر میرداماد در مبحث حدوث دهری)۴. «صبح صادق» در تاریخ جهان و ایران و شرح حال رجال برجسته علم و ادب و سیاست، که نسخه های متعددی از آن در کتابخانه ها موجود است.۵. «القلائد» و غیره.

[از اوست:

سوی میخانه به تأیید جنون خواهم رفت باز از عالم اسباب برون خواهم رفت

حدّ این بادیه جز اشک ندیدست کسی آه خواهم شد و از اشک فزون خواهم رفت

راه گم کرده ام و میکده را می جویم گر نیابم، زِ خَم چرخ برون خواهم رفت(۱)]

میرزا محمّد صادق خلیفه سلطانی

میرزا محمّد صادق بن میرزا محمّد طاهر خلیفه سلطانی بن نواب میر سیّد علی بن میر سیّد علاءالدّین حسین حسینی مرعشی (خلیفه سلطان)، عالم فاضل، ادیب شاعر و محقّق مدقّق.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۹۰ و ۹۱؛ کاروان هند، ص۶۷۸؛ الروضه النضره، ص۲۷۵؛ مداومت در اصول موسیقی ایران، ص۱۶۷؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، صص ۶۳۲-۶۳۴ و ۱۸۹؛ الذریعه، ج۱، ص۱۰۵ و ج ۱۳، ص۱۵ و ج۹، ص۵۸۲؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۸۳؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۸۰.

میر عبدالحسین خاتون آبادی که معاصر اوست در کتاب خود می نویسد: «علّامه الزّمانی آقای میرزا محمّد صادق الحسینی دامت برکاته که مدّتی خدمت سراسر سعادت مولینا آخوند ملّا محمّد باقر مجلسی اکتساب حدیث فرمودی و از ایشان روایت می نماید و از رشحات خامه او حاشیه نفیسه بر شرح هدایه میبدی می باشد.»(۱)

در الذریعه گوید: «دارای اجازه مختصری است در پشت «استبصار» تاریخ آن ۱۰۹۲ می باشد.»(۲)

وی مدّتی به هندوستان مهاجرت نموده و در آنجا به مباحثه علوم اشتغال جسته و پس از مدّتی به اصفهان مراجعت نموده، در این شهر در سال ۱۱۳۵ق وفات یافته، در قبرستان ستّی فاطمه که بسیاری از افراد خاندان او نیز در آنجا مدفون بودند به خاک رفت.(۳)

کتاب های زیر از اوست:

۱. «حاشیه شرح هدایه» میبدی ۲. «دیوان اشعار» ۳. «کشکول» که در آن شرحی راجع به مسافرت های و پیش آمدهای سفر و توقّفش در هند در آنجا نوشته است.(۴)

او همچنین «حاشیه روضه البهیه» تألیف عمویش میرزا محمّد ابراهیم خلیفه سلطانی را جمع آوری و مدوّن ساخته و در ۲۵ شعبان ۱۱۲۵ق آن را به خط نستعلیق کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۵)

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن عباسعلی اصفهانی [از کاتبان نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری]

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۱۹.

۲- الذریعه، ج۱، ص۱۵۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۶؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۰.

۴- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۲ و ۴۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۵۸ و ۲۶۴؛ الذریعه، ج۹، ص۵۸۱ و ج۱۸، ص۷۴.

۵- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۸۲؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۲۲.

در سال ۱۲۹۲ق کتابت نسخه ای از کتاب «لسان الواعظین» تألیف: شیخ محمّد علی رضوی کاظمی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۱۰۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میر محمّد صادق بهشتی

میر محمّد صادق بن میر عبدالباقی بن میر محمّد رضا حسینی بهشتی، عالم فاضل و عابد زاهد [از علمای اواخر دوره قاجاریه].

او نزد علمای اصفهان تحصیل کرده و سپس در محلّه لنبان مرجع مسائل شرعی مردم بود و در مسجد لنبان اقامه جماعت می کرد و از شدّت زهد و احتیاط در مسائل شرعی به «سلمان الزمان» معروف بود و سرانجام در سلخ ربیع الثّانی سال ۱۳۰۸ق وفات یافته و در تکیه سادات بهشتی واقع در شمال مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۲)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر سیّد محمّد صادق خاتون آبادی فرزند میر سیّد عبدالحسین بن میر سیّد محمّد باقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن دوازدهم هجری].

در سال ۱۰۷۰ در اصفهان متولّد شده و نزد پدر عالیقدر خود و احتمالاً عمویش میر محمّد اسماعیل و دیگران تحصیل کرده است. وی در روز ۲۷ ربیع الثانی ۱۱۳۴ق به شهادت رسیده و در تخت فولاد اصفهان مدفون شده است.(۳)

ظاهرا وی مؤلف کتاب «میزان المقادیر» است که نسخه خطی آن در کتابخانه

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۰۷.

۲- تحفه الاحباب، صص ۴۳ و ۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۳- الکواکب المنتشره، ص۳۶۲؛ الذریعه، ج۸، ص۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۰.

دانشمند محقق آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی در اصفهان نگهداری می شود.

میرزا صادق نصیری طوسی*

میرزا صادق نصیری طوسی فرزند میرزا عبدالحسین منشی الممالک، از شعرای قرن یازدهم هجری است. او به فضل و ادب موصوف و به کمالات صدری و معنوی آراسته بود. مع الاسف در جوانی در اصفهان وفات یافت.

از اوست:

پاس نفس بدار که آئینه طینتان در موج می روند چو آب از دم نسیم(۱)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّد صادق بن میر عبدالکاظم بن میر محمّد صادق بن میر عبدالحسین خاتون آبادی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری] در جمادی الاولی سال ۱۱۳۴ق متولّد و در سال ۱۲۱۹ق وفات یافته و در ایوان علماء در مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد صادق مازندرانی

ملّا محمّد صادق بن عبدالمجید مازندرانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری]. در سال ۱۱۹۷ق کتاب «سفینه النجّاه» تألیف ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) را در اصفهان استنساخ نموده است. این نسخه در کتابخانه میرزا علی شهرستانی در نجف اشرف موجود می باشد.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۱۷.
۲- الذریعه، ج۸، ص۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۰؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۶۷۳ و ۶۷۴.
۳- الذریعه، ج۱۲، ص۲۰۳.

میرزا محمّد صادق امام جمعه

میرزا محمّـد صادق امام جمعه بن میرزا محمّـد علی بن میرزا جعفر بن حاج میر سیّد محمّـد بن میر عبدالباقی خاتون آبادی [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری].

پس از فوت میرزا هاشم امام جمعه، فرمان امامت جمعه به نام فرزند صغیر او میرزا سیّد حسن صادر گردید و صاحب عنون به جای مشارالیه به سمت نایب الامام تعیین شد. و وقتی میرزا سیّد حسن به بلوغ رسید چون علمی و نفوذ معنوی نداشت فرمان امامت جمعه به نام میرزا محمّد صادق صادر گردید.

وی در ۳ رمضان ۱۳۴۸ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه علّامه مجلسی پیش قبر پدر مدفون گردید و قبرش در تعمیرات اخیر بقعه محو شد.(۱)

محمّد صادق واعظ اصفهانی

محمّد صادق بن محمّد علی واعظ اصفهانی، از فضلاء و وعاظ اصفهان [در سیزدهم هجری] در روز سه شنبه چهارم رجب ۱۲۷۰ق نسخه ای از «بصائر الدّرجات» تألیف: ابو جعفر محمّـد صفّار قمی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۶۰۹۱ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.

همچنین او قسمتی از «فروع کافی» را کتابت نموده که به شماره ۲۸۷۱ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

از دیگر آثار او کتابت نسخه ای از «شرح شرایع» تألیف یکی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری است که آن را به خط نسخ در سلخ محرم الحرام سال ۱۲۷۹ق به پایان رسانیده است و به شماره ۱۵۵۷ در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد موجود است.(۳)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۲۰؛ مزارات اصفهان، ص۳۷.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۸۴.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۶۹۷.

محمّد صادق واعظ کرونی*

محمّد صادق واعظ بن محمّد علی کرونی اصفهانی، از وعاظ و فضلای قرن سیزدهم هجری است. او کتاب «دلایل العباد فی شرح الارشاد» تألیف: محمّد تقی نوری را به خط نسخ در صفر ۱۲۷۷ق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۹۵۹۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّد صادق بن میر علینقی بن میر عبداللّه خاتون آبادی (برادر میر محمّد اسماعیل اوّل) عالم فاضل محقّق جامع در سال ۱۱۲۳ق وفات یافته است.(۲)

سیّد محمّد صادق زنجانی

سیّد محمّد صادق بن علینقی بن محمّد علی موسوی زنجانی اصفهانی، عالم فاضل ادیب شاعر [از علمای قرن سیزدهم هجری. ساکن اصفهان] مؤلف کتاب «دُرّ المنثور» (شعر عربی) که در سال ۱۳۰۹ق به ضمیمه کتاب «معیّن الواثقین» به خط محمّد در جزینی چاپ سنگی شده است.(۳)

[وی اهل شعر و ادب بوده و نشانه تملک او بر کتاب «ذریعه الضّراعه» تألیف فیض کاشانی که پدرش سیّد علینقی آنرا کتابت کرده بود، مشهود است. او در آخر این کتاب در سال ۱۲۷۴ق قصیده ای در توحید از سروده های خودش را آورد که ۳۰ بیت است و با این بیت شروع می شود:

ای منزّه ذات پاکت از زوال وی برون حُسنت ز مرآتِ خیال(۴)]

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۳۵۴.

۲- الذریعه، ج۸، ص ۲۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۹۰.

۳- مؤلّفین کتب چاپی، ص۳۴۶؛ تراجم الرجال، ج۲، ص۷۱۹.

۴- الکرام البرره، صص ۶۴۳ و ۶۴۴.

صادق خوانساری

صادق بن علینقی خوانساری اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری. وی مؤلف «بدیعیه» در اسطرلاب است به فارسی که آن را در سال ۱۱۹۳ق تألیف نموده و کتاب دارای یک مقدمه و شصت باب و خاتمه است. نسخه به شماره ۲۱۵۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

صادق خولنجانی

صادق بن قاسم خولنجانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری]. کتاب «الرّعایه فی علم الدّرایه» تألیف شهید ثانی را به خط نستعلیق با حواشی مختلف نوشته است. نسخه به شماره ۱۹۸۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[خولنجان از دهات لنجان است. در قرون اولیّه بعد از اسلام به «خان لنجان» شهرت داشته و از قصبات و بلکه شهرهای معتبر لنجانات شمرده می شده و سیّاحان در سفرنامه های خود به توصیف آن پرداخته اند. فدائیان اسماعیلی نیز در عصر سلجوقی درکوه ها و قلعه های آنجا پایگاه داشتند.]

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن محمّد کاظم اصفهانی . [از کاتبان نستعلیق نویس در قرن سیزدهم هجری]در یک شنبه ۲۴ رجب ۱۲۰۹ق کتابت کتاب «تحفه النّاظرین» در نجوم به فارسی از مؤلّفی ناشناس را به خط نستعلیق را به پایان رسانیده و نسخه به شماره

۱- الذریعه، ج۱۱، ص۱۲۸؛ فهرست گلپایگانی، ج۳، ص۱۷۷؛ الکواکب المنتشره، ص ۳۶۰.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص ۵۹۰.

۲۴۸۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّد صادق پریشانی

محمّد صادق بن محمّد کاظم پریشانی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری.

از آثارش کتابت نسخه ای است از «جامع المقال» تألیف: شیخ فخرالدّین طریحی که آن را به خط نستعلیق در محرّم سال ۱۳۱۰ق به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۱۶۲۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدس موجود است.(۲)

پریشان (فروشان) از قُراء ثلثه سِدِه ماربین اصفهان است. [اکنون از محلّه های خمینی شهر اصفهان به شمار می رود.

صاحب عنوان نسخه ای از «اثبات الوصیّه» تألیف: ابوالحسن علی مسعودی را در رمضان ۱۳۰۹ق کتابت نموده که در کتابخانه بنیاد فارس شناسی در شیراز موجود است.(۳)]

ملّا محمّد صادق خوانساری

ملّا محمّد صادق بن محمّد کاظم خوانساری اصفهانی، [از فضلاء و محدّثین اصفهان در قرن یازدهم هجری].

او در اصفهان نزد جمعی از علماء همچون علّامه مجلسی تلمذ کرده و از او و شیخ ابوتراب اصفهانی اجازه دریافت کرده است.

ملّا محمّد صادق خوانساری در ۷ جمادی الثانی سال ۱۰۹۱ق نسخه ای از «روضه کافی» را کتابت کرده و علّامه مجلسی و شیخ ابوتراب اجازات خود را روی برگ های این

۱- فهرست مرعشی، ج۷، ص۷۵.

۲- فهرست الهیات، ج۳، ص۷۴۸.

۳- فهرست فارس شناسی، صص ۶۶ و ۶۷.

کتاب نوشته اند. این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق بن محب علی اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. در نوشتن خط نسخ مهارت داشته و تا سال ۱۰۹۶ق در قید حیات بوده است. او آثاری را کتابت کرده که از آن جمله است:

۱. «المصادر» تألیف: ابوعبداللّه حسین زوزنی که در سال ۱۰۹۰ق کتابت شده و در مدرسه حجتیّه قم موجود است.(۲) ۲. «ربیع الشّیعه» منسوب به «سیّد رضی الدّین علی بن موسی بن جعفر بن طاوس حسنی، که در جمعه ۱۴ جمادی الآخر ۱۰۹۶ق کتابت شده و در کتابخانه علّامه محقّق حاج سیّد محمّد علی روضاتی موجود است.(۳)

صادق بن محمّد

صادق بن محمّد، نستعلیق نویس در قرن سیزدهم هجری. از آثارش کتابت «حاشیه تحریر القواعد المنطقیّه» تألیف: میر سیّد شریف جرجانی است که در اوّل ربیع الاوّل ۱۲۳۶ق به پایان رسانیده است. نسخه در کتابخانه دانشکده حقوق در طهران موجود است.(۴)

ملّا محمّد صادق تنکابنی

ملّا محمّد صادق بن ملّا محمّد (فاضل سراب) بن عبدالفتّاح تنکابنی، عالم فاضل و

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۴۷۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۲۱۷؛ اجازات الحدیث، ص۲۱۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۵۰.

۲- فهرست حجتیّه، ص۲۷.

۳- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص ۳۹۰.

۴- فهرست حقوق، ص۳۱۸.

فقیه محدّث [از علمای اصفهان در قرن دوازدهم هجری].

او در سال ۱۰۸۲ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای اصفهان به تحصیل پرداخت از جمله: علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، آقا حسین خوانساری، شیخ علی سبط شهید ثانی، ملّا محمّد علی استرآبادی و ملّا محمّد فاضل سراب، که برخی از اساتید درس او هستند و برخی اجازه روایت به او داده اند.

او سپس در اصفهان به تدریس پرداخت. برخی از محدّثین نیز از او روایت می کنند از جمله: سیّد حسین بن سیّد ابوالقاسم موسوی خوانساری، ملّا حسین بن حسن دیلمانی گیلانی (لنبانی)، ملّا محمّد حسین بن محمّد سعید گیلانی و زین الدّین علی بن عین علی خوانساری.

سال وفات او معلوم نیست. ولی او تا سال ۱۱۲۳ق در قید حیات بوده است. مدفن او جنب قبر پدرش در تکیه فاضل سراب (معروف به تکیه جویباره ای ها) در تخت فولاد اصفهان است.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حواشی بر دعوات» [۲. «نهایه الإدراک فی شرح تشریح الأفلاک»۳. «احوال عبداللّه بن بکیر» که در شعبان ۱۱۱۳ق آن را تألیف نموده و نسخه ای از آن به شماره ۲/۱۸۷۴ در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی در تهران موجود است.]

میر محمّد صادق کتابفروش

میر محمّد صادق کتابفروش بن میر سیّد محمّد بن سیّد محمّد علی بن هادی حسینی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۳ و ۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۵۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۷؛ فیض قدسی، ص۱۶۵؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۶۰ و ۳۶۱؛ نجوم السّماء، ص۲۳۱؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۸؛ بزرگان رامسر، صص ۱۸۳-۱۸۶؛ دانشمندان خوانسار، ص۱۶۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۰؛ فهرست دائره المعارف اسلامی، ج۱، ص۲۶۰.

افطسی، عالم فاضل متقی و فقیه محقّق [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری].

در حدود سال ۱۲۱۰ق در اصفهان متولّد شده و پس از مدّتی تحصیل به عتبات عالیات رفته [و نزد شیخ محمّد حسن صاحب جواهر و دیگران] تحصیلات خود را تکمیل کرده و به اصفهان مراجعت نمود.

او سالها به تدریس فقه و اصول مشغول بوده و خصوصا شرح لمعه را با دقّت و غور و تحقیق، تدریس می نموده است.

میرزا حسن خان جابری انصاری، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی و حاج میرزا بدیع درب امامی از شاگردان برجسته او به شمار می روند.

او عالمی منزوی و قانع و زاهد بوده و عمر خود را به مطالعه و تألیف و تدریس و عبادت و تهجّد گذرانیده است. همسرش دختر علّامه فقیه حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی است.

او در پنج شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۰۴ق وفات یافته و در بقعه ای مخصوص در تخت فولاد مدفون شد. در قرن چهاردهم هجری پس از احداث فرودگاه قدیم تکیه سادات کتابفروش در محدوده آنجا واقع شده است.

از تألیفات او «شرح بر شرایع» است که آنرا در سال ۱۲۲۵ق تألیف کرده است. نسخه آن به خط مؤلف در کتابخانه دانشمند گرامی مرحوم آقا میرزا ابوالحسن کتابی (نواده صاحب عنوان) موجود بوده است.(۱)

ملّا محمّد صادق اردستانی

ملّا محمّد صادق اردستانی بن حاج محمّد بن قاسم بن کمال الدّین محمّد بن پیر

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۶۲ و ۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۲۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۱۴۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۶؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، ص۴۴۳.

جمال الـدّین محمّد معروف به پیر جمالی اردستانی، حکیم متألّه، فیلسوف و عارف زاهد [از فلاسفه و عرفای بزرگ اصفهان در قرن یازدهم و دوازدهم هجری است. از تولّد و تحصیلات او اطلاعی در دست نیست. مرحوم رفیعی مهرآبادی تولّد او را حدود سال ۱۰۵۴ق تعیین کرده که حدس و گمان است و مستند به منبعی نیست.(۱) از اساتید او هم آگاهی نداریم. تنها مرحوم آشتیانی نوشته است: «ملّا اسماعیل خواجوئی شاگرد ملّا محمّد صادق اردستانی، و او شاگرد ملّا رجبعلی تبریزی و محقّق لاهیجی و شیخ حسین تنکابنی و یا فیض می باشد.»(۲)]

مشارالیه در اصفهان حکمت عالیه تدریس می نموده و جمعی کثیر از محضر او مستفید می گشته اند از جمله: ۱. ملّا حمزه گیلانی ۲. شیخ محمّد علی حزین۳. ملّا محمّد صالح بن سعید خلخالی۴. آقا محمّد صادق تفرشی [۵. محمّد ماجد بن ابراهیم حسینی۶. ملّا عبدالرحیم دماوندی و غیره].

[حاجی زین العابدین شیروانی (مست علی شاه) در کتابهای «ریاض السیاحه» و «بستان السّیاحه» و به تبعیّت از او «معصوم علی شاه شیرازی» در کتاب «طرائق الحقائق» و دیگران نوشته اند که: ملّا صادق اردستانی مردی صوفی مشرب بوده و شاه سلطان حسین به اشاره علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، او را از اصفهان اخراج کرده و در عرض راه طفل صغیر او بر اثر شدت سرما فوت شده، ولی بعدا مجلسی تغییر عقیده داده و او را به شهر دعوت نموده است. امّا ملّا صادق در بیرون شهر و در قبرستان تخت فولاد منزل کرده، تا فوت شده است.

این ماجرا بنا به دلایلی مورد تردید است. جوانی اردستانی مقارن پیری علّامه مجلسی بوده و اردستانی شهرت و نفوذی نداشته که باعث هراس مخالفان صوفیه از او شود. همچنین هیچ یک از معاصرین اردستانی از جمله شاگرد او شیخ محمّد علی حزین

۱- آتشکده اردستان، ج۲، ص۳۱۵.

۲- تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص۸۵.

به این ماجرا کمترین اشاره ای نکرده اند. از طرف دیگر هیچ مدرکی در دست نیست که را او از صوفیان و صاحبان خانقاه و خرقه و... بداند. بلکه او عارفی الهی و عابدی زاهد بوده که عارف مشرب بوده است. هرچند برخی از صوفیه همچون شیروانی و معصوم علی شاه او را به خود منسوب داشته اند.(۱)

ملّا صادق در حکمت مقامی ارجمند داشته و حزین لاهیجی او را با القاب «سلطان المحققّین، افضل الحکماء الرّاسخین المولی الاعظم البحر الاعلم مظهر معارف و حقایق مکمل علوم سوابق و لواحق محی الحکمه ابوالفضائل مولانا محمّد صادق الاردستانی علیه الرحمه» ستوده و افزوده است که: «از اساطین حکماء بود و قرن ها باید که مثل او از دانشمندان برخیزد»(۲)]

او سرانجام در سال ۱۱۳۴ق در اصفهان وفات یافته و در سمت جنوب شرقی پل خواجو، بر روی سکویی دفن شده و در موقع تعریض خیابان، به تخت فولاد منتقل شده و قابل تکیه کازرونی و در کنار قبر ناصر علی گلکار اصفهانی مدفون شد.

در زمان قدیم مزار او به مزار آخوند پلویی شهرت داشته و عوام اصفهان را این عقیده بوده که خواندن فاتحه بر قبر او باعث می شود که به زودی پلو نصیب آنان شود. اما صحیح آن است که مزار سابق اردستانی به خاطر مجاورت با پُل خواجو، به مزار آخوند پُلی و سپس آخوند پلویی معروف بوده است.(۳)

فرزندانش حاج محمّد ابراهیم، ملّا محمّد طاهر و ملّا محمّد شفیع نیز از فضلاء قرن

۱- بستان السّیاحه، (چاپ اصفهان)، ص۳۳؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ شواهد الرّبوبیّه: مقدمه استاد آشتیانی، ص۱۰۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۳۱۵ و ۳۱۶؛ آسیای هفت سنگ، ص۲۰۴؛ تاریخ و سفرنامه حزین: تعلیقات، صص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۳۹۸.

۲- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۹۲؛ نجوم السماء، ص۲۳۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۲؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۱۰۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۱۶؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۴۸۶-۴۸۸ و ۲۳۶-۲۳۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۶.

دوازدهم هجری به شمار می روند و اعقاب او نیز اغلب از علماء، شعراء و فضلای روزگار خویش بوده اند.

رسائل زیر از اوست:

۱ و(۱) «رساله جعلیه» در معنی جعل و ایجاد در فلسفه، که در شوال ۱۱۲۱ق نوشته شده و در اختیار آقای سیّد حسین شهشهانی بوده(۲) و به ضمیمه رساله کوتاه دیگری در جعل از اردستانی در کتاب آتشکده اردستان به طبع رسیده است.(۳) «حکمت صادقیّه» [تقریرات درس فلسفه ملّا صادق اردستانی است که شاگردش ملّا حمزه گیلانی آن را جمع آوری و مدوّن ساخته و به این نام نامیده است.(۴)](۵) «رساله در تفسیر آیه نور»، مختصر۵. «رساله تباشیر»۶. «حواشی بر شفا» [کتاب «کلید بهشت» را برخی از او و برخی از ملّا رجبعلی تبریزی دانسته اند امّا در تحقیقات اخیر علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی معلوم شده که متعلّق به حکیم محمّد سعید قمی است.(۶)]

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّد صادق خاتون آبادی بن میر محمّد بن سیّد هادی بن سیّد محسن بن کریم بن سیّد علی حسینی افطسی، عالم فاضل و منجّم ماهر از خاندان مشهور به علم و تقوا بوده و در اصفهان متولّد شده و تحصیل کرده و خصوصا در نجوم و هیأت و استخراج تقویم استاد بوده است. او تقریبا هفتاد سال از «زیج الغ بیگ»، تقویم استخراج نموده است. سرانجام در سال ۱۲۴۴ق وفات یافت.(۷)

[میر محمّد صادق خاتون آبادی در سال ۱۲۲۶ق نسخه ای از «تشریح الافلاک»

۱- الکواکب المنتشره، صص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۲- الذریعه، ج۱۱، ص۱۶۴.

۳- دومین دوگفتار، صص ۳۱ و ۳۵ و ۴۳.

۴- الکواکب المنتشره، صص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۵- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، صص ۲۸۴. ۲۸۵؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۰.

۶- دومین دوگفتار، صص ۳۱ و ۳۵ و ۴۳.

۷- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، صص ۲۸۴. ۲۸۵؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۰.

تألیف: شیخ بهائی را به خط نسخ کتابت کرده و در حاشیه مطالبی مرقوم نموده است. این نسخه به شماره ۶۱۳۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱)]

محمّد صادق لاریجانی

محمّد صادق بن محمّد حسینی لاریجانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در اصفهان نزد علّامه مجلسی به تحصیل پرداخته است. او در دوشنبه از ماه صفر ۱۰۸۹ق از کتابت جلد دوم «استبصار» شیخ طوسی فراغت یافته و در آخر کتاب علّامه مجلسی جهت او اجازه نوشته است. نسخه به شماره ۸۳۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملّا محمّد صادق مجلسی

ملّا محمّد صادق بن ملّا مقصود علی مجلسی، عالم فاضل، از علمای قرن یازدهم هجری. او برادر ملّا محمّد تقی مجلسی و عموی علّامه مجلسی است. ملّا حیدر علی مجلسی از قول میر عبدالباقی خاتون آبادی نقل می کند که ملّا مقصود علی دو فرزندش محمّد تقی و محمّد صادق را جهت تحصیل به ملّا عبداللّه شوشتری سپرده است. و بیش از این از زندگی او اطلاعی در دست نیست.(۳)

محمّد صادق اصفهانی

۱- فهرست مجلس، ج۱۹، ص ۱۶۰.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۶؛ فهرست مجلسی، ج۳، ص۳۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۵۰؛ اجازات الحدیث، ص۲۱۳؛ فیض قدسی، ص ۱۶۱.

۳- مرآه الاحوال جهان نما، ص ۱۰۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۵۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۱؛ الرّوضه النضره، ص۲۷۷.

محمّد صادق بن محمّد مقیم اصفهانی [از نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری[در تاریخ ۱۲ جمادی الثّانی ۱۱۲۶ق نسخه ای از کتاب «مفاتیح الشرایع» تألیف: فیض کاشانی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۴۲۶۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن محمّد مؤمن اصفهانی [از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم و دوازدهم هجری] از آثار اوست:

۱. کتابت مجموعه ای شامل «المبداء و المعاد» تألیف: ملّا صدرا و «رساله فی الحکمه» را که در سال ۱۰۹۵ق در اصفهان کتابت نموده و به شماره ۴۵۳۰ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲) ۲. کتابت «ترجمه و شرح غُرَرُالحِکَم» تألیف: آقا جمال الدّین محمّد خوانساری، که سال ۱۱۱۳ق کتابت شده و به شماره ۱۹۴۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن حاجی مهر علی اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری که] در ۱۶ ذیحجه ۱۲۲۱ق نسخه ای از «تهذیب الاحکام» را به خط نسخ کتابت نموده و به شماره ۶۳۱۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۴)

حاج محمّد صادق تاجر اصفهانی*

۱- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۲۸۲.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۲۰۱.

۳- فهرست رضوی، ج۵، ص۴۶.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۶، ص۲۴۰.

حـاج محمّـد صـادق تـاجر اصـفهانی، از نیکوکاران و خَیّرین قرن سـیزدهم هجری است. او در شـیراز ساکن بوده و آثار خیریه بسیاری را ساخته و وقف کرده است که از آن جمله است کاروانسرای احمدی در شش فرسنگی برازجان.(۱)

حاج صادق تخت فولادی

حاج صادق تخت فولادی عارف کامل و عابـد زاهـد [از عرفاء و اهل سـلوک اصـفهان در قرن سـیزدهم هجری. در جوانی در شغل رنگرزی مشـغول بود. هنگامی که با عارف روشن ضـمیر بابا رسـتم بختیاری آشـنا شده دگرگون شده و به سیر و سلوک روی آورد و به دسـتور اسـتاد به تهجّـد و عبـادت مشـغول شـد. او سالها تحت تعلیمات مراد خود به تزکیه نفس مشغول بود تا اینکه پس از فوت او] در تکیه مادرشاهزاده واقع در تخت فولاد اصـفهان رحل اقامت افکنـده و به تهجّـد و عبادت پرداخت. با وجودی که عـامی و بی سواد بوده، در اثر ریـاضت و تقوا دارای صـفای بـاطن شـده بود معروف ترین شاگرد و مریـد او شـیخ حسنعلی اصفهانی معروف به نخودکی است که مراتب سیر و سلوک را نزد حاج صادق طی نموده است.

این سالک و عارف الهی سرانجام در شب دوشنبه پانزدهم ذی القعده ۱۲۹۰ق وفات یافته و در صحن تکیه مادرشاهزاده (تکیه شیخ محمّد تقی رازی) مدفون شد(۲)

میرزا صادق تسلیم اصفهانی

میرزا صادق اصفهانی متخلّص به «تسلیم»، شاعر و عارف ادیب [از سخنوران قرن سیزدهم هجری] چندی به سفر مشغول بوده و عاقبت به سلسله جلالیه پیوسته و دست

۱- آثار عجم، ص۳۶۸.

۲- رجـال اصـفهان یـا تـذکره القبور، ص۷۷؛ دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۲، ص۷۱۲؛ تاریـخ اصـفهان (تکایـا و مقابر)، ص۱۲۰؛ نشان از بی نشان ها: مقدمه؛ شرح مجموعه گل، صص ۱۶۱-۱۶۴.

ارادت به غلام علی شاه جلالی هندی داده و به سیر و سلوک مشغول شد. دیوان اشعارش قریب به پنج هزار بیت بود.

از اوست:

صوفی که گوید برملا، روی تو دیدم بارها گر راست می گوید چرا، بانگک انا الحق می زند(۱)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّد صادق حسینی خاتون آبادی از علماء و دانشمندان در قرن دوازدهم هجری. در سال ۱۱۴۰ق وفات یافته و در تکیه خاتون آبادی واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

ملّا صادق ذاکری سدهی

ملّا صادق ذاکری سدهی [از شعرای قرن سیزدهم هجری و از اهالی سِدِه ماربین (خمینی شهر) اصفهان است.]

این شعر از اوست:

اندر دل شب ناله شبگیر خوش است در وقت سحر توبه ز تقصیر خوش است

مطلوب سحرگهان بود استغفار چون فجر دمد صدای تکبیر خوش است(۳)

ملّا محمّد صادق روشن اردستانی

ملّا محمّد صادق متخلّص به «روشن» از شعراء و عرفای قرن سیزدهم هجری. از نوادگان ملّا محمّد صادق اردستانی عارف و حکیم اواخر عهد صفویه است. در اصفهان

۱- تذکره ریاض العارفین، ص۴۱۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۰؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۲.

علم و ادب آموخته و به حرفه صحافی مشغول شده است. [آنگاه به طهران رفته و در کارخانه دارالطّباعه خاصّه (چاپخانه دولتی) به صحافی پرداخته است.] در فنون شعر و ادب مهارت داشته و دیوان اشعارش به طبع رسیده است. از مردان صافی ضمیر و عارف مسلک بوده و مرید حاج محمّد کاظم سعادت علی شاه اصفهانی شده و به لقب «روشن علی» ملقّب شده است. او سرانجام در سال ۱۳۰۵ق وفات یافته و جنازه اش به نجف اشرف حمل شده و مدفون گردید. در انواع شعر قصیده و غزل را خوب می گفته و با شعراء و فضلای طهران معاشر و مأنوس بوده است.

از اوست:

ما نشناسیم هیچ، نیک و بد روزگار در دل ما یاد دوست، بر لب ما ذکر یار

عقل من و هوش من، بُرد و به تاراج برد عشوه عابد فریب، غمزه زاهد شکار(۱)

محمّد صادق سرکانی

محمّد صادق بن محمّد علی سرکانی همدانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری[مجموعه ای شامل ۲۶ رساله و مقاله ترجمه از جمله «شرح فارسی موجز»، «ترجمه رساله شهید در عمل بقول میّت»، «ترجمه رساله جمعه» کرکی و «ترجمه رساله اجتهاد» شهید که در یکشنبه ۷ ربیع الاولی ۱۰۳۳ق در اصفهان به خط نسخ نوشته و اصل آن در کتابخانه وزیری یزد و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

۱- طرائق الحقائق، ج۳، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ تذکره مدایح معتمدّیه: خطی؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۳۲۲؛ شمس التّواریخ، ص۸۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۶۹۱-۶۹۴.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۷۰۳.

در فهرست کتابخانه وزیری از مجموعه فوق با عنوان «پراکنده هایی از اصول، کلام، فقه و ادب و غیرها، ترجمه مانند» ذکر شده که از آثار محمّد صادق سرکانی است و به شماره ۱۲۸۳ در آن کتابخانه موجود است.(۱)

همچنین در روز سه شنبه ۱۶ جمادی الثّانی ۱۰۲۸ق از کتابت «مفاوضات» صدرالدّین قونیوی فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۲۶۸۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

کتاب «التّصریح بمضمون التّوضیح» تألیف: شیخ خالد بن عبداللّه ازهری، را به خط نسخ در رجب ۱۰۴۷ق در دارالسّلطنه اصفهان نوشته که در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

سیّد محمّد صادق شهاب*

سیّد محمّد صادق شهاب (افتخاری) هنرمند قرن چهاردهم هجری در سال ۱۲۵۴ش (حدود ۱۲۹۲ق) در محلّه لنبان اصفهان متولّد شد. در جوانی در جرگه آزادیخواهان قرار گرفت و همراه برادرش «افتخارالسادات» در فتح تهران به وسیله قوای بختیاری شرکت کرد و به لقب «شهاب السادات اصفهانی» ملقّب شد. او موفق شد از صدراعظم آن روزگار امین السلطان دستخط بگیرد و باغ هشت بهشت را به باغ ملّی تبدیل کند. او به کشاورزی علاقه فراوان داشت و از مزارع خود امرار معاش می کرد.

سیّد صادق شهاب از جوانی صدای خوشی داشت و قرآن را با صدای نیکو و زیبا می خواند. او از محضر حبیب شاطر حاجی برخوردار شده و آواز را از او آموخت و کم کم استادی نامور شد. او صدای دو دانگ بم و گرم و پخته و گیرا داشت، امّا متأسّفانه اثری از او ضبط نشده است. شهاب علاقه زیادی به موسیقی دان هنرمند ابوالحسن صبا داشت

۱- فهرست وزیری، ج۳، ص۹۱۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۰، ص ۱۵۷۰.

۳- فهرست گوهرشاد، ج۱، ص۱۹۵.

و هر وقت به تهران می رفت به او سری می زد و صبا در سفر به اصفهان، سراغ شهاب می رفت. در یکی از سفرها به تهران، شهاب به همراه صدای ویولون صبا، بیات ترک خواند و گوشه ای را خواند که صبا آنرا برای اولین بار می شنید. لذا صبا این گوشه را «شهابی» نام نهاد.(۱)

شهاب مردی شوخ طبع و بذله گو، حاضر جواب و رُک گو بود و در راه کمک به نیازمندان از هیچ کمکی دریغ نداشت. او سرانجام در ۲۹ مهر ۱۳۲۸ش بر اثر بیماری سل درگذشت و در قبرستان بزرگ مصلای اصفهان (نزدیک خیابان آب ۲۵۰ در تخت فولاد) به خاک سپرده شد.

مادّه تاریخ وفات او را یداللّه بر خوردار متخلّص به «تائب» چنین گفته است:

خرد گفت با «تائب» دل پریش بتاریخ فوتش چنین کن حساب

بنه پا بجمع و بتاریخ گوی: «بسوی جنان رفت صادق شهاب»(۲)

ملّا محمّد صادق صبّاغ کاشانی*

حاج ملّا محمّد صادق صبّاغ کاشانی، عالم فاضل، فقیه ماهر و حکیم متبحّر. وی با وجود کهولت و پیری به تحصیل مشغول بوده و از حاج ملّا هادی سبزواری بهره برده و به مراتب عالی فضل و دانش دست یافته و در کاشان به تدریس پرداخته است. ملّا حبیب اللّه شریف کاشانی از شاگردان اوست. در زهد و تقوا و حُسن اخلاق از نوادر عهد بوده و بنا به ادّعای مرحوم میرزا محمّد علی معلم حبیب آبادی اصلاً اصفهانی است و کتابی در «شرح تشریح الافلاک» نوشته است.(۳)

[او از شاگردان حاج محمّد ابراهیم کلباسی بوده و در اوایل سلطنت ناصرالدّین شاه

۱- هنر موسیقی (ماهنامه)، سال هفتم، شماره ۵۴، اَمرداد ۱۳۸۳، صص ۴ و ۵؛ تاریخ موسیقی ایران، ص۶۷۸؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۳۰۵.

۲- یادداشت های آقای حمید خلیلیان.

۳- لباب الالقاب، ص۱۱۱؛ نقباء البشر، ج۲، ص۸۵۴.

وفات یافته است.]

ملّا محمّد صادق فاضل هرندی

مولی محمّد صادق معروف به «فاضل هرندی» مؤلّف کتاب «زاد الواعظین» به فارسی در دو مُجَلَّد، در فهرست کتب مطبوعه خان بابا مشار نامش محمّد باقر هرندی ذکر شده است و تربیت او را مرندی نوشته است و کتاب در سال ۱۳۲۳ در ۱۳۲صفحه به طبع رسیده است.(۱)

ملّا محمّد صادق کرباسی

آخوند ملّا محمّد صادق اصفهانی کرباسی همدانی، عالم فاضل محقّق. در اصفهان ساکن بوده و ملّا محمّد تقی مجلسی در سال ۱۰۶۸ق به او اجازه داده و او را با القاب «المولی الجلیل و الفاضل النّبیل جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول» ستوده است. این اجازه در مُجَلَّد اجازات «بحارالانوار» آورده شده است.(۲)

محمّد حسین بن حیدرعلی شوشتری در سال ۱۰۷۲ق نسخه ای از «اصول کافی» را نزد صاحب عنوان خوانده و سپس این کتاب را نزد علّامه مجلسی خوانده است. این نسخه در کتابخانه «حسینیه تستریه» نجف اشرف موجود بوده است.(۳)

محمّد صادق گلستانه

محمّد صادق گلستانه [از فضلاء خاندان گلستانه اصفهان در عصر صفویه] در هفتم ربیع الاوّل سال ۱۰۰۱ق نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» را کتابت نموده که به شماره

۱- الذریعه، ج۱۲، ص۱۲؛ فهرست کتابخانه فیضیه قم، ص۶۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۵۳.

۲- الذریعه، ج۱، ص۱۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۹۰؛ نجوم السماء، ص۱۸۱.

۳- الروضه النّضره، ص۲۷۷.

۳۱۱ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱)

کتاب دارای حواشی متعددی به نقل از مجلسی اوّل است که شخصی غیر از کاتب متن کتاب آنرا نوشته است. زیرا تولّد ملّا محمّد تقی مجلسی در سال ۱۰۰۳ق و بعد از کتابت این کتاب بوده است.

[مؤلف فقید در «زندگینامه علّامه مجلسی» صاحب عنوان را به عنوان یکی از شاگردان و یا مجازین ملّا محمّد تقی مجلسی ذکر کرده که صحیح نیست.]

میرزا صادق گویای نطنزی*

میرزا صادق حسینی نطنزی متخلّص به «گویا»، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. او برادرزاده میر ابوالمعالی حسینی برزرودی نطنزی واقعه نویس و داماد او بود. در اصفهان به تحصیل علوم نقلی و عقلی نزد جمعی از دانشمندان اصفهان از جمله علّامه ملّا سلطان حسین ندوشنی یزدی پرداخت. چندی نگذشت که به او شوریدگی و سودا غالب شد. او ترک درس و بحث کرده، به کاشان رفت و قهوه خانه ای خریده و در آنجا فوت شد. سال فوتش معلوم نیست ولی مُسَلّم است که قبل از سال ۱۰۸۳ق اتّفاق افتاده است.(۲)

از اوست:

جایی که ترک سر اوّلین قدم بود غفلت نگر که طره به دستار می زنند

میر محمّد صادق موسوی خواجوئی

میر محمّد صادق موسوی خواجوئی، عالم فاضل کامل [از علمای قرن دوازدهم هجری] در ماه شعبان المعظّم سال ۱۲۰۳ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۲۷۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۳۹۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۶۰ و ۱۶۱؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

صادق موسوی مازندرانی

صادق موسوی مازندرانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری ساکن اصفهان] در سال ۱۲۲۴ق در اصفهان کتاب «شرح درایه» شهید ثانی را کتابت نموده که ضمن مجموعه شماره ۱۱۴۳ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است. همچنین او در سال ۱۲۴۴ق «رساله مشاعر» ملّا صدرا و «رساله تصوّر و تصدیق» و «شواهد الرّبوبیّه» وی را کتابت نموده و ضمن مجموعه شماره ۱۲۷۰ در همان کتابخانه نگهداری می شود.(۱)

میرزا محمّد صادق مستوفی*

میرزا محمّد صادق، خوشنویس ادیب قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و در دستگاه اداری صفویه در منصب مستوفی الممالکی به خدمت مشغول بود. در حساب و سیاق مهارت به سزایی داشت و اهل فضل و ادب بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت.

او در سال ۱۰۸۴ق نسخه ای از کتاب «هشت بهشت» تألیف: ادریس بدلیسی رومی را به خط نستعلیق خوش کتابت کرده که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میرزا محمّد صادق ناطق اصفهانی

میرزا محمّد صادق اصفهانی متخلّص به «ناطق» از شعراء و ادبای قرن سیزدهم هجری. پدرش از اَتراک [ترک ها] و مادرش از اهالی مدینه منوّره است. مدّتی در خوزستان و آذربایجان مسافرت کرد و عاقبت در اصفهان ساکن شد. در فن مادّه

۱- فهرست فیضیه (استادی)، ج۳، صص ۵۹ و ۸۶.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی؛ فهرست الفبائی رضوی، ص ۶۱۱.

تاریخ سرایی ید طولایی داشته است. از شاهکارهای او قصیده ۶۲ بیتی سراپا تاریخ درباره تذهیب گنبد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم است که به «قصیده معجزیّه» معروف است و در سال ۱۲۱۸ق سروده شده است و از هر مصرع آن به حروف ابجد عدد ۱۲۱۸ به دست می آید. عجیب تر آنکه از جمله های زیر نیز همان تاریخ به دست می آید.

۱. «بسم اللّه الرحمن الرحیم باسم موجود کریم» ۱۲۱۸

۲. «این قصیده مسما بقصیده معجزیه است» ۱۲۱۸

۳. «یکصد و بیست و چهار مصراع» ۱۲۱۸

ناطق اصفهانی در سال ۱۲۳۵ق وفات یافت. [از آثار او کتاب «بحر الفاظ» در باب ساختن مادّه تاریخ است که ۵ سال مشغول نگارش آن بوده و در این کتاب از کتاب لطف اللّه بن عبدالکریم کاشانی بهره گرفته است. نسخه ای از آن به شماره ۴۰۳ در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود. نسخه هایی از «دیوان اشعار» او در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، کتابخانه ملّی و کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.]

این چند بیت از قصیده معجزیه اوست:

این قُبه راست جای بجایی که پایه اش از اوج ماه و مهر و زحل برتر آمده

وین قُبه رفیع بدانجا رسانده قدر کز قدر با سپهر برین همسر آمده

زهرا عفاف فاطمه بنت موسی آنک بر وی شرف ز فاطمه و حیدر آمده

سلطان عهد فتحعلی شاه آن کز او بستان ملک و گلبن جان را برآمده(۱)

۱- تذکره نگارستان دارا، ص۲۷۲؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۱۱۱-۱۲۱؛ تذکره اختر، ج۱، ص۲۱۳؛ تذکره سفینه المحمود، ج۱، ص۳۳۷؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۰۸۸؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۵۲؛ تذکره دلگشا، صص ۵۲۹-۵۳۱؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۱۰۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۹ و ج۲، ص۹۷۱؛ فهرست اعظم قم، ص۴۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۵۰۹؛ دویست سخنور، ص۴۶۱.

محمّد صادق ناظم تبریزی

محمّد صادق تبریزی متخلّص به «ناظم» شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن بود. وی به دستور شاه عباس از سال ۱۰۲۸ق تألیف تذکره خود را شروع کرده و در سال ۱۰۳۰ق به مکّه معظّمه سفر نموده و در آن ارض مقدّس ساکن شده و در سال ۱۰۳۶ق تذکره را به پایان رساند. سال وفاتش معلوم نیست. گفته اند که در اواخر عمر به هند رفته و در مراجعت از آنجا در سفر دریایی وفات یافت.

از آثار او: ۱. «تذکره نظم گزیده»۲. «دیوان اشعار»۳. «مثنوی فیروز و شهناز»

از اوست:

سوختم ز آتش شوق تو ز پا تا سر خویش کو نسیمی که فرستم به تو خاکستر خویش(۱)

میرزا محمّد صادق نامی اصفهانی

میرزا محمّد صادق موسوی اصفهانی متخلّص به «نامی» شاعر، ادیب و مورّخ توانای قرن دوازدهم هجری.

از سلسله سادات موسوم به «حکیم سلمانی» اسفهان است. اجدادش منصب حکیم باشی دربار صفویه را برعهده داشته اند و خود او برادرزاده میرزا محمّد رحیم حکیم باشی است.

[در اصفهان متولّد شده و در این شهر به کسب علم و فضیلت مشغول شد و چندی بعد به شیراز رفته، به خدمت کریم خان زند درآمد و به خواهش او تألیف کتابی درباره

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۸۹؛ کاروان هند، ج۲، صص ۱۴۱۳-۱۴۱۶؛ تذکره روز روشن، ص۷۹۶؛ تذکره غنی، ص۱۳۳؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۶۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ناظم تبریزی»، ص۱۸۶.

تاریخ زندیه را آغاز کرده و آنرا «تاریخ گیتی گشا» نامید. او در شعر طبعی روان داشت و در انجمن ادبی صباحی شرکت می کرد و از شاعران طرفدار سبک بازگشت بود. او به تتبع و نظیره سازی آثار نظامی گنجوی علاقه زیاد داشت لذا خمسه ای موسوم به «نامی نامه» (و شامل «دُرج گهر»، «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «یوسف و زلیخا» و «وامق و عذرا») را به تقلید از خمسه نظامی سرود.پس از درگیری های فراوان زندیه و قاجاریه خصوصا آقا محمّدخان قاجار با جعفرخان و لطفعلی خان زند و انقراض سلسله زندیه، «نامی» مورد بی اعتنایی قرار گرفته و به فقر و فاقه مبتلا شد و در خوردن افیون افراط کرد]، تا اینکه در سال ۱۲۰۴ق وفات کرد.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «خسرو و شیرین» که به شماره ۳۵۹۴ در کتابخانه مرحوم حاج محمّد نخجوانی در تبریز وجود داشت.(۲) ۲. «لیلی و مجنون» که نسخه های آن در کتابخانه های نخجوانی و آیت اللّه گلپایگانی، ملّی، مجلس سنای مرکزی دانشگاه تهران، ملک، دارالکتب قاهره و چند کتابخانه دیگر وجود دارد.(۳) ۳. «وامق و عذرا» که در کتابخانه های نخجوانی، ملّی تبریز و ملّی ایران نسخه هایی از آن موجود است. این منظومه در سال ۱۳۸۱ش به تصحیح رضا انزابی نژاد و غلامرضا طباطبایی مجد به چاپ رسیده است.(۴) ۴. «یوسف و زلیخا» ۵. «درج گوهر» که در کتابخانه نخجوانی موجود است. ۶. «ساقی نامه» که نسخه ای از آن را مرحوم گلچین معانی داشته است.(۵)۷. «دیوان اشعار»(۶)۸. «تاریخ

۱- تذکره آتشکده: نیمه دوم، صص ۶۵۴ و ۶۵۵؛ تذکره مجمع الصفحاء، ج۶، صص ۱۰۸۲ و ۱۰۸۳؛ تذکره سفینه المحمود، ج۱، ص۳۳۹؛ انجمن های ادبی شیراز، ص۵۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نامی اصفهانی»، ص۲۶۳؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۲۹؛ تاریخ گیتی گشا: مقدمه؛ وامق و عذرا: مقدمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۴؛ ماهنامه حافظ، شماره ۲۰، مورخ آبان ماه ۱۳۸۴، ص ۴۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۸۱۴.

۲- وامق و عذرا: مقدمه.

۳- فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۴، ص۳۱۰۸.

۴- وامق و عذرا: مقدمه.

۵- فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۴، ص۲۸۸۸.

۶- الذریعه، ج۹، ص۱۱۶۵.

گیتی گشا» که نسخه های متعددی از آن موجود است و بارها به طبع رسیده است. مؤلف وقایع عصر زندیه را تا محرم سال ۱۲۰۰ق آورده و شاگردش میرزا عبدالکریم بن علیرضا شیرازی ذیلی بر آن نوشته و محمّد رضا شیرازی نیز ذیل دیگری نوشته است.(۱)]۹. «منشآت» که ملّا عبدالکریم کرمانی آن را انتخاب نموده است.

صادق نوری مازندرانی

صادق نوری مازندرانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و] در سال ۱۱۹۷ق کتاب «حقایق» فیض کاشانی را به خط نستعلیق در مدرسه جدیده اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۷۶۲۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

[ظاهرا صحیح آن باید مدرسه جدّه اصفهان باشد.]

صادق یزدانی*

صادق یزدانی، از فرهنگیان باسابقه و شعرای خوش ذوق اصفهان در سال ۱۳۰۰ه .ش در قریه «چالشتر» منطقه چهارمحال متولّد شد. پدرانش از خوانین معتبر آن ناحیه بودند. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود طی کرد. سپس به دبیرستان سعدی رفت و پس از ۳ سال در دانشسرای مقدماتی اصفهان ادامه تحصیل داد و دیپلم گرفت و به استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش فعلی) درآمد و طی سالهای خدمت به تدریس و مدیریت مدارس و دبیرستانهای اصفهان پرداخت و در حین تحصیل، در دانشگاه، در رشته زبان فرانسه تحصیل کرد و لیسانس گرفت.

او در سال ۱۳۵۷ش بنا به تقاضای شخصی بازنشسته شد و چند سال بعد عضو

۱- تاریخ گیتی گشا: مقدمه.

۲- فهرست رضوی، ج۶، ص۴۰۷.

هیأت مدیره کانون بازنشستگان گردید. او در سالهای خدمت در آموزش و پرورش، از طرف رؤسای دبیرستان ها، هنرستان ها و دانشسراها به عضویت شورای آموزش و پرورش انتخاب شد.

گاهی شعر می سرود. از اوست:

راستی زندگی ست هم چو سراب پایه کاخ آرزوست بر آب

دور هستی مرا چو خوابی بود من چه گویم که چون حبابی بود(۱)

صاعدای اصفهانی

صاعدای اصفهانی از سخنوران و شاعران قرن دوازدهم هجری است. منظومه «لیلی و مجنون» در ۲۹۰۰ بیت از آثار اوست که با این بیت آغاز می شود:

این نام به نام آن یگانه کو راست بقای جاودانه

و انجام آن نیز این بیت است:

جاوید بماند این در ایّام محبوب قلوب خاصه و عام

نسخه در سال ۱۱۷۱ق کتابت شده و یادداشت برادرزاده شاعر «میرزا ابوطالب» بر روی یکی از برگ های کتاب مشهود است. این نسخه به شماره ۲۶۶۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۲)

میرزا محمّد صالح آزادانی

میرزا محمّد صالح آزادانی، شاعر و ادیب فاضل قرن یازدهم هجری. از اهالی قریه «آزادان» ماربین اصفهان بوده و در اوایل قرن یازدهم هجری به هندوستان سفر کرده و به خدمت عبدالرحیم خان (خان خانان) در آمده و وزیر سورت شد. در سال ۱۰۲۱ق از

۱- اصفهان، مدارس نوین و مفاخر آن، صص ۲۳۰-۲۳۲؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۸۵۴.

۲- فهرست مجلس، ج۸، ص۴۲۵.

آن شغل کناره گرفته به گجرات رفت و به خدمت شاه جهان پادشاه هند درآمد و وزارت بندر سورت را به دست آورده به سورت بازگشت.

او سرانجام در ۱۸ شوال ۱۰۴۳ق وفات یافت. از او چهار پسر به جای ماند: محمّد تقی (پدر میرزا محمّد طاهر نصرآبادی) که به ایران آمد، میرزا محمّد صادق مینا، میرزا محمّد سعید و میرزا محمّد جعفر که در هند باقی ماندند.

میرزا محمّد صالح، در ریاضیات و سیاق و فنون شعر و ادب استاد بود و قصاید و غزلیات او حدود سه هزار بیت بوده است.

این رباعی از اوست:

بر گرد چمن بسی دویدیم چو آب جز عکس گل و لاله ندیدیم در آب

از باد ز بی دلی طپیدیم چو آب در خاک ز ماندگی خزیدیم چو آب(۱)

صالح ابهری

صالح ابهری [از فضلاء قرن یازدهم هجری]. در سال ۱۰۸۰ق کتاب «الفی کتاب بین شرحی الاشارات» قطب رازی را در مدرسه النّاظر کتابت نموده است. قسمت «طبیعیات» کتاب به شماره ۱۶۱۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

محمّد صالح اردستانی*

محمّد صالح اردستانی [از فضلای قرن یازدهم هجری]. وی نسخه ای از «قواعد الاحکام» تألیف: علّامه حلّی را به خط نسخ در سال ۱۰۸۴ق کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۲۵۲۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۶۶۰؛ کاروان هند، ج۱، صص ۶۷۸-۶۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۰ و ۱۸۱.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۶۰.

۳- فهرست الفبایی رضوی، ص۴۵۰؛ الرّوضه النّضره، ص۲۸۰.

محمّد صالح استرآبادی

مولی محمّد صالح استرآبادی، از دانشمندان و محدّثین و فقهای قرن یازدهم هجری است. در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان ساکن بوده و در آنجا تدریس می کرده است. ملّا محمّد زمان تبریزی در کتاب خود «فرائد الفوائد» از او نام برده است.(۱)

محمّد صالح اصفهانی

محمّد صالح اصفهانی [از فضلاء و کاتبان نستعلیق نویس قرن یازدهم هجری] در یک شنبه ۱۷ جمادی الثّانیه ۱۰۷۴ق کتابت مجموعه ۱۹ رساله از رسائل صائن الدّین علی بن محمّد ترکه اصفهانی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۰۳۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملّا محمّد صالح چادگانی

آخوند ملّا محمّد صالح چادگانی فریدنی فرزند ملّا ابراهیم، عالم فاضل، حکیم عارف و فقیه زاهد [از عرفاء و فضلای دوره قاجاریه]

در سال ۱۲۴۰ق در «چادگان» فریدن اصفهان متولّد شده، مقدمات علوم را در اصفهان آموخته، سپس سالها در سبزوار از محضر حاجی ملّا هادی حکیم سبزواری در حکمت استفاده نمود.

او به وسیله آقا محمّد کاظم سعادت علی شاه اصفهانی به سلسله فقر و سلوک وارد شده، با حاج ملّا سلطان محمّد گنابادی تجدید عهد نموده سالها در موطن خویش منزوی بوده و به عبادت و ریاضت می گذرانیده(۳) [است. سرانجام در ۱۵ شوّال ۱۳۳۰ق وفات

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۵؛ الروضه النّضره، ص ۲۸۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۳۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۳؛ نابغه علم و عرفان، ص ۴۴۰؛ دیباچه ای بر جغرافیای تاریخی فریدن، ص۱۷۹.

یافته و مدفون گردید.(۱)]

وی نسخه ای از «مبداء و معاد» ملّا صدرا را به خط نسخه در جمادی الاولی ۱۲۷۶ق کتابت نموده که به شماره ۲۲۸۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

محمّد صالح اصفهانی

محمّد صالح بن میرزا ابوتراب اصفهانی، از خوشنویسان مشهور عهد صفویه است. در اواسط قرن یازدهم هجری در اصفهان متولّد شده و نزد پدرش که شاگرد میرعماد بود به مشق خط نستعلیق مشغول شد و به مقامی والا در خوشنویسی نستعلیق دست یافت. او عمر خود را صرف تعلیم خط به علاقمندان، کتابت و قطعه نویسی و کتیبه نویسی ابنیه و سنگ نوشته ها گذرانید تا اینکه در روز ۱۸ ربیع الاوّل ۱۱۲۶ق در اصفهان وفات یافت و جنب مزار پدرش در مسجد لنبان مدفون شد. او تذکره ای درشرح حال خوشنویسان عهد خویش نوشته که ارزشمند و مفید است.

از خطوط نستعلیق او بر روی کاشی، کتیبه های مدخل مدرسه چهارباغ (به سال ۱۱۱۹ق) بالای ایوان چهلستون (۱۱۱۸ق) و کتیبه بر روی سنگ مزار صائب تبریزی (سال ۱۰۸۷ق) و میر عبدالعال نجات (سال ۱۱۲۲ق) را می توان نام برد. همچنین او ده ها قطعه خوشنویسی به خط زیبای خود نوشته که در کتابخانه سلطنتی سابق و کتابخانه های ملّی ایران، مدرسه عالی سپهسالار، ملک، آستان قدس رضوی، دانشگاه استانبول ترکیه و در مجموعه های خصوصی داخل و خارج از کشور موجود است.

محمّد صالح اصفهانی گاهی شعر می سروده و این رباعی از اوست:

آنها که درین دیر فنا یار همند پیوسته پی شکست بازار همند

ارباب کمال را هنر معشوق است گر نیست چنین بهر چه اغیار همند(۳)

۱- یادداشت های محقق ارجمند آقای سیّد رضا نوحی چادگانی.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۹، ص۹۲۶.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۷۶۷-۷۷۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۲۸-۱۳۰؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۶۹-۷۱.

محمّد صالح اصفهانی*

محمّد صالح بن ابوالفتوح اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. او جزء اوّل و دوم کتاب «من لایحضره الفقیه» را به خط نسخ در سال ۱۱۱۹ق و جزء سوم و چهارم آن را در سال ۱۱۲۴ق کتابت نموده است که به ترتیب، به شماره های ۱۸۷۴ و ۱۸۷۹ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۱)

صالح اصفهانی*

صالح بن احمد اصفهانی، از کاتبان قرن دوازدهم هجری است. او نسخه ای از «بحارالانوار» (جلد سوم: مباحث عدل و معاد و جلد چهاردهم: کتاب سماء و العالم) تألیف: علّامه مجلسی را در سال ۱۱۴۰ق در نجف اشرف کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۶۰ در کتابخانه آیت اللّه جلیلی در کرمانشاه موجود است.(۲)

میر محمّد صالح میردامادی

میر محمّد صالح بن میر سیّد احمد بن سیّد محمّد حسین بن میر سیّد محمّد اشرف دوم بن میر محمّد حفیظ حسینی عاملی میردامادی، عالم فاضل جلیل عابد زاهد کامل.

در اصفهان نزد علماء این شهر تلمّذ نموده، در سده ساکن و در مسجد آنجا امامت می نموده و مورد توجّه و عنایت عموم علماء و مؤمنین بود و در شب های جمعه در مساجد خوزان و بقعه امامزاده سیّد محمّد سده و در اصفهان در مسجد جناب سعید بن

۱- فهرست سپهسالار، ج۱، ص ۳۳۰؛ الکواکب المنتشره، ص ۳۶۱.

۲- فهرست جلیلی، ص ۴۰.

جبیر اسدی کوفی واقع در زاویه شرقی جنوبی صحن امامزاده واجب التّعظیم و التّکریم درب امام احیاء و قرائت دعای کمیل را به جای می آورده است.

او پس از وفات در بقعه جدّ اعلای خویش میر محمّد اشرف در قبرستان ورنوسفادران [در خمینی شهر] مدفون شد.(۱)

صالح بن احمد

ابی الفضل صالح بن احمد بن حنبل [شیبانی] از فقهاء و محدّثین عامّه در قرن سوم هجری.

وی در سال ۲۰۳ق متولّد شده و از پدرش و از «ابی الولید طیالسی»، «عفّان»، «علی بن مدینی» و «ابراهیم بن ابی سوید» حدیث شنیده و «ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن یحیی قصّار»، «ابوعلی حصائری»، «ابن صاعد»، «زهیر»، «محمّد بن اسحاق»، «محمّد بن احمد بن یزید»، «ابی بکر بن ابی عاصم بغوی»، «محمّد بن مَخلَد»، «عبدالرّحمان بن ابی حاتم»، «محمّد بن جعفر خزائطی»، «محمّد بن عمر بن عبداللّه» و دیگران از او حدیث نقل کرده اند.

جهت قضاوت به اصفهان آمده و در این شهر بود تا در رمضان ۲۶۶ق در اصفهان وفات یافته و در مقبره «باب طیره» واقع در «مدینه» (شهرستان) اصفهان مدفون شد.

او را در حدیث «ثقه و صدوق» دانسته اند.(۲)

ملّا محمّد صالح مازندرانی

ابوالفضایل حسام الدّین آخوند ملّا محمّد صالح مازندرانی بن احمد بن شمس الدّین

۱- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص ۳۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۴۸؛ طبقات المحدّثین، ج ۳، صص ۴۲ و ۴۳؛ طبقات الفقهاء، ص ۱۴۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۵۲۹؛ الجرح و التّعدیل، ج ۴، ص ۱۷۲۴؛ المنتظم، ج ۵، ص ۵۱؛ مزارات اصفهان، ص ۱۷۶.

طبری مازندرانی، عالم فاضل، فقیه محقّق و محدّث مدقّق، عابد زاهد متّقی [از اکابر علمای قرن یازدهم هجری]

سال تولد و هجرت او از زادگاهش به اصفهان معلوم نیست. در اصفهان در نهایت فقر و فاقه به سر می برده امّا با همت و پشتکار به تحصیل پرداخته و از محضر درس ملّا عبداللّه شوشتری و فرزندش ملّا حسنعلی شوشتری، شیخ بهائی و ملّا محمّد تقی مجلسی حاضر شده و به افتخار دامادی استادش مجلسی اوّل نائل شده و خود عالمی جامع و فقیهی مبرّز گردید. او عمر را به زهد و قناعت گذرانیده و از مقام و منصب دوری گزیده و به انزوا زندگی کرده و به تحقیق و تألیف و تدریس مشغول بوده است.

او سرانجام در سال ۱۰۸۶ق وفات یافته و در بقعه خاندان مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد.

ملّا محمّد صالح مازندرانی از آمنه بیگم دختر ملّا محمّد تقی مجلسی صاحب شش پسر به نام های: ملّا حسنعلی، ملّا محمّد حسن، ملّا محمّد سعید اشرف، ملّا عبدالباقی، ملّا نورالدّین محمّد و آقا هادی مترجم گردید. یکی از دخترانش همسر ملّا محمّد اکمل اصفهانی و مادر آقا محمّد باقر وحید بهبهانی است.(۱)

محمّد قاسم تبریزی عباس آبادی متخلّص به «زاهد» این مرثیه را در واقعه فوت او سروده که بر سنگ لوح قبر او منقور بوده است:

۱- امل الآمل، ج۲، ص۲۷۶؛ جامع الروّاه، ج۲، ص۱۳۱؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۳۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۲۳-۷۲۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۳۴-۳۳۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ روضات الجنات، ج۴، ص۱۱۵؛ فیض قدسی، صص ۲۰۸-۲۱۱؛ مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، صص ۱۲۷-۱۳۰؛ فوائد الرضویه، صص ۵۴۲-۵۴۵؛ ریحانه الادب، ج۵، صص ۱۴۶-۱۴۸؛ لباب الالقاب، ص۹۰؛ قصص العلماء، (چاپ ۱۳۸۰ش)، صص ۲۲۰-۲۲۲؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۱۷-۳۲۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۰-۲۵؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۴۶۹-۴۷۱؛ الذریعه، ج۶، صص ۲۰۷ و ۱۳۱ و ج۱۳، صص ۲۹۷ و ۳۰۰ و ج۱۴، ص۲۷.

آه و افسوس و فغان و فریاد افضل و اعلم و امجد شده فوت

یعنی آخوند ملّا محمّد صالح کز همه بود سرآمد، شده فوت

او مَلَک بود عجب نیست اگر گویمش روح مُجرّد شده فوت

جُست تاریخ وفاتش «زاهد» که کی آن ذات مؤیّد شده فوت

هاتفی گفت بتاریخ که: «آه صالح دین محمّد شده فوت»

وی را تألیفات چندی است که دلالت بر عُلُومّ مقام علمی و احاطه و جامعیّت او می کند بدین قرار:

۱. «حاشیه بر شرح لمعه» ۲. «حاشیه بر شرح مختصر الاصول عضدی» ۳. «حاشیه بر معالم» که با «حاشیه معالم» خلیفه سلطان (سلطان العلماء» یک جا به چاپ رسیده است.۴. «شرح بر اصول کافی» که بهترین و کامل ترین تألیفات وی به شمار می رود و در آن از افراط و تفریط اجتناب نموده و اعتراضاتی بر شرح آخوند ملّا صدرا دارد. کتاب در ۱۲ جلد با تعلیقات عالم جلیل حاج میرزا ابوالحسن شعرانی طهرانی به چاپ رسیده است.۵. «شرح بر روضه کافی» که در سال ۱۳۱۱ق در هامش «روضه کافی» به چاپ رسیده است.۶. «شرح بر زبده الاصول» تألیف: شیخ بهائی و آن شرح مزجی است. نسخه به شماره ۴۲۹۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱) [و نسخه های دیگری از آن در کتابخانه مدرسه امام بروجردی در نجف و کتابخانه مدرسه مروی طهران موجود است.(۲)]۷. «شرح بر فروع کافی». حاجی نوری در خاتمه «مستدرک الوسائل» می نویسد: امیر حامد حسین لکهنویی به من نوشته اند که من به مجلدی از شرح ملّا صالح بر «فروع کافی» مطلع شدم و ملاحظه نمودم. بنابراین باید مجلّدات «شرح فروع کافی» ملّا صالح مفقود شده باشد.(۳)۸. «شرح قصیده برده» که نسخه آن به شماره ۸۸۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم و نسخه ای هم در کتابخانه

۱- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۳۰۲.

۲- فهرست مروی، ص۱۵۷؛ دلیل المخطوطات، ج۱، ص۲۲.

۳- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۲۵۹.

آیت اللّه روضاتی در اصفهان موجود است و در آخر شرح به نام مؤلّف تصریح شده است.(۱). ۹. «شرح قصیده دُریدیّه» ۱۰. «شرح بر من لایحضره الفقیه».

ملّا محمّد صالح بیدگلی*

ملّا محمّد صالح بن احمد بیدگلی کاشانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است. در جرقویه اصفهان ساکن بوده و ظاهرا به تدریس ادبیات و تبلیغ دین و کتابت مشغول بوده است. او «شرح صمدیه» تألیف: عبدالعظیم بن محمّد بن عبدالغنی حسینی را در یکشنبه اوّل جمادی الاوّل ۱۲۱۶ق در جرقویه به خط نستعلیق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۳۰۲ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲) برادرش آخوند ملّا محمّد علی بیدگلی و فرزندش «محمّد تقی بن محمّد صالح» از فضلاء آن روزگار بوده و در قریه «پیکان» جرقویه سکونت داشته اند.

ملّا محمّد صالح روغنی قزوینی

ملّا محمّد صالح بن محمّد باقر روغنی قزوینی، [عالم فاضل، محدّث و ادیب دانشمند، از علمای قرن یازدهم هجری] در قزوین متولّد شده و در زادگاه خود و اصفهان به تحصیل پرداخته و از شاگردان میرداماد بوده است. وی سالها در اصفهان به تحصیل و تدریس و تألیف مشغول بوده و پس از چندی به مشهد مقدس رفته و تا آخر عمر آنجا بوده و ظاهرا در اوایل قرن دوازدهم هجری وفات یافته است.(۳)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۸۳؛ فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص ۳۸۸-۳۹۲.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۲۶۱.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۴ و ۴۵؛ امل الآمل، ج۲، ص۲۷۷؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۱۴۶۹ و ۱۴۷۰؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۴۳.

۱. «رساله در اکل آدم من الشّجره»(۱) ۲. «برکات المشهد المقدّس» در ترجمه «عیون اخبار الرّضا علیه السلام » که در سال ۱۰۷۵ق تألیف شده و در آخر گوید: «بر خود به عهد و قسم واجب کرده ام که تا آخر عمر از مشهد مقدّس خارج نشوم» [نسخه ای از این کتاب به شماره ۱۸۹۶ف در کتابخانه ملّی ایران موجود است که در سه شنبه ۲۱ شعبان ۱۰۷۷ق کتابت شده و ظاهرا به خط مؤلف است.(۲) نسخه دیگری به شماره ۵۴۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است که وجیه الدّین بن جلال الدّین در شوال ۱۰۸۱ق به خط نسخ کتابت کرده است.(۳)] ۳. «ترجمه توحید مُفَضَّل» که در صفر سال ۱۰۸۰ق تألیف شده است.(۴) [نسخه ای از آن به شماره ۷۴۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است که خطوط نستعلیق ترجمه آن به خط شمس الدّین محمّد رضوی و به تاریخ ۶ ربیع الاوّل ۱۰۸۱ق است.(۵)] ۴. «ترجمه صحیفه سجادیّه» [که از شرح و ترجمه مولانا بدیع الزّمان قهپایی در آن استفاده شده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه شیخ محمّد علی دَیّانی در بیرجند موجود است که محمّد تقی بن حاج غلامرضا مشهدی در جمعه ۱۷ صفر ۱۰۷۱ق آن را کتابت کرده است.(۶) در همان کتابخانه نسخه دیگری وجود دارد که در ۱۹ شعبان ۱۰۸۱ق کتابت شده است.(۷) نسخه ای هم در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم وجود دارد که محمّد هادی بن محمّد گیلانی آن را در یکشنبه ۱۹ صفر ۱۰۹۱ق کتابت کرده است.(۸)] ۵. «ترجمه عهدنامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام »که در سال ۱۰۸۱ق تمام شده است. [نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران و نسخه ای دیگر در کتابخانه مجلس شورا موجود است.(۹)]

۱- الذریعه، ج۱۱، ص۱۰۴.

۲- فهرست ملّی، ج۴، صص ۳۵۰ و ۳۵۱.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۴، صص ۲۳۱ و ۲۳۲.

۴- الذریعه، ج۴، ص۹۱.

۵- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۳۹.

۶- فهرست دیّانی، صص ۸۹ و ۹۰.

۷- فهرست دیّانی، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۸- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۳۴.

۹- الذریعه، ج۴، ص۱۱۹؛ فهرست مجلس، ج۱۴، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۶. «ترجمه و شرح نهج البلاغه» [که در سال ۱۳۲۱ق در ایران به طبع رسیده است. ولی به اشتباه آن را به ملّا صالح برغانی قزوینی نسبت داده اند.(۱) مؤلف ابتدا شرحی به عربی به نهج البلاغه افزوده است. نسخه خطی این کتاب که در سال ۱۰۸۸ق کتابت شده، در مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۲)]۸. «شرح صحیفه سجّادیه» به عربی که در سال ۱۰۷۳ق به اتمام رسیده است. [اصل شرح از مولانا رضا علی طالقانی بوده که ناتمام مانده و روغنی قزوینی آن را به پایان برده است. نسخه ای از این کتاب که در کتابخانه خورشید گردیزی در مولتان پاکستان وجود دارد، به خط اسماعیل بن ذوالفقار و به تاریخ رجب ۱۰۸۶ق است.(۳)] ۱۰. [«کنوز العرفان و رموز اصحاب الایقان»] در شرح برخی از اشعار مثنوی [نسخه ای ظاهرا به خطّ مؤلّف در کتابخانه امام صادق علیه السلام قزوین موجود است و اخیرا به چاپ رسیده است.(۴)] ۱۱. «شرح دعای سمات» که نسخه ای از آن به شماره ۶/۱۳۱۵ به خط محمّد جدیدالاسلام بن حسین خراسانی در قرن سیزدهم هجری کتابت شده است.(۵) ۱۲. «محاکمه بین فقیر و غنی» [به فارسی، در توضیح جمله ای از «نهج البلاغه»] ۱۳. «منشور (منثور) ادب الهی و دستورالعمل کارآگاهی» شرح فارسی بر وصیت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است به حضرت مجتبی علیه السلام که بعد از جنگ صفین مرقوم فرموده. [نسخه ای از آن در کتابخانه آیه اللّه نجفی اصفهان موجود است.] ۱۴. «مقامات» [که نسخه خطی آن در کتابخانه سیّد نصراللّه تقوی در تهران وجود داشته است.(۶)] ۱۵. «نوادر الادب و العلوم» [که میرزا عبداللّه افندی در «ریاض العلماء» در ذیل شرح حال ملّا حسین واعظ کاشفی آن را از مؤلّفات روغنی دانسته است.(۷)] ۱۶. «ترجمه مناجات خمسه عشر» به فارسی که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه

۱- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۲۸.

۲- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۲۸.

۳- فهرست خورشید گردیزی، ص ۳۰.

۴- فهرست امام صادق علیه السلام قزوین، صص ۲۱۴ و ۲۱۵.

۵- فهرست مرعشی، ج۳۴، ص۲۹۹.

۶- الذریعه، ج۲۲، ص۷.

۷- الذریعه، ج۲۴، ص۳۴۴.

مرعشی موجود است.(۱) ۱۷. «ترجمه فضائل ادعیه»، به عربی و فارسی در ۱۳ باب، که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲) ۱۸. «ترجمه کلمات قصار» یا «حکمت اسلام» به فارسی که به شماره ۹۲۳۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. به کوشش مرحوم محدث ارموی به چاپ رسیده است.(۳) ۱۹. «الامامه» که امامت را با استفاده از خطبه های نهج البلاغه اثبات کرده است. نسخه به خط مؤلف نزد سیّد میرزا هادی خراسانی حائری در کربلا موجود بوده است.(۴)

محمّد صالح بن پیرزاد

محمّد صالح بن پیرزاد [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۷۴ق از کتابت نسخه ای از کتاب «تحریر اکر نادوسیوس» به خط نسخ در اصفهان فراغت یافته و نسخه به شماره ۳۲۹۳ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۵)

[شاید او فرزند محمّد رفیع زاهدی معروف به «پیرزاده» (از شاگردان ملّا رجبعلی تبریزی) باشد.]

میر محمّد صالح آقا دگمه چین

میر محمّد صالح خاتون آبادی معروف به «آقا دگمه چین» بن سیّد جعفر بن میر محمّد صالح، عالم فاضل جلیل. [از علمای قرن سیزدهم هجری] در محلّه چهارسو علیقلی آقا از متفرّعات محلّه بیدآباد اصفهان ساکن و در مسجد علیقلی آقا امامت می نموده و به آقای دگمه چین (تکمه چین) مشهور بوده این شهرت تا این زمان در بین اعقاب او مشهور [است] در سال های اخیر کلمه «سادات» را نام خانوادگی خود قرار دادند.(۶)

۱- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۴۲۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۰، صص ۴۱۴ و ۴۱۵.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۱۶۶.

۴- الذریعه، ج۲، ص۳۲۸.

۵- فهرست ملک، ص۱۱۲.

۶- بیان المفاخر، ج۱، ص۲۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹؛ مرآت الاحوال جهان نما، صص ۱۰۴ و ۲۶۲ و ۲۶۶.

محمّد صالح باغ سهیلی

محمّد صالح بن حاج حسنعلی باغ سهیلی [از کاتبان اوایل عهد صفویه] دو رساله از شهید ثانی به نام های «رساله در حکم کسی که در محل ساکن است و...» و «رساله در طواف حائض» را در ربیع الاوّل سال ۱۰۰۱ق کتابت نموده است.(۱)

باغ سهیل از محلّه های اصفهان است و قبرستان باغ سهیل و شیرسبز در حوالی طوقچی، مقبره جماعتی از سادات گلستانه بوده که از بین رفته و در اراضی ان در سالهای اخیر مسجد ساخته اند.(۲) [احتمالاً صاحب عنوان هم در این گورستان مدفون شده است.]

صالح اصفهانی

ابویوسف صالح بن حمّاد بن عبدالعزیز [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری [از «بکر به بکار قیسی بصری» روایت نموده و «اسحاق بن شاذه» از او حدیث نقل کرده است.(۳)

میرزا محمّد صالح مجلسی

میرزا محمّد صالح مجلسی معروف به «آقابزرگ» فرزند میرزا حیدرعلی بن میرزا عزیزاللّه بن میرزا محمّد تقی الماسی بن میرزا کاظم بن میرزا عزیزاللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل [در اوایل قرن سیزدهم هجری] در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل

۱- الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۸۰؛ الروضه النّضره، ص ۲۸۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۰.

پرداخته و از پدر دانشمند خود اجازه دریافت نموده است.

مادر او دختر آقا محمّد هادی (ثانی) بن آقا محمّد علی بن آقا محمّد هادی (مترجم) بن ملّا محمّد صالح مازندرانی است.(۱)

محمّد صالح اصفهانی

محمّد صالح بن محمّد رضا اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است که در ۱۴ رمضان ۱۰۴۲ق نسخه ای از «شافیه» ابن حاجب را کتابت نموده و به شماره ۱۳۰۴۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

ملّا محمّد صالح اصفهانی

آخوند ملّا محمّد صالح بن رضاقلی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن یازدهم هجری. در خوبی ها و فضائل نفسانی ممتاز بوده و پس از وفات پدر، به جای او در مسجد جامع جدید عباسی (مسجد شاه = مسجد امام فعلی) در اصفهان پیشنماز شده است. وی در سال ۱۰۹۷ق در اصفهان وفات یافت.(۳)]

کتاب «عقاید المؤمنین» در اصول عقاید، به فارسی در یک مقدمه و ۵ باب از تألیفات اوست که ضمن مجموعه شماره ۴۳۸۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۴)

شیخ محمّد صالح بیدآبادی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۴۹؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۴۱.

۲- فهرست رضوی، ج۱۲، ص۱۱۲.

۳- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۲۳؛ اعیان الشیعه، ج۳۲، ص۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۹.

۴- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۹۳.

شیخ محمّد صالح بن شیخ زین العابدین بیدآبادی، عالم فاضل ادیب [از فضلای قرن سیزدهم هجری] او برادر میرزا محمّد طاهر دیباچه نگار (شعری) اصفهانی است او از سلسله مشایخ بیدآباد و از اعقاب شیخ زاهد گیلانی بوده و در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و دانش تلمّذ نموده و خدمت مرحوم حجه الاسلام شفتی و دیگران را درک نموده سپس به طهران رفته و آنجا در مدرسه دارالفنون به تدریس علوم ادبی و غیره پرداخته و هم در مسجد دارالفنون امامت می نموده و تا سال تألیف گنج شایگان یعنی سال ۱۲۷۳ ق حیات داشته است.(۱)

ملّا محمّد صالح زجاجی

مولی محمّد صالح زجاجی بن سلطان محمّد اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در نسخه ای از «تهذیب الوصول» تألیف: علّامه حلّی که در سال ۹۵۳ق کتابت شده و دارای حواشی است یکی از حواشی از: محمّد صالح بن سلطان محمّد اصفهانی است که در سه شنبه ۱۰ شعبان سال ۰۰۹ (ارقام عشرات و مآت از بین رفته است). نسخه به شماره ۸۰۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[وی به توسط وکیلش شیخ یونس صیمری جزائری به علی بن محمّد خوراسکانی سفارش کتابت نسخه «تهذیب الاحکام» را داده و خوراسکانی در سال ۱۰۰۸ق آنرا نوشته و زُجاجی در سفر مشهد مقدس در دهه اوّل صفر ۱۰۱۳ق آن را مقابله کرده است.(۳)]

محمّد صالح هفشوئی اصفهانی*

محمّد صالح بن پیر سلیمان هفشوئی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است.

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۲؛ گنج شایگان (چاپ سنگی)، صص ۴۸۵-۴۸۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۵، ص۱۶۶۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۱۰۱.

پدرش از فضلاء و ادباء اصفهان و از اهالی قریه «هَفشویه» از بلوك قُهاب جی اصفهان بوده است. او نسخه ای از «مشارق الانوار الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام » تألیف: شیخ رجب برسی را به خط نسخ در ۱۹ رمضان ۱۰۷۶ق کتابت کرده که به شماره ۹۵۲۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)

محمّد صالح اصفهانی*

محمّد صالح بن حاج محمّد شفیع اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از «انساب النّواصب» تألیف: علی استرآبادی را در یکشنبه ۱۱ شوال ۱۰۸۳ق به خط نسخ کتابت کرده که در مدرسه غرب همدان موجود بوده است.(۲)

صالح اصفهانی

ابوالفضل صالح بن صباح اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. او از «ابن عُینیه» روایت می کند. حسن بن سلم نیز از صالح اصفهانی نقل حدیث کرده است.

شیخ ابومسعود رازی گفته است که صالح مستجاب الدّعوه بوده است.(۳)

ملّا محمّد صالح مازندرانی

ملّا محمّد صالح بن ملّا محمّد طاهر مازندرانی، عالم فاضل، متوفی ۱۰ ربیع الثانی ۱۱۹۰ق و مدفون نزدیک قبر ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان.(۴)

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۷۵۶؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۲۶.

۲- فهرست غرب، ص۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۸.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۳۸۵.

ملّا محمّد صالح (آقابزرگ) مازندرانی

ملّا محمّد صالح معروف به «آقابزرگ» فرزند ملّا عبدالباقی بن ملّا محمّد صالح ساروی مازندرانی، عالم فاضل محقق [از علمای قرن دوازدهم هجری] در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای اصفهان تحصیل کرده و از عمویش آقا محمّد هادی مترجم روایت نموده است. او در اوایل جوانی به هند رفته و مورد توجّه و احترام اعیان و فضلاء آن دیار واقع شده و عاقبت در بنگاله ساکن شده و به تبلیغ دین و تدریس مشغول شد. مولی عبدالغنی بن ابی طالب کشمیری از او اجازه نقل حدیث گرفته است. ظاهرا وی قبل از سال ۱۱۹۴ق وفات یافته است. از تألیفات او «تهذیب الاخلاق» یا «اخلاق محمّد صالح» است.(۱)

میر محمّد صالح خاتون آبادی

میر محمّد صالح بن میر عبدالواسع بن میر محمّد صالح بن میر محمّد اسماعیل (شاهمراد) حسینی خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محقّق، محدّث و مفسر جلیل القدر. در سال ۱۰۵۸ق در خاندان علم و فضیلت در اصفهان متولّد شده و سال ها نزد علمای عالیقدر خصوصا ملّا میرزا شیروانی، علّامه مجلسی و آقا حسین خوانساری علوم عقلی و نقلی را آموخته و به مراتب عالی علم و فضیلت نائل شد.

او همچنین از استادش علّامه مجلسی در سال ۱۰۸۵ق و نیز ملّا ابوالحسن فتونی عاملی و شیخ احمد بن اسماعیل جزایری اجازه کسب نموده است.

او صبیّه علّامه مجلسی را به زوجیّت داشته و از آن مخدّره صاحب فرزندانی شده که از آن جمله است میر محمّد حسین خاتون آبادی او پس از وفات علّامه مجلسی در سال

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۷؛ مرآت الاحوال جهان نما، صص ۱۳۴ و ۲۷۱؛ فیض قدسی، ص ۲۱۷؛ الذریعه، ج ۱، ص ۳۷۵ و ج ۴، ص ۵۰۷ و ج ۵، ص ۵۴؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۵۵۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۷۵ و ۳۷۶.

۱۱۱۰ق امام جمعه اصفهان و در سال ۱۱۱۵ق به امر شاه سلطان حسین صفوی به منصب شیخ الاسلامی اصفهان منصوب شد.

او سالها در اصفهان به اقامه جماعت، تدریس، نهی از منکر، ترویج شریعت و تحقیق و تألیف مشغول بوده تا اینکه در سال ۱۱۲۶ق در اصفهان وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در حرم مطهر حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام مدفون شده است. در برخی مواضع وفاتش را ۱۱۱۶ق نوشته اند که اشتباه است.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اثبات عصمت انبیاء علیهم السلام »۲. «احوال الملائکه»، کتابی بزرگ است.۳. «اسرار الصّلاه»۴. «رساله در ذکر اسماء علمایی که سنّی بودند و سپس شیعه شدند»۵. «اصول العقائد»۶. «الانوار المشرقه»۷. «ایمان و کفر»۸. «تفسیر سوره فاتحه و توحید»۹. «التّقویم الشرعّی» که در سال ۱۱۱۰ق تألیف شده و تاریخ آن را [نورالدّین کاشانی متخلّص به] نجیب شاعر ضمن قطعه ای گفته است:

نجیب از پی ساعت نحس دیدن چو تاریخ شد به آیین تقوی

برآورد (جزوی) ز (تقویم شرعی) ز (تقویم شرعی) برآورد (جزوی)

۲۶-۱۱۳۶=۱۱۱۰

[نسخه های مختلفی از کتاب «تقویم شرعی» در کتابخانه های آیت اللّه مرعشی، ملک، مجلس شورا، دانشکده الهیات تهران و دانشکده الهیات مشهد موجود است.

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۵۵؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۲۰۹ و ۳۵۸ و ۳۵۹؛ مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، ص۱۲۳؛ فیض قدسی، ص۱۴۸؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۴۶؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۶۸ و ۳۶۹؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۱۰۲؛ معجم المؤلفین، ج۱۰، ص۸۴؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ مصفی المقال، ص۲۰۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۲۸۸ و ۲۸۹ و ج۲، صص ۴۶ و ۴۷؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۲۶ و ۷۲۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۵۴-۵۷؛ نجوم السماء، ص۲۰۹؛ نابغه فقه و حدیث، صص ۳۷۰-۳۷۶؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۶۶-۳۷۴؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۶۴-۱۶۶.

نسخه اصل به خط مؤلف که در جمادی الاوّل ۱۱۱۱ق تحریر شده در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است.[(۱)] ۱۰. «تقویم المؤمنین» [در یک مقدمه و ۱۴ باب و یک خاتمه و به فارسی تألیف شده است. نسخه ای از آن به خط مؤلف به ضمیمه «تقویم شرعی» در کتابخانه دانشکده الهیات تهران و نسخه ای دیگر به شماره ۳/۴۱۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.[(۲)] ۱۱. «تکمله مرآت العقول» ۱۲. «التهلیلیه» در حکم تهلیل آخر اقامه ۱۳. «الجامع فی الاصول و العقائد» ۱۴. «حدائق المقرّبین» معروف ترین تألیف او، به فارسی [در فضیلت بعضی از ملائکه بر بعضی دیگر و فضیلت انبیاء بر ملائکه و فضیلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر تمام موجودات. کتاب به نام شاه سلطان حسین صفوی در ۵ حدیقه و در رمضان ۱۱۱۵ق تألیف شده است. دو نسخه از این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی یک نسخه در کتابخانه مرحوم سیّد ضیاءالدّین علّامه در اصفهان و نسخه ای هم در کتابخانه علّامه مفضال سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است و این ۴ نسخه جملگی در دوره قاجار کتابت شده اند.[(۳)] ۱۵. «الحدیقه السلیمانیّه» ۱۶. «خلف الوعد» ۱۷. «ذریعه النّجاح» به زبان فارسی، در اعمال سال، که در زمان شاه سلیمان صفوی تألیف شده است [کتاب در یک مقدمه و ۱۲ باب و یک خاتمه در سال ۱۰۸۸ق تألیف شده و نسخه هایی از آن در کتابخانه های آیت اللّه مرعشی، آیت اللّه گلپایگانی، مدرسه فیضیه در قم، آیت اللّه روضاتی در اصفهان، وزیری یزد، آستان قدس رضوی در مشهد، فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان، آیت اللّه جلیلی در کرمانشاه و آصفیه موجود است. نسخه کتابخانه آصفیه در سال ۱۱۱۰ق کتابت شده و نسخه کتابخانه آیت اللّه حاج سیّد محمّد

۱- الذریعه، ج۴، ص۳۹۷؛ فهرست ملک، ج۸، ص۴۹۳؛ فهرست مجلس، ج۷، ص ۵۲ و ۲۷۵؛ فهرست الهیات تهران، صص ۳۰۱ و ۳۰۲؛ فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۶۰۴.

۲- فهرست الهیات تهران، ص۳۰۱ و ۳۰۲؛ فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۱۴۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۳۰۹ و ج۱۸، ص ۳۳۰؛ فهرست سه کتابخانه اصفهان، صص ۱۴۳ و ۱۴۶؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۴۶.

علی روضاتی، به دست عنایت اللّه حسینی نهاوندی در سال ۱۱۰۱ق و نسخه شماره ۱۴۹۱۲ کتابخانه آیت اللّه مرعشی به دست سیّد محمّد مهدی حسینی در سال ۱۱۰۲ق کتابت شده که همگی در زمان حیات مؤلف بوده اند.[(۱)] ۱۸. «روادع النّفوس در اخلاق» [که به فارسی در سال ۱۰۹۲ق در یک مقدمه و ۳ باب و خاتمه تألیف شده و نسخه هایی از آن در کتابخانه های خوانساری در نجف اشرف، سیّد مرتضی بن علم الهدی حسینی طالقانی و مرکز احیاء اسلامی و آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. قدیمی ترین نسخه ها یکی متعلق به کتابخانه آیت اللّه روضاتی در اصفهان که ظاهرا عبدالوهاب دماوندی آن را در سال ۱۱۰۵ق کتابت کرده و دیگری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی که محمّد صادق بن علی ابهری در سال ۱۱۰۴ق کتابت نموده است.[(۲)] ۱۹. «شرح بر استبصار» ۲۰. «شرح بر من لایحضره الفقیه» [که نسخه ای از آن به خط احمد بن محمّد مهدی شریف خاتون آبادی به عنوان «حاشیه من لایحضره الفقیه» در کتابخانه علّامه محقّق سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است.[(۳)] ۲۱. «کشف النقّاب» [که نسخه ای از آن که در سال ۱۱۲۸ق کتابت شده، در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود بوده است.[(۴)] ۲۲. «کتاب المزار» ۲۳. «النّجم الثّاثب فی اثبات الواجب» ۲۴. «الهلالیه» [فی حکم اثبات رؤیه الهلال بحکم الحاکم] که در سال ۱۱۲۸ق کتابت شده و در مجموعه ای در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود است.[(۵)] ۲۵. «آداب السّنیّه» درباره چگونگی رفتار با بردگان، به فارسی، دارای سه

۱- فهرست مختصر گلپایگانی، ج۱، ص۳۳۸؛ فهرست مرعشی، ج۳۷، ص ۵۵۴ و ج۴، صص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ فهرست فیضیه، ج۲، ص۶۰؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۸۷؛ فهرست مرعشی، ج۱، صص ۴۱۳ و ۴۱۴؛ فهرست الفبایی رضوی، ص۲۷۲؛ فهرست ارشاد کاشان، ص۹۳؛ فهرست جلیلی، ص۱۱۹؛ فهرست وزیری، ج۲، ص۶۱۶.

۲- الذریعه، ج۱۱، ص۲۵۶؛ فهرست خطی احیاء، ج۷، ص۲۵۱؛ فهرست مرعشی، ج۵، صص ۲۹۹ و ۳۰۰؛ فهرست مجلس، ج۶، ص۱۸۹؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، صص ۴۱۵ و ۴۱۶.

۳- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۳۴.

۴- الذریعه، ج۱۸، ص۶۵.

۵- الذریعه، ج۲۵، ص ۲۳۹ و ج۱۱، ص ۱۶۰؛ فهرست خطی احیاء، ج۲، ص۴۵.

مقاله و هر مقاله چند باب که در سال ۱۱۲۰ق تألیف شده است. نسخه اصل به خط مؤلف به شماره ۳۶۱۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. نسخه ای هم در کتابخانه علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است.(۱) ۲۶. «برق و صاعقه» به فارسی، که نسخه اصل به خط مؤلف به شماره ۲/۴۱۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) ۲۷. «حدائق الجنان» در زیارات حضرات معصومین علیهم السلام که به فارسی و به نام شاه سلطان حسین در سال ۱۱۱۳ق تألیف شده و شامل یک مقدمه و ۷ حدیقه و یک خاتمه است و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم به شماره ۶۲۴۲ موجود است.(۳) ۲۸. «رساله در اختلاجات» که حدیثی از امام صادق علیه السلام در این موضوع را شرح نموده است. نسخه آن نزد مرحوم آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود بوده است.(۴) ۲۹. «زینه المتقین» درباره اخلاق، به فارسی، در یک مقدمه و ۱۲ باب و یک خاتمه که نسخه اصل به خط مؤلف به شماره ۱/۴۱۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۵) ۳۰. «شرح حدیث الهلال» که در باب نوادر کتاب «تهذیب» آمده است. این نسخه در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود بوده است.(۶)

شیخ محمّد صالح جزه ای قهپائی

شیخ محمّد صالح بن علی جِزِه ای قهپائی اصفهانی، عالم فاضل در قرن یازدهم هجری در اصفهان بوده و بر روی نسخه ای از «ارشاد القلوب» دیلمی در سال ۱۰۲۴ق تملک خود را نوشته است. نسخه به نظر شیخ آقابزرگ طهرانی رسیده است.(۷)

[جِزِه (به کسر جیم و زاء) از دهات کوهپایه اصفهان است.]

۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج ۱، ص ۹؛ فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص ۱۰.

۲- فهرست مرعشی، ج ۱۱، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۶، ص ۲۲۹.

۴- الذریعه، ج ۱۱، ص ۴۱.

۵- فهرست مرعشی، ج ۱۱، ص ۱۴۳.

۶- الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۰۹.

۷- الذریعه، ج ۱، ص ۵۱۷.

محمّد صالح کاتب خاتون آبادی*

محمّد صالح بن میرزا علی کاتب خاتون آبادی، خوشنویس هنرمند عهد صفویّه. درا صفهان نزد میرعماد مشق خط کرده و به سرعت ترقّی نمود و سالها به کتابت کُتُب شعر و ادب مشغول بود. او ظاهرا تا حدود سال ۱۰۷۲ق در قید حیات بوده و پس از آن تاریخ وفات یافته است.

از نمونه آثار زیبای او: «دیوان حافظ» و «دیوان عرفی»، در کتابخانه ملّی ایران و «نگارستان» و «دیوان صائب» در کتابخانه سلطنتی سابق را می توان نام برد.(۱)

خاتون آباد، از روستاهای جی در شرق اصفهان است و در دوره صفویه بیش از پنجاه خوشنویس هنرمند از این روستا برخاسته اند.

محمّد صالح اصفهانی

محمّد صالح بن محمّد علی اصفهانی [از خوشنویسان نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری] در پنج شنبه ۲ رجب ۱۲۲۵ق «دیوان مشتاق اصفهانی» را به خط نستعلیق نوشته و کتاب به شماره ۷۴۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

میرزا محمّد صالح سامع مازندرانی*

میرزا محمّـد صالح مازندرانی معروف به «سامعا» و متخلّص به «سامع» فرزند حاجی محمّـد علی، شاعر و ادیب فاضل از سخنوران قرن یازدهم هجری.

نسب او به جناب ابراهیم بن مالك اشتر نخعی منتهی می شود. وی در علوم مختلف

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۷۷۴ و ۷۷۵؛ فهرست ملّی، ج۵، صص ۵۰۶ و ۴۳۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۱۳۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۴۳.

خصوصا ادبیات، حکمت و کلام به تحصیل پرداخته و در اصفهان ساکن شد و از معاشران و مصاحبان ساروتقی (میرزا تقی الدّین محمّد) وزیر اعظم شاه صفی گردید و مادام حیات تحت عنایات این وزیر بود. پس از قتل ساروتقی، آزرده خاطر شده به هندوستان رفت و در حیدرآباد به خدمت عبداللّه قطبشاه پادشاه دکن رسید و مورد عنایت او قرار گرفت و در مدح او قصیده گفته و صله گرفت. چند سال بعد به ایران بازگشته و در سال ۱۰۷۵ق وارد اصفهان شد. و در آنجا بود تا اینکه قبل از سال ۱۰۸۳ق وفات یافت.

از اوست:

عکس رویت در نظرها شمع و در دلها گل است باده در پیمانه خورشید است و در مینا گل است

همچو شاخ ارغوان، معشوق آتش پاره ام پای تا سر شعله سوزان و سر تا پا گل است(۱)

صالح قصار

ابوشعیب صالح بن عمر قصّار اصفهانی، از محدّثین اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و از رُسته حدیث شنیده است. عبدالرّحمان بن محمّد بن سیاه از او روایت می کند.(۲)

صالح گیلانی

صالح بن غلامعلی جیلانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۴۱ق «شرح کلمه العین» تألیف: انوری را به خط نستعلیق در مدرسه چهارباغ اصفهان کتابت نموده که به شماره ۱۲۱۷ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۳)

۱- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۷۷ و ۷۸؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۴۰؛ کاروان هند، ج۱، ص۵۳۱؛ الذریعه، ج۹، ص۴۲۲؛ شعرای مازندران و گرگان، ص۱۴۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۵۰.

۳- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۱۶۳.

محمّد صالح خاتون آبادی

محمّد صالح خاتون آبادی فرزند محمّد کاظم [از خوشنویسان معروف عهد صفویه است. خطوط نستعلیق و نسخ را خوش می نوشته و اغلب کتب متعلق به علماء و اعیان اصفهان را به خط زیبای خود کتابت می کرده است. اصلاً از اهالی قریه «خاتون آباد» جی اصفهان است و ظاهرا اوایل قرن دوازدهم هجری را هم درك کرده است.(۱)]

۱. در سال ۱۰۹۵ق کتاب «نوحه الاحزان» تألیف: محمّد یوسف دهخوارقانی را به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۱۷۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم نگهداری می شود.(۲) [۲. کتاب «حبیب السیر» تألیف: غیاث الدّین محمّد خواندمیر» که به خط نستعلیق در سال ۱۰۷۵ق کتابت کرده و به شماره ۲۶۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)] ۳. کتاب «خلاصه السیر» تألیف: میرزا معصوم بن خواجگی اصفهانی که آنرا در رمضان ۱۰۷۰ق کتابت کرده و به شماره ۴۲۲۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۴)

ملّا محمّد صالح جویباره ای

ملّا محمّد صالح جویباره ای بن ملّا محسن مازندرانی، عالم فاضل و فقیه محقق [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری. ظاهرا از اعقاب ملّا محمّد فاضل سراب تنکابنی عالم مشهور عصر صفویّه است.]

در اصفهان متولّد شده و جهت تحصیل به عتبات عالیات رفته و از درس شریف

۱- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۱۸.

۳- فهرست مجلس، ج ۲۱، ص۶۶.

۴- فهرست رضوی، ج۷، ص ۸۰.

العلماء مازندرانی، شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء بهره برده و به اجتهاد نائل شده و به اصفهان مراجعت نمود. در آنجا مرجعیت کلی یافته و به دامادی سیّد صدرالدّین عاملی استاد خود مفتخر گردید [در مسجد شیره پزها امامت و قضاوت می نمود. از دوستان حاج محمّد جعفر آباده ای بوده است]. عاقبت او در [شب شنبه[غرّه محرم ۱۲۸۵ق وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. دو فرزندش شیخ محمّد حسین جوییاره ای و حاج میرزا مهدی از علمای اصفهان بوده اند.

[میرزا آقاجان پرتو مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

حیف از مقتدای دین صالح که یگانه بد از صلاح و سرشت

گفت «پرتو» برای تاریخش: «صالحین را مقام باد بهشت»(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اصول فقه» در یک مُجَلَّد، شامل مباحث الفاظ و اَدِلّه عقلیّه، که ظاهرا مسوّده کتاب «کواشف الحجب» است. نسخه اصل به خط مؤلّف در کتابخانه سیّد محمّد طباطبائی یزدی در نجف موجود بوده که سیّد محمّد علی بحرالعلوم آن را خریداری کرده است.(۲) [۲. «رساله فی جواز الغسل للحائض الذی صارت جنبا» ۳. «رساله فی الاقرار» ۴. «سؤال و جواب»۵. «العشره الکامله» (چهار کتاب اخیر در کتابخانه فاضل ارجمند آقای سیّد احمد روضاتی در اصفهان موجود است).(۳)]۶. «قواعد الشّریفیّه» یا «تقریرات درس شریف العلماء» موجود در کتابخانه مدرسه مروی در تهران.(۴)۷. «رساله صحیح و

۱- الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۷۲؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۲۷ و ۷۲۸؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۷۱ و ۲۷۲؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۵۱؛ الذریعه، ج۱۸، ص۱۷۷؛ گلشن اهل سلوک، صص ۷۹-۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۵.

۲- الذریعه، ج۲، ص۲۰۵.

۳- فهرست روضاتی، صص ۱۱۵ و ۱۷.

۴- فهرست مروی، ص۲۸۸.

اعـم» موجـود در کتابخـانه مـدرسه مروی تهران(۱)۸. «کواشـف الحجـب عـن مشـکلات الکتـب»، در اصـول فقـه، بـه عربی، مشـهورترین تـألیف صـاحب عنوان، [در دو جزء که در سـال ۱۲۴۷ق تـألیف شـده است. نسـخه هـای مختلفی از این کتاب در کتابخانه ها موجود است. از جمله نسخه ای در کتابخانه عمومی ساری که در ماه رمضان ۱۲۵۲ق کتابت شده و دارای حواشی مؤلف است و با نسـخه اصل مقابله شـده است.(۲) نسـخه ای هم در کتابخانه آسـتان قدس رضوی (به شـماره ۱۱۳۲۳) موجود است.(۳) نسـخه دیگری از جلد اوّل کتاب ضـمن مجموعه شماره ۴۵۱۰ در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی در قم موجود است که آن را محمّد ابراهیم بن محمّد اسـماعیل بن محمّد جعفر خراسانی در پنج شنبه ۲۱ محرم سال ۱۲۵۲ق در اصفهان به خط نسخ کتابت کرده است.(۴)]

صالح ثقفی

صالـح بن محمّـد بن سـعید ثقفی، از محـدّثین [قرن سوم هجری] اصـفهان است. در روایت حدیث ثقه بوده و از سـلمه و شـیخ ابومسعود رازی و دیگران نقل حدیث کرده است.(۵)

[ظاهرا او برادر ابراهیم بن محمّد بن سـعید ثقفی کوفی محدّث شـیعی است که در اصـفهان می زیسته است. در این صورت او نیز مانند برادرش شیعه بوده است.]

صالح سلامی

صالـح بن محمّـد بن عبـدالائمه سـلامی [از فضـلاء قرن دهم هجری سـاکن اصـفهان] دو جلـد کتاب از مجموعه شـماره ۶۸۹۶ کتابخانه آیت اللّه مرعشی را به خط نسخ در سال

۱- فهرست مروی، ص۲۸۸.

۲- فهرست عمومی ساری، ص۴۸.

۳- فهرست رضوی، ج۱۶، ص۳۹۲.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۸۶.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۹؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۳۸۳.

۹۹۵ق کتابت نموده است.(۱)

میرزا محمّد صالح ابهری اصفهانی*

میرزا محمّـد صالـح بن محمّد بن میرزا علی ابهری جی اصـفهانی، از فضـلاء و دانشـمندان قرن یازدهم هجری است. خاندان او اغلب از کاتبان ماهر و پرکار آن روزگار بوده انـد و به حُسن خط و سـرعت قلم شـهرت داشـته انـد.(۲) میرزا محمّـد صالح در اصـفهان نزد عدّه ای از علماء از جمله ملّا محمّد تقی مجلسـی به تحصیل پرداخته و مجلسی جهت او در آخر «مشیخه» از کتاب «من لایحضره الفقیه»، در سال ۱۰۵۲ق اجازه نوشته است.(۳)

محمّد صالح اصفهانی*

محمّد صالح بن مطیع اللّه اصـفهانی، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. وی نسخه ای از «تحریر مجسطی» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی را به خط نستعلیق در سال ۱۰۵۶ق کتـابت کرده اسـت که به شـماره ۴۱۱ط در کتابخـانه مجلس شـورای اسلامی موجود است.(۴)

محمّد صالح تبریزی*

محمّـد صالـح بیگ تبریزی اصـفهانی فرزند میرزا مؤمن بن خواجه میرزا بیگ تبریزی، از شـعرای قرن یازدهم هجری. به همراه پدرش و برادرش میرزا امین ساکت به مشـهد رفته و چندی در آن دیار بود. سـپس به اصـفهان آمد. آنگاه برای دیدار برادرش میرزا امین به هند رفت ولی در بازگشت به ایران کِشتی او دچار توفان شد و او به زحمت خود را نجات

۱- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص ۹۰.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: مخطوط.

۳- الروضه النّضره، ص۲۷۹.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص۱۳۵.

داده و چندی به بلاد فرنگ رفت. عاقبت به اصفهان آمده و ظاهرا تا آخر عمر در این شهر زندگی کرد. این رباعی از اوست:

هرگز نشنفت این دل زار از طرفی نشنید نوید وصل یار از طرفی

القصّه مرا کشاکش دارند یار از طرفی و روزگار از طرفی(۱)

صالح خراسانی

ابوسفیان صالح بن مهران خراسانی الاصل [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] او مولای زکریا بن مصقله بن هبیره بوده و اهل تقوی و ورع و به علت گفتن سخنان حکیمانه به حکیم معروف بوده است. جمعی از محدّثین از او روایت کرده اند که از آن جمله اند: «عمرو بن علی»، «محمّد بن عاصم» و «اُسید بن عاصم».(۲)

محمّد صالح حسینی مازندرانی

محمّد صالح حسینی مازندرانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری و ساکن اصفهان] در جمادی الاولی ۱۲۳۵ق نسخه ای از «اسفار» ملّا صدرا را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته است و کتاب به شماره ۲۹۰۰ در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۳)

شیخ صالح رستمی

شیخ صالح رستمی [از محدّثین عامه اصفهان است] او در سال ۵۶۲ق در اصفهان وفات یافت.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹۲؛ منتخب اللّطایف، ص۳۹۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۷؛ طبقات المحدّثین، ج۲، صص ۲۴۱-۲۴۳؛ الجرح و التّعدیل، ج۴، ص۱۸۱۵؛ الانساب، ج۴، ص۲۰۸.

۳- فهرست ملک، ص۲۶۶.

۴- آگهی شهان از کار جهان، ج۱، ص۲۵۲.

محمّد صالح رنگرز

محمّد صالح اصفهانی، از شعرای قرن یازدهم هجری. ابتدا به شغل رنگرزی (صبّاغی) مشغول بوده، سپس آن شغل را ترک کرده، بابائی قهوه خانه را قبول کرده است.

این رباعی از اوست:

در بحر یقین درآ که تحقیق بَس است گرداب درو چو دام و کشتی قَفَس است

هر گوش صدف حلقه چشمی است پر آب هر موج اشاره ای ز ابروی کَس است(۱)

محمّد صالح زرکش شیرازی*

محمّد صالح شیرازی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. او پس از مقداری تحصیل مقدّمات، در شیراز به زرکشی مشغول بود. عاقبت به اصفهان آمده و آنجا وفات یافت. این رباعی از اوست:

در آتش عشق او کبابم کردند تعمیر طلب شدم خرابم کردند

گفتم بنمائید به من خصم مرا هم صحبت آیینه و آبم کردند(۲)

محمّد صالح لنبانی

درویش محمّد صالح لنبانی اصفهانی، عارف سالك [در قرن یازدهم هجری] سالها به عبادت و ریاضت مشغول بوده و بسیاری از فضلاء و اعیان اصفهان مرید او بودند. ابتدا

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۶۰۵ و ۶۰۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۶۱۰؛ تذکره مرآه الفصاحه، ص۳۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۴۶۳؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، ص ۴۲۰.

در تکیه ای جنب مسجد لنبان ساکن بود. سپس شاه عباس ثانی در کنار نهر طاق نما برای او تکیه مصفّایی ساخت و کمی بعد [در سال ۱۰۷۳ق] وفات یافته و همانجا مدفون شد. [محل تکیه درویش صالح فعلاً به آرامگاه صائب شهرت دارد و از قبر درویش صالح در آنجا اثری نیست.]

از اوست:

مطرب جان می نوازد سازها می رسد در گوش جان آوازها

بس که ناز نازنینان می کشم می کنم بر ناز نازنینان نازها(۱)

میرزا صالح منشی*

میرزا صالح منشی، شاعر و ادیب و منشی قرن یازدهم هجری. او برادرزاده اسکندربیک منشی (ترکمان) مؤلّف کتاب «تاریخ عالم آرای عباسی» است. در جوانی به مناصب اداری به مجالست و معاشرت با شعراء می پرداخت و آنان را با کمک های خود می نواخت. امّا در اواخر عمر به خاطر سخت گیری مأموران دولتی به فقر و بیچارگی مبتلا شده و مبلغ اندکی مستمرّی جهت او معیّن شد و او در اثر غصّه از این وضع در شهر اصفهان وفات یافت.

غزل و قصیده و مادّه تاریخ را نیکو می گفته و در نظم و نثر مهارت داشته و مجموعه ای از نظم و نثر معاصرانش را فراهم کرده بود.

این رباعی از اوست:

ای مصرع انتخاب دیوان وفا چون شعر بدیهه از در لطف درآ

در آینه باطن خود کن نظری گر چشم به راه تو نباشیم میا(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۰۱؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۰؛ الذریعه، ج۹، ص۳۲۳.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ الروضه النّضره، ص۲۹۰؛ تذکره روز روشن، ص۴۶۳.

محمّد صالح مولوی*

محمّد صالح اصفهانی مولوی، از خوشنویسان برجسته عهد شاه عباس اوّل صفوی است. خط ثلث را عالی می نوشته و خطوط ثلث کتیبه کاشیکاری محراب نفیس مرمرین مسجد شاه [مسجد امام] و کتیبه کاشیکاری سردر بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد اصفهان به سال ۱۰۳۹ق از آثار هنری ارزشمند اوست.(۱)

ملّا محمّد صالح نسبت شوشتری

ملّا محمّد صالح شوشتری، از فضلاء و شعرای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده و در شعر طبعی روان داشته و «نسبت» تخلّص می نموده است.

از اوست:

آب تیغت را مگر از آتش گل داده اند بر سر زخم تو بلبل می خورد خون مرا(۲)

محمّد صالح وامق اصفهانی

محمّد صالح وامق اصفهانی، از شعراء و ادبای اوایل عهد قاجاریه است. به انسانیّت و اخلاق فاضله معروف بود و با تجارت امرار معاش می کرد. دیوان او حدود چهار هزار بیت شعر دارد. سال وفاتش به دست نیامد.

از اوست:

رشکم آید که دهد گوش به حرف دگران گر بود یک سخن و آنهم از افسانه ما

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۴۹۵ و ۴۴۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۲۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۰۵.

گشته دیوانه و سنگی نخورد از طفلی کس به حسرت نبود چون دل دیوانه ما

«وامق» از یک دو سه پیمانه خرابش کردیم هر که آمد پی ویرانی میخانه ما(۱)

جمال الدّین محمّد صالح هزارجریبی

جمال الدّین محمّد صالح هزارجریبی [مازندرانی] از فضلای اصفهان در قرن یازدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» که کتابت آن را در یک شنبه ۱۷ شعبان ۱۰۸۷ق در مدرسه نواب عِلیّه [اصفهان] به پایان رسانیده است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۴۶۹۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۲)

صائب کاشانی

صائب کاشانی معروف به «میرزا صائبا» از شعرای قرن دوازدهم هجری و از اهالی کاشان است. در اصفهان سکونت داشته و در این شهر وفات یافته است شعر نیکو می سرود.

از اوست:

از سینه و دل ما نشنید کس صدایی مردیم از جدایی، ای سنگدل کجایی(۳)

[در ذکره صحف ابراهیم، او را به عنوان «محمّد رضا صبای کاشانی» ذکر کرده، ولی نمی توان به این مطلب اعتماد کرد.]

۱- تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۱۵۵؛ تذکره دلگشا، ص۵۳۱؛ تذکره شبستان، ص۳۹۰؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۳۰۳؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۹۷۲؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۶۴۰ و ۶۴۱؛ تذکره اختر، ص۲۲۷؛ تذکره سفینه المحمود، ص۲۲۵.

۲- فهرست مجلس، ج۱۳، ص۸۰.

۳- تذکره المعاصرین، ص۲۲۱؛ مردان بزرگ کاشان، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۱؛ تذکره صحف ابراهیم، ص۱۷۰.

صائب مستعد رازی*

آقا صائبا رازی اصفهانی متخلّص به «مستعد» شاعر ادیب قرن دوازدهم هجری.

اصلاً از اهالی ری بوده ولی در اصفهان نشو و نما یافت و علم و ادب آموخت. در عهد حکومت عالمگیر پادشاه، به هند رفته و در دکن ساکن شد. او خوب روی و نیکوسیرت و بذله گو بوده و شعر نیکو می سروده است. لذا اُمرای دکن به او عنایت فراوان داشته اند و یکی از آنان: نواب نظام الدّوله او را به «مستعدخان» ملّقب ساخت. به این خاطر او «مستعد» و «مستعدّ فنا» تخلّص می کرد.

او عاقبت در آخر عمر به شوریدگی و جنون مبتلا شد و معالجات فایده ای نبخشید تا این که در سال ۱۱۶۳ق وفات یافت. «دیوان اشعار» او در دست نیست. مرحوم گلچین معانی حدود هفتاد و هفت بیت اشعار او را به ضمیمه نسخه خطی «دیوان امید همدانی» دیده است.

این چند بیت از اوست:

تا یاد زلف او به برم جلوه می کند سودای طرفه ای به سرم جلوه می کند

تا چشم می زنم به هم از یاد اصفهان زاینده رود در نظرم جلوه می کند

برق هزار خرمن هوش است «مستعد» این سوز دل که از شررم جلوه می کند(۱)

صاین الدّین اصفهانی

حافظ صاین الدّین بن غزال اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری] از «حافظ ابونعیم اصفهانی» روایت می کند و «شیخ نجم الدّین عثمان بن موفّق اردکانی» از وی حدیث شنیده و نقل می کند.(۲)

۱- کاروان هند، ج۲، صص ۱۲۸۷-۱۲۹۰.

۲- احقاق الحق، ج۶، ص۲۹.

صباح اصفهانی

صباح بن سالم اصفهانی [از محدثین عامّه اصفهان در قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری است] از انس به مالک حدیث نقل کرده و حجّاج بن یوسف از او روایت می کند.(۱)

صباغ اصفهانی

ابوالخیر صباغ بن شعبه اصفهانی [از محدّثین عامّه در اواخر قرن پنجم هجری] از «ابوبکر زنجوئی» روایت می کند.(۲)

صبحی اصفهانی*

صبحی بیگ اصفهانی، از شعرای اواخر قرن دهم هجری است. مدّتها در هند به سیاحت مشغول بود. سال فوت او به دست نیامد.

از اوست:

گر کشد قاتل من چشم مبندید مرا زانکه یک دیدن او قاتل صد جان باشد(۳)

ملّا صحیفی شیرازی

ملّا صحیفی شیرازی، شاعر ادیب و خوشنویس قرن یازدهم هجری. او از اعقاب صوفی خلیل ذوالقدر است. در شیراز متولّد شده و سالها در اصفهان سکونت داشته است. خطوط ثلث و نستعلیق را خوش می نوشته و برای بسیاری از مساجد و امامزاده های اصفهان کتیبه نوشته است. آثار خطوط او در اصفهان در سال ۹۸۵ق

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۴۶؛ طبقات المحدّثین، ج ۱، ص ۱۰۲؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۱۷۹؛ مقتبس الاثر، ج ۲۰، ص ۱۶۹.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۲۹، پاورقی.

۳- کاروان هند، ج ۱، ص ۷۱۳.

(مسجد جامع) تا سال ۱۰۱۹ق (مسجد جارچی) یعنی در مدت ۳۴ سال باقی است. در اصفهان شغل صحّافی و کتیبه نویسی داشته و گاهی برای بزرگان و اشراف مدیحه می سروده و صله دریافت می کرده است. در شعر و ادب نیز دارای مهارتی به سزا بوده تا جایی که حکیم شفائی شعر او را تحسین می کرده است. صحیفی به فارسی و ترکی شعر سروده است.

او بیش از هشتاد سال عمر کرد. پسرش ابوعلی در هند وفات یافت و او از شدت تأثّر در سال ۱۰۲۲ق وفات یافته و در بقعه سه تنان واقع در مسجد آقانور اصفهان مدفون شد.

حکیم شفایی جهت او مرثیه و مادّه تاریخ سروده که به شرح زیر است:

چون صحیفی جوهری ز قضا از جهان رفت جانب عقبا

دل خلق جهان بسوخت بر او همه را دیده گشت خون پالا

بی بدل بود در فنون سخن در فنون شعر بود بی همتا

تا قیامت بر این کتابه دهر رقم خط او بُوَد پابرجا

سال فوتش ز عقل جستم گفت: «رفت ملّا صحیفی از دنیا»

غیر از «دیوان اشعار»، «ساقی نامه» نیز سروده که مطلع آن این بیت است:

بده ساقی آن آب فکرت گداز که بیرون دهد دل از این پرده راز

این رباعی هم از صحیفی شیرازی است:

بستند ملایک کمر از صدق و یقین در خدمت شمع روضه خلد برین

مقراض به احتیاط زن ای خادم ترسم بِبُری شهیر جبریل امین(۱)

۱- تذکره مجمع الخواص، ص۲۱۸؛ تذکره گلشن بی خار، ص۲۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۴۶-۱۴۹؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۳۲؛ تذکره میخانه، صص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ تذکره غنی، ص۸۰؛ تذکره حسینی، ص۱۸۸؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، ص۴۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۷ و ۴۳۸؛ مزارات اصفهان، صص ۲۶۳-۲۶۵؛ الذریعه، ج۹، ص۵۹۹؛ تذکره شمع انجمن، ص۴۰۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۳۲۷؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۵۸-۶۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل (صحیفی)، ص۱۰۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص۵۱۶.

سیّد صدرالدّین نجفی دهکردی

سیّد صدرالـدّین نجفی دهکردی فرزند آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی شاعر و ادیب معاصـر در سال ۱۳۱۱ش در اصفهان متولّد شد. پدرش از مراجع و مجتهدین معروف اصـفهان است. سیّد صدرالدّین در اصـفهان تحصیل نموده و سپس به استخدام اداره فرهنگ درآمد و به تدریس در مدارس پرداخت. گاهی شعر می سرود.

[او در روز ۲۳ ذیقعده ۱۴۰۵ق وفات یافته و جنب مزار پدرش در یکی از حجره های امامزاده زینبیه اصـفهان مدفون شد.] این دو بیت از اوست:

تا دل گرفت رسم و ره عاشقانه را بر خود خرید رنج و غم جاودانه را

بیرون پرید از قفس سینه مرغ دل بیچاره تا کجا بنهد آشیانه را(۱)

حاج سیّد صدرالدّین هاطلی کوپایی

حاج سیّد صدرالدّین هاطلی کوهپایی بن سیّد حسن بن سیّد جعفر حسینی، عالم زاهد، حکیم محقّق و مفسّر مدقّق [از فقهاء و حکمای قرن چهاردهم هجری] در شب ۲۰ صفر (اربعین) ۱۳۰۱ق در کوهپایه اصـفهان متولّد شد. در اصفهان از محضر درس آخوند کاشـی، جهانگیرخان قشـقائی [و آقانجفی] بهره گرفت سپس به عتبات عالیات مشرّف شده و در نجف اشرف نزد شیخ عبدالصمد سبزواری و شیخ احمد شانه ساز شیرازی به کسب علوم عقلی مشغول شد و فقه و اصول را نزد شیخ ابراهیم اردبیلی، سیّد محمّد فیروزآبادی یزدی، آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی و سیّد حسین بادکوبه ای فرا گرفت.

او قبل از وفات آخوند خراسانی به اصفهان مراجعت نموده و به آقایان مسجد شاهی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۳.

[شیخ محمّد تقی آقانجفی و فرزندش شیخ جلال الدّین نجفی] اختصاص یافت. همچنین در مدرسه صدر به تدریس کتابهای حکمت مانند «اسفار»، «منظومه»، «شرح تجرید» و غیره می پرداخته و در مجالس خصوصی تفسیر می گفته است.

او مردی وارسته و جامع جمیع ملکات و فضائل انسانی بود و الحق ملکی بود به صورت بشر. در عین فقر و تهیدستی به متموّلین و اغنیاء بی اعتناء و فقط متوجّه حضرت باری تعالی بود. وی در شب شنبه ۵ جمادی الاولی سال ۱۳۷۲ به عارضه سکته وفات یافته و در بقعه تکیه درکوشکی مدفون گردید. و قابل توجّه آن که روز قبل در مجلس ختم علّامه فقیه مرحوم آقا سیّد محمّد کوه کمری در مدرسه صدر در حضور جمعی فرمود: «فردا نوبت من است» و فردا به همان کیفیّت وفات یافته، در همان محل جهت او مجلس ختم گرفتند.

[در وفات او میرزا حبیب اللّه متخلّص به «نیر» مرثیه ای به عربی سروده و مادّه تاریخ او را چنین گفته است:

فَیا نَیّر اُکتُب فی الجواب بسؤال من دعاک هنا عن عام فقد لذا الحبر

ثلاثا اذا نقصت من ذا تؤرّخه «فخلد جنانٍ منزل السیّد الصدر»

۱۳۷۲=۱۳۷۵-۳]

از آثارش کتاب «شروق الحکمه» است، در حل معضلات اسفار و منظومه که آن را در دوره اشتغال خود در نجف [و تحصیل نزد شیخ عبدالصمد سبزواری] نوشته است. اثر دیگرش «شرح کفایه الاصول» استادش آخوند خراسانی است.

پدرش از فضلاء اصفهان بوده و قبل از سال ۱۳۲۳ فوت شده است.(۱)

۱- علوم و عقاید، ص۲۶-۳۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۸؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۴۳۰ و ۴۳۱؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخّر، صص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۳۱ و ۷۳۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۸۸-۱۱۲.

سیّد صدرالدّین بلاغی

سیّد صدرالدّین محمّد تقی بلاغی نایینی معروف به «صدر بلاغی» فرزند سیّد حسن حسینی عریضی، واعظ کامل، ادیب بارع و فقیه جامع [از خطبای مشهور معاصر] در سال ۱۲۹۰ه .ش در نایین متولّد شده و در اصفهان و شیراز به تحصیل پرداخته و در علوم عقلی و نقلی رحمت ها کشید. سپس به طهران رفته و آنجا ساکن شد. از سخنرانان مذهبی رادیو طهران بود که بیشتر مردم متدیّن ایران به بیانات او اظهار علاقه می کردند. [او علاوه بر ایراد سخنرانی و وعظ و خطابه در دارالفنون و دبیرستانهای مشهور تدریس می کرد. او سرانجام در اوّل اردیبهشت ۱۳۷۳ش وفات کرد.]

در سرودن شعر نیز توانا بود و گاهی بنا به اقتصای حال اشعاری می گفته است.

کتب زیر از تألیفات او به چاپ رسیده است:

۱. «سخنرانی های بلاغی» که اغلب آنرا در رادیو ایراد نموده است.۲. «شرح و ترجمه صحیفه سجادیه»۳. «قصص قرآن و فرهنگ آن» [۴. «ترجمه من لایحضره الفقیه»، با همکاری استاد علی اکبر غفاری۵. «عدالت و قضا در اسلام»۶. «محاکمه گلد زیهر صهیونیست معلم نویسندگان»۷. «صلح حدیبیّه»۸. «پیغمبر در صحنه کارزار بدر»۹. «برهان قرآن و ردّ شبهات پیروان کمونیزم و سایر معاندین اسلام» ۱۰. «ترجمه و تفسیر جزء ۲۳ قرآن مجید» ۱۱. «محمّد صلی الله علیه و آله پیامبر رحمت».

از اوست:

من دلبری ز جمله جهان برگزیده ام و ز غیر او علاقه دل را بریده ام

نشنیده ام جز از لب لعلش پیام روح جز عارضش حقیقت جان را ندیده ام(۱)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹۱ و ۹۲؛ تذکره سخنوران نایین، ص۲۸؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۵۴۳-۵۴۹؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۵۳۳ و ۵۳۳؛ نایین بلده طیبه، صص ۵۴ و ۵۵؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن،صص ۹۵ و ۹۶.

حاج آقا صدرالدّین کلباسی*

حاج آقا صدرالدّین کلباسی فرزند شیخ محمّد رضا بن میرزا عبدالرّحیم بن میرزا محمّد رضا بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل، از علمای معاصر اصفهان، در ماه ربیع الثّانی ۱۳۳۴ق (مطابق سال ۱۲۹۴ش) در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل در مدرسه عَلیّه از مدارس جدید، وارد حوزه علمیه شد و نزد پدر دانشمند خود و شیخ محمّد تقی فشارکی (شوهر خواهر خود) و دیگران به تحصیل پرداخت. سپس به مشهد مقدّس سفر کرده و به همراه شیخ حبیب اللّه گلپایگانی، از درس علمای آنجا بهره گرفت. آنگاه به قم رفته و نزد حضرات آیات و آیات عظام مرعشی نجفی، محقّق داماد، میرزا محمّد علی ادیب تهرانی به تحصیل پرداخت. او در اصفهان در درس خارج سیّد علی مجتهد نجف آبادی و آقا سیّد مهدی درچه ای حضور یافت. مدتی هم در بروجرد از محضر مرجع عالیقدر حاج آقا حسین بروجردی و در قم از حضرات آیات سیّد محمّد تقی خوانساری، حجت کوه کمری و مرعشی نجفی کسب فیض نمود.

او پس از بازگشت به اصفهان به تدریس، و اقامه جماعت و منبر مشغول گردیده و مردم را از مواعظ و بیانات خود بهره مند می نمود. سرانجام در ۲۳ رمضان المبارک ۱۴۱۱ق وفات یافته و در یکی از اطاق های مسجد رکن الملک واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

سیّد صدرالدّین روضاتی

حاج سیّد صدرالدّین روضاتی فرزند آقا میر سیّد علی بن آقا میرزا مهدی بن آقا میرزا محمّد باقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات الجنّات)، عالم فاضل جلیل.

[در سال ۱۳۰۸ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخت و سپس

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ خاندان کلباسی، ص۲۲۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

به ترویج دین و تحقیق و تألیف مشغول شد. سرانجام در روز ۱۹ ذیحجه] سال ۱۳۹۲ق وفات یافته و در تکیه صاحب روضات (جدّ عالیقدر خود) در تخت فولاد مدفون شد. [مادّه تاریخ وفاتش را شاعر فرزانه استاد فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) چنین گوید:

نوشت از پی تاریخ فوت او «برنا» «شدی بگلشن مینو مقام صدرالدّین»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تشریح الانسان» ۲. «چهل حدیث» ۳. «سراج الایمان فی أخبار و مصائب الائمه الأطهار» که چاپ شده است.۴. «علائم الإیمان فی المواعظ مولانا أمیرالمؤمنین علیه السلام لهمام بن شریح»۵. «کمال الیقین»۶. «نور الإیمان فی أحکام القرآن» که چاپ شده است.۷. «هادی المضلّین»(۱)]

صدرالدّین اصفهانی

صدرالدّین بن محمّد بن صدرالدّین اصفهانی. از خوشنویسان خط نسخ در قرن دهم هجری است. او نسخه ای از کتاب «منیه اللبیب» را در سال ۹۵۴ق کتابت نموده که در کتابخانه وزیری یزد موجود است. همچنین کتاب «مختلف الشیعه» را در غرّه رجب ۹۶۰ق کتابت کرده است که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

سیّد صدرالدّین بهشتی

سیّد صدرالدّین بن سیّد مهدی بهشتی، از علماء اواخر دوره قاجاریه و امام جماعت مسجد سیچان اصفهان متوفی در ۲۹ رجب ۱۳۳۸ق مدفون در تکیه سادات بهشتی (جنب مصلای تخت فولاد).(۳)

۱- مناهج المعارف: مقدمه، ص۲۴۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۸۰؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- فهرست وزیری، ج۴، ص۱۲۳۲؛ فهرست مرعشی، ج ۲۰، ص۹۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

سیّد صدرالدّین امامی*

حاج سیّد صدرالـدّین امامی فرزند اسـتاد میرزا آقا امامی اصـفهانی، از هنرمندان معاصـر. در سال ۱۲۹۸ه .ش در محلّه بیـدآباد متولّد شد و پس از کمی تحصیل نزد پدر به فراگیری نقاشی پرداخت. هنر سوخت را هم از استاد عباس اسفرجانی فرا گرفت.

او بیش از ۴۰ سال به نقاشی مشغول بود ولی پس از آن دست از این هنر کشید. در نقاشی از سبک مینیاتورهای صفویه پیروی نموده است و نقاشی را نه در هنرستان هنرهای زیبا بلکه سینه به سینه از پدران خویش فراگرفته است.(۱)

صدرالدّین سنگتراش*

اسـتاد صدرالدّین سـنگتراش، از هنرمندان قرن دهم هجری است. در حجاری استاد بوده و آثار ارزنده ای به وجود آورده است از جمله: حجـاری سـنگ قبر اسـتاد فولاد بن شـجاع حلوائی که در سال ۹۵۹ق حجاری شده است و حجاری سـنگ قبر صـفی الدّین محمّد بن عمده القضاه غیاث الدّین علی زواره ای در سال ۹۹۵ق.

اثر اوّل در تخت فولاد و اثر دوم در امامزاده اسماعیل اصفهان موجود است.(۲)

صفایی اصفهانی*

صفـای اصـفهانی، از شـعرای اصـفهان است. ظاهرا در قرن سـیزدهم هجری می زیسـته است. مـدّتی سـرداری نمود و شـجاعت داشت. عاقبت به تصوّف روی آورده و سر و پای برهنه سیاحت می کرد تا فوت شد.

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با حاج سیّد صدرالدّین امامی در سوم اردیبهشت ۱۳۸۱ش.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۵۳۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

این رباعی از اوست:

غمگین دل خود به دهر شاد از که کنیم چون دلبر خود خودیم، یاد از که کنیم

مردم ز فلک داد ز بیداد کنند ما خود فلک خودیم داد از که کنیم(۱)

دکتر صفدر صانعی*

دکتر صفدر صانعی، پزشک متدیّن و نیکوکار معاصر. در سال ۱۳۰۹ش در روستای «بهمن» از توابع آباده متولّد شد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود طی کرد. سپس در اصفهان جهت امرار معاش به کار پرداخت. پس از ازدواج موفق به ادامه تحصیل شد و چند سال بعد در آزمون ورودی دانشگاه در رشته پزشکی پذیرفته شد و این رشته را تا دریافت دکترای بیماریهای داخلی ادامه داد.

او عمر خود را به خدمت به مردم، تحقیق درباره گیاهان دارویی و تألیف کتابهای ارزنده گذراند.

وی سرانجام در روز ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۹ش (برابر با ۷ صفر ۱۴۲۱ق) در اصفهان وفات یافته و در قبرستان جدید اصفهان معروف به «باغ رضوان» به خاک سپرده شد.

کتابهای زیر از تألیفات اوست که هر کدام چندین بار تجدید چاپ شده است.

۱. «آرامش روانی و مذهب» ۲. «ارمغان کعبه»۳. «بهداشت ازدواج از نظر اسلام»۴. «دل یا محفل نور»۵. «راز تندرستی»۶. «راز طول عمر»۷. «راهی به سوی او»۸. «نسخه شفا» دو جلد۹. «همیشه لاغر باشید» دو جلد ۱۰. «تعالیم بهداشتی اسلام»

استاد صفرعلی اصفهانی*

استاد صفرعلی اصفهانی، از معماران چیره دست و توانای عصر قاجاریه است. وی

۱- تذکره ریاض العارفین، (چاپ ۱۳۴۴ش)، ص۱۵۶.

معماری مسجد شاه (سابق) سمنان را برعهده داشت و در سال ۱۲۴۳ق آن مسجد را به پایان رساند.(۱)

صفرعلی نجف آبادی

صفرعلی بن اسماعیل نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] سالها در نجف آباد و اصفهان به کتابت مشغول بوده و خط نسخ را نیکو می نوشته و کتب زیر را کتابت نموده است:

۱. «شرح زیارت جامعه» تألیف: شیخ احمد احسائی که در سال ۱۲۴۰ق از کتابت آن فراغت یافته و به شماره ۱۶۴۱ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲) ۲. «کافی» که در دوشنبه از ماه شعبان ۱۲۳۹ق آنرا کتابت نموده و نسخه به شماره ۳۸۹۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است. روی برگ اوّل تملّک حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی بن شیخ محمّد تقی صاحب حاشیه و مهر بیضوی او «محمّد باقر بن محمّد تقی» دیده می شود.(۳) ۳. «منتهی المطلب» علّامه حلّی که در سال ۱۲۴۸ق به خط نسخ نوشته و به شماره ۳۳۱۰ در کتابخانه مدرسه مجلس شورای ملّی موجود است.(۴) ۴. «حاشیه بر شرح عضدی» از: ملّا میرزا جان باغنوی که در یک شنبه ۲۵ صفر ۱۲۵۴ق به خط نسخ کتابت نموده است.(۵) ۵. «الفصول الغرویه» تألیف: شیخ محمّد حسین ایوان کیفی به خط نسخ که در سال ۱۲۵۵ق کتابت شده است.(۶) نسخه در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد موجود است.

۱- تاریخ صنایع ایران، ص۲۱۸.

۲- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۱۴۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۰، ص۲۷۶.

۴- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش دوم، ص۹۶۱.

۵- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۲۳۲.

۶- فهرست گوهرشاد، ص۳۵۹.

شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی*

حاج صفرعلی شریعت فرزند حاج شیخ محمّد حسین شریعت فلاورجانی، از علماء معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۵ش در فلاورجان متولّد شد. و نزد علمای اصفهان همچون: شیخ علی فقیه فریدنی، حاج شیخ عباسعلی ادیب، حاج آقا حسین خادمی، سیّد علی مشکاه سدهی شیخ احمد فیاض و سیّد علی اصغر برزانی تحصیل نمود. سپس به قم رفته و درس حضرات آیات: بروجردی، امام خمینی، محقّق داماد و حائری یزدی حاضر شد.

او سالها در فلاورجان به تبلیغ دین و اقامه جماعت و حل مشکلات شرعی مردم مشغول بوده و ۸ سال امام جمعه آن شهر را برعهده داشت و در جریان جنگ ایران و عراق برای کمک به جبهه تلاش فراوانی را انجام داد و یکی از فرزندانش نیز در این جنگ به شهادت رسید. از دیگر اقدامات صاحب عنوان تأسیس حوزه علمیه امام خمینی در فلاورجان است.

شیخ صفرعلی همدانی

آقا شیخ صفرعلی بن شیخ غلامعلی همدانی، عالم فاضل مُعَمَّر [از علمای اصفهان در نیمه اوّل قرن چهاردهم هجری].

در همدان متولّد گردیده و جهت کسب علم به اصفهان مهاجرت نمود. و خدمت اساتید این شهر همچون حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی و آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) تحصیل نموده و اجازه دریافت نمود. او در محلّه دردشت ساکن بوده و در مسجد کوچه باغ دردشت امامت می نمود.

در سال ۱۳۵۰ق به سن متجاوز از ۹۰ سال وفات یافته، در تکیه ملک (واقع در تخت فولاد اصفهان) بالای سر قبر آخوند کاشی، استاد خود مدفون گردید. مشارالیه برخی از تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته تحریر درآورده است.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۳؛ سیری در تارخ تخت فولاد، ص۲۰۳.

صفرعلی لطف آبادی

صفرعلی لطف آبادی بن آخوند ملّا محمّد، شاعر ادیب [از ادباء و نویسندگان قرن چهاردهم هجری].

در سال ۱۲۹۶ش در «لطف آباد» از توابع درگز خراسان متولّد شد. مردی ادیب و شاعر و ساده لوح و خوش طینت بود و از کارمندان اداره قند و شکر شهرضا به شمار می رفت.

او در سال ۱۳۸۶ق در شهرضا وفات یافته در صحن امامزاده شاه رضا مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «آه از کرب و بلایت» ۲. «پانزده بهمن» ۳. «حوادث ده ساله»۴. «سیاحت نامه ناصح»۵. «قافله دل» یا «کاروان حقیقت»(۱)

صفی خان اصفهانی*

صفی خان اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری. او کتاب «عقد الدُّرَر» تألیف: حسین بن شعبان را در ۲۵ جمادی الاول ۱۰۸۹ق به خط نسخ کتابت کرده و اکنون آن کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم است.(۲)

محمّد صفی اصفهانی

محمّد صفی اصفهانی [از کاتبان نستعلیق نویس قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۶۶ق کتابت «سفینه السّلوک» تألیف: ملّا ادهم واعظ قرشی خلخالی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۹۰ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۶۱ و ۸۶۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۶، ص۳۲.

اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۱)

آقا صفی اصفهانی

آقا صفی فرزند آقا احمد معرّف اصفهانی، [از خوشنویسان و ادبای قرن یازدهم هجری]

پدرش سالها منصب معرّفی اصفهان را داشت. خود وی مردی خوش طبع و شعرشناس بود. [جز نستعلیق، تعلیق را نیز خوش می نوشت و از انشاء وقوف داشت و تا حدود سال ۱۰۱۰ق (سال تألیف «خلاصه الاشعار») هنوز در قید حیات بود.(۲)]

محمّد صفی هرندی*

محمّد صفی بن جلال الدّین هرندی، از فضلای اصفهان در قرن یازدهم هجری است. یادداشت تملّک او بر نسخه ای از کتاب «النّهایه» تألیف: شیخ طوسی به تاریخ ۱۰۲۴ق دیده شده است. ظاهرا او در اصفهان مدرسه معیتیه را بنیاد گذاشته است.(۳)

آقا صفی اصفهانی

آقا صفی اصفهانی معروف به «صفیا» فرزند خواجه قاسم مستوفی اصفهانی [شاید خواجه قاسم نطنزی؟!] شاعر و ادیب دانشمند قرن یازدهم هجری.

در سال ۹۶۵ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخت و در علوم مختلف چون ادبیات، سیاق، حساب و رمل مهارت کافی یافت. در جوانی در اصفهان ساکن بوده و با حکیم شفایی معارضه داشت. مدّتی بعد راهی هند شد و در شهر

۱- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲- تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، ص ۲۹۳؛ تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۱۸۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۴۷.

۳- تراجم الرّجال، ج ۲، ص ۷۲۹.

«برهان پور» به خدمت یکی از امرای مشهور آنجا سپهسالار (عبدالرحیم خان خانان) درآمد. عاقبت لباس قلندران و درویشان را پوشیده و به سیاحت در شهرهای هند پرداخت. یکی دیگر از امرای صاحب نام هند، مهابت خان از حال او آگاهی یافته و او را از لباس فقر خارج ساخت و مناصبی چون اداره سپاه و امور اداری را به او سپرد و آقا صفی با کاردانی آن وظیفه را انجام داد.

وی سرانجام در سال ۱۰۲۸ق در کابل وفات یافت.

از آثار او:

۱. «کلیات اشعار» حدود شش هزار بیت ۲. «ساقی نامه» که در تذکره میخانه چاپ شده است. ۳. «مثنوی» به سبک «مثنوی معنوی»۴. «مثنوی» به سبک «خسرو و شیرین» نظامی.

از اوست:

به جلوه بود بازار خودفروشی گل چو دید روی تو از شرم در چمن بگریخت(۱)

صفی حنفی اصفهانی

صفی حنفی اصفهانی [از فقهاء و محدّثین عامّه است.] در کتاب «انباء الرّواه» او را فرزند باقولی (علی بن حسین بن علی اصفهانی» دانسته است.(۲) «ابوالسّرایا خلیقه بن سلیمان بن خلیفه قرشی خوارزمی» از شاگردان اوست.(۳)

۱- تذکره میخانه، صص ۴۲۹-۴۳۳؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۳۲؛ تذکره روز روشن، ص۴۷۵؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۸۴؛ فهرست کتابخانه گوهرشاد، ص۱۱۹؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص۴۰؛ الذریعه، ج۹، ص۶۱۴ و ج۱۲، ص۱۰۹؛ تذکره منتخب الّطایف، ص۳۹۳.

۲- معجم الادباء، ج۱۳، ص۱۶۳، پاورقی.

۳- الفوائد البهیّه فی طبقات الحنفیّه، ص۷۱.

خواجه صفی الدّین اصفهانی

خواجه امام صـفی الدّین اصـفهانی، از علمای اهل سنّت در زمان سلجوقیان است. وی در مدرسه ای که مادر ارسلان بن طغرل در همدان بنا کرده بود، به تدریس می پرداخت.(۱)

صفی قلی بیک

صفی قلی بیـک، شـاعر ادیب قرن یـازدهم هجری. وی از اتراک بوده و در دربار شاه سـلیمان صـفوی صاحب جمع هیمه خانه بود و در آن منصب کـاردانی و مهارت خود را به اثبات رسانـد. وی تا حـدود ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصـرآبادی) در قید حیات بوده و پس از این تاریخ در کهولت و کِبَر سن وفات یافته است.

از اوست:

نرفت از دل گردون غبار کینیه ما شکست در بغل سنگ آبگینه ما(۲)

صفی قلی بیک اصفهانی*

صفی قلی بیـگ اصـفهانی فرزنـد محمّـد علی بیـگ نـاظر، از سـخنوران قرن یـازدهم هجری اسـت. پـدرش از رجـال معتبر و کارگزاران نامدار آن روزگار بود که در این کتاب شرح حال او را خواهید خواند.

صفی قلی بیـگ جوان قابـل معقولی بود و در ظـاهر و بـاطن کمـال قبول و اهلیت را داشت. در زمان شاه عباس ثانی به وزارت دارالعباده یزد منصوب شد.(۳) و سرانجام در ماه محرم ۱۰۸۵ق وفات یافته و در تکیه بابا رکن الدّین اصفهان مدفون شد.

نگارنده (غلامرضا نصـرالهی) در آبان ۱۳۸۱ هنگـامی که سـنگ لوح مزار او در هنگام بازسازی تکیه بابا رکن الـدّین توسـط مجموعه فرهنگی تخت فولاد (وابسته به شهرداری

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۴.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ تذکره غنی، ص۸۰؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۳۹۷.

اصفهان) از زیر انبوه خاک در صحن تکیه بیرون آورده شد مشاهده کردم. قسمت بالای سنگ لوح شکسته شده و باقی آن به خط نستعلیق حاوی این عبارت بود:

«... / صفی قلی بیک خلف / عالی جاه محمّد علی بیک / ناظر سابق فی شهر / محرم سنه ۱۰۸۵»(۱)

از اوست:

سروش به هر مکان که ز جامی شود بلند تا ساق عرش نام خدا می شود بلند

سر گشته ایم گرد جهان همچو آسمان تا دست و تیغ او ز کجا می شود بلند

چون برق آه از سر افلاک بگذرد این دود از آتش دل ما می شود بلند

غم را نهفته ایم به خلوت سرای دل ای ناله دم مزن که صدا می شود بلند

صفی قلی بیگ چرکس*

صفی قلی بیگ فرزند قزاق خان چرکس، از شعرای قرن یازدهم هجری است. پدرش از خوانین چرکس و بیگلربیگی شیروان بود. صفی قلی بیگ در سپاهی گری و جنگاوری مهارت داشت و در کنار آن صاحب ذوق و قریحه بود و شعر می سرود. عاقبت به سلک درویشان در آمده و خاموشی گزید. او تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) زنده بوده و در اصفهان اقامت داشته است.(۲) دیوان اشعار او به شماره ۴۶۹۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

از اوست:

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۹ و ۵۰؛ منتخب اللّطایف، ص۳۹۸.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۲۶۳.

فارغند از گفتگوی عرض مطلب لال ها چشم گویای تو می فهمد زبان حال ها

صلت زاهد

صلت بن زکرّیا زاهد [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری است. به زهد و تقوا معروف بوده و] از اصحاب محمّد بن یوسف معدانی اصفهانی است. «عبدالرّحمان بن عمر رسته» و «محمّد بن عاصم» از او روایت می کنند.(۱)

صلحی کرانی

صلحی کرانی، از شعرای اصفهان است. زمان زندگی او معلوم نیست. «کران» نام محلّه ای از محلّه های اصفهان است.

این رباعی وی در هجو «امیر احمد جگربخون» در اصفهان شهرت داشته است:

ای آن که ز گوهر زبون آمده ای از روز ازل لجوج و دون آمده ای

از کاوش همچو من دلت خون شده است کز پشت پدر جگر به خون آمده ای(۲)

صمد هفشویی

صمد بن سلیمان بن احمد هفشویی [از فضلاء عهد صفویه] مؤلف کتابی به نام «لمعات» در مواعظ، به فارسی شامل احادیث اخلاقی و غیره است. کتاب به شماره ۶۹۲ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. نسخه به سال ۱۲۵۹ق کتابت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۶؛ مزارات اصفهان، ص۳۵۱.

۲- تذکره روز روشن، ص۴۷۹؛ تذکره منتخب اللّطایف، ص۳۹۷؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۵۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۸۵.

شده و آغاز نسخه چنین است:

آغاز: «الحمدللّه... و بعد مخفی نماند که حسب الالتماس یکی از اخوان...»(۱)

[پـدرش پیر سـلیمان از شـعراء و عرفاء قرن یازدهم هجری بوده و در تـذکره نصـرآبادی از او یاد شـده است. هفشویه از دهات بلوک قهاب جی اصفهان بوده و مسجدی تاریخی در آن هنوز باقی است.]

ملّا صوفی

ملّا صوفی، از عرفای گمنام اصـفهان است. مقبره او در قریه روشن دشت واقع در کنار جاده قـدیم اصـفهان بوده و او را «مولینا صوفی» می گفته اند. [اطلاعات بیشتری از این شـخص در دست نیست. مرحوم مهدوی مؤلف فقید احتمال داده اند او یکی از این سه نفر (صوفی همدانی، میرزا علاءالدّین محمّد صوفی و یا میر معزّ صوفی) باشد.(۲)]

صوفی اردستانی

خواجه صوفی اردستانی شاعر و ادیب خوش طبع و از معاصرین مؤلف تحفه سامی [و از سخنوران قرن دهم هجری] است.

[آذر بیگدلی در «تذکره آتشـکده» نامش را ملّا محمّد نوشـته و گفته که بعضـی او را خالوی ملّا جامی دانسـته اند. چون جامی مقدّم بر صوفی اردستانی است و حداقل یک قرن قبل از او می زیسته، ظاهرا او را با یک نفر دیگر به اشتباه یکسان گرفته اند.]

از اوست:

مرشد ماست خم باده که در روی زمین نیست پیری به از اوصاف دل و گوشه نشین(۳)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۵۵.

۲- مزارات اصفهان، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۳- تـذکره تحفه سـامی، ص۳۳۶؛ تـذکره آتشـکده: بخش سـوم از نیمـه نخست، ص۹۵۸؛ تـذکره منتخب اللّطـایف، ص۳۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۵.

صوفی همدانی

صوفی همدانی [از فضلای قرن یازدهم هجری] در اصفهان ساکن و به تحصیل علوم دینی مشغول بود، عاقبت بر اثر بیماری در اصفهان وفات یافت.

از اوست:

به من دارد سپاه خرّمی روی غریبی، بینوایی، بی کسی هوی(۱)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۵؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۰.

«ض»

اشاره

ضحّاک مدینی

ابوبکر ضحّاک بن ابی الفضل بن احمد بن حباب مدینی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن پنجم هجری] در سال ۴۵۰ و اَندی در مدینه (شهرستان) جِی اصفهان متولّد شده و از «ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن حسن قصّار مدینی» حدیث شنیده است.

«سمعانی» از او با عبارت «شیخ صالح زاهد معمر» یاد کرده است.(۱)

ضحّاک جوزدانی

ابوالقاسم ضحّاک بن علی ابوالقاسم اصفهانی جوزدانی [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری] او جهت اخذ حدیث به نیشابور رفته و از «زاهر شحامی» و «ابوعبداللّه محمّد بن عبداللّه حاکم نیشابوری» حدیث شنیده است.(۲)

ضحّاک مدینی

ابومحمّد ضحّاک بن محمّد بن ابی محمّد بن ابی بکر مدینی اصفهانی [از محدّثین اوایل قرن ششم هجری] از «ابوالفتح احمد بن محمّد بن احمد بن سعد حداد» حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» او را ملاقات کرده و از او با عبارت «کان شابا صالحا سدید السیره» ستوده و از وی در سال ۵۳۱ق استماع حدیث کرده است.(۳)

ضحّاک اصفهانی

ضحّاک بن مزید بن عجلان [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] در

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲- تاریخ نیشابور، ص ۴۰۹.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۴۲.

اصـفهان متولّـد شـده و از محدّثین اخذ حدیث نموده است. او نوه دختری «ابن متویه» (ابراهیم بن محمّد بن حسن) بود.(۱) [از «حسین بن حفص» روایت نموده و «احمد بن محمود بن صبیح» از او نقل حدیث می نماید.(۲)]

ضرار اصفهانی

ابوالحسن ضـرار بن احمد بن ضـرار اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن سوم هجری] جدّش ضـرّار قریه «ضرارآباد» را احداث نموده و قسمتی از «جامع یهودیه» را بنا کرده است.

«سلمان بن احمد» از صاحب عنوان روایت می کند و خود او از «احمد بن یونس ضبّی» نقل حدیث می نماید.(۳)

دکتر ضیاء موحّد*

دکتر ضـیاء موحّد فرزند سیّد مصطفی موحّد محمّدی، از شعراء و محقّقان و دانشمندان معاصر در ۱۲ دی ۱۳۲۱ش در اصفهان متولّد شد. پدرش از روحانیون و علمای دینی به شمار می رفت و مقدّمات علوم دینی را به فرزند آموخت.

او مقطع ابتدائی را در دبستان خواجه نظام الملک و دبسـتان جلالیه طی کرد. سپس به دبیرستان سعدی رفت و پس از تحصیل در رشـته ریاضی دیپلم گرفت آنگاه در رشته فیزیک در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۴۳ لیسانس گرفت و به تدریس در «پارچین» ورامین مشـغول شد. سه سال بعد به سربازی رفت و بعد از آن در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و فوق لیسانس فیزیک گرفت و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ش در مرکز اسناد ایران به کار مشغول شد. در سال ۱۳۵۴ با بورسیه آموزش

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۵۰؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۲۹۸.

۲- الانساب، ج۲، ص۴۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۵۱.

عـالی به تحصـیل در رشـته فلسـفه و منطق در «یونیورسـیتی کالـج» لنـدن پرداخت و در سال ۱۳۶۱ بـا ارائه تز «ساختـار صوری انـدیشه در فسـلفه فرگه» دکترا گرفت و به ایران بـازگشت و در مرکز اسـناد و مـدارک ملّی به خـدمت پرداخت. کمی بعـد به مؤسـسه مطالعـات و تحقیقـات فرهنگی و علوم انسـانی (پژوهشـگاه) دعوت شـد و به تـدریس فلسـفه و خصوصـا منطق جـدید مشغول شد و در برخی مراکز آموزشی عالی تهران نیز تدریس کرد. او از صاحب نظران منطق جدید است و در کنفرانس های داخلی و خارجی سخنرانی نموده و مقالاتی تألیف کرده و پژوهش هایی را به انجام رسانده است.

در نوجوانی به سـرودن شـعر پرداخت و به انجمن ادبی کمـال اصـفهان راه یافت و اشـعارش مورد شـگفتی شاعران انجمن قرار گرفت. پس از آن در انجمن صائب که جمعی از دوسـتان شاعر و نویسنده جوان تأسیس کرده بودند شرکت کرد. او مدّتی در قالب های سنّتی شـعر می سـرود تا اینکه با شـعر نو و خصوصا آثار مهدی اخوان ثالث آشـنا شد و از سرودن شعر سنّتی کناره گرفتـه و بـه شـعر نیمـایی روی آورد. و کمی بعـد او بـه سـرودن شـعر سپیـد پرداخت. او در ایـام اقـامت در تهران برای کـار و تحصیل، در اغلب جلسات جُنگ اصفهان که در اصفهان با حضور دوستان نوگرای او برگزار می شد شرکت می کرد و برخی از اشـعارش در نشـریه جُنگ اصـفهان به چـاپ می رسـید. از او دهها مقـاله، نقـد و مصاحبه درباره شـعر و ادبیات و منطق در مطبوعات به چاپ رسیده است.

این کتابها از آثار اوست که چاپ شده است:

۱. «واژگان توصـیفی منطق»۲. ترجمه «نظریه ادبیـات» نوشـته: رنه ولـک و آوسـتن وارن (ترجمه بـا همکـاری پرویز مهـاجر)۳. «درآمـدی بر منطق جدید»۴. «از ارسـطو تا گودل»۵. ترجمه «منتقـدان فرهنگ»۶. «بر آبهای مرده مرواریـد» (مجموعه شـعر)۷. «غراب های سفید» (مجموعه شعر)۸. «مشتی نور سرد» (مجموعه شعر)۹. «شعر و شناخت» (مجموعه مقاله).(۱)

۱- ضیاء موحّد (از مجموعه: تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران) با تلخیص؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۳۳.

آقای محمّد رحیم اخوت در فصلی از کتاب «چهار فصل» خود به شرح و تحلیل اشعار او پرداخته است.

سیّد ضیاءالدّین امامی*

استاد سیّد ضیاءالدّین امامی فرزند سیّد محمّد باقر امامی دهکردی، نقاش هنرمند معاصر در سال ۱۳۰۱ش در محلّه جلوخان شهرکرد متولّد شد. در کودکی به مکتبخانه رفت و سپس در دبستان تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۴ش به همراه خانواده به اصفهان آمد و کمی در مدرسه صدر بازار و دبیرستان فرهنگ به تحصیل ادامه داد. امّا عاقبت به هنرستان های هنرهای زیبا رفت و تحت نظر استاد عیسی بهادری نقاشی را آموخت. پس از پایان تحصیل به تدریس در دبیرستان های اصفهان مشغول شد و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. چندی بعد تدریس را رها کرده به تهران رفت و در دانشکده هنرهای تزیینی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۴۷ش از آنجا فارغ التحصیل شد. و حدود ۱۰ سال به تدریس در دانشگاه ها و دبیرستان های تهران پرداخت. او در سال ۱۳۵۷ش به اصفهان بازگشت و در دانشکده پردیس تدریس نمود.

استاد امامی در روز سه شنبه ۱۱ تیرماه ۱۳۸۷ش وفات یافت و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۱)

او در نقاشی صاحب سبک ویژه ای بود و معمولاً در نقاشی خود از خط، تذهیب و نقاشی استفاده می کرد و عرفان و ادب در آثار او تبلور داشت.

از نمونه تابلوهای او می توان به «تصویری از جهنّم»، «اصحاب کهف»، «غار حرا» و «پیامبران اولوالعزم» اشاره کرد.(۲)

او مردی متدیّن، متواضع و گریزان از شهرت و خودنمایی در حقیقت کلمه عارف

۱- فصلنامه دریچه، شماره ۱۶، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۷، صص ۶۷-۷۲.

۲- کیهان فرهنگی: شماره ۲۶۲ و ۲۶۳، تیر و مرداد ۱۳۸۷، ص۷۹.

بود. شرح مفصل زندگی او در کتاب «نگاره سایه ها» آمده است.

ضیاءالدین حسینی الموتی

ضیاءالدین بن میر محمّد باقر حسینی باقری الموتی [از فضلاء گمنام قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نزد فضلاء این شهر از جمله ملّا محمّد قاسم بن ملّا محمّد شفیع بن ملّا محمّد علی استرآبادی به تحصیل پرداخته است.] در سال ۱۱۰۲ق برای استادش مولانا محمّد قاسم بن مولانا محمّد شفیع کتاب «المحاکمات» تألیف: قطب الدّین محمّد رازی را نوشته که در کتابخانه حقیر [سیّد مصلح الدّین مهدوی] موجود است.(۱)

سیّد ضیاءالدّین علّامه*

سیّد ضیاءالدّین علّامه فرزند سیّد حسن فانی یزدی، عالم فاضل خطیب ادیب و محدّث خبیر، از علمای معاصر اصفهان.

در سال ۱۲۹۲ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات جدید در مدارس آموزش و پرورش، در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. و از دروس شیخ محمود مفید، حاج میرزا رضا کلباسی و دیگران بهره گرفت و به تبلیغ و وعظ و ارشاد مشغول شد. او عالمی غیور و شجاع بود و در اعتراض به مفاسدی که رژیم پهلوی به آن دامن می زد به سخنرانی پرداخته و تحت تعقیب مأموران رژیم قرار گرفت و به عتبات عالیات رفت و به مدت ۱۰ سال از درس خارج آیات عظام سیّد ابوالقاسم خویی، سیّد محمود شاهرودی، سیّد عبدالهادی شیرازی و سیّد محسن حکیم بهره مند شد. مدّتی هم ملازم کتابشناس و رجالی کم نظیر آقابزرگ طهرانی بود و از خرمن معلومات او در رجال

۱- فهرست سیّد مصلح الدّین مهدوی، صص ۲۵ و ۲۶.

و کتابشناسی خوشه ها چید.

چندی بعد او به اصفهان بازگشته و از محضر فقیه جامع میر سیّد علی بهبهانی کسب فیض نمود.

او در اصفهان از فعالان انجمن تبلیغات دینی و انجمن دین و دانش بود و به مبارزه با تبلیغات مسیحیان و بهاییان می پرداخت. از اقدامات او انتشار هفته نامه «ندای دین» است که با مقالاتی از نهضت ملّی شدن نفت و مبارزات فداییان اسلام حمایت کرده است.

سیّد ضیاءالدّین علّامه دانشمندی پرکار و سخت کوش و خبره و صاحب نظر در علوم رجال، درایه، حدیث و تفسیر بود. او سرانجام در ۱۴ شوال ۱۴۱۹ق (مطابق ۱۱ بهمن ۱۳۷۷ش) وفات یافته و در بقعه علّامه مجلسی (جنب مسجد جامع اصفهان) مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. تصحیح و تحقیق «مجمع الرّجال» قهپایی، مطبوع در ۷ جلد ۲. تصحیح و تحقیق «وافی» فیض کاشانی، مطبوع در ۱۶ جلد ۳. «ضیاء الدّرایه»۴. «ضیاء القاری» در تجوید۵. «تفسیر ضیاء» در تفسیر جزء سی ام قرآن مجید۶. «در کجای قرآن نوشته شده»، درباره خمس۷. «ضیاء الإیمان»۸. «زندگانی حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام »(۱)

حاج سیّد ضیاءالدّین تجویدی

حاج سیّد ضیاءالدّین تجویدی بن حاج میرزا علینقی بن سیّد اسماعیل بن میر محمّد علی حسینی، عالم فاضل. در سال ۱۳۲۰ق در اصفهان متولّد گردید. مقدّمات علوم را نزد اساتید فرا گرفته و در زمان رضاخان سواد کوهی چندین سال در مدرسه قدسیه به تدریس ادبیات و قرآن پرداخته و پس از رفع خفقان به تحصیلات خود نزد اساتید و

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی؛ مزارات اصفهان، صص ۴۳ و ۴۴.

مجتهدین ادامه داد. اسامی برخی از اساتید او عبارتند از: آقا شیخ اسماعیل معزّی، آقا سیّد محمّد رضا خراسانی، حاج میر سیّد علی نجف آبادی، آقا سیّد محمّد نجف آبادی، آقا سیّد مهدی درچه ای و غیره.

مرحوم حاج آقا ضیاءالدّین در محراب و منبر به هدایت و ارشاد مردم اشتغال داشت و در بیان مسائل حلال و حرام تسلطی کامل داشت. سرانجام او در شب ۶ صفر ۱۴۰۸ق در اصفهان وفات یافته و پس از تشییع شایسته در مقبره زینبیه مدفون گردید.(۱)

[مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانا استاد فضل اللّه خان اعتمادی خویی (برنا) چنین گفته است:

به ابجد خواست تاریخی برای رحلتش «برنا» به شمسی شد وفاتش «کو ضیاءالدّین تجویدی»

]

آقا ضیاءالدّین دُرّی

آقا ضیاءالدّین دُرّی فرزند ملّا غلامرضا بن محمّد علی بن تقی بن باقر بن محمّد سعید بن محمّد زکی اصفهانی، عالم فاضل، ادیب حکیم. از دانشمندان قرن اخیر است.

در سال ۱۲۹۳ق در قریه «دُرّ» متولّد گردیده و در اصفهان [نزد آخوند کاشی، میرزا محمّد حسن کاشانی و جهانگیر قشقایی] و نجف اشرف و طهران [نزد میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا محمّد حسن کرمانشاهی] تحصیل نموده و به مرتبه اجتهاد نائل گردید. او در نشر و اشاعه فرهنگ جدید رنج ها برده و تا آخرین لحظات خود دقیقه ای اهمال ننمود. [او مدرسه «اتحادیه» که بعدها به خاطر تقدیر از خدمات ارزنده او به «مدرسه دُرّی» نامیده شده را تأسیس کرد.]

سرانجام در ۲۱ جمادی الثّانیه ۱۳۷۵ق [مطابق با بهمن ۱۳۳۴ش] در طهران وفات

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با فاضل ارجمند سیّد فضل اللّه تجویدی (فرزند سیّد ضیاءالدّین) در ۱۶ آذر ۱۳۶۹ش؛ مزارات اصفهان، صص ۲۳۶ و ۲۳۷.

یافت [و جنازه به عتبات عالیات منتقل و به خاک سپرده شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تاریخ انبیاء اولوالعزم»۲. «تاریخ مختصر رجال عالم»۳. «تاریخ وهابیّه»۴. «ترجمه تاریخ الحکماء» شهرزوری۵. «ترجمه رساله تحفه»۶. «ترجمه رساله جبر و اختیار»۷. «ترجمه حکمه العرشیه»۸. «ترجمه سرّ القدر»۹. «ترجمه رساله عشق» ۱۰. «ترجمه رساله فیض الهی» ۱۱. «ترجمه رساله ترغیب در دعا» ۱۲. «تفسیر سوره توحید» ۱۳. «ترجمه رساله تقسیم نفوس» ۱۴. «ترجمه رساله الواحد لایصدر عنه الّا الواحد» ۱۵. «ترجمه اقسام علوم عقلیّه» ۱۶. «ترجمه رساله مبداء و معاد» ۱۷. «ترجمه قصیده عینیّه» ۱۸. «ترجمه رساله کیفیّت وقوع زمین در مکان فعلی» ۱۹. «ترجمه رساله نبض» ۲۰. «ترجمه رساله نفس» (از شماره ۵ تا ۲۰ از تألیفات ابن سینا) ۲۱. «ترجمه رساله در حواس» عمر خیّام ۲۲. «جواهر اللّسان» در علم میزان ۲۳. «رساله در اغلاط معروفه» ۲۴. «رساله در علت العلل بدبختی» ۲۵. «رساله در مبادی امور مهم تاریخی» ۲۶. «ضیاء اخلاق» ۲۷. «ضیاء الصّرف» ۲۸. «فقه» یک دوره در ۳ جلد ۲۹. «فلسفه الاعتماد» معروف ترین تألیف او ۳۰. «لمعات المسترشدین» یا اصول عقاید فارسی، مطبوع [۳۱. «جبر و اختیار»] ۳۲. «محاضرات البلغاء و مسامرات الادباء»(۱)

آقا ضیاءالدّین چهارسوقی

آقا سیّد ضیاءالدّین بن حاج میرزا هاشم چهارسوقی بن آقا سیّد زین العابدین موسوی اصفهانی، از علمای قرن چهاردهم هجری. در «نسب نامه الفت» راجع به او نوشته اند:

۱- مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۵۶۶-۵۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۳۶ و ۷۳۷؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۳، صص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۲۲۲ و ۲۲۳؛ نادره کاران، صص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ تراجم الرجال، (چاپ ۱۴۲۲ق)، ج۱، ص۴۲۴.

«مردی وارسته و دارای اطواری غیرعادی بوده». تولّدش در سال ۱۲۸۹ق و وفاتش در سال ۱۳۴۸ق واقع شد و در پشت تکیه صاحب روضات نزدیک دیوار مسجد مصلی مدفون گردید. او مردی با سخاوت و بذّال بود و هرچه داشت به فقراء و محتاجین کمک می کرد و در این خصوص راه افراط می پیمود.(۱)

ضیاءالدین جناب*

استاد ضیاءالدین جناب، دانشمند فاضل و متدیّن از پیشگامان آموزش و پرورش در اصفهان. در سال ۱۲۷۲ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اتّحاد طی کرد. دروس مقدماتی را نزد پدرش و نیز عمویش میر سیّد علی جناب آغاز نمود. صرف و نحو را از میرزا ابوالقاسم زفره ای، ادبیات فارسی را از سیّد آقاجان نوربخش، حساب را از عمویش میر سیّد علی جناب، زبان فرانسه را از میرزا اسداللّه منشی کنسولگری روسیه و خط را از ملک الکتاب فرا گرفت. سپس به مدرسه باقریه رفت و تا سال ۱۳۲۳ق به تحصیل ادامه داد. با شروع جنبش مشروطیت آن مدرسه تعطیل شد. او به مدرسه آلیانس رفته و زبان فرانسه را آموخت. و در کنار آن در مدرسه نیم آورد نزد میرزا احمد اصفهانی شرح لمعه و نزد آقا سیّد مهدی درچه ای قوانین و نزد شیخ اسداللّه قمشه ای شرح منظومه را خواند.

او در روز ۱۱ ربیع الاوّل ۱۳۳۱ق به همراه سیّد سعید طباطبائی نائینی مدرسه گلبهار را در اصفهان تأسیس نمود و ریاست آن را بر عهده گرفت. مدّتی بعد به ریاست مدرسه متوسطه اصفهان (دبیرستان صارمیه بعدی) منصوب شد و تا سال ۱۳۰۹ش به خدمت پرداخت. سپس به تهران منتقل شده و کمی بعد به عنوان رئیس مدرسه شاپور رشت راهی گیلان شد. و چندی بعد به ریاست معارف گرگان رسید. او از علاقمندان به ادب و

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص ۲۸۰؛ مناهج المعارف: مقدمه، ص ۳۲۱.

هنر بود و در رشت و گیلان نمایش «رستم و سهراب» نوشته کاظم زاده ایران شهر را به روی صحنه برد.

او سرانجام پس از عمری خدمت به فرهنگ در اسفند ماه ۱۳۵۵ش وفات یافت. حسام الدّین دولت آبادی در رثای او مرثیه ای گفته که مادّه تاریخ آن این بیت است:

حسام آورد تاریخش به هجری: «جناب استاد با ایمان من رفت»

از مرحوم جناب علاوه بر مقالاتی که در روزنامه اصفهان (به مدیریت امیرقلی امینی) به چاپ رسیده است، ترجمه «تربیت پرنس چالز ولیعهد انگلیس» و «شاهکارهای فن تعلیم و تربیت» نیز به جای مانده است.(۱)

سیّد ضیاءالدّین شهشهانی

سیّد ضیاءالدّین شهشهانی، فاضل خطاط، در سال ۱۳۰۴ق کتاب «آب زندگانی» (ترجمه کتاب «رجوع الشّیخ الی صباه») را به خط زیبای خود نوشته و در بمبئی هند به چاپ رسیده است.(۲)

۱- یادنامه سیّد ضیاءالدّین جناب، به مناسبت یکمین سال درگذشت.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۴۰.

«ط»

اشاره

طالب اصفهانی

طالب اصفهانی معروف به «بابا طالب» از شعراء و ادبای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری.

سالها در اصفهان بوده و در لباس فقر و درویشی روزگار می گذراند. بالاخره به سفر پرداخته و به کشمیر رفته و به خدمت یوسف شاه والی کشمیر در آمده و از لباس درویشان خارج شد. پس از حمله جلال الدّین اکبر، پادشاه هند به کشمیر و سقوط حکومت آنجا، به دربار اکبر شاه راه یافته و نزد او احترام و اعتبار بسیار یافت، تا جایی که به عنوان ایلچی گری و سفارت از طرف اکبر شاه نزد حاکم تبّت رفت و پس از مراجعت رساله «غرائب و نوادر تبّت» را نوشته و به ابوالفضل علامی داد که عینا در کتاب «اکبرنامه» درج گردید.

بابا طالب در اواخر عمر به همراه فرزندانش در کشمیر زندگی می کرد تا اینکه در سال ۱۰۳۲ق وفات یافته و در محلّه باباپوره کشمیر نزدیک مزار بابا خلیل مدفون شد.

او در شعر و ادب مهارتی به سزا داشت و در هند با دانشمندان و شاعران پارسی گوی آنجا همچون فیضی دکنی، ابوالفضل علّامی، حکیم ابوالفتح، مولانا نظیری، مولانا قاسم کاهی و دیگران مصاحبت و مجالست داشت. نمونه ای از اشعارش ضمن مجموعه ای در کتابخانه بادلیان موجود است و میکروفیلم آن به شماره ۱۲۲۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران وجود دارد.

از اشعار اوست:

به مهر اهل وفا عهد بسته می آیی بیا بیا که به دلها نشسته می آیی

گلم به دامن و شوقم به خرمن ست که تو شکفته چون گل و خندان چو پسته می آیی

رباعی

غمنامه من نخوانی و کهنه شود مهجوری من ندانی و کهنه شود

دیر آمدنت مباد کاین زخم فراق ترسم که تو دیر مانی و کهنه شود(۱)

محمّد طالب جِشوِقانی

محمّد طالب بن محمّد تقی جشوقانی قهپایی اصفهانی [از فضلاء قریه «جِشوِقان» از توابع کوهپایه اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده و ظاهرا در اصفهان به تحصیل مشغول بوده است.] در سال ۱۰۷۲ق کتابت «نسخه ای از کتاب «بیان» تألیف: شهید اوّل را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۴۷۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۲)

[او همچنین در سلخ محرم ۱۰۷۳ق نسخه ای از «حاشیه حکمه العین» را کتابت کرده که در کتابخانه جلال الدّین محدّث ارموی موجود است.(۳)]

ملّا محمّد طالب اصفهانی

ملّا محمّد طالب بن حیدرعلی اصفهانی، عالم فاضل. در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و به حکمت و کلام و ریاضیات علاقه فراوان داشته است. سال وفاتش به دست نیامد. او تا سال ۱۰۶۶ق در قید حیات بوده است. او مجموعه ای شامل چندین رساله را به خط خود کتابت کرده که از جمله رساله «مولد النّبی» تألیف میرزا قاضی اردکانی است. همچنین نسخه ای از «حاشیه شرح عضدی بر مختصر ابن حاجب» نوشته تفتازانی را در سال ۱۰۴۴ق مقابله و تصحیح کرده است. همچنین نسخه ای از «توحید» شیخ صدوق را مقابله کرده که در کتابخانه محمّد باقر حجت در کربلا موجود بوده است.

۱- تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، صص ۳۷۶-۳۸۰؛ کاروان هند، ج۱، صص ۷۸۳-۷۸۸؛ تذکره غنی، ص۸۲؛ تذکره روز روشن، ص۴۹۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص ۴۳۱.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش سوم، ص۱۴۳۴.

۳- الروضه النّضره، ص ۳۰۱.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «شرح خلاصه الحساب» به فارسی، در ۱۰ باب و یک مقدّمه که در سال ۱۱۲۹ق کتابت شده و در کتابخانه «سلطان المتکلمین» در طهران موجود بوده است. ۲. «فهرس ابواب فروع الکافی» که در سال ۱۰۴۲ق آنرا استخراج نموده است.(۱)

طالب اصفهانی

ابوالنّجم طالب بن زید بن علی بن شهریار ببع [کذا فی الاصل] اصفهانی [از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری] از «ابو زید احمد بن علی مصقلی»، «شجاع بن علی مصقلی»، «ابو ربیع عبدالجبّار بن عبداللّه بن ابراهیم بن برزه رازی جوهری واعظ» و «ابوعلی حسن بن عمر بن حسن بن یونس حافظ» و دیگران حدیث شنیده است. «ابوسعد سمعانی» از او استماع حدیث کرده است.

در سال ۴۵۰ق متولّد و در روز سه شنبه دوّم یا سوّم رمضان سال ۵۳۳ق وفات یافته است.(۲)

طالب قهپایی

طالب بن خواجه علی قهپایی اصفهانی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. وی در سال ۱۰۷۵ق کتاب «شرح اصول و روضه کافی» (کتاب العقل) تألیف: ملّا محمّد صالح مازندرانی را به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه مدرسه حجتیّه قم (به شماره ۱۳۲) موجود است.(۳)

۱- الروضّه النّضره، ص۲۹۹؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۱.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۵۶.

۳- فهرست حجتیّه، ص۶۲.

حاجی طالب نصیب اصفهانی

حاجی طالب بن حاجی مقصود چیت ساز اصفهانی، شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری.

ابتدا در خدمت پدر به شغل چیت سازی امرار معاش می کرد پس از فوت پدر به تجارت پرداخته و به هند رفت. در شعر طبعش خالی از لطف نبود و «نصیب» تخلّص می کرد.

این رباعی از اوست:

از خویش به یک نگاه می باید رفت بی منت پا به راه می باید رفت

آواز درآ ز شش جهت می آید آیا به کدام راه می باید رفت(۱)

میرزا طالب تبریزی

میرزا طالب تبریزی عباس آبادی فرزند حاج میرزا خان کمال بیگ از شعرای قرن یازدهم هجری.

از اهالی محلّه عباس آباد اصفهان است. پدرش از تجّار صاحب مکنت و ثروت بود. او پس از فوت پدر اموال او را صرف کرد و عاقبت به تنگدستی و ناداری مبتلا شد، امّا روزگار را به قناعت و درویشی گذراند. در جوانی مقدار زیادی تحصیل کرد، امّا پس از فوت پدر آنرا رها کرد. در سرودن شعر طبع روانی داشته و تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) در قید حیات بوده است. از آثار او غیر از «دیوان اشعار» می توان به «ساقی نامه» و «مثنوی در جواب تحفه العراقین» اشاره کرد.

از اوست:

با این که بتان شکوه ما گوش نکردند جرمی که نکردیم فراموش نکردند

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۱۰؛ تذکره روز روشن، ص۱۵۵؛ کاروان هند، ج۲، صص ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۷۲.

آغوش گشادیم برین کبک خرامان یک جلوه به اندازه آغوش نکردند(۱)

محمّد طالب مهابادی*

محمّد طالب مهابادی اردستانی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. او در اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده است. او در سال ۱۰۸۶ق «نهج البلاغه» را به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۳۲۱۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

سیّد طه بهشتی

آقا سیّد طه (طاها) بهشتی فرزند آقا سیّد محمّد باقر، عالم فاضل محقّق و شاعر و ادیب ماهر [از ادباء و فضلای معاصر اصفهان] در ۴ صفر ۱۳۲۲ق در اصفهان متولّد شد و نزد شیخ علی یزدی، حاج میر سیّد علی نجف آبادی و آقا میرزا احمد اصفهانی و دیگران به تحصیل مشغول شد. دو پسر او در سالهای نوجوانی عمر وفات یافته و پدر را به مفارقت خود گرفتار ساختند. امّا او به وعظ و خطابه و تحصیل و تألیف ادامه تا این که در سال ۱۳۷۴ق به علت بیماری رماتیسم و معالجات غلط پزشکان فلج شده و تا آخر عمر خانه نشین گردید. امّا از جادّه صبر و رضا خارج نشد. و پیوسته به یاد خدا بود و به مطالعه و تحقیق و سرودن شعر می پرداخت. سرانجام در ۱۷ رمضان ۱۴۰۳ق وفات یافته و در تکیه سادات بهشتی (جنب مصلای تخت فولاد) مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انیس المتّقین» ۲. «تحفه الاحباب» در شرح حال علماء و بزرگان سادات بهشتی اصفهان، مطبوع۳. «دُرَر المواعظ» شامل ۴۱ مجلس۴. «دیوان بهشتی»، مطبوع۵. «عشریه» راجع به ایّام عاشورا۶. «علائم المتّقین» در شرح خطبه همام از نهج البلاغه

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۸۱-۱۸۴؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱، ص۴۰؛ الذریعه، ج۹، ص۶۳۷ و ج۱۲، ص۱۱۰.

۲- فهرست الفبائی رضوی، ص۳۸۱.

در ۳ جلد، مطبوع۷. «کنز المواعظ» در ۵۱ مجلس۸. «لئالی المواعظ»۹. «نوادر المواعظ» ۱۰. «نور الایمان» در خطبه آخر شعبان در فضیلت ماه رمضان، شامل ۴۲ مجلس ۱۱. «هدیه الصّالحین»، مطبوع.

این رباعی از اوست:

چون نوبت باغ و موسم گلزار است بلبل به نوا و نغمه و گفتار است

با سروقدان رویم اندر بُستان چون باغ پر از شاهد گلرخسار است(۱)

شیخ طه کافی*

شیخ طه (طاها) کافی، عالم فاضل معاصر در سال ۱۳۱۸ش در اصفهان متولّد شده و پس از گذرانیدن دروس مقدّماتی و سطوح اولیّه، سطوح عالی را به طور عمده از مرحوم شیخ احمد فیاض فراگرفت و در درس خارج عالم مجاهد حاج آقا حسین خادمی شرکت نمود و همچنین از درس مرحوم سیّد علی بهبهانی بهره برد و تقریراتی از دروس او فراهم کرد.

آنگاه در قم از محضر حضرات آیات سیّد محمّد رضا گلپایگانی، شیخ مرتضی حائری (در فقه) و شیخ عبداللّه جوادی آملی (در فلسفه) بهره گرفت. پس از آن در قم و اصفهان به تدریس سطح مشغول شد و در کنار آن به تدریس معارف اسلامی در دانشکده سپاه پرداخت.

او سرانجام در سال ۱۳۶۵ش بر اثر سانحه رانندگی وفات یافته و در تکیه لسان الارض تخت فولاد (واقع در تکیه شهداء فعلی) مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد طاهر اصفهانی

۱- دیوان بهشتی: مقدمه؛ تحفه الاحباب، ص۴۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۲- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی.

ملّا محمّد طاهر بن محمّد زمان اصفهانی [از فضلای قرن یازدهم هجری] در پشت جلد هفتم «بحارالانوار» موجود در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران (نسخه شماره ۴۴۰۰) نوشته است که صاحب عنوان آن را نزد علّامه مجلسی قرائت نموده و در تاریخ ۲۷ ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق مجلسی به وی اجازه داده است. بنابراین مشارالیه شاگرد و مجاز از علّامه مجلسی می باشد.(۱) [وی در شب شنبه ۱۴ ربیع الثانی ۱۱۰۰ق بر کتاب «اصول کافی» حاشیه نوشته است. این نسخه نزد میرزا صادق بن محمّد حسن جولائی همدانی در همدان موجود بوده است.(۲)]

حاج محمّد طاهر اصفهانی

حاج محمّد طاهر اصفهانی، از علماء و فقهاء قرن سیزدهم هجری است. او معاصر ملّا اسماعیل عقدایی از مراجع و فقهای عالیقدر یزد بوده و در یزد سکونت داشته و خود مرجع امور شرعی در یزد بوده است.(۳)

محمّد طاهر اصفهانی*

محمّد طاهر اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است که در ربیع الاوّل ۱۰۳۸ق کتاب «صریح الملك» را تألیف نموده و در موزه ایران باستان نگهداری می شود. در این کتاب قباله های املاک آستان شیخ صفی الدّین اردبیلی گردآوری شده است. نسخه هایی از این کتاب در موزه ایران باستان در تهران موجود است.(۴)

طاهر اصفهانی

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۰۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۷.

۲- الکواکب المنتشره، ص۳۹۶.

۳- الکرام البرره، ج۲، ص۶۷۸.

۴- فهرست موزه ایران باستان، ص۲۱۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۲، ص۱۰۱۴.

طاهر بن ابوالحسن قاضی اصفهانی، از فضلای اوایل قرن یازدهم هجری است. در هندوستان ساکن بوده و خط نسخ را خوش می نوشته است. او کتاب «ارشاد الاذهان» را به خواهش میر مخدوم در شهر حیدرآباد هندوستان در اواخر شوال ۱۰۲۵ق کتابت نموده است. این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا محمّد طاهر قائنی

میرزا محمّد طاهر بن میرزا ابوالحسن [بن محمّد هادی بن محتشم بن عمیدالملک بن شهنشاه قائنی] عالم و ریاضیدان ماهر [در قرن دوازدهم هجری و ساکن اصفهان] در ریاضیات و حکمت نادره زمان بوده و «شرح تذکره»، «تحریر اقلیدس» و «تحریر مجسطی» را تدریس می کرده و شیخ محمّد علی حزین نزد او به تحصیل پرداخته است.(۲) [اجدادش محتشم و محمّد هادی و همچنین برادرش محمّد حسین از فضلاء و دانشمندان آن روزگار بوده اند. در مدرسه مروی تهران «رساله ای در اقسام ساعات» از شخصی به نام محمّد طاهر موجود است که ظاهرا همین میرزا محمّد طاهر قائنی است.(۳)]

میرزا محمّد طاهر نصرآبادی*

میرزا محمّد طاهر نصرآبادی فرزند میرزا محمّد تقی بن میرزا صالح آزادانی، شاعر، ادیب و منشی توانا در قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۲۷ق در قریه «نصرآباد» بلوک ماربین اصفهان متولّد شد و تحت نظر پدر به تعلیم پرداخت و به راهنمایی پدر نزد ملّا عبدالباقی تبریزی مشق خط کرد. در سال ۱۰۴۴ق پدر او وفات نمود و میرزا طاهر به لهو و لعب پرداخت و چندی را به غفلت به سر آورد. عاقبت از آن افعال توبه کرده و در محضر

۱- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۲۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۲؛ تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۷۱؛ الکواکب المنتشره، ص۳۹۷.

۳- فهرست مدرسه مروی، ص۳۲۲.

فضلای اصفهان خصوصا آخوند نصیرا قزوینی و آقا حسین خوانساری به کسب علم و ادب پرداخت. او در شعر طبعی روان داشت و «طاهر» تخلّص می کرد و در سرودن غزل و قصیده و مادّه تاریخ و معمّا مهارتی به سزا داشت. او شاعری خوش محضر و مهمان نواز بود و اغلب شعراء و فضلاء به منزل او در قریه نصرآباد می آمده و مورد اکرام او قرار می گرفتند.

او سخت پایبند به اعتقادات مذهبی خود بود و سفری به حج و سفری به مشهد مقدس نمود و در سالهای آخر عمر در مسجد لنبان عزلت اختیار کرد و عبادت مشغول شد و در این مکان بود که بسیاری از فضلاء و شعراء نزد او آمده و از او کسب فیض می کردند.

میرزا طاهر در نیمه دوم عمر خود به گردآوری احوال و اشعار شاعران پارسی گوی ایران و هند و ماوراءالنهر در آن روزگار پرداخت و پس از سالها تلاش تذکره ای ارزنده موسوم به «تذکره الشعراء نصرآبادی» مشتمل بر احوال بیش از یکهزار شاعر از عهد صفویه را تألیف کرد که بعدها از منابع اصلی بسیاری از تذکره نویسان همچون واله داغستانی، آذر بیگدلی، رضاقلی خان هدایت قرار گرفت. از ملاحظه این تذکره معلوم می شود که او مردی دقیق و نکته سنج و با صداقت بوده است.

ظاهرا او در آخرین سالهای قرن یازدهم هجری وفات یافته و در خانقاه میرزا ابوالقاسم نصرآبادی واقع در زادگاه خود مدفون شده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تذکره الشعراء» که نسخه هایی از آن در کتابخانه های ملک، مجلس شورا و وزیری یزد موجود است. کامل ترین نسخه که به دست سبزعلی بابا احمدی در غرّه ماه رجب ۱۰۹۱ق کتابت شده و به تأیید مؤلف رسیده، در کتابخانه وزیری موجود است. این تذکره در سال ۱۳۱۷ش به همت استاد حسن وحید دستگردی به چاپ رسیده و در سالهای اخیر به کوشش احمد مدقّق یزدی در یک جلد و به کوشش محسن ناجی

نصرآبادی در ۲ جلد به زیور طبع آراسته شده است.۲. «دیوان طاهر» که نسخه ای از آن تاکنون شناسایی نشده است.۳. «گلشن خیال» که نسخه های متعدد از آن موجود است و آقای ناجی نصرآبادی آنرا به ضمیمه تذکره نصرآبادی به طبع رسانیده است. این کتاب نمونه ای از انشاء میرزا طاهر است.۴. «گل و رعنا» که آن هم نثر منشیانه است و به ضمیمه تذکره (تصحیح آقای ناجی) چاپ شده است.۵. «منتخب دیوان صائب» که در یکی از کتابخانه های ترکیه وجود دارد.۶. «منتخب شاهنامه» که نسخه ای از آن شناسایی نشده است.۷. «مجموعه نصرآبادی» که جُنگی است از اشعار و خطوط شعر معاصر نصرآبادی و متأسّفانه نسخه ای از آن به دست نیامده است.

این شعر از اوست:

پرتو شمع جمالت چون شود روشن در آب می کند ماهی ز شوق سوختن شیون در آب

صاف شد چون دل بود آیینه روی یار را کی شود مه عکس خود را مانع بودن در آب

جسم را جان مانع است از سیر بحر معرفت چون شوی از جامه عریان می توان رفتن در آب

غرق دریای فنا شو تا گشاید هر طرف چشم ماهی بر جهان باقی ات روزن در آب(۱)

۱- اصفهان، کتاب جوانان، صص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ تذکره نصرآبادی، (تصحیح وحید): مقدمه؛ تذکره نصرآبادی (تصحیح ناجی)، مقدّمه؛ تذکره نصرآبادی، (تصحیح مدقق): مقدّمه؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۰۴-۲۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۱؛ فرهنگ معیّن ج۶، ص۲۱۲۴؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص۱۳۳؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۲، صص ۳۹۹-۴۰۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۲۹ و ۶۲۷-۶۳۰؛ الکواکب المنتشره، ص۳۹۹؛ مجمع الفصحاء، ج۱: مقدمه؛ هفته نامه صدا، شماره ۳۰۵، سوم تیر ۱۳۸۵، ص۳؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۱۷۸۴-۱۷۸۷؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نصرآبادی»، ص۵۴۹؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۷۹؛ معجم المؤلفین، ج۱۰، ص۱۰۱؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۶۷ و ۱۶۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۲۰.

محمّد طاهر شاه میرزایی

محمّد طاهر بن محمّد تقی شاه میرزایی، [از فضلاء قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری] او مجموعه ای از تألیفات علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را در سال ۱۱۰۳ق کتابت کرده است. او احتمالاً از شاگردان علّامه مجلسی است. این مجموعه به شماره ۱۲۲۳ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

محمّد طاهر کوهساری*

محمّد طاهر بن حسنعلی معلم کوهساری، از ادباء و فضلای قرن یازدهم هجری و از اهالی قریه «کوسار» جی اصفهان است. (کوسار) اکنون به شهر پیوسته و در خیابان پروین اعتصامی واقع شده ولی از بافت معماری قدیمی و کشاورزی آنجا هیچ اثری به جا نمانده است.)

او در سال ۱۰۷۳ق «استبصار» تألیف: شیخ طوسی و در اواخر رمضان ۱۰۸۱ق «مشیخه» را کتابت کرده است.(۲) او همچنین در ۱۷ محرّم ۱۱۰۲ق نسخه ای از کتاب «مشرق الشمسین» تألیف: شیخ بهایی را کتابت کرده که نزد سیّد علی شبّر نجفی در نجف موجود بوده است.(۳)

میرزا محمّد طاهر وحید قزوینی*

میرزا محمّد طاهر قزوینی متخلّص به «وحید» فرزند میرزا حسین خان، شاعر، مورّخ، منشی و خوشنویس نامدار عصر صفویه. در اوایل قرن یازدهم هجری متولّد شد. او اگر

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۲۷.

۲- تراجم الرجال، ج۲، ص ۷۳۱.

۳- الکواکب المنتشره، ص۳۹۸.

چه به طور رسمی نزد دانشمندان عصر تحصیلاتی نداشت امّا با مطالعه و تلاش بسیار در زمینه های مختلف مهارت به دست آورد و در عهد شاه عباس اوّل به اصفهان رفت و نزد میرزا صالح بن میرزا باقر صاحب توجیه دیوان خانه سلطنتی صفویه به محاسبه و دفترداری و خدمات دیوانی مشغول شد و پس از مرگ میرزا صالح منصب توجیه دیوان اعلی را برعهده گرفت. چندی بعد به خدمت ساروتقی، وزیر اعظم درآمد و پس از مرگ او چندی نزد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، وزیر اعظم به خدمت مشغول بود. در سال ۱۰۵۵ به منصب مجلس نویسی دربار صفویه برگزیده شد و در اوایل سلطنت شاه سلیمان به وزارت اعظم منصوب شد. چندی بعد مورد غضب قرار گرفته و از آن مقام مستعفی شد. پس از مرگ شیخعلی خان زنگنه، دیگر بار به وزارت اعظم منصوب شد. امّا در سال ۱۱۰۵ق به علّت کهولت از آن مقام استعفا داد و در سال ۱۱۱۲ق در سن نزدیک به یکصد سالگی در اصفهان وفات یافت.

او اغلب در محفل و انجمن شاعران و دانشمندان شرکت می کرد و با آنان (از جمله صائب تبریزی) مراوده و معاشرت داشت. برخی از صاحب طبعان و نوشاعران نیز همچون محمّد رضا قزلباش همدانی (امید) از شاگردان محفل ادبی او بودند.

تذکره نویسان و ناقدان سخن اغلب نظم و نثر او را نپسندیده و آنرا میان مایه، مغلق، دشوار و مبهم دانسته اند، هرچند از پرکارترین شاعران عهد خویش بوده و شمار ابیات کلیات اشعارش را بین چهل هزار تا نود هزار بیت تخمین زده اند.

منظومه ها و آثار زیر از اوست: (در تعلیقات تذکره المعاصرین حزین، به قلم بانو معصومه سالک به طور مفصل به معرفی نسخ خطی و چاپی وحید قزوینی پرداخته است.)

۱. «دیوان اشعار»۲. «ساقی نامه» (چاپ شده در تذکره پیمانه)۳. «عباسنامه» (به کوشش ابراهیم دهگان در سال ۱۳۲۹ش در اراک چاپ شده است)۴. «شهرآشوب» (در سال ۱۳۷۹ش در قزوین چاپ شده است.)۵. «منشآت»۶. «وصف همایون تپه» مثنوی۷. «وصف طنبور»، مثنوی۸. «وصف آلات جنگ»، مثنوی۹. «گلزار عباسی»،

مثنوی ۱۰. «فتحنامه قندهار» ۱۱. «عاشق و معشوق»، مثنوی ۱۲. «ساغر سرشار»، مثنوی ۱۳. «ناز و نیاز»، مثنوی ۱۴. «خلوت راز»، مثنوی ۱۵. «تعریف عمارات شاهی»، مثنوی ۱۶. «کلام» ۱۷. «وصف نرد»، مثنوی ۱۸. «مرآه الاعجاز»

سه برادر میرزا طاهر وحید، «میرزا فصیح»، «میرزا یوسف» (متخلّص به واله) و «میرزا امین»، از شعراء و ادبای آن عهد بوده اند.

این بیت از اوست:

مانده بر خارانشان صورت شیرین هنوز شیشه دل را ببین فرهاد چون بر سنگ زد(۱)

محمّد طاهر اصفهانی

محمّد طاهر بن محمّد رضا اصفهانی [خطاط نستعلیق نویس در قرن یازدهم هجری[ظاهرا در تاریخ ۱۰۳۶ق نسخه ای از کتاب «جام جهان نمای عباسی» تألیف: قاضی بن کاشف الدّین یزدی را به خط نستعلیق نوشته و نسخه به شماره ۳۴۴۵ در کتابخانه ملّی تبریز جزو کتب اهدایی حاج محمّد نخجوانی موجود است.(۲)

همچنین نسخه ای از «تبصره المتعلمین» تألیف: علّامه حلّی را کتابت نموده که در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۳)

۱- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۶۸-۷۲؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۶-۲۹؛ تذکره المعاصرین (حزین)، صص ۱۴۱-۱۴۶ و ۲۶۲-۲۷۳؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، صص ۲۴۶۰-۲۴۶۴؛ تذکره آتشکده (بخش سوم از نیمه نخست)، ۱۲۱۱-۱۲۲۰؛ شهرآشوب، صص ۵-۷؛ تذکره کلمات الشعراء، صص ۱۱۹-۱۲۱؛ تذکره حسینی، ص۳۵۹؛ تذکره الشعراء غنی، ص۱۴۲؛ تذکره هفت آسمان، ج۱، صص ۱۵۱ و ۱۵۲؛ تذکره شمع انجمن، صص ۷۹۲-۷۹۴؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۶۹۶؛ تذکره پیمانه، صص ۵۶۶-۵۷۰؛ تذکره سرو آزاد، ص۱۳۲؛ تذکره نتایج الافکار، ص۷۴۰؛ ریحانه الادب، ج۱۰، صص ۳۱۰ و ۳۱۱؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص۱۳۴۶؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۹۹-۴۰۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۸۴.

۲- فهرست ملّی تبریز، ج۱، ص۳۲۴.

۳- فهرست اعظم قم، ص۶۲.

استاد طاهر بنای اصفهانی

استاد طاهر ولد استاد رضا بنای اصفهانی، از معماران معروف زمان شاه سلیمان صفوی است. از آثارش: ساختمان کاروانسرای شیخ علیخان زنگنه در سال ۱۰۹۸ می باشد.(۱)

میرزا محمّد طاهر شعری اصفهانی

میرزا محمّد طاهر شعری بن شیخ زین العابدین بیدآبادی اصفهانی، شاعر و ادیب فاضل در قرن سیزدهم هجری.

او از سلسله مشایخ بیدآباد اصفهان است و نسب آنان به عارف نامدار شیخ زاهد گیلانی منتهی می شود. پدرش هنگامی که او در رحم مادر بود فوت کرد. او در روز ۱۰ ذیحجه ۱۲۲۴ق در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل علم در این شهر به همراه برادرش شیخ صالح بیدآبادی راهی طهران شده و در مدرسه دارالشّفا ساکن شد و به تحصیل ادامه داد. مدّتی بعد مورد توجّه و عنایت علیقلی میرزا اعتضادالسّلطنه قرار گرفته و مأمور تألیف تذکره ای در شرح حال شاعرانی که میرزا آقاجان صدراعظم را مدح کرده اند و مدایح آنان شد که او آنرا در سه شنبه غرّه ذی القعده ۱۲۷۳ق به پایان آورد و آن را «گنج شایگان» نامید.

او لقب «دیباچه نگار» داشت و در شعر «شعری» تخلّص می کرد. [دیوان بیگی در تذکره خود او را بسیار نکوهش کرده است.]

سال دقیق فوت او معلوم نیست. برخی تذکره ها سال فوت او را ۱۲۷۰ نوشته اند که باتوجه به تاریخ اتمام کتاب «گنج شایگان» (۱۲۷۳ق) نادرست است. و باید گفت فوت او در سال ۱۲۷۴ یا ۱۲۷۵ق واقع شده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۳.

[۱. «بهجت نامه» منظومه ای مذهبی در شش دفتر که به شماره ۴۶۸۵ در کتابخانه ملّی ملک در طهران موجود است.] ۲. «دیوان اشعار» به عربی و فارسی [۳. «سفرنامه نور و کجور» که به همراه منظومه «بهجت نامه» در کتابخانه ملک طهران موجود است.[۴. «گنج شایگان» که شرح حال و اشعار ۴۸ شاعر (از مداحان میرزا آقاجان نوری) را در بر دارد. [حاجی محمّد بیدل کرمانشاهی مادّه تاریخ اتمام کتاب (سال ۱۲۷۳ق) را چنین سروده است:

«بیدل» به خامه گوهر تاریخ سفت و گفت: «آکنده شد بدرج گهر گنج شایگان»

این کتاب در همان سال در طهران چاپ سنگی شده است.(۱)]

ملّا محمّد طاهر اردستانی

ملّا محمّد طاهر [بن ملّا محمّد صادق بن ملّا محمّد طاهر بن حکیم ملّا محمّد صادق[اردستانی، عالم فاضل [از فضلای ساکن اصفهان در قرن سیزدهم هجری] او پدر شاعر عارف: ملّا محمّد صادق روشن است.(۲)

محمّد طاهر حسینی مازندرانی

محمّد طاهر بن محمّد صالح حسینی مازندرانی [از فضلاء و علماء قرن سیزدهم هجری] در تاریخ ۲۳ ربیع الاوّل ۱۲۴۳ق کتابت نسخه ای از «اصول دین» تألیف: شیخ

۱- تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۵۳۲ و ۵۳۳؛ چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۷۵؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۲، صص ۸۴۲-۸۴۶؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۲۲۵؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۷۷۹ و ۷۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۱؛ الکرام البرره، ص۶۷۹؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۲، صص ۷۳-۷۷؛ الذریعه، ج۹، ص۵۲۷ و ج۱۸، ص۲۳۸؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۵۸۴؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، صص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ فهرست ملک، ج۲، صص ۶۳ و ۶۴؛ دیوان طرب، ص۱۶۹.

۲- آتشکده اردستان، ج۱، ص۴۷ و ج۲، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۲.

احمد احسائی و در تاریخ پنج شنبه ربیع الثّانی ۱۲۴۳ق کتابت رساله در «مبحث معاد و مرگ» را در اصفهان به پایان رسانیده و هر دو نسخه ضمن مجموعه به شماره ۶۳۳۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است. همچنین در چهارشنبه ۲۳ شوال ۱۲۴۳ق کتاب «لب اللّباب» تألیف: مولی محمّد جعفر استرآبادی را در کربلا کتابت نموده و نسخه ضمن مجموعه قبل موجود است.(۱)

طاهر قاری اصفهانی

فخرالدّین ابوالحسن [ابوالحسین] طاهر بن عرب بن ابراهیم قاری اصفهانی، عالم فاضل محدّث، قاری بصیر. از اساتید فن تجوید و قرائت در اصفهان بوده. کتب عدیده در فن تجوید تألیف نموده و عدّه ای کثیر شاگرد تربیت نموده و جهت برخی از آنها اجازه نوشته است.

[و در ۷ محرم ۷۸۶ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدرش و] محمّد بن محمّد بن جزری به فراگیری قرائت و تجوید پرداخته و در سال ۸۵۷ق به شاگردش ابی المعارف نجم الدّین محمّد سعدی حموی اجازه داده است.

کتب زیر از اوست:

۱. «تجوید قرآن» به فارسی ۲. «التّجرید فی التّجوید»۳. «الدّر الفرید»۴. «شرح شاطبیه» که شاید از او باشد.۵. «طبقات القرّاء»۶. «القرائه المفرده» از ابن عامر۷. «القرائه المفرده» از حمزه۸. «القرائه المفرده» از نافع۹. «منتخب دُرّ الفرید» ۱۰. «منهل العطشان» [۱۱. «قصیده فی قرائه العشر» ۱۲. «نظم الجواهر» که قصیده در اختلافات قرآن است. ۱۳. «رساله فی وقوف القرآن»(۲)] ۱۴. «عین التنزیل» در تجوید،

۱- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۳۲۶.

۲- غایه النّهایه، ج۱، صص ۳۳۹-۳۴۱؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۶۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص۳۳۷ و ۳۳۸؛ الذریعه، ج۳، ص۳۶۸ و ج۸، ص۶۸ و ج۱۲، صص۳۶۵-۳۶۸ و ج۲۲، ص۴۰۱ و ج۲۵، ص۱۴۱؛ کشف الظنون، ج۲، صص۱۳۴۱ و ۱۳۴۳.

موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران.

محمّد طاهر ابهری اصفهانی

سیّد محمّد طاهر بن حاجی علاءالدّین محمّد بن امیرحسن موسوی حسینی ابهری جی اصفهانی [کاتب و خطاط و نسخ نویس در قرن یازدهم هجری] در ۱۵ ذیقعده سال ۱۰۷۷ق کتابت «فروع کافی» را به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۴۵۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱) همچنین در سال ۱۰۹۰ق کتابت «روضه المتّقین» تألیف: ملّا محمّد تقی مجلسی را به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۲۶۳۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[و نسخه ای از «توحید مفضل» را هم در ۱۷ ذیقعده ۱۰۸۲ق کتابت نموده که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)]

طاهر اصفهانی*

طاهر بن علی اصفهانی، از معماران قرن چهارم هجری. نام وی در کتیبه مسجدی است که در حفریات غرناطه [در اسپانیا] از زیر خاک درآمده و مربوط به دوره سلطنت امویان در آن حدود است.(۴)

طاهر طوسی

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۲۲۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۰۵.

۳- خورشید جی، ص۴۳۲.

۴- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۶۰.

ناصرالدّین طاهر بن فخرالملک بن نظام الملک طوسی، از وزرای عهد سلجوقی که پس از قتل ابراهیم درگزینی به وزارت سلطان سنجر رسیده و مدت ۱۹ سال وزیر او بوده و پس از خواجه نظام الملک، هیچ یک از وزرای سلجوقیان به اندازه او وزارت نکرده اند.

پس از سنجر مدّتی وزارت شاه سلیمان را یافته و مدّتی بعد درگذشته است.(۱)

ملّا محمّد طاهر اصفهانی

ملّا محمّد طاهر بن محمّد کاظم اصفهانی، عالم فاضل. در اصفهان متولّد شده و جهت تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رفته، به درس فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و شیخ زین العابدین مازندرانی و غیره حاضر شده و از این سه استاد اجازه روایت گرفت.

او پس از مراجعت به ایران، در شهر ری ساکن شده و مرجعیّت تامّه یافته و به ترویج دین و دفع بدعت های معاندین و مخالفین اهتمام زیاد به عمل آورد. او در حدود سال ۱۳۱۰ق وفات یافت و در صحن امامزاده عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر ری مدفون شد. از او جزواتی در فقه و اصول باقی مانده است. پدرش از علمای اعلام بوده و شیخ محمّد جواد نیز از علماء و فضلاء می باشد.(۲)

محمّد طاهر تبریزی*

محمّد طاهر بن حاجی محمّد قلی تبریزی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. وی نزد عباس مولوی (از شاگردان ملّا رجبعلی تبریزی) به تحصیل فلسفه مشغول بوده و سالها در اصفهان اقامت داشته است. وی در سال ۱۰۷۵ق نسخه ای از «حل

۱- نسائم الاسحار، ص۷۹؛ دائره المعارف دانش بشر، ص ۵۸۱.

۲- نقباء البشر، ج۳، ص۹۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۴۴.

مشکلات الاشارات» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی را در خدمت عباس مولوی به خط نسخ کتابت نموده است. این کتاب در کتابخانه آستانه حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم موجود است.(۱)

طاهر جورجیری اصفهانی

ابوالقاسم طاهر بن محمّد بن احمد بن عبداللّه عکلی جورجیری اصفهانی [از محدّثین اوایل قرن پنجم هجری] از «ابی بکر مقری» حدیث روایت نموده و در ماه جمادی الاولی سال ۴۳۹ق وفات یافته است.

محلّه «جورجیر» از محلّات قدیم اصفهان است.(۲) و اکنون به نام محلّه «مسجد حکیم» معروف است.

طاهر مافرّوخی اصفهانی

ابومسلم طاهر بن محمّد عبداللّه بن حمزه مافرّوخی جوزدانی اصفهانی، جدّ مادری مؤلف «محاسن اصفهان» بوده و نسب او به «ابومسلم خراسانی اصفهانی» می پیوندد. در «ترجمه محاسن اصفهان» شرح مفصّلی از کیاست و فراست او نقل نموده و همچنین اشعاری بدو نسبت داده است.(۳)

میرزا محمّد طاهر شهرستانی

میرزا محمّد طاهر حسینی شهرستانی بن سیّد رضی الدّین محمّد صدر شهرستانی اصفهانی، شاعر ادیب [از شعرای قرن یازدهم هجری. مادرش حوابیگم دختر شاه عباس اوّل صفوی است. در زمان کودکی به دستور شاه صفی کور شد، اما از تحصیل علم و ادب غافل نشد. در شعر طبعی روان داشت.(۴)]

۱- فهرست آستانه قم، ص۱۱۳.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص ۱۸۰؛ اللباب، ج۱، ص۲۰۶.

۳- ترجمه محاسن اصفهان، ص۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲؛ محاسن اصفهان، ص۳۱.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۸؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

کتاب «تقویم الصلاه» به او منسوب است، در زمان شاه سلطان حسین تألیف شده و در قرن چهاردهم هجری چاپ سنگی شده است.(۱)

محمّد طاهر اشتهاردی

محمّد طاهر بن حاج محمود اشتهاردی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۸۴ق کتاب «شفا» تألیف: ابن سینا را در مدرسه نجفیّه معروف به مدرسه تو شمال باشی در اصفهان کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

طاهر اصفهانی*

طاهر بن محمود اصفهانی، از فضلاء و دانشمندان اصفهان است و در ریاضیات خصوصا در هندسه مهارتی به سزا داشته و ظاهرا او در قرن نهم هجری می زیسته است.(۳)

طاهر کاتب اصفهانی

ابوالمعالی طاهر بن مفضل (فضل) بن محمّد بن طاهر بن سلمه کاتب اصفهانی [از محدّثین عامّه اوایل قرن ششم هجری.] در اصفهان از: «ابومحمّد رزق اللّه بن عبدالوهاب فقیه تمیمی» حدیث شنیده است. «ابوسعد سمعانی» در اصفهان از وی استماع حدیث کرده است.(۴)

۱- الکواکب المنتشره، صص ۳۹۶ و ۳۹۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۵۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۴.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۶۸.

۳- فهرست رضوی، ج۱۰، ص۵۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۳۴۶.

حاج محمّد طاهر ورنوسفادرانی

حاج محمّد طاهر بن حاج مقصود علی ورنوسفادرانی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محدّث و صالح متّقی، از علمای اواخر دوره صفویه.

اصلًا از قریه «ورنوسفادران» از قرای سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] اصفهان است. آقا محمّد باقر هزارجریبی نجفی در اجازه ای که در سال ۱۱۹۵ق برای سیّد محمّد مهدی بحرالعلوم نوشته، از او با این القاب یاد کرده است:

«الفقیه العالم الورع التّقی النّقی الثّقه العدل العالم الرّبانی»

وی در اصفهان نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تلمّذ پرداخته و به اجازاتی از او مفتخر شده است. از جمله «الرّوضه البهیّه» را نزد او خوانده و علّامه در پشت جلد اوّل کتاب «الروضه» برای او اجازه نوشته است. همچنین کتاب «بحارالانوار» جلد ششم را نزد او قرائت کرده که استاد در ۱۶ شعبان ۱۱۰۲ق در آخر این کتاب برای او اجازه نوشته است. که این نسخه در کتابخانه اهدایی آقای مشکات به دانشگاه طهران موجود است. اجازه دیگری نیز در آخر «اصول کافی» در ۱۰ جمادی الاوّل ۱۰۸۷ق برای او نوشته است. این نسخه در کتابخانه مدرسه بروجردی در نجف موجود بوده است.

حاج محمّد طاهر در اصفهان به تدریس مشغول بوده و اغلب فقه و حدیث درس می داده و جمعی از فضلاء از درس او بهره می بردند. شیخ محمّد علی حزین «استبصار» شیخ طوسی و «شرح لمعه» را از او آموخته است. سیّد ابوالقاسم جعفر خوانساری نیز «صحیفه سجادیه» را نزد او قرائت کرده و استاد در آخر صحیفه در روز ۱۸ محرم الحرام ۱۱۲۹ق جهت شاگرد اجازه نوشته است. امیر محمّد حسین بن عبدالباقی خاتون آبادی، ملّا محمّد بن محمّد زمان کاشانی و میرزا ابراهیم قاضی نیز از او روایت

می کنند. نوه اش محمّد باقر بن محمّد قاسم هم در ۱۰ جمادی الثانی ۱۱۳۱ق از او اجازه اخذ کرده است.

«مجموعه الادعیه و الزّیارات» از تألیفات اوست که آن را در ۷ محرم ۱۱۲۹ق در کربلای مُعلّی به رشته تحریر در آورده است.

سال وفات او معلوم نشد.(۱)

محمّد طاهر حافظ اصفهانی

محمّد طاهر بن محمّد مؤمن حافظ اصفهانی [از دانشمندان و دانایان به قرائت و تجوید در قرن یازدهم هجری] وی مؤلف «التجرید فی التجوید» یا «عین التّنزیل» است که آن را به فارسی در یک مقدّمه و چند ضابطه در سال ۱۰۴۴ق نوشته و نسخه به شماره ۳۴۵۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۲)

نسخه دیگری از «التّجرید» به شماره ۳۱۹۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

طاهر اصفهانی

طاهر بن یحیی، از علماء قرن یازدهم هجری در اصفهان. وی از جمله کسانی است که به جریان وقف مدرسه نوریّه اصفهان شهادت داده است. سجع مهر او: «الطاهر بن یحیی ۱۰۳۴» بوده است.(۴)

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۶۹؛ نجوم السماء، ص۲۳۰؛ اجازات الحدیث، ص۲۲۵؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۹۵ و ۳۹۶؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۴۴ و ۷۴۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۸ و ۴۹؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۳۳؛ الذریعه، ج۲۰، ص۶۵؛ فیض قدسی، ص۱۵۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۳۴؛ فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۱۸۹؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۵۱۹.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش سوم، ص۱۳۰۹.

۳- فهرست مرعشی، ج۸، ص۴۱۶.

۴- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۹۵.

محمّد طاهر تبریزی

محمّـد طـاهر تبریزی [از فضـلاء سـاکن اصـفهان در قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۷۷ق کتابت نسـخه ای از کتاب «اسـتبصار» تألیف: شـیخ طوسـی را به خط نسـخ در اصـفهان به پایان رسانیده است. نسـخه به شـماره ۴۹ در کتابخـانه جـامع گوهرشاد در مشهد مقدس.(۱)

سیّد محمّد طاهر تویسرکانی*

سیّد محمّد طاهر تویسرکانی، عالم فاضل و عارف زاهد، از علمای اواخر دوره قاجاریه.

در همدان مقدّمات علوم دینی را فرا گرفت. سـپس به تهران رفته و در جنب مدرسه دارالفنون، در مدرسه ای به ادامه تحصـیل پرداخت امّا چون آوازه جامعیّت حوزه علمیه اصـفهان را شـنید به اصـفهان آمده و در مدرسه صدر حجره گرفت و به تحصـیل مشـغول شد. جهانگیرخان قشقائی و آخوند کاشی از مصاحبان و همدرسان او بودند و در روحیه با صفای او تأثیر فراوان به جا گذاشتند.

وی در مسـجد سـرخی اصـفهان اقامه جماعت می نموده و از نزدیکی به حکام و بزرگان شـهر پرهیز داشـته است. ظل السّلطان حاکم سـتمگر اصـفهان کیسه ای پر از سـکه های طلا نزد او می فرسـتد تا آنرا سیّد تویسرکانی میان فقراء تقسیم کند. سیّد که آنرا حاصل زورگویی به زحمتکشان و گرفتن حق آنان به زور می دانسـته است، پولها را پس می فرستد و در نامه ای این بیت را برای ظل السّلطان می نویسد:

ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم با پادشه بگوی که روزی مقدّر است

۱- فهرست گوهرشاد، ص ۲۱۱.

وی سرانجام در ماه جمادی الاولی سال ۱۳۲۷ق وفات یافته و در اطاق بالا سر قبر میر ابوالقاسم فندرسکی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

فرزندش سیّد حسین طاهرزاده از هنرمندان برجسته موسیقی و استاد مُسَلّم آواز ایران است.(۱)

محمّد طاهر حجار اصفهانی*

محمّد طاهر حجار اصفهانی، از هنرمندان دوره صفویه است. در سنگتراشی استاد بوده و تا سال ۱۱۳۳ق در قید حیات بوده است. از آثار او: حجاری سنگاب مدرسه چهارباغ است که رقم آن چنین است:

«در شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۱۰ق به انجام رسید عمل کمترین محمّد طاهر»(۲)

همچنین حجاری سنگاب بقعه امامزاده سلطانعلی بن امام محمّد باقر علیه السلام در مشهد اردهال کاشان که در سال ۱۱۳۳ق کار حجاری آن پایان پذیرفته است.(۳)

حاج محمّد طاهر حکاک*

حاج محمّد طاهر حکاک اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری. در حکاکی بر روی سنگ های قیمتی استاد بوده و حکاکی های او بر روی عقیق بسیار مشهور و قیمتی است. در خوشنویسی، و کتیبه نگاری و ترکیب بندی استاد بوده و برای ناصرالدّین شاه مُهر می ساخته است. وی حدود ۹۰ سال عمر کرده و در اصفهان درگذشته است.(۴)

محمّد طاهر درکوشکی*

۱- مجله مقام: شماره ۵، دوره جدید، ص۲۸؛ یادداشت های آقای رسول دادنجانی؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۹۵-۶۹۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۸۴۷.

۳- آثار تاریخی شهرستان های کاشان و نطنز، ص۸۴؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۳۱۰.

۴- تاریخ برگزیدگان و عده ای از مشاهیر ایران و عرب، صص ۵۲۳ و ۵۲۴؛ روزنامه توس، یکشنبه ۴ مرداد ۱۳۷۷، ص۵.

محمّد طاهر اصفهانی، شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری در محله درکوشک اصفهان ساکن بوده و به شغل شعربافی امرار معاش می کرده است. عاقبت به هند رفته و قبل از سال ۱۰۸۳ق وفات یافت. گاهی شعر می سرود.

این شعر را در مذمّت مردم هندوستان سروده است:

در هند کسانی که گرفتند وطن مانند غلیواج نه مردند و نه زن

این رسم عجب نگر که در ملکت هند زن شوهر شوهر است و شوهر زن زن(۱)

میرزا محمّد طاهر شهاب اصفهانی*

میرزا محمّد طاهر اصفهانی متخلّص به «شهاب» شاعر و ادیب خوشنویس قرن سیزدهم هجری.

در اصفهان متولّد شد و با اینکه از خاندان تجار معتبر اصفهان بود، به علم و ادب روی آورده به تحصیل مشغول شد و در کنار آن به مشق خط پرداخته و به مقام عالی در خوشنویسی رسید. خطوط نسخ و ثلث و رقاع را خوش می نوشت. او نسخه ای از «قرآن مجید» را کتابت کرده و خدمت فتح علی شاه فرستاد. او سالها در اصفهان ساکن بود تا اینکه در سال ۱۲۳۳ق از اصفهان به شیراز رفت و مورد عنایت فرمانفرما حسینعلی میرزا قرار گرفت و مصاحب فرزند فرمانفرما، نجفقلی میرزا گردید و به همراه او به بهبهان رفت. پس از مرگ فتح علی شاه، او به شوشتر و هویزه رفته و در آنجا انزوا اختیار کرد. او قصایدی در مدح منوچهرخان گرجی معتمدالدّوله حاکم اصفهان سروده که در تذکره مدایح معتمدیه آمده است.(۲)

از آثار او بحر طویلی به نام «ذم زنان» است که ضمن مجموعه شماره ۲۳/۱۲۸۷ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم نگهداری می شود. محمّد بن محمّد کریم تاجر

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۷؛ کاروان هند، ج۱، ص ۷۹۰.

۲- تذکره مدایح معتمدیه: خطی؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۹۰۲.

شوشتری در سال های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۸ق این مجموعه را کتابت کرده است.(۱)

این چند بیت از یکی از قصاید اوست:

ای قد سروت به جلوه قامت طوبی وز گل رویت به رشک لاله حمرا

لاله حمرا کجا و گلشن رویت قامت سروت کجا و جلوه طوبا

طره حور است پیچ زلف تو آری لعل لبت حوض کوثری ست مهیّا

حاج طاهر شیرازی

حاجی طاهر شیرازی، عالم فاضل، از علماء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و به تدریس فقه و حدیث می پرداخته و جمعی از فضلاء از محضر او مستفیض می شده اند که از آن جمله است. میر ابوالقاسم موسوی بیضاوی (متخلّص به قاسم).(۲)

میر محمّد طاهر علوی کاشانی

میر محمّد طاهر علوی کاشانی، شاعر ادیب از سخنوران قرن دوازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود سپس در عهد عالمگیر پادشاه به هند رفته و در کشمیر ساکن شد و در سال ۱۱۳۶ق در همانجا وفات یافت. وی غیر از «دیوان اشعار» منظومه ای به نام «حدّاد و حلّاج» داشته است.

از اوست:

امشبم چون شیشه مِی، دل ز تنهایی پُر است همچو ساغر همدمی کو، تا دلی خالی کنم(۳)

۱- فهرست خطی احیاء، ج۴، ص۱۱۳.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۳۴.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۲۹؛ صحف ابراهیم، ص۱۹۹؛ الذریعه، ج۹، ص۷۳۷ و ج۲۳، ص۱۰۳؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۱۹۱؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «علوی کاشانی»، ص۴۸؛ کاروان هند، ج۲، صص ۹۰۷ و ۹۰۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۲۱؛ هدیه العارفین، ج۲، ص۳۱۷.

میرزا طاهر مستوفی

میرزا طاهر، مستوفی و مشرف مسجد جامع جدید عباسی (مسجد شاه) [مسجد امام کنونی] بوده و نامش در وقفنامه مسجد مزبور ذکر شده است.(۱)

در هر حال از بزرگان اصفهان در قرن یازدهم هجری است.

طاهر محتسب

طاهر محتسب، از ادبای اصفهان در قرن سوم هجری است. مافرّوخی (مؤلف محاسن اصفهان) او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء که متقدّم بر عهد مافرّوخی بوده اند، آورده است.(۲)

میرزا محمّد طاهر نایینی

محمّد طاهر نایینی، عالم فاضل [و محدّث محقّق از دانشوران قرن یازدهم هجری] در اصفهان نزد جمعی از فضلاء به تحصیل مشغول بوده و علّامه مجلسی در ذیقعده الحرام سال ۱۰۹۵ق بر روی برگی از یکی از مُجلَّدات «بحارالانوار» اجازه مختصری برای او نوشته است.(۳)

میرزا طاهر نزهت اصفهانی

میرزا طاهر انصاری متخلّص به «نزهت» از شعرای قرن چهاردهم هجری. او در حدود سال ۱۳۰۰ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خویش را مطابق سبک زمان نزد

۱- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۶۰.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۲.

۳- اجازات الحدیث للعلّامه المجلسی، ص ۲۲۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۹۸ و ۳۹۹؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص ۱۱۲؛ الذریعه، ج ۱، ص ۱۵۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۴۷.

اساتید اصـفهان به پایان رسانید. او در شعر و ادب دارای طبعی روان بود و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و سرانجام در شوّال ۱۳۵۱ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

این شعر از اوست:

تو را دو زلف سیه تا به روی گلگون است مرا ز غصه دل آشفته و ز غم خون است

چنانکه میروی آخر دمی نگاهی کن ببین که حال دل از دست رفتگان چون است

طاهری نایینی

ملّا طاهری نایینی، از شـعرای قرن یازدهم هجری. خوش طبع و لطیف خیال بود و چنـدی در اصـفهان ساکن بود. گوینـد آلوده هوا و هوس بوده و بدین خاطر شاه عباس لب و دهان او را سوزانده است.

این شعر از اوست:

ای پری از من دیوانه رمیدن زود است رشته عهد به یکباره بریدن زود است

صید خال تو نشد دل، چه زنی چین به جبین مرغ چون رام نشد دام کشیدن زود است(۲)

طبعی قزوینی*

طبعی قزوینی، از شعراء و ادبای قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۰۴ و ۵۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۱۹.

خدمت و مصاحبت حکیم شـفایی به تحصیل و علم و ادب می پرداخت و همچون استاد، طبعش به هزل و هجو مایل بوده و در هجو برخی از شعرای روزگار خود مانند کاملای کاشی و شاپور طهرانی شعر سروده است.

از اوست:

لذّت تنگدلی باد بر آن غنچه حرام که به امداد صبا میل شکفتن دارد(۱)

طلحه جیانی اصفهانی

ابوالهیثم طلحه بن اعلم حنفی جیانی اصـفهانی، از محدّثین عامه اصـفهان. از «عامر شـعبی» روایت نموده و «سـفیان ثوری» از او روایت کرده است.

«جیان» از دهات بلوک «قهاب» اصـفهان است و در آنجا جایی به نام «مشـهد سلمان فارسی» شهرت داشته است. از «هبه اللّه بن عبدالوارث شـیرازی» نقل شده که سـلمان فارسـی به ایران بازگشته و در فتح اصفهان شرکت داشته و مسجدی در زادگاه خود قریه «جیان» بنا نهاده است.(۲)

طلحه صالحانی

طلحه بن حسـین بن ابی ذر محمّـد بن ابراهیم بن علی صالحانی اصـفهانی [از محـدّثین عامّه اصـفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] در اواخر عمر کور شده و در سال ۵۱۵ق وفات یافته است.(۳)

«صالحان» از محلّه های اصفهان بوده است.

از «ابوذر محمّـد بن ابراهیم صالحانی» (جـدّ خود) و «ابوبکر محمّـد بن عبـداللّه بن ریذه ضبّی» حدیث شـنیده و از آنان روایت کرده است. او در سال ۵۰۶ یا ۵۱۰ق جهت «ابوسعد سمعانی» اجازه نوشته است.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۳۱.

۲- معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۹۶.

۳- معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۸۹ ذیل کلمه صالحان.

۴- التحبیر، ج ۱، ص ۳۵۰.

طلحه اصفهانی

ابوزید طلحه بن عبدالرّزاق بن احمد بن عبداللّه [اصفهانی] برادرزاده «حافظ ابراهیم اصفهانی تاجر» [از محدّثین قرن چهارم هجری، در سال ۳۷۴ق متولّد شده و از «ابن مقری» روایت می کند. در نیشابور حدیث می گفته است. «ابوعلی حسن بن احمدبن حسن خلّاد اصفهانی» از او روایت می کند.(۱)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۱۷۸؛ المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، ص۱۵۱.

«ظ»

اشاره

ظفر نیشابوری

ابونصر ظفر بن احمد بن حسین نیشابوری (معروف به «جبیلی»)، از بزرگان صوفیه [در قرن چهارم هجری [به اصفهان رفت و در آنجا در محرم ۳۸۲ق وفات یافت.

حافظ ابونعیم اصفهانی از او و «ابونصر» از «ابوجعفر محمّد بن حسن بن علی بن عمار مؤدب نیشابوری» روایت می کند.(۱)

ظفر حسن آبادی*

ابوالفتح ظفر بن عبدالرّحیم حسن آبادی اصفهانی، از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری است. او از ابی اسحاق ابراهیم بن عبداللّه بن خُرشیدقوله تاجر حدیث نقل کرده است. وفاتش در ماه جمادی الآخر سال ۴۶۸ق واقع شد.(۲)

ظفر معلّم اصفهانی

ابوالفضل ظفر بن محمّد بن احمد بن حسین بن طاهر بن بکران معلّم اصفهانی [از محدّثین عامّه اوایل قرن ششم هجری].

از «ابومحمّد رزق اللّه تمیمی»، «ابوالقاسم ثقفی»، «ابومطیع مصری» و دیگران حدیث شنیده است. «ابوسعد سمعانی» او را ملاقات کرده و از او به عنوان «شیخ صالح سدید السیره» یاد کرده و می نویسد: در اصفهان معلّم قرآن اطفال بوده است. «سمعانی» در اصفهان از او استماع حدیث نموده است.(۳)

ملّا ظفرعلی جرأت اصفهانی*

ملّا ظفرعلی اصفهانی متخلّص به «جرأت»، از شعرای اصفهان در عصر صفویه است.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۵۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ظفر»، ص۱۳.

۲- الانساب، ج۴، ص۱۵۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۳۵۸.

در جوانی به سیاحت پرداخت و مدّتی در مدرسه اصفهان ساکن شد. این شعر از اوست:

ساقی است ستیزه کار با ما آیا چه کند خمار با ما؟

امروزی نیست، از قدیم است ناسازی روزگار با ما(۱)

محمّد ظهیر اصفهانی

محمّد ظهیر بن محمّد معصوم اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۱۱ق نیمه اوّل تفسیر «الوجیزه» تألیف: ابی الحسن علی واحدی نیشابوری ساوجی را کتابت نموده است. این نسخه در مدرسه سبزواری در خراسان موجود است.(۲)

ظهیر فارسی

ظهیر فارسی [از دانشمندان و حکمای قرن ششم هجری] در اصفهان ساکن بود و «شیخ شهاب الدّین یحیی بن حبش سهروردی» کتاب «بصائر النّصریّه» را در منطق نزد او تلمُّذ نموده است.(۳)

۱- منتخب اللطایف، ص۲۲۲؛ تذکره حسینی، ص۸۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۹۲؛ صحف ابراهیم، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۲- الذریعه، ج۲۵، ص۴۳؛ الکواکب المنتشره، ص۴۰۵.

۳- تاریخ زنجان، ص۷۷.

فهرست مطالب

ص: ۵۸۱

ص: ۵۸۲

ص: ۵۸۶

ص: ۵۸۷

«س»

ص: ۵۹۰

«ص»

«ض»

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹